

صاحب امتیاز: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی  
مدیر مسئول: کاظم جلالی  
سر دبیر: حسن سبحانی  
مدیر داخلی: حسین صدری‌نیا

### اعضای هیئت تحریریه:

- ابراهیم بیگزاده (استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی)
- بهزاد پورسید (استادیار پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)
- فتح‌اله تاری (دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی)
- حسن سبحانی (استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران)
- سعید سهراب‌پور (استاد دانشکده مهندسی مکانیک دانشگاه صنعتی شریف)
- سیدمحمدرضا سیدنورانی (دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی)
- محمد قاسمی (استادیار پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)
- ایروان مسعودی اصل (استادیار پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)
- الیاس نادران (دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران)
- محمدقلی یوسفی (استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی)

داوران این شماره: عادل آذر، حمیدرضا آصفی، فیروزه آقاابراهیمی سامانی، سیدداود آقایی، حمید ابریشمی، کریم اسلامولویان، اصغر افتخاری، علی امامی میبدی، جلیل امیدی، علیرضا انتظاری، حمید بهره‌مند، فرهاد رهبر، صباح زنگنه، حسن سبحانی، علی سوری، سیدمحمدرضا سیدنورانی، ایرج صالح، علی اکبر عرب‌مازار، اسداله فرزین‌وش، مصطفی کواکبیان، الهه کولایی، منوچهر متکی، منوچهر محمدی، مهدی مرتضوی، محمدرضا منجذب، منوچهر منطقی، علی اکبر مهرابی

این فصلنامه به استناد نامه شماره ۹۵۸-۳/۲۷ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۴ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دارای درجه علمی پژوهشی است.

این فصلنامه در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:  
پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)  
مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی  
بانک اطلاعات نشریات کشور

www.isc.gov.ir  
www.sid.ir  
www.magiran.com

تهران، خیابان شهید سپهبد قرنی، بعد از چهارراه شاداب، پلاک ۱۳۱  
دفتر فصلنامه: ۸۳۳۵۷۱۵۸  
دورنگار: ۸۳۳۵۷۱۵۷ امور مشترکین: ۸۳۳۵۷۷۳۱  
www.nashr.majlis.ir  
mremag@majlis.ir  
rc.majlis.ir

ویراستار: شیوا امین اسکندری  
ترجمه و اصلاح چکیده‌ها: احسان میرزابابایی  
صفحه‌آرا: نسیم ثانوی  
طراح جلد: علیرضا عاشورزاده  
امور سایت: نسیم ثانوی، ناهید عطاردی

□ نقل مطالب مندرج در فصلنامه با ذکر مأخذ آزاد است.  
□ مسئولیت صحت اطلاعات مندرج در مقالات به عهده نویسندگان است.

## شیوه‌نامه نگارش مقاله

۱. ساختار مقاله طبق روش علمی شناخته‌شده‌ای باشد و چکیده، کلیدواژه‌ها، مقدمه، متن ساختارمند، نتیجه‌گیری و منابع و مآخذ داشته باشد و روش تحقیق شامل موضوع تحقیق، اهداف تحقیق، فرضیه‌ها یا سؤالات تحقیق و ادبیات موضوع به صورت مختصر ولی روشن و در حد امکان در بخش مقدماتی (مقدمه مقاله) ارائه شود.
۲. چکیده حداکثر دارای ۳۰۰ واژه و دربردارنده عنوان و موضوع مقاله، روش تحقیق و مهم‌ترین نتایج و فهرستی از کلیدواژه‌ها (حداکثر ۱۰ واژه)، به‌طور جداگانه ضمیمه مقاله شود و در پاورقی رتبه‌بندی دانشگاهی، دانشگاه محل خدمت و پست الکترونیکی ارائه شود.
۳. ترجمه انگلیسی عنوان مقاله، چکیده و کلیدواژه‌ها همراه مقاله ارسال گردد.
۴. مقاله در قالب صفحه A4 با رعایت فضای مناسب در حاشیه‌ها و میان سطرها حروفچینی شود.
۵. برای ارزیابی مقاله فایل آن به پست الکترونیکی فصلنامه ارسال گردد.
۶. حجم مقاله، از ۳۰۰۰ کلمه کمتر و از ۱۲۰۰۰ کلمه بیشتر نباشد.
۷. مقاله ارسالی نباید در هیچ مجله داخلی یا خارجی چاپ و یا به سایر مجلات فرستاده شده باشد.
۸. فصلنامه مجلس و راهبرد در اصلاح و ویرایش مقالات آزاد است و مقاله ارسال شده، بازگردانده نمی‌شود.
۹. JEL (طبقه‌بندی موضوعی) در انتهای واژگان کلیدی درج شود.
۱۰. در مقابل اطلاعات، آمار و هرگونه ادعایی، منبع به صورت ذیل (درون‌متنی) آورده شود. این بند شامل جدول‌ها و نمودارها نیز می‌شود.
  - منابع فارسی: (نام خانوادگی مؤلف، سال نشر: صفحه)؛ مثال: (فرهادی، ۱۳۷۶: ۶۵).
  - منابع لاتین: (صفحه: سال نشر، نام خانوادگی مؤلف)؛ مثال: (Smith, 1995: 18).
  - در صورت تکرار پی در پی (بدون فاصله) منابع، به ذکر کلمه همان با شماره صفحه و در لاتین "Ibid." و شماره صفحه اکتفا شود.
  - چنانچه از نویسنده‌ای در یک سال بیش از یک اثر انتشار یافته باشد، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار، از یکدیگر متمایز شوند.
۱۱. ذکر معادل غیرفارسی واژه‌های تخصصی، اسامی افراد یا مکان‌ها در پاورقی ضروری است.
۱۲. در پایان مقاله، فهرست الفبایی منابع فارسی و لاتین (کتابنامه) به صورت زیر ارائه شود (ابتدا منابع فارسی و عربی و سپس منابع لاتین):
  - کتاب: نام خانوادگی و نام نویسنده (تاریخ چاپ). نام کتاب، نام مترجم، محل انتشار، نام ناشر، شماره چاپ، جلد. مثال: پوتی، ژوزف ام. (۱۳۷۱). مدیریت دولتی و شیوه‌های بهبود آن، ترجمه عین‌ا... علا، تهران، زوار.
  - مقاله مندرج در مجلات: نام خانوادگی و نام نویسنده (سال انتشار). «عنوان مقاله»، نام نشریه، دوره نشریه، شماره نشریه. مثال: الوانی، سیدمهدی و پرویز احمدی (۱۳۸۰). «طراحی الگوی جامع مدیریت عوامل مؤثر بر بهره‌وری نیروی انسانی»، نشریه مدرس، ش ۱.
  - مقاله مندرج در مجموعه مقالات یا دایرةالمعارف‌ها: نام خانوادگی و نام نویسنده (تاریخ چاپ). «عنوان مقاله»، نام کتاب، نام ویراستار، محل انتشار، نام ناشر، شماره چاپ، شماره جلد. مثال: بینامطلق محمود (۱۳۸۲). «فلسفه زبان در کراتیل افلاطون»، مجموعه مقالات همایش جهانی حکیم ملاصدرا، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، جلد هفتم.

# فهرست مطالب

• الگوی توسعه اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران / ۵۱

یثمین پور

• ریشه‌ها، مصادیق و پیامدهای فساد انتخاباتی / ۳۵

مدی امیری

• بهره‌وری انرژی، آلاینده‌ها و مالیات‌های زیست محیطی از نگاه عدالت اقتصادی

(مطالعه موردی صنایع کانی غیرفلزی در ایران) / ۵۷

محمدعلی فیضی پور، ابوالفضل شامجوی، محمد خلیلا سرکار

• امنیت منطقه‌ای در قلمرو اوراسیا و جایگاه ایران / ۷۷

مسعود رضایی، شهاب جلیان

• ارائه الگوی بهینه تصمیم‌گیری مبتنی بر مدل اجتماعی تصمیم‌گیری در سازمان‌های دولتی / ۱۱۷

فاطمه طاهری، نغمه زینب، نادر بعلق زینب، بهرام سرست

• سنجش تطبیقی ریسک اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۰ / ۱۳۳

مدی جدی، حسین دی‌کوردانی

• بررسی قانون مجازات اسلامی جدید در سنج ضوابط قانون مجازات / ۱۶۵

روح‌الله اکرمی

• بررسی ناهمبستگی اسمی نرخ ارز در اقتصاد ایران / ۱۹۹

امیرحسین خزینی، سعید قربانی

• نقش نظام های سیاسی نامتجانس حوزه خلیج فارس در بی ثبات سازی امنیت منطقه / ۲۳۵

عبدالرضا فرجی راد، سید مصطفی هاشمی

---

• طراحی الگوی جهت ارزیابی سیاست پژوهی (مطالعه موردی: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی) / ۲۶۷

رحمت... قلی پور، انشین علی پورچانی، محمد حسن معادی رودسری

---

• جایگاه محیط زیست در برنامه های پنج ساله توسعه، از منظر هفت عنوان منتخب / ۲۹۷

همدی کهدانی، علی امامی میدی

---

• آزمون ارتباط بلندمدت و کوتاه مدت میان درآمد و مخارج دولت: با لحاظ شکست ساختاری / ۳۳۷

عباسعلی رضایی

# الگوی توسعه اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران میثم پیله فروش\*

تاریخ دریافت ۱۳۹۲/۱۱/۲۹ تاریخ پذیرش ۱۳۹۴/۱/۱۸

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان «مبیین نهادها و مناسبات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی»، راهگشای روشنی برای ارائه الگوی توسعه‌ای است که هم اسلامی است و هم ایرانی. در این قانون برای تمامی قلمروها اعم از سیاسی، اقتصادی و فرهنگی الگویی برای زندگی جمعی وجود دارد. این الگوها در تعامل با یکدیگر، نظام قانون اساسی برای رسیدن به جامعه آرمانی مورد نظر را شکل می‌دهند. هدف نهایی این نظام زمینه‌سازی رشد و تعالی و پیشرفت انسان و ساخته شدن «انسان کامل» است.

وظایف اقتصادی تعیین شده برای دولت در قانون اساسی به گونه‌ای است که می‌توان الگوی اقتصادی قانون اساسی را «الگوی تأمین نیازهای اساسی» نامید. در این الگو دولت وظیفه دارد همه امکانات کشور را در جهت رفع نیازهای اساسی (شامل مسکن، غذا، پوشاک، بهداشت و درمان، آموزش، امکانات تشکیل خانواده، تربیت بدنی، امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی برای احراز مشاغل و برخورداری از تأمین اجتماعی) همه افراد جامعه به کار گیرد. این الگو انعطاف‌پذیر، مرحله‌ای، هدفدار و قابل اندازه‌گیری بوده و با الگوی سیاسی و فرهنگی قانون اساسی کاملاً مرتبط است.

همچنین با عملیاتی شدن این الگو که همان تأمین نیازهای اولیه هر انسان است شرط لازم پیشرفت فراهم می‌شود. در منطق قانون اساسی پیشرفت جامعه چیزی جز تحقق «انسان کامل» نیست.  
**کلیدواژه‌ها: قانون اساسی؛ الگوی توسعه؛ ایرانی - اسلامی؛ وظایف دولت؛ نیازهای اساسی**

\* دانشجوی دکتری اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی؛

E-mail: maitham.p@gmail.com

## مقدمه

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان میثاق مردمی مبتنی بر اندیشه خیرگان انقلابی در سال ۱۳۵۸ به تأیید مردم ایران رسید و در سال ۱۳۶۸ با تأیید مجدد مردم اصلاحاتی در آن انجام شد. بی شک رسالت قانون اساسی، ارائه جامعه نمونه اسلامی است که بتواند «الگو و شهیدی بر همگی مردم جهان» باشد. قانون اساسی تلاش دارد جامعه‌ای بسازد که در آن «انسان با ارزش‌های والا و جهان‌شمول اسلامی پرورش یابد» (مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) و «در مسیر تکامل انسان هر فرد خود دست‌اندرکار و مسئول رشد و ارتقا و رهبری گردد» (مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) تا بدین گونه تحقق «حکومت مستضعفین» در زمین صورت گیرد. جامعه‌ای که قانون اساسی تبیین می‌کند جامعه‌ای آرمانی مطابق با موازین اسلامی و متناسب با شرایط ایران و برگرفته از اهداف انقلاب اسلامی است که هدف غایی آن ایجاد زمینه‌های لازم برای ساختن «انسان کامل» است. «انسان کامل»ی که «مسئول» است و در پی رسیدن به حیات طیبه در این دنیا و سرای آخرت است.

در استفاده از قانون اساسی برای طراحی الگو باید توجه کرد که قانون اساسی یک مجموعه به هم پیوسته است. به طوری که هر یک از اصول قانون اساسی پیوند متقابل با این مجموعه دارد و در تمامی قلمروهای قانون اساسی اعم از سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، اخلاقی و قضایی این پیوستگی مشاهده می‌شود. نگاه درست نسبت به اصول قانون اساسی به عنوان اجزای یک کل به هم پیوسته این است که باید در یک مرحله، اجزا را در ارتباط با کل و در مرحله دیگر کل قانون اساسی را در ارتباط با اصول خاص آن بررسی کرد. در بسیاری از مواقع تمرکز بر یک اصل قانون اساسی بدون توجه به کلیت آن و ارتباط سایر اجزا با آن، تفسیرها و رویه‌های عجیب از قانون اساسی را سبب شده است.

به عبارت دیگر قانون اساسی یک نظام است که هدف خاصی را که همان ایجاد زمینه برای رشد انسان‌ها و رسیدن به مرتبه «انسان کامل» و «مسئول» و «تحقق حکومت مستضعفین در زمین» است، دنبال می‌کند. محققان می‌توانند الگوهای مختلف اقتصادی،

سیاسی و فرهنگی را با توجه به کلیات نظام موجود در قانون اساسی طراحی و تبیین کنند. این الگوها با یکدیگر ارتباط متقابل داشته و عملیاتی کردن هر کدام از آنها بدون توجه با سایر الگوها، نتیجه مورد نظر قانون اساسی را نخواهد داشت.

این مقاله در پی تبیین دو محور اساسی است: اول، با مراجعه به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌توان الگوی اساسی - ایرانی پیشرفت و توسعه طراحی کرد. دوم، تبیین الگوی اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

به منظور تحقق هدف مذکور، مقاله به شرح زیر صورت‌بندی شده است: در فصل اول ضرورت مراجعه به قانون اساسی برای استخراج الگوی اساسی - ایرانی پیشرفت بیان شده و در فصل دوم الگوی اقتصادی قانون اساسی تشریح می‌شود. در فصل سوم نیز به جایگاه استراتژی نیازهای اساسی در الگوهای توسعه پرداخته می‌شود.

## ۱. ضرورت مراجعه به قانون اساسی برای استخراج الگوی اساسی - ایرانی پیشرفت<sup>۱</sup>

هر کشوری برای پیشرفت و توسعه نیاز به الگوهای جامع و مقبول و متناسب با ویژگی‌های آن کشور دارد تا راهنمای مردم و مسئولین برای رسیدن به اهداف نظام حاکم باشد. الگویی که با تغییر دولت‌ها و مجالس ثابت بماند و سیاستمداران رقابت خود را در عرصه سیاسی معطوف به اجرای سریعتر و بهتر و تکمیل آن الگو کنند. به نظر می‌رسد بهترین راه طراحی الگوی پیشرفت و توسعه کشور که هم اسلامی باشد و هم ایرانی، مراجعه به قانون اساسی است؛ زیرا هیچ متن دیگری به این اندازه مورد اجماع اسلام شناسان و رهبران انقلاب قرار نگرفته و به تأیید مردم ایران نرسیده است. قانون اساسی عصاره باورها و آرمان‌های مردم مسلمان ایران است و تنها سندی است که می‌تواند و باید ملاک ارزیابی سایر قوانین و سیاست‌ها و راهنمای طراحی الگوی پیشرفت کشور قرار گیرد.

---

۱. در این مقاله منظور ما از پیشرفت و توسعه یکی است.

### ۱-۱. تعریف الگو

به نظر می‌رسد گام اول در طراحی الگو تعریف آن است تا بدانیم ما اساساً به دنبال طراحی چه چیزی هستیم. الگو در لغت نامه دهخدا این گونه تعریف شده است: روبر، مدل، سرمشق، مقتدی، اسوه، قدوه، مثال، نمونه.

چند تعریف از الگو قابل ارائه است:

- شکل یا نمونه ساخته شده که به عنوان راهنما برای ساختن اشیای مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد؛  
- معیار و میزان برای ارزیابی فعالیت‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های دستگاه‌های مختلف کشور؛

- برداشتی انتزاعی از دنیای واقعیت (الوانی، ۱۳۸۸: ۱۷)؛

- چارچوب مفهومی ایستا یا پویا که ما را در تشریح، پیش‌بینی، تجویز و بازسازی واقعیت یاری دهد (همان).

در این مقاله منظور ما از الگو مجموعه قواعدی است که با یکدیگر رابطه نظام‌مند داشته و هدف خاصی را تعقیب می‌کنند. این قواعد باید هم راهنمای سیاست‌گذاران، قانونگذاران و مجریان باشد و هم معیارهایی برای ارزیابی اقدامات آنها فراهم کند. به عبارت دیگر الگو، بیان عملیاتی نظام اجتماعی مطلوب ماست.

در عرصه‌های علمی، الگوها یا مدل‌های مختلفی مورد استفاده قرار می‌گیرند، از قبیل مدل‌های ریاضی، مدل‌های ترسیمی و مدل‌های چندبعدی. اما در اینجا منظور ما از مدل، مدل‌های مفهومی<sup>۱</sup> است.

### ۱-۲. امکان‌پذیری استخراج الگو از قانون اساسی

مراجعه به «متن» برای طراحی الگو امری متداول و پذیرفته شده است. مدعای ما در این مقاله این است که مراجعه به قانون اساسی برای طراحی الگو امکان‌پذیر است زیرا «بسیاری



از پیشگامان علوم اجتماعی در غرب، نظریه پردازی خود را براساس تجزیه و تحلیل مستندات رسمی انجام داده‌اند. به‌عنوان مثال مارکس و انگلس از گزارش‌های بازرسان کارخانه‌ای در انگلستان در مطالعات اولیه خود در مورد طبقات کارگری استفاده گسترده‌ای کردند (انگلس، ۱۹۶۸؛ مارکس و انگلس، ۱۹۷۰). همچنین وبر (۱۹۲۲) از کتب و اسناد مربوط به مسائل مذهبی در پژوهش خود پیرامون جامعه‌شناسی مذهب و خاستگاه سرمایه‌داری در غرب استفاده وافر برد» (دانایی فر و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۸۳).

### ۳-۱. ایرانیت الگوی قانون اساسی

الگوی به‌دست آمده از قانون اساسی کاملاً ایرانی است زیرا تحولات انقلابی و جریاناتی که در دوره تغییرات عمیق در نظام سیاسی یک کشور تحقق می‌یابند، مهم‌ترین اصول عقیدتی و محورهای عمده آرمان‌ها و اهداف بلندمدت آن نظام سیاسی را ترسیم می‌کنند. یعنی به شیوه‌های گوناگون، از طریق زبان و قلم یا هر شکل دیگر اعلام می‌شود که قصد ساختن چه نوع بنایی اراده شده است و معماری آن بنا چگونه خواهد بود.

جامعه ایران نیز از این قاعده مستثنا نبوده و به‌خصوص در دوران مبارزه برای تأسیس جمهوری اسلامی، دارای اهداف و آرمان‌های روشن و صریحی بوده است که توسط رهبران انقلاب مطرح و با حمایت مردم پشتیبانی می‌شده است. با این اوصاف میل به زندگی در جامعه‌ای که با آرای اکثریت مردم اداره شود و جوهره چنین نظامی، موازین اسلامی باشد و بتواند استقلال و آزادی را برای کشور و مردمش به ارمغان بیاورد، تنها انگیزه اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران بوده است. مردم در فصول و اصول متعدد و گوناگون قانون اساسی، چشم‌انداز و حدود و ثغور خواسته‌های خود را در عرصه‌های مختلف نهادینه شده یافتند و لذا به تأیید آن همت گماشتند. در نتیجه، وقتی درباره الگوی موردنظر مردم مسلمان ایران در زندگی و چگونگی و مختصات آن صحبت می‌شود، می‌توان پاسخ مشخصی را ارائه کرد که همان قانون اساسی مورد تأیید «۹۸/۲ درصد کلیه کسانی که حق رأی داشتند» یا به عبارت دیگر «همه مردم» ایران است.

#### ۴-۱. اسلامیت الگوی قانون اساسی

هر نظام اجتماعی از اجزاء و هدف تشکیل شده است به عبارت دیگر «نظام مجموعه‌ای از عوامل به هم وابسته و پیوسته است که دارای تعامل طرفینی و اهداف مشخصی باشند» (رضوی، ۱۳۸۲: ۵). مهم‌ترین جزء هر نظام هدف آن است. این هدف مسیر حرکت نظام و کمال مطلوب نظام را شرح می‌دهد. نظام جمهوری اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نیست. هدف نظام جمهوری اسلامی و هر نظام اجتماعی دیگر را باید در پارادایم‌های متنی<sup>۱</sup> آن جست‌وجو کرد. متون رسمی در مقوله پارادایم‌های متنی قرار دارند که بخش جدایی‌ناپذیر هر نظام اجتماعی را شکل می‌دهند. این اسناد بسیاری از خصوصیات پارادایم‌های توصیفی کوهن<sup>۲</sup> (۱۹۷۸) را دربردارند، بدین ترتیب که فهم مسائل خاص را تعریف و روش‌های مختلف انجام امور را توصیف می‌کنند (دانایی‌فر و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۸۵).

به عبارت دیگر، اگر ما خواهان درک هدف نظام اجتماعی‌ای که رهبران انقلاب اسلامی به دنبال آن بودند هستیم یکی از مطمئن‌ترین راه‌ها مراجعه روشمند به قانون اساسی است. واضح است که الگوی استخراج شده از متنی با ویژگی‌های ذکر شده همه ویژگی‌های هدف نظام جمهوری اسلامی را خواهد داشت. حال باید دید هدف نظام جمهوری اسلامی چیست؟ مقدمه قانون اساسی هدف نظام جمهوری اسلامی را «رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی» (والی‌الله المصیر) می‌داند تا «زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خدا گونگی انسان فراهم آید» (تخلقوا باخلاق الله) غایت نظام قانون اساسی «انسان کامل» است. «انسان کامل»ی که «خود دست‌اندرکار و مسئول رشد و ارتقاء و رهبری گردد که این همان تحقق حکومت مستضعفین در زمین خواهد بود»<sup>۳</sup> (قصص: ۵).

همچنین قانون اساسی محصول کار عده زیادی از فقهاست به گونه‌ای که شاید بتوان ادعا کرد تاکنون هیچ متنی در تاریخ تشیع به اندازه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، امضای فقها را در پای خود ندیده است. همین تأیید فقها مهم‌ترین دلیل برای اسلامی بودن

1. Textual Paradigms

2. Kuhn

۳. و نريد ان نمن على الذين استضعفوا فى الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثين.

الگوی استخراج شده از قانون اساسی است. در مجلس خبرگان قانون اساسی روحانیونی مانند آقایان محمدجواد باهنر، هادی باریک‌بین، محمدتقی بشارت، سیدمحمد حسینی بهشتی، سیدعبدالحسین دستغیب، سیدعبدالکریم هاشمی نژاد، محمدجواد حجتی کرمانی، سیدمنیرالدین حسینی الهاشمی، عبدالله جوادی آملی، سیدمحمد خامنه‌ای، ابوالقاسم خزعلی، حسینعلی رحمانی، سیدحسین طاهری خرم‌آبادی، ناصر مکارم شیرازی، علی مشکینی، حسینعلی منتظری، عبدالکریم موسوی اردبیلی، عبدالرحیم ربانی املشی، عبدالرحیم ربانی شیرازی، محمد صدوقی، لطف‌الله صافی، جعفر سبحانی، سیدابوالفضل موسوی تبریزی، سیدجلال طاهری اصفهانی، محمد کرمی، علی مرادخانی تهرانی و محمد یزدی حضور داشتند (صورت مشروح مذاکرات قانون اساسی، ۱۳۶۴: ۱۱).

#### ۵-۱. جایگاه الگوی استخراج شده از قانون اساسی

هر محقق می‌تواند بر اساس شناخت خود الگویی اسلامی - ایرانی برای پیشرفت ارائه دهد. اما این الگوها تا وقتی تبدیل به قانون نشود ضمانت اجرایی ندارد. اما الگوی استخراج شده از قانون اساسی فقط الگویی تجویزی نیست، بلکه همه دولت‌های جمهوری اسلامی موظفند تا آنجا که می‌توانند مطابق خط‌مشی تعیین شده در این الگو حرکت کنند و عملکرد آنها نیز باید با معیارهای این الگو ارزیابی شود. همچنین همه مجالس جمهوری اسلامی موظف به در نظر گرفتن اصول قانون اساسی در تصویب قوانین هستند به طوری که شورای نگهبان مانع تصویب قوانین مغایر قانون اساسی می‌شود.

#### ۶-۱. روش تفسیر قانون (هرمنوتیک)

روش مطالعه برای شناسایی الگوی اقتصادی قانون اساسی به صورت کتابخانه‌ای و مبتنی بر «تفسیر قانون» یا هرمنوتیک<sup>۱</sup> بوده است. بدین گونه که با تحلیل و تفسیر قانون اساسی، مشخصات الگوی مورد نظر از متن قانون استخراج شده است.

اصطلاح هرمنوتیک از فعل یونانی هرمنیون به معنای «تفسیر کردن» گرفته شده است و معنای اسمی آن Hermeneia یعنی «تفسیر» است. اشکال مختلف این کلمه متضمن به فهم در آوردن چیز یا موقعیتی مبهم است. این واژه را مرتبط با «هرمس» خدای پیام‌رسان یونانیان می‌دانند که واسطه‌ای به‌عنوان مفسر و شارح بود و پیام خدایان را که محتوای آن فراتر از فهم آدمیان بود برای آنها به‌صورت قابل درک درمی‌آورد (جعفری، ۱۳۸۱: ۷۹).

معنای واژه هرمنوتیک در طول تاریخ آن بسیار متحول بوده و هرمنوتیک به تدریج در عرصه‌های مختلف شناخت وارد شده است، به نحوی که امروزه گستره‌ای بسیار فراتر از تفسیر متون یافته و در تمامی شاخه‌های علوم انسانی از جمله حقوق، با‌تاب‌ها و نتایج جدی دارد. «رابطه میان هرمنوتیک و حقوق را در اروپا دست کم از قرن دوازدهم میلادی می‌توان پی گرفت. علاقه به حقوق رومی در آن دوران موجب شد محققینی که درصدد بودند قانون نامه ژوستینیان (۵۲۹ ق م.) را شرح دهند، به اصول و مبانی علم تفسیر علاقه مند شوند. این گرایش به بسط و توسعه نوعی خاص از تفسیر تحت عنوان «هرمنوتیک حقوقی»<sup>۱</sup> انجامید. تا مدت‌ها تفسیر لغوی برای اکثر نویسندگان علم تفسیر مقوله اصلی به‌شمار می‌آمد. تیبوت<sup>۲</sup> در سال ۱۸۰۶ به این شیوه انتقاد کرد و بیان داشت که وقتی قانون دچار اجمال یا ابهام باشد تفسیر لغوی به فهم قانون کمک نمی‌کند و باید مقصود از قانون و نیت قانونگذار منظور قرار گیرد. با این نگاه تفسیر حقوقی وارد حوزه جدیدی شد که در آن، هدف تقنین و مقصود مقنن مورد توجه قرار گرفت» (کیوانفر، ۱۳۹۰: ۲۵).

البته این نظر نیز به تدریج مورد انتقاد قرار گرفت و این نگاه ترویج یافت که «مفسر متن را از نظر گاه خویش تفسیر می‌کند و داشتن نظر گاه نیز ریشه در حاق ماهیت انسان دارد و آدمی را گریزی از آن نیست» (همان: ۲۶).

در این مقاله، نگارنده با اذعان به اینکه الگوی استخراج شده، برداشت‌های شخصی نویسنده از قانون اساسی است، تأکید می‌کند سایر پژوهشگران نیز می‌توانند الگوی مورد

1. Hermeneutics of Jurisprudence

2. Thibaut

نظر خود را از قانون اساسی استخراج کنند. همچنین نگاه ما به هرمنوتیک، روش‌شناسانه<sup>۱</sup> بوده است. در این نحله از هرمنوتیک، «هدف، یافتن روش‌هایی برای کشف قصد مؤلف است و از نظر پیروان این شیوه، به وسیله شیوه‌های درست می‌توان به فهمی نهایی از متن نائل شد. در مقابل این نحله، در قرن بیستم، گرایش دیگری در حوزه هرمنوتیک بروز کرد که هرمنوتیک هستی‌شناسانه<sup>۲</sup> یا فلسفی خوانده شد. در این نحله هرگونه دستیابی به نیت مؤلف و مقصود متن امری محال شناخته می‌شود و هیچ روشی برای نیل به این مقصود وجود ندارد» (همان: ۲۷).

## ۲. الگوی تأمین نیازهای اساسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

الگوی اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان الگوی تأمین نیازهای اساسی نامید. تأمین این نیازها برعهده دولت جمهوری اسلامی گذاشته شده است اما هر دولت متناسب با برنامه‌های خود می‌تواند روش‌های اجرایی متفاوتی برای انجام این وظایف انتخاب کند و همین تفاوت در روش‌ها برای انجام وظایف دولت، زمینه رقابت سیاسی بین احزاب را پدید آورده و ما را در استخراج الگوی سیاسی مورد نظر قانون اساسی یاری می‌کند.<sup>۳</sup>

در منظر قانون اساسی نیازهای اساسی هر فرد شامل: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، آموزش، امکانات لازم برای تشکیل خانواده، کار مناسب، بیمه و ورزش است. تأمین این نیازها یکی از ملزومات «ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او» معرفی شده است که در ادامه به شرح آن می‌پردازیم.

### ۱-۲. مسکن

در بند «۱۲» اصل (۳)، «برطرف ساختن هر نوع محرومیت» در زمینه مسکن وظیفه دولت

---

1. Methodological

2. Ontological

۳. تبیین الگوی سیاسی قانون اساسی موضوع این مقاله نیست.

جمهوری اسلامی دانسته شده است. در اصل (۲۲)، مسکن اشخاص از «تعرض» مصون دانسته شده است. تهیه مسکن مردم از آن چنان اهمیتی در نزد تدوین کنندگان قانون اساسی برخوردار بوده است که اصل (۳۱) قانون اساسی به آن اختصاص داده شده و داشتن مسکن متناسب با نیاز، نه تنها حق هر «خانواده» بلکه حق هر «فرد» ایرانی اعلام شده و دولت موظف شده است «با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند به خصوص روستائینان و کارگران، زمینه اجرای این اصل را فراهم کند». بحث مسکن به همین جا خاتمه نیافته، بلکه در بند یک اصل (۴۳) قانون اساسی مجدداً تأمین مسکن یکی از ضوابطی دانسته شده است که اقتصاد جمهوری اسلامی باید بر مبنای آن بنا شود.

#### ۲-۲. خوراک

دومین نیاز اساسی که دولت موظف به تأمین آن شده است غذاست. در بند «۱۲» اصل (۳)، «بر طرف ساختن هر نوع محرومیت» در زمینه تغذیه، وظیفه دولت جمهوری اسلامی دانسته شده است. در بند «۱» اصل (۴۳) قانون اساسی نیز تأمین خوراک برای همه یکی از ضوابطی است که اقتصاد جمهوری اسلامی باید بر مبنای آن بنا شود.

#### ۲-۳. پوشاک

سومین نیاز اساسی انسان پوشاک است که در بند «۱» اصل (۴۳) قانون اساسی تأمین آن یکی از ضوابطی دانسته شده است که اقتصاد جمهوری اسلامی باید بر مبنای آن بنا شود.

#### ۲-۴. بهداشت

چهارمین نیاز اساسی انسان بهداشت و درمان است که در بند «۱۲» اصل (۳) بر طرف ساختن «هر نوع محرومیت» در این زمینه تکلیف جمهوری اسلامی دانسته شده است. در اصل (۲۹) قانون اساسی «نیاز به خدمات بهداشتی درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره» حقی همگانی معرفی شده که دولت موظف به ادای آن است. نکته قابل توجه

اینکه در اصل (۳۱) که به طور اختصاصی درباره مسکن بود، دولت موظف شد «زمینه» اجرای آن را فراهم کند، اما درباره بهداشت و درمان دولت طبق اصل (۲۹) موظف است «از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یکایک افراد کشور تأمین کند». این تأکید نشان‌دهنده اهمیت تأمین سلامت مردم توسط دولت در الگوی قانون اساسی است. مجدداً در بند «۱» اصل (۴۳) قانون اساسی تأمین بهداشت یکی از ضوابطی دانسته شده است که اقتصاد جمهوری اسلامی باید بر مبنای آن بنا شود. مسئله بهداشت در قانون اساسی به همین اصول محدود نمی‌شود. در اصل (۱۰۰) قانون اساسی شوراهای شهر و روستا برای «پیشبرد سریع برنامه‌های بهداشتی» مجاز به انجام وظیفه هستند.

## ۲-۵. آموزش

در الگوی مطلوب قانون اساسی بعد از اینکه همه مردم سرپناه، غذایی برای خوردن و لباسی برای پوشیدن داشتند و از خدمات بهداشتی و درمانی نیز برخوردار بودند، دولت موظف به تأمین آموزش و پرورش آنهاست. بند «۳» اصل (۳) به صراحت «آموزش و پرورش رایگان برای همه در تمام سطوح، و تسهیل و تعمیم آموزش عالی» را وظیفه دولت جمهوری اسلامی ایران می‌داند که موظف است «همه امکانات خود را» برای تأمین آن به کار گیرد. همچنین همانند مسکن یک اصل به این امر اختصاص داده شده است. در اصل (۳۰)، «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خود کفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد». مجدداً در بند «۱» اصل (۴۳) قانون اساسی تأمین آموزش و پرورش برای همه یکی از ضوابطی دانسته شده است که اقتصاد جمهوری اسلامی باید بر مبنای آن بنا شود. همان طور که درباره بهداشت گفته شد، در زمینه امور آموزشی نیز طبق اصل (۱۰۰) قانون اساسی شوراهای شهر و روستا برای «پیشبرد سریع برنامه‌های آموزشی» مجاز به انجام وظیفه هستند. الگوی شورایی حاکم بر قانون اساسی جمهوری اسلامی برای اداره

مراکز آموزشی نیز رهنمود دارد و در اصل فراموش شده (۱۰۴) قانون اساسی تصریح شده است: «در واحدهای آموزشی» شوراهایی مرکب از نمایندگان اعضای این واحدها طبق قانون تشکیل می‌شود تا «در تهیه برنامه‌ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور» مشارکت داشته باشند.

#### ۲-۶. خانواده

نیاز اساسی دیگر که تأمین آن برعهده دولت جمهوری اسلامی قرار گرفته «امکانات لازم برای تشکیل خانواده» است. واضح است که منظور از امکانات لازم، مسکن نیست زیرا تهیه مسکن به‌طور مستقل ذکر شده بود. در الگوی پیشرفت طراحی شده در قانون اساسی خانواده جایگاه بسیار رفیعی دارد تا آنجا که یکی از اصول قانون اساسی به آن اختصاص یافته است. اصل (۱۰) قانون اساسی این جایگاه والا را این‌گونه معرفی می‌کند: «از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد». در اصل (۲۱) دولت موظف به «ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده» شده است. در بند «۱» اصل (۴۳) قانون اساسی نیز فراهم کردن امکانات لازم برای تشکیل خانواده یکی از ضوابط دانسته شده است که اقتصاد جمهوری اسلامی باید بر مبنای آن بنا شود.

#### ۲-۷. شغل

در الگوی قانون اساسی، دولت بعد از انجام تمام این وظایف هنوز مسئولیت دارد. خانواده بدون شغل بقا ندارد و در بند «۱۲» اصل (۳) «برطرف ساختن هر نوع محرومیت» در زمینه کار وظیفه دولت جمهوری اسلامی دانسته شده است. اصل (۲۸) قانون اساسی به کار اختصاص یافته و دولت موظف شده است «با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید». نگاه



راهبردی طراحان الگوی پیشرفت جمهوری اسلامی به کار در بند «۲» اصل (۴۳) قانون اساسی مجدداً تبلور یافته و «تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند» شرط لازم برای «تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او» دانسته شده است. کار به هر شکل و کیفیت مدنظر قانون اساسی نیست و در الگوی قانون اساسی علاوه بر «رعایت آزادی انتخاب شغل، و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره کشی از کار دیگری» (بند «۴» اصل (۴۳))، تنظیم برنامه اقتصادی کشور باید بدین گونه باشد: «شکل و محتوا و ساعت کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد». (بند «۳» اصل (۴۳)). بحث کار به همین جا ختم نمی شود بلکه در اصل (۴۶) آزادی فعالیت های اقتصادی تضمین شده و آمده است: «هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ کس نمی تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند». در اصل (۱۰۴) قانون اساسی «شوراهایی مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران» در «واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی» پیش بینی شده است تا «در تهیه برنامه ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور» مشارکت داشته باشند.

#### ۸-۲. بیمه

هر انسانی در هر لحظه در معرض از کارافتادگی است و باز هم دولت در اصل (۲۹) موظف شده است از «محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم» «بر خورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح» را تأمین کند. همچنین در اصل (۲۱) «ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست» نیز پیش بینی شده است.

## ۹-۲. ورزش

در قانون اساسی همچنین دولت موظف به «تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح» طبق بند «۳» اصل (۳) قانون اساسی شده است.

البته ناگفته نماند که طبق قانون اساسی تأمین امنیت، حراست از مرزها و داوری بین مردم که وظایف ذاتی همه دولت‌ها حتی دولت‌های حداقلی است، نیز طبق اصول (۱۷۶ تا ۱۰۸) برعهده دولت قرار گرفته و پرداختن به آن ضرورت نداشت.

نکته مهم این است که در اصل (۳) قانون اساسی به روشنی بیان شده که اجرای این وظایف دولت، زمینه‌ساز تحقق اهداف متعالی جمهوری اسلامی، که در اصل (۲) قانون اساسی بیان شده است، خواهد بود. به عبارت دیگر واضعان قانون اساسی به صراحت تأمین نیازهای انسان را شرط لازم اهداف عالی قانون اساسی شامل: «ایمان به خدای یکتا (لااله الاالله)، «وحی الهی»، «معاد»، «عدل خدا در خلقت و تشریح»، «امامت» و «کرامت و ارزش والای انسان» می‌دانند. به نظر می‌رسد این دیدگاه راهبردی می‌تواند ما را در طراحی الگوی فرهنگی قانون اساسی کمک کند<sup>۱</sup>. الگویی که تحقق باورهای اسلامی و اصول دین را در گرو برآورده شدن نیازهای اساسی مادی بشر می‌داند.

در جدول ۱ وظایف دولت به ترتیب اصول بیان شده است.

جدول ۱. وظایف دولت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

مسئول	وظیفه	اصل قانون اساسی
دولت جمهوری اسلامی ایران	ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی؛ مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی؛ بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها؛ آموزش و پرورش رایگان برای همه در تمام سطوح؛ تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح؛ تسهیل و تعمیم آموزش عالی؛ تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار؛ جلوگیری از نفوذ اجانب؛ محو هر گونه استبداد و	اصل (۳)

۱. معرفی الگوی فرهنگی قانون اساسی موضوع این مقاله نیست.

اصل قانون اساسی	وظیفه	مسئول
	خود کامگی و انحصار طلبی؛ تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون؛ مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش؛ رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه؛ ایجاد نظام اداری صحیح؛ تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی؛ ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه؛ تأمین خود کفایی در علوم و فنون صنعت و کشاورزی و امور نظامی؛ تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد؛ توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم؛ تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام؛	
اصل (۸)	امر به معروف و نهی از منکر؛	دولت
اصل (۹)	حفظ آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت اراضی کشور؛	دولت
اصل (۱۱)	تلاش برای وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام؛	دولت جمهوری اسلامی ایران
اصل (۱۴)	رعایت اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی نسبت به غیرمسلمانان؛	دولت جمهوری اسلامی ایران
اصل (۲۱)	ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیا حقوق مادی و معنوی او؛ حمایت مادران، به خصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند؛ حمایت از کودکان بی سرپرست؛ ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده؛ ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست؛ اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته؛	دولت
اصل (۲۸)	فراهم کردن امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی برای احراز مشاغل؛	دولت
اصل (۲۹)	فراهم کردن تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح؛ فراهم کردن خدمات بهداشتی درمانی و مراقبت‌های پزشکی؛	دولت
اصل (۳۰)	آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه؛ تحصیلات عالی تا سر حد خود کفایی کشور به طور رایگان؛	دولت
اصل (۳۱)	تأمین مسکن متناسب با نیاز؛	دولت

اصل قانون اساسی	وظیفه	مسئول
اصل (۴۳)	تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه؛ تأمین شرایط و امکانات کار برای همه با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد؛ شکل و محتوا و ساعت کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد؛ عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری؛ منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام؛ منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد؛ تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور؛ جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور؛ تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی تا خودکفایی؛	تبيين ضوابط اقتصاد جمهوری اسلامی ایران
اصل (۴۴)	اداره کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آب‌رسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه‌آهن؛	دولت
اصل (۴۵)	اداره انفال و ثروت‌های عمومی؛	حکومت اسلامی
اصل (۴۹)	تصرف ثروت‌های نامشروع؛	دولت
اصل (۵۰)	حفاظت از محیط زیست؛	وظیفه عموم افراد جامعه
اصل (۵۲)	تهیه بودجه سالانه کل کشور؛	دولت
اصل (۱۴۷)	استفاده از افراد و تجهیزات فنی ارتش در کارهای امدادی، آموزشی، تولیدی و جهاد سازندگی در زمان صلح؛	دولت
اصل (۱۵۱)	فراهم کردن امکانات آموزش نظامی بر طبق موازین اسلامی برای همه؛	دولت
اصل (۱۷۱)	جبران خسارت افراد به سبب اشتباه قاضی.	دولت

دولتی که همه امکانات خود را برای تأمین این نیازها به کار می‌گیرد، یکی از ویژگی‌های اساسی دولت رفاه را دارد. شاید تدوین‌کنندگان قانون اساسی آگاهانه با

الگوبرداری از دولت رفاه‌های موفق اروپا بعد از جنگ جهانی دوم، دست به شبیه‌سازی یک دولت رفاه بومی با مقتضیات انقلاب اسلامی و باورهای برگرفته از مکتب اسلامی زده باشند. همچنین در قانون اساسی جمهوری اسلامی فراتر از نظریه‌های مبتنی بر شکست بازار برای دولت وظیفه تعیین شده است؛ زیرا برخی از مفادی که در اصل (۴۳) بیان شده است مانند: خوراک، پوشاک و مسکن توسط سازوکار بازار نیز فراهم می‌شود و نیازی به دخالت دولت نیست. اما از این لحاظ که دولت وظایف خود را چگونه سازمان‌دهی کند، محدودیت‌های زیادی برای دولت در قانون اساسی تعیین نشده است. بنابراین از این منظر دولت می‌تواند طبق نظریه‌های شکست بازار به تناسب و اختیار یکی از راه‌های دخالت در بازار را انتخاب کند. علاوه بر این، به نظر می‌رسد آرای شهید صدر در تعیین نقش دولت در اقتصاد، در آن مقطع تأثیر داشته است. طبق نظریه شهید صدر دولت موظف به رسیدگی به وضع نیازمندان و حمایت از آنان (تکافل اجتماعی) و ایجاد شرایطی که ثروت‌ها و امکانات جامعه، به گونه‌ای در دسترس همگان قرار گیرد که هر فردی از افراد جامعه بتواند، در سطح عمومی به صورت برابر و یکسان با دیگران زندگی کند، است. یعنی برای تمام افراد در جامعه سطح یکسانی از گذران زندگی اقتصادی وجود داشته باشد (توازن اجتماعی) (صدر، ۱۳۸۳).

قانون اساسی علاوه بر اینکه وظایف دولت را برای رسیدن به «انسان کامل» و جامعه آرمانی تعیین کرده است، معیارها و ساختارهایی نیز برای چگونگی سازمان‌دهی وظایف توسط دولت تعیین کرده است. چگونگی سازمان‌دهی امور دولتی در قانون اساسی را از منظر سه معیار می‌توان تحلیل کرد: ساختار نظام سیاسی، درجه تمرکز در اداره عمومی و ماهیت مالکیت.

در قانون اساسی، ساختار نظام سیاسی ایران متفاوت با بسیاری از کشورهاست. در این ساختار تفکیک قوا وجود دارد ولی اختیار اصلی نه با پارلمان و نه با ریاست‌جمهور است بلکه برای حفظ «ثبات سیاسی» و «جلوگیری از نفوذ خارجی» به ولایت مطلقه فقیه سپرده شده است. همچنین هر دولت متناسب با برنامه‌های خود می‌تواند روش‌های اجرایی متفاوتی

برای انجام وظایفی که طبق قانون برعهده دارد انتخاب کند و همانطور که ذکر شد، همین تفاوت در روش‌ها برای انجام وظایف دولت، زمینه رقابت سیاسی بین احزاب را پدید می‌آورد. علاوه بر این، درجه تمرکز در اداره عمومی به گونه‌ای تعیین شده است تا خواسته‌ها و نقش طیف‌های مختلف مردم در اداره کشور تجلی یابد؛ زیرا در قانون اساسی برای تشکیل و نقش آفرینی شوراهای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش و روستا و نیز شوراهای واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی و شوراهای واحدهای آموزشی، اداری، خدماتی و مانند اینها مجوز صادر شده است. به باور بسیاری از صاحب‌نظران تمرکززدایی یکی از مهم‌ترین ابزارهای پیشرفت و حتی رسیدن به معیارهای دولت رفاه است. توجه به این ویژگی‌ها نیز می‌تواند ما را در استخراج الگوی سیاسی مورد نظر قانون اساسی یاری کند.

در اصل (۴۴) قانون اساسی، ماهیت مالکیت دارایی‌ها در قالب سه بخش «دولتی»، «تعاونی» و «خصوصی» تعریف شده است که باید به صورت بهینه‌ای به صورت مالکیت عمومی و شخصی محقق شود. قانون اساسی برای محدوده این نوع مالکیت‌ها شروط مستحکمی قرار داده است تا مالکیت عمومی یا شخصی دارایی‌ها به زیان جامعه منجر نشود. بنابراین برای این منظور لازم است که قوانین موضوعه تکمیلی تصویب و اجرا شود. در قانون اساسی برای جلوگیری از آسیب بیگانگان به استقلال کشور، مالکیت خارجی بر دارایی‌های کشور ممنوع شده است.

نکته مهم که نشان از پویایی قانون اساسی دارد این است که در قانون اساسی ذکر شده است، برنامه‌ریزی در کشور باید «متناسب با مراحل رشد» باشد (اصل ۴۳) و نیز در موارد بسیاری بیان شده که «نحوه سازمان‌دهی امور و وظایف دولت» را باید قانون مشخص کند. بنابراین انعطاف زیادی در قانون اساسی برای سازمان‌دهی امور و روش‌های انجام وظایف دولت وجود دارد که هر دولت متناسب با برنامه‌های خود و نیازهای هر مرحله از رشد، می‌تواند روش‌های اجرایی متفاوتی برای انجام این وظایف انتخاب کند و همین تفاوت در تعریف نیازهای اساسی متناسب با مراحل رشد، محور دیگری است که زمینه رقابت سیاسی بین احزاب را پدید آورده و الگوی سیاسی مورد نظر قانون اساسی را شکل می‌دهد.

جدول ۲. ویژگی‌ها و مؤلفه‌های الگوی اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

«الگوی تأمین نیازهای اساسی»

ویژگی‌های اصلی الگوی تأمین نیازهای اساسی	مؤلفه‌های اساسی الگو
تأمین نیازهای اساسی مردم به عهده دولت: شامل تأمین مسکن، غذا، پوشاک، بهداشت و درمان، آموزش، امکانات تشکیل خانواده، تربیت بدنی، امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی برای احراز مشاغل و برخورداری از تأمین اجتماعی با هدف ایجاد زمینه مساعد برای رشد «انسان کامل»؛	۱. وظیفه دولت
الف) تفکیک قوا زیر نظر ولایت فقیه: شامل قوه مقننه، مجریه و قضائیه. ب) تمرکززدایی در اداره امور عمومی: اجازه تشکیل شوراهایی در استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا، همچنین در واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی و در واحدهای آموزشی، اداری، خدماتی و مانند اینها. ج) وضع بهینه‌ای از مالکیت دارایی‌ها: به صورت مالکیت عمومی و شخصی و محدودیت فراوان برای مالکیت خارجی.	۲. چگونگی سازمان‌دهی وظایف دولت شامل: الف) ساختار نظام سیاسی، ب) درجه تمرکز در اداره عمومی ج) ماهیت مالکیت
الگو، مرحله‌ای بودن پیشرفت را با اشاره به «رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد» مدنظر دارد. در نتیجه در یک مرحله، تأمین آموزش عمومی رایگان برای همه افراد کشور با داشتن سواد خواندن و نوشتن همگانی تحقق می‌یافت، اما در مرحله بعدی به عنوان مثال در شرایطی خواهیم بود که سواد خواندن و نوشتن به زبان فارسی و انگلیسی حداقل آموزش عمومی به حساب می‌آید.	۳. رعایت اقتضانات مراحل پیشرفت
در الگوی قانون اساسی روش خاصی برای انجام وظایف دولت پیش‌بینی نشده و همین امر پویایی لازم در الگو را فراهم می‌کند تا هر دولت متناسب با زمان و سلیقه خود روش تأمین نیازهای اساسی را انتخاب کند.	۴. انعطاف‌پذیری
الگوهای مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را با توجه به کلیات نظام موجود در قانون اساسی باید تبیین کرد. این الگوها با یکدیگر ارتباط متقابل داشته و عملیاتی کردن هر کدام از آنها بدون توجه با سایر الگوها نتیجه مورد نظر قانون اساسی را نخواهد داشت.	۵. ارتباط متقابل با سایر الگوها
قانون اساسی تلاش دارد جامعه‌ای بسازد که در آن «انسان با ارزش‌های والا و جهان‌شمول اسلامی پرورش یابد» و «در مسیر تکامل انسان هر فرد خود دست‌اندرکار و مسئول رشد و ارتقا و رهبری گردد» تا بدین گونه تحقق حکومت مستضعفین در زمین صورت گیرد.	۶. هدف‌دار بودن

### ۳. جایگاه الگوی نیازهای اساسی در استراتژی‌های توسعه

در این قسمت به این سؤال خواهیم پرداخت که آیا الگوی نیازهای اساسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جایگاهی در بین راهبردهای توسعه دارد یا خیر؟ برای این منظور ابتدا استراتژی‌های توسعه یا به عبارت دیگر راه‌های توسعه را به اجمال معرفی و سپس به جایگاه راهبرد نیازهای اساسی در ادبیات توسعه می‌پردازیم.

استراتژی‌های توسعه را می‌توان به روش‌های گوناگون دسته‌بندی کرد. در روش گریفین<sup>۱</sup> شش استراتژی درباره توسعه مشخص شده است:

- استراتژی پولی،
- اقتصاد باز،
- صنعتی شدن،
- انقلاب سبز،
- توزیع مجدد شامل استراتژی تأمین نیازهای اساسی،
- سوسیالیستی.

#### ۳-۱. مروری اجمالی بر استراتژی‌های توسعه

اولین استراتژی مورد بحث راهبرد پولی برای توسعه است. وجه تمایز این راهبرد این است که توجه خود را به تمرکز بر ارتقاء کارایی علائم بازار به‌عنوان راهنمایی برای بهبود تخصیص منابع معطوف می‌سازد.

دومین استراتژی، راهبرد توسعه‌ای است که نگاه به خارج دارد و آن را اقتصاد باز نامیده‌اند. اقتصاد باز در بعضی از وجوه استراتژی پولی سهم است اما نه در همه آنها. این راهبرد نیز برای تخصیص منابع متکی به نیروهای بازار و بخش خصوصی است اما با تأکید بر سیاست‌هایی که مستقیماً بخش تجارت خارجی را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

استراتژی سوم، استراتژی صنعتی شدن است. در اینجا همچون استراتژی قبلی تأکید



بر رشد است اما ابزار دسترسی به رشد، گسترش سریع بخش صنعت است. چهارم، استراتژی انقلاب سبز است. کانون توجه در اینجا نرخ‌های رشد کل، صادرات یا صنعتی شدن نیست، بلکه کشاورزی است. یک هدف این راهبرد افزایش عرضه غذا به‌ویژه حبوبات است.

استراتژی توزیع مجدد از جایی شروع می‌شود که انقلاب سبز خاتمه می‌یابد. یعنی با هدف بهبود توزیع مجدد درآمد و ثروت. این راهبرد به ضوابطی که مستقیماً گروه‌های کم درآمد را منتفع می‌سازد، اولویت می‌دهد. سه رشته تفکر جدا از هم وجود دارند که این راهبرد را شکل داده‌اند.

الف) تأکید بیشتر بر ایجاد اشتغال بیشتر برای فقرا،

ب) توزیع مجدد بخشی از درآمد اضافی حاصل از رشد بین فقرا،

ج) بالاترین اولویت باید به تأمین نیازهای اساسی داده شود. این نیازها شامل غذا، لباس، مسکن، بهداشت و آموزش ابتدایی و متوسطه است.

توجه به استراتژی توزیع مجدد و نیازهای اساسی واکنشی است در مقابل شکست استراتژی‌های رشد‌گرا در کاهش قابل توجه فقرا. هدف این راهبرد، توزیع مجدد درآمد از طریق مداخله مستقیم دولت بوده و شامل توزیع مجدد دارایی‌های اولیه، ایجاد نهادهای محلی (شوراها) که امکان شرکت مردم را در توسعه سیاسی فراهم آورد، سرمایه‌گذاری سنگین در سرمایه انسانی، الگوی اشتغالزای توسعه و رشد سریع و پایای درآمد سرانه است. خلاف راهبرد پولی و اغلب راهبردهای صنعتی شدن، این استراتژی بر این فرض بنا شده که بین سیاست‌های توزیع برابرتر درآمد و سیاست‌های شتاب‌دهنده رشد الزاماً تضادی نیست و سرانجام، راهبرد سوسیالیستی توسعه، با دولتی کردن تمام شرکت‌های صنعتی بزرگ متمایز می‌شود.

## ۲-۳. استراتژی نیازهای اساسی

### ۱-۲-۳. مروری بر سیر تاریخی

طی دهه ۱۹۷۰ تعداد روز افزونی از تحلیلگران متقاعد شدند که منافع رشد سریع اقتصادی

عاید طبقات فقیر نمی‌شود. آلبرت فیشلو<sup>۱</sup> نشان داد که بین سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ یعنی ظرف مدتی که در کشور برزیل درآمد سرانه ۲۲ درصد افزایش یافته بود، نابرابر درآمدی فزونی گرفت و ضریب جینی از ۰/۵۹ به ۰/۶۳ رسید. مطالعات در سایر کشورها از پاکستان تا پرو نشان داده است که شرایط مذکور منحصر به برزیل نیست. ایرما آدلمن<sup>۲</sup> و سینتیا تافت موریس<sup>۳</sup> در یک بررسی مقطعی که در ۷۴ کشور انجام داده‌اند، نشان دادند رشد اقتصادی در آغاز نه تنها موجب افزایش نابرابری، بلکه موجب کاهش سطح زندگی بیش از نیمی از جمعیت شده است. علاوه بر فقرا گروه دارای درآمد متوسط نیز از رشد اقتصادی آسیب دیده‌اند (گریفین، ۱۳۸۸: ۲۴۱). شواهد پراکنده‌ای که از آمریکای لاتین و آفریقا در دست است حاکی از این است که پدیده فقیرتر شدن بعضی از گروه‌های فقیر در شرایطی که درآمد متوسط سرانه در حال افزایش است منحصر به چند کشور نیست و رشد اقتصادی موجب از بین رفتن فقر نمی‌شود بلکه عملاً در برخی موارد سبب افزایش فقر شده است.

هم‌زمان با این گزارش‌ها، سازمان بین‌المللی<sup>۴</sup> کار نیز با بررسی کشورهای مختلف به این نتیجه رسید که معمولاً بیکاری کلی در جهان سوم نسبتاً کم است اما مردم فقیرند؛ زیرا بیشتر فقرا بیکار نیستند، بلکه درآمدهایشان نارساست. راه‌حل در مورد فقرای شاغل ایجاد کار و مشاغل بیشتر (رشد اقتصادی) نیست بلکه اشتغال با بازدهی و بهره‌وری زیادتر است (همان: ۲۴۲). یافته دیگر سازمان مذکور این بود که فقر به‌عنوان پدیده‌ای نامتجانس و ناهمگن شناخته شد که از نقطه نظر سیاست‌گذاری حائز اهمیت بود زیرا فقرا دیگر گروهی شناخته شده و قابل دسترس به‌عنوان مقوله آماری متجانس همچون دهک‌های پایین اجتماع مطرح نبودند در نتیجه برنامه‌های فقرزدایی نیازمند ظرافت‌های ویژه‌ای شد. نتیجه این دیدگاه این بود که برنامه اشتغال جهانی سازمان بین‌المللی کار از توصیه به ارتقاء بهره‌وری به استراتژی توسعه توزیع مجدد تبدیل شد.

1. Fishlow

2. Irma Adelman

3. Cynthia Taft Morris

4. International Labour Organization (ILO)

البته سازمان مذکور در تغییر تأکید بر توسعه از طریق رشد محصول به توزیع مجدد درآمد تنها نبود در سال ۱۹۷۵ در گزارش بنیاد داگ هامر شولد<sup>۱</sup> نیز مصرانه تأکید شد که تأمین نیازهای اساسی باید اولویت نخست برنامه‌های توسعه باشد (هانت، ۱۳۸۶: ۳۰۰). علاوه بر این، «مرکز پژوهش توسعه بانک جهانی» تحت نظر مالیز چنری<sup>۲</sup> راهبرد توزیع مجدد عایدات رشد را قویاً مورد حمایت قرار داد. در پژوهش مزبور پنج استراتژی متمایز در نظر گرفته شد: ۱. راهبرد رشد با آزادی عمل اقتصادی؛ ۲. راهبرد کنترل دستمزد که عمدتاً توزیع درآمد را به ضرر فقرا جابه‌جا کرده تا بتوان پس‌اندازها را افزایش داد و به نرخ رشد شتاب بخشید؛ ۳. راهبرد توزیع مجدد مصرفی که به موجب آن ۲ درصد از کل درآمد هر سال به مدت ۲۵ سال به فقرا برگردانده می‌شود؛ ۴. راهبرد توزیع مجدد سرمایه‌گذاری که به موجب آن ۲ درصد درآمد کل هر سال به مدت ۲۵ سال به پروژه‌های سرمایه‌گذاری به نفع فقرا برمی‌گردد؛ و ۵. راهبرد توزیع مجدد دارایی‌ها. در عمل هیچ کوششی برای فعال ساختن استراتژی پنجم به عمل نیامده و فراموش شده است.

استراتژی رشد اصل قرار گرفت و نتایج سه استراتژی بعدی طی یک دوره ۴۰ ساله با آن مقایسه شد. فقرا ۴۰ درصد پایین توزیع درآمد تعریف شدند و درآمد از طریق سیاست‌های غیر مشخص بین یک مقوله آماری مطلق موسوم به فقرا توزیع شد.

شبه‌سازی استراتژی دوم (تثبیت دستمزد) نشان داد که این اقدام به نفع ۲۰ درصد بالای جمعیت و به ضرر گروه‌های با درآمد متوسط و پایین است به طوری که حتی بعد از ۴۰ سال مصرف سرانه فقرا ۱۷ درصد کمتر از آنچه بود که می‌توانست در روش اصلی باشد.

استراتژی انتقالات مصرفی (راهبرد سوم) نیز وضعیت بدی به همراه داشت زیرا منجر به نرخ‌های پایین سرمایه‌گذاری کل و درآمد سرانه کل شد و مصرف سرانه فقرا بعد از ۴۰ سال ۱۹ درصد کمتر از حالت اصلی بود.

در استراتژی چهارم ۲ درصد از تولید ناخالص داخلی نه به صورت مصرف بلکه

1. Dog Hammaraskjold

2. M. Chenery

به صورت انواع دارایی‌های سرمایه‌ای که مستقیماً تولید و درآمد فقرا را بالا می‌برد، به سمت دهک‌های پایین برمی‌گردد. این انتقالات شامل دسترسی به زیرساخت‌های فیزیکی مانند راه‌ها، سیستم آبیاری و ... سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی و از این قبیل است. نتیجه این راهبرد پس از ۴۰ سال، افزایش مصرف فقرا به میزان ۲۳ درصد بیشتر از آنچه به طرق دیگر ممکن بود عاید شود، است. اما با این اقدام مصرف گروه‌های با درآمد متوسط ۱۹ درصد و گروه‌های با درآمد بالا ۱۷ درصد کاهش خواهد یافت (گریفین، ۱۳۸۸: ۲۴۶-۲۴۴).

به سه دلیل می‌توان نافذ بودن استراتژی‌های انتقالات سالانه به فقرا را خواه به صورت کالاهای مصرفی یا سرمایه‌ای مورد تردید قرار داد:

- بعید به نظر می‌رسد که صاحبان ۶۰ درصد اول درآمد توزیعی حاضر باشند تا استاندارد مصرفی خودشان را طی چنان مدت طولانی فدای منافع صاحبان ۴۰ درصد پایین کنند. در نتیجه راهبرد انتقالی از نظر سیاسی پایدار نیست.

- تضمینی وجود ندارد که انتقالات به گروه‌های ذی‌حق مورد نظر برسد، زیرا فقرا مقوله متجانس آماری در قالب دهک نیستند بلکه گروه‌های مختلفی هستند که به سختی شناخته می‌شوند.

- غالب مداخلات دولتی که برای توزیع درآمد طراحی شده هم‌زمان نیروهای اقتصادی را به حرکت درمی‌آورند که بر اثرات مورد نظر آن سیاست متقابلاً اثر گذاشته و در دراز مدت آنها را خنثی می‌کنند. به طوری که خانم ایرما آدلمن می‌نویسد: «متعاقب هر دخالتی، حتی دخالتی که مدت‌ها استمرار داشته باشد، توزیع مقداری درآمد به این مایل پیدا می‌کند که به توزیع قبل از دخالت بازگردد» (آدلمن<sup>۱</sup>، ۱۹۸۶: ۵۶).

نتیجه این مباحث توجهات را از راهبردهای «توزیع درآمندی» به راهبرد «تأمین نیازهای اساسی» کشاند. رویکرد نخست توضیح اجمالی استراتژی توسعه‌ای است که متغیر کلیدی «توزیع مجدد» را برجسته کرده و جای آن را در سلسله رخدادهای قبل از رشد مشخص می‌سازد. در مقابل «نیازهای اساسی» تأکیدش بر اهداف توسعه است و از این طریق تغییری در اولویت‌ها ایجاد می‌کند.

## ۲-۳. تعریف و مبانی نظری راهبرد نیازهای اساسی

در گزارش مدیر کل سازمان بین‌المللی کار به کنفرانس اشتغال جهانی در سال ۱۹۷۶ - سه سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی - مفهوم نیازهای اساسی به پیش‌زمینه مباحث توسعه راه یافت. در این گزارش نیازهای اساسی در چهار مقوله مشخص و سال ۲۰۰۰ به‌عنوان تاریخ نهایی برای تأمین این نیازها عنوان شد. این چهار مقوله عبارت‌اند: ۱. حداقل نیازهای یک خانوار در مصرف خصوصی یعنی غذا، مسکن و پوشاک؛ ۲. دسترسی به خدمات اساسی مانند آب آشامیدنی سالم، دفع فاضلاب مناسب، حمل و نقل عمومی، بهداشت و آموزش؛ ۳. دسترسی به شغلی با مزایای مکفی برای هر فردی که توانایی و تمایل به کارکردن دارد؛ ۴. تأمین نیازهایی که بیشتر ماهیتی کیفی دارند مثل برقراری محیطی سالم، انسانی و دلپذیر و مشارکت عموم مردم در تصمیم‌گیری‌هایی که بر زندگی و آزادی‌های فردی آنان اثر می‌گذارد (ILO, 1976: 7).

می‌توان گفت که این راهبرد معتقد به اولویت دادن به نیازها و خواسته‌های مردم فقیر در جریان توسعه است. این نکته در سه جنبه این رویکرد منعکس است:

- دلمشغولی در مورد حصول اطمینان از اینکه خدمات اساسی عمومی در دسترس فقرا باشد؛

- تأکید بر مشارکت فقرا در فرایند توسعه؛

- تصدیق اهمیت توزیع مجدد گسترده درآمد و ثروت به نفع گروه‌های کم‌درآمد.

در اکثر کشورهای در حال توسعه طیفی از خدمات عمومی وجود دارد و غالباً هزینه‌های دولتی برای ارائه خدمات عمومی قابل توجه است. مسئله این است که منافع یا مزایای حاصله از مخارج عمومی عاید آنهایی که بیش از همه محتاج‌اند، نمی‌شود؛ بلکه نصیب گروه‌های با درآمد بالا و متوسط می‌شود. رویکرد نیازهای اساسی تلاش می‌کند این وضع را تغییر دهد و اطمینان حاصل کند سوبسیدهای خانه‌سازی یا مخارج آموزش و برنامه‌هایی که برای کاهش بیماری‌ها تخصیص می‌یابد، فقرا را دربرمی‌گیرد. این امر الزاماً به معنای خرج کردن بیشتر در زمینه خدمات عمومی نیست بلکه متضمن تجدیدنظر ریشه‌ای در شیوه ارائه خدمات عمومی است.

نکته بعد اینکه رویکرد نیازهای اساسی پیوندی با رفتار پدرسالانه دولتی و تمرکزگرایی شدید و تحمیل ترجیحات برنامه‌ریزان بر یک جمعیت ناموافق و غیر همکار ندارد، بلکه توسعه از طریق رویکرد نیازهای اساسی به این بستگی دارد که فقرا بتوانند متشکل شده و منافع خود را خوب مطرح کنند و در فعالیتهای مرتبط با قدرت سیاسی شرکت کنند. موفقیت این راهبرد به تشکیلات اداری غیرمتمرکز در سطح محلی و مدیریت در این سطح توسط افرادی که از حمایت و اعتقاد اکثریت قاطع جمعیت برخوردارند نیاز دارد. علاوه بر این مشارکت فقرا در سازمانهای محلی در شناخت اولویت‌ها و تصمیم درباره اینکه کدام نیازها اساسی هستند مفید است، همچنین مشارکت در تعریف محتوای پروژه‌ها و برنامه‌ها بسیار اهمیت داشته و پس از شناخت اولویت‌ها و برنامه ریزی برای آنها می‌توان برای سیاست‌ها و برنامه‌های ملی و محلی حمایت لازم را بسیج کرد (گریفین، ۱۳۸۸: ۲۵۳). در تطبیق این محور با قانون اساسی جمهوری اسلامی به‌خوبی مشاهده می‌شود که تأکید بسیار قانون اساسی بر شوراها و آزادی تشکیل احزاب و شرکت در انتخابات زمینه‌های تحقق این ویژگی مهم را فراهم کرده است.

محور آخر بر اهمیت توزیع مجدد قبل از رشد تأکید دارد. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه تعداد زیادی از مردم فاقد دارایی مولد هستند و توزیع نابرابر دارایی‌های مولد از علل عمده فقر گسترده است و بدین جهت است که راهبردهایی که به رفع نیازهای اساسی اولویت می‌دهند مایلند بر اصلاحات ارضی و اقدامات دیگر برای بهبود توزیع درآمد و ثروت تأکید ورزند. یک حقیقت تجربی این است که تنها جوامعی در رفع نیازهای اساسی موفق بوده‌اند که نابرابری‌ها را کاهش داده‌اند (استریتن و همکاران، ۱۹۸۱: ۲۱-۲۰). برای توضیح بیشتر این مطلب لازم به ذکر است که تا اواسط دهه ۱۹۸۰، رویکرد اصلاح‌طلبی که در تأمین نیازهای اساسی به خدمات عمومی متمایل بود به دو دلیل تفوق داشت. نخست، این رویکرد با تجدید حیات الگوی نئوکلاسیکی در اقتصاد توسعه هماهنگ بود. دوم، انعطاف‌پذیری آن از نظر مقیاس و محتوا مقبولیت آن را نزد دولت‌ها

افزایش می‌داد. اما به تدریج دیدگاه رادیکال‌تری درباره تأمین نیازهای اساسی در متون توسعه پدیدار شد. این دیدگاه بر دسترسی کافی و مداوم فقیران به اشتغال دستمزدی و یا دارایی مولد برای تأمین خوداشتغالی تأکید بیشتری دارد. دایاناهانت تأمین نیازهای اساسی را پارادایمی می‌داند که مشخصات اصلی آن به شرح زیر است:

- توسعه اقتصادی صرفاً شامل رشد نیست بلکه به معنای بهبود رفاه عمومی، با اولویت قائل شدن برای تأمین نیازهای اساسی همگان است.
- برای تحقق این هدف، باید توده مردم حق مشارکت در بحث‌های مربوط به سیاستگذاری در باب تأمین نیازهای اساسی را داشته باشند.
- استراتژی توسعه‌ای که مبتنی بر تأمین نیازهای اساسی باشد، نسبت به هر راهبرد بدیل دیگری، شالوده مستحکم‌تری برای تداوم رشد بلندمدت به وجود می‌آورد.
- این امر عمدتاً ناشی از تأثیر این استراتژی بر ساختار تقاضای داخلی و انگیزه سرمایه‌گذاری مرتبط با آن است.
- برخی از پیامدهای تجدید ساختار تقاضای داخلی که مترتب بر این استراتژی هستند عبارت‌اند از: کاهش محدودیت تقاضای داخلی، و گشودن تنگنایی که وضعیت تراز پرداخت‌ها برای رشد اقتصادی ایجاد می‌کند.
- این استراتژی مبنای تحولات ساختاری مداوم را فراهم می‌کند و از این طریق موانع موجود در راه افزایش ارزش و سرمایه خارجی را از بین می‌برد.
- این استراتژی منابع انسانی را به گونه‌ای مناسب‌تر و سریع‌تر توسعه می‌دهد (هانت، ۱۳۸۶: ۳۰۸).

#### ۴. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و توصیه راهبردی

در این مقاله تلاش شد نشان داده شود مراجعه به قانون اساسی برای استخراج الگوی پیشرفت که هم اسلامی باشد هم ایرانی، شدنی و ضروری است.

همچنین الگوی اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی تبیین شد. این الگو در کنار سایر الگوهای سیاسی و فرهنگی قانون اساسی، ساختار نظام قانون اساسی را بنا می‌کنند. نظامی که هدف آن «پرورش انسان با ارزش‌های والا و جهان‌شمول اسلامی» (مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) است. توجه به این نکته ضروری است که این الگوها با یکدیگر ارتباط متقابل داشته و عملیاتی کردن هر کدام از آنها بدون توجه با سایر الگوها نتیجه مورد نظر قانون اساسی را نخواهد داشت.

الگوی اقتصادی قانون اساسی را می‌توان «الگوی تأمین نیازهای اساسی» نامید. در این الگو وظایف متعدد و وسیعی برعهده دولت جمهوری اسلامی به منظور «رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی انسان» (همان) گذاشته شده است. در الگوی قانون اساسی دولت وظیفه دارد همه امکانات کشور را در جهت رفع نیازهای اساسی (شامل مسکن، غذا، پوشاک، بهداشت و درمان، آموزش، امکانات تشکیل خانواده، تربیت بدنی، امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی برای احراز مشاغل و برخورداری از تأمین اجتماعی) همه افراد جامعه به کار گیرد.

راهبرد این مقاله برای نظام قانونگذاری و سیاستگذاری کشور این است که از متنی مانند قانون اساسی امکان استخراج الگویی که هم اسلامی و هم ایرانی و هم جایگاه بارزی در راهبردهای توسعه داشته باشد، وجود دارد. استخراج الگو از متن، در گذشته نیز سابقه داشته و با تفسیر متن قانون می‌توان به الگوی مورد نظر دست یافت.



## منابع و مأخذ

۱. الوانی، سیدمهدی (۱۳۸۸). *فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی*، چاپ هفتم، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
۲. امام خمینی (۱۳۷۰). *صحیفه نور*، ج ۵ و ۱۹، تهران، وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی.
۳. پیله‌فروش، میثم (۱۳۸۶). *معرفی و نقد نظریات عدالت اقتصادی براساس معیارهای نیاز، کارآمدی، مسئولیت فردی و کانتکس*، تهران، مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع).
۴. جعفری، عبدالله (۱۳۸۱). *راز متن*، تهران، آفتاب توسعه.
۵. دانایی‌فر، حسن و دیگران (۱۳۸۸). *روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع*، تهران، انتشارات صفار - اشراقی.
۶. رضوی، مهدی (۱۳۸۲). *اصول طراحی سیستم‌ها*، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۷. زاهدی، محمدرضا (۱۳۸۵). *توسعه و نابرابری*، تهران، انتشارات مازیار.
۸. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۸۳). *اقتصادنا*، قم، بوستان کتاب.
۹. صورت مشروح مذاکرات قانون اساسی (۱۳۶۴). تهران، مجلس شورای اسلامی.
۱۰. علی بابایی، داود (۱۳۸۴). *بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟ (از بازرگان تا خاتمی)*: جلد یک از بنی‌صدر تا شورای موقت ریاست جمهوری، تهران، نشر امید فردا.
۱۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸ و ۱۳۵۸).
۱۲. لیارد، پی. ار. جی. و ا.ا. والترز (۱۹۸۶). *تئوری اقتصاد خرد*، ترجمه عباس شاکری، تهران، نشر نی.
۱۳. کیوانفر، شهرام (۱۳۹۰). *مبانی تفسیر قانون*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۴. گریفین، کیت (۱۳۸۸). *راهبردهای توسعه اقتصادی*، ترجمه حسین راغفر و محمدحسین هاشمی، چاپ چهارم، نشر نی.
۱۵. هانت، دایانا (۱۳۸۶). *نظریه‌های اقتصادی توسعه*، تحلیلی از پارادایم‌های رقیب، ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی، نشر نی.
16. Adelman, Irma (1986). "A Poverty-Focused Approach to Development Policy" in P. John Lewis and Valeriana (eds.), *Development Strategies Reconsidered*, New Brunswick.
17. Paul Streeten and et al. (1981). *First Thing First: Meeting Basic Needs in the Developing Countries*, New York, Oxford University Press.
18. ILO (1976). *Employment, Growth and Basic Needs: A one-World Problem*, Geneve, ILO.



# ریشه‌ها، مصادیق و پیامدهای فساد انتخاباتی

مهدی امیری\*

تاریخ پذیرش ۱۳۹۳/۳/۲۸

تاریخ دریافت ۱۳۹۱/۹/۱۸

فساد انتخاباتی سابقه‌ای به قدمت خود انتخابات دارد. از این رو طی دو دهه اخیر مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی تلاش‌هایی را برای بررسی و شناسایی آن انجام داده‌اند. اهمیت این موضوع بیشتر از حیث تبعات و پیامدهای مخربی است که برای یک کشور و نظام سیاسی آن به همراه دارد. مقاله حاضر با بررسی ابعاد مختلف فساد انتخاباتی به تشریح و توضیح ریشه‌های بروز و شیوع این پدیده و نیز تبیین تأثیرات و پیامدهای آن می‌پردازد و استدلال می‌کند که این نوع فساد به‌ویژه در کاهش سطح مشروعیت نظام سیاسی و تقویت امکان بروز مناقشه در داخل تأثیر چشمگیری دارد.

**کلیدواژه‌ها:** فساد سیاسی؛ فساد انتخاباتی؛ مشروعیت؛ انتخابات دموکراتیک؛ رأی‌گیری؛ احزاب

\* دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی؛

E-mail: m\_amiri2000@yahoo.com

### مقدمه

انتخابات در شکل کلی آن از مهم‌ترین و مؤثرترین سازوکارهای مشارکت مردم در فرایند تعیین سرنوشت جامعه و ابزار اعمال اراده آنها در روند اداره کشور است. در واقع انتخابات به مثابه پلی میان شهروندان و حکومت، امکان دخالت مردم در فرایند تنظیم و تدوین تصمیمات و ترجیحات کلان کشور را فراهم می‌سازد. این دخالت از طریق تعیین مقامات ملی و محلی و واگذاری امور کشور به آنها در جریان برگزاری یک انتخابات آزاد صورت می‌گیرد. مردم مطابق برنامه‌های اعلام شده از سوی نامزدها به گزینش سیاست‌مداران می‌پردازند و بدین ترتیب زمینه اجرایی شدن این برنامه‌ها را فراهم می‌سازند. بدین ترتیب عملی شدن هر برنامه و تصمیم معطوف به مدیریت کشور، بستگی تام و تمام به انتخاب و اراده مردم دارد.

بر این اساس انتخابات، وجه مردم‌سالارانه یک نظام سیاسی را تحقق بخشیده و پایه‌های مردمی حکومت را تقویت می‌کند. از این رو انتخابات جزء لاینفک و عنصر ضروری یک نظام دمکراتیک محسوب می‌شود. در عین حال خود انتخابات می‌بایست واجد ویژگی‌ها و شرایطی باشد که امکان انتخاب آزادانه مردم را فراهم سازد. در واقع کیفیت برگزاری انتخابات در تحقق فلسفه وجودی آن که همانا دخالت مؤثر شهروندان در حوزه حکومت‌داری است اهمیت اساسی دارد. این امر از طریق برگزاری یک انتخابات عادلانه و سالم محقق می‌شود. طبعاً انتخاباتی واجد این شرایط خواهد بود که عاری از تقلب و تخلف باشد. از این رو عیار و اعتبار انتخابات در هر کشوری در ارتباط معناداری با میزان تقلب در آن انتخابات است.

از آنجا که انتخابات ناسالم و مخدوش، تهدیدات و پیامدهای مخرب متعددی در حوزه‌های مختلف به دنبال دارد، هر نظام سیاسی به منظور پیشگیری از این تهدیدات و افزایش ثبات و کارآمدی خویش ناگزیر از اتخاذ تمهیدات لازم جهت مقابله مؤثر با تخلف و تقلب در انتخابات است. تقلب در انتخابات یا به تعبیر دیگر فساد انتخاباتی<sup>۱</sup> هم می‌تواند از سوی نیروهای دولتی و هم غیردولتی سازمان داده شود؛ در عین حال این پدیده می‌تواند ریشه در عوامل مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی یک کشور داشته

باشد. از این رو معماری یک نظام انتخاباتی سالم بایستی با توجه به همه عوامل و زمینه‌های مؤثر در بروز فساد و پیشگیری از بروز و وقوع آنها انجام پذیرد.

لازم به ذکر است که مشکل تخلف انتخاباتی در بسیاری از کشورهایی که رأی‌گیری در آنها به انجام می‌رسد کم‌وبیش وجود دارد. با توجه به اهمیت و تأثیرات و پیامدهای ناشی از این موضوع، شاهد افزایش توجه مراکز تحقیقاتی و مطالعاتی در سراسر جهان به ابعاد و جنبه‌های مختلف فساد انتخاباتی هستیم. در مقاله حاضر نیز تلاش می‌شود که این موضوع از زوایای مختلف از جمله عوامل مؤثر در پیدایش و گسترش آن و نیز آفت‌ها و پیامدهای مخرب ناشی از آن مورد بررسی قرار گیرد.

### ۱. بیان مسئله

مطالعه مجموعه مباحث و مطالب مرتبط با موضوع فساد انتخاباتی نشان می‌دهد که علی‌رغم اهمیت موضوع، هنوز اجماع قابل‌تأییدی در خصوص ابعاد و زوایای مفهومی این پدیده - به‌نحوی که منجر به ارائه یک تعریف مشخص از آن شود - به‌وجود نیامده است. عوامل متعددی موجب شده‌اند تا یک فهم منسجم از آنچه که تخلف و تقلب انتخاباتی نامیده می‌شود شکل نگیرد. بر این اساس هنوز یک تعریف پذیرفته شده در سطحی گسترده از تقلب انتخاباتی به‌وجود نیامده چراکه درک کاربردی این مفهوم معمولاً به شرایط خاص زمانی و مکانی وابسته بوده است. آنچه به‌عنوان دستکاری تقلب‌آمیز فرایند انتخابات قلمداد می‌شود در طول زمان و از یک کشور به کشور دیگر متفاوت است. حتی در مجامع دانشگاهی تعاریف تئوریک از تقلب در رشته‌های حقوق بین‌المللی و داخلی و مطالعات تطبیقی متفاوت بوده و نیاز به یکسان شدن دارند. هم‌زمان با افزایش آگاهی‌ها در مورد ضرورت استقرار حکومت‌های دمکراتیک در سراسر دنیا، سازمان‌های بین‌المللی نیز برای تعریف انتخابات دمکراتیک تلاش‌هایی به‌عمل آورده‌اند. آنها برخی ضوابط و معیارها را در مورد این‌گونه انتخابات برقرار ساخته‌اند اما هنوز نقاط اختلاف و افتراق بسیاری میان کشورها، مناطق، سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های غیردولتی، دانشگاه‌ها و سیاست‌مداران

باقی مانده است. ماده (۲۱) اعلامیه جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۴۸ به تصویب سازمان ملل رسید ابراز می‌دارد که اراده مردم باید در انتخابات دوره‌ای و واقعی که با رأی‌گیری فراگیر و برابر به انجام می‌رسد از طریق رأی‌گیری مخفیانه یا رویه‌های معادل رأی‌گیری آزاد برگزار شود. اما ورای این تجویز کلی و غالباً مورد استناد، درخصوص عناصر ضروری انتخابات دمکراتیک توافق و اجماع محدودی وجود دارد.

به‌طور کلی در این باره که چه چیزی تقلب و تخلف انتخاباتی محسوب می‌شود دیدگاه‌ها و تعاریف مختلفی وجود دارد. واژه تخلف در فرهنگ‌های مختلف به معنای خلاف کردن، خلاف وعده عمل کردن و قصور ورزیدن به کار رفته است. بنابراین یک تعریف، تفاوت عمده تخلف با تقلب در این است که تخلف، اقدامی غیرعامدانه و تقلب رفتاری عامدانه و با نیت قبلی است. از این منظر تخلف ممکن است نتیجه برخی محدودیت‌ها یا مشکلات بوروکراتیک و یا ناشی از عدم صراحت و کفایت قانون باشد حال آنکه تقلب اقدامی عامدانه و در نتیجه مجرمانه است. همچنین عنصر سازمان‌یافتگی را می‌توان بیش از تخلف به تقلب قابل اطلاق دانست. البته این تعریف، مورد اجماع و تأیید همگان نیست به‌نحوی که برخی دیگر از صاحب‌نظران، عامدانه بودن را همچون تقلب، عنصری محرض در تعریف تخلف می‌دانند. با توجه به نبود اجماع کامل در مورد تعریف و تمایز دقیق این دو واژه، در مقاله حاضر هر دو عبارت به کار گرفته شده است.

واژه تقلب خود در تعریف کلی، «انحراف عامدانه حقیقت» یا «نمایش غلط واقعیت» تعریف شده است ([www.criminal-law.freeadvice.com](http://www.criminal-law.freeadvice.com)). این تعریف نیز بر عنصر «عامدانه» بودن تقلب و اینکه این اقدام به قلب واقعیت منجر می‌شود تأکید دارد. بنابراین در بحث انتخابات، تقلب در شکل حداکثری آن اقدامی عمدی برای تغییر نتیجه انتخابات است. بنابراین تعریف دیگر، تقلب انتخاباتی به‌عنوان فساد در فرایند اخذ آرا یا شمارش آن می‌شود. این تقلب ممکن است شامل اقدام خطا چه از سوی رأی‌دهندگان خاص یا آن‌طور که موضوعیت بیشتری دارد از سوی گروه‌های سازمان‌یافته‌ای نظیر فعالان انتخاباتی یا احزاب سیاسی شود (Minnite, 2003: 14).

از منظر دیگر، تقلب انتخاباتی مداخله غیرقانونی در فرایند یک انتخابات است. اقدامات تقلب‌آمیز و فریبکارانه به اثرگذاری بر شمارش آرا گرایش دارند تا نتیجه دلخواه در انتخابات به دست آید. این اقدام چه از طریق افزایش میزان آرای کاندیدای مورد نظر و چه از طریق کاستن از میزان آرای کاندیداهای رقیب یا هر دو اقدام صورت می‌گیرد (en.wikipedia.org, 2014).

از این منظر موضوع تقلب انتخاباتی سابقه‌ای طولانی دارد. شاید تقلب در انتخابات به اندازه خود انتخابات قدمت داشته باشد. نخستین شبهات در این زمینه به سال ۴۷۱ پیش از میلاد در دموکراسی آتن بازمی‌گردد. باستان‌شناسان ۱۹۰ قطعه ظرف شکسته‌ای که در آن زمان به‌عنوان تعرفه رأی استفاده می‌شد را با تنها ۱۴ دست‌خط متفاوت پیدا کردند (Ibid.). به این ترتیب می‌توان ادعا کرد که این پدیده از سابقه‌ای طولانی برخوردار است. در واقع طی تاریخ، جوامع بشری در نظام‌های سیاسی مختلفی که ترتیبات انتخاباتی پیش‌بینی و برقرار شده بود با مشکل تخلف و دخالت در انتخابات مواجه بوده‌اند.

در دوران معاصر و هم‌زمان با توسعه این ترتیبات موضوع تقلب در انتخابات کشورها نیز نسبت به گذشته اهمیت افزون‌تری پیدا کرده است. در بسیاری از کشورها تخلفات انتخاباتی به یک رویه معمول و پدیده همیشگی تبدیل شده است. باین حال نظام‌های سیاسی در همه نقاط دنیا معمولاً خود را از اتهام دستکاری در انتخابات مبری دانسته‌اند. در واقع تقلب و فریب انتخاباتی در همه کشورها امری غیرقانونی قلمداد می‌شود. حتی در نظام‌های دیکتاتوری که هم کنترل فرایند انتخابات و هم مبادرت به هرگونه اقدامی که متضمن دستیابی به نتایج دلخواه باشد در آنها امری محتمل است نیز تقلب در انتخابات پدیده‌ای مطرود معرفی می‌شود. تقییح عمومی این تخلف نسبتی مستقیم با ربط فزاینده آن به مشروعیت نظام سیاسی دارد چراکه هرچه میزان تخلف و تقلب در فرایند برگزاری انتخابات بالاتر باشد به همان میزان نیز مشروعیت و مقبولیت آن نظام نزد آحاد جامعه و نیز نزد جامعه بین‌المللی کاهش می‌یابد. تقلب انتخاباتی از آن جهت که تهدیدی آشکار برای مردم‌سالاری است امری مطرود و نامقبول است. به‌ویژه در مورد انتخابات ملی، اگر تقلب در انتخاباتی به‌طور

موفقیت آمیز به انجام برسد می تواند تأثیر یک کودتا را به همراه داشته باشد (Ibid.). البته باید توجه داشت که تقلب انتخاباتی محدود به رأی گیری های سیاسی نیست و می تواند در هر نوع انتخاباتی که در آن کسب منافع بالقوه ارزش ریسک برای فرد متقلب را دارد اتفاق بیافتد. از جمله می توان به انتخابات مقامات اتحادیه کاریگری، شوراهای دانشجویی و حتی انتخاب بهترین کتاب ها، فیلم ها و ... اشاره کرد.

البته در این مقاله تمرکز بحث روی انتخابات هایی است که جنبه سیاسی و ملی دارند. انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری کشورها مهم ترین نوع از این انتخابات هستند. باین حال رسیدن به یک تعریف جامع از تقلب در خصوص همین نوع انتخابات نیز به مراتب دشوارتر است. همچنان که اشاره شد تعاریف مختلفی در خصوص فساد و تخلف انتخاباتی ارائه شده است که برخی از آنها مورد بحث قرار گرفت. علی رغم تنوع دیدگاه ها و تعاریف در خصوص چیستی و چگونگی تقلب انتخاباتی، ناگزیر از ارائه تعریفی مشخص از این پدیده هستیم تا در این نوشتار چارچوب مفهومی معینی در باب آن وجود داشته است.

براین اساس می توان ادعان داشت که تقلب انتخاباتی شامل فعالیت هایی می شود که می توانند نتایج صندوق های رأی را تغییر دهند و قوانین انتخاباتی را نقض کنند. این تعریف حقوقی اجازه می دهد تا هم به لحاظ کیفی و هم به لحاظ کمی اقداماتی را که از سوی مقامات، قضات و احزاب، فریب آمیز خوانده می شوند مورد شناسایی قرار دهیم (Lehoucq and Molina, 2002: 17).

## ۲. دلایل فقدان تعریف مورد توافق

مطالعه سطور قبل، از فقدان یک تعریف جامع و مورد توافق در باب تقلب انتخاباتی حکایت دارد. این مسئله که چرا باوجود سابقه طولانی فرایندهای انتخاباتی در کشورهای مختلف و مسائل ناشی از آن از جمله کثرت موارد تخلف، هنوز تعریف واحدی از تقلب و فساد انتخاباتی ارائه نشده است خود می تواند ارزش بررسی و تحقیق جامع داشته باشد. در اینجا به طور مختصر به دو مورد از مهم ترین عوامل اشاره می شود:



## ۲-۱. تفاوت محیط سیاسی و فرهنگی کشورها

هنگام مطالعه تخلف انتخاباتی، به‌زودی روشن می‌شود که درک این مفهوم در محیط فرهنگی و سیاسی هر کشور ریشه دارد. در واقع بسته به اینکه ارزش‌های سیاسی و فرهنگی هر جامعه‌ای چه باشد ممکن است رویکردها در آن جامعه نسبت به آنچه تقلب در انتخابات نامیده می‌شود، متفاوت باشد. به‌عنوان مثال می‌توان ادعاهای مربوط به تقلب در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۶ مکزیک را در نظر گرفت. برخی اتهامات بر استفاده از روش جمع‌آوری خانه به‌خانه آرا توسط یکی از احزاب سیاسی متمرکز بود و اینکه این روش مبارزات انتخاباتی، فشار زیادی را بر رأی‌دهندگان وارد کرده است. همچنین تصمیم «ویسته فوکس» رئیس‌جمهور وقت مکزیک در مورد تأیید صلاحیت یکی از کاندیداها برای جانشینی خود، در داخل این کشور به‌عنوان اعمال فشار غیرقانونی بر رأی‌دهندگان و استفاده ناعادلانه از سرمایه‌های دولتی برای تقویت یک کاندیدای خاص قلمداد کرد (Glordano, 2006). این در حالی است که در آمریکا هر دو اقدام فوق از سابقه‌ای طولانی برخوردارند. احزاب و کاندیداها می‌توانند به‌خانه‌ها مراجعه و برای متقاعد و بسیج کردن رأی‌دهندگان تلاش کنند. همچنین تأییدیه مقامات، یک بخش عادی از فرایند انتخابات محسوب می‌شود. ضمن آنکه سیستم مالی مبارزات انتخاباتی آمریکا که در آن گروه‌ها و افراد ذی‌نفع در سیاست‌های خاص می‌توانند به مبارزات سیاست‌مداران کمک‌های مستقیمی ارائه کنند امری قانونی است؛ اما در دیگر کشورها، کمک‌های مشابه از سوی گروه‌ها و افراد تخلف انتخاباتی محسوب می‌شود.

همچنان‌که این موارد نشان می‌دهد، تفاوت در قوانین انتخاباتی کشورها و تمایزات در فرهنگ سیاسی، بر تخلف انتخاباتی بودن یک فعالیت معین تأثیری قاطع دارد. این تفاوت‌ها خود از عوامل مؤثر در عدم شکل‌گیری یک تعریف مشخص از تخلف انتخاباتی است.

## ۲-۲. فقدان ادبیات کافی

محققان که قصد دارند درباره فساد انتخاباتی به تحقیق و پژوهش پردازد با این واقعیت

اساسی مواجه می‌شود که حجم تحقیقات و مطالعات انجام شده در خصوص این موضوع چندان قابل توجه نیست. احتمالاً به واسطه فقدان اطلاعات کافی در مورد تخلف انتخاباتی، تحلیل تجربی نسبتاً کمی از این پدیده در پژوهش‌ها وجود دارد. در آمریکا بیشتر در خصوص مطالعات تاریخی و بر دوره‌های تاریخی یا مطالعات موردی تمرکز می‌کنند. بسیاری از این مطالعات تلاش می‌کنند تا به تخمین حد و اندازه تقلب انتخاباتی بپردازند. برای مثال «جورج میلر» یکی از محققانی است که از طریق بررسی ادعاهای مطرح شده در خصوص تقلب در رأی‌گیری‌های غیابی بر موضوع تقلب در شیوه‌های انتخابات خاص تمرکز کرده است. دیگران ادعاهای تاریخی تقلب در ثبت نام رأی‌دهندگان را مورد مطالعه قرار داده‌اند (Miller, 1948). ملاحظات معاصر در باب تخلف انتخاباتی می‌تواند در کتاب «لاری ساباتو» و «گلن سیمپسون» و نیز در مطالعات «جان فاند»، «تریسی کمپل» و «آندره گامبل» پیدا شود (Campbell, 2004).

در خارج از آمریکا نیز برخی مطالعات در خصوص تخلف انتخاباتی به انجام رسیده است. «فابریک لهوک» در این زمینه به «سیستم‌های سیاسی پیش از دوره اصلاح»<sup>۱</sup> اشاره می‌کند (Lehoucq, 2003: 233-256). به اعتقاد وی کشورهایی وجود دارند که حداقل تقاضاها و الزامات را برای برقراری یک دموکراسی کارکردی برآورده نمی‌کنند و سیستم‌های اجرای انتخابات در برخی کشورها نیز زمینه فساد گسترده انتخاباتی را فراهم می‌سازد. مثال‌های مهم در مورد چنین نظام‌هایی به کاستاریکا، آرژانتین و برزیل مربوط می‌شود. استنتاج کلی از این مطالعات این است که روش‌های متفاوت زیادی وجود دارد که نیروهای سیاسی براساس آنها به‌طور غیرقانونی برای دستکاری در نتایج انتخابات تلاش می‌کنند.

با این حال و علی‌رغم آثار مذکور در مجموع ادبیات موضوعی ضعیفی در باب مسئله تقلب انتخاباتی وجود دارد. بسیاری از مطالبی هم که در این باب ارائه شده است ذیل عنوان کلی تری تحت عنوان «فساد سیاسی» تنظیم شده که عمدتاً به طرح مباحث دیگری غیر از مسائل انتخاباتی می‌پردازد. بدون تردید کمبود مطالعات انجام شده در خصوص

موضوع فساد انتخاباتی از دلایل مهم عدم شکل‌گیری یک تعریف واحد و مشخص در مورد این پدیده است. طبعاً تا زمانی که مباحث نظری و تئوریک و مطالعات گسترده مبتنی بر یافته‌های تجربی به اندازه کافی در خصوص موضوع شکل‌نگیرد نمی‌توان انتظار داشت که تعریف منسجم و واحدی در مورد فساد انتخاباتی ارائه شود.

### ۳. رویکردهای حداقلی و حداکثری

در خصوص اینکه فساد انتخاباتی دقیقاً در چه محدوده و دامنه‌ای تعریف می‌شود دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. گروهی کمترین حد تخلفات در فرایند انتخابات را برای ناسالم بودن این فرایند کافی می‌دانند. گروهی دیگر اما قائل به آن هستند که انجام تخلفات کوچک و جزئی نمی‌تواند معیاری برای تقلب انتخاباتی و ناسالم بودن یک انتخابات قلمداد شود. در واقع فساد انتخاباتی به لحاظ دامنه و فراگیری آن مورد مناقشه صاحب‌نظران است. رویکرد حداقل‌گرا قائل به آن است که فارغ از اینکه اقدامات تقلب‌آمیز بر نتایج حاصله تأثیری برجای گذارد یا بی‌تأثیر باشد می‌توان انتخابات مربوطه را مخدوش و ناسالم قلمداد کرد. به این ترتیب و براساس این رویکرد حتی تخلفات جزئی که از سوی معدودی از افراد در جریان انتخابات صورت می‌گیرد ولی بر نتایج نهایی رأی‌گیری بی‌تأثیر است نیز می‌تواند ایراد اشکال به سلامت انتخابات را موجه سازد.

طرفداران این رویکرد حتی برخی اقدامات خاص که در خصوص تخلف‌آمیز بودن آنها تردید وجود دارد را نیز در زمره اقداماتی می‌دانند که به مخدوش شدن انتخابات منجر می‌شود. به عقیده آنها حتی اقدام حکومت یا دولت در ارائه آمارهای مثبت در مورد اقتصاد ملی در روزهای نزدیک به برگزاری انتخابات نیز تخلف و تقلب انتخاباتی به حساب می‌آید.

در مقابل، رویکرد حداکثری به موضوع تقلب انتخاباتی، قائل به آن است که بسیاری از ادعاها در مورد بروز تخلف در انتخابات ممکن است ادعاهای درستی نباشند و تحت تأثیر شرایط خاص مطرح شده باشند. برخی تخلفات ممکن است صرفاً بر اثر سوء تفاهمات ساده صورت گرفته باشند و از این رو نمی‌توانند عامل مهمی برای بی‌اعتباری کل فرایند

انتخابات محسوب شوند. طرفداران این رویکرد همچنین به این موضوع اشاره می‌کنند که ادعای تقلب در انتخابات نوعاً از سوی کاندیدا یا حزبی که در انتخابات شکست خورده است مطرح می‌شود و اینکه آیا موارد ادعایی موارد واقعی تقلب هستند یا ناشی از فریادهای یک بازنده انتخابات است تردید وجود دارد.

حامیان رویکرد حداکثری این ایراد را به طرفداران رویکرد اول وارد می‌کنند که براساس تعریف حداقلی از فساد انتخاباتی حتی اگر تنها یک رأی در یک انتخابات سراسری دستکاری شده باشد کل آن انتخابات زیر سؤال رفته و انتخاباتی ناسالم معرفی می‌شود. حال آنکه اساساً چنین نگرشی نسبت به موضوع نه منطقی و نه سازنده است. بر این اساس کمتر انتخاباتی را می‌توان یافت که امکان تأیید سلامت کامل آن ممکن باشد. از این رو رویکرد حداکثری قائل به این نظر است که انتخاباتی را می‌توان مخدوش و تقلب‌آمیز نامید که مجموعه تخلفات صورت گرفته در آن در تعیین نتیجه انتخابات تأثیرگذار باشد. در واقع حجم و نوع تقلب به گونه‌ای باشد که نتیجه انتخابات را مغایر با اراده و خواست عمومی رقم بزند یا تخلفات صورت گرفته بسیار گسترده و وسیع باشد به نحوی که نتایج عجیب، غیرعادی و دور از انتظار را به وجود آورد. به عنوان مثال انتخابات ریاست جمهوری لیبریا در سال ۱۹۴۴ که در آن «ویلیام توبمن» رئیس‌جمهور وقت این کشور در جریان رأی‌گیری مجموع آرای بیش از تعداد کل جمعیت لیبریا در آن زمان را به دست آورد از جمله این گونه انتخابات محسوب می‌شود (Teh, 2006). در مجموع معیار اصلی تأیید تقلب‌آمیز بودن انتخابات از نظر این گروه آن است که حجم تخلفات صورت گرفته، نتیجه واقعی انتخابات را تحت تأثیر قرار دهد و باعث تغییر آن شود.

#### ۴. ریشه‌های بروز فساد انتخاباتی

در خصوص اینکه فساد و تقلب انتخاباتی ریشه در کدام عوامل و دلایل دارد دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است. از منظر فلسفی، رویکرد کلاسیک رئالیستی تقلب و دستکاری در انتخابات را با ذات قدرت طلب انسانی پیوند می‌زند و معتقد است که رسیدن به قدرت

مبادرت به اقدامات فریب‌آمیزی چون تقلب در انتخابات را توجیه می‌کند. این مسئله در واقع عینیت اصل «هدف وسیله را توجیه می‌کند» در کارزار انتخابات است. جدا از این رویکرد فلسفی، درخصوص ریشه‌های بروز فساد و تقلب در انتخابات رویکردهای دیگری نیز مطرح هستند که هر یک از منظر خود به تبیین دلایل پیدایش و پرورش فساد در انتخابات می‌پردازند.

#### ۱-۴. ریشه‌های حقوقی

برخی کارشناسان اعتقاد دارند که تقلب انتخاباتی و حجم و دامنه آن وابستگی زیادی به ماهیت قانون اساسی در یک کشور دارد. اگر قانون اساسی در بردارنده یک سازوکار قوی «نظارت و توازن»<sup>۱</sup> باشد تا حدود زیادی می‌تواند از بروز تقلب و فساد سیاسی از جمله در انتخابات جلوگیری کند. چنانچه قانون اساسی یک کشور شرایط را برای ایفای نقش نظارتی مؤثر نهادها و سازمان‌های مختلف فراهم کند این امر خود می‌تواند عامل مهمی برای جلوگیری از بروز تخلفات گسترده در انتخابات باشد. همچنین در صورتی که قانون اساسی و دیگر قوانین مربوطه در یک کشور بر مبنای اراده‌ای قوی جهت برخورد با چنین تخلفاتی شکل گرفته باشند این امر خود می‌تواند کمک شایانی به تأمین سلامت انتخابات کند. قوانین مربوط به نحوه فعالیت رسانه‌ها نیز می‌توانند در تحدید یا توسعه تخلف انتخاباتی نقش مهمی بازی کنند. تقلب، ناکارآمدی و تعصب رسانه‌های خبری از عوامل اصلی افزایش تقلب انتخاباتی و فساد سیاسی هستند (Fraud Factor Website, 2000). به لحاظ قانونی می‌بایست تمهیدات لازم جهت جلوگیری از فراهم شدن چنین فضایی برای رسانه‌ها در نظر گرفته شود.

قوانین و چارچوب‌های حقوقی به‌ویژه قانون اساسی یک کشور همچنین می‌بایست سطوح بالای شفافیت در سیستم سیاسی و اداری آن کشور را برقرار کرده و سازوکارهای نظارتی مناسبی را ترتیب دهد. به‌طور طبیعی ضعف و نقص قوانین در هر یک از این زمینه‌ها محرک توسعه فساد انتخاباتی در یک کشور است.

## ۲-۴. ریشه‌های ساختار سیاسی

براساس یک دیدگاه دیگر میزان و حجم تقلب انتخاباتی با ساختار و نوع نظام سیاسی ارتباط مستقیمی دارد. هر چقدر حکومتی از شرایط یک نظام مردم‌سالار فاصله داشته باشد، بروز و ظهور فساد انتخاباتی در آن حکومت از استعداد بیشتری برخوردار می‌شود. حکومت‌هایی وجود دارند که علی‌رغم پذیرش مکانیسم انتخابات هنوز با غایت و فلسفه اصلی برگزاری انتخابات که همانا فراهم کردن زمینه مشارکت و دخالت مردم در امر حکومت‌داری است فاصله زیادی دارند. برخی رژیم‌های اقتدارگرا صرفاً به منظور حفظ پرستیژ در نظام بین‌الملل اقدام به برگزاری انتخابات می‌کنند؛ اما با ترفندهای مختلف انتخابات را به ابزاری برای تداوم حکومت خویش تبدیل می‌سازند. این حکومت‌ها اصطلاحاً رژیم‌های «اقتدارگرای انتخاباتی» نامیده می‌شوند که اغلب از انتخابات برای مشروع ساختن حکومت خود استفاده می‌کنند. زمانی که رژیم‌های اقتدارگرا انتخابات را می‌بازند، قدرت به‌طور خودکار واگذار نمی‌شود. اگر این رژیم‌ها نتایج انتخابات را نپذیرند روز بعد از برگزاری انتخابات به دستکاری نتایج می‌پردازند. برای مثال «فردیناند مارکوس» رئیس‌جمهور فیلیپین در سال ۱۹۸۶ اقدام به تقلب در انتخابات ریاست جمهوری کرد. این تقلب هم شامل تقلب خرد (دادن رشوه و ارباب) و هم تقلب گسترده پس از برگزاری انتخابات (دستکاری آرا) بود.

درواقع کسانی که سطح تحلیل خود را بر ساختار نظام سیاسی متمرکز می‌سازند اعتقاد دارند که این ساختار کمیت و کیفیت تقلب انتخاباتی و به‌طور کلی فساد سیاسی را تعیین می‌کند. آنها در نظریات خود به یک مفروض اصلت می‌بخشند و آن اینکه در نظام‌های اقتدارگرا میزان تقلب بیشتر و در نظام‌های دموکرات کمتر است. البته مرور برخی تجارب تاریخی اصلت این مفروض را زیر سؤال می‌برد و حداقل آن را به امری نسبی تبدیل می‌سازد. در واقع نمونه‌هایی برخلاف این باور وجود دارد که نشان می‌دهد نوع نظام سیاسی ملاک مطلق برای تخمین میزان تخلف در انتخابات نیست. در زمان انتخابات، رژیم‌ها باید تصمیم بگیرند که تقلب کنند، به انتخابات دستبرد بزنند یا تسلیم اراده مردم

شوند و قدرت را به برنده انتخابات واگذار کنند (Thompson and Kuntz, 2006). همه حکومت‌های اقتدارگرا برای حفظ قدرت به تقلب متوسل نمی‌شوند. برای مثال حزب ساندنیست‌ها<sup>۱</sup> در نیکاراگوئه که به انحصار قدرت در این کشور متهم بود در سال ۱۹۹۰ زمانی که در انتخابات شکست خورد نتیجه آرای مردم را پذیرفت و قدرت را به اپوزیسیون واگذار کرد. در این سال «اورتگا» پست ریاست جمهوری را به «ویولتا باریوس» سپرد (Rohter, 1996). در عین حال تقلب در انتخابات کشورهای دیگری که مدعی برخورداری از یک حکومت دمکراتیک با تاریخی طولانی هستند نیز امری مسبوق به سابقه است. انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۴ آمریکا از آن جمله است که در خصوص سلامت آن تردیدهای قابل توجهی مطرح شد. برخی دیگر از کشورهای دمکراتیک نیز انتخاباتی را برگزار کرده‌اند که بی‌نظمی، بی‌قانونی و مشکلات اداری در آنها موجب طرح ابهامات و سؤالاتی درباره صحت انتخابات شده است. از آن جمله می‌توان به انتخابات پارلمانی ایتالیا در سال ۲۰۰۶ اشاره کرد. به این ترتیب نمی‌توان صرفاً نوع نظام سیاسی را معیاری برای سنجش میزان فساد در کشورها دانست.

### ۳-۴. ریشه‌های حزبی

برخی نظریه‌پردازان بر این اعتقادند که منافع جناحی احزاب که در تمایل آنها برای کسب و حفظ قدرت خلاصه می‌شود از مهم‌ترین محرکه‌های افزایش فساد انتخاباتی است. بنابراین کنترل دقیق فعالیت احزاب و هواداران آنها یک راهکار مؤثر برای کاهش تقلب در انتخابات است. البته ممکن است حزب حاکم و اپوزیسیون ترجیح دهند که در جهانی زندگی کنند که در آن تقلب در نتایج صندوق‌های رأی غیرممکن باشد. با این وجود منافع «بلندمدت» در زمینه برقراری ثبات سیاسی که مورد علاقه شهروندان و بسیاری از سیاست‌مداران است لزوماً با منافع «کوتاه‌مدت» احزاب منطبق نیست. هر یک از احزاب ممکن است در نادیده گرفتن توافقات منافی داشته باشند. مگر اینکه تمامی احزاب به قواعد

---

1. Sandinistas

جدیدی که بر رقابت‌های انتخاباتی حاکم است احترام بگذارند (Lehoucq and Molina, 2002). دانشمندان سیاسی دو نوع اصلی تئوری‌ها را برای توضیح رفتار احزاب و سیاست‌مداران ارائه می‌دهند. تئوری‌های «مقام‌طلبی»<sup>۱</sup> بر این اعتقادند که علاقه به در اختیار داشتن مقام و منصب به رفتار احزاب شکل می‌دهد. در اختیار گرفتن پست و منصب برای احزاب، ارزش بالایی دارد (Sithanen, 2003: 8). به تعبیر آنتونی داونز،<sup>۲</sup> (نخستین شارح این رهیافت) احزاب برای پیروزی در انتخابات سیاست‌ها را توسعه می‌دهند و نه برعکس، تئوری‌های مقام‌طلبی با قبول این فرض که احزاب برای به دست آوردن و حفظ مناصب عمومی هر چه را که لازم باشد انجام می‌دهند بر این اعتقادند که احزاب هیچ نوع وفاداری و وابستگی ایدئولوژیکی ندارند. آنها به دنبال کسب حمایت به هر طریقی که می‌تواند آن را به دست آورند هستند. بر این اساس آنها عملگرا و به تعبیر منتقدانشان فرصت‌طلب‌اند.

تئوری‌های مقام‌طلبی اشاره می‌کنند که احزاب تنها اصلاحاتی را در قانون قبول می‌کنند که از بخت آنها برای کسب یا حفظ و کنترل مناصب عمومی حمایت کند. احزاب همچنین با لویجی که نتایج نامشخصی دارد مخالفت می‌کنند چرا که آنها از احتمال آسیب دیدن که از کاهش سهم‌شان از قدرت ناشی می‌شود احتراز می‌کنند. خلاصه آنکه برطبق این تئوری نخبگان سیاسی هم از حزب حاکم و هم از اپوزیسیون به طور یکسان از طریق اشتیاق برای دستیابی به مناصب عمومی صاحب انگیزه می‌شوند (Kapa, 2008). این اشتیاق خود به طور بالقوه انگیزه و محرکی برای تقلب در انتخابات خواهد بود.

در مقابل این رویکرد، رهیافت‌های «جامعه‌شناسانه»<sup>۳</sup> وجود دارند که مبانی نظری تئوری‌های مقام‌طلبی را زیر سؤال می‌برند. آنها از این فرض آغاز می‌کنند که تئوری‌های مذکور ناتوان از توضیح این مطلب هستند که چرا احزاب اصلاحاتی را انجام می‌دهند که هزینه‌های کوتاه‌مدتی به دنبال دارند. از نظر آنها روی آوردن به چنین اصلاحاتی از سوی احزاب گواهی بر رد تئوری‌های مقام‌طلبی در باب تغییرات سازمانی است. در بسیاری

---

1. Office-Seeking Theories  
2. Anthony Downs  
3. Sociological Approaches



موارد احزاب اصلاحاتی در قانون انجام می‌دهند که منافع بلندمدت آن متوجه کل نظام سیاسی است و این در حالی است که این اصلاحات ممکن است در کوتاه‌مدت با منافع حزب حامی این اصلاحات در تعارض باشد. در مجموع رهیافت‌های جامعه‌شناسانه بر این اعتقادند که جهت‌گیری احزاب لزوماً با منافع ملی و کلان یک کشور ناهمخوان نیست و ممکن است با آن هم راستا باشد.

به‌هرحال فارغ از مجادلات نظری میان این دو رویکرد، باید تأکید کرد که هواداران رویکرد نخست بر این اعتقادند که تمایل احزاب برای کسب، حفظ و توسعه قدرت از عوامل دامن زدن به فساد انتخاباتی است. این احزاب (به‌ویژه اگر بخشی از هیئت حاکمه باشند) و نیز هواداران آنها در راستای تأمین منافع حزبی، آماده و مستعد مبادرت به تقلب در انتخابات هستند.

در توضیح این مسئله که چرا احزاب برای دستکاری در صندوق‌های رأی تلاش می‌کنند دو رهیافت دیگر نیز عرضه شده است. نخستین رهیافت استدلال می‌کند که در جوامعی که قدرت اجتماعی و اقتصادی به‌طور نابرابر توزیع شده باشد احتمال بیشتری وجود دارد که احزاب قوانین انتخاباتی را نقض کنند. این رهیافت ادعا می‌کند که در چنین جوامعی یک طبقه ثروتمند بر جامعه استیلا دارد و در نتیجه شهروندان را به رأی دادن در مسیرهای خاص مجبور یا متقاعد می‌کند.

در چنین محیطی، افراد قدرتمندتر برای دستبرد زدن به آرا یا جعل آرا به‌منظور حفظ موقعیت‌شان در جامعه بیشتر وسوسه می‌شوند.

رهیافت دوم استدلال می‌کند که کیفیت تقلب در پاسخ به شرایط رقابت سیاسی و ترتیبات سازمانی متفاوت است. منازعه بر سر قدرت تعیین می‌کند که چگونه احزاب برای تقلب در نتایج انتخابات تلاش می‌کنند. به همان اندازه که رقابت شدیدتر می‌شود، احزاب هم به اقدامات بیشتر و به‌طور روزافزون بارزتری در زمینه تقلب انتخاباتی متوسل می‌شوند (Lehoucq and Molina, 2002). البته ایجاد سازوکارهای نظارتی و کنترلی مؤثر و فراگیر در هر نظام سیاسی مانع عمده‌ای برای مبادرت به این تقلب محسوب می‌شود.

## ۵. پیامدها و تأثیرات

تقلب در انتخابات به‌ویژه چنانچه مربوط به انتخابات سراسری نظیر انتخابات ریاست جمهوری یا پارلمانی باشد تأثیرات و پیامدهای قابل توجهی به همراه دارد. این تأثیرات که ممکن است بنابر ماهیت، تأثیراتی فوری یا فرایندی باشند نقش قابل توجهی در افزایش تهدیدات و هزینه‌های فراروی نظام سیاسی کشوری دارند که تقلب در انتخابات آن به‌وقوع پیوسته است. در این میان نحوه برخورد هیئت حاکمه با موارد و مصادیق تقلب ارتباطی مستقیم با کاهش یا افزایش تهدیدات مذکور دارد. چنانچه اراده دولت در جهت مقابله و مبارزه با تخلف در انتخابات شکل گرفته باشد این امر می‌تواند به کاهش هزینه‌ها و تهدیدات کمک شایانی کند به شرط آنکه این اراده تا از بین رفتن کامل اقدامات فریب‌آمیز و غیرقانونی در انتخابات ادامه یابد. اما اگر دولت برنامه و تمایلی برای برخورد مؤثر با این پدیده نداشته باشد روند فزاینده تولید و تکثیر تهدیدات با سرعت بیشتری توسعه پیدا خواهد کرد.

به‌طور کلی تأثیرات اصلی تقلب در انتخابات را می‌توان به شرح زیر توضیح داد:

### ۵-۱. تضعیف مشروعیت نظام سیاسی

مشروعیت حکومت‌های دمکراتیک به‌طور معناداری با انجام انتخابات گره خورده است (Piombo, 2004). استدلال می‌شود که انتخابات از طریق ایجاد سازوکارهای عادلانه برای انتخاب مقامات مشروعیت را تقویت می‌کند (Bratton, 2013). اما اولین نتیجه وقوع تقلب و تخلف در انتخابات به چالش کشیده شدن مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی نزد آحاد شهروندان است. تقلب در انتخابات به شکل‌گیری و تقویت این تصور در مردم منجر می‌شود که حکومت‌کنندگان کشور نمایندگان واقعی آنها نیستند؛ بلکه محصول اراده‌ای هستند که با نادیده گرفتن خواست عمومی در انتخابات، در پی برقراری ترتیبات سیاسی موردنظر یک جریان یا جناح خاص است که از پایگاه مناسب مردمی برخوردار نیست. این تصور، مشروعیت نظام سیاسی را نزد شهروندان آن به‌شدت کاهش می‌دهد.

این در حالی است که تأثیر تقلب انتخاباتی بر سیر نزولی مشروعیت سیستم سیاسی تحت شرایط خاص تشدید می‌شود. نخست آنکه انتخابات مورد نظر جنبه ملی و سراسری داشته باشد. انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی مهم‌ترین نمونه‌ها هستند. دوم آنکه سطح و میزان تخلف و تقلب صورت گرفته در انتخابات گسترده باشد تا جایی که به تغییر نتایج واقعی انتخابات منجر شود. سوم آنکه تقلب به‌طور مکرر و مستمر و در جریان انتخابات مختلف اتفاق بیفتد و چهارم آنکه نزد مقامات و مسئولان کشور اراده‌ای جدی برای برخورد قاطع با معضل فساد سیاسی و انتخاباتی وجود نداشته باشد.

### ۲-۵. تضعیف اتحاد و انسجام ملی

نظریه پردازان علوم سیاسی بر این اعتقادند که برقراری مکانیسم‌های مشارکتی همچون انتخابات از آن جهت که به افزایش سطح مشارکت مردمی در تحولات سیاسی کشور منجر می‌شود به‌طور محسوسی به تقویت اتحاد و انسجام داخلی در آن کشور کمک می‌کند. طبیعی است دلسردی عمومی نسبت به اعتبار و تأثیر این مکانیسم‌ها و در نتیجه، افزایش بی‌تفاوتی نسبت به آنها می‌تواند تأثیر مخربی بر انسجام اجتماعی در یک کشور از جمله بر اتحاد میان حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان داشته باشد. از این‌رو برگزاری انتخابات ناسالم و توأم با تقلب، شکاف میان مردم و نخبگان سیاسی حاکم را افزایش می‌دهد و این شکاف و فاصله خود تأثیری مخرب بر انسجام و وفاق ملی در یک کشور دارد.

### ۳-۵. کاهش اعتماد عمومی

یکی از نتایج حتمی و قطعی تقلب انتخاباتی تأثیر منفی است که این پدیده بر اعتماد عمومی شهروندان نسبت به کارکرد حکومت برجای می‌گذارد. تصور عمومی بر این مبنا شکل می‌گیرد که نتیجه انتخابات پیش از آغاز آن تعیین می‌شود بنابراین مشارکت بالا نیز تهدیدی برای تغییر نتیجه انتخابات نخواهد بود (Walter, 2014). این امر مردم را نسبت به شرکت در انتخابات بی‌رغبت خواهد کرد. از این‌رو مشارکت بالا در انتخابات خود

می‌تواند دلیلی موجه بر اعتبار و سلامت انتخابات در یک کشور باشد. باید در نظر داشت که تقلب در انتخابات همچنین اعتماد مردم را نه تنها نسبت به مقولاتی نظیر انتخابات، بلکه اساساً نسبت به تمام سیاست‌ها و اقدامات حکومت تضعیف کرده و حتی از بین خواهد برد. در نتیجه سطح اعتماد مردم نسبت به همه نهادها، مراجع و مراکز وابسته به حکومت کاهش پیدا کرده و اقبال عمومی نسبت به آنها را تضعیف خواهد کرد. این کاهش اعتماد به‌طور طبیعی در بلندمدت تمایل شهروندان برای تعامل و همکاری با نهادها و مراجع حکومتی را از بین خواهد برد.

#### ۴-۵. تضعیف کارایی نظام سیاسی

اگر انتخابات را سازوکاری برای گزینش بهترین و شایسته‌ترین افراد جهت سپردن امور به آنها بدانیم طبیعی است که مخدوش شدن روند اجرای انتخابات می‌تواند انتظار برای تحقق چنین کارکردی از انتخابات را کاهش دهد. تقلب در انتخابات می‌تواند مانع از ورود افراد صاحب صلاحیت، کارآمد و توانمند در چرخه سیاستگذاری یک کشور شده و در مقابل، زمینه را برای ورود افرادی که از لیاقت و توانایی پایین‌تری برخوردار بوده و برای جبران ضعف و ناکارآمدی خود به تقلب متوسل می‌شوند فراهم کند. نتیجه امر، ورود افرادی با صلاحیت پایین‌تر به عرصه مدیریتی یک کشور است.

طبعاً قرارگیری افرادی ضعیف در دوائر سیاستگذاری یک کشور تأثیر مستقیمی بر کاهش کارایی نظام سیاسی آن کشور خواهد داشت. از این‌رو است که تقلب در انتخابات و جلوگیری از ورود نیروهای کارآمد به مراکز تصمیم‌گیری به‌طور اجتناب‌ناپذیری به کاهش کارایی و کارآمدی سیستم سیاسی یک کشور منجر خواهد شد.

#### ۵-۵. افزایش پتانسیل بروز مناقشه و ناآرامی داخلی

دستکاری در انتخابات می‌تواند شکل‌گیری مناقشات مهم در زمان برگزاری انتخابات و دوره پس از آن را در پی داشته باشد. در واقع حامیان نیروهای سیاسی که به‌واسطه تخلف و

تقلب قادر به پیروزی در انتخابات نشده‌اند ممکن است از طریق تدارک اقداماتی اعتراضی نظیر تظاهرات و تجمعات خیابانی نسبت به نتایج انتخابات واکنش نشان دهند. در صورت تداوم و گسترش این اعتراضات از یک طرف و واکنش نیروهای امنیتی و انتظامی گروه حاکم از طرف دیگر، این اعتراضات می‌تواند به خشونت کشیده شده و در نهایت به بروز جنگ داخلی در کشورها منجر شود. بسیاری از منازعات داخلی در کشورها بر همین اساس شکل گرفته و توسعه پیدا کرده‌اند. از این رو قابل تأیید است که تخلف انتخاباتی می‌تواند پتانسیل تنش، مناقشه و منازعه در داخل هر کشور را افزایش دهد. البته این به معنای آن نیست که هرگونه نارضایتی از نتایج انتخابات از جمله از طریق تدارک اعتراضات خیابانی و اقدامات خشونت‌آمیز الزاماً ناشی از وجود تقلب در انتخابات است چراکه گاه نیروهای شکست‌خورده در یک انتخابات سالم با توسل به این‌گونه اعتراضات تلاش می‌کنند تا امتیازات سیاسی خاصی را به دست آورند. اما اعتراضاتی که در نتیجه تخلف انتخاباتی صورت می‌گیرد عمدتاً با هدف برگزاری مجدد انتخابات به انجام می‌رسد. اصرار برای تحقق این هدف و مقاومت گروه حاکم در برابر آن می‌تواند به تشدید بی‌ثباتی سیاسی در داخل منجر شود.

از سوی دیگر استمرار تخلفات انتخاباتی به سود گروه حاکم در جریان انتخابات مختلف یک کشور ممکن است بخشی از نیروهای سیاسی آن کشور را از پیگیری راه‌های مسالمت‌آمیز برای کسب قدرت ناامید کرده و به تدریج آنها را به روی آوردن به روش‌های غیرمسالمت‌آمیز تغییر سیاسی راغب سازد. این امر می‌تواند خود را در شکل تدارک اقدامات اصطلاحاً زیرزمینی و براندازانه نشان دهد و در نتیجه کاهش ضریب ثبات و امنیت ملی از طریق افزایش سطح و دامنه درگیری‌های سیاسی داخلی را در پی داشته باشد.

## ۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

فساد انتخاباتی در انواع و اشکال مختلف آن از آفت‌های مخرب حیات پایدار نظام‌های سیاسی است. این پدیده به‌ویژه در شکل سیستماتیک آن روح و فلسفه اصلی انتخابات را

که همانا مشارکت مردم در امر حکومت و اداره یک کشور است زایل می‌کند. از این رو نتیجه حتمی و اجتناب‌ناپذیر آن پیدایش و افزایش احساس بیگانگی با حکومت در میان مردم و در نتیجه گسستگی آنها از حاکمیت در نظام‌های سیاسی مختلف است. شیوع این احساس در شکل حداقلی آن به بی‌تفاوتی مردم نسبت به حاکمیت و در شکل حداکثری آن به بیزاری آنها از حکومت خواهد انجامید. این بیزاری به نارضایتی اجتماعی دامن می‌زند که خود پتانسیل لازم برای شکل‌گیری نوعی جنبش اجتماعی علیه رژیم سیاسی را ایجاد خواهد کرد.

از سوی دیگر فساد انتخاباتی به شکل اجتناب‌ناپذیری کارآمدی نهادهای برآمده از انتخابات را به چالش می‌کشد. در واقع نمی‌توان انتظار داشت که از یک انتخابات دستکاری شده و مخدوش نهادهای توانمند و مؤثر شکل بگیرد. انتخابات سازوکاری برای ورود نیروهای کارآمد به نهادهای منتخب است و فساد در آن مانع از تحقق این روند خواهد شد. این امر کارکرد و عملکرد چنین نهادهایی را مختل کرده و از توانایی آنها برای پاسخگویی به مطالبات عمومی خواهد کاست. در واقع این وضعیت می‌تواند کارآمدی و ظرفیت پاسخگویی حاکمیت را با بحران مواجه کند. از این رو است که فساد انتخاباتی پدیده‌ای خطرناک برای شاکله حاکمیت در کشورهای مختلف قلمداد می‌شود و هر نظام سیاسی برای تضمین و بقای خود ناگزیر از تمهید تدابیر مقتضی جهت مقابله با آن و محو تمام اشکال تخلف و تقلب در انتخابات است. جدیت در پیگیری این مقابله متضمن ارتقای اعتماد عمومی نسبت به حاکمیت و افزایش پشتیبانی مردمی از آن است.

نباید فراموش کرد که بسیاری از کشورهایی با سابقه طولانی در برگزاری انتخابات نیز درگیر فساد انتخاباتی بوده‌اند. این کشورها نیز به انحاء مختلف، دخالت‌های فراقانونی در امر انتخابات را تجربه کرده‌اند. حتی هنگامی که احتمال تخلف انتخاباتی در کشوری پایین باشد این امکان وجود دارد که تردیدها در خصوص مشروعیت و صحت فرایند انتخابات افزایش یابد و این مسئله می‌تواند واکنش سیاسی عمومی را در پی داشته باشد. اعتماد پایین رأی‌دهندگان به فرایند انتخابات حتی اگر بی‌اساس باشد می‌تواند تأثیر

کاهنده‌ای بر میزان مشارکت شهروندان در انتخابات و دیگر اقدامات مدنی اجتماعی داشته باشد. کاهش میزان مشارکت سیاسی و تضعیف اعتماد عمومی به حاکمیت در یک کشور علاوه بر آنکه پیامدهای مخرب داخلی چون فرسایش سرمایه اجتماعی را به دنبال خواهد داشت، همچنین در عرصه بین‌المللی و در حوزه سیاست خارجی به کاهش توانایی‌ها و قابلیت‌های یک کشور برای پیگیری و تأمین منافع خود منجر خواهد شد. با توجه به این ملاحظات، هر نظام سیاسی می‌باید در صورت لزوم در پی ایجاد تغییرات و اصلاحات لازم در قوانین انتخاباتی خود جهت افزایش اعتماد و اطمینان رأی‌دهندگان به فرایند انتخابات باشد. بدون شک تثبیت و تقویت مشروعیت نظام سیاسی کشورها از پیامدهای مستقیم افزایش این اعتماد است. از آنجا که انتخابات سنگ بنا و ملزوم اصلی دموکراسی است حفظ سلامت و اعتبار آن برای تقویت ماهیت مردم‌سالارانه حکومت در هر کشوری از اهمیت اساسی برخوردار است. این امر مقابله ریشه‌ای با هریک از مظاهر و مصادیق فساد انتخاباتی را به یک الزام قاطع برای دولت‌ها تبدیل می‌سازد.

## منابع و مأخذ

1. Bratton, Michael (ed.) (2013). "Voting and Democratic Citizenship in Africa", Boulder: Lynne Rienner Publishers.
2. Campbell, Tracy (2004). *Deliver the Vote*, New York, Encounter Books.
3. Glordano, Al (2006). "Mexico's Presidential Swindle", *New Left Review*, No. 41.
4. Kapa, Motlamele (2008). "Politics of Coalition in Lesotho - for Office-seeking and Wielding Power", [www.africafiles.org/article.asp?ID=17352](http://www.africafiles.org/article.asp?ID=17352).
5. Lehoucq, Fabrice (2003). "Electoral Fraud: Causes, Types and Consequences", *Annual Review of Political Science*, Vol. 6.
6. Lehoucq, Fabrice and Ivan Molina (2002). *Stuffing the Ballot Box: Fraud, Electoral Reform, and Democratization in Costa Rica*, Cambridge University Press.
7. Miller, George (1948). *Absentee, Voters and Suffrage Laws*, Washington, Daylton.
8. Minnite, Lori and David Callahan (2003). *Securing the Vote*, New York, Demos.
9. Piombo, Jessica (2004). "Manipulating Legitimacy? International Election Monitoring, Electoral Fraud and Domestic Political Legitimacy", *International Studies Association*, [www.isanet.org](http://www.isanet.org).
10. Rohter, Larry (1996). "Rightist in Victor over Sandinistas in Nicaragua Vote", *New York Times*, October 22.
11. Sithanen, Ramaklshna (2003). "Coalition Politics under the Tropics: Office Seekers, Power Makers, Nation Building: A Case Study of Mauritius", The Electoral Institute of Southern Africa, <http://eisa.org.za/pdf/ppr-mauritius.pdf>.
12. Teh, Tarty (2006). "What is the Liberian War About"? [www.members.aol.com/tart/teh/paynel.html](http://www.members.aol.com/tart/teh/paynel.html).
13. Thompson, Mark R. and Philipp Kuntz (2006). "After Defeat: When Do Rulles Steal Elections" in *Electoral Authoritatrian: The Dynamics of Unfree Competition*, Edited by Andreas Schedler, Boulder, Colo: Lynne Rienner.
14. Walter, Barbara (2014). "Why Bother to Vote in Fraudulent Elections", *Political Violence at a Glance Website*.
15. [www.criminal-law.freeadvice.com/white-collar-crimes/fraud.htm](http://www.criminal-law.freeadvice.com/white-collar-crimes/fraud.htm), "What is Fraud".
16. [www.en.wikipedia.org](http://www.en.wikipedia.org) (2014). "Electoral Fraud".
17. [www.fraudfactor.com/ffmediafraud1001.html](http://www.fraudfactor.com/ffmediafraud1001.html) (2000). "Media Fraud, Incompetence and Bias Promotes Election Fraud and Political Corruption".



بهره‌وری انرژی، آلاینده‌گی و مالیات‌های  
زیست‌محیطی از نگاه عدالت اقتصادی  
(مطالعه موردی صنایع کانی غیرفلزی در ایران)  
محمدعلی فیض‌پور،\* ابوالفضل شاه‌محمدی،\*\* محمد خیاط سرکار\*\*\*

تاریخ دریافت ۱۳۹۲/۱۲/۲۲ تاریخ پذیرش ۱۳۹۳/۱۲/۲۳

آلاینده‌گی‌های زیست‌محیطی خود تصویر دیگری از عدم بهره‌وری انرژی در هر بخش اقتصادی است. با این نگاه می‌توان بین بهره‌وری انرژی و مالیات‌های زیست‌محیطی، رابطه معناداری را انتظار داشت. بر این اساس، این مقاله می‌کوشد تا ارتباط بهره‌وری انرژی و میزان آلاینده‌گی را در بخش صنایع کانی غیر فلزی به عنوان یکی از آلاینده‌ترین صنایع تولیدی ایران ارزیابی کند. برای محاسبه بهره‌وری انرژی از شاخص بهره‌وری جزئی و برای محاسبه آلاینده‌گی از ضرایب انتشار آلاینده‌های شش‌گانه دی‌اکسیدکربن، مونو‌کسیدکربن، اکسیدهای گوگرد، اکسیدهای نیتروژن، هیدروکربن‌های نسوخته و ذرات ریز معلق گرد و غبار ناشی از مصرف سوخت‌های گاز طبیعی، نفت کوره و گازوئیل استفاده شده است. با استفاده از روش داده‌های تلفیقی، نتایج این مطالعه رابطه منفی و معناداری را بین بهره‌وری و آلاینده‌گی در صنایع تولیدی ایران نشان می‌دهد. از این رو، عدالت اقتصادی اقتضا می‌کند، بنگاه‌های با بهره‌وری پایین‌تر، نرخ‌های زیست‌محیطی بالاتری را بپردازند. از نظر سیاست‌گذاری، این یافته نشان‌دهنده لزوم تغییر نرخ‌های مالیاتی با توجه به بهره‌وری انرژی در بنگاه‌های صنایع تولیدی ایران است.

**کلیدواژه‌ها: آلاینده‌گی صنعتی؛ بهره‌وری انرژی؛ صنایع کانی غیرفلزی؛ عدالت اقتصادی؛ مالیات‌های زیست‌محیطی**

\* استادیار دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری دانشگاه یزد؛ E-mail: m.a.feizpour@yazd.ac.ir

\*\* کارشناس ارشد علوم اقتصاد دانشکده اقتصاد دانشگاه پیام نور تهران، ایران؛

E-mail: shahmohamadi\_abolfazl@yahoo.com

\*\*\* کارشناس ارشد علوم اقتصادی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)؛

E-mail: moh.khayat67@yahoo.com

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست‌ودوم، شماره هشتادودو، تابستان ۱۳۹۴

## مقدمه

تولید و در پی آن ایجاد ارزش افزوده اگرچه از مهم‌ترین اهداف اقتصادی تمامی کشورها و به‌ویژه در ایران در سال‌های اخیر مورد توجه بوده است اما با نگاهی عمیق‌تر، تولید بیشتر می‌تواند زمینه را برای نابسامانی‌های متعددی که آلاینده‌گی‌های زیست‌محیطی از جمله آنها محسوب می‌شود، فراهم کرد. این موضوع، به‌ویژه برای کشورهایی که در آنها دسترسی به سوخت‌های فسیلی به‌عنوان مزیت محسوب می‌شود و تولید در آنها بدون توجه به زیان‌های جنبی به محیط زیست صورت می‌پذیرد، از موضوعی مضاعف برخوردار است. ایران، به‌ویژه تا پیش از هدفمندسازی یارانه‌های انرژی، دارای چنین ویژگی‌هایی است و از این رو به نظر می‌رسد تولید و در پی آن ایجاد ارزش افزوده، نه از قبل بهره‌وری بیشتر بلکه از قبل استفاده از مزیت انرژی ارزان و در پی آن آلاینده‌گی زیست‌محیطی ناشی شده است. این در حالی است که حفظ و صیانت از محیط زیست در میان وظایفی که از نظر مبانی تئوریک در اقتصاد بخش عمومی و در قوانین هر جامعه به‌عنوان نمود آن برای دولت‌ها قلمداد شده، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. بررسی اسناد و قوانین جمهوری اسلامی ایران نیز مؤید این مسئله است، چه آن که از دیدگاه اسلامی نیز حفاظت از محیط زیست مستوجب پاداش و تخریب آن مستحق عقاب دانسته شده است. بنابراین، با توجه به اهمیت محیط زیست هم از حیث جهانی و هم از حیث آموزه‌های دین مبین اسلام، همواره نیاز به ابزارهایی برای حفاظت از محیط زیست احساس می‌شود. در این راستا، مالیات‌های زیست‌محیطی را می‌توان به‌عنوان ابزاری مناسب در جهت کاهش آلاینده‌گی و تخریب محیط زیست در نظر گرفت. به‌طوری که مطالعات انجام شده در سال‌های اخیر نیز استفاده از این راهکار را در جهت کاهش آلاینده‌گی‌های زیست‌محیطی مفید دانسته‌اند. بر این اساس، به نظر می‌رسد اگرچه از حیث عدالت ایجاد زمینه‌های تشویقی برای تولید بیشتر حائز اهمیت است اما، از سوی دیگر عدالت اقتضا می‌کند بهای عوارض ناشی از تولید و ارزش افزوده بیشتر (مانند آلاینده‌گی‌های زیست‌محیطی) نیز توسط بنگاه‌هایی پرداخت شود که زمینه بروز آن را فراهم کرده‌اند. به عبارتی و از حیث عدالت، اخذ مالیات‌های متفاوت

از تولیدکنندگانی با ایجاد آلاینده‌گی متفاوت برای تولیدات مشابه امری ضروری است. بر این اساس، این مقاله کوشیده است تا موضوع مذکور را در صنایع کانی غیرفلزی به‌عنوان یکی از محوری‌ترین و در عین حال آلاینده‌ترین و انرژی‌برترین صنایع تولیدی ایران بررسی کند از این‌رو مطالب این مقاله در شش بخش تنظیم شده است. پس از مقدمه، به بیان مبانی نظری و پیشینه تحقیق پرداخته خواهد شد. در بخش دوم داده‌های مورد استفاده و متغیرهای پژوهش ارائه شده است. بخش سوم به بیان روش تحقیق اختصاص یافته و با استفاده از مدل اقتصادسنجی داده‌های تلفیقی رابطه میزان آلاینده‌گی و بهره‌وری انرژی بنگاه‌های تولیدی صنایع کانی غیرفلزی را بررسی می‌نماید. سپس نتایج تحقیق ارائه شده و بخش پایانی به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری و ارائه راهکارهای سیاستی اختصاص دارد.

### ۱. مالیات‌های زیست‌محیطی: مروری بر پیشینه تحقیق

اگرچه مطالعات متعددی به بررسی موضوع مالیات‌های زیست‌محیطی پرداخته‌اند اما، در کمتر مطالعه‌ای بررسی توأمان تأثیر بهره‌وری و آلاینده‌گی مورد توجه قرار گرفته و براساس دانسته‌های محققین این مطالعه، هیچ‌یک از مطالعات انجام شده در این حوزه در ایران موضوع مذکور را مورد توجه قرار نداده است. این در حالی است که آلاینده‌گی زیست‌محیطی از عمده‌ترین چالش‌های پیش روی ایران تلقی شده و از نگاه آموزه‌های اسلام نیز توجه به محیط زیست در صدر مسائل این مکتب قرار دارد. از سوی دیگر، موضوع مالیات‌های زیست‌محیطی از بعد جهانی نیز به‌ویژه از دهه ۹۰ میلادی اهمیت ویژه‌ای یافته است.

با تأکید بر مطالعات انجام شده در حوزه مالیات‌های زیست‌محیطی می‌توان مطالعات اوتز<sup>۱</sup> (۱۹۹۵)، کوسکلا و اسکوب<sup>۲</sup> (۱۹۹۹)، هایاشی و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۰۱)، یوشیدا و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۰۳)، آلبرشت<sup>۵</sup> (۲۰۰۶) و دی میگوئل و مانزانو<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) را به‌عنوان مهم‌ترین مطالعات

---

1. Oates  
2. Koskela and Schob  
3. Hayashi and et al.  
4. Yoshidal and et al.  
5. Albrecht

این حوزه قلمداد کرد. در این میان اوتر و همکاران (۱۹۹۵) در پژوهشی به بررسی نقش مالیات زیست محیطی در حفاظت از محیط زیست و ارتقای سیستم مالیاتی پرداخته‌اند. براساس نتایج این پژوهش، مالیات‌های سبز نه تنها منجر به کاهش فعالیت‌های آلاینده می‌شوند بلکه، انگیزه‌های جدی برای تلاش در جهت ارتقای فناوری‌های جدید را فراهم می‌کنند.

کوسکلا و اسکوب (۱۹۹۹) در پژوهشی به بررسی اثرات وضع مالیات سبز بر اشتغال پرداخته‌اند. براساس نتایج این مطالعه، اصلاحات مالیات سبز زمانی اشتغال را افزایش می‌دهد که منافع حاصل از بیکاری ثابت و در نرخ پایین تر از درآمد کار مشمول مالیات شوند. اصلاحات مالیاتی سبز که منجر به افزایش میزان مالیات شخصی می‌شوند اشتغال را افزایش نخواهند داد. هایاشی و همکاران (۲۰۰۱) مطالعه‌ای را با هدف توسعه یک مدل سیستمی برای بررسی اثر مالیات سبز بر خودرو و سوخت در انتشار گاز دی‌اکسید کربن ( $CO_2$ ) ارائه کرده‌اند. در نتایج به دست آمده از این پژوهش، مالیات بر خودرو به‌عنوان مهم‌ترین پارامتر در کاهش  $CO_2$  شناخته شده است.

یوشیدا و همکاران (۲۰۰۳) در پژوهشی به بررسی اثرات وضع مالیات سبز بر اتومبیل در کاهش دی‌اکسید کربن پرداخته‌اند. آنها با استفاده از مدل ترجیحات مصرف‌کننده و داده‌های مربوط به فروش و ویژگی‌های اتومبیل‌های دهه ۱۹۹۰ نشان دادند که همراه با تحمیل چنین مالیاتی، ترجیحات مصرف‌کنندگان به خرید اتومبیل‌هایی که از لحاظ مصرف سوخت کارآمدتر هستند تغییر یافته و از این طریق انتشار گاز  $CO_2$  کاهش یافته است.

آلبرشت (۲۰۰۶)، در مقاله خود به بررسی استفاده از مالیات بر مصرف برای راه‌اندازی اصلاحات مالیات سبز در اروپا پرداخته به طوری که مالیات بر مصرف با توجه به اثرات زیست محیطی هر یک از محصولات، متفاوت است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که مالیات بر ارزش افزوده می‌تواند به شدت هزینه‌های اقتصادی اصلاحات مالیاتی را کم کند و این در حالی است که کاهش قیمت برای محصولات سبز می‌تواند عواقب توزیعی

نامطلوب را محدود کند. دی میگوئل و مانزانو (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان «اصلاحات تدریجی مالیات سبز»، اصلاحات مالیاتی سبز را به‌عنوان یک ابزار مهم نه تنها در حفاظت از محیط‌زیست، بلکه در ایجاد یک نظام مالیاتی کارآمدتر معرفی کرده‌اند. آنها مدل تعادل عمومی پویا را برای ارزیابی تأثیر اصلاحات مختلف در افزایش مالیات بر انرژی و تنظیم مالیات بر سرمایه در اقتصاد اسپانیا به کار گرفته‌اند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که وجود یک تقسیم‌بندی کارا از مالیات‌های زیست‌محیطی به نوع، اندازه و نحوه اجرای تدریجی اصلاحات بستگی دارد.

در ایران نیز مطالعات متعددی موضوع مالیات‌های زیست‌محیطی را مورد بررسی قرار داده و در این میان می‌توان به مطالعات عباسپور و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۰)، مقیمی و همکاران (۱۳۸۹)، عبدالله میلانی و محمودی (۱۳۸۹)، جلالیان و پژویان (۱۳۹۰)، سیدنژاد فهیم و اقدامی (۱۳۹۰)، مقدسی و طاهری (۱۳۹۱) و هراتی و همکاران (۱۳۹۱) اشاره کرد. در این میان، مطالعه عباسپور و همکاران (۲۰۱۰) از نخستین مطالعات این حوزه محسوب می‌شود و آنها در این مطالعه از یک مدل مالیات سبز برای صنعت خمیر و کاغذ استفاده کرده‌اند که یکی از صنایع آلوده‌کننده در ایران است. نتایج به‌دست آمده از تحقیق آنها نشان می‌دهد که نرخ مالیات به‌طور معکوس با نسبت مواد زائد ارتباط دارد و این به‌طور مستقیم با تفاوت بین قیمت و هزینه نهایی در ارتباط است. همچنین مقیمی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی آثار رفاهی و زیست‌محیطی مالیات سبز و کاهش یارانه سوخت در ایران پرداخته‌اند. در این پژوهش، در قالب پنج سناریوی مالیاتی، تغییرات رفاه با و بدون لحاظ آثار زیست‌محیطی، تغییر در تقاضای انرژی و تغییرات سهم آلاینده دی‌اکسید کربن، اکسیدهای نیتروژن و هیدروکربن ارزیابی شده‌اند. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که با وضع مالیات بر سوخت، تقاضای واسطه‌ای و مصرفی سوخت‌های فسیلی کاهش می‌یابد. در همه سناریوها با لحاظ اثر مثبت کاهش آلودگی، تغییرات رفاه مثبت است و میزان آن با افزایش نرخ مالیات افزایش می‌یابد. این در حالی است که عبدالله میلانی و

---

1. Abbaspour and et al.

محمودی (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی اثرات تخصیصی مالیات زیست‌محیطی در مورد فرآورده‌های نفتی ایران پرداخته و نشان داده‌اند وضع مالیات بر قیمت بنزین، نفت گاز، نفت کوره و گاز مایع موجب کاهش روند افزایشی مصرف آنها خواهد شد.

جلالیان و پژویان (۱۳۹۰) در پژوهشی دیگر به بررسی و شناخت متغیرهای مؤثر بر محیط زیست کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان‌دهنده نقش مؤثر مالیات‌های سبز در کاهش انتشار گاز دی‌اکسید کربن ( $CO_2$ ) در کشورهای مورد نظر می‌باشد. در این سال، سیدنژاد فهیم و اقدامی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «مالیات سبز در مسیر توسعه پایدار» کوشیده‌اند تا مالیات سبز را به‌عنوان یک ابزار اقتصادی در جهت کاهش مصرف حامل‌های انرژی و حفظ محیط زیست معرفی کنند و آن را به‌عنوان یک ابزار مالی مناسب که فاقد آثار سوء مالیات‌های دیگر است برای اقتصاد ایران پیشنهاد نمایند. براساس نتایج این پژوهش، مالیات‌های سبز به سه گروه مالیات‌های مستقیم (مالیات پیگویی)، مالیات‌های غیرمستقیم و وضع قوانین زیست‌محیطی تقسیم‌بندی شده‌اند. در پایان نیز جایگاه مالیات‌های زیست‌محیطی در ایران ضعیف ارزیابی شده است.

در جدیدترین مطالعات این حوزه، مقدسی و طاهری (۱۳۹۱) به تحلیل پیامدهای اقتصادی و زیست‌محیطی دریافت مالیات بر آلودگی ناشی از مصرف سوخت و فرایند تولید در ایران پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که دریافت مالیات بر آلاینده‌گی موجب افزایش سطح تولید بخش خدمات و برخی از زیر بخش‌های کشاورزی می‌شود و این در حالی است که تولید در بخش‌های صنعت و انرژی کاهش می‌یابد. در همین سال، هراتی و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای به تعیین میزان مالیات زیست‌محیطی با استفاده از نظریه کنترل بهینه در ایران پرداخته‌اند. بر این اساس، مقادیر نرخ رشد مصرف در تعادل بازار و در سطح اجتماعی منطبق با مسیر وضعیت پایدار محاسبه و نرخ مالیات بر تولید به‌عنوان ابزاری برای انطباق این دو نرخ محاسبه شده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که نرخ بهینه مالیات بر آلاینده‌گی حدوداً ۱۵ درصد است. بر این اساس و در مجموع، مطالعات فوق نشان‌دهنده آن است که این مطالعات اغلب کوشیده‌اند تا به معرفی و بیان

اهمیت توجه به مالیات‌های سبز به‌عنوان یک پایه مالیاتی مناسب بردارند. از این رو، همان‌گونه که ملاحظه شد در هیچ یک از مطالعات ارائه شده بررسی هم‌زمان بهره‌وری انرژی و آلاینده‌گی صورت نپذیرفته و این مطالعه می‌تواند به‌عنوان گامی نخست در این راستا قلمداد شود.

## ۲. داده‌ها و متغیرهای تحقیق: ویژگی‌ها و خصوصیات

این مطالعه کوشیده است تا تأثیر آلاینده‌گی را بر بهره‌وری انرژی در سطح بنگاه‌های صنایع کانی‌های غیرفلزی به‌عنوان یکی از آلاینده‌ترین صنایع تولیدی ایران طی دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۴ مورد بررسی قرار دهد. این در حالی است که صنعت مذکور از ابعاد متعدد دیگری نیز حایز اهمیت است. به‌عنوان مثال، جدول ۱ توزیع بنگاه‌ها، میزان اشتغال و ارزش تولید در صنایع تولیدی ایران را در مقاطع زمانی ۱۳۷۴، ۱۳۷۸ و ۱۳۸۴ برحسب کدهای دورقمی<sup>۱</sup> ISIC ارائه شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود این صنعت در میان سایر صنایع تولیدی از هر سه منظر دارای اهمیت بسزایی است و به‌طور مثال و در سال ۱۳۷۴ این صنعت به تنهایی حدود ۲۵ درصد تعداد بنگاه‌ها، ۱۵ درصد تعداد شاغلان و ۷/۵ درصد ارزش تولیدات کل صنایع کشور را در خود جای داده است. این میزان تقریباً برای سال ۱۳۷۸ نیز وجود داشته و در سال ۱۳۸۴ اگرچه اندکی کاهش یافته اما همچنان صنعت مذکور از حیث اهمیت و با توجه به شاخص‌های سه‌گانه تعداد بنگاه، میزان اشتغال و ارزش تولید در صدر صنایع تولیدی ایران قرار گرفته است.

جدول ۱. توزیع تعداد بنگاه، میزان اشتغال و ارزش تولید در صنایع تولیدی ایران  
بر حسب کدهای دورقمی ISIC

ردیف	نام صنعت	کد صنعت	سال ۱۳۷۴			سال ۱۳۷۸			سال ۱۳۸۴		
			ارزش ستانده (میلیون ریال)	تعداد شاغلین (فتر)	تعداد کارگاهها	ارزش ستانده (میلیون ریال)	تعداد شاغلین (فتر)	تعداد کارگاهها	ارزش ستانده (میلیون ریال)	تعداد شاغلین (فتر)	تعداد کارگاهها
۱	صنایع مواد غذایی و آشامیدنی	۱۵	۱۵۱۶۵۳۳۳	۱۲۲۱۵۵	۲۱۹۱	۵۳۱۳۱۰۸۷	۱۶۲۳۳۲	۱۵۱	۱۸۷۷۲۳	۲۷۴۲	۲۱۶۴۹۵۷۵۳
۲	تولید محصولات از توتون و تنباکو	۱۶	۷۵۷۷۹۵	۷۲۳۰	۱	۱۶۸۷۹۷۹	۱۰۶۰۴	۱	۷۴۱۹	۲	۳۸۹۹۶۸
۳	تولید منسوجات	۱۷	۷۸۱۶۳۳۳	۱۴۳۲۱۴	۱۷۶۹	۱۱۱۹۷۵	۱۱۱۹۷۵	۳۷	۷۹۳۰۰	۱۱۲۵	۴۳۶۱۶۵۶۵
۴	تولید پوشاک و عمل آوردن و رنگ کردن پوست خزدار	۱۸	۲۷۳۳۸۸	۷۵۶۶	۴۰۶	۷۱۸۸	۳	۷۳۶۶	۱۳۱	۱۳۱	۳۵۱۷۳۳۸
۵	دباضی و عمل چرم و ساخت کیف و چمدان وزین و براق و تولید کفش	۱۹	۸۵۳۳۱۷	۱۶۵۲۵	۳۹۸	۸۱۴۸	۴	۷۴۲۲	۱۷۵	۱۷۵	۳۴۷۵۳۱۱
۶	تولید چوب و محصولات چوبی و چوب پنبه (غیر از میلمان) و ساخت کالا از نی و مواد حصیری	۲۰	۵۹۰۶۰۷	۱۰۰۸۵	۲۱۷	۸۰۸۷	۱۳	۶۸۲۶	۱۲۱	۱۲۱	۶۸۸۴۴۹۳
۷	تولید کاغذ و محصولات کاغذی	۲۱	۱۶۱۶۶۱۱	۱۵۱۹۵	۲۱۴	۱۸۰۹۹	۴	۱۹۷۰۶	۳۱۵	۳۱۵	۱۲۱۴۷۸۹۶
۸	انتشار و چاپ و تکثیر رسانه‌های ضبط شده	۲۲	۸۱۶۴۹۶	۱۱۲۴۶	۲۷۶	۱۳۳۲۰	۳۱	۱۱۳۹۵	۲۳۶	۲۳۶	۵۵۲۵۳۴۹
۹	صنایع تولید زغال کک، پالایشگاههای نفت و سوخت هسته‌ای	۲۳	۷۹۷۹۱۴۱	۱۷۳۲۶	۷۰	۱۶۴۸۹	۱۱	۲۵۴۶۱	۱۲۱	۱۲۱	۸۵۷۰۹۲۲۱۹
۱۰	صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی	۲۴	۱۱۵۷۳۴۴۹	۶۲۴۶۴	۶۹۱	۷۱۰۲۳	۴۴	۱۱۷۰۵۰	۹۳۶	۹۳۶	۳۸۳۱۵۹۳۵۶
۱۱	تولید محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۲۵	۳۳۲۰۲۴	۳۳۵۵۶	۶۳۶	۴۶۶۸۵	۱۷	۶۰۶۱۸	۱۰۱۵	۱۰۱۵	۵۰۲۲۲۸۶۹
۱۲	تولید سایر محصولات کانی غیر فلزی	۲۶	۷۴۳۳۸۹۴	۱۲۹۷۱۹	۳۵۲۴	۱۵۳۳۴۶	۱۷۳	۱۷۰۸۸۰	۳۳۳۰	۳۳۳۰	۱۱۵۲۷۳۳۱۳



ردیف	نام صنعت	کد صنعت	سال ۱۳۷۴			سال ۱۳۷۸			سال ۱۳۸۴		
			ارزش ستانده (میلیون ریال)	تعداد شاغلین (نفر)	تعداد کارگاه‌ها	ارزش ستانده (میلیون ریال)	تعداد شاغلین (نفر)	تعداد کارگاه‌ها	ارزش ستانده (میلیون ریال)	تعداد شاغلین (نفر)	تعداد کارگاه‌ها
۱۳	تولید فلزات اساسی	۲۷	۱۳۱۸۰۱۹۷	۶۶۹۱۹	۳۷۱	۶۹۵۰۶۰۲۵	۷۵۱۱۶	۱۵	۳۱۰۳۰۲۹۶۲	۱۲۲۵۳۲	۶۲۷
۱۴	تولید محصولات فلزی فابریکی به‌جز ماشین‌آلات و تجهیزات	۲۸	۳۴۴۶۱۳۲	۴۶۵۴۷	۱۰۲۱	۱۶۹۷۹۱۰۸	۶۸۵۳۷	۱۸	۵۲۱۲۷۵۱۷	۷۵۶۸۸	۱۱۷۴
۱۵	تولید ماشین‌آلات و محصولات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	۲۹	۶۷۵۹۳۶۱	۶۹۷۳۴	۱۰۹۹	۲۱۵۸۷۷۱۱	۸۴۳۲۶	۳۷	۵۸۵۰۳۴۰۰	۸۰۱۳۴	۱۰۰۱
۱۶	تولید ماشین‌آلات اداری و حسابگر و محاسباتی	۳۰	۱۸۹۵۳۴	۱۳۳۰	۴۹	۷۱۸۱۳۳	۲۹۱۲	۱	۵۲۱۴۷۰۶	۵۴۷۸	۳۶
۱۷	تولید ماشین‌آلات مولد و انتقال برق و دستگاه‌های برقی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	۳۱	۳۰۸۲۰۳۱	۳۲۹۳۷	۳۵۶	۱۶۷۸۷۲۵۵	۴۶۲۹۵	۸	۵۲۲۸۸۴۸	۵۲۵۱۷	۴۶۸
۱۸	تولید رادیو و تلویزیون و دستگاه‌ها و وسایل ارتباطی	۳۲	۱۵۲۳۰۹۴	۱۰۰۱۳	۷۴	۴۴۵۱۵۶۴	۹۸۵۴	۴	۴۵۹۲۳۳۹	۶۸۶۴	۷۱
۱۹	تولید ابزار پزشکی و ابزار الکتیکی و ابزار دقیق و ساعت‌های میچی و انواع دیگر	۳۳	۵۰۵۵۵۹	۸۰۵۴	۱۴۱	۲۲۷۳۱۳۳	۱۳۲۹۸	۱۴	۹۲۵۴۰۳۷	۱۳۰۱۷	۱۴۹
۲۰	تولید وسایل نقلیه موتوری و تریلر و نیم تریلر	۳۴	۱۱۳۴۹۲۸۷	۴۴۶۲۳	۲۹۴	۱۰۰۷۵۳۳	۱۰۰۷۵۳۳	۱۶	۳۳۱۵۱۲۳۳۲	۱۴۷۸۱۲	۶۷۶
۲۱	تولید سایر وسایل حمل و نقل	۳۵	۸۵۶۵۲۴	۱۰۶۵۰	۹۰	۱۱۸۸۹۲۰۸	۲۴۲۹۷	۲۳	۱۶۱۸۰۵۶۰	۱۷۰۲۲	۱۴۴
۲۲	تولید مبلمان و مصنوعات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	۳۶	۵۳۳۹۱۲	۱۰۷۹۰	۳۷۶	۱۷۰۲۲	۱۷۰۲۲	۶	۱۰۰۲۶۰۳۰	۲۰۳۴۳	۴۴۴
۲۳	بازیافت	۳۷	۲۷۸۵	۱۲۰	۹	۳۳۸۱۷	۲۰۷	۱	۱۱۲۲۵۶	۴۱۱	۱۳

مأخذ: مرکز آمار ایران (۱۳۸۵).

ازسوی دیگر و برای بررسی تأثیر آلاینده‌گی بنگاه‌های این صنعت بر بهره‌وری انرژی از داده‌های مصرف سوخت‌های فسیلی و ارزش افزوده جمع‌آوری شده توسط مرکز آمار ایران

استفاده شده و برای محاسبه میزان آلاینده‌گی این صنایع ابتدا متغیر آلاینده‌گی صنعتی محاسبه شده است. از مهم‌ترین آلودگی‌های بخش انرژی، آلودگی هوا در اثر انتشار گازهای آلاینده ناشی از احتراق سوخت‌های فسیلی است. اکسیدهای گوگرد ( $SO_x$ )، اکسیدهای نیتروژن ( $NO_x$ )، مونواکسید کربن (CO)، دی اکسید کربن ( $CO_2$ )، ذرات ریز معلق (SPM) و هیدروکربن‌ها (HC) از جمله گازهای آلاینده و گلخانه‌ای هستند که در اثر احتراق سوخت‌های فسیلی به محیط زیست راه پیدا می‌کنند (وزارت نیرو، ۱۳۸۳). برای تعیین میزان آلاینده‌گی هوا ناشی از احتراق سوخت‌های فسیلی در صنعت مذکور، ابتدا با توجه به داده‌های موجود، پرمصرف‌ترین حامل‌های انرژی در بخش صنایع ایران شناسایی شده‌اند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، نتایج محاسبات ارائه شده در جدول ۲ نشان می‌دهد که به ترتیب گاز طبیعی، نفت کوره و گازوئیل بیشترین مصرف را در بخش صنایع تولیدی ایران به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۲. میزان مصرف سوخت‌های فسیلی در بخش صنایع تولیدی طی سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۸۴ (درصد)

سال	سوخت	نفت کوره	بنزین	گازوئیل	گاز مایع	گاز طبیعی	نفت سفید
۱۳۷۹		۱۹/۸۸	۰/۶	۵/۵۸	۱/۶	۷۲/۱۴	۰/۲
۱۳۸۰		۲۹/۸۸	۱/۷	۸/۱۲	۲/۲	۵۷/۵۸	۰/۵۲
۱۳۸۱		۲۵/۸۵	۱/۰۳	۸/۷	۲/۵۶	۵۹/۴	۰/۴۶
۱۳۸۲		۲۷/۶۷	۰/۸۶	۸/۲	۳/۳۶	۵۹/۵	۰/۴۱
۱۳۸۳		۲۲/۹۲	۰/۷	۸/۳۵	۱/۱۵	۶۶/۵	۰/۳۸
۱۳۸۴		۲۱	۰/۷۱	۷/۵۳	۲/۱۹	۶۸/۲۹	۰/۲۸
متوسط		۲۴/۹	۰/۹	۷/۷۵	۲/۱۸	۶۳/۹	۰/۷۳

مأخذ: مرکز آمار ایران (۱۳۸۵) و یافته‌های نویسندگان.

سپس برای محاسبه میزان آلودگی هوای ایجاد شده توسط این سه سوخت، ضرایب انتشار شش آلاینده مهم زیست‌محیطی شامل دی اکسید کربن، مونواکسید کربن، اکسیدهای گوگرد، اکسیدهای نیتروژن، هیدروکربن‌ها و ذرات ریز معلق از سازمان محیط زیست ایران

اخذ که در جدول ۳ ارائه شده است. در نهایت، با استفاده از این ضرایب و میزان مصرف سه سوخت گاز طبیعی، نفت کوره و گازوئیل میزان آلاینده‌گی به ازای هر واحد داده محاسبه شده است.<sup>۱</sup>

جدول ۳. ضرایب انتشار آلاینده‌های صنعتی (گرم به ازای هر لیتر سوخت مصرفی)

SPM	HC	CO <sub>2</sub>	CO	NO <sub>x</sub>	SO <sub>x</sub>	آلاینده سوخت
$0.304 \times 10^{-3}$	-	۲/۰۶۲۴۶	$10^{-6} \times 6/4$	$10^{-3} \times 85/1$	$10^{-6} \times 4/6$	گاز طبیعی
۲/۷۵	۰/۳۵	۳۰۳۱/۸	۰/۵۰	۹/۶	۵۵	نفت کوره
۱/۸۰	۰/۳۵	۲۷۱۱/۸۱	۰/۵۰	۹/۶	۱۶/۸	گازوئیل

مأخذ: یافته‌های نویسندگان.

از طرف دیگر، بهره‌وری انرژی نیز یکی دیگر از متغیرهای این پژوهش است. امروزه بیشتر کشورهای جهان به بهبود بهره‌وری، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع تأمین رشد اقتصادی توجه ویژه‌ای دارند و سرمایه‌گذاری زیادی را در زمینه ارتقای بهره‌وری انجام می‌دهند. بهبود بهره‌وری به معنی استفاده بهینه، مؤثر و کارآمد از تمامی منابع تولید اعم از نیروی کار، سرمایه و انرژی است و از آن جا که ایران نیز دارای منابع غنی انرژی می‌باشد، ارتقای بهره‌وری انرژی‌های پایان‌پذیر دارای اهمیت ویژه است. از این‌رو توجه به معیار بهره‌وری انرژی می‌تواند راهنمایی باشد تا بتوان از طریق آن، استفاده صحیح و مؤثر از منابع انرژی را با توجه به پایان‌پذیری و آثار سوء زیست‌محیطی آن به کار گرفت. بر این اساس، در این پژوهش، برای محاسبه بهره‌وری انرژی از شاخص بهره‌وری جزئی استفاده شده است. در ادبیات بهره‌وری، شاخص‌های بهره‌وری جزئی از تقسیم ارزش افزوده بر مقدار یک نهاد معین به دست می‌آید. بنابراین، بهره‌وری انرژی عبارت است از نسبت ارزش افزوده بر مقدار انرژی مصرفی که این نسبت بیانگر متوسط ارزش افزوده ایجاد شده به ازای هر واحد انرژی مصرفی است (امینی و یزدی‌پور، ۱۳۸۷: ۷۴).

۱. ضرایب انتشار آلاینده‌ها در گزارش‌های متعددی انعکاس یافته و به‌عنوان مثال خواننده علاقه‌مند می‌تواند به مطالعات وصفی اسفستانی و زنگونی نژاد (۱۳۸۵) و چاوشی و دیگران (۱۳۹۰) مراجعه کند.

### ۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر شیوه اجرا، توصیفی-تحلیلی است. با توجه به این که هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی ارتباط بین میزان آلاینده‌گی و بهره‌وری انرژی در سطح بنگاه‌های صنایع کانی‌های غیرفلزی است، بنابراین برای تعیین رابطه مذکور از روش رگرسیونی داده‌های تابلویی استفاده شده است. بر این اساس، با توجه به این که هر یک از متغیرها و نحوه محاسبه آنها به تفصیل در قسمت پیشین شرح داده شده است، با تصریح مدل، می‌توان آن را به صورت زیر در قالب مدل داده‌های تابلویی بیان کرد که در آن  $i$  و  $t$  به ترتیب بیانگر تعداد بنگاه‌های تولیدی دارای ده نفر کارکن و بیشتر در صنایع کانی‌های غیرفلزی و زمان (۱۳۸۴-۱۳۷۹)،  $EP$  متغیر بهره‌وری انرژی،  $Poll$  متغیر آلاینده‌گی،  $a_i$  عرض از مبدأ،  $\beta$  ضریب متغیر توضیحی و  $\varepsilon_{i,t}$  جزء اختلال مدل فوق می‌باشد.

$$EP_{i,t} = a_i + \beta Poll_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (1)$$

پیش از تعیین رابطه میان میزان آلاینده‌گی و بهره‌وری انرژی، لازم است تا مانایی تمامی متغیرهای مورد استفاده در تخمین مورد بررسی قرار گیرند. زیرا نامانایی چه در مورد داده‌های سری زمانی و چه داده‌های تابلویی باعث می‌شود تا مشکل رگرسیون کاذب بروز کند (مکیان و خاتمی، ۱۳۸۹). زمانی که تعداد مشاهدات سری زمانی در هر کدام از مقاطع زیاد باشد، می‌توان تحلیل مانایی (وجود ریشه واحد) را برای هر کدام از آن مقاطع مورد بررسی قرار داد. اما قدرت آزمون ریشه واحد هنگامی که طول دوره داده‌ها کم است بسیار پایین است. در این شرایط استفاده از آزمون ریشه واحد مبتنی بر داده‌های تابلویی برای افزایش قدرت آزمون‌ها ضروری است (شاهچرا و میرهاشمی نائینی، ۱۳۹۰).

ماهیت داده‌های تلفیقی به گونه‌ای است که باید تا قبل از تخمین مدل، نوع روش از حیث پانل<sup>۱</sup> و یا پولینگ<sup>۲</sup> بودن داده‌ها مشخص شود و برای این منظور از آزمون لیمر<sup>۳</sup> استفاده می‌شود. همچنین، روش تخمین در این مدل بر عدم همگنی بین مقاطع تأکید

---

1. Panel  
2. Pooling  
3. Leamer Test

می‌کند و هدف آن متمایز کردن مقاطع از یکدیگر با استفاده از تخمین عرض از مبداهای مختلف است که این تمایز می‌تواند به سه صورت اثرات مشترک<sup>۱</sup>، اثرات ثابت<sup>۲</sup> و اثرات تصادفی<sup>۳</sup> صورت پذیرد. برای انتخاب روش درست نیز در صورت پولینگ بودن داده‌ها از روش اثرات مشترک و در صورت پانل بودن با توجه به نتیجه آزمون هاسمن از یکی از روش‌های اثرات ثابت و یا اثرات تصادفی استفاده می‌شود (مهرگان و اشرف‌زاده، ۱۳۸۹). علاوه بر آن، ماهیت داده‌های تابلویی ایجاب می‌کند تا این‌گونه داده‌ها در بسیاری از مطالعات مبتنی بر این نوع از داده‌ها، مشکل ناهمسانی واریانس بروز کند. با توجه به تأثیر مهم ناهمسانی واریانس بر برآورد، انحراف معیار و استنباط آماری، لازم است تا قبل از پرداختن به هرگونه تخمین وجود و یا نبود ناهمسانی واریانس تحقق یابد. بنابراین در این پژوهش برای آزمون برابری واریانس‌ها در داده‌های تابلویی، آزمون نسبت درست‌نمایی<sup>۴</sup> (LR) مورد استفاده قرار گرفته و نتایج تخمین مدل در بخش نتایج ارائه شده است.<sup>۵</sup>

#### ۴. نتایج تحقیق

اگرچه تقریباً اکثر مطالعات ارائه شده در زمینه مالیات‌های زیست‌محیطی به مباحث نظری این موضوع پرداخته‌اند اما، این بخش می‌کوشد تا با استفاده از مطالب پیشین و روش‌های ارائه شده، ارتباط میان آلاینده‌گی و بهره‌وری انرژی را شناسایی کند. چنانچه ارتباط معناداری بین آلاینده‌گی و بهره‌وری انرژی وجود داشته باشد، نرخ‌های مالیاتی را می‌توان با توجه به بهره‌وری انرژی بنگاه‌های تولیدی ایران تعیین کرد. بر این اساس، ابتدا متغیرهای مذکور برای بنگاه‌های صنایع کانی‌های غیرفلزی طی دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۴ محاسبه شده است. لازم به ذکر است چون کدهای ارائه شده برای شناسایی بنگاه‌ها در سال ۱۳۸۱ با سال‌های دیگر دوره مورد بررسی متفاوت بوده و از رویه‌ای یکسان پیروی نمی‌کند، به

- 
1. Common Effects
  2. Fixed Effects
  3. Random Effects
  4. Likelihood Ratio (LR)

۵. خواننده علاقه‌مند در این زمینه می‌تواند به دو کتاب از بالتاجی مراجعه کند.

ناچار این سال در تحلیل در نظر گرفته نشده است. بنابراین، مدل ۱ شامل ۱۵۲۵ مقطع (۱۵۲۵ بنگاه) و طی دوره پنج ساله تشکیل شده است. پس از محاسبه متغیرهای مذکور، ابتدا مانایی آنها مورد بررسی قرار گرفته و تعیین مانایی متغیرها با استفاده از آزمون ایم، پسران و شین<sup>۱</sup> انجام شده است.

#### جدول ۴. نتایج آزمون مانایی و ریشه واحد متغیرهای پژوهش

Poll	EP	آزمون	فرض صفر
-۶۷/۱۵ (۰/۰)	-۳۷/۷۲ (۰/۰)	ایم، پسران و شین	وجود ریشه واحد

مأخذ: همان.

همان گونه که در جدول ۴ قابل مشاهده است بررسی مانایی دو متغیر مذکور براساس آزمون پسران و شین، فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد رد شده و بر این اساس، متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش مانا می‌باشند. جهت تخمین مدل ارائه شده در این پژوهش، ابتدا آزمون برابری عرض از مبدأ (آزمون F لیمر) به منظور تعیین مدل بهینه و لزوم استفاده از روش پولینگک یا پانل انجام گرفته که نتایج آن در جدول ۵ به تصویر کشیده شده است. براساس احتمال به دست آمده در جدول ۵، فرضیه صفر مبنی بر پولینگک بودن مدل رد شده و لزوم استفاده از روش داده‌های پانل تأیید شده است. در مرحله بعد، با توجه به اینکه روش داده‌های پانلی انتخاب شده، این پرسش مطرح است که مدل مورد بررسی در قالب کدام یک از مدل‌های اثرات ثابت<sup>۲</sup> و اثرات تصادفی<sup>۳</sup> قابل بیان و بررسی است. بدین منظور از آزمون هاسمن<sup>۴</sup> استفاده شده است.

- 
1. Im, Pesaran and Shin
  2. Fixed Effects
  3. Random Effects
  4. Hausman Test

جدول ۵. نتیجه آزمون لیمر برای بررسی پانل یا پولینگ بودن مدل

P>t	t	Std. Err.	Coef.	Depend V. (EP)
۰/۰۰	۱۱/۴۳	۰/۳۶۴۵	-۴/۱۶۵۳	Poll
۰/۰۰	۱۷۲۴	۲۹۱۴/۱۰۳	۵۰۲۵۳/۱۳	Cons
Prob >F=0.00			F(۴,۷۶۱۹) = ۴/۷	

مأخذ: همان.

جدول ۶. نتایج آزمون هاسمن برای مدل شماره ۱

Prob Chi2	$\chi^2(2)$
۰/۰۹۱۹۴	۰/۰۱

مأخذ: همان.

با توجه به احتمال آماره هاسمن و از آنجا که میزان آن بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد، لذا فرضیه صفر مبنی بر وجود اثرات تصادفی پذیرفته می‌شود. بنابراین نتایج حاصل از برآورد به روش اثرات تصادفی دارای اعتبار بیشتری برای تجزیه و تحلیل است. همچنین برای بررسی آزمون ناهمسانی واریانس‌ها، آزمون نسبت درست‌نمایی را مورد استفاده قرار داده و نتایج آن در جدول ۷ انعکاس یافته است.

جدول ۷. نتایج آزمون (LR) برای بررسی واریانس ناهمسانی

Prob	LR Chi2 (4)
۰/۰۰	۱۷۷۸/۱۳

مأخذ: همان.

با بررسی آماره آزمون ناهمسانی واریانس از آنجا که Prob کمتر از ۰/۰۵ است بنابراین، در این مدل نیز همانند مدل نخست پژوهش، فرض صفر رد شده و مدل رگرسیونی دارای ناهمسانی واریانس می‌باشند. بنابراین، از آنجا که در هر دو مدل مورد استفاده در پژوهش ناهمسانی واریانس براساس آزمون نسبت درست‌نمایی تأیید شد لذا باید به گونه‌ای مدل‌ها را برآورد کرد که مشکل ناهمسانی واریانس مدل برطرف شود. از این رو

با توجه به آن که یکی از روش‌های رفع مشکل ناهمسانی واریانس، برآورد مدل به روش حداقل مربعات تعمیم یافته<sup>۱</sup> است (گجراتی، ۲۰۰۶). بنابراین برای تخمین از این روش استفاده می‌شود که با این روش و در صورت وجود خودهمبستگی در مدل این مشکل نیز رفع خواهد شد. از این رو، نتایج برآورد مدل مذکور در جدول ۸ نمایش داده شده‌اند.

**جدول ۸. نتایج تخمین مدل به روش حداقل مربعات تعمیم یافته**

P> z	z	Std.Err	Coef.	Depend V. (EP)
۰/۰۰	-۱۱/۶۳	۰/۳۵۴۶	-۴/۱۴۶	Poll
۰/۰۰	۱۷/۳۸	۲۸۸۵/۱۳۴	۵۰۱۴۶/۴۶	Cons

مأخذ: همان.

با توجه به جدول ۸ که نتایج تخمین مدل فوق را براساس روش حداقل مربعات تعمیم یافته به نمایش گذاشته است، می‌توان گفت از آنجا که مقدار احتمال آماره کل مدل (Prob= ۰/۰۰) از ۰/۰۵ کوچک تر می‌باشد، بنابراین معنادار بودن مدل مورد تأیید قرار می‌گیرد. بنابراین، نتایج آزمون مربوط به اثر آلاینده‌های بر میزان بهره‌وری انرژی آنها نشان می‌دهد که بین میزان آلاینده‌گی و بهره‌وری انرژی بنگاه‌های صنایع کانی‌های غیرفلزی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

این نتیجه را می‌توان از ابعاد گوناگونی مورد ارزیابی قرار داد. به‌عنوان مثال بهره‌وری اندک انرژی نه تنها زمینه را برای استفاده ناصحیح از آن فراهم می‌کند بلکه این موضوع با ایجاد آلاینده‌ها زمینه را برای نابسامانی زیست‌محیطی و در پی آن نابسامانی حوزه سلامت رقم می‌زند. چه آنکه براساس نتایج این پژوهش، بین انتشار آلاینده‌ها و بهره‌وری اندک سوخت‌های فسیلی ارتباط مستقیمی وجود داشته و تمامی آلاینده‌های مورد بحث در این پژوهش، آلاینده‌هایی است که بر سلامت انسان و سایر موجودات زنده تأثیری منفی برجای می‌گذارد. از این رو ارائه راهکارهای ارتقای بهره‌وری انرژی صنایع تولیدی، که

1. Generalized Least Squares (GLS)



مالیات یکی از راهکارهای اجرایی آن است، از دو بعد ارتقای بهره‌وری و افزایش سلامت به جامعه کمک می‌نماید.

### ۵. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

توجه و صیانت از محیط زیست به‌ویژه در دهه‌های اخیر از توجه و اهمیتی دوچندان برخوردار بوده و راه‌کارهای متعددی برای دستیابی به آن در ادبیات این حوزه ارائه شده است. در این میان، مالیات‌های زیست‌محیطی را می‌توان به‌عنوان ابزاری مناسب در جهت کاهش آلاینده‌گی و تخریب محیط زیست در نظر گرفت. این در حالی است که براساس مطالعات و ادبیات موجود، بین بهره‌وری انرژی و میزان آلاینده‌گی ناشی از مصرف آن نیز رابطه معناداری وجود داشته و این پژوهش با هدف بررسی رابطه میزان آلاینده‌گی و بهره‌وری انرژی طراحی شده و بنگاه‌های صنایع کانی‌های غیرفلزی ایران طی دوره ۱۳۸۴-۱۳۷۹ را مورد کنکاش قرار داده است. بنابراین، ابتدا میزان آلاینده‌گی هوا با استفاده از ضرایب انتشار شش گاز گلخانه‌ای شامل اکسیدهای گوگرد ( $SO_x$ )، اکسیدهای نیتروژن ( $NO_x$ )، مونوکسید کربن (CO)، دی‌اکسید کربن ( $CO_2$ )، ذرات ریز معلق (SPM) و هیدروکربن‌ها (HC) که ناشی از مصرف سه سوخت عمده بخش صنعت ایران می‌باشند، مورد محاسبه قرار گرفته و بهره‌وری انرژی بنگاه‌های مورد نظر نیز با استفاده از شاخص بهره‌وری جزئی که همان نسبت ارزش افزوده به میزان مصرف انرژی است، برآورد شده است. رابطه بین دو متغیر آلاینده‌گی و بهره‌وری انرژی نیز با استفاده از روش داده‌های تلفیقی تخمین زده شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان‌دهنده آن است که بین میزان آلاینده‌گی و بهره‌وری بنگاه‌های صنایع کانی‌های غیرفلزی ارتباطی معنادار و منفی وجود دارد، به‌گونه‌ای که با افزایش هر یک واحد آلاینده‌گی، بهره‌وری انرژی در حدود ۴/۱۴۶ واحد کاهش می‌یابد. از این رو، می‌توان انتظار داشت بنگاه‌هایی که از آلاینده‌گی بیشتری برخوردارند دارای بهره‌وری پایین‌تری می‌باشند. بنابراین و از حیث سیاست‌گذاری، مالیات‌های زیست‌محیطی را می‌توان به‌عنوان ابزاری برای کاهش آلاینده‌گی و افزایش

سطح بهره‌وری انرژی این بنگاه‌ها مورد استفاده قرار داد. عدالت اقتصادی نیز می‌تواند بر این امر استوار شود تا از بنگاه‌هایی که از بهره‌وری انرژی کمتری برخوردارند، میزان مالیات زیست‌محیطی بیشتری کسب شود. این در حالی است که در سوی دیگر می‌توان سیاست‌های تشویقی را با کاهش نرخ‌های مالیاتی برای آن دسته از بنگاه‌هایی که از بهره‌وری انرژی بالاتری برخوردارند اعمال کرد. با این وجود تعیین نرخ‌های مالیاتی متناسب با بهره‌وری انرژی نیاز به مطالعات گسترده دیگری داشته و از این رو، تعیین نرخ مالیات زیست‌محیطی با این رویکرد، مقوله‌ای است که می‌تواند براساس نتایج این مقاله به‌عنوان موضوعی اساسی در دستور کار مطالعات آینده قرار گیرد.

## منابع و مآخذ

۱. اسماعیلی، عباس و همکاران (۱۳۸۶). «حفاظت محیط زیست در اسلام»، مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، دوره ششم.
۲. امینی، علیرضا و فرزانه یزدی‌پور (۱۳۸۷). «تحلیل عوامل مؤثر بر بهره‌وری انرژی در کارگاه‌های بزرگ صنعتی ایران»، پژوهشنامه اقتصادی، سال هشتم، ش ۳.
۳. جلالیان، کنایون و جمشید پژویان (۱۳۹۰). «بررسی اثر مالیات‌های سبز و حکمرانی خوب بر محیط زیست در کشورهای OECD»، فصلنامه علوم اقتصادی، سال دوم، ش ۷.
۴. چاوشی، بهنام و دیگران (۱۳۹۰). «ارزیابی میزان انتشار و ضریب انتشار گاز دی‌اکسید کربن از خروجی‌های پالایشگاه نفت تهران»، مجله سلامت و محیط ایران، دوره چهارم، ش ۲.
۵. سیدنژاد فهیم، سیدرضا و اسماعیل اقدامی (۱۳۹۰). «مالیات سبز در مسیر توسعه پایدار»، مجله اقتصادی، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های زیست‌محیطی، ش ۳ و ۴.
۶. شاهچرا، مهشید و سیمین‌السادات میرهاشمی نائینی (۱۳۹۰). «تحلیل تأثیرات شوک سیاست پولی بر تسهیلات شبکه بانکی ایران (۱۳۸۸-۱۳۸۰)»، فصلنامه تحقیقات اقتصادی راه‌اندیشه، دوره اول، ش ۴.
۷. عبدالله میلانی، مهنوش و علیرضا محمودی (۱۳۸۹). «مالیات زیست‌محیطی و اثر تخصیصی آن (مطالعه موردی فرآورده‌های نفتی ایران)»، پژوهشنامه مالیات، ش ۸.
۸. گجراتی، دامور (۱۳۹۰). مبانی اقتصاد سنجی، ترجمه حمید ابریشمی، جلد دوم، چاپ هفتم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۹. گرامی، مریم و مهدی کرمی (۱۳۹۰). «مالیات سبز در کشورهای توسعه‌یافته»، مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های زیست‌محیطی، ش ۳ و ۴.
۱۰. معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری، «قوانین برنامه‌های توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران».
۱۱. مقدسی، رضا و فرزانه طاهری (۱۳۹۱). «پیامدهای اقتصادی و زیست‌محیطی مالیات بر آلودگی»، تحقیقات اقتصاد کشاورزی، ش ۳.
۱۲. مقیمی، مریم و دیگران (۱۳۹۰). «بررسی آثار رفاهی و زیست‌محیطی مالیات سبز و کاهش یارانه سوخت در ایران با استفاده از مدل تعادل عمومی قابل محاسبه»، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال نوزدهم، ش ۷۵.
۱۳. مرکز آمار ایران (۱۳۸۵). سالنامه آماری کشور ۱۳۸۴.

۱۴. مکیان، سیدنظام‌الدین و سمانه خاتمی (۱۳۸۹). «بررسی همگرایی اقتصادی کشورهای منطقه منا (۲۰۰۸-۱۹۸۰)»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال یازدهم، ش ۳۵.
۱۵. مهرگان، نادر و حسن دلیری (۱۳۸۹). کاربرد استاتاستا در آمار و اقتصادسنجی (*Stata 9.1*)، تهران، انتشارات نور علم.
۱۶. وزارت نیرو (۱۳۸۳). *ترازنامه انرژی کشور ۱۳۸۲*، تهران، معاونت امور برق و انرژی، دفتر برنامه‌ریزی کلان برق و انرژی.
۱۷. وصفی اسفستانی، شهرام و ابوذر زنگویی نژاد (۱۳۸۵). «مصرف انرژی و انتشار آلاینده‌ها در صنایع انرژی‌بر»، مجله بررسی‌های مسائل اقتصاد انرژی، ش ۷.
۱۸. هراتی، جواد و دیگران (۱۳۹۱). «تعیین مالیات زیست‌محیطی بهینه در الگوی رشد تعمیم‌یافته با وجود انتقال تکنولوژی پاک و کیفیت محیط زیست: نمونه اقتصاد ایران»، فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، ش ۷.
19. Abbaspour, M. and et al. (2010). "Developing the Economic Model of Green tax for Polluting Industries", *World Applied Sciences Journal* 10(11).
20. Albrecht, Johan (2006). "The Use of Consumption Taxes to Re-launch Green Tax Reforms", *International Review of Law and Economics*, Vol. 26.
21. Baltagi, B.H. (2008). "Econometric Analysis of Panel Data", *John Wiley and Sons*, Vol. 1.
22. Baltagi, B.H. and C. Kao (2001). "Nonstationary Panels, Cointegration in Panels and Dynamic Panels: A Survey", *Emerald Group Publishing Limited*, Vol. 15.
23. De Miguel, C. and B. Manzano (2011). "Gradual Green Tax Reforms", *Energy Economics*, Vol. 33.
24. Fullerton, D. and et al. (2008). "Environmental Taxes", *NBER Working Paper Series, Working Paper 14197*.
25. Hayashi, Y. and et al. (2001). "A Model System for the Assessment of the Effects of Car and Fuel Green Taxes on CO<sub>2</sub> Emission", *Transportation Research, Part D6*.
26. Koskela, E. and R. Schob (1999). "Alleviating Unemployment: The Case for Green Tax Reforms", *European Economic Review*, Vol. 43.
27. Oates, W.E. (1995). "Green Taxes: Can we Protect the Environment and Improve the Tax System at the Same Time?", *Southern Economic Journal*, Vol. 61, No. 4.
28. Yoshidal, Yoshikuni and et al. (2003). "An Analysis on CO<sub>2</sub> Reduction Effects of Introducing Green Taxation to Car Ownership Tax", *Greenhouse Gas Control Technologies*, Vol. 3.

# امنیت منطقه‌ای در قلمرو اوراسیا و جایگاه ایران

مسعود رضائی، \* شهاب جهانیان \*\*

تاریخ دریافت ۱۳۹۲/۱۱/۲۹ تاریخ پذیرش ۱۳۹۴/۳/۲۶

پس از فروپاشی شوروی، اوراسیای جدید، از منطقه‌ای خفته و دور از مرکز سیاست جهانی به منطقه‌ای مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل شده است. ایران نیز به جهت موقعیت ژئواستراتژیک بی‌همتا، در جغرافیایی قرار گرفته که پس از روسیه نقش بازیگری محوری و مهم در این منطقه را دارد. در این خصوص، تکوین همکاری و نگرانی‌های امنیتی منطقه‌ای، کانون تمرکز و اولویت نخست برای تهران است. اینکه جمهوری اسلامی ایران چه جایگاهی در این منطقه دارد؟ معضلات پیش روی ایران به لحاظ امنیتی در چه ابعادی گسترده است؟ مهم‌ترین عوامل استراتژیک مناسبات امنیتی آینده ایران با کشورهای واقع در این منطقه چگونه قابل تحلیل است و کشور در چه سطحی می‌تواند درون آن نقش شایسته خود را بازی کند؟ پرسش‌هایی هستند که در این مقاله به آنها پرداخته می‌شود. از این رو مقاله حاضر با توجه به متغیرهای فراوان با اثرگذاری‌های متفاوت، واقعیات و پیچیدگی‌های حاکم بر این منطقه و با در نظر گرفتن احتمال افزایش نقش آفرینی ایران در قلمرو اوراسیا، تلاش می‌کند تا در حوزه امنیت منطقه‌ای، رفتار و رهیافت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را براساس عقلانیت و در پرتو مطلوبیت نسبی ارائه کند. در این چارچوب، ابتدا ضمن بررسی نظری مفهوم امنیت و رویکردهای منطقه‌ای آن، به گونه‌ای توصیفی - تحلیلی، از یک سو مجموعه تحولاتی را که به بی‌ثباتی و ناامنی در منطقه اوراسیا دامن می‌زند، و از سوی دیگر موضوعاتی که به طور مشخص در زیرسیستم‌های آسیای مرکزی، منطقه خزر و منطقه قفقاز جنوبی به عنوان محیط فوری امنیتی ایران در چارچوب اوراسیا محسوب می‌شوند، مورد واکاوی و تجزیه تحلیل قرار می‌دهد.

**کلیدواژه‌ها: ایران؛ اوراسیا؛ آسیای مرکزی؛ امنیت منطقه‌ای؛ قفقاز جنوبی؛ خزر؛ آمریکا**

\* دکتری روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (نویسنده مسئول)؛

E-mail: msd.rezaei@yahoo.com

\*\* کارشناس ارشد علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس؛

E-mail: jahanians@yahoo.com

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و دوم، شماره هشتاد و دو، تابستان ۱۳۹۴

## مقدمه

قلمرو اوراسیا، منطقه‌ای منعطف و تصویری از یک مکان سیال و غیر مشخص است. با این حال این منطقه، مفهومی اساسی برای درک فضای پسا شوروی و همچنین مبنایی برای فهم رفتارهای سایر بازیگران این منطقه محسوب می‌شود. منطقه ژئوپلیتیک اوراسیا، گستره‌ای است که از دو جمهوری غرب روسیه (اوکراین و بلاروس) آغاز و مناطق میان دریای سیاه تا مغولستان را دربرمی‌گیرد. این منطقه علاوه بر روسیه و قفقاز، دریای خزر و آسیای مرکزی را نیز شامل می‌شود. این قلمرو وسیع در دوره اتحاد جماهیر شوروی درون بلوک شرق جای می‌گرفت و از این رو، کمتر به صورت کنونی محل توجه بود؛ اما اینک واجد اهمیت ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی جدی بوده و به جهت همجواری با مناطقی چون حوزه آتلانتیک، خاورمیانه و پاسیفیک، نقش مؤثر و تعیین کننده‌ای در معادلات جهانی دارد. طی دو دهه اخیر، به موازات مطرح شدن این منطقه در عرصه بین‌المللی، علاوه بر روسیه و ایران که به عنوان قلب اوراسیا مطرح و بیشترین دسترسی را به کشورهای این قلمرو دارند، سایر بازیگران همچون آمریکا، اروپا، ترکیه و چین نیز در این قلمرو دارای نفوذ، منافع و اثرگذارند. این موضوع باعث شده تا کشورهای این منطقه به طرق مختلف، پیمان‌های متعدد اقتصادی و از جمله نظامی را با کشورهای فرامنطقه‌ای همچون ایالات متحده منعقد کنند. امری که برای امنیت منطقه و ایران مهم، و اثرات آن به صورت جدی مورد توجه تهران است.

ایران در سال‌های پس از انقلاب اسلامی موضوع منطقه‌گرایی را به شدت دنبال کرده است. این سیاست در مجموعه اهداف، راهبردها و سیاست‌های خارجی کشور منطبق با اهداف سیاست خارجی ایران منعکس در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. رجحان روابط با همسایگان، کشورهای مسلمان و کشورهای در حال توسعه همگی در چتر منطقه‌گرایی ایران قابل جمع شدن است. ایران از مزیت ژئوپلیتیکی منحصر به فردی بهره می‌برد؛ عضوی از مجموعه کشورهای خاورمیانه است و در عین حال در همسایگی مناطقی چون مجموعه آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی بوده و یکی از پنج کشور ساحلی حوزه خزر است.

تا قبل از فروپاشی شوروی، ایران تنها از مزیت‌های خود در خلیج فارس و خاورمیانه بهره می‌برد؛ اما از دسامبر ۱۹۹۱، به یکباره فرصت‌های متعددی در شرق، شمال شرق و شمال غرب کشور بر روی ایران گشوده شد. از یک سو ده کشور جدید در قفقاز، آسیای مرکزی و کناره خزر به یکباره به ایران عمق استراتژیک و موقعیت جدیدی در همکاری‌های خود با کشورهای همسایه‌اش بخشیدند و از سوی دیگر به تدریج با حضور کشورهای فرامنطقه‌ای، نگرانی‌های امنیتی ایران ناشی از این محیط جدید نیز مطرح و مورد توجه قرار گرفت. بنابراین، یکی از مهم‌ترین پیامدهای فروپاشی نظام دوقطبی، اهمیت یافتن نقش مناطق در مباحث امنیتی است؛ تحولی که پیش از آن در ساختار متصلب دوران جنگ سرد، امکان‌پذیر نبود. پیدایش زمینه‌های مختلف درگیری، مناقشه و جنگ از یک طرف و شکل‌گیری روندهای جدید همکاری‌جویانه در قالب سازمان‌های منطقه‌ای از طرفی دیگر، وضعیت جدیدی را در فضای پس از جنگ سرد به نمایش گذاشته است.

در این چارچوب، برخی از نظریه‌پردازان معتقدند، امنیت ملی هر واحد سیاسی منبعث از ساخت و زمینه منطقه‌ای آنهاست (Buzan and Waver, 2003: 43). بنابراین مجموعه‌ای از کشورها در هر منطقه وجود دارند که نمی‌توانند رفتار خود را بدون توجه به کنش و واکنش‌های همسایگان خود تعریف کنند. این بدان معناست که آینده امنیت منطقه‌ای، تابعی از شیوه آرایش قدرت در سطح ژئوپلیتیک منطقه‌ای است و این مناطق هستند که منظومه قدرت را شکل می‌دهند. بر این اساس بین ساخت منطقه‌ای قدرت و معادلات ملی - جهانی ربط وثیقی وجود دارد. از این رو «ایران نسبت به آن سیاست‌های همسایگانش که چالش مستقیمی را برای نقش و نفوذش در منطقه ایجاد می‌کنند، فوق‌العاده حساس است. تحت این شرایط و به‌طور نمونه ایالات متحده هرچه بیشتر در کشورهای همسایه ایران نفوذ کند، رویکرد و نگاه ایران جنبه امنیتی‌تر می‌یابد. این امر تا حدودی بیانگر نگرانی‌های ایران در مورد نقش ژئوپلیتیکی - اوراسیا که ایالات متحده ترسیم کرده است - می‌باشد» (Ehteshami, 2004: 185). از طرفی «هدف اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بقا در نظام بین‌الملل آنارشیکی است. بقایا امنیت ملی جمهوری اسلامی نیز به‌صورت حفظ تمامیت

ارضی، استقلال سیاسی و آزادی عمل در نظام بین‌الملل تعریف و تعقیب می‌شود. اهداف ملی دیگر مانند رفاه و توسعه اقتصادی، ثروت و گسترش ایدئولوژی در درجه دوم اولویت سیاست خارجی ایران قرار می‌گیرند. چون تأمین این اهداف بستگی کامل به تضمین و تأمین میزان کافی از امنیت دارد» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۴۴). از دیگر سو ساختارهای مختلف نظام منطقه‌ای در آسیای مرکزی، خزر و قفقاز جنوبی محدودیت‌های رفتاری خاصی را بر جمهوری اسلامی ایران تحمیل می‌کند؛ زیرا، به‌رغم تعامل بین نظام فرعی و نظام بین‌الملل، زیرسیستم‌های منطقه‌ای مذکور از استقلال ساختاری نسبی برخوردار نیستند. از این رو، در حالی که ساختار نظام بین‌الملل در جنگ سرد دوقطبی بود، ساختار نظام منطقه‌ای سه‌گانه چندقطبی است. نظر به این مهم، مقاله حاضر، ضمن بررسی این تحولات، فرصت‌ها و دغدغه‌های جمهوری اسلامی ایران در این قلمرو وسیع ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک (با عنایت به سه زیرسیستم منطقه‌ای آسیای مرکزی، قفقاز جنوبی و منطقه خزر) را بررسی، و رویکردهای امنیتی موجود در این منطقه را با عنایت به نقش‌آفرینی کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای، مورد واکاوی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

### ۱. الگوها و ترتیبات امنیت منطقه‌ای

امنیت‌سازی، یکی از دغدغه‌های اصلی کلیه کشورها و نظریه‌پردازان محسوب می‌شود. از همین رو تمامی نظریه‌پردازان مختلف تلاش می‌کنند تا شیوه‌های مؤثر امنیت‌سازی را تبیین کنند. در این میان، رئالیست‌ها بر این اعتقادند که امنیت‌سازی از طریق قدرت حاصل می‌شود. به‌طور کلی، آنان کشورها را براساس قدرت و معادلات حاکم بر آن ارزیابی می‌کنند. لیبرال‌ها نیز معتقدند امنیت‌سازی در چارچوب حداکثرسازی فعالیت نهادهای بین‌المللی امکان‌پذیر است. از سویی ایده صلح از طریق قانون و سازمان‌های بین‌المللی را ایدئالیست‌ها و لیبرال‌ها مطرح کردند. آنان بر این اعتقاد بودند که اگر نهادهای فراملی ایجاد شود، ایجاد و حفظ صلح به گونه‌ای مؤثرتر انجام می‌گیرد. بنابراین، وظایف اجرایی نهادهای بین‌المللی براساس رویکرد لیبرالی طراحی شده است. آنان میان «روابط



بین حکومتی<sup>۱</sup> و «روابط بین‌الملل»<sup>۲</sup> تفکیک قائل‌اند و به‌منظور ورود طیف گسترده‌تری از بازیگران در عرصه امنیت‌سازی تلاش می‌کنند. هرچند این هدف به‌گونه مؤثری تحقق نیافته و تاحدی اعتبار خود را ازدست‌داده، واقعیت موجود بیانگر تفکیک مفهومی دو واژه یاد شده است (Huganami, 1978: 226).

لیبرال‌ها بر این اعتقادند که فعال‌شدن نهادهای بین‌المللی، زمینه لازم را برای ایجاد توازن بین بازیگران فراهم می‌سازد. به هر میزان هماهنگی طبیعی بین بازیگران بیشتر باشد، بدیهی است که با هزینه کمتر و مطلوبیت مؤثرتری صلح ایجاد و حفظ می‌شود. به‌طور کلی، بازیگران از منافع ملی خود با شیوه‌های متفاوتی حراست می‌کنند. نظریه پردازان لیبرال به‌ویژه «هینسلی» تحقق چنین فرایندی را در شرایطی امکان‌پذیر می‌دانند که: «به کشورها برای تحقق منافع و صلح، آزادی عمل داده شود؛ اما سازمان‌هایی بتوانند توازن طبیعی و مطلوب بین منافع آنها را به‌وجود آورند. در این شرایط، جنگ، مطلوبیت خود را از دست می‌دهد؛ زیرا به لحاظ منافع اقتصادی، فاقد سودآوری بوده و ازسوی دیگر، به لحاظ اخلاقی توجیه‌پذیر نیست. سازمان‌ها می‌توانند شرایطی را ایجاد کنند که کشورها به رقابت مسالمت‌آمیز اقتصادی مبادرت ورزند. به‌عبارت‌دیگر، منافع در حوزه رقابت‌های اقتصادی حاصل می‌شود. در این شرایط، امنیت کشورها بیش از آنکه در چارچوب منازعه و جنگ سازمان‌دهی شود، در قالب فرایندهای حقوقی، روش‌های قضایی و ازسوی بازیگران فراملی سازمان‌دهی می‌شود» (Hinsley, 1967: 111).

در مجموع می‌توان گفت مفهوم امنیت و الگوهای امنیت منطقه‌ای، به‌ویژه بعد از جنگ سرد، شاهد دگرگونی‌های عمده‌ای بوده است. تحولات سال‌های پس از یازده سپتامبر و رفتارهای یکجانبه آمریکا در عرصه اوراسیا باعث ایجاد چشم‌اندازها و تحولاتی جدید در حوزه امنیت منطقه‌ای شده است. در این میان، فروپاشی شوروی یکی از عناصر اصلی ترتیبات امنیتی منطقه‌ای را با تغییراتی اساسی همراه ساخت و در پی آن تبیین‌های

---

1. Intergovernmental Relations

2. International Relations

جدیدتری در خصوص چگونگی سامان دادن امنیت در سطح منطقه مطرح شد. این امر باعث کاهش اهمیت برخی الگوهای امنیتی برای اوراسیا و پرننگ تر شدن برخی دیگر از الگوها شد. لذا براساس نمونه‌های عملی موجود و یا مدل‌های نظری، به‌طور کلی، سه الگو برای تثبیت یک وضعیت امنیتی در سطح منطقه‌ای قابل تصور است:

### ۱-۱. الگوی امنیت مبتنی بر توازن قوا

در دوران بعد از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، نظریه‌پردازان کارکردگرا بر این باور بودند که تعادل و ثبات اجتماعی در حوزه‌های منطقه‌ای کاهش یافته است. از سوی دیگر، نیروهای گریز از مرکز اهمیت بیشتری پیدا کرده‌اند. در نهایت اینکه زمینه‌های اجتماعی برای شکل‌گیری نظام چندمرکزی به وجود آمده است. این امر بیانگر آن است که کشمکش‌های بسیاری بین ساختار سلسله‌مراتبی و همچنین کارگزاران نظام موازنه قوا وجود دارد. در این وضعیت، نظم منطقه‌ای با مخاطرات بیشتری روبرو می‌شود. از این رو تلاش می‌شد از قدرت و قابلیت‌های استراتژیک بازیگران اصلی در جهت صلح‌سازی استفاده شود. معادله قدرت بین آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی در شرایط توازن قرار داشت. به همین جهت، توزیع منافع نیز براساس نمادهایی از تحرک، توازن، رقابت و آمادگی ستیزش حاصل می‌شود. بنابراین، منطق این الگو، ترکیبی چند قطبی از کشورهای است که دارای روابطی سیال و براساس سود و زیان مقطعی تعریف می‌شوند که در طول زمان ممکن است تغییر کند. لذا هیچ کشوری به‌طور دائم دوست و یا دشمن شناخته نمی‌شود. این الگو بر مبنای تهدیدات آشکار و پنهان نظامی استوار است، اما وجود این تهدیدات به معنای نادیده انگاشتن حاکمیت، منافع ملی و نگرانی‌های امنیتی سایر بازیگران نیست. در مورد همه کشورها سطوح مختلفی از منافع مشترک یا متعارض وجود دارد و وجوه مشترک تقریباً به همه کشورها در هر منطقه اجازه می‌دهد که براساس شرایط با یکدیگر متحد شوند. به موجب الگوی مزبور، کشورها تا حدی دارای ارزش‌ها و منافع مشترکی هستند و از این رو، تعاریف مشابهی از امنیت و ثبات ملی دارند؛ در این چارچوب،

کشورها موجودیت سایر بازیگران را به رسمیت می‌شناسند و اولویت‌های سیاسی کشورها به‌طور معقولی قابل پیش‌بینی و در طول زمان ثابت است (واعظی، ۱۳۸۵: ۲۷).

### ۲-۱. الگوی امنیت هژمونیک

زمانی که قدرت‌های بزرگ در تنگنای امنیتی قرار گیرند، از الگوی مداخله نظامی و عملیات استراتژیک بهره می‌گیرند. به‌عبارت دیگر، از طریق فعال‌سازی قدرت می‌توانند بر شرایط مبتنی بر معمای امنیتی غلبه کنند. از سوی دیگر، کشورهایی که سطح پایین‌تری از قدرت را در مقایسه با بازیگر هژمونیک دارند، در برابر الگوهای مداخله‌گرایانه قدرت هژمون مقاومت مؤثری نمی‌کنند. به‌عنوان مثال، کشورهای چین، روسیه و فرانسه در برابر اقدامات فرانهادی ایالات متحده آمریکا در کشورهای سومالی، هائیتی، کوزوو و عراق اقدام مؤثری انجام ندادند. این امر نشان می‌دهد که براساس رهیافت نئورئالیستی، قدرت‌های بزرگ می‌توانند به‌موازات بهره‌گیری از نهادهای بین‌المللی به اقدامات یکجانبه نیز مبادرت ورزند. چنین فرایندی را می‌توان در رفتار استراتژیک آمریکا ملاحظه کرد. اساساً الگوی هژمونیک بر مبنای غلبه منافع یک بازیگر بر سایر بازیگران و کاربرد عملیاتی ابزارهای نظامی و اقتصادی برای اعمال سیاست بازدارندگی طراحی می‌شود. براساس این الگو، صف دوستان و دشمنان از یکدیگر تفکیک می‌شود. در این الگو، رویکردی اجماعی برای مقابله با کشورهای غیر دوست وجود دارد و از همه امکانات و ابزارهای مختلف برای محدود کردن از جمله عدم دسترسی به فناوری‌های پیشرفته و تجهیزات نظامی استراتژیک استفاده می‌شود.

### ۳-۱. الگوی امنیت جمعی (امنیت مشترک)

این الگو نگاه متفاوتی به سیاست بین‌الملل دارد و تفکر اصلی و مرکزی حاکم بر آن عبارت از این است که همه کشورها می‌توانند امنیت نسبی را از طریق پذیرفتن تعهدات متقابل در خصوص محدود کردن توانایی‌های نظامی برای خویش تأمین کنند. در این

رویکرد امنیتی، تنها دوستان و متحدان حضور نمی‌یابند، بلکه فرض بر این است که کشورهای غیردوست همان محدودیت‌های فنی را بر رفتار خود خواهند پذیرفت که دوستان می‌پذیرند و این کار علی‌رغم وجود بی‌اعتمادی متقابل امری امکان‌پذیر است. همچنین فرض بر این است که این محدودیت‌های قانونی و فنی امتیازات متقابلی را نیز دربر خواهد داشت. در این الگو، تضمین‌های امنیتی نه از طریق سلطه، بلکه برعکس از راه غیر قابل قبول کردن گزینه‌هایی که هدف آنها کسب سلطه بر رقیبان است، به وجود می‌آید.

در رویکرد امنیتی مبتنی بر همکاری و مشارکت، امنیت به‌طور فزاینده‌ای به منزله ملک مشاعی تعریف می‌شود که قابل تقسیم نیست. این رویکرد امنیتی، کشورها را به دوست، متحد و دشمن تقسیم نمی‌کند، اما تهدیدات علیه همه بازیگران مساوی است و همه شرکا خواستار امنیت متقابل هستند (Kraig, 2004: 31). در این رویکرد، توسعه درک منطقه‌ای از متقابل بودن امنیت بیش از بازدارندگی، مفهوم اطمینان بخشی متقابل مورد تأکید قرار می‌گیرد. افزایش چنین اطمینانی می‌تواند معمای امنیت را که ذاتاً در استراتژی‌های واقع‌گرایان سیاست قدرت نهفته است (متقی، ۱۳۸۵: ۴۷)، کاهش دهد. این رویکرد برای تسهیل پیوند بین طیف وسیعی از مسائل سیاسی - اقتصادی و اجتماعی طراحی شده و درصدد ایجاد اعتماد بین دولت‌های منطقه‌ای از طریق بحث، مذاکره، همکاری و توافق است. توسعه امنیت مبتنی بر همکاری فرایندی تکاملی است و به‌وسیله طرحی بزرگ هدایت نمی‌شود، بلکه از طریق ایجاد مجموعه‌ای از ابزارها که به گونه‌ای مجزا به اصول امنیت مبتنی بر همکاری کمک می‌کنند، به دست می‌آید (اسنایدر، ۱۳۸۰: ۲۹۶). جمهوری اسلامی ایران بر این رویکرد تأکید دارد و معتقد است نیروهای فرامنطقه‌ای تنها بر معمای امنیت در منطقه می‌افزایند.

## ۲. ایران، ژئوپلیتیک اوراسیا و ترتیبات امنیت مشترک

از جنگ جهانی دوم تاکنون، موقعیت نسبی ایران به دو دلیل مهم‌تر شده است: نخست، ارزش ژئواستراتژیک برگرفته از نزدیکی جغرافیایی به شوروی و درگیر شدن در رقابت قدرت‌های بزرگ؛ و دوم، منابع ملی استراتژیک، دارا بودن منابع انرژی پراهمیت برای مصرف‌کنندگان

نفت و گاز در آمریکا و اروپا (لطفیان، ۱۳۸۷: ۱۹۲). از دهه ۱۹۹۰ یعنی از زمانی که ایالات متحده دیدگاه قدیمی خود در مورد ایران به‌عنوان یک حائل استراتژیک میان اتحاد جماهیر شوروی و منطقه خلیج فارس را کنار گذاشت، محیط امنیت منطقه‌ای ایران نیز پیچیده‌تر شده است. در پی فروپاشی شوروی، نگرانی ایالات متحده به‌عنوان تنها ابرقدرت موجود و هم‌پیمان کشورهای چون آذربایجان، ترکیه، گرجستان، ارمنستان، ترکمنستان، از نفوذ بالقوه ایران در منطقه تشدید شد. سفر جیمز بیکر در فوریه ۱۹۹۲ به آسیای مرکزی با هدف اعلام شده سدبندی در برابر ایران را باید بخشی از نگرش جدید آمریکا [در آن مقطع] به تهدیدی دانست که از جانب ایران متوجه منافع این کشورها و خود در منطقه احساس می‌کرد (امیراحمدی، ۱۳۷۲: ۷). از نظر دولت آمریکا، بازیگری در اوراسیا در راستای ایفای نقش هژمون (به‌عنوان حافظ اصلی و موتور گسترش نظام جهانی سرمایه‌داری لیبرال) و نیز در خدمت منافع خود برای حفظ موقعیت در نظام بین‌المللی قرار دارد. این حضور و نفوذ بایستی احتمال بازگشت روسیه به اشکال پیشین را در منطقه سد نموده و با ایجاد ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جدید، موقعیت فعلی آن را نیز محدود سازد. علاوه بر این، حضور در اوراسیا می‌تواند نقش کنترل‌کننده و محدود سازنده چین در صفحه شطرنج جهانی (به تعبیر پرژینسکی) را نیز عملی سازد (Cichock, 2003: 14). همچنین باید به کنترل خاورمیانه اشاره کرد؛ چراکه اوراسیا به لحاظ فرهنگی و سیاسی در پیوندی اساسی و نزدیک با ایران قرار دارد و حضور در آن تکمیل‌کننده حضور در خاورمیانه و کنترل ایران است.

اما منافع ملی ایران نه در ارتباط با همه منطقه اوراسیا، بلکه در درجه اول در مناطق فرعی درون آن و در سه زیرسیستم «آسیای مرکزی»، «خزر» و «قفقاز جنوبی» نهفته است. این حوزه‌ها، مناطق فوری امنیتی ایران نیز محسوب می‌شوند. برای حفظ این منافع در بخش‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی، تعاملات دوجانبه و چندجانبه با حکومت‌ها و ملت‌های منطقه، نهادهای منطقه‌ای نظیر سازمان همکاری شانگهای، اکو، نشست‌های جمعی نظیر نشست کشورهای ساحلی خزر در اولویت قرار دارند. بنابر همه واقعیت‌های موجود، ایران یک قدرت بالقوه منطقه‌ای است که برای بالفعل ساختن آن در مناطق مختلف

(خزر، آسیای مرکزی و قفقاز) نیازمند همکاری‌ها و همگرایی بیشتر منطقه‌ای است. تجارب مناقشه‌ها و جنگ‌های گذشته، این نکته را ثابت کرده است که هرگاه کشوری از موقعیت ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک برخوردار باشد، هیچگاه نمی‌تواند از تحولات منطقه و جهان دور و منزوی بماند؛ زیرا ممکن است خود بخشی از یک استراتژی نظامی باشد. لذا ضرورت دارد به‌عنوان وزنه‌ای استراتژیک وارد عمل شود و با بهره‌گیری از موقعیت خاص جغرافیایی، برای پیشرفت و توسعه کشور و ارتقای جایگاه خود گام بردارد. از این‌رو تعامل و نقش فعال ایران با کشورهای آسیای مرکزی، حوزه خزر و قفقاز حائز اهمیت است. از سویی، ایران قائل به کشاندن بازی‌های سطح اوراسیا به سطح بین‌المللی نیست، اگرچه، ناگزیر هم‌اکنون نیز به این سطح کشیده شده است؛ اما به‌واقع، بدون وجود عوامل عینی و مؤثری که وزن واقعی یک ملت را در معادلات بین‌المللی بالا می‌برد، صرف ورود در بازی‌های بین‌المللی، امر چندان مهمی نیست. به‌هرحال، امروزه گنجینه‌ای از موقعیت ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ترانزیتی ایران در زیرسیستم اوراسیا وجود دارد که با واقع‌نگری، قدرتمندی و دیپلماسی کارآمد می‌تواند از آن برای ایفای نقش فعال در این قلمرو بهره‌گرفت و آن را نیز تقویت کرد.

به‌طور طبیعی، کشورها تحولات مناطق همجوار و پیرامونی خود را با حساسیت رصد می‌کنند و هرگونه تحول یا تحرکی را با توجه به منافع ملی خود مورد ارزیابی قرار می‌دهند. از سوی دیگر، ایفای نقش مؤثر در یک یا چند ساختار منطقه‌ای نیازمند سطحی از قدرت، توانمندی و همچنین اراده کافی و برنامه‌ریزی برای اتخاذ چنین مسئولیتی است. از زاویه هریک از این دو قاعده کلی، مناطق سه‌گانه مورد بحث، در دوره پس از فروپاشی شوروی، برای جمهوری اسلامی ایران از اهمیت کلیدی برخوردار بوده است و امروزه نیز با رویکرد و حساسیتی مضاعف مطرح‌نظر است. از طرفی ایران به‌دلیل جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خود و اینکه پلی میان دو انبار انرژی و برجسته دنیا یعنی خلیج فارس و دریای خزر محسوب می‌شود، نقش برجسته‌ای در منطقه اوراسیا دارد. در واقع ایران بین پنج حلقه کلیدی خلیج فارس، دریای خزر، آسیای مرکزی، قفقاز، شبه‌قاره هند و خاورمیانه

قرار دارد، این حلقه‌ها که کشورهای متعددی را شامل می‌شود، حلقه‌های امنیتی در جهان نیز محسوب می‌شوند. ایران برای اینکه بتواند نقش خود را در پیوند این حلقه‌ها و تأثیرگذاری در هر کدام از این حلقه‌ها ایفا کند، ملزم است که در اهداف سیاست خارجی و امنیتی خود نوعی هماهنگی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی تعریف کند. از طرفی کشورهای درون این حلقه‌ها نیز در سیاست خارجی خود نشانه‌هایی از واگرایی و همگرایی نشان داده‌اند و توفیق جمهوری اسلامی ایران در تأثیرگذاری در این منطقه منوط به گسترش همگرایی و کاهش واگرایی است و ضرورت‌های استراتژیک امنیت ایجاد می‌کند زمینه‌های قدرت‌سازی از طریق ائتلاف و همبستگی با واحدهای این حوزه فراهم آید.

### ۳. تحولات و معضلات امنیتی ایران در مناطق سه‌گانه

ایران در محیط پیرامونی خود همواره با چالش‌ها و مشکلات متعدد و متداوم روبه‌رو بوده و این مشکلات در تمام حوزه‌های این محیط امنیتی بازتولید شده است؛ به گونه‌ای که هنوز نتوانسته است در هیچ کدام از این حوزه‌ها شاهد شکل‌گیری چارچوب امنیتی پایدار و مورد توافق باشد. در گذشته، چالش‌های امنیتی ایران که از محیط پیرامونی آن ناشی می‌شد به اشکال متفاوتی وجود داشت و از ناامنی‌های مرزی و بی‌ثباتی‌های موقت تا حملات و جنگ‌های طولانی‌مدت نظامی را دربرمی‌گرفت. اکنون نیز این مسئله در قالب‌ها و مؤلفه‌های مختلف و متنوع‌تری نمود می‌یابد.

در حال حاضر، تروریسم و افراط‌گرایی، دولت‌های وابسته و بحران اقتدار و همچنین مداخله‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای، سه چالش امنیتی اصلی برای ایران در اوراسیا محسوب می‌شود که با یکدیگر در ارتباطی چند بعدی و تنگاتنگ قرار دارند. در این میان، به نظر می‌رسد حضور کشورهای فرامنطقه‌ای و دولت‌های وابسته چالشی اساسی‌تر باشد که باعث تحریک دو مؤلفه دیگر یعنی اشاعه تروریسم و افراط‌گرایی و همچنین بی‌اعتمادی و واگرایی کشورهای حاضر در این قلمرو شده است. دولت‌های شکننده در افغانستان و پاکستان باعث گسترش تروریسم و افراط‌گرایی می‌شود و علاوه بر این، زمینه تداوم حضور

قدرت‌های فرامنطقه‌ای را نیز فراهم می‌سازد. اختلاف‌های قومی، وجود دولت‌های اقتدارگرا، بحران مشروعیت، عدم وجود دموکراسی و نهادهای مدنی به همراه اقتصاد ضعیف در برخی از کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز از جمله عوامل دیگری است که موجب بروز بی‌ثباتی و ناامنی در محیط امنیتی ایران خواهد شد. تروریسم و افراط‌گرایی مذهبی و قومی در منطقه در طول سال‌های اخیر افزایش یافته است و این امر نظم و ثبات سیاسی - اجتماعی و پیشرفت اقتصادی کشورها را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. به‌طور نمونه هم‌اکنون تعداد افرادی که از کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در سوریه و عراق به گروه تروریستی داعش پیوسته‌اند قابل تأمل و مصداق چنین تهدیدهایی است (Jones, 2014). وهابیت و سلفی‌گری به‌عنوان یک ایدئولوژی مذهبی افراطی منبع عمده گسترش تروریسم و تنش‌های مذهبی در بخشی از اوراسیا و از جمله کشورهای آسیای مرکزی است و این ایدئولوژی به‌واسطه آشفتگی کلی منطقه‌ای و برخی ملاحظات سیاسی بازیگران ذی‌نفع، فضای گسترده‌تری برای انتشار و تأثیرگذاری پیدا کرده است. در افغانستان نیز افراط‌گرایی و تروریسم همچنان به‌واسطه عوامل سیاسی - اجتماعی و مؤلفه‌های بیرونی ادامه حیات می‌دهد و ثبات و امنیت منطقه‌ای را به شدت متأثر می‌سازد.

به این واقعیت هم باید اشاره کرد که حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در اوراسیا به‌دلیل عواملی چون نفت و موقعیت ژئوپلیتیک منطقه، همواره از عناصر ساختار امنیتی منطقه‌ای محسوب می‌شده است؛ اما در سال‌های اخیر و به‌ویژه بعد از یازده سپتامبر، مداخله‌های فرامنطقه‌ای افزایش قابل ملاحظه‌ای را نشان داده است. آمریکا از سال ۲۰۰۱ تاکنون، همواره بر رویکرد امنیت هژمونیک پافشاری کرده و بر این اساس به افزایش حضور نظامی خود و ایجاد پایگاه‌های نظامی متعدد مبادرت ورزیده است. در این راستا واشنگتن سعی دارد تا با جدا کردن صف متحدین و دولت‌های مخالف، تحت فشار قرار دادن دولت‌های غیرهمکار و کسب حداکثر همکاری از کشورهای متحد، رویکرد امنیت هژمونیک را به‌عنوان ساختار امنیتی اصلی در منطقه در اولویت قرار دهد. مبارزه با تروریسم نیز از ابتدا به‌عنوان یکی از اهداف اصلی آمریکا در گسترش حضور خود در منطقه و تقویت الگوی



امنیت هژمونیک ارزیابی می‌شود. از دیگر سو، با توجه به بافت موزایکی قومی - فرهنگی - مذهبی در قفقاز، امنیت و ثبات منطقه‌ای با تهدیدات و معماهایی مواجه است. تأثیر دیگر ناشی از حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در کشورهای اوراسیایی همسایه ایران و از جمله در حوزه دریای خزر، تأثیرگذاری بر نظم طبیعی و همکاری‌های قابل توافق میان پنج کشور ساحلی منطقه خزر است. به همین دلیل، نگاه ایران به مناطق پیرامونی، بازگوکننده عدم امنیت جغرافیایی عمیق کشور در زیر سیستم‌های مذکور است. به تعبیر «رابرت کاپلان»<sup>۱</sup>، «برای درک مناقشه‌های امروز جهان، اقتصاد و تکنولوژی را فراموش کنید و به جای آن، نگاه دقیقی به نقشه جغرافیا بیندازید» (Kaplan, 2012). بنابراین، در یک نگاه کلی، آن دسته از چالش‌های امنیتی اوراسیا که با ایران در سه زیرسیستم تابع «آسیای مرکزی»، «دریای خزر» و «قفقاز جنوبی» در ارتباط است؛ مطمح نظر قرار می‌گیرد:

### ۱-۳. سیستم تابع آسیای مرکزی

آسیای مرکزی متشکل از پنج جمهوری ترکمنستان، قرقیزستان، قزاقستان، تاجیکستان و ازبکستان است و به جهت اهمیت موقعیت و پیوستگی دامنه جغرافیایی افغانستان و همچنین تأثیر و تأثرپذیری این کشور با کشورهای مذکور، در بیشتر تحلیل‌ها، افغانستان را نیز در این مجموعه جا می‌دهند. عموماً به جهت اهمیت آسیای مرکزی، در قرن نوزدهم رقابت‌هایی برای کسب منابع این قلمرو بین روسیه و انگلیس وجود داشت که به «بازی بزرگ»<sup>۲</sup> معروف شد؛ اما در تمام طول قرن بیستم و تا اوایل دهه ۱۹۹۰، به دلیل اینکه بخش عظیمی

1. Robert D. Kaplan

۲. بازی بزرگ یا The Great Game نامی است که به رقابت‌های سیاسی و نظامی دو امپراتوری بزرگ بریتانیا و روسیه تزاری در آسیای مرکزی داده شده است. این عبارت بر اساس رمان رودیار کیپلینگ سر زبان‌ها افتاد. کیپلینگ در کتاب خود در سال ۱۹۰۱ یک افسر اطلاعاتی سواره نظام کمپانی هند شرقی بنام آرتور کونالی را معرفی کرد و اصطلاح «بازی بزرگ» را به نقل از او برای مأموریت وی نامگذاری کرده است. رقابت‌های بازی بزرگ از اوایل قرن ۱۹ یعنی پیشروی روس‌ها در قفقاز و تقریباً پس از امضای ترک مخاصمه گلستان (۱۸۱۳) مابین روسیه و ایران شروع شد و تا امضای توافق‌نامه ۱۹۰۷ بین روسیه و بریتانیا در خصوص تعیین حوزه نفوذ هر یک در ایران ادامه داشت. پاره‌ای از مورخین پایان بازی بزرگ را انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ دانسته و بعضی دیگر قرارداد ۱۹۲۱ را سرانجام بازی بزرگ می‌دانند.

از قلمرو آسیای مرکزی در قالب اتحاد جماهیر شوروی قرار داشت، این منطقه چندان مورد توجه نبود. با فروپاشی شوروی این منطقه به دلیل قدمت تاریخی و دربرگرفتن جاده ابریشم، منابع غنی انرژی و پل ارتباطی بین آسیا و اروپا بسیار مورد توجه قرار گرفت. علاوه بر این، منطقه آسیای مرکزی از تنوع قومی و فرهنگی زیادی برخوردار است که هم به عنوان مزیت و هم تهدید برای منطقه محسوب می شود. ایران هم طبیعتاً به دلیل تاریخ کهن و علائق سنتی که با منطقه دارد و هم به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی، جایگاه ویژه ای در منطقه آسیای مرکزی دارد و این منطقه در سیاست امنیتی ایران مورد توجه جدی است.

از طرفی ایران حلقه ارتباط بین دو انبار انرژی جهان یعنی دریای خزر و خلیج فارس است و عدم دسترسی کشورهای منطقه به آب های آزاد نیز توجه به موقعیت ایران را دوچندان کرده است. بنابراین ایران نیز کشوری قدرتمند در همسایگی آسیای مرکزی است که دو تمدن ایرانی و اسلامی را به هم پیوند می دهد؛ از وابستگی و پیوستگی فرهنگی و اقتصادی لازم با این منطقه برخوردار است و با دارا بودن موقعیت ژئوپلیتیک به ویژه تسلط بر تنگه هرمز می تواند برای کشورهای منطقه یک مسیر ترانزیتی مناسب باشد که از طریق خطوط لوله و شاهراه های خود و مسیرهایی چون تراسیکا و کریدور شمال و جنوب، نفت، گاز و کالاهای آسیای مرکزی را از طریق کوتاه ترین، امن ترین و اقتصادی ترین راه به دریا برساند. اگرچه بحث صدور انرژی از منطقه تحت تأثیر روابط نامناسب ایران و آمریکا قرار گرفته است، اما منطقه آسیای مرکزی به هیچ وجه نمی تواند از توان ترانزیتی ایران صرف نظر کند. شبکه های راه آهن ایران نیز توان ترانزیت ۲۰ میلیون تن کالا را در سال دارند (Shelala and et al., 2013: 28-49).

از نظر ژئواستراتژیک نیز، آسیای مرکزی با روسیه و چین هم مرز است و در جنوب با ایران همسایه، و به پاکستان و هند نیز وصل می شود. آسیای مرکزی به دلیل موقعیت جغرافیایی خود و در گام نخست دربرگرفتن افغانستان با چالش های بسیار جدی امنیتی مواجه است. موارد دیگری نظیر مشخص نبودن موقعیت دولت نسبت به جامعه، اختلافات متعدد ارضی و مرزی، تنوع قومی - قبیله ای و جنگ های داخلی، عدم دسترسی به آب های

گرم بین‌المللی و محصور بودن در خشکی، جمهوری‌های این منطقه را به لحاظ امنیتی آسیب‌پذیر ساخته است. از دیگر ویژگی‌های روند تحولات در آسیای مرکزی می‌توان به بنیادگرایی اسلامی، درگیری‌های منطقه‌ای، مسائل اقلیت‌های قومی و مرزهای بین‌الدولی، فاجعه زیست‌محیطی آرال و مداخله بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی نام برد.

همکاری ایران با کشورهای حوزه آسیای مرکزی را می‌توان در دو سطح دوجانبه و منطقه‌ای، مورد توجه قرار داد. در سطح دوجانبه، ایران با توجه به ضرورت‌ها و نیازهای مشترک امنیتی، اقدام به انعقاد موافقت‌نامه‌های امنیتی (البته نه به صورت توافق‌نامه‌های نظامی در چارچوب اتحادهای استراتژیک) کرد. در چارچوب این توافق‌نامه‌ها، ایران تلاش کرد مسائلی مانند مهاجرت غیرقانونی، ترانزیت مواد مخدر و قاچاق کالا را که با توجه به خلأ قدرت پیش آمده در منطقه، به‌ویژه در طی دهه ۹۰ میلادی، شدت نیز یافته بود؛ به‌گونه‌ای کنترل و مدیریت نماید، اما پس از عضویت ایران به‌عنوان عضو ناظر در سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۰۴ میلادی، همکاری ایران با کشورهای منطقه آسیای مرکزی از سطح دوجانبه به سطح چندجانبه و منطقه‌ای ارتقا یافت. بدین ترتیب که کشورهای این منطقه که پیش از آن در چارچوب سازمان امنیت دسته جمعی، همکاری‌های امنیتی را در سطح کشورهای مستقل مشترک‌المنافع پیگیری می‌کردند، در قالب این سازمان نوپا، منطقه‌ای به مراتب وسیع‌تر را در حوزه امنیتی پیش‌روی خود گشودند که ایران، یکی از مهم‌ترین بازیگران آن به حساب می‌آید. به‌عبارت‌دیگر، سازمان همکاری شانگهای، مدلی جایگزین برای همکاری چندجانبه در آسیای مرکزی با رویکرد شرق ارائه نمود. در این چارچوب ایران بیش از گذشته ملزم به ملاحظات منطقه‌ای دو کشور چین و روسیه - به‌عنوان دو عضو اصلی سازمان شانگهای - شد (Mesbahi, 2013: 8-9).

با این وجود، ظرفیت سازمان همکاری شانگهای و نقش کلیدی آن در روندسازی امنیتی منطقه‌ای برای ایران، امری مهم و ارزشمند ارزیابی می‌شود؛ چرا که این سازمان با اهداف امنیتی و سیاست خارجی ایران در سطح منطقه‌ای و هم در سطح راهبردی، همپوشانی‌های زیادی دارد. در سطح راهبردی، ایران، سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه

واشنگتن را مخالف منافع و امنیت ملی خود ارزیابی کرده و سیاست نگاه به شرق را یکی از راه‌های تعدیل و موازنه بخشی به هژمونی آمریکا قلمداد می‌کند و از این رو، پیمان شانگهای برای ایران از مطلوبیت حیاتی برخوردار است. محدود شدن حوزه مانور و نفوذ نیروهای آمریکایی، به‌ویژه در پی بسته شدن دو پایگاه مهم نظامی ایالات متحده در «خان‌آباد» ازبکستان و «مناس» قرقیزستان از جمله این موارد است (Daly, 2014). افزون بر آن، اهداف کلان و سه‌گانه سازمان همکاری شانگهای، یعنی مبارزه با تروریسم، افراط‌گرایی و جدایی‌طلبی نیز از اهداف مهمی در سیاست خارجی منطقه‌ای ایران محسوب می‌شود. در حقیقت، ترکیب جمعیتی ایران و وجود اقوام مختلف در دو سوی مرزهای کشور، حضور نیروهای بنیادگرا مانند طالبان در منطقه و تهدیدات ناشی از ترانزیت مواد مخدر و پیوندیابی آنها با نیروهای فرامنطقه‌ای، استعداد قابل ملاحظه‌ای را برای تکوین و تشدید ناامنی در مناطق پیرامونی ایران فراهم می‌کند. بنابراین، سازمان همکاری شانگهای می‌تواند حلقه دیگر اتصال ایران با کشورهای آسیای مرکزی و بستر ساز توسعه همکاری‌های امنیتی باشد و زمینه مناسبی را برای تحقق اهداف سیاست خارجی ایران در حوزه امنیتی فراهم کند.

در مورد تأثیر ایران در منطقه آسیای مرکزی نیز می‌توان گفت فعالیت‌های ایران در چارچوب تئوری کارکردگرایی<sup>۱</sup> بوده و ایران در این راستا می‌تواند نقش بسزایی در آسیای مرکزی داشته باشد. همکاری‌های ایران و کشورهای این حوزه در مسائل امنیتی می‌تواند عامل پیشرفت، استحکام و توسعه این کشورها و ایجاد یک موازنه قدرت در منطقه شود. کاملاً روشن است که ایجاد یک نظام امنیتی مؤثر و پایدار در این منطقه، فرایندی زمان‌بر و پیچیده است که به میزان مشارکت هر یک از این کشورها در این فرایند بستگی دارد. به‌لحاظ نظری حداقل، حذف تناقض‌ها، رفع اختلاف‌های موجود، گسترش

۱. کارکردگرایان بر این اعتقادند که امنیت‌سازی صرفاً در شرایطی شکل می‌گیرد که نهادهای بین‌المللی بتوانند نقشی سازمانی (Organical Role) و همچنین کارکرد اجرایی (Executive Functional) خود را براساس ضرورت‌های عینی محیط منطقه‌ای یا بین‌المللی سازمان‌دهی کنند. به‌طور کلی کارکردگرایان در تلاش‌اند تا بین مؤلفه‌هایی از جمله ساختار نظام بین‌الملل، طبیعت و ماهیت کنش بازیگران، پروسه تصمیم‌سازی و نیز شکل و شیوه تعامل بازیگران، رابطه ارگانیک برقرار کنند.

روابط دو و چندجانبه بین کشورهای این منطقه با به کارگیری مکانیسم‌های مؤثر دیپلماسی از عوامل مهم در دستیابی به امنیت در این منطقه است. از طرفی، همان‌گونه که صلح، ثبات، آرامش و امنیت از زمینه‌های تحقق رشد و همگرایی منطقه‌ای به‌شمار می‌رود؛ وجود بی‌ثباتی و تهدیدات امنیتی در یک حوزه مشترک و کشورهای همجوار نیز می‌تواند زمینه حضور بیگانگان و قوای خارجی و تهدیدات منطقه‌ای را فراهم سازد. بر این اساس، حضور آمریکا در منطقه خراسان بزرگ<sup>۱</sup> تنها برای کنترل چین نیست؛ بلکه یکی از اهداف آمریکا از حضور در منطقه، کنترل و محدود نمودن دامنه نفوذ و قدرت ایران و حتی روسیه است. آمریکا با حضور در مرزهای شرقی ایران و سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی کشورهای همسایه، درصدد است تا از میزان اهمیت استراتژیک ایران در سال‌های آینده بکاهد (عطایی و شبیانی، ۱۳۹۰: ۱۳۹).

دسترسی به منابع انرژی در آسیای مرکزی در استراتژی امنیت ملی آمریکا به‌عنوان منفعت حیاتی و حساس این کشور تعریف شده و این کشور استراتژی چندجانبه‌ای را در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی برای حضور خود در این منطقه تعریف کرده است. در این استراتژی، گسترش ناتو به شرق در قالب «برنامه همکاری برای صلح» به‌عنوان عاملی برای تکمیل حلقه‌های اوراسیا و تسلط بر محورهای امنیتی منطقه پیش‌بینی شده که درعین حال، ضمن کنترل روسیه، باعث مهار ایران نیز شده و سیاست «منطقه بدون ایران» به‌عنوان سیاست محوری آمریکا در منطقه را پیش می‌برد. این کار از طریق نهادسازی، تقویت ارتباطات منطقه با نهادهای غربی نظیر ناتو، سازمان امنیت و همکاری اروپا، اتحادیه اروپا و سازمان تجارت جهانی و افزایش حضور نظامی در منطقه صورت می‌پذیرد. در همین راستا، قطع وابستگی منطقه به کشورهای منطقه‌ای نظیر ایران، از طریق ایجاد ارتباطات متعدد و گوناگون فراملی، از جمله سیاست‌های رسمی دولت آمریکا است. همین مسئله دامنه ارتباطات و وابستگی‌های فرامنطقه‌ای کشورهای آسیای مرکزی را بالا برده

۱. خراسان بزرگ بخش عظیمی از کشورهای آسیای مرکزی همچون ایران، افغانستان، ترکمنستان، ازبکستان و تاجیکستان را شامل می‌شود.

و از میزان تسلط کشورهای مرکز برای کنترل تعاملات منطقه‌ای می‌کاهد. به‌رغم این کارشکنی‌های آمریکا، همجواری ایران با آسیای مرکزی و ویژگی‌های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی این منطقه، جایگاه ویژه‌ای را در ملاحظات امنیتی - اقتصادی کشورمان ایجاد کرده است. از سویی با توجه به مشترکات تاریخی و فرهنگی ایران با شش کشور مذکور، این جایگاه با وجود روابط دو جانبه تقویت شده است. وجود مرزهای مشترک آبی و زمینی، مشترکات فرهنگی و مذهبی، منابع مشترک، دستیابی به بازار منطقه و موقعیت ویژه ترانزیتی ایران، از جمله مواردی است که همکاری و همگرایی بیشتر منطقه‌ای را ایجاد کرده است. در این میان، ترکمنستان و قزاقستان با داشتن منابع قابل توجه نفت و گاز، نسبت به سایر کشورها از موقعیت بهتری برخوردارند. ازبکستان نیز با داشتن منابع قابل توجه گاز، طلا و اورانیوم دارای جاذبه‌های خاص خود است. وابستگی محض کشورهای قرقیزستان و تاجیکستان به درآمدهای بخش کشاورزی و نداشتن جاذبه برای سرمایه‌گذاری نسبت به سایر کشورهای منطقه نیز، آنان را در پایین‌ترین وضعیت اقتصادی نسبت به سایر کشورها قرار داده است. تروریسم بین‌المللی، تندروی مذهبی و قاچاق مواد مخدر از دیگر موارد امنیتی چالش‌زا در آسیای مرکزی است. از سویی نیز بنیادگرایی اسلامی در این منطقه بر بی‌ثباتی‌ها افزوده است. از طالبان در افغانستان و پاکستان گرفته تا به‌گونه‌ای ضعیف‌تر «حزب التحریر، حرکت اسلامی ازبکستان و نهضت اسلامی تاجیکستان» را نیز می‌توان اشاره داشت (مسعودنیا و معصومی، ۱۳۸۷: ۳۵).

از طرفی نیز می‌توان به تلاش‌های ترکیه برای دخالت در امور کشورهای آسیای مرکزی در جهت رقابت با ایران از راه بهره‌گیری روابط خود با آمریکا و رژیم صهیونیستی اشاره کرد که بر دامنه ناامنی در این منطقه افزوده است (Balci, 2014). لذا هر یک از کشورهای این منطقه دارای حساسیت‌های خاصی نسبت به محیط پیرامون خود بوده و اهدافی را دنبال می‌کنند که بعضاً در تعارض و تضاد با دیگر کشورها قرار می‌گیرد. به‌طور نمونه باید به نزدیکی ازبکستان به غرب و رژیم صهیونیستی اشاره کرد. «آویگدور لیبرمن» قبل از آنکه برای تصدی پست وزارت خارجه رژیم صهیونیستی پیشنهاد شود، گفته بود:

«مناسبات اسرائیل با کشورهای آسیای مرکزی باید به‌طور چشمگیری ارتقا یابد». وی این سخنان را در مراسم جشن نوروز ۱۳۸۸ که در سفارت ازبکستان در تل‌آویو برگزار شده بود اظهار کرد. با آغاز کار این وزیر صهیونیستی، نشانه‌های آشکاری از تمرکز وی بر روی کشورهای آسیای مرکزی دیده شد. سفر شیمون پرز - رئیس‌جمهور رژیم صهیونیستی - به کشورهای ازبکستان و قزاقستان در تابستان ۱۳۸۸، افتتاح سفارت این رژیم در ترکمنستان، روابط گسترده اقتصادی و حتی نظامی با قزاقستان و بازگشایی مجدد کنیسه یهودیان شهر دوشنبه با حضور برخی از سرمایه‌داران شناخته شده صهیونیست، نشانه‌هایی از این تمرکز به حساب می‌آید (احمدزاده، ۱۳۹۰: ۱۳).

از دیگر مواردی که به‌صورت جدی امنیت در آسیای مرکزی را به ضرر ایران تغییر می‌دهد، حضور بلندمدت ناتو در افغانستان است. این موضوع فعالیت گروه‌های القاعده و طالبان را در تمامی منطقه افزایش و به همان نسبت، گسترش تروریسم و ناامنی را موجب شده است. به این موضوع موافقت‌نامه اخیر همکاری‌های استراتژیک افغانستان و آمریکا را نیز باید افزود. تحولی که وضعیت امنیتی را در انحصار ایالات متحده درمی‌آورد که در این صورت فضای امنیتی برای بازی‌های استراتژیک بیش از پیش در اختیار ایالات متحده قرار می‌گیرد. امری که بی‌تردید برای ایران نامیمون و ناخوشایند است. به این مهم نیز می‌بایست اشاره کنیم که اثرات مخرب عربستان و امارات که با تزریق پول، زمینه افراط‌گرایی مذهبی و سلفی‌گری و در نتیجه ترویج خشونت و تروریسم را باعث می‌شوند، امروزه از افغانستان فراتر رفته و بیشتر کشورهای آسیای مرکزی را دربرمی‌گیرد. در افغانستان عدم وجود دولت مقتدر و مسلط با وجود دولت جدید «محمد اشرف غنی» و وجود مشکلات اقتصادی فراوان، تولید مواد مخدر را از ۲۲۰۰ تن به ۹۰۰۰ تن افزایش داده است. همچنین ترانزیت مواد مخدر و روند مهاجرت به شدت افزایش پیدا کرده است و تمام این مشکلات به ایران به‌عنوان همسایه بزرگ افغانستان سرایت می‌کند که علاوه بر مشکلات اقتصادی، اجتماعی، پیامدهای منفی امنیتی مهمی نیز برای ایران به همراه داشته است.

لذا شکی نیست که ایران با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی خود، می‌تواند به‌عنوان محور

اتحاد امنیتی در آسیای مرکزی نقشی مهم و تأثیرگذار ایفا کند. پیوندهای فرهنگی، مذهبی و تاریخی میان ایران و این کشورها، زمینه‌های همگرایی مناسبی را فراهم آورده است. ایران و کشورهای آسیای مرکزی به اندازه‌ای در همه زمینه‌ها با هم اشتراک و تناسب دارند که بتوان آنها را پیکری واحد قلمداد کرد. درک این باور که امنیت هر یک از کشورها وابسته به امنیت کشورهای دیگر در این منطقه است، می‌تواند به شکل‌گیری نظام امنیتی پایدار در این منطقه بیانجامد.

### ۲-۳. سیستم تابع حوزه خزر

از ابتدای فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، موضوع ترتیبات امنیتی در دریای خزر از مهم‌ترین مسائل و مباحث مربوط به این دریا بوده است. در زمان حیات شوروی، معادلات و ترتیبات مختلف مربوط به این دریا براساس قراردادهای منعقد شده میان این کشور و ایران در سال‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ تنظیم می‌شد. با فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری‌های آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان و در نتیجه افزایش شمار کشورهای ساحلی خزر به پنج کشور، موضوع تدوین رژیم حقوقی جدید دریای خزر به مسئله اصلی این دریا تبدیل شد. در شرایط عدم تعیین رژیم حقوقی جدید دریای خزر روند حل و فصل جنبه‌های مختلف مربوط به این دریا از جمله مسائل امنیتی آن با مشکل مواجه شد. موافقت‌نامه مربوط به همکاری در زمینه امنیت در دریای خزر که در سال ۱۳۸۸ در باکو به امضای رؤسای جمهور پنج کشور ساحلی خزر رسید، مهم‌ترین ابتکار در زمینه توسعه و تقویت همکاری کشورهای ساحلی این دریا در حوزه مسائل امنیتی است. البته این موافقت‌نامه در حوزه «امنیت سخت» که ناظر بر ترتیبات و تمهیدات نظامی و دفاعی است ورودی ندارد. برخی قدرت‌های فرامنطقه‌ای و غربی با توجه به اهمیت خاص این حوزه در صدد برآمدن تا از طریق دخالت در ترتیبات و معادلات آن، زمینه را برای تثبیت حوزه نفوذ خود در منطقه فراهم آورند. به‌ویژه این نگرانی وجود داشت که بر اثر بروز خلأ قدرت ناشی از فروپاشی شوروی، در منطقه زمینه برای دخالت قدرت‌های غربی در



روندهای امنیتی خزر فراهم شود. در سال‌های بعد، نزدیکی برخی از جمهوری‌های تازه استقلال یافته حوزه خزر به غرب و به‌ویژه آمریکا و استقبال از دخالت آنها در امور منطقه - که به شکل‌گیری و اجرای طرح‌هایی چون احداث خط لوله باکو - تفلیس - جیهان انجامید - نگرانی‌ها در مورد ورود بازیگران فرامنطقه‌ای در امور امنیتی خزر را افزایش داد. از همین رو برخی از جمهوری‌های ساحلی دریای خزر (مشخصاً جمهوری آذربایجان) روابط نزدیکی با رژیم صهیونیستی دارند و به‌ویژه دولت الهام علی‌اف سطح همکاری‌های اطلاعاتی خود با این رژیم را در سال‌های اخیر به شدت افزایش داده است که این امر موجب نگرانی جدی ایران است.

تلاش آمریکا برای تضعیف، تخریب و حتی حذف نقش ایران، ارائه تصویری مداخله‌جویانه و تهدیدکننده از ایران به‌ویژه در جریان پرونده هسته‌ای، دامن زدن به اختلافات ایران با کشورهای ساحلی خزر، حمایت گسترده سیاسی و مالی از طرح‌هایی که نقش ایران را نادیده می‌گیرد، به‌صورت خودکار بر روند همگرایی و ایفای نقش ایران تأثیر منفی داشته است. نظر به اینکه از دیدگاه آمریکا، بالقوه‌های جغرافیایی ایران به‌عنوان تنها کشور ارتباط دهنده دو انبار تأمین‌کننده انرژی (خلیج فارس - خزر)، امکان به‌دست آوردن نقش عمده‌ای در ژئوپلیتیک جهانی قرن بیست و یکم را در اختیار ایران قرار می‌دهد؛ لذا از دید مقامات واشنگتن، این امکان باید خنثی شود تا امنیت منطقه‌ای و جهانی مورد تفسیر ایالات متحده حفظ شود (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۲۳۵).

از همین رو حضور نیروهای آمریکایی در پهنه آبی خزر می‌تواند موجب ایجاد تغییراتی برای استراتژی نظامی ایران و نیاز به آموزش و ترتیبات نظامی جدید شود. کاهش ارزش موقعیت ژئوپلیتیکی ایران، بحران‌های زیست‌محیطی، توسعه‌نیافتگی و مسابقات تسلیحاتی و غیره از دیگر تهدیدات حضور آمریکا در خزر است. در سه دوره زمانی فروپاشی شوروی تا سال ۱۹۹۳، از سال ۱۹۹۳ تا سال ۲۰۰۱، و بعد از سال ۲۰۰۱، سمت‌گیری سیاست خارجی آمریکا نیز دچار تغییر و تحول شد. حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و مبارزه با تروریسم، مثلث روسیه، چین و آمریکا را در حوزه خزر به‌وجود آورد که حضور

نظامی آمریکا در منطقه را نیز به دنبال داشت. قرار گرفتن ایران در میان محور شرارت از طرف جرج بوش و حضور نظامی آمریکا در کنار مرزهای شمالی ایران و نیز وجود حداقل پنج منبع جغرافیایی ناامنی، تهدیدات نرم‌افزاری و نظامی جدیدی را برای ایران به همراه آورده است.

اکنون حضور فیزیکی و روانی آمریکا در این منطقه به حدی است که آذربایجان هرگز نتوانسته به‌عنوان بازیگری مستقل ایفای نقش کند. به‌طور نمونه، در سال ۱۹۹۵ شرکت‌های آمریکایی که ۴۰ درصد سهام «قرارداد قرن»<sup>۱</sup> را در اختیار داشتند، با حضور ایران در کنسرسیوم نفت آذربایجان مخالفت نکردند، اما دولت آمریکا با فشارهای خود آنها را مجبور کرد حضور ایران را نپذیرند. به همین جهت ناطق علی‌اف (رئیس شرکت دولتی نفت آذربایجان) در فروردین ۱۳۷۴، مشارکت ایران در کنسرسیوم باکو را به‌دلیل مخالفت شرکت‌های آمریکایی منتفی اعلام کرد (Cordesman and et al., 2013: 84). ایران همچنین به‌طور پیوسته از مشارکت در خطوط لوله‌های انرژی آذربایجان منع شده است. هرچند تهران با «خط لوله گاز ترانس آناتولی»<sup>۲</sup> و بخش شرقی نابوکو مخالفت کرد (و پیشنهاد کرد که به‌جای آن، گاز حوضه خزر از طریق شبکه ایران منتقل شود) اما آذربایجان از «شرکت تجارت بین‌المللی نفتیران» برای مشارکت در میدان گازی و خط لوله شاه‌دینیز دعوت کرد که با توجه به ظرفیت عظیم ایران در این خصوص، چندان مورد رضایت تهران واقع نشد. از آن به بعد، امکان سرمایه‌گذاری ایران در صنعت نفت آذربایجان کاهش یافته و از طرح‌های خط لوله باکو - تفلیس - جیهان، خط لوله ترانس - آناتولی و خط لوله نابوکو کنار گذاشته شده است. امری که با خواست و اراده آمریکا محقق شده است و در نتیجه، یکی از نقاط اصلی همکاری با آذربایجان را محدود کرده است (Mankoff, 2012: 14).

از سویی ایران به‌گونه‌ای مؤثر از سهم ۲۰ درصدی خود دفاع کرده که البته این نوع

---

1. Contract of the Century  
2. Trans-Anatolian Gas Pipeline (TANAP)

تقسیم‌بندی مورد رضایت جمهوری آذربایجان نیست. به‌طور نمونه دو کشور حداقل بر سر مالکیت حوزه نفتی «البرز» که جمهوری آذربایجان نیز آن را «الو» می‌نامد، با یکدیگر اختلاف اساسی دارند (صیدی، ۱۳۸۸: ۷۹). در سطحی کلان‌تر، برخی از تحلیلگران درباره نتایج ژئوپلیتیکی این مسئله برای منطقه بر این باورند که اساساً «ملاحظات ژئوپلیتیکی این مسئله برای ایران و روسیه مهم‌تر از بهره‌برداری از منافع اقتصادی آن است. منابع هیدروکربن این دریا برای آنها نسبتاً کم‌اهمیت‌تر است؛ زیرا روسیه و ایران ذخایر بزرگی خارج از این دریا دارند. لذا نگاه هر دو کشور به دریای خزر نگاهی ژئواستراتژیک است. خصوصاً این دریا برای ایران بیشتر به‌عنوان یک مسئله امنیت ملی مطرح است و نهایتاً فرصتی برای بهره‌برداری از موقعیت ژئوپلیتیکی خود برای تبدیل ایران به رابط دریای خزر به خلیج فارس خواهد بود. بنابراین به تأخیر انداختن هرگونه توافق در مورد چارچوب قانونی دریای خزر اگرچه به نفع تهران نیست؛ اما از طرفی نیز به ایران امکان می‌دهد تا از نفوذ خود در منطقه استفاده کند» (Karbuz, 2010). هرچند صحت ادعای فوق را نمی‌توان با قاطعیت تأیید کرد.

موضوع مهم دیگری که امنیت ایران به‌واسطه دریای خزر تحت تأثیر قرار می‌گیرد، بحث نظامی‌گری در این پهنه دریایی است. طی سال‌های گذشته، هر پنج کشور حاشیه دریای خزر به فکر بازسازی نیروی دریای خود افتاده‌اند. هرچند رقابت نیروهای دریایی در این دریا در دوران شوروی نسبتاً اندک بود (که تا حد زیادی به دلیل قدرت بسیار زیاد ناوگروه شوروی)، اما کشورهای حاشیه دریای خزر از ابزارهایی مثل قایق‌های موشک‌انداز، ناوچه‌ها، مین‌گذاری، نیروهای ویژه و حتی زیردریایی‌ها برای نشان دادن علاقه خود به منابع زیر دریا استفاده کرده‌اند. به جهت اهمیت موضوع، ایران نیز نمی‌تواند در این خصوص بی‌تفاوت عمل کند. به‌طور نمونه ایران در سپتامبر سال ۲۰۱۱ عملیات مین‌گذاری را انجام داد تا هم قصد نظامی خود را در منطقه نشان دهد و هم به مانورهای پیاپی آذربایجان و آمریکا در منطقه عکس‌العمل و پاسخ مناسب ارائه دهد (Kucera, 2012b). براساس برخی از گزارش‌ها، ایران نزدیک به ۱۰۰ قایق موشک‌انداز در اختیار دارد که ادعا می‌شود از این تعداد دو قایق مجهز به موشک‌های ضد کشتی C-802 هستند. ایران همچنین اعلام کرده

است که قصد دارد یک «ناوشکن» (احتمالاً یک رزم‌ناو تغییر یافته) را در دریای خزر مستقر کند و استقرار زیردریایی‌های کوچک خود را در این دریا آغاز کرده است. طبق گزارش‌های موجود، ایران در حال ساخت ناوچه‌ای است که بعد از ناوچه‌های روسی، بزرگ‌ترین کشتی جنگی در دریای خزر است (Binnie, 2012a: 23-24). در این میان، آذربایجان در ایجاد نیروی دریایی کند عمل کرده و توان کمتری دارد، اما موشک‌های ضد کشتی رژیم صهیونیستی را در نزدیکی زیرساخت‌های حساس خود قرار داده است و برای تجهیزات ارتباطی و رادار دریایی خود از آمریکا کمک گرفته است (Binnie, 2012b: 33).

از طرفی نیز، نیروی دریایی آذربایجان دارای هشت کشتی جنگی است (یک ناوچه، یک کشتی گشتی فراساحلی، سه شناور گشتی مجهز به موشک‌های ضد کشتی و سه قایق گشتی) که همه آنها به جز یک قایق گشتی مربوط به دوران شوروی است. باکو با کمک آمریکا یک شبکه رادار ساحلی را برپا کرده و موشک‌های ضد کشتی Gabriel-5 را از رژیم صهیونیستی خریداری کرده است. هرچند بُرد نوع Gabriel-5 نامشخص است، اما بُرد اسمی موشک‌های Gabriel-4 تقریباً ۲۰۰ کیلومتر ارزیابی می‌شود که بُرد زیادی را برای حمله فرضی باکو به پایگاه ایران در بندر انزلی و جایی در نزدیکی ایران فراهم می‌کند (Binnie, 2012a: 24). بنابراین، بحث خزر جدای از اقتصادی و سیاسی بودن آن، بحثی است در حوزه امنیت ملی و همین‌طور تعیین مرزهای حاکمیتی کشور. از همین رو با در نظر گرفتن شرایط مذکور، رژیم حقوقی دریای خزر نیز باید از ترکیب اقتصاد و امنیت پدید آید؛ به گونه‌ای که منافع تمامی کشورهای ساحلی از بعد حاکمیتی و اقتصادی تأمین شود. این امر نه از طریق قراردادهای دو یا چندجانبه، بلکه از طریق توافق میان تمامی کشورهای منطقه، به گونه‌ای که منافع تمامی کشورها در آن لحاظ گردد، امکان‌پذیر خواهد بود.

### ۳-۳. سیستم تابع قفقاز جنوبی

نقطه‌ای در جهان وجود دارد که سه قدرت بزرگ منطقه یعنی روسیه، ترکیه و ایران و

همچنین قدرت‌های فرامنطقه‌ای همچون آمریکا و اروپا در آن با هم تلاقی دارند. آن نقطه قفقاز جنوبی است. «از نظر جغرافیایی، منطقه قفقاز توسط محدوده «کراسنودار»<sup>۱</sup> و «استاوپل»<sup>۲</sup> روسیه در شمال، «رودخانه ارس»<sup>۳</sup> و مرزهای ایران و ترکیه در جنوب و دریای سیاه محصور شده است» (Carig, 2007: 1). پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، سه کشور آذربایجان، ارمنستان و گرجستان در منطقه قفقاز جنوبی موجودیت و ظهور یافتند. در عین حال نیز این قلمرو به مکانی برای شدیدترین منازعات قومی و سیاسی در منطقه تبدیل شد. مناقشات خونین و تداوم مشکلات قومی در قفقاز در کنار اقدامات غیرمسئولانه برخی از قدرت‌ها، این منطقه را مستعد بروز درگیری و منازعه کرد. وجود اختلافات در منطقه و نگرانی‌های امنیتی کشورها موجب شد امکان فعالیت‌های اقتصادی سازنده و تعامل مثبت میان کشورهای منطقه و همسایگان به حداقل برسد و هنوز بسیاری از منازعات به وجود آمده پس از استقلال این کشورها، با گذشت دو دهه حل و فصل نشده‌اند (واعظی، ۱۳۸۸: ۱۱۰-۱۰۲).

اوضاع داخلی قفقاز و روابط خارجی آنها، می‌تواند توازن قدرت را بین کشورهای منطقه تغییر دهد. لذا هرگونه تحولی در روابط و توازن قدرت در منطقه، ابتدا کشورهای همسایه بلافصل از قبیل روسیه، ایران و ترکیه را متأثر می‌کند، سپس این دایره محدود با پیوستن تعدادی از کشورهای دیگر وسیع‌تر می‌شود. وضعیت و شرایطی که قفقاز با آن مواجه است، بسیار متنوع و متعددند. انواع تهدیدهای امنیتی را می‌توان در قوم‌گرایی، اختلافات مرزی، ناسیونالیسم افراطی، جدایی‌طلبی، نابرابری‌ها و مشکلات اقتصادی جست‌وجو کرد. به بیان دیگر، منطقه قفقاز هم به جهت بحران‌های درون‌زاد مانند منازعات قومی و هم به جهت عوامل برون‌زاد که از سوی قدرت‌های ذی‌نفوذ بر منطقه تحمیل می‌شود، همواره با مشکلات امنیتی روبه‌رو بوده است.

نکته دیگری که می‌توان آن را مخرج مشترک همکاری و رقابت بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در تحولات منطقه قفقاز دانست، موضوع انرژی و چگونگی انتقال آن است؛

---

1. Krasnodar  
2. Stavropol  
3. Araxes River

«به‌گونه‌ای که مزیت اصلی ژئوپلیتیک این منطقه، کنترل جریان انتقال منابع نفت و گاز به بازارهای مصرف است» (Buzan and Waver, 2003: 422). این امر موجب شده است که «موضوع امنیت قفقاز به‌عنوان موضوعی منطقه‌ای و جهانی مورد توجه قرار گیرد و بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، استراتژی امنیتی خود را با استراتژی صادرات نفت و خطوط انتقال نفت و گاز گره بزنند» (Russetsky, 2002: 29-36).

ازسوی‌دیگر، علی‌رغم نگاه مثبت ایران به کشورهای قفقاز جنوبی، تنها ایران با ارمنستان رابطه‌ای تنگاتنگ و بدون دغدغه دارد. به‌طور نمونه در زمستان سال ۲۰۰۶ ایران گامی جسورانه در حمایت از گرجستان - در برابر خواست مسکو - برداشت و گاز ایران را به‌عنوان جایگزین، برای کمک به گرجستان روانه این کشور کرد. پس از بحران اوت ۲۰۰۸ (جنگ روسیه و گرجستان) نیز ایران بر حفظ تمامیت ارضی گرجستان تأکید کرد و استقلال اوستیای جنوبی و آبخازیا را مورد شناسایی قرار نداد و در راستای تحکیم روابط، به ابتکار ایران، میان دو کشور رژیم لغو روادید در اواخر سال ۲۰۱۰ عملیاتی شد. با این وجود در سال ۲۰۱۲ و با اعلام رضایت ساکاشویلی در گرجستان درخصوص اجازه استفاده آمریکا و اسرائیل از خاک این کشور علیه ایران در حمله احتمالی نظامی، موجبات نگرانی‌های امنیتی ایران را فراهم آورد. گسترش روند ناتو به شرق اروپا نیز از دیگر مسائل تهدیدکننده امنیت کشور در این قلمرو به‌شمار می‌رود. به این موضوع نیز باید اشاره داشت که ترکیه ظرف ۲ سال گذشته تاکنون و در همسایگی ایران، قفقاز و روسیه، مسیری را آغاز کرده است که می‌تواند در صورت کامیابی، تمام منطقه و از جمله ایران و روسیه را به‌شدت تحت تأثیر قرار دهد. بحث استقرار موشک‌های پاتریوت ناتو در مرزهای مشترک ترکیه با سوریه نیز بر دامنه بحرانی که ترکیه بر آن دامن می‌زند افزوده است.

عملیاتی شدن استقرار موشک‌های پاتریوت در خاک ترکیه و نزدیک ایران و روسیه و به‌دست‌گیری کنترل آن توسط ناتو در دو پایگاه این کشور، نشان از آن دارد که ترک‌ها و ناتو از قبل برای این چیدمان برنامه‌ریزی کرده بودند. درخواست ترکیه از ناتو و موافقت فوری ناتو با این درخواست نشان می‌دهد که فقط استقرار موشک‌های ضد موشک در مرز

سوریه مطرح نیست؛ بلکه به احتمال قوی این مقدمه‌ای برای حضور مستقیم ناتو و ترکیه در تحولات آتی اوراسیاست که نمی‌تواند بی‌ارتباط با ایران و روسیه مورد محاسبه قرار گیرد. این نکته نیز مهم است که برخلاف مسیر تجارت مواد مخدر که تنها مسیری شرقی - غربی بود، منطقه قفقاز جنوبی در مسیر شمال - جنوب، سلاح و تجهیزات را از روسیه، اوکراین و بلاروس در مسیر قفقاز به خاورمیانه منتقل می‌کند. در مسیر شرق به غرب نیز عرضه قاچاق اسلحه از آسیا به اروپا امکان‌پذیر است و در مسیر جنوب به شمال، سلاح‌های کوچک پیشرفته از برخی کشورهای عربی منطقه خاورمیانه (با نقش مهم عربستان و امارات متحده عربی) به مناطق بحرانی نظیر چین منتقل می‌شود. در منطقه قفقاز و به‌ویژه مناطقی که از کنترل دولت‌های مرکزی خارج است، انواع مختلف سلاح در دست مردم دیده می‌شود و هیچ‌گونه تلاش جدی در جهت خلع سلاح مردم صورت نگرفته است. این امر در شرایط بی‌ثباتی و با وقوع یک حادثه ساده می‌تواند به یک فاجعه سیاسی منجر شود.

تنش‌های قومی جنوب قفقاز در ناگورنو قره‌باغ میان ارمنستان و آذربایجان، تنش‌های سرزمینی آبخازیا و اوستیا میان روسیه و گرجستان و اختلافات تاریخی ارمنستان با ترکیه، نمایانگر وجود عوامل ناامنی دیگر در منطقه است. مناقشات قومی به تخریب بسیاری از ساختارهای اقتصادی و صنعتی، رشد و شیوع جرایم سازمان‌یافته و مهم‌تر از همه بی‌ثباتی سیاسی در منطقه منجر شده است. از طرف دیگر، این منازعات عموماً ملی‌گرای قومی را در قالب یک ایدئولوژی ترویج خواهد داد. در حال حاضر، مناقشاتی از قبیل تقابل بین آذربایجان و ارمنستان بر سر منطقه ناگورنو - قره‌باغ، نزاع بین دولت مرکزی گرجستان و مناطق جدایی‌طلب آبخازیا و اوستیای جنوبی همچنان لاینحل باقی مانده‌اند. اگرچه میراث به‌جا مانده از شوروی و ضعف حکومت مرکزی و دخالت قدرت‌های خارجی علل بروز بسیاری از این تنش‌ها و استمرار آنها بوده است، عوامل دیگری همچون فقدان آگاهی مدنی، رشد احساسات قومی در میان اقلیت‌ها و تلاش برای حفظ سلطه، بازخوانی مجدد تاریخ به‌منظور کشف افتخارات قومی و بالاخره رادیکالیسم سیاسی نیز در این میان نقش داشته‌اند. به‌علاوه، در قفقاز عوامل دیگری نیز به تشدید تنش‌های قومی کمک کرده است

که از آن جمله می‌توان به برجستگی هویت قومی در منطقه قفقاز نسبت به دیگر مناطق شوروی سابق، اصرار بر حفظ زبان محلی و تنوع آن در قفقاز در تقابل با روسی کردن زبان منطقه و عدم جابه‌جایی اقوام درون منطقه اشاره کرد.

تفاوت نگرش در خصوص امنیت قفقاز باعث شده تا طرح‌های امنیتی مختلفی از سوی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ارائه شود. وجود مناقشات و ناسامانی‌هایی که اشاره شد، در گذشته باعث شد که اولاً اجماع طرح‌های امنیتی ارائه شده از سوی بازیگران تقریباً غیرممکن باشد و ثانیاً در ارائه تعریف از امنیت منطقه نیز دچار اختلاف بنیادین شوند (حیدری، ۱۳۸۲: ۱۵۴). مدلی که جمهوری اسلامی ایران برای مدیریت بحران‌های داخلی و منطقه‌ای و برقراری امنیت و ثبات در کشورهای حوزه قفقاز جنوبی ارائه داده است، فرمول موسوم به ۳+۳ است که شامل سه کشور قفقاز یعنی (ارمنستان، آذربایجان و گرجستان) و سه قدرت همسایه یعنی (روسیه، ایران و ترکیه) است. البته جمهوری اسلامی ایران با حضور دیگران بعد از ایجاد ترتیبات امنیتی به شرطی که مخرب نباشد و در راستای ایجاد صلح و ثبات در منطقه باشد مخالفتی ندارد (موسوی، ۱۳۸۲: ۷). از دیگر سو، از نظر ایران برقراری صلح و ثبات سیاسی در قفقاز جنوبی تنها در سایه دستیابی به سطح مطلوبی از رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی امکان‌پذیر است و به همین جهت همکاری دوجانبه با این جمهوری‌ها در رأس برنامه‌های سیاست خارجی و امنیتی ایران قرار دارد. علت اتخاذ این رویکرد توسط ایران در این زمینه ماهیت تهدیدات نوینی است که ایفای نقش از سوی بازیگران در زیرساخت‌ها را می‌طلبد. به دلیل ماهیت نوین تهدیدات که در نتیجه ضعف ساختارهای سیاسی و اقتصادی شکل گرفته است، لازم است تلاش‌های بیشتری برای همگرایی با کشورهای چون آذربایجان و گرجستان صورت پذیرد. کشورهایی که امروزه نزدیکی زیادی با محوریت واشنگتن - تل‌آویو دارند.

#### ۴. ملاحظات موجود و روندهای آتی

رویکرد امنیتی ایران در محیط اوراسیا، براساس الگوی امنیت مبتنی بر همکاری و مشارکت



قرار دارد. اما در این میان، در مورد امنیت و منفعت ملی ایران، تحولات و ملاحظاتی وجود دارد که این مهم را با مشکلاتی مواجه می‌کند. موضوع نخست این است که اساساً شکل‌گیری اوراسیای جدید در خزر ظهور و بروز می‌یابد. از همین رو با عنایت به اهمیت ژئوپلیتیک خاص این قلمرو دریایی، در عین برخورداری از فرصت‌های فراوان، چالش‌هایی را نیز پدید خواهد آورد که عمده‌ترین آن، رقابت قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای برای محوریت یافتن بر این منطقه است. یکی دیگر از ویژگی‌های نقشه ژئوپلیتیکی اوراسیا، وجود سه حوزه «مناطق بحرانی»، «مناطق تحت فشار»، و «مناطق ژئواستراتژیک» در کنار یکدیگر است. اوراسیا ترکیبی از این سه حوزه، با سطوح متفاوت است که همین امر می‌تواند فرصت‌ها، تهدیدها و چالش‌های متفاوتی را برای ایران به همراه داشته باشد. در حال حاضر سه دسته بازیگر عمده را می‌توان در منطقه شناسایی کرد: دسته اول ایران، روسیه و ترکیه که به‌عنوان کشورهای محوری سیستم تابع منطقه‌ای قلمداد می‌شوند. دسته دوم آمریکا و اروپا در قالب یک کنسرت که سعی در تکمیل حلقه‌های اوراسیا و تسلط بر محور استراتژیک شرقی - غربی تا ژاپن دارند. در کنار این دو باید سهمی هم برای چین قائل شد که نه تنها به‌صورت انفرادی با کشورهای منطقه وارد تعامل شده است، بلکه آنان را وارد پیمان منطقه‌ای کرده که می‌تواند زمینه‌های نفوذ این کشور در منطقه را بیش از پیش تسهیل کند. این محور تسلط کاملی بر منطقه جنوبی خواهد داشت. دسته سوم کشورهای منطقه‌ای نظیر ازبکستان، قزاقستان، ترکمنستان، قرقیزستان و آذربایجان هستند که در عین بازیگری منطقه‌ای، به‌عنوان کشورهای هدف کنسرت نیز در نظر گرفته می‌شوند.

در عین حال سه حلقه رقابتی در منطقه وجود دارد که بر مبنای منافع گوناگون خود در منطقه با یکدیگر به رقابت پرداخته و در بسیاری از مواقع بخش‌هایی از این حلقه‌های رقابتی در هم ادغام می‌شوند. حلقه اول، روسیه و چین هستند، که در عین محوریت داشتن در پیمان شانگهای، تلاش دارند تا با گسترش نفوذ سیاسی، بر محیط استراتژیک و منابع منطقه مسلط شوند. اما با وجود نزدیکی، دو کشور سیاست‌های متفاوتی را در منطقه به یکدیگر می‌کشند. برخی از آگاهان چینی بر این باورند که گسترش روابط مسکو - پکن

«تاکتیکی» و نه «راهبردی» است و به دوستی مسکو با کشورهای نظیر فیلیپین و ویتنام که با پکن اختلافات ارضی دارند اشاره می‌کند.

در این مورد گفته می‌شود روسیه با تقویت صنعت دفاعی خود، صادرات سلاح‌هایش را در سراسر آسیای جنوب شرقی و خصوصاً کشورهایی که با چین روابط نامطلوبی دارند گسترش داده و در مقابل اختلافات ارضی چین با این کشورها سکوت معناداری پیشه کرده و حتی شرکت‌های انرژی روسیه به انجام معاملات خود برای توسعه منابع نفت و گاز مشغول هستند که ویتنام نمونه بارز آن است که در آب‌های ادعا شده چین به انعقاد قرارداد با بخش انرژی روسیه مبادرت کرده و حتی مسکو اقدام به فروش زیردریایی‌های پیشرفته به نیروی دریایی این کشور کرده است. از سوی دیگر در آسیای مرکزی، قدرت اقتصادی چین، روسیه را به حاشیه رانده است؛ به گونه‌ای که سرمایه‌چینی در کشورهای این منطقه در توسعه جاده‌ها و خطوط انرژی منطقه مؤثر واقع شده و باعث رویکرد کشورهای آسیای مرکزی (به استثنای ازبکستان) به سمت چین شده و لذا بخشی از تلاش مسکو برای کشاندن کشورهای آسیای مرکزی به محور اتحادیه گمرکی روسیه - بلاروس - قزاقستان در چارچوب رقابت با چین ارزیابی می‌شود که ممکن است در بلندمدت ایجاد مشکل کند (موسوی بفرولی، ۱۳۹۲).

دوم، آمریکا در یک سطح و اروپا و نهادهای غربی نظیر ناتو و سازمان و امنیت و همکاری اروپا در سطحی پایین‌تر و در مقابل آن روسیه و چین. سطح سوم بازیگران حاشیه‌ای یا بازیگرانی است که به‌طور سنتی در منطقه حضور یا نفوذ داشته‌اند، نظیر ایران، ترکیه و رژیم صهیونیستی. این سه حلقه در برخی موارد به‌صورت مجزا عمل کرده، و در بسیاری موارد نیز سطوح آن در هم ادغام شده است. خلأ ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی ناشی از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، عملاً روند جهانی شدن این منطقه را سرعت بخشید. به عبارت دیگر توجه کشورهای منطقه از ترتیبات همکاری و امنیت منطقه‌ای به سمت ادغام در روندهای جهانی و به‌ویژه اقتصاد حرکت کرده است. همین امر، یعنی شدت یافتن گسترش لیبرالیسم در منطقه، به معنای روند تکمیلی اوراسیاست. در این شرایط

دو تفکر متفاوت را در سیستم تابع آسیای مرکزی و قفقاز می‌توان مشاهده کرد: یک تفکر رئالیسم پویا، که تا حدودی مبنای فلسفی روابط خارجی روسیه را تشکیل می‌دهد. در چارچوب این تفکر، ضمن آنکه اقتصاد و ادغام در اقتصاد جهانی یک اصل اساسی برای اصلاح ساختار داخلی قلمداد می‌کند، معتقد به آن است که روسیه همچنان ابرقدرت منطقه‌ای و مرکز سیستم تابع منطقه‌ای بوده و تنها از راه حفظ این هژمونی می‌تواند امنیت و منافع خود را تأمین کند. تفکر دیگر پلورالیسم استراتژیک است که توسط کشورهای منطقه دنبال می‌شود و هدف از آن ادغام منطقه در ترتیبات جهانی و خروج از ترتیبات منطقه‌ای است. همکاری گسترده با غرب به‌عنوان وزنه‌ای در برابر تسلط روسیه و همچنین گسترش فعالیت و حضور ایران در منطقه است. بخشی از این سیاست به‌دلیل نگرانی از بازسازی امپراتوری سابق شوروی و نگرانی از ایران به‌دلیل نفوذ فرهنگی، و بخش عمده آن نیز به‌دلیل تأثیر سیاست‌های آمریکا جهت تسلط بر منطقه و منابع انرژی در آن است. آذربایجان در این قالب جای می‌گیرد. بنابراین از یک سو ما با فعال شدن بازیگران در این حوزه مواجه هستیم، و از سوی دیگر با استراتژی‌های جدید آمریکا برای مهار روسیه در مرزهای خود و تبدیل کردن منطقه به حوزه‌ای از منافع این کشور در هر دو بخش انرژی و امنیت. اساساً آمریکا با این توجیه که جهان در قرن بیست و یکم شاهد جدال بر سر دستیابی به منابع انرژی خواهد بود، تلاش گسترده‌ای را علاوه بر تسلط بر منابع انرژی حوزه دریای خزر سازمان‌دهی کرده است.

لذا توجه خاص به سیستم تابع منطقه آسیای مرکزی، خزر و قفقاز به‌عنوان موضوعی در راستای منافع و امنیت ملی ایران قابل توجه است؛ چرا که ایران معتقد است این مناطق باید در آینده اقتصاد، امنیت و ثبات جهانی نقش بسیار مهمی را ایفا کنند. حمایت از کلیه همکاری‌های منطقه‌ای که در راستای ارتقا جایگاه منطقه باشد، راهبردی صحیح خواهد بود. از جمله این موارد می‌توان به حمایت ایران از توسعه و گسترش اکو و یا پیمان شانگهای و تلاش برای ایجاد شرایط دستیابی به نظام امنیت منطقه‌ای اشاره کرد. تقویت پیمان شانگهای می‌تواند عاملی برای خروج آمریکا از منطقه باشد.

با عنایت به وضعیت خاص منطقه‌ای و بین‌المللی، ایران نیازمند آن است که با مجموعه‌های بزرگ‌تر منطقه‌ای و بین‌المللی همکاری کند. بنابراین، عضویت کامل ایران در سازمان همکاری شانگهای می‌تواند در سطح استراتژیک امری مثبت تلقی شود. اخیراً سازمان همکاری شانگهای با چراغ سبز نشان دادن به پذیرش اعضای جدید، نشان داده است که سازمانی در حال توسعه و قادر به ارتقای خود و رد هنجارهای قدیمی است. با قوت گرفتن توافق نهایی هسته‌ای میان ایران و گروه ۵+۱ و همچنین احتمال بهبود روابط ایران با غرب، روسیه به‌طور فعالانه از عضویت ایران حمایت می‌کند، به این خاطر که هم ایران را در جبهه شرق نگه دارد و هم با این اقدام، قدرتمندترین سازمان اوراسیا را تبدیل به مرکز قدرت در سیاست جهانی می‌کند. البته در این صورت، واقع‌بینی حکم می‌کند که در آغاز عضویت، چشم‌انداز این همکاری از نقطه‌نظر ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و یا محدودیت آن مورد توجه جدی قرار گیرد.

این بدان معناست که عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای، فرصت جدیدی را برای فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی در کنار روند امنیت‌سازی منطقه‌ای برای ایران فراهم می‌سازد و متناسب با ارتقای نقش سازمان در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، نقش ایران نیز افزایش خواهد یافت. اما این امر مستلزم پذیرش تصمیمات و موضع‌گیری‌های این سازمان هم خواهد بود. در حال حاضر، هنوز ابهاماتی در مورد اهداف و جهت‌گیری‌های کلان و درازمدت سازمان همکاری شانگهای وجود دارد. توجه به این نکته هم ضروری است که پذیرش عضویت ناظر ایران، هند و پاکستان و تقاضای خروج نیروهای آمریکایی از آسیای مرکزی، از آغاز احتمالی نقش آفرینی بین‌المللی سازمان شانگهای در آینده خبر می‌دهد. این نقش آفرینی در وهله نخست و در آینده قابل پیش‌بینی، مطمئناً ضد آمریکایی نیست، هرچند که می‌تواند غیرآمریکایی باشد. بنابراین به نظر می‌رسد ایران از طریق تقویت و همکاری با این پیمان و پیگیری الگوی امنیت مشترک، می‌تواند تلاش‌های مناسبی را برای ارتقای امنیت خود و تقویت سازوکارهای درون منطقه‌ای بردارد.

از سویی، یکی از محورهای مهم سیاست منطقه‌ای ایران که می‌تواند جزء سیاست‌های

امنیت‌زا برای جمهوری اسلامی ایران محسوب شود، همکاری و مشارکت فعال با روسیه است. برخورد و تعارض منافع و سیاست‌های روسیه با سیاست‌ها و منافع آمریکا و اروپا به واسطه بحران کنونی اوکراین و تحریم‌های اعمالی غرب علیه این کشور از یک سو و موضوع سوریه از دیگر سو و همچنین اختلاف این کشور با ترکیه به جهت همگرایی این کشور با ایالات متحده در این خصوص واجد اهمیت مضاعف است. واکنش ترکیه پس از فروپاشی شوروی و تکوین کشورهای جدید به سمت همگرایی سیاسی و فرهنگی با کشورهای منطقه و به‌ویژه جمهوری آذربایجان بود. از نظر این کشور، تقریباً همه کشورهای جدید در حوزه خزر با ترکیه اشتراکات تاریخی، مذهبی یا زبانی دارند. علاقه ترکیه به گسترش روابط اقتصادی، فرهنگی و علمی با این دولت‌هاست و عده‌ای از نخبگان ترکیه در پی این هستند که ترکیه جانشین روسیه در منطقه شود که این امر با امنیت و منافع روسیه همخوانی ندارد (نظامی‌پور، ۱۳۸۲: ۱۷-۱۶).

لذا به نظر می‌رسد دو کشور ایران و روسیه در خصوص مقابله با تحرکات و اقدامات آمریکا و ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز منافع مشترک دارند و به عبارتی نوعی اتحاد طبیعی میان تهران - مسکو برقرار است. لذا تلاش روسیه برای مقابله با نفوذ ترکیه در منطقه با استراتژی منطقه‌ای ایران نیز همسو و هماهنگ است. تا سال ۱۳۷۵، جمهوری اسلامی ایران نخستین صادرکننده کالا به جمهوری آذربایجان به‌شمار می‌رفت، اما ترکیه از راه تبلیغات دامنه‌دار و هوشمند قادر شد با متهم ساختن ایران به همکاری با ارامنه، افکار عمومی را در آذربایجان و نخجوان تحت تأثیر قرار دهد و از دامنه نفوذ ایران بکاهد. همچنین یکی دیگر از تهدیدهای موجود علیه ایران، تحرکات رژیم صهیونیستی در منطقه آسیای مرکزی (ازبکستان) و قفقاز (آذربایجان) است. رژیم صهیونیستی به موازات فعالیت‌های عمرانی و کشاورزی در طرحی با نام «موشاو» در آذربایجان، و تحت پوشش این فعالیت‌ها اقدام به فعالیت‌های اطلاعاتی در مناطق جنوبی آذربایجان نزدیک به مرز ایران می‌کند. گفته می‌شود این رژیم با ایجاد مزارع کشاورزی و مکانیزه در کنار مرز ایران مانند شهرهای لنکران، ماسالی و در مناطق شرور و بابک در جمهوری نخجوان، اقدام به

نصب دستگاه‌های شنود کرده است که امکان شنود خطوط تلفن همراه ایران و ارتباطات بی‌سیم یگان‌های نظامی را برای این کشور میسر می‌کند؛ اما باکو این ادعاها را رد می‌کند. در این میان تسلط رژیم صهیونیستی بر یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین سیستم‌های ارتباطی آذربایجان یعنی اپراتور دوم تلفن همراه این کشور که توسط شرکت رژیم صهیونیستی «باکسل» اداره می‌شود، زمینه فعالیت این رژیم را آسان‌تر کرده است (سلیمانی، ۱۳۹۰: ۵). اما جدیدترین عامل محرک در رابطه ایران و آذربایجان که باعث چاپ مقاله معروفی به قلم «مارک پری» در مجله فارین پالیسی شد، بر این اساس بود که به گفته وی «احتمال دارد اسرائیل از پایگاه‌های نظامی آذربایجان برای حمله به ایران استفاده کند» (Perry, 2012). برخی از تحلیلگران غربی نیز بر این گمانه‌زنی اصرار دارند که رژیم صهیونیستی از این پایگاه‌ها برای فرود هواپیماها پس از وقوع جنگ با ایران، انجام مأموریت‌های سوخت‌گیری مجدد در حین پرواز یا شروع مأموریت‌های شناسایی برای تحلیل‌های پیش و پس از حمله علیه ایران استفاده خواهد کرد (Grove, 2012). «اما تمام این گزارشات بر مبنای حدس و گمان است و آذربایجان این موضوع را که قصد دارد به نوعی از حمله اسرائیل پشتیبانی کند آشکارا رد کرده است» (Gurbanova, 2012).

با وجود این، ارتباطات رژیم صهیونیستی با آذربایجان در سال ۲۰۱۲ در سایر حوزه‌ها تقویت شده است و گزارش‌های موجود نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی ۱/۶ میلیارد دلار اسلحه به آذربایجان فروخته است (پورا احمدی و رضائی، ۱۳۹۲: ۱۷۹). این قرارداد شامل انتقال برنامه‌ریزی شده پهپادها از نوع «هرون»، سیستم دفاع ضد موشکی و موشک‌های ضد هوایی و ضد کشتی است (Associated Press, 2012). همچنین، اسناد منتشر شده «ویکی‌لیکس» نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی حداقل شش سال است که از خاک آذربایجان علیه ایران تجسس می‌کرده است. بر این اساس، روسیه نیز از برخی جهات، نگاهی تعارض‌آمیز به فعالیت‌ها، تحرکات و مواضع رژیم صهیونیستی دارد. در نتیجه منافع و امنیت ایران و روسیه در منطقه، به‌ویژه با روی کار آمدن دولت جدید در ایران از ابعاد گوناگونی به هم گره خورده است که اتخاذ جهت‌گیری‌های مشترک از سوی

این دو کشور را ضروری می‌سازد و در این میان، مسکو اشتیاق بیشتری برای همگرایی با تهران از خود نشان داده است. لذا با توجه به وسعت چالش‌ها و تعارضات امنیتی در منطقه وسیع اوراسیا و تأثیرگذاری عوامل گوناگون در ناامنی‌ها و بی‌ثباتی در منطقه، امنیت‌سازی در چارچوب الگوی امنیتی مبتنی بر همکاری و مشارکت، مستلزم فرایندی تدریجی و افزایش نقش مثبت در بازیگری منطقه‌ای و بین‌المللی است. امری که احتمال دارد بعد از توافق هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ تقویت شود.

### ۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

منطقه را می‌توان عرصه تحلیل‌های خود قرار داد، اما ضرورتاً باید آن را در اغلب موارد، عرصه یا بستر تقابلات و تعاملات ابرقدرت‌ها با قدرت‌های منطقه‌ای در نظر گرفت؛ و نه الزاماً عاملی مستقیم در پویش‌های بین‌المللی. از این رو نگاه فی‌ذاته و عینیت‌گرایانه به مناطق، هر قدر که این مناطق عرصه تحولات مهم باشند، از عقلانیت چندانی بهره‌مند نیستند. اگر به تحلیل‌های منطقه‌گرایانه بنگریم و آنها را مورد مطالعه قرار دهیم، درمی‌یابیم که این تحلیل‌ها در ابتدا، معنا، اولویت و واقعیات قابل‌ذکری را از منطقه نمایش نمی‌دهند، اما در انتها، ضرورت مطالعاتی و اهمیت خود را اثبات می‌کنند. در واقع آنچه که اثبات می‌شود، اهمیت بسترها و مفعولی منطقه است و نه چندان عاملیت آن. لذا منطقه را باید در انتهای پویش‌های سیاسی و بین‌المللی دید، نه در ابتدای آن، و دیگر اینکه، پویش‌های منطقه‌ای به‌عنوان «منطقه‌ای» اهمیت چندانی ندارند، مگر آنکه از طریق دولت‌ها و کارگزاران مؤثر دیگر به تصور درآیند. امنیت مشترک، مقوله‌ای است که می‌تواند محور ایجاد چارچوب‌های جدید برای همکاری‌های منطقه‌ای در اوراسیا باشد. ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای با توجه به اشتراکات تاریخی و فرهنگی‌اش با کشورها و ملت‌های منطقه اوراسیا، تأثیر ویژه در منطقه اوراسیا و موقعیت ترانزیتی برتر، می‌تواند نقش قابل‌توجهی در تحکیم همکاری‌های منطقه‌ای به‌ویژه تأمین امنیت در اوراسیا ایفا کند.

به‌لحاظ تاریخی، ایران، ترکیه و روسیه بیشترین نفوذ را در آسیای مرکزی، خزر و منطقه

قفقاز داشته‌اند. بنابراین، عجیب نیست که این سه کشور در اولین دهه عصر پسا - شوروی در نقش کنشگران اصلی این منطقه ظاهر شدند. در این میان، حضور فزاینده آمریکا در منطقه و ماهیت همکاری‌ها و رقابت‌های ایران با روسیه و ترکیه هم محاسبات ژئوپلیتیک ایران را تغییر داده‌اند. ایران، به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای در حال ظهور از سیاست‌های هویت‌محور و ارزش‌های مشترک فرهنگی و مذهبی هم برای تحکیم روابط خود با کشورهای اوراسیای مرکزی بهره می‌گیرد. از همین رو، جایگاه و نقش مهم و مؤثر ایران، موجبات عضویت ناظر در سازمان همکاری شانگهای را فراهم کرد. ایران می‌تواند نقش‌های مهمی را در فرایندهای امنیتی در سطوح منطقه‌ای و حتی جهانی که پیش‌تر تنها در حوزه فعالیت‌های قدرت‌های بزرگ قرار داشت، ایفا کند.

به لحاظ امنیتی، شرایط به‌گونه‌ای است که ایران به‌طور هم‌زمان با تهدیدات و فرصت‌های امنیتی در مناطق سه‌گانه روبه‌رو است. برخی از تهدیدات، مانند ترانزیت مواد مخدر، قاچاق کالا و مهاجرت غیرقانونی از جمله تهدیدات مشترک ایران و کشورهای منطقه به حساب می‌آید که ایران می‌تواند با تقویت مکانیزم‌های دوجانبه و نیز چندجانبه در چارچوب سازمان همکاری شانگهای به دفع و کنترل این تهدیدات بپردازد. اما تنها یک نکته باقی است که آیا پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای منزلت امنیتی ایران را ارتقا می‌دهد؟ پاسخ آن است که بی‌شک هرگونه فعالیت همگرایانه با کشورهای مستقل به وضعیت بهتری برای ایران می‌انجامد، اما نگرانی‌های امنیتی ایران کمتر از نقاطی است که در چتر سازمان شانگهای قرار می‌گیرد. به‌جز تهدید افراط‌گرایی اسلامی از نوع طالبان، القاعده و فعالیت سازمان‌هایی مانند حزب التحریر در آسیای مرکزی که شانگهای می‌تواند در کنترل و یا محدودسازی آنان نقش ایفا کند، نگرانی‌های جدید ایران در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز به پدیده رو به رشد داعش هم برمی‌گردد. اما واقعیت این است که در برخی از حوزه‌ها مانند تروریسم، افراط‌گرایی مذهبی، به‌ویژه بر سر تعریف مصادیق آن و نیز حضور نیروهای فرمانطقه‌ای، اتفاق نظر وجود ندارد. در این رابطه، ایران می‌تواند ضمن گسترش گفت‌وگوهای امنیتی با مقامات سیاسی و نظامی کشورهای واقع در این مناطق و نیز سازمان



همکاری شانگهای در راستای هرچه نزدیک شدن دیدگاه‌های طرفین در حوزه‌های مختلف امنیتی، به‌ویژه تعیین مصادیق تهدیدات امنیتی کوشش کند. اما درعین حال، ایران باید با نگاهی واقع‌بینانه به تحولات سازمان همکاری شانگهای بنگرد و برخی جهت‌گیری‌های این سازمان به محوریت چین و روسیه را به‌عنوان ماهیت ضد امپریالیستی و کاملاً ضد آمریکایی این سازمان تعبیر نکند. درواقع، ایران می‌تواند در راستای دکترین دفاعی خود و با توجه به اهداف سیاست خارجی تعیین شده از ظرفیت عادی و واقعی این سازمان بهره‌گیرد؛ بی‌آنکه مستلزم صرف هزینه‌ها و تعهداتی غیرواقع‌بینانه شود.

از طرفی ایران در چارچوب دیدگاه امنیتی خود معتقد است که هرگونه تلاش برای نظامی کردن منطقه، ایجاد بلوک‌بندی‌های نظامی و زمینه‌سازی برای دخالت دیگر بازیگران، نمی‌تواند امنیت پایدار ایجاد کند و امنیت منطقه اوراسیا باید توسط کشورهای منطقه برقرار شود. بنابراین از نظر جمهوری اسلامی ایران، یک فرمول اصولی و اطمینان‌بخش که مبنای تفاهم مشترک و متقابل همه کشورهای منطقه باشد، می‌تواند متضمن تأمین امنیت شود و هرگونه ترتیبات امنیتی که یک یا چند کشور را کنار بگذارد نه تنها کامل نیست، بلکه کشورهای غایب می‌توانند خود به‌صورت منبع ناامنی در منطقه ظهور کنند.

## منابع و مأخذ

۱. احمدزاده، شهرام (۱۳۹۰). «نفوذ صهیونیست‌ها به اوراسیا: تداوم راهبرد بن‌گورین»، نسیم قدس، ش ۱۵.
۲. اسنایدر کریگ ای. (۱۳۸۰). «ساختارهای امنیت منطقه‌ای»، ترجمه محمود عسگری، فصلنامه راهبرد، ش ۲.
۳. امیراحمدی، هوشنگ (۱۳۷۲). «سیاست خارجی منطقه‌ای ایران»، اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۷۴-۷۳.
۴. پوراحمدی، حسین و مسعود رضائی (۱۳۹۲). «ارزیابی و تبیین ابعاد حمله نظامی احتمالی به جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال یازدهم، ش ۴۳.
۵. حیدری، جواد (۱۳۸۲). «بررسی ابعاد نظام امنیتی در منطقه قفقاز»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۴۲.
۶. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۱). «نواقح گرای و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و ششم، ش ۱.
۷. سلیمانی، افشار (۱۳۹۰). «نگاهی به روابط جمهوری آذربایجان با اسرائیل»، گفت‌وگو در: مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.
۸. صیدی، مظفر (۱۳۸۸). «عوامل ژئوپلیتیک جمهوری آذربایجان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۶۵.
۹. عطایی، فرهاد و اعظم شیبانی (۱۳۹۰). «زمینه‌های همکاری و رقابت ایران و روسیه در آسیای مرکزی در چارچوب ژئوپلیتیک»، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال چهارم، ش ۸.
۱۰. لطفیان، سعیده (۱۳۸۷). «ایران و خاورمیانه: انتخاب‌های دشوار و موضوعیت واقع‌گرایی»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۸، ش ۳.
۱۱. متقی، ابراهیم (۱۳۸۵). «کارکردگرایی امنیتی و تحول در ساختار ملل متحد بعد از جنگ سرد»، ماهنامه زمانه، سال پنجم، ش ۴۹.
۱۲. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران، انتشارت سمت.
۱۳. مسعودنیا، حسین و سیدداوود معصومی (۱۳۸۷). «بنیادگرایی در آسیای مرکزی؛ تداوم تقابل هویت‌ها»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال هفدهم، ش ۶۴.
۱۴. موسوی، سیدرسول (۱۳۸۲). «سازوکارهای امنیتی در قفقاز»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۴۲.
۱۵. موسوی بفرولی، سیدعبدالرضا (۱۳۹۲). «مانور "دریای مشترک ۲۰۱۳" روسیه و چین؛ گامی در جهت مقابله با سیاست‌های واشنگتن در شرق آسیا»، مؤسسه ایراس.
۱۶. نظامی‌پور، قدیر (۱۳۸۲). «آثار سیاست‌های منطقه‌ای روسیه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال دهم، ش ۳.

۱۷. واعظی، محمود (۱۳۸۵). «ترتیبات امنیتی خلیج فارس»، فصلنامه راهبردی، مرکز تحقیقات استراتژیک، ش ۴۰.

۱۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). میانجیگری در آسیای مرکزی و قفقاز: تجربه جمهوری اسلامی ایران، تهران، وزارت امور خارجه.

19. *Associated Press* (2012). "Israel Signs \$1.6 Billion Arms Deal with Azerbaijan", February 26.
20. Balci, Bayram (2014). "Turkey's Religious Outreach in Central Asia and the Caucasus", *Hudson Institute*, January 27.
21. Binnie, Jeremy (2012a). "Analysis: Iran Threatens to Deploy Subs to the Caspian", *Jane's Defence Weekly*, June 22.
22. Binnie, Jeremy (2012b). "All at Sea-Iran Threatens Military Moves into the Caspian", *Jane's Defence Weekly*, September 24, <https://janes-ihscom>.
23. Buzan, Barry and Ole Waver (2003). *Regions and Powers: The Structure of International Security*, New York, Cambridge University Press.
24. Carig, Nation, R. (2007). "Russia, the United States and the Caucasus", *Strategic Studies Institute (SSI)*, U.S. Army War College.
25. Cichock, Mark (2003). *Russia and Eurasia Politics*, London, Langman.
26. Cordesman, Anthony H., Bryan Gold, Robert Shelala and Michael Gibbs, (2013). "U.S. and Iranian Strategic Competition Turkey and the South Caucasus", *Center for Strategic and International Studies*, January 12.
27. Daly, John C. K. (2014). "After Ukraine, Russia Beefs Up Military in Armenia and Kyrgyzstan", *Silkroad Reporters*, October 24.
28. Ehteshami, Anoushirvan (2004). "Iran's International Posture after the Fall of Baghdad", *The Middle East Journal*, Washington, Vol. 58, No. 2.
29. Grove, Thomas (2012). "Azerbaijan Eyes Aiding Israel against Iran", *Reuters*, <http://www.reuters.com/article/2012/09/30/us-iran-israel-azerbaijan-idUSBRE88T05L20120930>.
30. Gurbanova, Nargiz (2012). "Azerbaijan is Not Israel's Secret Staging Ground", *Foreign Policy*, April 2.
31. Hinsley, F. H. (1967). *Power and the Pursuit of Peace*, Cambridge, Cambridge University Press.
32. Haganami, H. (1978). "A Note on the origin of the word International", *British Journal of International studies*, No. 4.
33. Jones, Seth G. (2014). *A Persistent Threat: The Evolution of al Qaeda and Other Salafi Jihadists*, Rand Corporation.
34. Kaplan, Robert D. (2012). "Geography Strikes Back", *The Wall Street Journal*, September 7.
35. Karbuz, Sohbet (2010). "The Caspian's Unsettled Legal Framework: Energy Security Implications", *Journal of Energy Security*, May 18.

36. Kraig, Michael (2004). "Assesing Alternative Security Frameworks for the Persian Gulf", *Middle East Policy Council*, Vol. 1.
37. Kucera, Joshua (2012b). "Iran Practices Laying Mines in Caspian", <http://www.eurasianet.org/node/65937>.
38. Kucera, Joshua (2012a). "The Great Caspian Arms Race", *Foreign Policy*.
39. Mankoff, Jeffrey (2012). "*The Big Caucasus: Between Fragmentation and Integration*", March, [http://csis.org/files/publication/120326\\_Mankoff\\_BigCaucasus\\_Web.pdf](http://csis.org/files/publication/120326_Mankoff_BigCaucasus_Web.pdf).
40. Perry, Mark (2012). "Israel's Secret Staging Ground", *Foreign Policy*, March 28, 2012. [http://www.foreignpolicy.com/articles/2012/03/28/israel\\_s\\_secret\\_staging\\_ground? page=full](http://www.foreignpolicy.com/articles/2012/03/28/israel_s_secret_staging_ground? page=full).
41. Russetsky, Alexander (2002). "Regional Security Issues View from Georgia", *Conflict Studies Research Centre*, No. 39.
42. Shelala, Robert M., Nori Kasting and Anthony H. Cordesman (2013). "US and Iranian Strategic Competition: The Impact of Afghanistan, Pakistan, India and Central Asia", *Center for Strategic and International Studies (CSIS)*, June 26.

# ارائه الگوی بهینه تصمیم‌گیری مبتنی بر مدل اجتماعی تصمیم‌گیری در سازمان‌های دولتی

فاطمه طاهری یخفروزانی،\* نادر بهلولی زیناب،\*\* بهرام سرمست\*\*\*

تاریخ پذیرش ۱۳۹۴/۳/۲۵

تاریخ دریافت ۱۳۹۳/۲/۸

در قرن بیست و یکم انسان به قرن دگرگونی‌های فزاینده گام می‌نهد و با مسائل پیچیده‌تر و مشکل‌تری روبه‌رو خواهد شد. برای رویارویی با قرن جدید، نیاز به تصمیم‌ها و خط‌مشی‌های پیچیده و جدید است و اگر نظام سیاستگذاری نتواند خود را با پیچیدگی‌ها و تغییرهای زمان هماهنگ کند، چیزی جز زیان نصیب ما نخواهد شد. بر این اساس، هدف کلی تحقیق حاضر ارائه الگوی بهینه تصمیم‌گیری مبتنی بر مدل اجتماعی تصمیم‌گیری در سازمان‌های دولتی است. مسئله پژوهش این است که مشارکت ذی‌نفعان در تصمیم‌گیری، چارچوب ارزشی حاکم، توجه به آثار و علل به‌وجود آمدن مسئله و طی کامل مراحل فرایند تصمیم‌گیری، بر مبنای مدل اجتماعی چه اثراتی در تصمیم‌گیری مدیران دولتی می‌تواند داشته باشد.

**کلیدواژه‌ها: تصمیم‌گیری؛ مدل اجتماعی؛ فرایند تصمیم‌گیری؛ تصمیم‌سازان**

---

\* کارشناس ارشد مدیریت اجرایی دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب (نویسنده مسئول)؛

E-mail: f.taheri.y@gmail.com

E-mail: na.bohlooli@gmail.com

\*\* استادیار دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب؛

\*\*\* استادیار دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب؛

E-mail: bahram.sarmast@gmail.com

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و دوم، شماره هشتاد و دو، تابستان ۱۳۹۴

### مقدمه

درحالی که همه ما در زندگی تصمیم می‌گیریم، اما همه در تصمیم‌گیری‌هایمان موفق نیستیم. آنچه مسلم است عوامل زیادی بر توانایی تصمیم‌گیری ما اثر می‌گذارد. تحقیقاتی که در زمینه تصمیم‌گیری انجام یافته است، نشان می‌دهد که عامل اصلی مؤثر بر یک تصمیم‌گیری صحیح مربوط به روش‌هایی است که فرد در ارزیابی گزینه‌های موجود اتخاذ می‌کند (پیت<sup>۱</sup>، ۱۹۸۷: ۱۴۲).

در جهان پیچیده، افراد مجبورند از عهده مسائلی برآیند که فراتر از منابع تحت اختیار آنهاست. در چنین شرایطی چیزی که به آن نیاز دارند، شیوه پیچیده تفکر نیست، بلکه چارچوبی است که افراد را قادر سازد به مسائل پیچیده به شیوه‌ای ساده بیاندهند. پیچیدگی شرایط محیطی و تعدد و تنوع عوامل تأثیرگذار داخلی و خارجی در حوزه‌های تصمیم‌گیری، شرایطی بغرنج و توأم با عدم اطمینان فراهم آورده است که تصمیم‌گیرنده را با ریسک و ترس از اتخاذ تصمیم نادرست مواجه می‌سازد.

تصمیم‌سازی تحت شرایط ریسک و عدم اطمینان، یکی از مهم‌ترین وظایف مدیر است ولی اغلب در مواقع تصمیم‌سازی با کمبود اطلاعات و زمان مواجه هست، تصمیماتی که مدیران می‌گیرند می‌تواند موجب رشد، رونق یا ورشکستگی شرکت شود. معمولاً تصمیم باید در شرایطی گرفته شود که عوامل پیوسته در حال تغییرند، اطلاعات چندان روشن نیست و دیدگاه‌ها متناقض هستند مدیران باید پیوسته درصدد راه‌های تازه برآیند و چاره‌ای بیاندیشند در بعضی مواقع تأخیر در تصمیم‌گیری خطر بیشتری از ریسک اولیه دارد (دفت<sup>۲</sup>، ۱۳۸۹: ۴۲۲).

آشنایی مدیران با فرایندهای خط‌مشی‌گذاری و مهارت در استفاده از آنها ضرورت ذاتی مدیریت در عصر حاضر است و بر این اساس لازم است مدیران علاوه بر مهارت و آگاهی در زمینه‌های فنی و انسانی و عملیاتی از ساختار سیاسی و اجتماعی خط‌مشی‌های عمومی

---

1. Larry Pate  
2. Richard L. Daft

دولت (که اصول کلی آن نشئت گرفته از جهان‌بینی و ارزش‌های حاکم بر جامعه است) و از الگوی عملکردها و اقدامات در جامعه و نیز ابزارهای تعیین آنها آگاه باشند. پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک و پیچیدگی‌های دنیای امروز سبب شده است که دخالت دولت‌ها در امور جامعه و سازمان‌ها از طریق خط‌مشی‌ها و سیاستگذاری‌های مستقیم و غیرمستقیم به شدت گسترش یابد. از آنجا که خط‌مشی‌ها نقش‌هایی چون هماهنگ‌کنندگی، راهنمای عمل، ارزیابی و کنترل و شفاف ساختن قوانین و مقررات دارند، علم و آگاهی مدیران در این زمینه می‌تواند موجبات حیات و بقای سازمان‌ها را در صحنه پرقاب‌ت داخلی و بین‌المللی کنونی فراهم کند. سازمان‌ها و جوامع دائماً در حال رقابت و تغییر و تحول هستند و رهبران به‌خوبی واقف‌اند که رمز بقا و پیشرفت جامعه یا سازمان در هماهنگی با محیط و انتقال از موقعیت‌های موجود به موقعیت‌های مطلوب است و در این راستا وظیفه خط‌مشی تبیین اصول اساسی و لازم برای اقدامات و حرکت‌های برنامه‌ای به‌منظور گذار از مراحل و موقعیت‌های موجود است (تسلیمی، ۱۳۷۸: ۴).

### ۱. اهمیت و ضرورت تحقیق

با تغییرات، دگرگونی‌ها و تحولات چشمگیری که در محیط انواع سازمان‌ها از جمله سازمان‌های دولتی صورت گرفته بقا آنها را با چالش جدی مواجه ساخته به‌نحوی که ادامه حرکت در مسیر رویکردهای کنونی در اداره سازمان‌ها غیرممکن به‌نظر می‌رسد. به‌منظور تفوق بر این چالش‌ها نیاز به تحول و تغییرات اساسی در ساختار تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری سازمان‌ها به‌دلیل پاسخگو نبودن آنها به امری ضروری و حیاتی مبدل شده است. بر همین اساس، سازمان‌ها بایستی در تدوین و طراحی خط‌مشی عمومی، به دنبال یک روش تصمیم‌گیری جایگزین به جای روش‌های سنتی حاکم حداقل در برخی از سیاستگذاری‌ها باشند (الوانی، ۱۳۷۶: ۴).

در تحقیق حاضر برای ارائه الگوی بهینه تصمیم‌گیری مدیران، پس از بررسی و مطالعه کتب و مقالات و کسب نظر کارشناسان امر، مدل اجتماعی در خط‌مشی‌گذاری و تصمیم‌گیری

را مبنا قرار داده و همچنین برای احصای مدل از مقاله «بررسی الگوی سه نوع تصمیم‌گیری حضرت امام خمینی (ره) با استفاده از مدل تصمیم‌گیری حکیمانه - رویکرد فازی» به‌عنوان چارچوب نظری استفاده شده است.

بهبود مهارت‌های تصمیم‌گیری به معنای آن است که هر فرد باید تفاوت‌های میان گزینه‌های تصمیم‌گیری را افزایش دهد. علت آنکه در سال‌های اخیر به تصمیم‌گیری مشارکتی پرداخته می‌شود آن است که مردم بیشتر از تصمیماتی که خود در ساختن آن دخیل بوده‌اند حمایت می‌کنند. هدف از مشارکت عمومی آگاهی مردم از تصمیم‌ها و لحاظ کردن نظرات مردم پیش از اتخاذ تصمیم‌های نهایی است. تصمیم‌گیرندگان و خط‌مشی‌گذاران می‌توانند با استفاده از این مدل تصمیم‌گیری با سنجش شرایط و موقعیت‌های تصمیم‌گیری به بهترین نتیجه دست یابند.

## ۲. ادبیات تحقیق

### ۲-۱. فرایند تصمیم‌گیری

مطالعه فرایندهای تصمیم‌گیری بحث تازه‌ای به‌شمار نمی‌آید. طی سال‌های اخیر تحقیقات متعددی در رشته‌ها و حوزه‌های مختلف درباره مقوله تصمیم‌گیری انجام گرفته است که در نتیجه آن تاکنون طبقه‌بندی‌های متعددی در رابطه با سبک‌ها و مدل‌های تصمیم‌گیری توسط صاحب‌نظران ارائه شده است (اولیویرا،<sup>۱</sup> ۲۰۰۷: ۱۲).

هرکدام از این طبقه‌بندی‌ها با توجه به این که کدام دسته از عوامل فردی، سازمانی و محیطی را بر نحوه واکنش و رفتار افراد در هنگام مواجهه با شرایط تصمیم‌گیری دخیل می‌دانند با یکدیگر متفاوت می‌باشند (چارلز<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۳: ۱۰۷).

واقعیت آن است که تصمیم‌گیری یک حادثه یا واقعه و یا پیشامد نیست. یک فرایند است که در یک هفته، یک ماه و یا یک سال آشکار می‌شود. تصمیم‌گیری مملو از نگرانی درباره بازیگران قدرت و سیاست است و مملو از تفاوت‌های ظریف شخصی و تاریخ و سابقه نهادی و سازمانی است. تصمیم‌گیری با بحث و مذاکره قرین بوده و نیازمند پشتیبانی

---

1. Arnaldo Oliveira  
2. Tatum Charles B.



همه سطوح سازمانی برای اجراست (گاروین<sup>۱</sup> و میشل<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱: ۱۱۰).

کونتز در این رابطه معتقد است وجود طرح، برنامه، سیاست و خط‌مشی منوط به وجود تصمیم‌گیری است. او همچنین عقیده دارد که مدیر معمولاً وظیفه اصلی خود را تصمیم‌گیری می‌داند، زیرا همیشه باید به این فکر باشد که چه راهی را برگزیند، چه کاری انجام دهد، وظایف را چگونه بین افراد تقسیم کند و این که چه کاری را، چه کسی، در چه موقع، کجا و چگونه انجام دهد (کونتز<sup>۳</sup> و ویریچ<sup>۴</sup>، ۱۹۹۸: ۱۳۵).

تصمیم‌گیری بخش اساسی مدیریت مدرن (جدید) است. یک مدیر دولتی یا بخش خصوصی به‌طور مستمر در معرض شرایطی است که ناگزیر از اتخاذ تصمیم و گزینش از میان انواع راهکارها برای اداره امور جامعه یا یک مؤسسه است. روزانه صدها و هزاران تصمیم به‌وسیله کارگزاران دولتی گرفته می‌شود که با سرنوشت زندگی ما سر و کار دارد (کاظمی، ۱۳۷۹: ۸۶). در واقع تصمیم‌گیری و مدیریت را می‌توان مترادف دانست، زیرا تصمیم‌گیری جزء اصلی مدیریت است. به همین دلیل شناخت فراگرد اتخاذ تصمیم اهمیت بسیار دارد (رضائیان، ۱۳۸۸: ۱۳۴).

کلیه وظایف مدیریت در قالب نوعی تصمیم برای حل مشکل از قوه به فعل درمی‌آید و در این مرحله است که دانش مدیریت به‌صورت فن ظاهر می‌شود (قلی‌پور، ۱۳۸۷: ۱). برای نیل به هدف، تصمیم‌گیری لازم است و تصمیم‌گیرنده باید از میان استراتژی‌های موجود یکی را انتخاب کند و به کار گیرد. کیفیت و ماهیت این استراتژی، ماهیت عوامل محیطی خارج از کنترل سازمان و قدرت رقبا و ماهیت و شدت رقابت آنها با سازمان از جمله عواملی است که موفقیت و یا عدم موفقیت تصمیم‌گیرنده در نیل به هدف بستگی به آن دارد (سعادت، ۱۳۷۲: ۱۵).

دانیل گریفث (۱۹۹۵) تصمیم‌گیری را قلب مدیریت تلقی می‌کند و معتقد است که

---

1. David A. Garvin  
2. Roberto Michael  
3. Harold Koontz  
4. Heinz Weirich

تمام کارکردهای مدیریت را می‌توان برحسب فراگرد تصمیم‌گیری تشریح کرد. تخصیص منابع، شبکه ارتباطی، روابط رسمی و غیررسمی و تحقق هدف‌های سازمان به‌وسیله مکانیزم‌های تصمیم‌گیری کنترل می‌شوند. از این‌رو، تصمیم‌گیری به منزله کلید فهم پیچیدگی‌های سازمان و عملکردهای مدیریت است. در مدیریت اساس اقدامات و شکل‌گیری فعل و انفعالات تصمیمات است و به تعبیری همه اقدامات آمیخته با تصمیم‌گیری است. جوهره مدیریت تصمیم‌گیری است و جوهره تصمیم‌گیری اراده انسانی است (تسلیمی، ۱۳۷۸: ۳).

## ۲-۲. مدل‌ها

از میان ابزارهای مفهومی که برای تحلیل‌گران سیاست رایج‌تر و مفیدتر است می‌توان از مدل‌ها و گونه‌شناسی آنها نام برد. این نوع مفاهیم ذهنی کمک می‌کند تا مفهوم شکل‌گیری و اجرای سیاست بهتر درک شود. بنابه نظر توماس دای<sup>۱</sup>: یک مدل «یک نمونه ساده شده از ابعاد دنیای واقعی است». ضرورتاً یک مدل ما را با الگو یا نمایش تصویری یک بعد از فرایند سیاست‌گذاری آشنا می‌سازد (قلی‌پور و غلام‌پور آهنگر، ۱۳۸۹: ۸۲).

مدل‌ها برداشت‌هایی انتزاعی از دنیای واقعیات هستند. مدل، بازسازی و تلخیصی از واقعیت است که با دربرداشتن ویژگی‌های اصلی آن، شناخت ما از واقعیت مورد نظر را تسهیل می‌کند. در تعریفی دیگر مدل یک چارچوب مفهومی ایستا یا پویا قلمداد شده که می‌تواند ما را در تشریح، پیش‌بینی، تجویز و بازسازی واقعیت یاری دهد (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۷).

مدل‌ها با ارائه چارچوب تحلیلی، درک بهتر عوامل محیطی را فراهم کرده، زمینه‌ساز و تسهیل‌گر شرایط بررسی بیشتر و تحلیل واقع‌بینانه‌تر خط‌مشی‌گذاری می‌شود. مدل‌ها توان فرضیه‌پردازی و بررسی‌های علمی را نیز فراهم می‌آورند و به ظرفیت‌های پیش‌بینی افراد درگیر خط‌مشی کمک می‌کنند (دانش‌فرد و کیایی، ۱۳۸۹: ۱۳۶).

به کارگیری مدل‌ها برای توضیح و تشریح فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی امری ظریف

و خطیر می‌باشد. فرایند واقعی خط‌مشی‌گذاری بسیار پیچیده است و متغیرهای بسیاری بر آن اثر می‌گذارند. درحالی‌که مدل‌ها عموماً برچند متغیر تأکید داشته و روابط محدودی را نشان می‌دهند که مسلماً منعکس‌کننده پیچیدگی و گستردگی فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی نمی‌باشد. ولی خلاصه بودن، ساده بودن و گویا بودن مدل‌ها، خط‌مشی‌گذاران را یاری داده و آنها را در اتخاذ تصمیمات بهتر و ارزیابی آنها کمک می‌کند به همین علت است که مبحث مدل‌های خط‌مشی‌گذاری مقوله مهمی در رشته خط‌مشی‌گذاری عمومی به‌شمار می‌رود (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۸).

صاحب‌نظران علوم سیاسی - نظیر دیگر شاخه‌های علوم - مدل‌های چندی را برای درک مسائل خط‌مشی‌گذاری طرح کرده و ارائه داده‌اند. هر یک از این الگوها، مسائل و خط‌مشی عمومی، علل و پیامدهای آن را از دیدگاه مختلفی بررسی می‌کند. درحالی‌که هیچ‌یک از این مدل‌ها بهترین مدل تلقی نمی‌شوند. هر یک از آن دیدگاه‌های مشخصی را درباره مسائل مختلف خط‌مشی ارائه می‌دهند و ما را قادر می‌سازند مشکلات عمومی را به بهترین نحو تجزیه و تحلیل کنیم. تصمیم‌گیرندگان و خط‌مشی‌گذاران می‌توانند با استفاده از مدل‌ها با سنجش شرایط و موقعیت‌های تصمیم‌گیری، به بهترین نتیجه دست یابند. درواقع باید با توجه به اقتضاها و شرایط تصمیم، از مدل‌های مناسب استفاده شود و هیچ‌گاه نباید یک مدل را به‌طور مطلق «بهترین الگو» تلقی کرد (همان: ۱۹).

### ۳-۲. مدل اجتماعی<sup>۱</sup>

این الگوی خط‌مشی‌گذاری با تلفیق مدل‌های عقلایی و جزئی - تدریجی، چارچوب کلی تصمیم‌گیری را با توجه به جنبه‌های علم و هنر و متغیرهای اجتماعی ارائه می‌دهد. با در نظر گرفتن مدیریت دولتی به‌عنوان یک فرایند پویا، مدیران نیازمند شیوه خط‌مشی‌گذاری اجتماعی هستند تا بتوانند برنامه‌ها و طرح‌های عمومی را پویا و کامل‌تر از الگوهای دیگر مورد بررسی قرار دهند. به‌عبارت‌دیگر، الگوی اجتماعی خط‌مشی‌گذاری از روش‌های

دیگر فراتر رفته و با شمول ملاحظات اجتماعی و فلسفی مدیر را قادر می‌سازد که با درک بهتر از واقعیات دنیای مدیریت دولتی به حل و فصل مشکلات و مسائل عمومی بپردازد. با توجه به اینکه خط‌مشی‌گذار مدل اجتماعی تا حد زیادی به حل مسائل و تغییر اهمیت می‌دهد، ضمن بهره‌گیری از اصول و مفاهیم مدل‌های عقلایی و جزئی - تدریجی به ارزش‌های والاتر و جامعی در تصمیم‌گیری نیز نظر می‌کند. بدین ترتیب تلاش یک خط‌مشی‌گذار شیوه اجتماعی بر این است که با تلفیق فرایندها، شاخص‌ها، اعتقادات و رفتارها به همراه نظام ارزشی دیگر شیوه‌ها، نظریه و عمل مدیریت را در استنباط از مشکلات گسترش داده و غنی سازد.

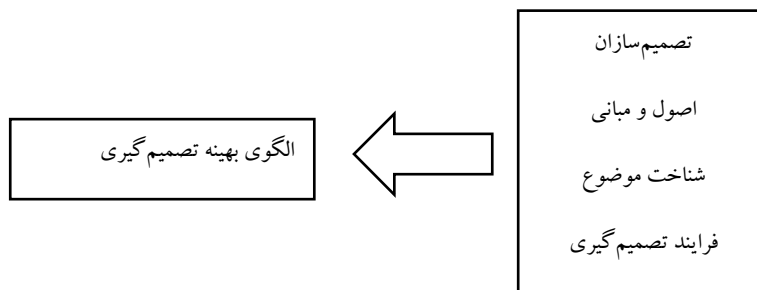
بهبودی و توسعه فرایند حل مسئله و تغییر، اساس خط‌مشی‌گذاری اجتماعی است. این امر از طریق فعل و انفعالات اجتماعی، ارتباط شبکه‌ای میان مدیران، خبرگان، گروه‌های اجتماعی، ارباب رجوع و شهروندانی که دست به گریبان مسائل عمومی هستند تحقق می‌یابد. فرایند خط‌مشی‌گذاری اجتماعی مبتنی بر این فرض است که شرکت‌کنندگان در این شیوه، با تمهید وسایل لازم برای توسعه و اجرای اهداف و مقاصد خط‌مشی فعالیت می‌کنند. در مدل خط‌مشی‌گذاری اجتماعی موضوع اصلی رسیدن به مصالحه و توافق سیاسی نیست بلکه تأکید بر درک نظریات مختلف، تجربیات، دانش اجتماعی و فنی، ایجاد و تقویت مسئولیت مشترک است. در این الگو همچنین به دانش خبرگان، علم تجربی، احساسات و ارزش‌های طرف‌های ذی‌نفع و مشارکت شهروندان در فرایند خط‌مشی‌گذاری توجه خاص مبذول می‌شود.

فرایند شیوه خط‌مشی‌گذاری اجتماعی به آگاهی، برنامه‌ریزی مشارکتی و هدفمند جهت تدوین ساختارها، چارچوب نظریات، فرایند خط‌مشی‌های دیگر و اهداف بلندمدت ارتباط دارد. بدین ترتیب این مدل خط‌مشی‌گذاری در فرایندهای ابداع، خلاقیت و نوآوری، تکامل و ارزیابی، مستقیماً در اختیار مدیر قرار می‌گیرد تا بتواند هر چه بهتر فعالیت‌های سازمان را در جهت کارایی و اثربخشی بیشتر تنظیم و سازمان‌دهی کند (همان: ۵۸).

#### ۲-۴. مدل تحلیلی تحقیق

مسئله این پژوهش این است که مشارکت ذی‌نفعان در تصمیم‌گیری، چارچوب ارزشی حاکم، توجه به آثار و علل به‌وجود آمدن مسئله و طی کامل مراحل فرایند تصمیم‌گیری، بر مبنای مدل اجتماعی چه اثراتی در تصمیم‌گیری مدیران دولتی می‌تواند داشته باشد. با توجه به مبانی نظری موضوع، تصمیم‌سازان، اصول و مبانی، شناخت موضوع و فرایند تصمیم‌گیری به‌عنوان متغیرهای مدل انتخاب شدند و الگوی زیر برای این پژوهش در نظر گرفته شد.

#### نمودار ۱. مدل تحلیلی تحقیق



#### ۲-۴-۱. تصمیم‌سازان

تصمیم‌سازان افراد یا نهادهایی هستند که با تکیه بر اصول و مبانی ارزشی و شناخت از موضوع طبق فرایند تصمیم‌گیری تعریف شده، تدابیر و تصمیمات خود را اتخاذ می‌کنند. در این تحقیق این متغیر با مؤلفه‌های: گروه‌ها، رسانه‌ها، اتاق‌های فکر، نهادهای علمی و پژوهشی و مراکز تحقیقاتی، نمایندگان مجلس، کارشناسان و سیاست‌پژوهان مورد بررسی و اندازه‌گیری قرار می‌گیرد.

#### ۲-۴-۲. اصول و مبانی

ارزش‌ها و اولویت‌ها باعث می‌شود که خط‌مشی‌گذاران درباره ماهیت و دامنه مسئله

بیان‌دیشند و وضعیت فعلی را مورد ارزیابی قرار دهند. این اولویت‌ها الهام‌بخش خط‌مشی‌گذاران بوده و مبین خط و سیری است که مسیر آینده دولت را نیز مشخص می‌کنند. درحقیقت، خط‌مشی‌گذاران کم و بیش از اصول یا عقاید اصلی آگاهی دارند و بر آن اساس، قضاوت‌های بعدی خود را شکل می‌دهند (دانش‌فرد، ۱۳۸۸: ۱۹۹). مؤلفه‌های مورد بررسی برای این متغیر، عقلانیت و مشارکت و مشورت است.

### ۳-۴-۲. شناخت موضوع

منظور از شناخت موضوع، علم و آگاهی از آثار و علل به‌وجود آمدن مسئله در جامعه است که خود مبنایی در اتخاذ تصمیمات است. تلاش مدیران و فعالیت آنها در تعیین محل مسائل و فرصت‌ها، آنها را در حل منطقی مسئله موفق‌تر خواهند کرد (همان: ۱۱۰). شناخت صحیح و دقیق مسئله عمومی مستلزم تشریح آن است. در تشریح مسئله، سیاستگذار به چگونگی تناسب مسئله با محیط‌های اجتماعی و چارچوب‌های سازمانی می‌پردازد. همچنین در این مرحله سیاستگذار تلاش می‌کند ابعاد مختلف مسئله را شناسایی کرده و تأثیر آن را بر اجزای جامعه بررسی کند (قلی‌پور و غلام‌پور آهنگر، ۱۳۸۹: ۳۸۵).

### ۴-۴-۲. فرایند تصمیم‌گیری

در ادبیات مدیریت، فرایند حل مسئله را فرایندی استدلالی و عقلایی می‌دانند و بیشتر سعی شده است برای ارتقای کیفیت و اثربخشی و همچنین افزایش توانایی در حل مسئله، عوامل حل مسئله را از هم تفکیک کرده و بازشناسند. در این راستا، تعیین و تشریح فرایند حل مسئله به‌صورت یک فرایند چند مرحله‌ای از تحلیل محیط تا ارزشیابی مورد بررسی قرار می‌گیرد (دانش‌فرد، ۱۳۸۸: ۱۲۴).

### جدول ۱. شاخص‌ها و تعاریف عملیاتی الگوی تصمیم‌گیری مدیران

گروه‌ها و اصناف، فراکسیون‌ها، کارشناسان و سیاست‌پژوهان، نمایندگان مجلس، دانشگاه‌ها، نهادهای علمی پژوهشی و مراکز تحقیقاتی، اتاق‌های فکر، رسانه‌ها	تصمیم‌سازان	تصمیم‌گیری مدیران
عقلانیت	اصول و مبانی	
اقتصادی، قانونی، سیاسی، حرفه‌ای (علمی)، اخلاقی، دینی		
مشارکت	شناخت موضوع	
جلسات عمومی، صندوق پیشنهادها و انتقادات، میزگردهای دیجیتالی		
نیاز		
هدف	فرایند تصمیم‌گیری	
شرایط افراد درگیر		
از لحاظ اجتماعی، اقتصادی و سیاسی	تعریف و تبیین مسئله، ارائه راه‌حل‌ها، تعریف شاخص، ارزیابی راه‌حل‌ها، انتخاب، قانونی کردن	

### ۳. روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی است و از حیث روش، توصیفی و پیمایشی است. در بعد کاربردی، از نتایج این تحقیق می‌توان در تصمیم‌گیری‌ها و سیاستگذاری‌ها و همچنین برنامه‌ریزی‌ها استفاده کرد. در این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات از روش‌های میدانی و کتابخانه‌ای استفاده شده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات برای مبانی نظری، فیش‌برداری است و برای جمع‌آوری اطلاعات در مورد فرضیه‌های تحقیق از ابزار پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شده است. سؤالات این پرسش‌نامه با استفاد از ادبیات موجود در حوزه مدیریت و تصمیم‌گیری و سیاستگذاری طراحی گردیده است. برای مشخص شدن روایی، نمونه پرسش‌نامه، در اختیار اساتید دانشگاهی و متخصصین در علوم خط‌مشی‌گذاری و تصمیم‌گیری قرار گرفت که در رابطه با میزان درستی و شفافیت سؤالات پرسش‌نامه ابراز نظر کنند و روایی پرسش‌نامه‌ها مورد تأیید قرار گرفت و در نهایت پرسش‌نامه با ۲۹ سؤال

در اختیار نمونه آماری قرار داده شد. برای تحلیل داده‌ها، نرم‌افزار SPSS به کار گرفته شده، لذا پايی پرسیش‌نامه یا قابلیت اعتماد آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه شده است. مقدار این ضریب برای این پرسش‌نامه برابر با ۰/۸۴۷ است. جامعه آماری در این تحقیق سازمان‌های دولتی در سطح ادارات کل شهرستان تبریز می‌باشد.

#### ۴. یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد میانگین وضع موجود برای متغیرهای تحقیق پایین‌تر از وضع مطلوب است. همچنین نتایج حاصل از آزمون نرمال بودن توزیع نمرات هر یک از متغیرهای تحقیق بیانگر این است که متغیرها دارای توزیع نرمال هستند به همین منظور برای آزمون فرضیه‌ها می‌توان از رگرسیون خطی استفاده کرد.

تنها آزمون پارامتری که برای آزمون فرضیه‌های تفاوتی در رابطه با دو گروه یا نمونه مورد استفاده قرار می‌گیرد. آزمون t دونمونه‌ای می‌باشد. بنابر نتایج به دست آمده از آزمون t ملاحظه می‌شود فرض آزمون، یعنی تفاوت میان وضع موجود و وضع بهینه متغیر تصمیم‌سازان، متغیر اصول و مبانی و متغیر فرایند تصمیم‌گیری، مورد قبول بوده و فرضیه پژوهش مورد تأیید است. به عبارتی میان وضع موجود و وضع بهینه تفاوت معناداری وجود دارد، ولی برای متغیر شناخت موضوع، فرض آزمون یعنی تفاوت میان وضع موجود و وضع بهینه توجه به آثار و علل به وجود آمدن مسئله، مورد قبول نبوده و فرضیه پژوهش مورد تأیید نمی‌باشد به عبارتی میان وضع موجود و وضع بهینه توجه به آثار و علل به وجود آمدن مسئله، براساس مدل اجتماعی در دستگاه‌های دولتی، تفاوت معناداری وجود ندارد.

برای برآورد مدل با استفاده از رگرسیون خطی، از آزمون دوربین - واتسون برای نشان دادن عدم خودهمبستگی بین خطاها و از آزمون آنوا برای نشان دادن رابطه خطی بین متغیرها استفاده شده و فرض خطی بودن رابطه بین متغیرها تأیید شده است.

به منظور ارائه مدلی جهت دستیابی به وضعیت مطلوب از آزمون رگرسیون خطی گام به گام استفاده کرده‌ایم که نتایج آن به صورت زیر آمده است.



جدول ۲. آزمون رگرسیون با ورود تمام متغیرهای معنادار

متغیرها	ضریب متغیر (B)	ضریب بنا	آماره t	سطح معناداری
عرض از مبدأ	-۰/۰۳۸		-۰/۵۲۰	۰/۶۰۷
تصمیم‌سازان	۸/۰۰۹	۰/۵۶۲	۱۰۱۵/۶۷۷	۰/۰۰۰
اصول و مبانی	۸/۹۸۷	۰/۳۹۵	۶۹۰/۲۴۵	۰/۰۰۰
شناخت موضوع	۶/۰۱۹	۰/۳۱۱	۵۱۷/۲۸۴	۰/۰۰۰
فرایند تصمیم‌گیری	۵/۹۹۱	۰/۲۳۵	۳۹۸/۴۱۵	۰/۰۰۰

در جدول ۲ نتایج حاصل از آزمون رگرسیون خطی نشان داده شده است. با توجه به نتایج این جدول، متغیر تصمیم‌سازان با ضریب ۸/۰۰۹، متغیر اصول و مبانی با ضریب ۸/۹۸۷، متغیر شناخت موضوع با ضریب ۶/۰۱۹ و متغیر فرایند تصمیم‌گیری با ضریب ۵/۹۹۱ بر تصمیم‌گیری بهینه مبتنی بر مدل اجتماعی تصمیم‌گیری در سازمان‌های دولتی تأثیر می‌گذارند.

## ۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تصمیم‌گیری به دلیل اهمیتی که برای سازمان‌ها دارد همواره مورد توجه سازمان‌ها و مدیران است. مدل‌های تصمیم‌گیری مدیران بیانگر روش و چگونگی عملکرد آنها با موضوعاتی است که به عنوان یک فرصت یا تهدید نیازمند اقدامات ضروری از جانب آنهاست.

با توجه به نتایج به دست آمده برای ارتقای وضع موجود به وضع مطلوب باید سیاستگذاران و مدیران برای اتخاذ تصمیمات بهینه، سازوکاری اتخاذ کنند تا به موجب آن تصمیم‌سازان به تعامل بیشتر با سازمان‌های دولتی پردازند. در صورت ایفای نقش مؤثر این نهادها، گروه‌های ذی‌نفع با حضور در این نهادها و با هدف پیگیری منافع اجتماعی، می‌توانند در تصمیم‌گیری‌ها و سیاستگذاری‌ها تأثیرگذار بوده و دیدگاه‌های حرفه‌ای و مبتنی بر منافع اجتماعی را اعمال کنند. از آنجا که گروه‌ها و اصناف ارتباطات میان اعضا و حکومت را تسهیل می‌کنند سازمان‌ها برای به دست آوردن هم‌رایی در بخش تحت تأثیر خط‌مشی‌ها و

تصمیمات اتخاذ شده نیاز به مشارکت بیشتر آنها دارند. حضور بیشتر رسانه‌های دیداری و نوشتاری در فرایند تصمیم‌سازی باید فراهم شود تا از این طریق منافع عمومی و اجتماعی حداکثر شود. سیاست‌پژوهان، حاملان رسالت علمی هستند که به حداکثرسازی منطق علمی در تصمیم‌ها و سیاست‌ها می‌پردازند. به‌منظور ارائه توصیه‌های علمی و توصیه‌های معطوف به عمل به سیاست‌گذاران برای حل مسئله باید مشارکت این نهادها بیشتر شود. نهادهای علمی و پژوهشی و مراکز تحقیقاتی، محل تجمع گروه تخصصی است که بدون وابستگی‌های سیاسی، پیشنهادات علمی خود را بیان می‌دارند. حضور پررنگ‌تر این نهادها در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری‌ها، مؤثر خواهد بود. همچنین حضور بیشتر اتاق‌های فکر برای گسترش تفکر راهبردی، ایجاد زمینه تجزیه و تحلیل، ایده‌پردازی و ارائه نظر کارشناسی و تخصصی برای تسهیل در تصمیم‌گیری‌های اجرایی پیشنهاد می‌شود. نمایندگان مجلس، حافظان حقوق و منافع مردم‌اند و به زبان مردم حرف می‌زنند و چارچوب قوانین اساسی و سیاست‌های کلان را شکل می‌دهند. از آنجا که مجلس به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم مسئول نظارت بر نحوه اجرای قوانین و خط‌مشی‌های تصویب شده نیز است، نمایندگان می‌توانند با اظهار نظر فنی در کیفیت اخذ تصمیمات تأثیر گذارند.

از آنجا که ارزش‌ها اساس سیاست عمومی است و در سیاست‌گذاری باید به ارزش افراد، گروه‌ها و جامعه توجه کرد و چون عقلانیت و مشارکت به‌عنوان مؤلفه‌های اصول و مبانی تصمیم‌گیری در این تحقیق عنوان شده‌اند باید با به‌کارگیری بیش از قبل عقلانیت در تصمیم‌گیری‌ها، نگاه عقلایی را ادامه داد و چون مشارکت یکی از اجزای عقلانیت در تصمیم‌گیری است، باعث اتخاذ تصمیمات بهتری می‌شود. برای تعامل شهروندان با دولت و مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌ها پیشنهاد می‌شود از صندوق انتقادات و پیشنهادات و میزگردهای دیجیتالی بیشتر استفاده شود و جلسات عمومی نیز بیشتر از قبل برای افزایش میزان مشارکت تشکیل گردد. برای کسب حداکثر دستاورد اجتماعی با کمترین هزینه در تصمیم‌گیری‌ها، استفاده از عقلانیت اقتصادی توصیه می‌شود. برای حل مسائل پیچیده و چندبعدی عمومی باید به روش‌های علمی عمل کرد و عقلانیت حرفه‌ای و علمی را مدنظر

قرار داد. برای همراهی شهروندان با اجرای سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها باید عقلانیت دینی و اخلاقی در کنار سایر مؤلفه‌ها مدنظر قرار گیرد. واقعیت‌های سیاسی باید در خط‌مشی‌گذاری منعکس شوند. این واقعیت‌ها نه به‌عنوان محدودکننده بلکه در مقام هدایت‌کننده خط‌مشی‌ها عمل می‌کنند و راهنمای سیاست‌گذاران هستند. بنابراین در خط‌مشی‌گذاری و تصمیم‌گیری، تعبیه‌سازی و کاری که امکان آگاهی از سیاست‌ها را در زمینه مربوطه فراهم آورد، ضروری است. در اینجا ذکر این توصیه مفید است که خط‌مشی‌گذاران ضمن توجه به واقعیت‌های سیاسی نباید در سیاست‌ها غرق شوند و اشراف خود را نسبت به موضوع از دست بدهند. برای بالا بردن قابلیت عقلانیت در تصمیم‌گیری‌ها از ابزارها و روش‌هایی مانند حداکثرسازی رفاه، نظام‌های پشتیبان تصمیم، انتخاب عمومی و مشارکت عمومی، پیشنهاد می‌شود.

همچنین باید کوشش شود مشکل اصلی و واقعی شناخته و به‌درستی تعریف شود. باید به‌منظور شناسایی درست و دقیق مسئله از عامل عقلانیت بهره برد که مبتنی بر مشورت و مذاکره با مردم و استفاده از نظرات کارشناسان و سیاست‌پژوهان است. و نیز از تجربه‌های شخصی تدوین‌کنندگان و بررسی‌کنندگان هم استفاده شود چون آنها با اشراف بر گذشته، مسیر راه آینده را نشان می‌دهند. تجارب موفق دیگر کشورها نیز کمک می‌کند تا راه رفته آنان و موفقیت حاصل از آن، چراغ راهنمایی برای مسیر آینده شود. این نوع تقلید ضمن اینکه زمان‌شناسایی مسئله را کوتاه می‌کند، روش‌های درست شناخت مسئله را نیز آموزش می‌دهد.

## منابع و مأخذ

۱. الوانی، سیدمهدی (۱۳۷۶). تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی، چاپ یازدهم، تهران، سمت.
۲. الوانی، سیدمهدی و فتاح شریف‌زاده (۱۳۸۷). فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی، چاپ سوم، تهران، دانشگاه علامه.
۳. تسلیمی، محمد سعید (۱۳۷۸). تحلیل فرایندی خط‌مشی‌گذاری و تصمیم‌گیری، تهران، سمت.
۴. دانش‌فرد، کرم‌اله (۱۳۸۸). فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.
۵. دانش‌فرد، کرم‌اله و مجتبی کیایی (۱۳۸۹). فصلنامه مدیریت دولتی، سال اول، پیش‌شماره سوم.
۶. دفت، ریچارد ال (۱۳۸۹). تئوری و طراحی سازمان، ترجمه علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی، چاپ ششم، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۷. رضائیان، علی (۱۳۸۸). مبانی سازمان و مدیریت، چاپ سیزدهم، تهران، سمت.
۸. سعادت، اسفندیار (۱۳۷۲). فرایند تصمیم‌گیری در سازمان، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران.
۹. شریف‌زاده، فتاح (۱۳۷۷). «بررسی مدل‌های اصلی تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری»، تحول اداری، دوره پنجم، ش ۱۹.
۱۰. قلی‌پور، رحمت‌اله (۱۳۸۷). تصمیم‌گیری سازمانی و فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی، تهران، سمت.
۱۱. قلی‌پور، رحمت‌اله و ابراهیم غلام‌پور آهنگر (۱۳۸۹). فرایند سیاست‌گذاری عمومی در ایران، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۲. کاظمی، سیدعلی‌اصغر (۱۳۷۹). مدیریت سیاسی و خط‌مشی دولتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
13. Charles B. Tatum, Richard Eberlin, Crin Kottraba, Bradberry Travis (2003). "Leadership, Decision Making and Organization Justice", *Journal of Management Decision*, P. 1007, The Current Issue and Full Text of This Journal is Available at: <http://www.emeraldinsight.com/0025-1747-htm>.
14. Garvin, David A. and Roberto Michael A. (2001). "What you Donand;#39t know about Making Decisions", *Harvard Business Review*.
15. Koontz, Harold and Heinz Weirich (1998). "Management", 9<sup>th</sup>, ed., MCGraw Hill.
16. Oliveira, Arnaldo (2007). "A Discussion of Rational and Psychological Decision Making Theories and Models: The Search For a Cultural– Ethical Decision Making Model", *Electronic Journal of Business Ethics and Organization Studies*, Vol. 12, No. 2.
17. Pate, Larry (1987). "Understanding and Diagnosing the Causes of Human Behavior", in *Management Decision*, Vol. 25, No.4.
18. Weinz, Heinz and Harold Koontz (1993). *Management: A Global Perspective*, International Edition, Tenth Edition, New York.

# سنجش تطبیقی ریسک اقتصادی در جمهوری اسلامی

ایران طی سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۹۰

مهدی عبدی،\* حسین دری نوگورانی\*\*

تاریخ دریافت ۱۳۹۳/۱/۳۱ | تاریخ پذیرش ۱۳۹۴/۱/۱۸

در جهان معاصر، صنعتی شدن جوامع و گسترش مبادلات تجاری و مالی بین‌المللی از یک سو و اهمیت موضوع ریسک در دنیای خارج از تئوری و دکترین از سوی دیگر، ما را بر آن داشته است تا در جهت کاربردی کردن تحلیل‌های ریسک اقتصادی گام‌هایی برداریم. با در نظر گرفتن اهمیت این تحلیل‌ها برای قبل و بعد از مبادلات، مقاله حاضر سعی کرده است با استفاده از روش‌های محاسباتی مؤسسه راهنمای بین‌المللی ریسک کشوری،<sup>۱</sup> که در این زمینه از مبانی نظری و کاربردی منسجمی برخوردار است، میزان ریسک اقتصادی را در جمهوری اسلامی ایران، طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ بسنجد. با توجه به اینکه مقادیر شاخص‌ها و رتبه‌بندی‌های ارائه شده می‌تواند معیاری برای جذب و یا دفع منابع بین‌المللی و مهم‌تر از همه جلب و یا سلب اعتماد عوامل اقتصادی بین‌المللی باشد راست‌آزمایی این شاخص‌ها نیز می‌تواند تعیین کند که آیا مؤسسه مذکور به دلیل در دست نداشتن داده‌های مستند و واقعی یا سوگیری عامدانه، در پیش‌بینی‌ها و تحلیل‌های خود دچار انحراف شده است؟ نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن است که ریسک مرکب اقتصادی که در واقع ترکیبی از ریسک مالی<sup>۲</sup> و ریسک اقتصادی محض<sup>۳</sup> است با استفاده از داده‌های نهادهای داخلی در ایران کمتر از مقادیر پیش‌بینی شده توسط مؤسسه راهنمای بین‌المللی ریسک کشوری است که این مسئله را می‌توان متأثر از دو فرایند بسته بودن نسبی و عدم تأثیرپذیری بازارهای مالی کشور از بازارهای بین‌المللی و دیگری شاخص انتظارات این مؤسسه نسبت به حجم تعاملات مالی و اقتصادی ایران دانست.

**کلیدواژه‌ها:** رتبه‌بندی ریسک اقتصادی مرکب؛ ریسک مالی؛ ریسک اقتصادی محض؛ روش‌شناسی مؤسسه ICRG

\* کارشناس ارشد علوم اقتصادی دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)؛

E-mail: mehdi.abdi.ma@gmail.com

E-mail: hos\_dorri@yahoo.com

\*\* استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه امام حسین (ع)؛

1. International Country Risk Guide (ICRG)
2. Financial Risk
3. Pure Economic Risk

## مقدمه

گرچه در ابتدای امر تنها عواملی همچون جنگ‌های خارجی، درگیری‌های داخلی، مشکلات بروکراتیک و سیاسی یا نابسامانی‌ها و بحران‌های شدید مالی و اقتصادی در یک کشور حساسیت خاصی را در مورد توجه به ریسک و مخاطره کشور به‌ویژه ریسک اقتصادی ایجاد می‌کردند اما گذشت زمان نشان داد که: اولاً برای تمامی کشورها درصدی از این ریسک همواره وجود دارد و ثانیاً برای پیشگیری و مدیریت این نوع از ریسک همواره باید مبنا و معیاری برای پایش و اندازه‌گیری داشته باشیم. پس از دومین شوک نفتی در بین سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۷۹، بسیاری از کشورهایی که دارای بدهی‌های خارجی بودند با مشکلات بازپرداخت بدهی‌ها مواجه شدند. از آن زمان تحلیل‌های ریسک کشور به‌صورت فزاینده‌ای مورد توجه بانک‌ها و مؤسسات بین‌المللی، دولت‌ها و بخش عمومی قرار گرفت. از این‌رو ریسک به‌طور عام و ریسک اقتصادی به‌طور خاص یکی از چالش‌های پیش‌روی کشورهای پیشرفته و در حال توسعه بوده و هست. محاسبات ریسک دارای کاربردهای قبل و بعد از قرض دادن هستند. قبل از قرض دادن، تصمیماتی در مورد این که آیا اصلاً قرض داده شود یا نه، چقدر قرض داده شود و اینکه چقدر صرف ریسک<sup>۱</sup> بابت این قرض گرفته شود، تماماً بر پایه ریسک محاسبه شده قرار دارند. بعد از دادن قرض نیز، تحلیل‌های ریسک دوره‌ای نقش ابزار پایشی را داشته و یک سیستم پیش‌هشدار را فراهم می‌آورد. علاوه بر این همان‌طور که توسط هیز<sup>۲</sup> (۱۹۹۸) مورد توجه قرار گرفته است، سرعت بالای شیوع بحران به‌وسیله تحرک سرمایه و تجارت بین‌المللی نیاز روزافزون به تحلیل‌های ریسک کشور را مورد تأکید قرار می‌دهد (Hoti and McAleer, 2002: 1).

با توجه به نقش سرمایه‌گذاری و رشد موجودی سرمایه در توسعه اقتصاد و به‌ویژه تأثیر سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در افزایش ظرفیت تولیدی کشور اهمیت بررسی ریسک در تحلیل‌های اقتصادی جایگاه ویژه‌ای پیدا می‌کند. بنابراین در جهت کاربردی و

---

1. Risk Premium

2. Hayes

قابل درک کردن تحلیل‌های ریسک اقتصادی برای متقاضیان آنها در دنیای خارج از تئوری و دکترین باید گام‌های اساسی برداشته شود. در شرایط وجود ریسک در کشور با خطراتی چون خروج سرمایه از کشور، فرار سرمایه‌های خارجی و کاهش انگیزه کارآفرینی روبه‌رو هستیم و فعالان اقتصادی سعی می‌کنند سرمایه و کار خود را به کشورهای کم‌ریسک‌تر انتقال دهند و هرگونه نااطمینانی را به حداقل ممکن برسانند. از سوی دیگر در شرایط ریسک اقتصادی بالا صرف ریسک مورد انتظار صاحبان سرمایه برای انتخاب کشور مذکور بالا خواهد رفت و این در اکثر مواقع با توجه به برخی نابسامانی‌های دیگر موجب عدم تحقق بهره‌وری مورد انتظار سرمایه‌گذاری‌ها و اعتبارات بین‌المللی خواهد شد. حال از آنجا که شاخص‌ها و رتبه‌بندی‌های ارائه شده از سوی مؤسسات و نهادهای بین‌المللی در این زمینه می‌تواند معیاری برای جذب یا دفع منابع بین‌المللی نیز سنجه‌ای برای جلب و یا دفع اعتماد عوامل اقتصادی بین‌المللی باشد پس راست‌آزمایی پیش‌بینی‌های ارائه شده می‌تواند مشخص کند که: اولاً، وضعیت شاخص‌های ریسک اقتصادی در ایران چگونه است؟ ثانیاً، وضعیت شاخص‌های ریسک اقتصادی در مقایسه با شاخص‌های ارائه شده توسط نهادهای بین‌المللی چگونه است؟ آیا مغایرتی در پیش‌بینی‌های این مؤسسات به دلیل در دست نداشتن داده‌های مستند و واقعی یا سوگیری عامدانه وجود دارد؟

در این راستا پژوهش حاضر پس از بررسی مفاهیم ریسک و مخاطره کشور به‌ویژه ریسک اقتصادی که از جمله مهم‌ترین موارد برای متخصصان این زمینه و عوامل بازار است، ریسک اقتصادی (ریسک مرکب) را برای جمهوری اسلامی ایران در دوره زمانی ۱۳۸۰-۱۳۹۰ مورد سنجش قرار می‌دهد. در این پژوهش برای سنجش ریسک اقتصادی از پروتکل مؤسسه راهنمای بین‌المللی ریسک کشوری که روشی منسجم در این زمینه بوده و در اکثر کارهای پژوهشی از شاخص‌های آن به‌عنوان مرجع بهره گرفته می‌شود، استفاده شده است. این مؤسسه به‌صورت ماهانه و سالیانه شاخص‌هایی را در مورد پیش‌بینی ریسک کشورهای مورد بررسی خود در چهار شکل ریسک اقتصادی، مالی، سیاسی و ترکیبی ارائه می‌کند.

در مورد ریسک سیاسی با توجه به اینکه اولاً، جمع آوری داده‌های آن تنها از طریق پرسشنامه و روش‌های توصیفی امکان‌پذیر بوده و این کار را می‌توان تنها برای یک سال انجام داد و داده‌هایی به صورت سری زمانی برای مؤلفه‌های این شاخص (که عبارت است از: ثبات دولت، شرایط اجتماعی - اقتصادی، چشم‌انداز و دورنمای سرمایه‌گذاری، درگیری‌های داخلی، درگیری‌های بیرونی، فساد، دخالت قوای نظامی در دولت، تنش‌های دینی، اجرای قوانین و نظم، تنش‌های قومی، پاسخگویی دموکراتیک دولت و کیفیت دیوانسالاری) نداریم. ثانیاً، با وجود اینکه تحلیل شاخص‌های کیفی مکمل تحلیل‌های کمی هستند اما به دلیل گستردگی موضوع این شاخص و روش‌های بررسی آن (که خود کار مجزای دیگری را طلب می‌کند) در پژوهش حاضر بیشترین تأکید ما بر بخش کمی و اقتصادی مسئله است و از بررسی ریسک سیاسی چشم‌پوشی می‌کنیم.

به‌طور کلی این مقاله در چهار بخش تدوین شده است، در بخش اول آن مفاهیم ریسک اقتصادی بررسی می‌شود. معرفی شاخص‌های مرتبط با اندازه‌گیری ریسک اقتصادی توسط مؤسسه ICRG بخش دوم از مطالعه حاضر را تشکیل می‌دهد. بخش دیگر نیز وضعیت این شاخص‌ها پس از برآورد با داده‌های داخلی در مقایسه با مقادیر ارائه شده توسط مؤسسه ICRG مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت نیز جمع‌بندی و نتیجه‌گیری بحث را خواهیم داشت.

### ۱. مفاهیم کلی ریسک اقتصادی

با توجه به جمع‌بندی و توافق نظری که در مورد تعریف ریسک بین صاحب‌نظران وجود دارد می‌توان آن را، احتمال اینکه نتیجه پیش‌بینی شده بهتر یا بدتر از حالت مورد انتظار باشد بیان کرد (متفاوت از انتظار)، که یک صفت مشخصه می‌باشد و برهم‌ارزی ریسک با متغیر بودن نتایج بالقوه تمرکز دارد. از این رو ریسک ترکیبی از سه مؤلفه: سناریو، احتمال وقوع هر یک از این سناریوها و اندازه تأثیر آن در صورت حادث شدن (چه به صورت مقدار ثابت و چه به صورت توزیع) است (Vose, 2008: 3).



حال اگر قدری متمرکز شویم ریسک کشور<sup>۱</sup> به طور کلی مربوط به عواملی می‌شود که تعیین کننده و یا مؤثر بر توانایی<sup>۲</sup> و تمایل<sup>۳</sup> یک کشور مستقل<sup>۴</sup> یا یک کشور مشخص برای تحقق بخشیدن به تعهدات آن کشور در مقابل یک یا چند قرض دهنده یا سرمایه گذار خارجی است. شاپیرو (۱۹۹۹)، ریسک کشور را به عنوان سطح عمومی ناطمینانی سیاسی و اقتصادی در یک کشور که ارزش وام‌ها یا سرمایه گذاری‌های یک کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد تعریف می‌کند. بنابراین تحلیل‌های ریسک کشور متشکل از اندازه گیری مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی و مالی کشور قرض گیرنده یا میزبان سرمایه گذاری‌های مستقیم خارجی که شاید برخی از مواقع در پرداخت اصل و یا بهره وام‌های دریافتی دچار اختلال می‌شود یا شاید به صورت معکوس بازدهی سرمایه گذاری‌های خارجی را تحت تأثیر قرار دهد، است (Erbs, Campbell and Viskanta, 1996: 8).

ریسک اقتصادی، ریسک مربوط به وضعیت و شرایط کلی اقتصادی است، که شامل مؤلفه‌هایی همچون کاهش ناگهانی در جزء تجارت کشور، افزایش ناگهانی هزینه‌های تولید یا هزینه‌های انرژی، عدم بهره‌وری و جوه خارجی سرمایه گذاری شده و قرض‌دهی غیرعقلانه به وسیله بانک‌های خارجی هستند (Henry Bouchet, Clark and Gros Lambert, 2003: 22). از طرف دیگر ریسک مالی کشور به توانایی اقتصاد ملی در تولید ارز خارجی کافی برای پرداخت اصل و بهره بدهی خارجی آن برمی‌گردد. تحلیل‌های ریسک مالی شامل بررسی تعهدات مالی خارجی کشور در مقایسه با موقعیت‌های جاری و مورد انتظار اقتصادی است (Ibid.: 45).

## ۱-۱. اثرات مالی و اقتصادی ریسک کشور

یکی از مؤلفه‌های اساسی ریسک کشور در حول ظرفیت اقتصاد کشور برای تولید ارز

---

1. Country Risk  
2. Ability  
3. Willingness  
4. Sovereign Stat

کافی برای حفظ سطوح مورد نیاز واردات و پرداخت بدهی‌های خارجی است. در این زمینه تحلیل‌ها از جنبه تعادل خارجی مربوط به تساوی پیش‌بینی بین عرضه و تقاضای پول داخلی در بازارهای ارز است. از آنجا که معادله تراز پرداخت‌ها یک هویت حسابداری می‌باشد، عرضه و تقاضای واقعی پول داخلی همواره برابر خواهد بود. با این حال، دو پیش‌بینی جداگانه می‌توانند متفاوت از همدیگر باشند، و اگر این گونه باشد عدم تعادل در تغییر نرخ ارز منعکس می‌شود، البته این در صورتی اتفاق می‌افتد که مقامات پولی دخالت نکنند، یا در زمان تغییر ذخایر خارجی دخالتی نکنند. این در حالی است که در ریسک کشور مشکل اساسی در کمبود ارز قرار دارد. از این جهت، گزینه دخالت به وسیله عرضه ذخایر خارجی به وسیله مقامات پولی محدود می‌شود. با این حال، در دنیای امروزی پول‌های ملی و نرخ ارزهای شناور، راه‌حل‌های عدم تعادل‌های خارجی بنیادی غالباً در حول تغییر در نرخ ارز می‌باشد (K. Nath, 2008: 2).

در نگاه سطحی، یک تغییر در نرخ ارز به نظر می‌رسد که چیزی بیشتر از یک تغییر در قیمت یک پول برای دیگری نباشد. اما در حقیقت، تأثیرات آن با وقفه‌های زمانی، اندازه و شدت متغیر، به هسته اقتصاد نفوذ کرده و نهایتاً مجموعه‌ای جدید از شرایط اقتصادی با پیامدهای نتیجه‌گیری برای تعادل داخلی و استانداردهای زندگی، تراز پرداخت‌ها، عرضه و تقاضا برای ارزهای خارجی و نرخ ارز تولید می‌کند. اگر چه فرایند سازگاری ناخوشایند است، دولت‌ها اغلب مجبور هستند تا اموری را انجام دهند که حتی در بلندمدت با نکول و قصور در بدهی‌های خارجی خود حتی بدتر نیز می‌شوند. در نتیجه، تعدیل و سازگاری تراز پرداخت‌ها و نرخ ارز در تحلیل‌های ریسک کشور از مهم‌ترین مسائل مورد بحث هستند (Wang, 2004: 13).

## ۲-۱. مروری بر پژوهش‌های انجام شده

با توجه به دغدغه متخصصان و نیز کاربران تحلیل‌های ریسک کشور و ریسک اقتصادی کارهای پژوهشی متنوعی در این زمینه صورت گرفته است که در بخش حاضر به مرور برخی

از این کارها می‌پردازیم. در عرصه کارهای داخلی مهم‌ترین پژوهش‌ها به صورت زیر است:

شاخص راهنمای بین‌المللی ریسک کشوری ICRG از با سابقه‌ترین و پرکاربردترین شاخص‌های بین‌المللی ارزیابی مخاطرات اقتصادی کشورها محسوب می‌شود که با هدف ارائه اطلاعاتی جامع و روزآمد از وضعیت مخاطرات سیاسی - اقتصادی کشورها به سرمایه‌گذاران بین‌المللی تهیه می‌شود. مریم احمدیان (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «معرفی و نقد شاخص راهنمای بین‌المللی ریسک کشوری» به بررسی این شاخص پرداخته است که مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج آن این است که: اولاً، این شاخص از نوع مسائل پیش‌روی سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان داخلی کشورها نیست، و یا ممکن است درجه اهمیت این موارد از نگاه سرمایه‌گذار داخلی و خارجی متفاوت باشد. ثانیاً، این شاخص در بخش شاخص ریسک سیاسی تا حد زیادی ذهنی و متکی به نظرات کارشناسان این مؤسسه است.

با توجه به روند جهانی شدن در دهه‌های گذشته، ورود سرمایه‌های خارجی به عنوان ابزاری برای رشد و توسعه سریع اقتصادها مطرح شده است. بنابراین شناخت عوامل مؤثر بر ورود و خروج سرمایه و یا به عبارت دیگر، خالص تحرک بین‌المللی سرمایه برای کشورهای در حال توسعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است. از آنجا که یکی از عوامل مؤثر بر ورود سرمایه، بازدهی سرمایه به طور مقایسه‌ای و با در نظر گرفتن ریسک است، بنابراین تجربیات جدید اثر منطقی نقدینگی و ریسک را بر تحرک بین‌المللی سرمایه نشان می‌دهد. محمد واعظ، لیلا ترکی و نعیمه جلوه‌گران (۱۳۹۰) طی مقاله‌ای با عنوان «تأثیر ریسک اعتباری کشور بر خالص تحرک بین‌المللی سرمایه در ایران» به بررسی این مسئله پرداخته‌اند که براساس یافته‌ها و نتایج آن متغیرهای ذکر شده فوق بر خالص تحرک بین‌المللی سرمایه تأثیر گذار هستند.

«مدل رتبه‌بندی ریسک اعتباری کشورهای در حال توسعه به روش تحلیل مؤلفه‌های مستقل» مقاله‌ای است که به وسیله محمدتقی گیلک حکیم‌آباد، احمد جعفر صمیمی و مسیح مولانا (۱۳۸۹) با هدف ارائه مدلی برای رتبه‌بندی ریسک اعتباری کشورهای در حال توسعه به نگارش درآمده است. به دلیل آنکه هیچ تئوری جامعی درباره ارزیابی ریسک

اعتباری کشورها وجود ندارد و از طرف دیگر، فرایند رتبه‌دهی ریسک اعتباری توسط مؤسسه‌های رتبه‌دهنده کاملاً شفاف نیست؛ بنابراین مهم‌ترین چالش این تحقیق، یافتن متغیرهایی است که بیشترین تأثیر را بر ریسک کشورها دارند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که تأثیر نسبت سرمایه‌گذاری ثابت ناخالص داخلی به تولید ناخالص داخلی بر رتبه ریسک کشورها مثبت است که به معنای ظرفیت بیشتر کشور در انجام تعهدات مالی خود است. همچنین نسبت کل بدهی جاری به صادرات کالاها و خدمات، تأثیر منفی بر رتبه اعتباری کشورهای مورد مطالعه، از جمله ایران دارد. در زمینه پژوهش‌های خارجی نیز موارد زیر قابل توجه است:

مادهو ویجی<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان «عوامل تعیین‌کننده تحلیل‌های ریسک کشور» به مطالعه تأثیر عوامل مختلف سیاسی و اقتصادی بر رتبه‌بندی ریسک کشور می‌پردازد که به وسیله مؤسسات یورو مانی<sup>۲</sup> و سرمایه‌گذاران نهادی<sup>۳</sup> مورد استفاده قرار می‌گیرد. این در حالی است که رقابت جهانی شرکت‌ها و مدیران را به کرات مجبور می‌کند تا به عنوان بخش مهمی از تصمیم‌گیری استراتژیک خود به تحلیل‌های ریسک کشور اعتماد کنند. هدف مقاله این است که تحقیق کند تا چه حد اندازه‌گیری ریسک کشور می‌تواند در پیش‌بینی رتبه‌بندی ریسک کشور کمک کند. یافته‌های تحقیق پیشنهاد می‌کند که رتبه‌بندی ریسک کشور می‌تواند با استفاده از برخی نشانگرهای در دسترس سیاسی و اقتصادی تکرار شود. نتایج همچنین نشان‌دهنده اثر غالب تولید ناخالص ملی سرانه بر رتبه‌بندی ریسک کشور است. عامل دیگر تعیین‌کننده آن تشکیل سرمایه ناخالص، نسبت بدهی خالص خارجی به صادرات، نسبت ذخایر به واردات، نسبت تراز حساب جاری به تولید ناخالص ملی و متغیر رشد صادرات است. تمام این متغیرها نشان می‌دهد که یک همبستگی قوی بین رتبه‌بندی این دو مؤسسه وجود دارد.

رقابت بین‌المللی باعث کشانده شدن شرکت‌ها به بازارهای دور و ناآشنا می‌شود،

1. Madhu Vij

2. Euromoney

3. Institutional Investor

از این رو مدیران همواره به دنبال جست‌وجوی راه‌های حداقل کردن ناطمینانی می‌باشند. در حالی که مدیران در طراحی استراتژی برای چنین محیط‌هایی بارها به ریسک کشور اعتماد می‌کنند. جنیفر اوتزل و ریچارد بتیز<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) در پژوهش خود با عنوان «اندازه‌گیری ریسک کشور» به مطالعه سودمندی چنین اندازه‌گیری‌هایی از ریسک کشور به‌ویژه اینکه تا چه حد اندازه‌گیری‌های ریسک کشور می‌تواند دوره‌های شدت بی‌ثباتی را تخمین زده و پیش‌بینی کند. نتایج حاصل از تحلیل‌های تجربی نشان می‌دهد که مقیاس‌های ریسک تجاری در پیش‌بینی ریسک تحقق یافته بسیار ضعیف هستند.

بر اساس مرور مطالعات انجام گرفته شده در این زمینه که به آنها اشاره شد: اولاً، ضرورت تحلیل‌های ریسک در بحث‌های اقتصادی و به‌ویژه جذب سرمایه‌های خارجی و اعتبارات بین‌المللی روشن شد. ثانیاً، متغیرها و شاخص‌های عمده‌ای که در کارهای پژوهشی قبل مورد استفاده قرار گرفته است مشخص گردید که از جمله مهم‌ترین آنها شاخص نسبت سرمایه‌گذاری ثابت ناخالص داخلی به تولید ناخالص داخلی، شاخص نسبت بدهی جاری به صادرات کالاها و خدمات، شاخص تولید ناخالص داخلی، شاخص نسبت ذخایر به واردات، شاخص سرمایه ناخالص، شاخص نسبت تراز حساب جاری به تولید ناخالص ملی و شاخص رشد صادرات می‌باشند.

### ۳-۱. متغیرها و داده‌های پژوهش

داده‌های مطالعه حاضر برای کشور جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۹۰ از فصل‌نامه‌های آماری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، داده‌های مرکز آمار ایران و نیز در صورت نیاز از داده‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول جمع‌آوری شده و در صورت نیاز با انجام تعدیلاتی مورد استفاده قرار گرفته است. عمده متغیرهای این پژوهش که مؤلفه‌های ریسک اقتصادی محض و ریسک اقتصادی کل از آن محاسبه می‌شود عبارت است از: تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم سالیانه، تراز بودجه، حساب جاری، بدهی خارجی،

1. Jennifer Oetzel and Richard Bettis

بازپرداخت بدهی‌های خارجی، صادرات و واردات کالا، خالص نقدینگی بین‌المللی و نرخ ارز.

## ۲. معرفی روش‌ها و شاخص‌های اندازه‌گیری و رتبه‌بندی ریسک اقتصادی

### ۲-۱. روش‌های کیفی

تحلیل‌های کیفی مربوط به ارزیابی جنبه‌های اقتصادی، مالی و اجتماعی - سیاسی می‌شود که می‌تواند بازدهی سرمایه‌گذاری مورد انتظار در کشور خارجی را تحت تأثیر قرار دهد. این روش بر فرایند ساختارهای توسعه‌ای کشور تمرکز می‌کند تا باعث روشن شدن قوت و ضعف زیربنایی آنها شود. به وضوح این شیوه نمی‌تواند داده‌های عددی را نادیده بگیرد اما در مراحل اولیه ورودی‌هایی قرار دارند که برای روشن کردن تحلیل‌های اقتصادی، اجتماعی - سیاسی، مالی و ساختار صنعتی فرایند توسعه کشور ضروری هستند. معمولاً، یک روش کیفی قوی منجر به تولید یک گزارش جامع از: الف) ارزیابی مسائل حکومتی و شفافیت، ب) ارزش‌گذاری ثبات سیاسی، می‌شود (Timurlenk and Kaptan, 2012: 1).

### ۲-۲. سیستم رتبه‌بندی

روش رتبه‌بندی یا رده‌بندی مقایسه‌ای تلاش می‌کند تا یک دید کلی از ریسک نسبی را برای زمانی که با تصمیمات سرمایه‌گذاری خارجی مواجه می‌شود فراهم آورد. از این رو، هدف متدولوژی‌های رتبه‌بندی این است که کشورها را براساس درجه ریسک آنها رده‌بندی کند. پس تخمین ریسک نسبی بسیار آسان‌تر از سطح مطلق ریسک است، و به محض این که رتبه‌بندی انجام شد، برای مدیران بین‌المللی تعیین نرخ بازده مورد انتظار مناسب با مقایسه سرمایه‌گذاری‌های مشابه در کشورهای دیگر کاملاً آشکار است (K. Nath, 2008: 6).

### ۲-۳. روش اقتصادسنجی و ریاضی

این روش با استفاده از روش‌های مدل‌سازی ریاضی و نیز متدهای آماری و اقتصادسنجی به بررسی ریسک اقتصادی و پیامدهای آن می‌پردازد که از آن جمله می‌توان به موارد مقابل

اشاره کرد: تحلیل‌های تفکیک‌کننده، مدل‌های لاجیت و پروبیت، تحلیل‌های رگرسیونی، شبیه‌سازی مونت کارلو، روش‌های غیرپارامتریک، شبکه‌های عصبی و روش‌های چندجانبه (Ibid.: 6).

#### ۲-۴. شاخص ICRG

در این بخش با توجه به انسجام شاخص ICRG و نیز تواتر استفاده از آن در کارهای پژوهشی این شاخص را تشریح می‌کنیم و به‌عنوان مدل پایه‌ای مقاله در نظر می‌گیریم. رتبه‌بندی مؤسسه راهنمای بین‌المللی ریسک کشوری متشکل از ۲۲ متغیر در ۳ زیرگروه از ریسک می‌باشد که عبارت‌اند از: ریسک سیاسی، ریسک مالی و ریسک اقتصادی. برای هر کدام از زیرگروه‌ها شاخص جداگانه‌ای ساخته می‌شود که در آن شاخص ریسک سیاسی دارای ۱۰۰ امتیاز، ریسک مالی ۵۰ امتیاز و ریسک اقتصادی دارای ۵۰ امتیاز است. تحلیل‌های ریسک کشور در ICRG شامل ارزیابی‌های توصیفی و داده‌های اقتصادی می‌باشد. ICRG رتبه‌بندی را برای ۱۴۰ کشور به‌صورت ماهانه و برای ۲۶ کشور به‌صورت سالانه و تحت عنوان متفاوت انجام می‌دهد. یکی از مزیت‌های مدل ICRG این است که به استفاده‌کنندگان آن اجازه می‌دهد که ارزیابی‌های ریسکی خود را برپایه این مدل داشته باشند و یا مدل را برای تأمین نیازهای ویژه خود تعدیل کنند. اگر فاکتورهای ریسک ویژه‌ای ارتباط بیشتری با کسب و کار و سرمایه‌گذاری‌ها داشته باشد، در رتبه‌بندی براساس ریسک مرکب می‌توان به‌وسیله بازمحاسبه وزن بیشتری را به آن فاکتورها داد (International Country Risk Guide Methodology).

#### ۲-۴-۱. رتبه‌بندی ریسک سیاسی

هدف از رتبه‌بندی ریسک سیاسی این است تا ابزارهایی را برای ارزیابی ثبات سیاسی کشورهایی که به‌وسیله ICRG پوشش داده می‌شوند فراهم آورد به‌صورتی که قابل مقایسه باشند. این امر به‌وسیله ارزیابی امتیازهای مؤلفه‌های گروه‌های از پیش تعیین شده‌ای که

مؤلفه‌های ریسک سیاسی نامیده می‌شوند انجام می‌پذیرد. حداقل امتیازی که می‌تواند به هر یک از مؤلفه‌ها اختصاص یابد صفر می‌باشد، در صورتی که بیشترین امتیاز وابسته به وزن‌های ثابتی می‌باشند که یک مؤلفه در ریسک سیاسی کلی اختیار می‌کند. اما با توجه به عدم شرکت ریسک سیاسی در بررسی‌های این پژوهش از بررسی بیشتر این شاخص ریسک چشم‌پوشی می‌کنیم.

#### ۲-۴-۲. رتبه‌بندی ریسک اقتصادی محض

تمام هدف رتبه‌بندی ریسک اقتصادی محض این است که ابزارهایی را برای ارزیابی نقاط قوت و ضعف اقتصادی جاری کشور مورد نظر فراهم آورد. در حالت کلی زمانی که نقاط قوت آن بر نقاط ضعف آن فائق می‌آید ریسک پایینی را نشان خواهد داد و در صورتی که نقاط ضعف آن بر نقاط قوت آن غلبه کند در آن صورت ریسک اقتصادی بالایی را نشان خواهد داد. این نقاط قوت و ضعف به وسیله اختصاص امتیازهایی به گروهی از مؤلفه‌های از پیش تعیین شده مورد ارزیابی قرار می‌گیرند، که اصطلاحاً مؤلفه‌های ریسک اقتصادی نامیده می‌شوند. حداقل امتیازی که می‌توان به هر کدام از مؤلفه‌ها اختصاص داد صفر است، در حالی که حداکثر امتیاز قابل اختصاص وابسته به وزن ثابتی می‌باشد که به مؤلفه در ارزیابی ریسک اقتصادی محض داده می‌شود. در هر مورد، هر چه مجموع امتیاز ریسک کل پایین‌تر باشد ریسک بالاتر خواهد بود و هر چقدر امتیاز اختصاصی به ریسک مورد نظر بیشتر باشد ریسک پایین‌تر می‌باشد. برای تضمین قابل مقایسه بودن این نوع ریسک بین کشورها، مؤلفه‌ها بر پایه نسبت‌های مورد توافق بین داده‌های مورد اندازه‌گیری شده در داخل اقتصاد/مالیه ملی قرار داده شده‌اند. در اصل این نسبت‌ها می‌باشند که مورد مقایسه قرار می‌گیرند، نه خود داده‌ها. امتیازهایی که به هر یک از مؤلفه‌ها (نسبت‌ها) تعلق می‌گیرد از مقیاس ثابتی گرفته می‌شوند. مؤلفه‌ها و امتیازات اختصاص یافته به هر کدام از آنها در جدول ۱ آمده است (Ibid.: 7):



جدول ۱. مؤلفه‌ها و وزن‌های اندازه‌گیری ریسک اقتصادی محض

مؤلفه	امتیازها (حداکثر مقدار)
تولید ناخالص داخلی سرانه	۵
رشد واقعی تولید ناخالص داخلی	۱۰
نرخ تورم سالانه	۱۰
نسبت تراز بودجه به GDP	۱۰
نسبت حساب جاری به GDP	۱۵
کل	۵۰

Source: International Country Risk Guide Methodology

**الف) تولید ناخالص داخلی GDP سرانه:** GDP تخمینی سرانه برای یک سال مفروض، براساس نرخ ارز (دلار آمریکا) متوسط همان سال تبدیل به مقدار دلاری می‌شود، به صورت درصدی از متوسط GDP تخمینی کل برای تمام کشورهای پوشش داده شده به وسیله ICRG نشان داده می‌شود.

**ب) رشد واقعی تولید ناخالص داخلی GDP:** تغییر سالانه در GDP تخمینی، براساس قیمت‌های ثابت سال ۱۹۹۰، یک کشور مفروض به عنوان درصد افزایش یا کاهش نشان داده می‌شود.

**ج) نرخ تورم سالانه:** نرخ تورم سالانه تخمینی (میانگین غیروزنی از شاخص قیمت مصرف کننده) به صورت درصد تغییرات محاسبه می‌شود.

**د) نسبت تراز بودجه به GDP:** در این نسبت تراز بودجه تخمینی دولت مرکزی (شامل کمک‌های دولتی) برای سال مورد نظر با واحد پول ملی که به صورت درصدی از GDP تخمینی برای آن سال براساس واحد پول ملی در نظر گرفته می‌شود.

**ه) نسبت حساب جاری به GDP:** در این نسبت تراز حساب جاری تخمینی از تراز پرداخت‌ها برای سال مفروض، را که براساس نرخ ارز (دلار آمریکا) متوسط همان سال تبدیل به مقدار دلاری شده است، به صورت درصدی از GDP تخمینی کشور مورد مطالعه،

که براساس نرخ ارز متوسط دوره تحت پوشش (دلار آمریکا) تبدیل به مقداری دلاری آن شده است، نشان داده می شود.

### ۳-۴-۲. رتبه بندی ریسک مالی

هدف کلی رتبه بندی ریسک مالی فراهم آوردن ابزارهایی برای ارزیابی توانایی کشور در پرداخت تعهدات خود می باشد. عصاره مطلب این که، این مؤلفه به دنبال سیستمی است که توانایی کشور را در تأمین مالی تعهد بدهی های قانونی، تجاری و داد و ستدی ارزیابی کند. این کار با اختصاص امتیازهای ریسک به گروهی از مؤلفه های از پیش تعیین شده انجام می پذیرد، که اصطلاحاً ریسک مالی نامیده می شوند. حداقل امتیازی که می توان به هر مؤلفه اختصاص داد برابر با صفر است، در صورتی که بیشترین مقدار این امتیاز وابسته به وزن ثابتی است که در بررسی کلی ریسک مالی به آن اختصاص داده می شود. در هر مورد هرچه مجموع کل امتیاز ریسک پایین تر باشد میزان ریسک بالاتر خواهد بود، و هرچه مجموع امتیازهای ریسک بالاتر باشد میزان ریسک پایین تر خواهد بود. برای تضمین قابل مقایسه بودن این نوع از ریسک بین کشورهای مختلف، مؤلفه ها برپایه نسبت های مورد قبول در بین داده های اندازه گیری شده در ساختار اقتصاد/مالیه ملی، بنا می شوند. در واقع این نسبت ها هستند که مقایسه می شوند و نه خود داده ها. امتیازهایی که به هر مؤلفه داده می شود براساس مقیاس ثابتی می باشد که ایجاد شده است. مؤلفه ها و امتیازهای اختصاص یافته به هر کدام از آنها در جدول ۲ آمده (International Country Risk Guide Methodology: 11).

جدول ۲. مؤلفه ها و وزن های اندازه گیری ریسک مالی

مؤلفه	امتیازها (حداکثر مقدار)
نسبت بدهی خارجی به GDP	۱۰
نسبت پرداخت بدهی های خارجی به صادرات کالاها و خدمات	۱۰
نسبت حساب جاری به صادرات کالاها و خدمات	۱۵

امتیازها (حداکثر مقدار)	مؤلفه
۵	خالص نقدینگی بین‌المللی به صورت ماه‌های پوشش واردات
۱۰	ثبات نرخ ارز
۵۰	کل

Source: Ibid.

**الف) نسبت بدهی خارجی به GDP:** در این نسبت، بدهی خارجی ناخالص تخمینی در سال مفروض، که براساس نرخ ارز (دلار آمریکا) متوسط همان سال به مقدار دلاری تبدیل شده است، به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی آن سال، که براساس نرخ ارز (دلار آمریکا) متوسط همان سال به مقدار دلاری آن تبدیل شده است، نشان داده می‌شود.

**ب) نسبت پرداخت بدهی‌های خارجی به صادرات کالاها و خدمات:** در این نسبت پرداخت بدهی خارجی تخمینی برای سال مفروض، که براساس نرخ ارز (دلار آمریکا) متوسط همان سال به مقدار دلاری تبدیل شده است، به صورت نسبی از مجموع کالاها و خدمات صادراتی همان سال، که براساس نرخ ارز (دلار آمریکا) متوسط همان سال به مقدار دلاری تبدیل شده است، نشان داده می‌شود.

**ج) نسبت حساب جاری به صادرات کالاها و خدمات:** در این نسبت تراز حساب جاری از تراز پرداخت‌ها برای یک سال مفروض، که براساس نرخ ارز (دلار آمریکا) متوسط همان سال به مقدار دلاری آن تبدیل شده است، به صورت درصدی از مجموع کل صادرات کالاها و خدمات همان سال، که براساس نرخ ارز (دلار آمریکا) متوسط همان سال به مقدار دلاری آن تبدیل شده است، نشان داده می‌شود.

**د) خالص نقدینگی بین‌المللی به صورت ماه‌های پوشش واردات:** این نسبت کل ذخایر رسمی تخمینی برای یک سال مفروض که براساس نرخ ارز (دلار آمریکا) متوسط همان سال به مقدار دلاری آن تبدیل شده است (شامل ذخایر رسمی طلا که براساس نرخ ارز دوره مورد پوشش به دلار آمریکا تبدیل شده است اما اعتبارات صندوق بین‌المللی پول و تعهدات خارجی مقامات پولی را از آن کم کرده‌ایم)، به متوسط ماهانه هزینه واردات

کالاهای تجاری که براساس نرخ ارز (دلار آمریکا) متوسط دوره به مقدار دلاری تبدیل شده است را نشان می‌دهد. این مؤلفه نسبت قابل مقایسه ریسک نقدینگی را فراهم می‌آورد که نشان‌دهنده این است که چند ماه می‌توان واردات را با استفاده از ذخایر تأمین مالی کرد.

**ه) ثبات نرخ ارز:** افزایش و یا کاهش ارزش پول ملی را در مقابل دلار آمریکا (در آمریکا در مقابل مارک آلمان) در طول دوره یک سال تقویمی یا نزدیک‌ترین ۱۲ ماه گذشته به صورت تغییرات درصدی در نظر می‌گیرد.

#### ۴-۴-۲. ارزیابی ریسک اقتصادی محض و ریسک مالی

امتیازهایی که به هر یک از مؤلفه‌ها اختصاص داده می‌شوند براساس یک مقیاس خاص از حداقل صفر تا حداکثر مقدار از پیش تعیین شده‌ای می‌باشد. در کل اگر امتیازهای اختصاص داده شده به هر یک از مؤلفه‌های ریسک اقتصادی محض و ریسک مالی کمتر از ۵۰ درصد کل امتیازها باشد، آن مؤلفه می‌تواند به‌عنوان مؤلفه با ریسک بسیار بالا در نظر گرفته شود. اگر امتیازها بین ۶۰ - ۵۰ درصد امتیاز کل باشند ریسک آن بالاست، در بازه ۷۰ - ۶۰ درصد ریسک متوسط را داریم، در بازه ۸۰ - ۷۰ درصد ریسک کم است و در بازه ۱۰۰ - ۸۰ درصد ریسک بسیار کم است. در کل، در رتبه‌بندی هر کدام از ریسک اقتصادی محض و ریسک مالی، از امتیاز ۰ تا ۲۴/۹ نشان‌دهنده یک ریسک بسیار بالا؛ از امتیاز ۲۵ تا ۲۹/۹ ریسک بالا؛ از امتیاز ۳۰ تا ۳۴/۹ ریسک متوسط؛ از امتیاز ۳۵ تا ۳۹/۹ ریسک پایین و نهایتاً امتیاز ۴۰ و بیشتر نشان‌دهنده ریسک بسیار پایین است. که رتبه‌بندی ریسک اقتصادی محض و ریسک مالی نیز از همان درصدهای اشاره شده در سطور بالا به‌دست می‌آید.<sup>۱</sup>

#### ۴-۴-۵. رتبه‌بندی ریسک اقتصادی ترکیبی<sup>۲</sup> (ریسک اقتصادی کل)

در محاسبه رتبه‌بندی ریسک مرکب، ریسک اقتصادی محض و ریسک مالی به صورت

۱. برای آشنایی بیشتر با جداول وزندهی و امتیازبندی مؤلفه‌های شاخص‌ها رجوع کنید به:

International Country Risk Guide Methodology, PRS GROUP

2. Composite Economic Risk

تغییر نیافته باقی می ماند. ریسک مالی و ریسک اقتصادی محض هر کدام ۵۰ درصد از ریسک ترکیبی را به خود اختصاص می دهند.

فرمول زیر برای محاسبه ریسک کلی اقتصادی مورد استفاده قرار می گیرد

(15: International Country Risk Guide Methodology):

$$CFER(x) = FR + ER \quad (1)$$

CFER = امتیاز ریسک ترکیبی مالی و اقتصادی محض،

FR = امتیاز ریسک مالی،

ER = امتیاز ریسک اقتصادی محض.

بالاترین امتیاز رتبه بندی ریسک ترکیبی (به صورت نظری ۱۰۰) نشان دهنده کمترین ریسک و پایین ترین امتیاز رتبه بندی ریسک ترکیبی (به صورت نظری صفر) نشان دهنده بیشترین ریسک است. رتبه بندی ریسک ترکیبی را می توان براساس جدول زیر سازمان دهی کرد:

**جدول ۳. ارزیابی ریسک اقتصادی و مالی کشورها**

رتبه بندی	بازه امتیازات
ریسک بسیار بالا	۰ تا ۴۹/۹ امتیاز
ریسک بالا	۵۰ تا ۵۹/۹ امتیاز
ریسک متوسط	۶۰ تا ۶۹/۹ امتیاز
ریسک پایین	۷۰ تا ۷۹/۹ امتیاز
ریسک بسیار پایین	۸۰ تا ۱۰۰ امتیاز

Source: Ibid.

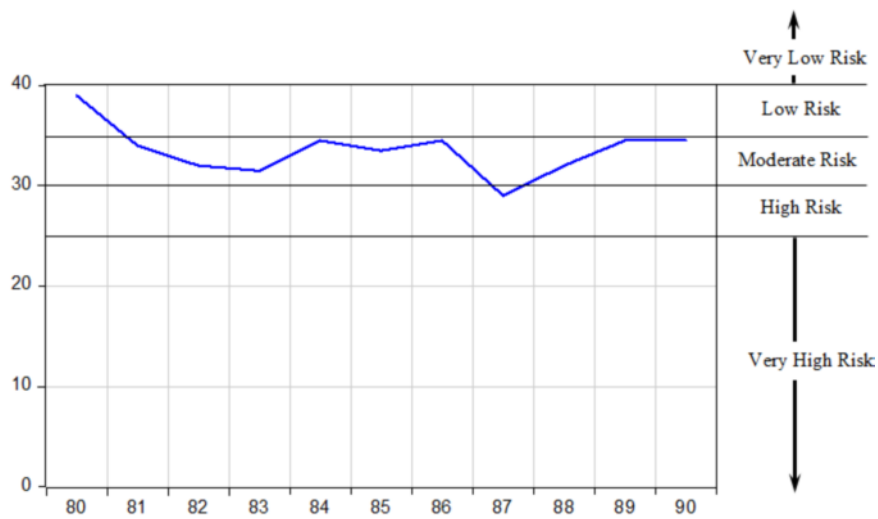
### ۳. برآورد تجربی مدل

#### ۳-۱. برآورد و ارزیابی مؤلفه های ریسک اقتصادی محض

با توجه به اینکه ریسک اقتصادی محض از مجموع امتیاز مؤلفه های زیرمجموعه آن

به دست می آید بنابراین هر یک از این مؤلفه‌ها نقشی تعیین کننده در میزان و رتبه بندی این نوع از ریسک دارد. با توجه به جدول ۴ ستون مربوط به نرخ تورم سالیانه، نشان دهنده نرخ‌های بالای تورم برای ایران و در نتیجه امتیازات نسبی پایین برای آن می باشد که این مسئله عاملی در جهت بالا بردن ریسک اقتصادی محض است. یکی از دیگر مؤلفه‌هایی که باعث افزایش ریسک اقتصادی در ایران می شود نسبت تراز بودجه به تولید ناخالص داخلی است که ارقامی منفی بوده و در نتیجه امتیازات اختصاص یافته به آن جز در سال ۱۳۸۰ که عدد ۷ می باشد در دیگر سال‌های بازه ۰- ۲/۵ بوده است (حداکثر امتیاز ۱۰ می باشد) که حاکی از کسری بودجه شدید برای دولت در طول دوره می باشد. این مؤلفه عامل عمده افزایش دهنده ریسک اقتصادی در طول سال‌های این دوره بوده است. اما امتیازات مرتبط با رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی و نسبت تراز حساب جاری به تولید ناخالص داخلی بالا بوده و در جهت کاهش ریسک اقتصادی برای جمهوری اسلامی ایران عمل می کنند.

#### نمودار ۱. امتیازات و رتبه بندی ریسک اقتصادی محض برای دوره مورد بررسی



مأخذ: محاسبات محقق.

جدول ۴. امتیازات و رتبه‌بندی ریسک اقتصادی محض برای دوره مورد بررسی

سال	تولید ناخالص داخلی سرانه		رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی		نرخ تورم سالانه		نسبت تراز بودجه به تولید ناخالص داخلی		نسبت تراز حساب جاری به تولید ناخالص داخلی		Economic Risk Points	Rating *
	% میانگین	امتیازات	% تغییرات	امتیازات	% تغییرات	امتیازات	GDP %	امتیازات	GDP %	امتیازات		
۱۳۸۰	۰/۲۷	۱	۴/۸	۹	۱۱/۴	۷	-۱/۰۲	۷	۱۴/۳	۱۵	۳۹	ریسک پایین
۱۳۸۱	۰/۲۶	۱	۶/۵	۱۰	۱۵/۸	۶	-۱۰/۳۹	۲/۵	۸/۰۱	۱۴/۵	۳۴	ریسک متوسط
۱۳۸۲	۰/۲۹	۱	۷/۴	۱۰	۱۵/۶	۶	-۱۱/۴۶	۲/۵	۱/۷۶	۱۲/۵	۳۲	ریسک متوسط
۱۳۸۳	۰/۳۴	۱/۵	۴/۸	۹	۱۵/۲	۶	-۱۱/۹۹	۲	۳/۰۷	۱۳	۳۱/۵	ریسک متوسط
۱۳۸۴	۰/۳۹	۲	۴/۲	۹	۱۲/۱	۶/۵	-۱۳/۸۶	۲	۳۴/۲۷	۱۵	۳۴/۵	ریسک متوسط
۱۳۸۵	۰/۴۳	۲	۶/۲	۱۰	۱۴/۶	۶/۵	-۳۱/۵۱	۰	۴۰/۵۹	۱۵	۳۳/۵	ریسک متوسط
۱۳۸۶	۰/۵۳	۲/۵	۶/۹	۱۰	۱۸/۴	۵/۵	-۱۹/۵۶	۱/۵	۶۲/۱۰	۱۵	۳۴/۵	ریسک متوسط
۱۳۸۷	۰/۶۵	۲/۵	۲/۳	۷/۵	۲۵/۴	۴	-۴۲/۳۵	۰	۴۴/۵۸	۱۵	۲۹	ریسک بالا
۱۳۸۸	۰/۶۸	۲/۵	۲/۳	۷/۵	۱۰/۸	۷	-۳۲/۷۱	۰	۱۸/۵۵	۱۵	۳۲	ریسک متوسط
۱۳۸۹	۰/۷۶	۳	۵/۸	۹/۵	۲۰	۵	-۱۴/۳۰	۲	۵۴/۱۷	۱۵	۳۴/۵	ریسک متوسط
۱۳۹۰	۰/۹۰	۳	۳/۴	۸/۵	۲۳	۴/۵	-۸/۰۷	۳/۵	۱۴۴/۰۰	۱۵	۳۴/۵	ریسک متوسط

\* 0-24.9 Very High Risk, 25 – 29.9 High Risk, 30-34.9 Moderate Risk, 35-39.9 Low Risk, 40 or More Very Low Risk.

مأخذ: محاسبات محقق.

همان‌گونه که در نمودار ۱ قابل رؤیت است، ریسک اقتصادی محض در دوره مورد بررسی نوسانات زیادی دارد زیرا در سال ۱۳۸۰ از ریسک پایین شروع می‌شود، در دوره ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۶ ریسک متوسط را تجربه می‌کند و در سال ۱۳۸۷ پس از رسیدن به رتبه‌بندی ریسک بالا نهایتاً بقیه دوره را با ریسک متوسط به پایان می‌برد. این نوسانات در ریسک اقتصادی محض، می‌تواند حاکی از آن باشد که اقتصاد کشور دارای نوعی تلاطم و عدم ثبات ذاتی در خود بوده و این مسئله به خودی خود سیگنال‌های منفی را برای سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان خارجی ارسال می‌کند. ریسک اقتصادی سال ۱۳۸۰ به دلیل تورم پایین، رشد تولید ناخالص داخلی بالا و تراز حساب جاری بالا در نتیجه مناسبات اقتصادی قابل قبول در عرصه بین‌المللی (در نتیجه امتیازات بالای این مؤلفه‌ها) در حد پایین

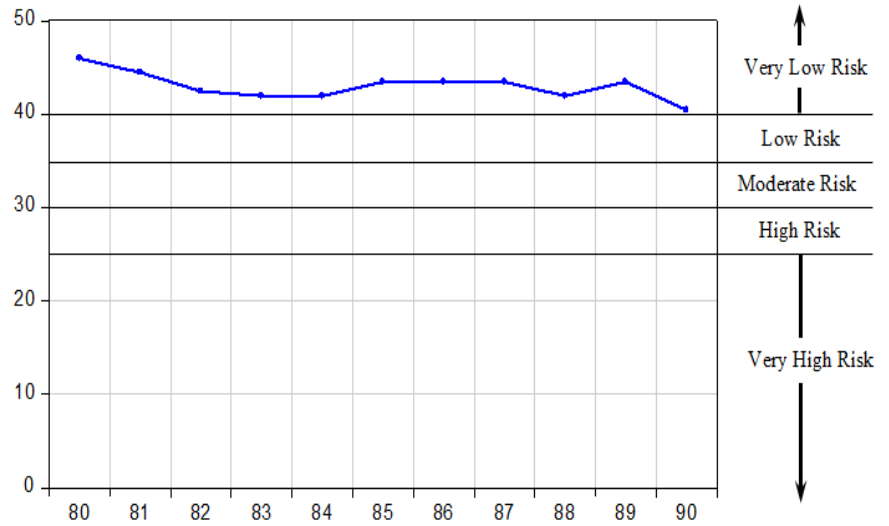
قرار دارد. اما در سال ۱۳۸۷ به دلیل شروع بحران اقتصادی جهانی و در نتیجه متأثر شدن کشور از آن و نیز برخی مشکلات سوء مدیریتی در اقتصاد و ازسویی (از آن جمله تورم بالا، رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی پایین، کسری بودجه بالا و نسبت تراز حساب جاری پایین) باعث شده است که ریسک اقتصادی افزایش یابد.

### ۲-۳. برآورد و ارزیابی ریسک مالی

توضیحاتی که در مورد اهمیت و نقش مؤلفه‌های تشکیل دهنده ریسک اقتصادی محض داده شد، در مورد ریسک مالی و مؤلفه‌های مالی نیز صادق است. پنج مؤلفه اساسی تشکیل دهنده این ریسک (با توجه به جدول ۵) با استفاده از داده‌های متغیرهای این مؤلفه‌ها برای دوره مورد بررسی محاسبه شده‌اند. در این میان نسبت بدهی خارجی به تولید ناخالص داخلی در ستون دوم برای سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳ امتیاز  $۷/۸ - ۷$  را به دست می‌آورد و برای سال‌های بعد از آن این امتیاز بین ۶-۵ متغیر است. کاهش این امتیاز برای سال‌های بعد از ۱۳۸۳ به ۵۰ تا ۶۰ درصد امتیاز ایدئال این مؤلفه حاکی از بدتر شدن وضعیت بدهی خارجی کشور در مقایسه با تولید ناخالص داخلی برای این سال‌هاست که به عنوان عاملی در جهت بدتر کردن وضعیت ریسک مالی عمل می‌کند. امتیازات متعلق به نسبت بازپرداخت بدهی خارجی به صادرات کالاها و خدمات نشان می‌دهد که در طول دوره مورد بررسی این مؤلفه مقادیری در بازه ۹-۸ را به خود اختصاص می‌دهد و این به معنی ۸۰ الی ۹۰ درصد از امتیاز ایدئال می‌باشد. مقادیر نسبتاً بالای امتیازات این مؤلفه بیانگر حجم پایین بازپرداخت بدهی خارجی نسبت به صادرات کالاها و خدمات در کشور است. دیگر مؤلفه‌های این نوع از ریسک (نسبت حساب جاری به صادرات کالاها و خدمات، نقدینگی بین‌المللی به صورت ماه‌های پوشش واردات، ثبات نرخ ارز) نیز امتیازات نسبتاً بالایی را در طول دوره به خود اختصاص می‌دهند که عواملی برای پایین بودن ریسک مالی است.



نمودار ۲. امتیازات و رتبه‌بندی ریسک مالی برای دوره مورد بررسی



مأخذ: همان.

با توجه به مقادیر محاسبه شده برای ریسک مالی، برای کل سال‌های دوره، این ریسک برای جمهوری اسلامی ایران در بازه ریسک بسیار پایین قرار می‌گیرد (امتیازات محاسبه شده در بازه ۴۶ - ۴۰/۵ قرار می‌گیرد). در مورد شاخص ریسک مالی برای طول دوره که در نمودار ۲ نشان داده شده است، کشور نوسانات زیادی را نداشته است و تقریباً روندی ثابت را در ریسک بسیار پایین تجربه می‌کند. که شاید یکی از مهم‌ترین دلایل آن را می‌توان متصل نبودن بازارهای مالی ایران به بازارهای مالی جهانی و تأمین داخلی نیازهای مالی از طریق وجوه داخلی و نیز منابع نفتی دانست.

جدول ۵. امتیازات و رتبه‌بندی ریسک مالی برای دوره مورد بررسی

سال	نسبت بدهی خارجی به تولید ناخالص داخلی		نسبت بازپرداخت بدهی خارجی به صادرات کالاها و خدمات		نسبت حساب جاری به صادرات کالاها و خدمات		نقدینگی بین‌المللی خالص به صورت ماه‌های پوشش واردات		نبات نرخ ارز		Financial Risk Points	Rating*
	GDP %	امتیازات	EXP %	امتیازات	EXP %	امتیازات	ماه	امتیازات	% تغییرات	امتیازات		
۱۳۸۰	۱۶/۹۸	۸/۵	۱۷/۴۵	۸	۳۴/۲۹	۱۵	۱۲/۴۶	۴/۵	۰/۸۰	۱۰	۴۶	ریسک بسیار پایین
۱۳۸۱	۲۰/۵۶	۸	۱۰/۶۳	۹	۱۱/۵۱	۱۳/۵	۹/۵۲۴	۴	۰/۸۳	۱۰	۴۴/۵	ریسک بسیار پایین
۱۳۸۲	۲۶/۱۲	۷/۵	۹/۵۱	۹	۲/۲۱	۱۲/۵	۸/۶۰۸	۴/۵	۴/۱۵	۱۰	۴۲/۵	ریسک بسیار پایین
۱۳۸۳	۳۳/۳۹	۷	۱۴/۶۴	۸/۵	۳/۰۵	۱۲/۵	۹/۱۹۱	۴	۵/۰۹	۱۰	۴۲	ریسک بسیار پایین
۱۳۸۴	۴۹/۹۹	۵	۱۵/۱۲	۵/۸	۲۴/۴۸	۱۴/۵	۱۱/۳۶	۴	۳/۳۷	۱۰	۴۲	ریسک بسیار پایین
۱۳۸۵	۴۴/۳۶	۵/۵	۱۵/۹۵	۸/۵	۲۵/۶۳	۱۵	۱۲/۶	۴/۵	۲/۰۳	۱۰	۴۳/۵	ریسک بسیار پایین
۱۳۸۶	۵۴/۵۸	۵	۱۱/۸۴	۹	۳۱/۱۶	۱۵	۱۳/۵۲	۴/۵	۱/۴۲	۱۰	۴۳/۵	ریسک بسیار پایین
۱۳۸۷	۴۱/۹۷	۶	۱۲/۷۲	۹	۲۰/۹۴	۱۴/۵	۱۰/۸۶	۴	۳/۳۱	۱۰	۴۳/۵	ریسک بسیار پایین
۱۳۸۸	۴۲/۱۳	۶	۱۰/۰۲	۹	۹/۸۳	۱۳	۱۰/۷۷	۴	۳/۲۲	۱۰	۴۲	ریسک بسیار پایین
۱۳۸۹	۴۴/۸۵	۶	۹/۵۵	۹	۲۲/۶۵	۱۴/۵	۱۰/۰۳	۴	۶/۲۳	۱۰	۴۳/۵	ریسک بسیار پایین
۱۳۹۰	۴۶/۷۹	۵/۵	۹/۰۲	۹	۳۸/۸۹	۱۵	۱۱/۲۸	۴	۲۹/۳۷	۷	۴۰/۵	ریسک بسیار پایین

\* 0-24.9 Very High Risk, 25 – 29.9 High Risk, 30-34.9 Moderate Risk, 35-39.9 Low Risk, 40 or More Very Low Risk.

مأخذ: همان.

### ۳-۳. امتیازات و ارزیابی ریسک اقتصادی مرکب (ریسک اقتصادی کل)

پس از انجام بررسی‌های لازم در زمینه ریسک اقتصادی محض و ریسک مالی، به بحث در

مورد یک ریسک کلی و ترکیبی از این دو نوع ریسک می‌پردازیم. همان‌گونه که در بخش رتبه‌بندی ریسک اقتصادی ترکیبی (ریسک اقتصادی کل) گذشت ریسک ترکیبی اقتصادی از رابطه ۱ به‌دست می‌آید. مقادیر امتیازات شاخص ریسک اقتصادی کل در جدول ۶ آورده شده است.

جدول ۶. امتیازات و ارزیابی رتبه‌بندی ریسک اقتصادی مرکب (ریسک اقتصادی کل)

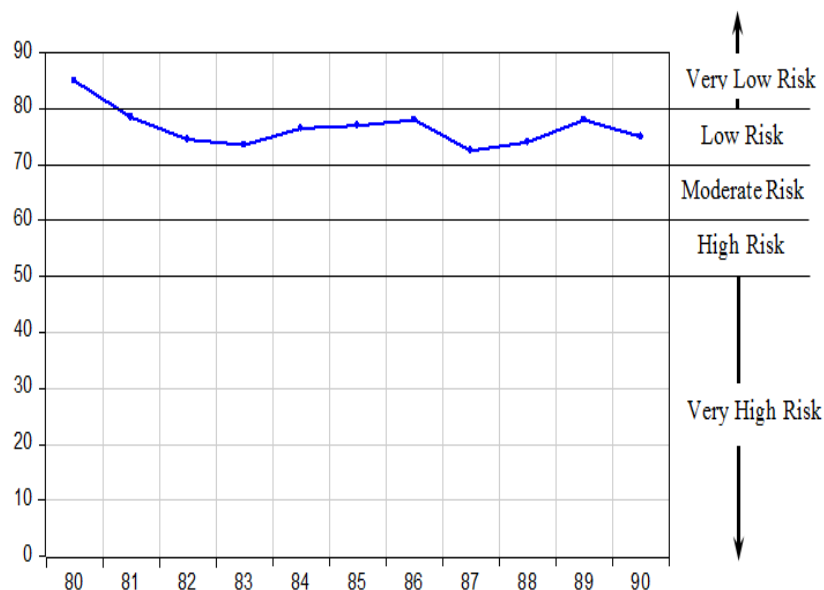
سال	Composite Risk Points (Total Economic Risk)	Rating*
۱۳۸۰	۸۵	ریسک بسیار پایین
۱۳۸۱	۷۸/۵	ریسک پایین
۱۳۸۲	۷۴/۵	ریسک پایین
۱۳۸۳	۷۳/۵	ریسک پایین
۱۴۸۴	۷۶/۵	ریسک پایین
۱۳۸۵	۷۷	ریسک پایین
۱۳۸۶	۷۸	ریسک پایین
۱۳۸۷	۷۲/۵	ریسک پایین
۱۳۸۸	۷۴	ریسک پایین
۱۳۸۹	۷۸	ریسک پایین
۱۳۹۰	۷۵	ریسک پایین

\* 0 – 49.9 Very High Risk , 50 – 59.5 High Risk, 60-69.9 Moderate Risk, 70 – 79.9 Low Risk, 80 or More Very Low Risk

مأخذ: همان.

شاخص مرکب ریسک اقتصادی که در نمودار ۳ ارائه شده است تلفیقی از شاخص ریسک اقتصادی محض و شاخص ریسک مالی است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود جز سال ۱۳۸۰ که امتیاز بالای ریسک اقتصادی محض و ریسک مالی منجر به ریسک بسیار پایین شده است، در بقیه سال‌ها سنتز این دو شاخص منجر به ریسک مرکب پایین شده است.

نمودار ۳. امتیازات و ارزیابی رتبه‌بندی ریسک اقتصادی مرکب (ریسک اقتصادی کل)



مأخذ: همان.

۳-۴. امتیازات و ارزیابی‌های پیش‌بینی شده ICRG برای ریسک اقتصادی

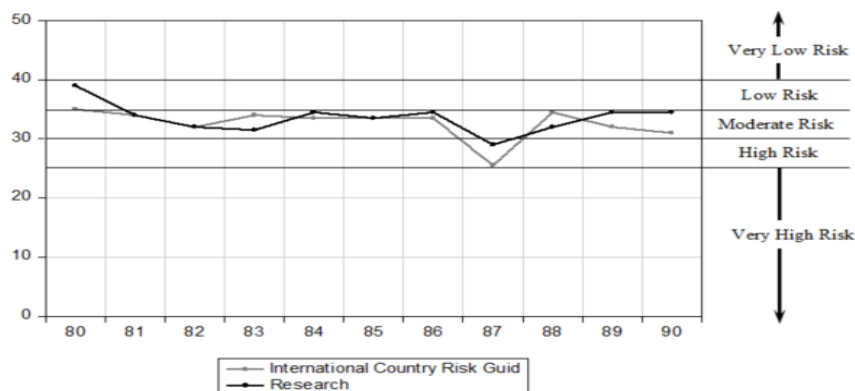
محض، ریسک مالی و ریسک مرکب اقتصادی جمهوری اسلامی ایران برای مقایسه نتایج پژوهش از امتیازات و رتبه‌بندی‌های ریسک اقتصادی محض و ریسک مالی ارائه شده توسط مؤسسه راهنمای بین‌المللی ریسک کشوری که در جدول ۷ ارائه شده است استفاده می‌شود. این داده‌ها از سایت اینترنتی این مؤسسه برای جمهوری اسلامی ایران در دوره ۲۰۱۱-۲۰۰۱ اقتباس شده است. با استفاده از این داده‌ها شاخص ریسک ترکیبی به صورت ستون سوم جدول ۷ به دست می‌آید که جز برای سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۸ که دارای ریسک بسیار پایین هستند برای دیگر سال‌های دوره مورد بررسی دارای ریسک پایین است.

جدول ۷. امتیازات و ارزیابی‌های پیش‌بینی شده به‌وسیله ICRG برای ریسک اقتصادی محض، ریسک مالی و ریسک مرکب اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

سال	ریسک اقتصادی	رتبه‌بندی	ریسک مالی	رتبه‌بندی	ریسک مرکب اقتصادی	رتبه‌بندی
۱۳۸۰	۳۵	ریسک پایین	۴۳/۵	ریسک بسیار پایین	۷۸/۵	ریسک پایین
۱۳۸۱	۳۴	ریسک متوسط	۴۵/۵	ریسک بسیار پایین	۷۹/۵	ریسک پایین
۱۳۸۲	۳۲	ریسک متوسط	۴۵	ریسک بسیار پایین	۷۷	ریسک پایین
۱۳۸۳	۳۴	ریسک متوسط	۴۵/۵	ریسک بسیار پایین	۷۸/۵	ریسک پایین
۱۳۸۴	۳۳/۵	ریسک متوسط	۴۵/۵	ریسک بسیار پایین	۷۹	ریسک پایین
۱۳۸۵	۳۳/۵	ریسک متوسط	۴۷	ریسک بسیار پایین	۸۰/۵	ریسک بسیار پایین
۱۳۸۶	۳۳/۵	ریسک متوسط	۴۶	ریسک بسیار پایین	۷۹/۵	ریسک پایین
۱۳۸۷	۲۵/۵	ریسک بالا	۴۶	ریسک بسیار پایین	۷۱/۵	ریسک پایین
۱۳۸۸	۳۴/۵	ریسک متوسط	۴۷	ریسک بسیار پایین	۸۱/۵	ریسک بسیار پایین
۱۳۸۹	۳۲	ریسک متوسط	۴۷/۵	ریسک بسیار پایین	۷۹/۵	ریسک پایین
۱۳۹۰	۳۱	ریسک متوسط	۴۷/۵	ریسک بسیار پایین	۷۸/۵	ریسک پایین

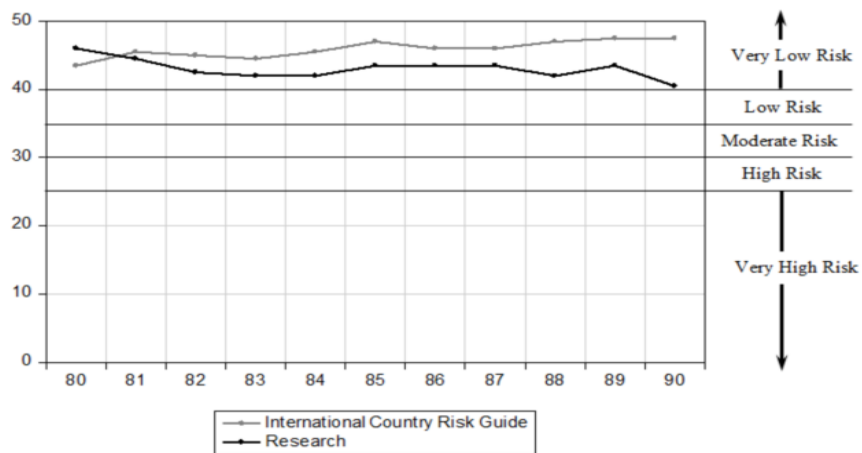
مأخذ: داده‌های پیش‌بینی مؤسسه ICRG برای امتیازات و ارزیابی‌های ریسک جمهوری اسلامی ایران.

نمودار ۴. مقایسه ریسک اقتصادی محض محاسبه شده توسط پژوهش و ارائه شده توسط مؤسسه ICRG



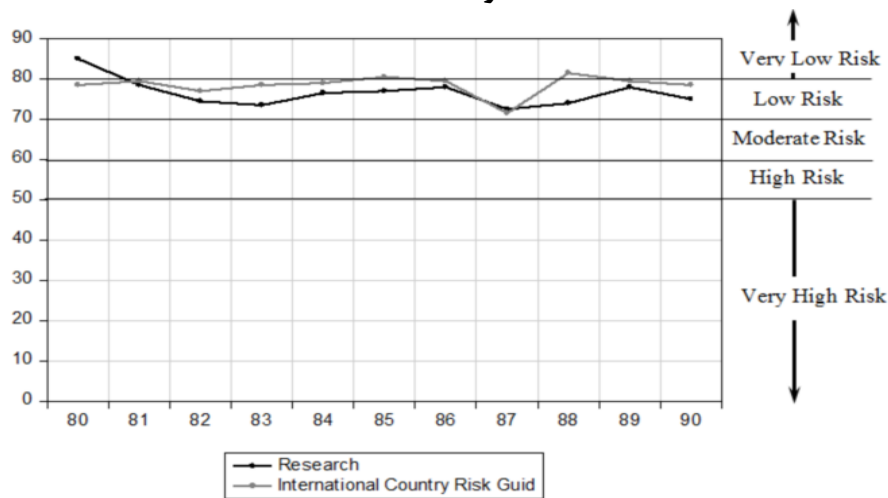
مأخذ: همان.

نمودار ۵. مقایسه ریسک مالی محاسبه شده توسط پژوهش و ارائه شده توسط مؤسسه ICRG



مأخذ: همان.

نمودار ۶. مقایسه ریسک مرکب (ریسک اقتصادی کل) محاسبه شده توسط پژوهش و مؤسسه ICRG



مأخذ: همان.

نمودارهای مقایسه‌ای ریسک اقتصادی محض، ریسک مالی و ریسک مرکب

اقتصادی (ریسک کل) به ترتیب در نمودارهای ۴، ۵ و ۶ برای مقادیر خروجی پژوهش و مقادیر ارائه شده توسط ICRG در صفحه قبل آمده است.

جدول ۸. اختلاف بین امتیازات محاسبه شده توسط پژوهش و ارائه شده توسط مؤسسه راهنمای بین‌المللی ریسک کشوری

سال	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰
Research	۸۵	۷۸/۵	۷۴/۵	۷۳/۵	۷۶/۵	۷۷	۷۸	۷۲/۵	۷۴	۷۸	۷۵
ICRG	۷۸/۵	۷۹/۵	۷۷	۷۸/۵	۷۹	۸۰/۵	۷۹/۵	۷۱/۵	۸۱/۵	۷۹/۵	۷۸/۵
Difference	۶/۵	-۱	-۲/۵	-۵	-۲/۵	-۳/۵	-۱/۵	۰/۵	-۲/۵	-۱/۵	-۳/۵

مأخذ: محاسبات محقق.

با توجه به نمودار ۶ و نیز جداول ۷ و ۸ می‌توان مشاهده کرد که شاخص ریسک اقتصادی مرکب ارائه شده توسط مؤسسه ICRG جز در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۷ بیشتر از مقادیر واقعی محاسبه شده توسط پژوهش است که عمده دلیل آن را می‌توان همان ارتباط بسیار ضعیف بین بازارهای مالی جمهوری اسلامی ایران با بازارهای مالی بین‌المللی عنوان کرد که منجر به ریسک مالی کمتر برای آن می‌شود و در نتیجه ترکیب آن با ریسک اقتصادی محض (ریسک اقتصادی محض ارائه شده توسط مؤسسه ICRG همان‌گونه که در نمودار ۴ قابل مشاهده است در اکثر سال‌های دوره بزرگ‌تر از مقادیر محاسبه شده توسط پژوهش است) نیز مقادیر پایینی را برای ریسک اقتصادی مرکب گزارش می‌کند. که نمونه بارز آن را می‌توان در مورد سال ۱۳۸۷ مشاهده کرد که در آن با بروز بحران مالی جهانی (بحران مالی سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸) چون از نظر مؤسسه ICRG با توجه به درجه باز بودن بازارهای مالی این بحران‌ها تأثیر اندکی بر بازارهای مالی ایران و در نتیجه ریسک مالی آن دارد بنابراین همان‌طور که از نمودار ۵ نیز مشخص است شاخص ریسک مالی بدون کمترین تغییرات از این سال‌ها رد می‌شود. اما از آنجا که همین بحران مالی بر عملکرد اقتصاد جهانی نیز تأثیرگذار بوده و آن را نیز دچار شوک کرد، شاخص ریسک

اقتصادی محض این مؤسسه در این سال برای مورد جمهوری اسلامی ایران شوک نسبتاً بزرگی را نشان می‌دهد. دلیل این شوک در شاخص ریسک اقتصادی مبادلات بالای کالاها و خدمات و از آن جمله کالای استراتژیک نفت ایران با سایر کشورهای جهان است، که براساس پیش‌بینی مؤسسه در این سال به دلیل کاهش فعالیت‌های اقتصادی جهانی و افت تقاضا و قیمت نفت، اقتصاد ایران با افزایش ناگهانی در ریسک اقتصادی روبه‌رو خواهد شد، این مسئله به وضوح در نمودار ۴ قابل مشاهده است. البته ناگفته نماند که این مسئله برای سایر سال‌های دوره نیز در مورد ریسک اقتصادی محض صادق است.

### ۳-۵. بررسی اختلاف بین نتایج پژوهش و پیش‌بینی‌های ICRG

برای آزمون معناداری اختلاف بین مقادیر گزارش شده به وسیله ICRG و مقادیر به دست آمده از فرایند پژوهش این گونه فرض می‌کنیم که مقادیر حاصل از تحقیق برای ریسک چون مقادیری است که با استفاده از همان پروتکل مورد استفاده اما با استفاده از داده‌های نهادها و سازمان‌های داخلی به دست می‌آید پس مقادیری واقعی هستند و مقادیر اعلام شده برای ریسک اقتصادی جمهوری اسلامی ایران توسط مؤسسه مذکور چون اولاً برپایه داده‌های نهادها و سازمان‌های اقتصادی و مالی بین‌المللی که یک حالت تخمینی دارد (زیرا اساساً بر مبنای شواهد و قرائن و عملکرد دوره‌های قبل ارائه می‌شوند) و ثانیاً به صورت پیش‌بینی و آینده‌نگر ارائه می‌شوند، تخمینی از ریسک اقتصادی برای کشور در نظر گرفته می‌شود. حال برای آزمون معناداری اختلاف این دو سری از نتایج می‌توانیم از آزمون معناداری رگرسیونی با استفاده از ضریب تعیین  $R^2$  استفاده کنیم.

$$R^2 = \frac{(\hat{Y} - \bar{Y})}{(Y - \bar{Y})} \quad (۲)$$

که در آن:  $\hat{Y}$  = مقادیر تخمینی متغیر

$Y$  = مقادیر واقعی متغیر

$\bar{Y}$  = میانگین مقادیر واقعی متغیر



و برای این آزمون از آماره آزمون زیر برای ضریب تعیین استفاده می‌کنیم:

$$F = \frac{(n-2)R^2}{1-R^2} \quad (۳)$$

که در آن آماره  $F$  با ۱ و  $(n-2)$  درجه آزادی مورد آزمون قرار می‌گیرد.

حال با توجه به جدول ۸ می‌توانیم مقدار ضریب تعیین را با توجه به تعاریفی که در مورد مقادیر موجود داشتیم به دست آوریم که در آن به صورت زیر به دست می‌آید:

$$R^2 = 0.908637$$

حال با توجه به این مقدار از ضریب تعیین آماره آزمون  $F$  با ۹ درجه آزادی به صورت زیر به دست می‌آید:

$$F = 109.3987$$

که با توجه به مقدار بحرانی در سطح معناداری ۵ درصد که برابر است با:

$$F_{5\%,1,11} = 4.84$$

پس در سطح ۵ درصد فرض معنادار بودن اختلاف بین مقادیر ریسک گزارش شده از ICRG از مقادیر محاسبه شده توسط پژوهش رد می‌شود.

#### ۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

براساس فرایند و محاسبات این پژوهش، یافته‌های تحقیق به صورت زیر دسته‌بندی می‌شود:

۱. امتیازات ریسک اقتصادی محض محاسبه شده جز سال ۱۳۸۰ که دارای رتبه‌بندی ریسک پایین بوده و در سال ۱۳۸۷ دارای رتبه‌بندی ریسک بالاست، در بقیه سال‌های دوره مورد بررسی دارای رتبه ریسک متوسط (۳۹/۹ - ۳۵) است.

۲. امتیازات ریسک مالی در تمام سال‌های دوره مورد بررسی یعنی در بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ دارای رتبه‌بندی ریسک بسیار پایین (۴۰ یا بیشتر) است.

۳. ترکیب امتیازات ریسک اقتصادی محض و ریسک مالی که ما آن را به‌عنوان معیاری از ریسک ترکیبی اقتصادی در نظر می‌گیریم (که هر دو جنبه مالی و اقتصادی را در خود جای داده است) جز برای سال ۱۳۸۰ که دارای رتبه‌بندی ریسک بسیار پایین

(بزرگ‌تر از ۸۰) است، در بقیه سال‌های دوره مورد بررسی این شاخص دارای رتبه‌بندی ریسک پایین (۷۹/۹ - ۷۰) می‌باشد.

۴. روند امتیازات و شاخص‌های ریسک اقتصادی محض و ریسک مالی ارائه شده از سوی مؤسسه راهنمای بین‌المللی ریسک کشوری نیز دقیقاً همانند روند امتیازات محاسبه شده با استفاده از پژوهش است، تنها با این تفاوت که در اکثر سال‌های دوره مورد بررسی امتیازات ارائه شده از سوی این مؤسسه برای جمهوری اسلامی ایران بالاتر از مقادیر محاسبه شده پژوهش است که نشان‌دهنده ریسک نسبی پایین‌تر است.

۵. آنچنانکه از نمودار ۶ و جدول ۸ برمی‌آید، اختلاف بین مقادیر محاسبه شده توسط پژوهش و مقادیر ارائه شده توسط مؤسسه راهنمای بین‌المللی ریسک کشوری حاکی از آن است که علی‌رغم یکسان بودن رتبه‌بندی‌ها برای ریسک ترکیبی، امتیازات ارائه شده توسط این مؤسسه بزرگ‌تر است که می‌تواند منجر به پایین نشان دادن ریسک ترکیبی، حتی به میزان بسیار جزئی شود. از طرف دیگر از بخش آزمون فرض می‌توان این‌گونه استنباط کرد که فرض مبنی بر انحراف و سوگیری این مؤسسه در محاسبه و ارائه رتبه‌بندی ریسک برای جمهوری اسلامی ایران رد می‌شود.

## منابع و مأخذ

۱. احمدیان، مریم (۱۳۹۰). معرفی و نقد شاخص راهنمای بین‌المللی ریسک کشوری JCRG، معاونت پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۲. واعظ، محمد، لیلا ترکی و نعیمه جلوه‌گران (۱۳۹۰). «تأثیر ریسک اعتباری کشور بر خالص تحرک بین‌المللی سرمایه در ایران»، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های اقتصادی، سال سیزدهم، ش ۱.
۳. گیلک حکیم‌آبادی، محمدتقی، احمد جعفری صمیمی و مسیح مولانا (۱۳۸۹). «مدل رتبه‌بندی ریسک اعتباری کشورهای در حال توسعه به روش تحلیل مؤلفه‌ها»، فصلنامه علمی - پژوهشی جستارهای اقتصادی، ش ۱۲.
4. Erbs, C.B., R.H. Campbell and T.E Viskanta (1996). "Political Risk, Economic Risk and Financial Risk", *Financial Analysts Journal* 52.
5. Henry Bouchet, Michel, Ephraim Clark and Bertrand Gros Lambert (2003). *Country Risk Assessment A Guide to Global Investment Strategy*, Wiley Finance Series.
6. Hoti, Suhejla and Michael McAleer (2002). *Country Risk Ratings: An International Comparison*, University of Western Australia, Department of Economics.
7. *International Country Risk Guide Methodology*, PRS GROUP.
8. K. Nath, Hiranya (2008). Country Risk Analysis: A Survey of the Quantitative Methods. SHSU Economics and Intl. Business Working Paper No. SHSU\_ECO\_WP08-04.
9. Oetzel, Jennifer M. and Richard A. Bettis (2001). "Country Risk Measures: How Risky are They?", *Journal of World Business*.
10. Timurlenk, Ozden and Kubilay Kaptan (2012). Country Risk, Istanbul Disaster Education, Application and Research Center (AFAM), IAU.
11. Vij, Madhu (2009). *The Determinants of Country Risk Analysis: An Empirical Approach*, University of Delhi, Faculty of Management Studies.
12. Vose, David (2008). *Risk Analysis: A Quantitative Guide*, John Wiley and Sons, Ltd.
13. Wang, Peijie (2004). *The Economics of Foreign Exchange and Global Finance*, Published By Springer.



# بررسی قانون مجازات اسلامی جدید در سنجه ضوابط قانون‌نگاری روح‌الله اکرمی\*

تاریخ دریافت ۱۳۹۳/۱/۳۰	تاریخ پذیرش ۱۳۹۴/۳/۲۰
------------------------	-----------------------

قانون مجازات اسلامی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین قوانین کیفری در جمهوری اسلامی ایران طی سه دهه سپری شده از انقلاب اسلامی، تغییرات فراوانی را پشت سر نهاده و سالیان متعدد به‌صورت آزمایشی اجرا می‌شد تا آنکه بالاخره در سال ۱۳۹۲ چهار کتاب نخست آن مورد بازبینی کامل قرار گرفت. اگرچه این قانون دارای امتیازات متعددی در مقایسه با قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ است، لکن از منظر ضوابط نگارش قانون متضمن اشکالات جدی است. در این نوشتار وضعیت قانون را در ارتباط با رعایت اصولی چون انسجام محتوایی، سودمندی، جامعیت، قاعده‌گرایی، اختصار، انتظام ساختاری، دقت در استفاده از اصطلاحات، صراحت و التزام به چارچوب موضوعی قانون مورد مطالعه قرار داده‌ایم.

**کلیدواژه‌ها: قانون مجازات اسلامی جدید؛ اصول قانون‌نگاری؛ نقد حقوقی**

قانون کیفری، به‌عنوان آینه ارزش‌های اجتماع، همواره از موقعیت ممتازی در ارزیابی سطح فرهنگی جوامع مختلف برخوردار است. از این‌رو، رعایت اصول قانونگذاری و قانون‌نگاری، در تدوین مقررات جزایی نسبت به سایر قوانین، اهمیت بیشتری خواهد داشت.

با پیروزی انقلاب اسلامی در کشور ما شاهد تحولات بنیادین در عرصه قانونگذاری جزایی بوده‌ایم که تلاش شده است در هر تغییری روند رو به اصلاح قوانین پیگیری شود. لیکن به‌نظر می‌رسد در آخرین مرحله تقنینی عمده در این عرصه که منجر به تصویب قانون مجازات اسلامی در اردیبهشت ۱۳۹۲ شده است، به‌رغم پیشرفت‌های در خور تحسین نسبت به قوانین گذشته، انتظارات جامعه حقوقی به نحو کامل محقق نشده است.

در مقاله حاضر، نگارنده بر آن است تا با بررسی وضعیت قانون مورد بحث، در محک معیارهای قانون‌نگاری، که ناظر بر چگونگی قالب بیان مقررات و فارغ از محتوای قواعد اتخاذ شده است، این قانون را مورد بررسی قرار دهد.

در مورد تبیین معیارهای قانون‌نگاری تحقیقات چندانی انجام نشده است،<sup>۱</sup> لیکن با توجه به محدود پژوهش‌های انجام شده در این عرصه می‌توان برخی از این ملاک‌های مورد وفاق را مطمئن نظر قرار داد. از این‌رو در مقاله حاضر تلاش شده است تا وضعیت قانون مجازات اسلامی را در ارتباط با ۹ سنجه به شرح انسجام محتوایی، سودمندی، جامعیت، قاعده‌گرایی، پابندی به چارچوب موضوعی قانون، صراحت و اجتناب از ابهام‌انگیزی، دقت در استعمال لغات و اصطلاحات، اختصار در متن مواد و انتظام ساختاری مورد بررسی قرار دهیم.

## ۱. انسجام محتوایی

از مهم‌ترین ویژگی‌های یک قانون مناسب آن است که میان مقررات آن یکپارچگی

۱. از جمله چنین منابعی می‌توان به کتاب *شیوه‌نامه نگارش قانون اثر آقای صفر بیگ‌زاده* از انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و کتاب *بایسته‌های تقنین اثر آقای احمد حاجی ده‌آبادی* از منشورات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی اشاره کرد، که در نوشتار حاضر از آنها بهره‌برداری شده است.

منطقی حاکم باشد و از هرگونه تعارضی که آن را از انسجام بیاندازد، به دور باشد. عدم رعایت ضابطه مزبور ضمن آنکه از اعتبار قانون می‌کاهد، موجب بروز تشتت در تفسیرهای به عمل آمده از آن شده و اصلاح مجدد قانون را ایجاب می‌کند، امری که با قدری دقت در قانون‌نویسی، به راحتی احتراز از آن ممکن می‌بود. در همین راستاست که برخی لازمه وضوح قانون را خالی بودن از تناقض منطقی دانسته به گونه‌ای که با دیگر اجزای نظام حقوقی، در یک کل معنادار جای گیرد (راسخ، ۱۳۸۴: ۳۶).

قانون مجازات اسلامی جدید، ضمن آنکه در بسیاری از موارد اختلاف و تناقض‌های موجود در قانون سابق را برطرف ساخته است،<sup>۱</sup> لیکن خود نیز به تعارض‌های جدیدی مبتلاست. این تعارض‌ها در دو قالب می‌توانند تبلور یابند؛ گاهی تعارض برخاسته از نحوه بیان خود قانون است به این معنا که مدلول دو مقرر به گونه‌ای می‌باشند که با یکدیگر قابل جمع نیستند، ولی گاهی تعارض رقیق‌تر و برگرفته از اقتضای منطق حقوقی است که به ما اجازه پذیرش دو حکم نامتجانس با هم را نمی‌دهد.

در مورد نمونه دسته نخست از تعارضات می‌توان به این دو مثال توجه کرد: در مورد تأثیر نهاد عفو بر آثار تبعی محکومیت‌های کیفری، تبصره «۳» ماده (۲۵) با تصریح بر برقراری این آثار به‌رغم اعطای عفو مقرر می‌دارد «در عفو و آزادی مشروط، اثر تبعی محکومیت پس از گذشت مدت‌های فوق از زمان عفو یا اتمام مدت آزادی مشروط رفع می‌شود»، این در حالی است که ماده (۹۸) عکس این موضع را اتخاذ و بیان داشته «عفو، همه آثار محکومیت را منتفی می‌کند». این تفاوت در احکام موضوع دو مقرر اخیر سبب شد تا تفاسیر مختلفی از آن به عمل آید، به گونه‌ای که برخی با حمل نمودن عفو موضوع تبصره «۳» ماده (۲۵) بر عفو خصوصی و ماده (۹۸) بر عفو عمومی تلاش کرده‌اند تا از این طریق رفع تعارض سازند،<sup>۲</sup> و عده‌ای دیگر نیز به راه‌حل متفاوتی متمسک شده که وفق آن

۱. مانند تعارض بین مواد (۲۲۵) و (۳۲۳) قانون سابق، راجع به مسئولیت ناشی از جنایات نائم، که به موجب بند «الف»

ماده (۲۹۲) قانون جدید رفع شده است.

۲. مطابق نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه به شماره ۱۴۶۶/۹۲/۷ مورخ ۹۲/۸/۶ «با توجه به اینکه در ماده (۹۷) ←

قائل شده‌اند که حکم ماده (۹۸) عفو همه آثار محکومیت، به استثنای مجازات‌های تبعی موضوع ماده (۲۵) را زایل می‌سازد، لذا مثلاً عفو (اعم از عمومی و خصوصی) آثار مقررات مربوط به تکرار جرم را از بین می‌برد<sup>۱</sup> (مصدق، ۱۳۹۲: ۲۱۴).

مثال دوم ناظر بر مجازات تعزیری منته‌الحد کردن کسان است که به لحاظ اجرای قصاص نفس مرده‌اند، ماده (۴۳۶) مجازات مزبور را به کتاب پنجم تعزیرات ارجاع داده است، در حالی که خود مقنن در ماده (۷۲۷) ضمانت اجرای تعزیری جنایت بر میت را معین کرده و اشعار داشته است «هرگاه شخصی به‌طور عمدی، جنایتی بر میت وارد سازد یا وی را هتک نماید، علاوه بر پرداخت دیه یا ارش جنایت، به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش محکوم می‌شود»؛ لذا مشخص نیست با وجود نص ماده اخیر، ارجاع مجازات به کتاب تعزیرات چه وجهی داشته است؟! امری که سبب شده عده‌ای ماده (۴۳۶) را مخصص ماده (۷۲۷) تلقی نموده (آقایی نیا، ۱۳۹۲: ۲۸۸)، و بعضی ماده (۷۲۷) را نسخ ماده (۴۳۶) بدانند (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲: ۱۹۸).

اما در مورد دسته دوم از تعارض‌ها می‌توان به این نمونه‌ها اشاره کرد:

در ماده (۱۰۴) قانون مجازات اسلامی با استفاده از سیستم احصای قانونی جرایم قابل گذشت را برشمرده است، موافق این ماده جرمی مانند نیش قبر بدون مجوز قانونی، موضوع ماده (۶۳۴) کتاب تعزیرات، در عداد جرایم قابل گذشت ذکر نگردیده، در حالی که مجازات تعزیری جنایت بر میت و هتک او، موضوع ماده (۷۲۷) قانون مجازات اسلامی، را که اگر قبح آن بیش از جرم نخست نباشد، کمتر از آن نیز نیست را قابل گذشت دانسته است، زیرا مورد اخیر جزء مجازات‌های تعزیری مصرح در کتاب دیات بوده که قابل

→ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ قید شده است که عفو عمومی اجرای مجازات را موقوف و آثار محکومیت نیز زائل می‌گردد و ماده (۹۸) نیز بلافاصله در تکمیل آن حکم، بر این موضوع تأکید می‌نماید، لذا به قرینه مزبور منظور از عفو مندرج در ماده (۹۸)، عفو عمومی است و عفو پیش‌بینی شده در تبصره «۳» ماده (۲۵) که در کنار آزادی مشروط قید شده است، شامل عفو خصوصی محکومین است.

۱. دیدگاه اخیر چندان قابل توجیه نیست، زیرا عمده آثار محکومیت ناظر بر مجازات‌های تبعی موضوع ماده (۲۵) می‌باشند و لذا استثنای آنها از شمول ماده (۹۸) مصداق تخصیص اکثر است که از مقنن حکیم بعید است.



گذشت تلقی شده‌اند، و معلوم نیست که گذشت این جرم نیز در صلاحیت چه کسی می‌باشد؟!

در تبصره «۲» ماده (۱۱۵) نیز مقنن در مقام مستثنا نمودن تعزیرات منصوص شرعی از شمول برخی نهادهای حقوقی به ماده (۹۳) که در مورد تخفیف مجازات اطفال و نوجوانان است تصریح کرده، ولی همین تخفیف مجازات را در مورد بزرگسالان، که موضوع ماده (۳۷) است، حتی در تعزیرات منصوص قابل اجرا می‌داند. و یا در همین تبصره قانونگذار اعمال مرور زمان تعقیب و دادرسی موضوع ماده (۱۰۵) را منصرف از تعزیرات منصوص شرعی دانسته اما اجرای مرور زمان شکایت [موضوع ماده (۱۰۶)] و مرور زمان مجازات [موضوع ماده (۱۰۷)] را در این دسته از تعزیرات می‌پذیرد، امری که غیرمنطقی بوده و به نظر در اثر سهو قانونگذار مورد تصریح قرار نگرفته‌اند (جهت نظر موافق رک. خالقی، ۱۳۹۲: ۱۳۱).

در ارتباط با اثر حقوقی نهاد توبه نیز مقررات قانون مجازات اسلامی جدید متناقض و مضطرب است. در وضعیتی که مقنن حسب ماده (۱۱۴) توبه را مسقط مجازات حدی دانسته است، و حتی جز در موارد ارتکاب جرم به عنف و اکراه اجازه جایگزینی تعزیر را نمی‌دهد؛ اما در قلمرو تعزیرات، که اصولاً خفیف‌تر از حدود هستند، موافق ماده (۱۱۵) جز در جرایم سبک [جرایم موجب تعزیر درجه شش تا هشت] توبه را سبب از بین رفتن کیفر نمی‌داند و صرفاً اجازه تخفیف را داده است، و جالب‌تر آن که در مورد تعزیرات منصوص شرعی حتی امکان تخفیف مجازات متعاقب توبه مرتکب هم وجود ندارد! درحالی که جای شک نیست قانونگذار خواسته است برخوردی هم‌تراز با حدود با تعزیرات منصوص داشته باشد، ولی این که چرا در مقوله توبه این گونه اتخاذ موضع شده است، جای بحث داشته و نشان از منسجم نبودن قانون است.

شاهد دیگر بر تعارض‌های درونی قانون مجازات اسلامی ناظر بر مفاد تبصره «۱» ذیل بند «ث» ماده (۸۸) است که به موجب آن مقنن نگهداری طفل دوازده سال‌های را که مرتکب جرم تعزیری درجه پنج می‌شود، تا یک سال در کانون اصلاح و تربیت الزامی

می‌داند،<sup>۱</sup> در حالی که طبق تبصره «۲» در صورت ارتکاب جرم حادی از سوی چنین فردی الزام به چنین محکومیتی وجود ندارد، بلکه دادگاه می‌تواند در این حالت صرفاً به مرتکب تذکر داده یا از او تعهد کتبی مبنی بر عدم تکرار جرم بگیرد! و باز شگفت‌آورتر اینکه اگر همین جرم توسط یک بالغ هجده سال انجام شود، مطابق بند «پ» ماده (۸۹) مختار است مرتکب را به نگهداری در کانون برای مدت زمان سابق‌الذکر محکوم و یا وی را به کیفر دیگری چون جزای نقدی محکوم کند،<sup>۲</sup> و در چنین فرضی حتی دادگاه می‌تواند بنا بر تجویز حاصل از تبصره «۲» ماده (۸۹) مرتکب را به جای نگهداری در کانون به اقامت در منزل محکوم کند، اما همین اختیار در جایی که مرتکب طفل دوازده ساله بود متصور نیست!

## ۲. سودمندی

هر ماده قانونی باید متضمن حکمی باشد که بتواند خلایق را برطرف سازد، تنها در این صورت است که می‌توان فایده‌ای را بر آن مترتب دانست. رعایت این ضابطه، توجه به دو نکته را ایجاب می‌کند.

**نخست.** از آنجا که یک قانون، به مثابه پیکره واحد و متشکل از اجزای همسو می‌باشد لذا چون تصور نسخ بخشی از آن توسط بخش دیگر منتفی است، از این رو بایسته است مقنن در هر ماده پیام جدیدی را بیان کرده و از تکرار مفاد مواد پیشین اجتناب کند، هر چند هدفش تأکید بر احکامی خاص باشد. در غیر این صورت، باید شاهد افزایش غیرمنطقی شمار مواد قانون بود که مراجعه مخاطبین و فهم مقررات آن را با دشواری مواجه می‌کند.

در قانون مجازات اسلامی، این اصل مهم نادیده انگاشته شده است، به گونه‌ای که بود و نبود بسیاری از مواد قانون، که شمار آنها نیز کم نیست، یکسان می‌نماید و جز تکرار

۱. قانونگذار در صدر ماده (۸۸) از ضمانت اجرای نگهداری در کانون و اصلاح و تربیت (موضوع بند «ث») برای اطفال و نوجوانان تا پانزده سال با عنوان «تصمیم» یاد کرده، و از همین ضمانت اجرا برای نوجوانان پانزده تا هجده سال تحت عنوان «مجازات» تعبیر نموده است، نکته‌ای که ظاهراً حاکی از وانمود کردن مقنن بر تفکیک مجازات از اقدام تأمینی تربیتی است، با توضیحاتی که در متن بیان شده وجه این شیوه به کارگیری اصطلاحات بر نگارنده پوشیده است.  
۲. اساساً نفس اخذ جزای نقدی از نوجوان پانزده تا هجده سال موضوع ماده (۸۸) نیز جای تأمل دارد.

مکررات نمی‌توان نام دیگری بر آن نهاد. به‌طور نمونه، در حالی که قانونگذار در ماده (۱۶۱) حکم موضوعیت داشتن ادله اثباتی را بدین شرح مقرر داشته است «در مواردی که دعوای کیفی با ادله شرعی از قبیل اقرار و شهادت که موضوعیت دارد، اثبات می‌شود، قاضی به استناد آنها رأی صادر می‌کند مگر اینکه علم به خلاف آن داشته باشد»؛ همین نکته را در مواد متعدد در ذیل بحث اقرار [ماده (۱۷۱)]، شهادت [ماده (۱۸۷)]، سوگند [ماده (۲۱۰)] و علم قاضی [ماده (۲۱۲)] تکرار می‌کند.

یا در خصوص حکم ضمان ارش البکاره و مهرالمثل ناشی از زنای به عنف و اکراه، ماده (۲۳۱) اشعار داشته «در موارد زنا به عنف و در حکم آن، در صورتی که زن باکره باشد مرتکب علاوه‌بر مجازات مقرر به پرداخت ارش البکاره و مهرالمثل نیز محکوم می‌شود و در صورتی که باکره نباشد، فقط به مجازات و پرداخت مهرالمثل محکوم می‌گردد»؛ با این وجود، مقنن در مواد دیگر به تکرار این حکم پرداخته است، وفق ماده (۶۵۸) «هرگاه ازاله بکارت غیرهمسر با مقاربت یا به هر وسیله دیگری و بدون رضایت صورت گرفته باشد موجب ضمان مهرالمثل است»، و مطابق بند «الف» ماده (۶۶۱) «هرگاه افضاء شده نابالغ یا مکره بوده و افضاء به سبب مقاربت باشد، علاوه‌بر مهرالمثل و دیه کامل زن، در صورت ازاله بکارت، ارش البکاره نیز ثابت خواهد بود...». وضع این مقررات در حالی است که می‌توان حکم آن را به‌طور روشن و جامع طی یک ماده بیان کرد.

تکرار بیهوده مفاد یک ماده در مواد دیگر در قانون مجازات اسلامی گاه به بروز برخی تفاوت‌ها و تعارض‌ها انجامیده است، به‌طور مثال در ماده (۱۲۱) بیان شده است «در جرایم موجب حد به استثنای محاربه، افساد فی الارض، سرقت و قذف، به صرف وجود شبهه یا تردید و بدون نیاز به تحصیل دلیل، حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود»، در اینجا مقنن هیچ اشاره‌ای به مستثنا بودن جرایم منافی عفت به عنف ننموده و ممکن بود شائبه شمول ماده بر آنها متبادر به ذهن شود، از این‌رو در تبصره «۱» ماده (۲۱۸) به حکم آنها تصریح شده است «در جرایم محاربه و افساد فی الارض و جرایم منافی عفت با عنف، اکراه، ربایش یا اغفال، صرف ادعاء، مسقط حد نیست و دادگاه موظف به بررسی

و تحقیق است»، همانطور که مشاهده می‌شود در تبصره اخیر نامی از جرایم سرقت و کذب برده نشده است، و لذا همان شبهه این بار در این جرایم می‌تواند مطرح شود. اگر قانونگذار این حکم را به شکلی جامع و دقیق طی یک ماده بیان می‌داشت، متن قانون از این تفاسیل عبث و بعضاً ابهام انگیز مصون می‌ماند، و قانونگذار را ناچار نمی‌ساخت که مجدداً در ماده (۲۴۱) به این مسئله بپردازد که «در صورت نبود ادله اثبات قانونی بر وقوع جرایم منافی عفت و انکار متهم هرگونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان و مستور از انظار ممنوع است. موارد احتمال ارتکاب با عنف، اکراه، آزار، ربایش یا اغفال یا مواردی که به موجب این قانون در حکم ارتکاب با عنف است از شمول این حکم مستثناست».

علاوه بر نمونه‌های پیش گفته، ذکر ماده (۳۰۷) ماده (۱۵۴)، ماده (۱۷۶)، ماده (۱۶۲)، ماده (۲۱۷) با وجود مواد (۱۴۰) و (۱۴۴) و (۱۵۵)، مواد (۲۱۸) و (۲۲۳) و (۱۲۰)، قسمت اخیر تبصره «۲» ماده (۲۲۱) با وجود تبصره «۲» ماده (۸۸) و ماده (۱۴۸)، تبصره «۲» ماده (۲۳۴)، بند «الف» ماده (۲۲۶)، تبصره «۲» ماده (۶۵۸) با وجود تبصره «۲» ماده (۲۲۴)، ماده (۳۴۵)، ماده (۳۱۹)، ماده (۳۶۱)، تبصره «۱» ماده (۱۰۱)، ماده (۴۲۵) با وجود ماده (۳۷۴)، مواد (۴۸۰)، (۴۸۱) و (۴۷۷)، قسمت اخیر ماده (۵۱۴) و (۵۰۹) عاری از فایده است.

**دوم.** باید هر ماده قانونی دارای موضوع باشد. «قانونگذار نباید قانونی وضع کند که موضوع آن وجود نداشته و قرار است در آینده، به‌ویژه آینده دور تحقق یابد» (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۳: ۴۲).

یکی از برجسته‌ترین نقاط ضعف قانون مجازات اسلامی در همین راستا به تعزیرانگاری برخی رفتارها در کتاب قصاص برمی‌گردد که میزان آن را به شرح کتاب تعزیرات مقرر داشته است، درحالی که در کتاب مزبور برای کلیه اعمال مزبور تعزیری معین نشده است. قانونگذار خواسته است با وضع ماده (۴۴۷) تا حدی این مشکل را مرتفع کند، ولی هنوز اشکال باقی است. حسب این ماده که در پایان کتاب قصاص آمده است «در کلیه مواردی که در این کتاب به کتاب پنجم تعزیرات ارجاع داده شده است، درخصوص قتل عمدی مطابق ماده (۶۱۲) آن قانون و در سایر جنایات عمدی مطابق ماده

(۶۱۴) و تبصره آن عمل می‌شود». ماده (۶۱۲) ناظر بر تعزیر مرتکب قتل عمدی‌ای است که منجر به قصاص نشده ولی «موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد»، و ماده (۶۱۴) نیز مربوط به تعزیر جنایات عمدی مادون نفس غیرقابل قصاصی است «که موجب نقصان یا شکستن یا از کار افتادن عضوی از اعضا یا منتهی به مرض دایمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی‌علیه گردد» و رفتار ارتكابی نیز «موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد». در همین راستا هرچند برخی تفسیر بسیار مضیقی از قانون به عمل آورده‌اند، که مورد پذیرش اداره حقوقی قوه قضائیه نیز واقع شده است، که مطابق آن استناد به ماده (۴۴۷) در مواردی ممکن است که موضوع مطرح شده از مصادیق دو ماده (۶۱۲) و (۶۱۴) باشد، و لذا مثلاً «صدمه‌ای که صرفاً موجب تغییر رنگ پوست و تورم بدن شود بدون اینکه آثار فوق را داشته باشد مشمول تعزیر مندرج در ماده (۶۱۴) قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ نیست».<sup>۱</sup> لیکن نگارنده با این موضع موافقتی ندارد چرا که به نظر می‌رسد با توجه به عدم نسخ مواد (۶۱۲) و (۶۱۴) کتاب تعزیرات به موجب ماده (۷۲۸) قانون جدید، اگر بنای مقنن بر تحدید شمول ماده (۴۴۷) به موضوعات دو ماده مورد نظر می‌بود، کار وی تحصیل حاصل و امری لغو به‌شمار می‌رفت چرا که اگر ماده (۴۴۷) هم وضع نمی‌شد دادگاه‌ها می‌توانستند به این دو ماده استناد کنند، و از طرف دیگر عموم عبارت «در کلیه موارد» مندرج در ماده (۴۴۷) هر گونه تردیدی را در عدم اشتراط قیود مندرج در مواد (۶۱۲) و (۶۱۴) را جهت تعزیر مبتنی بر ماده (۴۴۷) از بین می‌برد، مضافاً اینکه اگر این تفسیر را نپذیریم، باید گفت در بین مواردی که در کتاب قصاص ارجاع به کتاب تعزیرات شده است، موارد اندکی وجود دارد که شرایط دو ماده (۶۱۲) و (۶۱۴) در آنها جمع باشد لذا عبارت «در کلیه مواردی که در این کتاب به کتاب پنجم تعزیرات ارجاع داده شده است» مصداق تخصیص اکثر خواهد شد. با این وجود، این که مقنن در ماده (۴۴۷) مجازات جنایات عمدی غیر از قتل را «مطابق ماده (۶۱۴) و تبصره آن» دانسته

۱. نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه به شماره ۷/۹۲/۱۱۵۲ مورخ ۹۲/۶/۱۷.

است، تعیین تعزیر در جنایاتی که جزء موارد منصوص در ماده (۶۱۴) نبوده و از طرفی آلت جرح نیز اسلحه یا چاقو و امثال آن نیز نباشد که بتواند مشمول تبصره شود را با دشواری مواجه می‌سازد، زیرا قرار دادن چنین مواردی چه در شمول ماده، و یا تبصره آن با محذور روبه‌رو خواهد شد، نتیجه این بحث آن خواهد شد که چنین موارد ارجاع به کتاب تعزیرات فاقد موضوع خواهند بود.

از دیگر مواد فاقد موضوع می‌توان به ماده (۴۵۹) اشاره کرد که اشعار می‌دارد «هرگاه در اثر جنایت واقع شده مجنی‌علیه یا ولی او مدعی زوال یا نقصان منفعت عضو شود در صورت لوث و عدم دسترسی به کارشناس مورد وثوق و عدم امکان آزمایش و اختبار موجب علم، ادعای مجنی‌علیه یا ولی او با قسامه به ترتیبی که ذکر شد، اثبات می‌شود». در این ماده مقنن اثبات ادعای شاکی را از طریق قسامه منوط به عدم دسترسی به کارشناس دانسته است، قیدی که با توجه به وضعیت کنونی جامعه ما قابل تصویر نیست و لذا بهتر بود مفاد این ماده را همانند ماده (۶۷۱) می‌نگاشت که با این اشکال مواجه نشود، در ماده اخیر صرفاً بحث عدم اثبات ادعا از طریق آزمایش و قول کارشناس مطرح شده است و نه عدم دسترسی به کارشناس.

### ۳. جامعیت

از دیگر لوازم نگارش قانون آن است که قانونگذار مقررات را به گونه‌ای وضع کند که متضمن حکم کلیه وضعیت‌های متعارف یک مسئله باشد، تا سکوت وی به تشتت در رویه قضایی و اختلاف در تفسیر قانون نینجامیده و به راحتی زمینه را برای مراجعه به منابعی و رای قانون موضوعه فراهم نسازد، تا مبدا قانونگذار را ناگزیر از انجام اصلاحات سریع در قانون و وضع مواد مکرر و تبصره‌های جدید کند. به رغم اینکه در قانون مجازات اسلامی جدید تلاش شده است تا حدی قابل توجه این ضابطه مطمح نظر قرار گیرد، لیکن موارد متعددی مشاهده می‌شود که حکم قضیه به سکوت برگزار شده است.

به‌طور نمونه، در بحث از تعدد جنایات، مقنن در مواد (۵۴۱) و (۵۴۳) حکم جنایات متعدد در اثر ضربه واحد، و در ماده (۵۴۲) حکم جنایات متعدد در اثر ضربات متعدد را بیان

داشته است ولی در مورد حکم جنایت واحدی که در اثر ضربات متعدد به وجود می‌آید حکم صریح و روشنی مقرر نشده است، مانند جایی که مرتکب با ضربات متعدد یک عضو مجنی‌علیه را قطع نماید،<sup>۱</sup> در حالی که از نظر فقهی تنها یک دیه در فرض حاضر ثابت می‌شود (تبریزی، ۱۴۲۸: ۲۷۷)، ممکن است سکوت قانون زمینه چنین برداشت نادرستی را فراهم سازد که با استفاده از مفهوم بند «ت» ماده (۵۴۳) بر تعدد دیات نظر داده شود.

از دیگر موارد عدم جامعیت حکم قانونگذار به ماده (۱۲۸) برمی‌گردد که اشعار می‌دارد «هر کس از فرد نابالغ به‌عنوان وسیله ارتکاب جرم مستند به خود استفاده نماید به حداکثر مجازات قانونی همان جرم محکوم می‌گردد...». در این ماده حکم‌حالاتی که از سایر افراد فاقد مسئولیت مانند مجنون و مکره به‌عنوان ابزار ارتکاب جرم استفاده می‌شوند نیامده است. ملاکی که در ماده (۲۷۲) در ارتباط با موردی خاص و به‌منظور مباشر معرفی نمودن بزه‌کارانی که از چنین افرادی سوءاستفاده می‌کنند مورد توجه قرار گرفته است، وفق این ماده «هرگاه کسی مال را توسط مجنون، طفل غیرمميز، حیوان یا هر وسیله بی‌اراده‌ای از حرز خارج کند مباشر محسوب می‌شود...».

حکم ماده (۴۹۹) قانون مجازات اسلامی نیز در زمره مقرراتی است که از جامعیت لازم برخوردار نیست، مطابق این ماده «هرگاه کسی دیگری را بترساند و آن شخص در اثر ترس بی‌اختیار فرار کند یا بدون اختیار حرکتی از او سر بزنند که موجب ایراد صدمه بر خودش یا دیگری گردد، ترساننده حسب تعاریف جنایات عمدی و غیرعمدی مسئول است». در این ماده مقنن ضمان ترساننده (سبب) را تنها در حالتی که اختیار از ترساننده شده (مباشر) سلب شده باشد مورد حکم قرار داده است، و بر مسئولیت سبب در حالاتی که اختیار مباشر سلب نشده ولی مثلاً وی برای رهایی از خطر حتمی ناشی از رفتار سبب، تن به خطر احتمالی دهد تصریح نشده است، ضمانتی که به رغم داشتن توجیه فقهی، نمی‌توان از مفاد ناقص ماده (۴۹۹) آن را استنتاج کرد (قیاسی، ۱۳۹۱: ۱۱۶).

۱. حالت مورد ذکر قابل تطبیق بر ماده (۵۳۹) نیز که ناظر بر فرض سرایت است نمی‌باشد، همچنین ماده (۵۴۶) نیز که اصولاً مربوط به سرایت جنایت بر عضو به منفع است را نمی‌توان در حالت مبحث‌عنه مورد استناد قرار داد.

مثال دیگر از احکام ناقص قانون مجازات اسلامی به ماده (۱۶۳) برمی گردد، که بیان می نماید «اگر پس از اجرای حکم، دلیل اثبات کننده جرم باطل گردد، مانند آنکه در دادگاه مشخص شود که مجرم، شخص دیگری بوده یا اینکه جرم رخ نداده است و متهم به علت اجرای حکم، دچار آسیب بدنی، جانی یا خسارت مالی شده باشد، کسانی که ایراد آسیب یا خسارت مذکور، مستند به آنان است، اعم از اداکننده سوگند، شاکی یا شاهد حسب مورد به قصاص یا پرداخت دیه یا تعزیر مقرر در قانون و جبران خسارت مالی محکوم می شوند». در حالی که ضررهای معنوی یکی از بارزترین آثار اجرای محکومیت های کیفری است، در ماده اخیر صرفاً به صدمات جسمانی و مالی توجه شده و نسبت به آسیب های وارد بر حیثیت اشخاص حکمی مقرر نشده است.

تبصره «۱» ماده (۲۸۹) نیز از دیگر موادی است که قانون فاقد جامعیت است. در این مقرر در ارتباط با جنایت عمدی به واسطه رفتاری که نوعاً و غالباً سبب جنایت می شود، ضرورت اثبات علم متهم به خصیصه رفتار ارتكابی را تنها در جایی مورد حکم قرار داده که «جنایت واقع شده فقط به علت حساسیت زیاد موضع آسیب، واقع شده باشد و حساسیت زیاد موضع آسیب نیز غالباً شناخته شده نباشد». در حالی که گاه ممکن است نفس رفتار غالباً موجب جنایت باشد، در وضعیتی که غالب مردم این ویژگی رفتار را نشاناسند، مثلاً بسیاری از مردم نمی دانند که خوردن زعفران زیاد مرگ آور است، حال اگر بانویی در پذیرایی از مهمانان خویش زعفران زیادی در غذا ریخته و موجب مرگ آنها شود، در این موارد نیز مانند موردی که جنایت ناشی از حساسیت غالباً ناشناخته موضع است، می بایست علم مرتکب احراز شود و لذا عدم اشاره قانون به این فرض را باید حمل بر عدم جامعیت قانون کرد.

#### ۴. قاعده گرایایی

از جمله ویژگی های یک قانون مطلوب آن است که با آوردن قواعد کلی خود را از پرداختن به مصادیق و فروع مختلف ناظر بر آن بی نیاز سازد. ضابطه ای که ضمن جلوگیری



از تفصیل بیش از حد قانون، فهمیدن حکم قضایای مختلف را سهل‌تر کرده و به پویایی قانون یاری می‌رساند.

به‌طور مثال، یکی از قواعد پرکاربرد در حوزه حقوق جزا قاعده اقدام است که به موجب آن جنایت ناشی از رفتار مجنی‌علیه به ضرر خویش مضمون نمی‌باشد. قانون مجازات اسلامی به جای بیان این قاعده در مواد متعدد به ذکر مصادیقی از آن پرداخته است، به‌طور نمونه در تبصره ماده (۴۷۳) در این زمینه مقرر شده است «هرگاه شخصی با علم به خطر یا از روی تقصیر، وارد منطقه ممنوعه نظامی و یا هر مکان دیگری که ورود به آن ممنوع است، گردد و مطابق مقررات، هدف قرار گیرد، ضامن ثابت نیست...». یا به موجب ماده (۵۰۷) «هرگاه شخصی در معابر و اماکن عمومی یا ملک دیگری بدون اذن مالک، گودالی حفر کند یا چیز لغزنده‌ای در آن قرار دهد و یا هر عملی انجام دهد که سبب آسیب دیگری گردد، ضامن دیه است مگر اینکه فرد آسیب دیده با علم به آن و امکان اجتناب، عمداً با آن برخورد نماید».

قاعده تحذیر نیز از جمله قواعد مهم در قلمرو مسئولیت کیفری است که به موجب آن جنایت ناشی از بی‌توجهی به هشدار داده شده از سوی مرتکب مضمون نخواهد بود. در قانون مجازات اسلامی به جای طرح این قاعده، در برخی مواد مصادیقی از آن را مورد حکم قرار داده است، در تبصره «۲» ماده (۵۰۸) در این زمینه چنین آمده است «هرگاه کسی در ملک دیگری و بدون اذن او، مرتکب یکی از کارهای مذکور در ماده (۵۰۷) این قانون گردد و شخص ثالثی که بدون اذن وارد آن ملک شده است، آسیب ببیند، مرتکب عهده‌دار دیه است مگر اینکه بروز حادثه و صدمه مستند به خود مصدوم باشد که در این صورت مرتکب ضامن نیست مانند اینکه مرتکب علامتی هشداردهنده بگذارد یا درب محل را قفل کند لکن مصدوم بدون توجه به علائم یا با شکستن درب وارد شود». وفق ماده (۵۱۹) «هرگاه دیوار یا بنایی که بر پایه استوار و غیر متمایل احداث شده است در معرض ریزش قرار گیرد یا متمایل به سقوط به سمت ملک دیگری یا معبر گردد اگر قبل از آنکه مالک تمکن اصلاح یا خراب کردن آن را پیدا کند ساقط شود و موجب آسیب گردد، ضامن منتفی است مشروط به

آنکه به نحو مقتضی افراد در معرض آسیب را از وجود خطر آگاه کرده باشد...»<sup>۱</sup>.

از نکات جالب پیرامون وضعیت قانون مجازات اسلامی جدید نسبت به سنجه قاعده‌گرایی آن است که در مقایسه با قانون سلف خویش، در موارد متعدد تلاش قابل تحسینی در انعکاس مقررات در قالب قاعده داشته است، لیکن با این وجود ظاهراً نتوانسته از سنت جزئی‌نگری خود دست بردارد، و از این‌رو در کنار آوردن قواعد در قالب برخی مواد، در سایر مواد به ذکر مصادیق خاص آنها نیز اقدام کرده است، امری که توجیه‌ناپذیری آن مستغنی از توضیح است، چرا که ذکر مصداق، صرفاً جهت تبیین مجرای قاعده و آن هم در خصوص موارد بحث‌برانگیز و جاهت خواهد داشت و نه آنکه مقنن ضمن بیان قاعده، به ذکر مثال‌های متعدد و غالباً ساده نیز پردازد.

در حالی که قانونگذار در ماده (۵۶۴) قاعده ناظر بر فلج کردن اعضا و از بین بردن عضو فلج را بدین شکل بیان داشته است «فلج کردن عضو دارای دیه معین، دوسوم دیه آن عضو و از بین بردن عضو فلج، یک‌سوم دیه همان عضو را دارد. در فلج کردن نسبی عضو که در صدی از کارایی آن از بین می‌رود، با توجه به کارایی از دست رفته، ارش تعیین می‌گردد»، با این وجود، همین حکم در خصوص اعضای مختلف مانند بینی [ماده (۵۹۵)]، لاله گوش [ماده (۶۰۲)]، لب [ماده (۶۰۹)]، فک [ماده (۶۳۴)]، دست و انگشت [ماده (۶۴۴)]، پا [بند «ث» ماده (۶۴۷)] و اندام تناسلی [ماده (۶۶۳)] تکرار شده است، بدون اینکه استثنایی بر قاعده وارد شده باشد.

مورد دیگر ناظر بر قاعده تداخل دیه منفعت در عضو است که در ماده (۵۴۵) مطرح شده است «هرگاه منفعتی قائم به عضوی باشد در جنایت بر آن عضو که منجر به زوال یا

۱. لازم به ذکر است که می‌توان از کلیت ماده (۵۳۷) ق.م.ا. در حکم به عدم ضمان در برخی مثال‌های مورد بحث استفاده کرد، هر چند مفاد این ماده دلالت کامل و تطابق دقیقی با هر دو قاعده مورد بحث ندارند، طبق این ماده «در کلیه موارد مذکور در این فصل هرگاه جنایت منحصراً مستند به عمد و یا تقصیر مجنی‌علیه باشد ضمان ثابت نیست. در مواردی که اصل جنایت مستند به عمد یا تقصیر مرتکب باشد لکن سرایت آن مستند به عمد یا تقصیر مجنی‌علیه باشد مرتکب نسبت به مورد سرایت ضامن نیست».

اختلال منفعت گردد تنها دیه بیشتر ثابت می‌شود ولی اگر منفعت قائم به آن عضو نبوده و میان از بین رفتن عضو و زوال منفعت ملازمه نباشد، اگرچه وجود آن عضو در تقویت و تسهیل منفعت مؤثر باشد، مانند لاله گوش و بینی که در تقویت شنوایی و بویایی مؤثرند و به سبب قطع لاله گوش یا بینی، شنوایی یا بویایی نیز زائل یا ناقص گردد، هر کدام دیه جداگانه دارد». مفاد ماده اخیر در مورد منافع متعددی نظیر عقل [ماده (۶۷۸)]، شنوایی [ماده (۶۰۶)] و [ماده (۶۸۵)]، بینایی [ماده (۶۹۲)]، بویایی [ماده (۶۹۴)] و چشایی [ماده (۶۹۶)] بیان شده است.

شاهد دیگری بر رویه نادرست واضع قانون مجازات اسلامی به موضوع دیه اعضای فرد و زوج برمی‌گردد، که قاعده آن در ماده (۵۶۳) بیان شده است «از بین بردن هر یک از اعضای فرد و هر دو عضو از اعضای زوج، دیه کامل و از بین بردن هر یک از اعضای زوج، نصف دیه کامل دارد. خواه عضو مزبور از اعضای داخلی بدن باشد خواه از اعضای ظاهری مگر اینکه در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد». به رغم وجود این قاعده، حکم مزبور در اعضای مختلف مانند چشم [ماده (۵۸۷)]، بینی [ماده (۵۹۲)]، لاله گوش [ماده (۶۰۰)]، لب [ماده (۶۰۷)]، زبان [ماده (۶۱۱)]، فک [ماده (۶۲۹)]، دست [ماده (۶۳۵)]، نخاع [ماده (۶۴۸)] و استخوان ترقوه [ماده (۶۵۵)] تکرار شده است، بدون اینکه استثنایی بر آن زده شده باشد.

از دیگر مصادیق عدم اکتفای به قاعده در قانون مجازات اسلامی به قاعده انتفای ضمان در حالت عدم استناد جنایت به اشخاص برمی‌گردد، وفق ماده (۵۰۰) «در مواردی که جنایت یا هر نوع خسارت دیگر مستند به رفتار کسی نباشد، مانند اینکه در اثر علل قهری واقع شود، ضمان منتفی است». به رغم قاعده مزبور، مفاد آن در مواد پراکنده‌ای نظیر قسمت اخیر ماده (۵۰۲)، مفهوم مخالف ماده (۵۰۵)، قسمت نخست ماده (۵۱۴)، ماده (۵۱۸) و ماده (۵۳۰) بازگو شده است.

## ۵. پایبندی به چارچوب موضوعی قانون

یکی از الزامات قانونگذاری، التزام به حرکت در چارچوبی است که عنوان قانون آن را اقتضا می‌کند، از این رو نباید به وضع موادی پرداخت که ارتباط موضوعی با آن ندارند،

چراکه «مجموعه قانون جای استطراد نیست» (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۳: ۱۳۷).  
 قانون مجازات اسلامی، همانطور که از عنوان آن مشخص است، قانونی است در محدوده حقوق کیفری و آن هم در حیطه مقررات ماهوی؛ این در حالی است که در مواد متعددی قانون مذکور از این حوزه خروج موضوعی داشته است.

به‌طور نمونه، مقنن در مواد متعددی مقرراتی وضع کرده است که صبغه جزایی ندارند، بیان حکم تهاوتر طلب در ماده (۴۳۰)، قاعده تسلیط در ماده (۴۳۱)، ضمان مهرالمثل در مواد (۲۳۱)، (۶۵۸) و (۶۶۱)، مسئولیت پرداخت نفقه و مهر در بند «ب» ماده (۶۶۰)، مسئولیت مدنی و ضمان خسارات [علاوه‌بر دیه] در مواد (۵۰۰)، (۵۰۹)، (۵۱۰)، (۵۱۱)، (۵۱۲)، (۵۱۶)، (۵۱۷)، (۵۲۰)، (۵۲۳)، (۵۲۹) و (۵۳۳) مثال‌هایی از این وضعیت هستند.

در برخی مواد دیگر مقرراتی، هرچند جزایی، ذکر شده‌اند اما ماهیت شکلی و نه ماهوی دارند، که محل مناسب طرح آنها مقررات ناظر بر آیین دادرسی کیفری است، اختصاص دو بخش (بخش‌های پنجم و ششم) از مجموع شش بخش کتاب کلیات به موضوعات حقوق جزای شکلی، به‌نحوی که حدود یک‌چهارم مواد کتاب مذکور را به خود اختصاص داده است، گواه قاطعی بر این رویکرد نامناسب است. علاوه‌بر آن مواد دیگری نیز در سایر بخش‌ها و کتاب‌های قانون مجازات اسلامی به مقررات جزایی غیرماهوی تخصیص یافته‌اند، نظیر ماده (۱۱) پیرامون قلمرو اجرای قوانین دادرسی کیفری در زمان؛ ماده (۷۶) در خصوص صلاحیت دادگاه، مواد (۱۲۰)، (۱۲۱)، (۲۱۸)، (۲۴۱)، مواد (۳۱۲) تا (۳۴۶) و مواد (۴۵۴) تا (۴۶۱) در ارتباط با مسائل اثباتی، مواد (۴۱۷) تا پایان کتاب قصاص در زمینه اجرای احکام کیفری.

## ۶. صراحت و اجتناب از ابهام‌انگیزی

از مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی قوانین، رعایت اصل صراحت و خودداری از مغلق‌نویسی، به‌کارگیری لغات و ترکیبات دوپهلوی است، اموری که می‌توانند قانون را مبهم سازند. ضابطه‌ای که قانون مجازات اسلامی در برخی موارد آن را نقض کرده است. این ایراد ممکن است متأثر از عوامل مختلف باشد.

گاهی مقنن تعمداً این اصل را نادیده می‌انگارد، که این تعمد زمانی به دلیل رعایت برخی ملاحظات است، همانند عدم تصریح به حکم کلیه جرایم موجب حد و ارجاع مراجع قضایی به منابع فقهی به شرح مقرر در ماده (۲۲۰)، یا سکوت در مورد مجازات برخی مصادیق معاونت مانند مجازات دیده‌بانی جهت تسهیل ارتکاب قتل و ارجاع به شرع حسب حکمی که در ماده (۱۲۷) آمده است. گاهی نیز مبهم گذاشتن عمدی یک موضوع ناشی از عدم وضوح حکم برای خود قانونگذار است و از این طریق تلاش می‌کند یافتن راهکار را به رویه قضایی محول نماید، به طور مثال گویا قانونگذار نسبت به تعیین جرایم حق‌الناس، به خصوص در قلمرو تعزیرات، خود تصویر دقیقی نداشته است از همین رو برای آن که از یک‌طرف دادگاه‌ها جرایم مزبور را غیرقابل گذشت تلقی نکنند و از طرف دیگر خود را درگیر مشکلات راجع به ارائه ضابطه در این مورد ننماید، در ماده (۱۰۳) در قالب عباراتی کلی و مبهم مقرر داشته که اگر جرمی «از حق‌الناس بوده و شرعاً قابل گذشت باشد»، حتی اگر بر قابل گذشت بودن آن در قانون تصریح نشده باشد، غیرقابل گذشت محسوب می‌شود، که چنین روش قانونگذاری که مخاطبین را جهت تشخیص حکم به منابع تفسیربردار و رای‌متون قانونی ارجاع می‌دهد می‌تواند در عمل سبب بروز تشتت در آرا شود.

اشکال مزبور خصوصاً در مواردی که با تعیین حدود رفتارهای مجرمانه ارتباط می‌یابد از اهمیت بیشتری برخوردار است، نمونه چنین رویکردی را می‌توان در جرم مهمی چون افساد فی‌الارض مشاهده کرد، که به‌رغم مجازات سنگین چنین جرمی قانونگذار در قالب عباراتی کلی و مبهم بیان داشته است «هر کس به‌طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اختلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به‌گونه‌ای که موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی‌الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد». به کارگیری واژگان ابهام‌انگیز «گسترده»، «شدید»، «وسیع» و

«اشاعه فحشا» که می‌تواند موضوع برداشت‌های متفاوت قرار گرفته و زمینه به مخاطره افتادن حقوق اعضای جامعه را فراهم سازد، قابلیت توجیه را نخواهد داشت.

زمانی نیز عدم صراحت و ابهام در قانون برخاسته از سهو مقنن در انتخاب کلمات و بیان عبارات است. به‌طور نمونه، در ماده (۲۲۶) شرایط احسان در مرد و زن جهت ثبوت مجازات زناى محصنه این‌گونه تبیین شده است «احسان در هریک از مرد و زن به نحو زیر محقق می‌شود:

الف) احسان مرد عبارت است از آن‌که دارای همسر دائمی و بالغ باشد و درحالی‌که بالغ و عاقل بوده از طریق قبُل با وی در حال بلوغ جماع کرده باشد و هر وقت بخواهد امکان جماع از طریق قبُل را با وی داشته باشد.

ب) احسان زن عبارت است از آن‌که دارای همسر دائمی و بالغ باشد و درحالی‌که بالغ و عاقل بوده، با او از طریق قبُل جماع کرده باشد و امکان جماع از طریق قبُل را با شوهر داشته باشد».

با دقت در مفاد ماده مزبور، مشخص می‌شود که قانونگذار قید «در حال بلوغ» را در بحث از احسان مرد (بند «الف») بیان داشته و از تکرار آن در تبیین شرایط احسان زن (بند «ب») خودداری کرده است. لذا همین نحوه نگارش می‌تواند سبب مبهم شدن مفاد مقرر مزبور شود. در اینجا دو احتمال قابل تصویر است: نخست آن‌که منظور از قید مزبور در بند «الف» شرطیت بلوغ در خود مرد جهت تحقق احسان در وی باشد. بنابراین احتمال باید گفت که عدم بیان این قید در بند «ب» به معنای آن است که اگر زنی درحالی‌که بالغ نبوده با شوهرش جماع کرده باشد، و پس از بلوغ مرتکب زنا شود زناى وی محصنه است، این برداشت علاوه بر این که مغایر منابع فقهی است،<sup>۱</sup> با سیاق عبارت ماده نیز هماهنگی ندارد، چرا که مقنن قبل از آوردن قید مورد بحث بر لزوم بالغ و عاقل بودن او تصریح نموده و از این‌رو تکرار مجدد شرط بلوغ امر لغوی خواهد شد که بنابر قاعده «إعمال الکلام أولى من إهماله» باید آن را بر معنایی جز برداشت حاضر حمل کرد، از این‌رو احتمال دوم را باید مطمح نظر

۱. برخی از فقها در این خصوص بیان می‌کنند «إحسان المرأة كإحسان الرجل في اشتراطه بأن تكون حرة بالغة عاقلة، لها زوج دائم، أو مولى و قد وطنها و هي حرة بالغة عاقلة» (فاضل اصفهانی، ۱۴۱۶: ۴۵۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۸: ۴۴۵).

قرار داد که مطابق آن قید بلوغ مندرج در بند «الف» را ناظر بر اوصاف همسر کسی بدانیم که فرد به واسطه جماع با او واجد احصان شده است. نتیجه استنباط کنونی آن است که در مورد زن، همین که در حال بلوغ و عقل با شوهر هر چند نابالغش، جماع نموده باشد شرط احصان در وی محقق خواهد شد. برداشت اخیر هر چند با ظاهر قانون سازگار است، اما به نظر می‌رسد ناشی از انعکاس نادرست عبارات فقهی در قانون است، توضیح آنکه اطلاق عبارات برخی فقها ظهور در محصن دانستن مرد به صرف عقل و بلوغ وی حین جماع با همسرش دارد، خواه زوجه در آن زمان بالغ و عاقل باشد یا خیر (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳: ۱۱۴)، لیکن مستفاد از بیان برخی دیگر از فقها آن است که بلوغ و عقل زوجه در احصان شوهرش ضروری است اما در نقطه مقابل در احصان زن، بلوغ شوهر و نه عاقل بودن او در اثنای جماع شرط است.<sup>۱</sup> ظاهراً مقنن در صدد تأکید بر پذیرش موضع اخیر که مبتنی بر شرطیت بلوغ و نه عقل زوج در احصان زن بوده است، اما به نادرستی آن را در بند «الف» آورده، ضمن آنکه نحوه نگارش ملهم این مضمون بوده که بلوغ شوهر حین جماع شرط محصنه دانستن زنا‌ی زن نمی‌شود، در حالی که همان‌طور که ملاحظه می‌شود این نظر با هیچ‌کدام از دو موضع فقهی پیش‌گفته همخوانی ندارد، و بعید است که مقنن چنین مقصودی را اراده نموده باشد، و لذا آن را جز متأثر از بیان ابهام‌انگیز قانون نمی‌توان دانست.

## ۷. دقت در استعمال لغات و اصطلاحات

توجه کافی قانونگذار در نحوه گزینش الفاظ و واژگانی که اراده خود را در قالب آنها بیان می‌کند از اهمیت بسزایی در تدوین قانونی خوب برخوردار است و رعایت همین ضابطه کلیدی می‌تواند در تفسیر مناسب‌تر جامعه حقوقی از متن قانون راهگشا باشد.

در این راستا، باید چند نکته مطمح نظر قرار گیرد:

۱. قانونگذار باید در انتخاب کلمات و اصطلاحات همسانی و یکپارچگی را رعایت

۱. شهید ثانی در کتاب روضه در این زمینه بیان می‌نماید «المحصنه حیثئذ: المصابه حره بالغه عاقله من زوج بالغ دائم فی القبل بما یوجب الغسل إصابه معلومه» (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۸۰).

کند، به گونه‌ای که مخاطب در مطالعه آن یک زبان واحد را احساس کند. در قانون مجازات اسلامی این نکته بارها نادیده انگاشته شده است، به‌طور نمونه، گاهی از فاضل دیه [مواد (۳۵۹)، (۳۶۰)، (۳۶۷)، (۳۸۵)، (۴۲۶)، (۴۲۸)، (۴۲۹)، (۴۳۰) و (۴۳۱)] یاد کرده و زمانی به مازاد دیه [مواد (۳۲۴)، (۳۷۳)] تعبیر می‌کند، و در برخی مواد هر دو اصطلاح را کنار هم می‌آورد، مانند ماده (۳۷۴). مقنن در جایی از طیب نام می‌برد [تبصره «۲» ماده (۴۹۵)] و در جای دیگر از پزشک [مانند مواد (۲۹۵)، (۴۹۶) و (۴۹۷)]. در موردی از ضمان [مثل مواد (۴۸۵)، (۵۰۰)، (۵۱۶) و (۵۶۷)] سخن به میان می‌آورد و در موقعیت دیگر از مسئولیت [نظیر مواد (۱۳)، (۱۲۰)، (۱۴۰)، (۴۹۹) و (۵۸۶)]، و در پاره‌ای مواد از هر دو [مانند ماده (۴۵۲)]. این گونه تشتت و پراکندگی در واژه‌گزینی می‌تواند تفسیر قانون را نیز با مشکل مواجه سازد، به‌طور نمونه در مورد مثال اخیر، نحوه بیان مقنن از ضمان معلوم می‌کند که چه معنایی را از آن اراده کرده است، زیرا گاهی ضمان را متصف به وصف مالی کرده و یا در عرض دیه و یا تقسیم مجازات می‌آورد که القاء‌کننده این برداشت است که ضمان منصرف از سایر مصادیق مجازات، به استثنای دیه، است، مانند ماده (۱۵۹) که مقرر می‌دارد «... مأموری که امر آمر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور اینکه قانونی است، اجرا کرده باشد، مجازات نمی‌شود و در دیه و ضمان تابع مقررات مربوطه است»، یا ماده (۱۷۰) «اقرار شخص سفیه که حکم حجر او صادر شده است و شخص ورشکسته، نسبت به امور کیفری نافذ است، اما نسبت به ضمان مالی ناشی از جرم معتبر نیست». و در برخی مواد ضمان را در معنایی اعم که هم مسئولیت مدنی و هم کیفری را شامل شود به کار می‌برد، مانند ماده (۵۲۹) «در کلیه مواردی که تقصیر موجب ضمان مدنی یا کیفری است، دادگاه موظف است استناد نتیجه حاصله به تقصیر مرتکب را احراز نماید».

۲. مقنن می‌بایست از اصطلاح‌سازی‌های بی‌مورد اجتناب کرده و در صورت روی آوردن به سوی اصطلاح‌سازی حتماً باید به آثار و لوازم آن نیز پایبند باشد، که مبدا برداشت‌های مغایر با اراده وی از متن قانون به عمل آید. در برخی موارد در قانون مجازات اسلامی عدم رعایت این مسئله ممکن است موجب اختلال در تفسیر قانون شود. به‌طور نمونه



در نهاد تعویق مراقبتی قانونگذار امکان الزام محکوم‌علیه را به رعایت برخی توصیه‌ها پیش‌بینی نموده که موارد مذکور را بر دو قسم الزامی و اختیاری تفکیک نموده است، قسم نخست را با عنوان «تدابیر» در ماده (۴۲)، و نوع دوم را با اصطلاح «دستورات» در ماده (۴۳) مورد حکم قرار داده است. این در حالی است که مقنن در ماده (۴۴) که به ضمانت اجرای عدم رعایت موارد مذکور پرداخته تنها از اصطلاح «دستورات دادگاه» استفاده کرده و هیچ اشاره‌ای به تدابیر نکرده است. همین نکته ممکن است موجب شود که برخی با استناد به نوع الفاظ به کار برده شده از سوی مقنن و به قرینه بند «ب» ماده (۴۱) که تدابیر را در کنار دستورات به کار برده شده، ضمانت اجرای موضوع ماده (۴۳) را منصرف از تخطی از تدابیر بدانند و در تقویت موضع خود قاعده تفسیر مضیق نصوص جزایی را نیز مستمسک قرار دهند،<sup>۱</sup> درحالی که ممکن است دیگران با ملاحظه سیاق عبارات ماده (۴۵)، تمسک به منطق حقوقی در متفاوت نبودن عدم رعایت تدابیر با دستورات و مراجعه به منابعی که مقررات مزبور از آن ملهم گشته‌اند، مانند ماده (۴۷-۱۳۲) قانون مجازات عمومی فرانسه (بوشهری، ۱۳۹۰: ۲۷۳)، ضمانت اجرای موضوع ماده (۴۴) را به عدم رعایت تدابیر نیز تسری دهند. اختلاف برداشتی که صرفاً ناشی از نحوه به کار گرفتن اصطلاحات از سوی قانونگذار بوده است. نمونه دیگر ناظر بر «مجازات‌های تبعی» است، به‌رغم اینکه قانونگذار در ماده (۲۵) این نوع مجازات را مورد تبیین قرار داده است و با مقایسه آن با مجازات تکمیلی موضوع ماده (۲۳) مشخص می‌شود که مجازات تبعی در اختیار دادگاه نبوده و به حکم خود قانون بر محکومیت کیفری مترتب می‌شود، با این وجود در ماده (۸۷) بدون توجه به خصیصه ذاتی مجازات تبعی که خود قبلاً بر آن تأکید کرده است، چنین مقرر داشته «دادگاه می‌تواند ضمن حکم به مجازات جایگزین حبس، با توجه به جرم ارتكابی و وضعیت محکوم، وی را به یک یا چند مورد از مجازات‌های تبعی و یا تکمیلی نیز محکوم نماید...». همان‌گونه که ملاحظه می‌شود قانونگذار مجازات تبعی را هم‌ردیف مجازات تکمیلی به صلاح‌دید دادگاه واگذار کرده است، امری که صرفاً ناشی از عدم توجه و پایبندی به اصطلاحاتی بوده که خود برای

۱. همین شبهه در مورد تعلیق اجرای مجازات، با توجه به ماده (۵۰) نیز قابل طرح است.

آنها تعریف مشخصی قائل شده است، این در حالی است که به قرینه ماده (۶۴) قانونگذار صرفاً درصدد تجویز حکم به محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان جایگزینی برای حبس بوده است و نه وضع حکمی در قلمرو کیفرهای تبعی، لذا بهتر بود با احترام نهادن به حریم معنایی اصطلاحات، در تقریر ماده به جای عبارت «به یک یا چند مورد از مجازات‌های تبعی و یا تکمیلی»، از عبارت «به یک یا چند مورد از مجازات‌های موضوع ماده (۲۳) یا محرومیت از حقوق اجتماعی موضوع ماده (۲۶)» استفاده می‌کرد.<sup>۱</sup>

نمونه دیگر از چنین مواردی ناظر بر تفکیک دو گروه اطفال و نوجوانان از یکدیگر در مواد متعددی مانند (۸۸)، (۹۰) و (۹۵) است، که در واقع دسته نخست ناظر بر افراد نابالغ و دسته دوم افراد بالغ تا هجده سال است. به رغم درج چنین اصطلاحات دارای بار معنایی، که مقنن را مجاب کرده تا زمانی که حکم او ناظر بر یک دسته از این افراد است، از آوردن اصطلاح مقابل خودداری کند، همانند آنچه در ماده (۸۹) در پیش گرفته شده است؛ لیکن در برخی مواقع به آثار عدم پابندی به چنین تفکیکی توجه نکرده است، به طور نمونه در بند «ب» ماده (۱۰) قانون نسبت به امکان تخفیف اقدام تأمینی و تربیتی به موجب قانون لاحق، در جرایمی که حکم آنها به موجب قانون سابق قطعیت یافته است، مقنن حکم مزبور را فقط درباره «اطفال بزهکار» بیان نموده است، در حالی که با توجه به اطلاق صدر ماده (۱۰) در خصوص امکان تخفیف اقدامات تأمینی و تربیتی که هنوز حکم به آنها وفق قانون سابق قطعیت نیافته است، و نیز مقتضای منطق حقوقی بسیار مستبعد است که مقنن حکم بند «ب» را از این جهت منصرف از نوجوانان بزهکار اراده کرده باشد، برداشتی که با توجه به نحوه نگارش ماده و عدم التفات به لوازم بی‌توجهی به اصطلاحات به راحتی نمی‌تواند مورد دفاع قرار گیرد.

۳. از دیگر لوازم لازم‌الرعايه در این زمینه آن است که قانونگذار باید یا از اصطلاحات

۱. ناگفته نباید گذاشت با توجه به ماده (۶۴) که محرومیت از حقوق اجتماعی را یکی از جایگزین‌های حبس دانسته است، علی‌القاعده این موارد باید موضوعات مطرح در ماده (۲۶) را شامل شوند، چرا که در مورد مجازات‌های تکمیلی موضوع ماده (۲۳)، برخی همانند الزام به خدمات عمومی، الزام به تحصیل و یا انتشار حکم محکومیت قطعی اساساً مصداق محرومیت از حقوق اجتماعی نیستند.

مأنوس و رایج استفاده کند که دارای معانی روشنی هستند، یا در غیر این صورت حتماً می‌بایست چارچوب مفهومی آنها را بیان نماید تا مبادا سبب ابهام شوند. در برخی موارد قانونگذار مجازات اسلامی از رعایت این اصل ضروری تخطی کرده است. به‌طور نمونه با توجه به حکم تبصره «۲» ماده (۱۱۵) از قلمرو خاصی از مجازات‌ها تحت عنوان «تعزیرات منصوص شرعی» تعبیر نموده است،<sup>۱</sup> و آثار متعددی را بر آن مترتب ساخته بدون اینکه تعریف دقیقی از آن ارائه دهد. امری که موجب اختلاف نظر بین حقوق دانان شده است، به نظر عده‌ای این مجازات‌ها مواردی هستند که حکم آنها در قانون مجازات اسلامی مطرح نشده و در نصوص شرعی باید آنها را یافت (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۲۰۴)، برخی دیگر بر این عقیده‌اند مجازات‌های مورد بحث همان تعزیراتی هستند که در خصوص ارتکاب محرمات شرعی اعمال می‌شوند و قسیم مجازات‌های بازدارنده سابق هستند (زراعت، ۱۳۹۲: ۸۱)، و عده‌ای دیگر تعزیرات منصوص شرعی را در مفهوم تعزیراتی دانسته‌اند که در شرع مقدس اسلام، برای اعمالی معین نوع و مقدار آنها مشخص شده، بنابراین مواردی که به موجب روایات و یا هر دلیل شرعی دیگر به‌طور کلی مستوجب تعزیر دانسته شده ولی نوع و مقدار آن معین نگردیده را از شمول تعزیر منصوص شرعی خارج دانسته‌اند.<sup>۲</sup>

## ۸. اختصار در متن مواد

یکی از بایسته‌های قانونگذاری آن است که متن مواد جز در جایی که ضرورت اقتضا می‌کند به صورت موجز و مختصر، و در عین حال وافی به مقصود بیان شوند، تا بدین طریق ضمن صرفه‌جویی در هزینه و وقت مخاطب، دقت وی را در درک مقصود قانونگذار افزایش می‌دهد.

تحقق چنین معیاری در گرو ملاحظه اموری چند است:

۱. در هر ماده فقط یک پیام به نحو روشن و مجزا گنجانده شود، امری که می‌تواند به

۱. لازم به ذکر است که در ماده (۱۳۵) این قسم از کیفرها تحت عنوان «تعزیرات معین شرعی» نام برده شده است.

۲. نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه به شماره ۱۳۰۳ مورخ ۹۲/۷/۳.

نوبه خود از تکرار مواد نیز جلوگیری کند (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۳: ۹۷-۹۶). قاعده مزبور در ارتباط با تعداد قابل ملاحظه‌ای از مواد قانون مجازات اسلامی رعایت نشده است، ماده (۳۹۲) از جمله این مواد است «هرگاه کسی جنایت عمدی بر اعضای چند نفر وارد کند، اگر امکان قصاص همه آنها باشد، قصاص می‌شود و اگر امکان قصاص برای همه جنایات نباشد مجنی‌علیه اول که جنایت بر او پیش از دیگری واقع شده است، در استیفای قصاص مقدم است و در صورت انجام قصاص، مرتکب برای جنایاتی که محلی برای قصاص آن نیست به پرداخت دیه و تعزیر مقرر در کتاب پنجم تعزیرات محکوم می‌شود. اگر وقوع دو جنایت، در یک زمان باشد، هریک از دو مجنی‌علیه می‌توانند مبادرت به قصاص کنند و پس از استیفای قصاص، برای دیگر جنایت‌هایی که قصاص ممکن نیست، مرتکب به پرداخت دیه و تعزیر مقرر در کتاب پنجم تعزیرات محکوم می‌شود. در صورتی که پس از قصاص اول، محل قصاص برای مجنی‌علیه دوم باقی باشد لکن کمتر از عضو مورد جنایت از او باشد، می‌تواند مقدار موجود را قصاص کند و مابه‌التفاوت را دیه بگیرد مانند اینکه مرتکب، نخست انگشت دست راست کسی و آنگاه دست راست شخص دیگری را قطع کرده باشد که در این صورت، مجنی‌علیه اول در اجرای قصاص مقدم است و با اجرای قصاص او، مجنی‌علیه دوم می‌تواند دست راست مرتکب را قصاص کند و دیه انگشت خود را نیز از او بگیرد». طرح چندین حکم در ماده مزبور سبب صعوبت فهم ماده و ایجاد خستگی در مخاطب می‌شود، آسویی که از طریق تجزیه پیام‌ها در مواد متعدد قابل اجتناب بود.

۲. از حشو و به کار بردن کلمات و ترکیبات غیرضروری اجتناب شود. «اصل انشایی «کثره المبنی تدل علی کثره المعنی» نافی آمدن کلماتی در قانون است که معنای خاصی را به مفهوم جمله نمی‌افزایند. قانون‌نویس باید متن قانون را چنان انشاء کند که امکان حذف هیچ کلمه‌ای از آن خواه به قرینه و خواه به قرینه معنوی موجود نباشد» (بیگ‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۴۸). یکی از مهم‌ترین نقدهای وارد بر قانون مجازات اسلامی مشحون بودن آن از حشو و زیاده‌نویسی در متن است. به‌طور نمونه در ماده (۵۶۷) مقرر شده است «در مواردی که رفتار مرتکب نه موجب آسیب و عیبی در بدن گردد و نه اثری از خود در بدن برجای

بگذارند ضمانت متفی است لکن در موارد عمدی در صورت عدم تصالح، مرتکب به حبس یا شلاق تعزیری درجه هفت محکوم می‌شود». در این ماده با وجود عبارت «در مواردی که رفتار مرتکب اثری از خود در بدن برجای نگذارد»، دیگر نیازی به ذکر عبارت «نه موجب آسیب و عیبی در بدن گردد» نمی‌باشد، مضافاً به اینکه ذکر کلمه «نه» و دو بار تکرار آن نیز نمونه‌ای از آوردن واژگان اضافی است، در ادامه نیز آوردن قید «در صورت عدم تصالح» برای ثبوت مجازات تعزیری، با توجه به تصریح سابق مقنن بر قابل گذشت بودن جرم مزبور در ماده (۱۰۴) مصداق اضافه‌نویسی است که زینده قانون نیست. یا مثلاً در ماده (۵۵۴) در مورد دیه اقلیت‌های دینی آمده است «براساس نظر حکومتی مقام رهبری، دیه جنایت بر اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به اندازه دیه مسلمان تعیین می‌گردد»، اولاً نیاز نیست قانونگذار مبنای حکم خود را در قانون تصریح نماید، لذا عبارت «براساس نظر حکومتی مقام رهبری» زائد است، چه آن که مبنای قانون خواه فرامین ولی فقیه باشد، و خواه الزامات بین‌المللی و یا سایر موارد، ضرورتی در تصریح بر آنها در متن قانون مشاهده نمی‌شود. ثانیاً لزومی در آوردن عبارت «در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» نیز در متن ماده نیست، بلکه صرف اشاره به «اقلیت‌های دینی شناخته شده»، همانند آنچه در تبصره «۱» ماده (۲۱) قانون جرایم رایانه‌ای آمده است، کافی برای افاده مقصود است، ثالثاً تکرار دو بار واژه «دیه» نیز ضرورت ندارد، لذا همین ماده را می‌توانستیم بدین صورت بیان نماییم «جنایت بر اقلیت‌های دینی شناخته شده مستوجب دیه مسلمان است». نمونه دیگر راجع به ماده (۲۶۳) است که مقرر می‌دارد «هرگاه متهم به سب، ادعا نماید که اظهارات وی از روی اکراه، غفلت، سهو یا در حالت مستی یا غضب یا سبق لسان یا بدون توجه به معانی کلمات و یا نقل قول از دیگری بوده است ساب‌النبی محسوب نمی‌شود». همانطور که ملاحظه می‌شود بسیاری از حالات مطرح در ماده اخیر مانند «غفلت»، «سهو»، «سبق لسان» یا «بدون توجه به معانی» دارای تشابه مفهومی و قابل تحویل بر هم هستند. نمونه دیگر ناظر بر ماده (۲۳۷) است، این ماده مقرر می‌دارد «همجنس‌گرایی انسان مذکر در غیر از لواط و تفخیز از قبیل تقبیل و ملامسه از روی شهوت، موجب سی و یک

تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش است». سپس مقنن در تبصره «۱» اشعار می‌دارد «حکم این ماده در مورد انسان مؤنث نیز جاری است»، با توجه به این که قانون بین همجنس‌بازی افراد مذکر و مؤنث تفاوتی قائل نشده، با حذف قید «مذکر» در صدر ماده نیازی به وضع تبصره «۱» نمی‌بود، همچنین در ادامه در تبصره «۲» آمده است «حکم این ماده شامل مواردی که شرعاً مستوجب حد است، نمی‌گردد»، با توجه به عبارت «در غیر از لواط و تفخیز» دیگر نیازی به آوردن تبصره «۲» هم نبوده و مصداق تحصیل حاصل است؛ لذا کاملاً واضح است که آوردن هر دو تبصره جز مصداق اضافه‌نویسی نیست.

۳. آوردن مثال و نمونه در مواد باید به موارد ضروری که برای فهم قانون و جلوگیری از بروز شبهه مورد نیاز است محدود شود (همان: ۱۴۳). برخی از مثال‌های قانون مجازات اسلامی از مواردی است که بدون رعایت این ضابطه، صرفاً موجب تورم حجم قانون شده است. در تبصره «۲» ماده (۴۹۵) بیان شده است «ولی بیمار اعم از ولی خاص است مانند پدر و ولی عام که مقام رهبری است...». مثال زدن پدر به‌عنوان نمونه‌ای از ولی خاص، که اساساً محل هیچ تردیدی نبوده و بلکه مصداق بارز ولی خاص است، نمونه‌ای است که هیچ‌گونه توجیهی ندارد. یا مثلاً در ماده (۴۹۶) مقرر شده است «پزشک در معالجاتی که دستور انجام آن را به مریض یا پرستار و مانند آن صادر می‌نماید، در صورت تلف یا صدمه بدنی ضامن است...». ذکر «مریض یا پرستار و مانند آن» چه ضرورتی داشته است! یا در ماده (۵۰۱) آمده است «هرگاه کسی به روی شخصی سلاح بکشد یا حیوانی مانند سگ را به سوی او برانگیزد یا هر کار دیگری که موجب هراس او می‌گردد مانند فریاد کشیدن یا انفجار صوتی انجام دهد...»، آوردن «سگ» به‌عنوان مثالی از حیوان یا مثلاً «انفجار صوتی» به‌صورت نمونه‌ای از رفتار هراس‌آور همه و همه از مصادیق امثله غیرلازم می‌باشند.

۴. استعمال واژگان مترادف و مشابه در متون قانونی امری شایسته نمی‌باشد، بلکه باید در قانون هر کلمه معنای متمایزی از سایرین داشته باشد (همان: ۱۶۵). از مواردی که به وفور در متن قانون مجازات اسلامی مشاهده می‌شود به کارگیری واژگان معادل است. ماده (۱۲۳) اشعار می‌دارد «مجرد قصد ارتکاب جرم و یا عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه

جرم است ... شروع به جرم نیست»، «عملیات» و «اقدامات» مشابه هستند و ذکر هر دو کنار هم توجیه ندارد. یا در بند «الف» ماده (۸۸) یکی از دستورات دادگاه را در مورد اطفال و نوجوانان بزهکار عبارت از «تسلیم به والدین یا اولیا یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان» و در بند «ت» «اخطار و تذکر و یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم» دانسته است. ذکر سه واژه «تأدیب»، «تربیت» و «مواظبت» در یک بند و دو واژه «اخطار» و «تذکر» در بند دیگر مصداق استفاده از کلمات هم‌معناست. عبارت «تحقیق» و «بررسی» از سوی مقام قضایی نیز از جمله موارد استفاده از واژگان مشابه است که در مواد متعددی نظیر (۱۷۱)، (۱۸۷)، تبصره «۱» ماده (۲۱۸)، (۳۰۸)، (۳۱۱) و (۳۴۰) مشاهده می‌شود.

۵. تفصیل‌های بیهوده و اضافی که ممکن است با انگیزه تبیین بهتر یک مسئله انجام شود نیز از دیگر مواردی است که با اقتضائات اصل اختصار و ایجاز در تقنین منافات دارد. در قانون مجازات اسلامی نمونه‌های متعددی از این سنخ مشهود است. به‌طور نمونه در حالی که قانونگذار در تبصره «۱» ماده (۴۰۵) مبنای مسئولیت پزشک را بر تخطی از موازین و مقررات استوار ساخته و صریحاً اخذ پیشینی براءت از بیمار یا ولی او را مؤثر در رفع ضمان از وی ندانسته است، به‌عنوان نمودن فروع مختلف در خصوص اخذ براءت از سوی وی پرداخته است، در ماده (۴۹۵) بیان داشته است «هرگاه پزشک در معالجاتی که انجام می‌دهد موجب تلف یا صدمه بدنی گردد، ضامن دیه است مگر آنکه عمل او مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی باشد یا این که قبل از معالجه براءت گرفته باشد و مرتکب تقصیری هم نشود و چنانچه اخذ براءت از مریض به‌دلیل نابالغ یا مجنون بودن او، معتبر نباشد و یا تحصیل براءت از او به‌دلیل بیهوشی و مانند آن ممکن نگردد، براءت از ولی مریض تحصیل می‌شود». در واقع قسمت اخیر ماده از بعد از «موازین فنی باشد» زائد است، چرا که مقنن صرف رعایت مقررات را مسقط ضمان دانسته و براءت را بدون رعایت این شرط بی‌تأثیر قلمداد کرده است. مطابق تبصره «۲» «ولی بیمار اعم از ولی خاص است مانند پدر و ولی عام که مقام رهبری است. در موارد فقدان یا عدم دسترسی به ولی خاص، رئیس

قوه قضائیه با استیذان از مقام رهبری و تفویض اختیار به دادستان‌های مربوطه به اعطای براءت به طیب اقدام می‌نماید»، مشخص نیست با وجود نقش بی‌رنگ تحصیل براءت، این همه تفصیل برای شناسایی افرادی که حق اعطای براءت را دارند چه مبنای توجیهی می‌تواند داشته باشد! و در ماده (۴۹۷) نیز این تفصیل غیر ضروری تکمیل شده است «در موارد ضروری که تحصیل براءت ممکن نباشد و پزشک برای نجات مریض، طبق مقررات اقدام به معالجه کند، کسی ضامن تلف یا صدمات وارده نیست!» یکی دیگر از موارد تفصیل دهی‌هایی که حقیقتاً مصداق اطناب ممل است را می‌توان در ماده (۳۸۵) دید، که حسب آن «اگر قتل در یکی از ماه‌های حرام (محرم، رجب، ذی‌القعدة و ذی‌الحجه) یا در حرم مکه مکرمه واقع شده باشد یا قاتل در زمان یا مکان مذکور، قصاص گردد و قصاص مستلزم پرداخت فاضل دیه از سوی ولی دم به قاتل باشد، فاضل دیه تغلیظ نمی‌شود. همچنین دیه‌ای که ولی دم به دیگر اولیا می‌پردازد تغلیظ نمی‌شود، لکن اگر قتل در زمان یا مکان مذکور باشد، دیه‌ای که شرکای قاتل، به علت سهم‌شان از جنایت، حسب مورد به قصاص شونده یا ولی دم و یا به هر دو آنان می‌پردازند، تغلیظ می‌شود». به جای این شرح مبسوط می‌توان به صورت گویا و موجز مقرر داشت «مقررات تغلیظ در مازاد دیه‌ای که جهت استیفای قصاص، از سوی ولی دم به سایر اولیاد یا قاتل پرداخت می‌گردد جاری نمی‌باشد».

۶. برخی از مواد قانونی که از نظر معنایی در راستای یک ضابطه بوده، در صورت عدم اخلال در جایگاه استقرار مواد و مشتمل نشدن بر پیام‌های متعدد، می‌بایست در هم ادغام شوند. واضح قانون مجازات اسلامی در مورد برخی از ادله اثباتی، مانند اقرار (ماده ۱۶۶)، شهادت (ماده ۱۸۴) و سوگند (ماده ۲۰۵) حکم به لزوم ادای لفظی نموده جز در موارد تعدر که اقامه آنها را به شکل فعل نیز پذیرفته است، حال به جای اینکه این ضابطه برای هر دلیل به‌طور جداگانه بیاید، می‌توان آن را طی یک ماده در قسمت مواد عمومی بیان نمود. یا مثلاً مفاد دو ماده طولانی (۳۰۸) و (۳۱۱) را می‌توان طی یک ماده بدین شکل مقرر داشت «اگر پس از تحقیق قضایی، در وجود شرایط ثبوت قصاص در جانی یا مجنی علیه حین ارتکاب جنایت، تردید باشد، شاکی باید ادعای خود را ثابت کند و در غیر



این صورت قصاص منتفی است. مگر آن‌که در حالت سابق بر زمان جنایت، شرط مورد تردید وجود داشته باشد، که در این صورت بار اثبات فقدان شرط مزبور بر عهده متهم بوده و در صورت عدم اثبات با سوگند شاکی قصاص ثابت می‌شود.

## ۹. انتظام ساختاری

شکل صحیح تبویب مقررات، و استقرار مواد مرتبط کنار هم و با ترتیب منطقی و ذیل عنوان متناسب از جمله معیارهایی است که رعایت آنها به تسهیل در رجوع به قانون و درک بهتر اراده قانونگذار و جلوگیری از سردرگمی مراجعه‌کنندگان به متن قانون یاری می‌رساند. در قانون مجازات اسلامی جدید، هرچند این مسائل در مقایسه با قانون سابق تا حدی رعایت شده است،<sup>۱</sup> لیکن کماکان ضعف‌هایی در این زمینه ملاحظه می‌شود.

یکی از موارد نقایص ساختاری قانون مورد بحث به نحوه تفکیک و تبویب مقررات برمی‌گردد. به‌طور نمونه بخش دوم از کتاب دیات که ناظر بر «مقادیر دیه» است، از هشت فصل تشکیل شده است، فصل اول دیه نفس، فصل دوم قواعد عمومی دیه اعضا، فصل سوم دیه مقدر اعضا، فصل چهارم قواعد عمومی دیه منافع، فصل پنجم دیه مقدر منافع، فصل ششم دیه جراحات، فصل هفتم دیه جنین و فصل هشتم دیه جنایت بر میت. همان‌طور که ملاحظه می‌شود تقسیم فصول مزبور براساس مبنای منطقی صورت نگرفته است، زیرا اولاً برخی از فصول قسیم سایرین محسوب نمی‌شوند، مثلاً دیه جراحات مصداقی از دیه اعضا هستند و لذا قرار دادن آن در عرض آن غیر منطقی است، و ثانیاً چون عنوان فصل اول دیه نفس است، و در حقیقت مقنن تقسیم‌بندی را مبتنی بر موضوع دیه قرار داده و لذا می‌بایست عنوان فصل دوم دیه اعضا، فصل سوم دیه منافع، فصل سوم دیه جنین و فصل چهارم دیه جنایت بر میت می‌بود، و آن وقت فصل دوم و سوم هر کدام بر دو مبحث قواعد عمومی و موارد مقدر دیه منقسم می‌شد. یا مثلاً در بخش دوم کتاب کلیات که مربوط به «مجازات‌ها» می‌باشد، مقنن آن را به یازده فصل تقسیم نموده، بدون آن‌که مقسم

۱. برای دیدن نقد قانون سابق از این منظر، رک. (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۳: ۱۳۷-۱۲۱).

مشخصی داشته باشند. فصل اول و دوم به ترتیب مجازات‌های اصلی و مجازات‌های تکمیلی و تبعی است، که در حقیقت باید این دو تحت مباحث فصل واحدی با عنوان انواع مجازات می‌آمدند و فصول دیگری هم مانند مجازات‌های جایگزین حبس (فصل نهم) و مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان (فصل دهم) نیز در آن فصل ادغام می‌شدند؛ فصل سوم با عنوان نحوه تعیین مجازات و اعمال مجازات‌هاست، که منطقی‌اً باید مباحثی چون تعویق صدور حکم، تخفیف مجازات و تعلیق اجرای مجازات و نظائر آن که هر کدام فصل مستقلی را به خود اختصاص داده‌اند ذیل همین فصل می‌آمدند چرا که همه این موارد مربوط به تعیین و اعمال مجازات هستند لذا قرار دادن آنها در عرض هم غیر قابل توجیه است.

از دیگر اشکالات ساختاری قانون مربوط به انتخاب نامناسب عناوین فصول و مباحث است. به‌طور نمونه فصل دوم از بخش مواد عمومی کتاب دیات با نام «ضمان دیه» آمده است و مشخص نیست که منظور از این عنوان چیست؟ اگر مراد تعریف دیه است که موضوع فصل اول همین بخش است، اگر منظور تعیین اشخاصی است که ضامن پرداخت دیه هستند که در فصل چهارم بحث شده است، و اگر مقصود اسباب ثبوت ضمان دیه است که فصل ششم بدان پرداخته است. درک کامل‌تر همین ایراد با ملاحظه مواد ذیل این فصل نمایان‌تر خواهد شد، چرا که در دو ماده مندرج در فصل مذکور مقنن هیچ نکته جدیدی برای گفتن نداشته و صرفاً به تکرار مسائل مطرح در سایر فصول پرداخته است، در ماده (۴۵۲) ابتدا صاحبان حق دیه را مشخص کرده و سپس نحوه برائت ذمه جانی را از دیه بیان کرده است، مواردی که در مواد مختلف قانون به تعابیر مختلف بیان شده، نظیر آنچه در مواد ذیل فصل پنجم از بخش نخست کتاب قصاص و مواد دیگری مانند ماده (۴۵۰) آمده است. در ماده بعدی (۴۵۳) نیز حکم نحوه توزیع دیه بین شرکای در جنایت و عاقله آمده است، مسئله‌ای که دقیقاً در مواد (۴۶۸) و (۵۳۳) انعکاس یافته است. از این گذشته معلوم نیست بین عنوان «ضمان دیه» و مسائل مذکور که راجع به مستحقین دیه و چگونگی تعیین سهم پرداخت کنندگان دیه است چه مناسبتی وجود دارد؟!

یکی از مسائلی که در همین زمینه در قانون وجود دارد، عدم همسانی در انتخاب عناوین است، مثلاً چرا احکام ارتکاب جنایات متعدد در کتاب *قصاص* ذیل فصلی با عنوان *تداخل جنایات* (فصل دوم بخش اول) آمده و همین موضوع در کتاب *دیات* با نام *تداخل* و *تعدد دیات* (فصل هفتم بخش اول) مطرح شده است، این در حالی است که اتفاقاً در بحث *قصاص* نیز اصل عدم *تداخل* جاری است و لذا حذف واژه *تعدد* در کتاب *قصاص* و آوردن آن در کتاب *دیات* قابل دفاع نیست.

از این گذشته، در مواردی نیز کیفیت استقرار مواد ذیل فصل‌ها و مبحث‌ها نیز محل نقد است. به‌طور نمونه در حالی که مقنن در بخش مواد عمومی کتاب *دیات* فصل هفتم را به *تداخل* و *تعدد دیات* اختصاص داده است، مقرراتی در همین زمینه طی ماده (۶۷۳) در فصل چهارم بخش دوم همان کتاب آورده شده است. یا مثلاً حکم اقرار بر کمتر از نصاب در جرایم حدی طی ماده (۲۳۲) ذیل فصل ناظر بر زنا آمده، در حالی که به تصریح قسمت اخیر ماده این حکم شامل حدود دیگر نیز می‌شود لذا باید در قسمت مناسبی مانند ذیل ماده (۱۷۲) می‌آمد. یا شاهد دیگر موضوع *عفو خصوصی* محکومین به حبس غیر تعزیری است که به‌جای آنکه ذیل مبحث ناظر بر *عفو* از فصل *سقوط مجازات* در بخش دوم کتاب *کلیات* می‌آمد، در قالب تبصره «۲» ماده (۲۷۸) که در مورد حد سرقت است بیان شده است. موقعیت بیان آثار ناظر بر تعزیرات منصوص شرعی نیز از جمله موارد انتخاب نامناسب محل وضع حکم است، مقنن در حالی حکم مزبور را در قالب تبصره «۲» ذیل ماده (۱۱۵) که مربوط به توبه در جرایم تعزیری است مقرر نموده، که به تصریح خود آثار فراوانی که هر کدام موضوع فصل خاصی هستند بر آن مترتب شده است، و لذا می‌بایست این موضوع را در قسمت عامی همانند فصل مربوط به مجازات‌های اصلی از بخش دوم کتاب *کلیات* می‌آورد. عدم رعایت ضابطه گنجاندن هر مقرر در محل مناسب خود می‌تواند در مواردی سبب دشواری در تفسیر قانون شود. به‌طور نمونه، به‌رغم اینکه قانونگذار مقررات اقرار را در کتاب *کلیات* [مواد (۱۶۴) تا (۱۷۳)] بیان کرده است. در کتاب *حدود*، در تبصره «۲» ماده (۲۱۸) مقرر داشته است «اقرار در صورتی اعتبار شرعی

دارد که نزد قاضی در محکمه انجام گیرد»، حال ممکن است این شبهه به وجود آید که آیا این حکم اختصاص به اقرار به جرایم موجب حد دارد و یا قابل تسری به سایر جرایم نیز می‌باشد، نکته‌ای که با اندکی توجه در محل قرار دادن مواد قابل اجتناب بود.

گاهی منطبق تقدم و تأخر در ذکر مواد رعایت نشده است، در زمینه بحث تغلیظ دیه، قانونگذار ابتدا به جای اینکه ابتدا مورد تغلیظ را مشخص سازد، ابتدا در ماده (۵۵۵) اسباب تغلیظ، سپس در ماده (۵۵۶) افراد مشمول تغلیظ و در پایان در ماده (۵۵۷) به بحث مقدماتی اینکه تغلیظ دیه در چه جنایتی است می‌پردازد. همین اضطراب در ترتیب بیان مقررات در بحث علم اجمالی در خصوص اثبات جنایات در مواد (۴۷۷) به بعد و احکام تداخل جنایات در مواد (۲۹۶) به بعد نیز مشهود است.

#### ۱۰. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در وضع قانون دو مرحله باید مورد توجه قرار گیرد، نخست یافتن قاعده انطباق که مبتنی بر تسلط مقنن بر حوزه‌های مختلفی چون مبانی فقهی، شرایط جامعه و داده‌های علوم گوناگون و پیشرفت‌های آنهاست، سپس در مرحله دوم باید قاعده‌گزینش شده را در قالب مناسب بگنجانند، مرحله‌ای که انجام صحیح آن مستلزم داشتن هنر قانون‌نویسی و اطلاع از اصولی است که در اصطلاح آن را سنج‌های قانون‌نگاری تعبیر کرده‌ایم.

در مقاله حاضر، با بررسی مفاد قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ متوجه شدیم که ضعف‌های متعددی در رعایت اصول پیش‌گفته از قبیل انسجام محتوایی، سودمندی، جامعیت، قاعده‌گرایی، پابندی به چارچوب موضوعی قانون، صراحت و اجتناب از ابهام‌انگیزی، دقت در استعمال لغات و اصطلاحات، اختصار در متن مواد و انتظام ساختاری وجود دارد، که با آسیب‌شناسی کامل باید به رفع آنها همت گماشته تا در مراحل بعد که قانون از وضعیت آزمایشی خارج شده و شکل دائم به خود گیرد شاهد چنین ایرادهایی نباشیم.

## منابع و مأخذ

۱. آقای‌نیا، حسین (۱۳۹۲). *جرایم علیه اشخاص: جنایات*، چاپ یازدهم، تهران، نشر میزان.
۲. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۲). *حقوق جزای عمومی*، ج ۱، چاپ سی‌ام، تهران، نشر میزان.
۳. بوشهری، جعفر (۱۳۹۰). *حقوق جزا: حقوق جزای فرانسه*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۴. بیگ‌زاده، صفر (۱۳۸۷). *شیوه‌نامه نگارش قانون*، چاپ سوم، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۵. تبریزی، میرزا جواد (۱۴۲۸ق). *تنقیح مبانی الأحكام: کتاب‌الدیات*، قم، دارالصدیقه الشهیده (سلام الله علیها).
۶. حاجی‌ده‌آبادی، احمد (۱۳۸۳). *بایسته‌های تقنین*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۷. خالقی، علی (۱۳۹۲). *آیین دادرسی کیفری*، چاپ بیست و یکم، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۸. راسخ، محمد (۱۳۸۴). *بنیاد نظری اصلاح نظام قانون‌گذاری*، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۹. زراعت، عباس (۱۳۹۲). *شرح مختصر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲*، تهران، انتشارات ققنوس.
۱۰. طباطبایی، سیدعلی (۱۴۱۸ق). *ریاض المسائل فی تحقیق الأحكام بالدلایل*، ج ۱۵، قم، مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام).
۱۱. عاملی‌جعفی (شهیدثانی)، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۰ق). *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، حاشیه سید محمد کلانتر، ج ۹، قم، کتابفروشی داوری.
۱۲. فاضل‌اصفهان‌ی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). *کشف اللثام و الإیهام عن قواعد الأحكام*، ج ۱۰، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۳. قیاسی، جلال‌الدین (۱۳۹۱). «تسبیب در اضطرار»، دو فصلنامه *نامه مفید*، ش ۲.
۱۴. محمدی‌جورکویه، علی (۱۳۸۳). «نقد ساختار قانون مجازات اسلامی»، فصلنامه *فقه و حقوق*، ش ۱.
۱۵. مصدق، محمد (۱۳۹۲). *شرح قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با رویکردی کاربردی*، تهران، انتشارات جنگل جاودانه.
۱۶. میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۲). *جرایم علیه اشخاص*، چاپ یازدهم، تهران، نشر میزان.
۱۷. نظرات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه، مندرج در آدرس <http://www.edarehoquqy.ir>.
۱۸. هاشمی‌شاهرودی، سید محمود (۱۴۲۳ق). *موسوعه الفقه الإسلامی طبقاً لمذهب أهل‌البیت علیهم‌السلام*، ج ۷، قم، مؤسسه دائرة‌المعارف فقه اسلامی.



# بررسی ناترازی اسمی نرخ ارز در اقتصاد ایران

امیرحسین مزینی، \* سعید قربانی \*\*

تاریخ دریافت ۱۳۹۲/۱۲/۲۴ تاریخ پذیرش ۱۳۹۳/۱۲/۲۳

نرخ ارز با تأثیرگذاری بر حوزه‌هایی چون: تراز پرداخت‌ها، رقابت پذیری، سطح عمومی قیمت‌ها، اقتصاد غیررسمی و ... یکی از مهم‌ترین متغیرهای اقتصادی به حساب می‌آید. در این چارچوب مدیریت نرخ ارز در سطح تعادلی آن از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. چراکه انحراف نرخ ارز از سطح تعادلی بلندمدت آن، که در ادبیات اقتصادی از آن به ناترازی نرخ ارز<sup>۱</sup> یاد می‌شود، می‌تواند عدم تعادل‌های شدیدی در اقتصاد به جای گذارد. بررسی این پدیده برای نرخ ارز اسمی در ایران طی دهه ۱۳۸۰ (دوره یکسان‌سازی دوم نرخ ارز) که سیاست تثبیت نسبی نرخ ارز اسمی اعمال شد، در دستور کار مطالعه حاضر می‌باشد. بدین منظور یک مدل پولی نرخ ارز برای دوره ۱۳۸۰:۴ - ۱۳۶۸:۱ برآورد و با استفاده از الگوریتم برآیند نرخ ارز تعادلی برای دوره ۱۳۹۰:۴ - ۱۳۸۱:۱ شبیه‌سازی شده است. نتایج، حکایت از وجود پدیده ناترازی اسمی نرخ ارز به صورت اضافه ارزش پول ملی در اقتصاد ایران دارد. به گونه‌ای که در برخی موارد به ۹۵ درصد (نرخ ارز موجود) بالغ شده است. این نتایج ضرورت توجه حرکت به طرف نرخ ارز تعادلی را خاطر نشان می‌سازد. جدای از بحث فوق نتایج مطالعه حکایت از آن دارد که مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده نوسانات نرخ ارز اسمی در اقتصاد ایران سطح قیمت‌هاست و بعد از آن بیشترین سهم را به ترتیب درآمد ملی و حجم پول دارند.

**کلیدواژه‌ها: نرخ ارز؛ ناترازی؛ شبیه‌سازی؛ یکسان‌سازی؛ ایران**

\* دکتری اقتصاد بین‌الملل، عضو هیئت علمی پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)؛

E-mail: mozaiani@modares.ac.ir

\*\* کارشناس ارشد علوم اقتصادی دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه تربیت مدرس؛

E-mail: saeed.qorbani@modares.ac.ir

1. Exchange Rate Misalignment

## مقدمه

نرخ ارز را می‌توان یکی از مهم‌ترین متغیرهای سیاست‌گذاری در حوزه اقتصاد کلان باز<sup>۱</sup> به حساب آورد. چرا که یکی از مجاری ارتباط اقتصاد ملی با فضای بین‌المللی به حساب می‌آید. این متغیر در اقتصادهای متکی به صادرات منابع طبیعی که از راه تبدیل درآمدهای ارزی به پول ملی، بخش قابل توجهی از هزینه‌های جاری خود را پوشش می‌دهند، هرچه بیشتر اهمیت می‌یابد. ضمن اینکه با توجه به درهم‌تنیدگی سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و تجاری در این کشورها، سازوکار تعیین نرخ ارز نیز با دشواری‌های خاص خود مواجه است. به‌ویژه زمانی که پاره‌ای ملاحظات سیاسی و ملی در زمینه جلوگیری از کاهش ارزش پول ملی نیز به بحث فوق اضافه شود. اقتصاد ایران مصداق بارز بحث فوق است. چراکه (صرف نظر از دهه ۱۳۶۰ و شرایط خاص حاکم بر کشور در دوران جنگ)، تقریباً طی دو دهه اخیر بحث تعیین نرخ ارز با شدت و ضعفی متفاوت پیوسته یکی از مباحث کلیدی اقتصاد ایران به حساب می‌آمده است.

مروری اجمالی بر نوسانات ارزی طی دو دهه اخیر حکایت از آن دارد که با آغاز دهه ۱۳۷۰، سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز (در ابتدای سال ۱۳۷۲) به مرحله اجرا درمی‌آید. اما با عدم توفیق دولت در مواجهه با تبعات آن، در اوایل سال ۱۳۷۴ با توقف این سیاست، مجدداً نظام ارزی ثابت در دستور کار قرار می‌گیرد. این شرایط با استفاده از نرخ‌های چندگانه ارزی تا اواخر دهه ۱۳۷۰ ادامه می‌یابد و با آغاز دهه ۱۳۸۰ اجرای مجدد طرح یکسان‌سازی در دستور کار قرار می‌گیرد و تا اواخر دهه ۸۰ ادامه می‌یابد. طی این دوره نوعی سیاست ارزی شدیداً مدیریت شده در اقتصاد کشور اعمال شد که نتیجه آن تثبیت نسبی نرخ ارز اسمی همراه با نوعی اضافه ارزش (فزاینده) در پول ملی بود. سیاست ارزی اعمال شده طی دهه ۱۳۸۰ از سه جنبه جلب توجه می‌کند. ابتدا اینکه این سیاست تقریباً با آنچه در عرصه بین‌المللی تحت عنوان جنگ ارزی<sup>۲</sup> در جریان بود در تعارض آشکار

---

1. Open Macroeconomics  
2. Currency War



است. توضیح آنکه طی این مدت اقتصادهای بزرگ دنیا با هدف فائق آمدن به بخشی از تبعات رکود جهانی، به کاهش (عمدی) ارزش پول ملی خود با هدف افزایش صادرات پرداخته بودند. نکته دوم اینکه تقریباً از همان بدو اجرای سیاست یکسان‌سازی (۱۳۸۱) تأکید ویژه‌ای بر تثبیت نسبی نرخ ارز علی‌رغم افزایش مداوم سطح عمومی قیمت‌ها در کشور صورت پذیرفت. به گونه‌ای که باعث شد قیمت نسبی کالاهای قابل مبادله به غیرقابل مبادله دچار اختلال شده و پدیده‌هایی چون افزایش شدید واردات رسمی و غیررسمی (قاچاق)، پدیده فرار سرمایه و ... در اقتصاد کشور ظاهر شود. در این راستا برخی بررسی‌ها واردات قاچاق کشور در سال ۱۳۸۷ را بالغ بر ۱۶ میلیارد دلار برآورد کرده‌اند.<sup>۱</sup> نکته سوم عدم توانایی دولت در تداوم سیاست نرخ ارز شدیداً مدیریت شده به دلیل محدودیت‌های بین‌المللی ناشی از تحریم‌ها در اواخر دهه ۱۳۸۰ (و اوایل دهه ۱۳۹۰) بود که به بحران ارزی انجامید. در ریشه‌یابی این موضوع جدای از بحث تحریم و محدودیت‌های بین‌المللی علت اصلی بحران را باید در ناکارایی سیاست‌های ارزی در زمینه تثبیت نسبی نرخ ارز و ایجاد نوعی اضافه ارزش در پول ملی فارغ از تحولات پولی و مالی طی دهه ۱۳۸۰ جست‌وجو کرد. این شرایط مصداق بارز ناترازی نرخ ارز بوده که تبعات قابل توجهی نیز بر اقتصاد ملی بجای گذاشته است.

بحث فوق موضوع مقاله حاضر است. از این رو با استفاده از یک الگوی پولی، سازوکار تعیین نرخ ارز استخراج شده و در ادامه به شبیه‌سازی نوسانات نرخ ارز اسمی تعادلی برای دوره ۱۳۹۰:۴-۱۳۸۱:۱ (دوره پس از یکسان‌سازی) پرداخته و نسبت به وجود ناترازی نرخ ارز در کشور طی دوره مورد نظر قضاوت شود. انتظار می‌رود نتایج این مطالعه (از منظر کاربردی) با توجه به مناقشات موجود در زمینه شناسایی نرخ ارز تعادلی در اقتصاد ایران، اطلاعات مفیدی را در اختیار سیاست‌گذاران قرار دهد. بدین منظور مقاله حاضر در چند بخش سامان‌دهی شده است که پس از مقدمه حاضر به ادبیات موضوع متشکل از مبانی نظری الگوی تعیین نرخ ارز و عوامل مؤثر بر آن و نیز مطالعات صورت گرفته در این

۱. معاونت پژوهش ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، برآورد حجم قاچاق در اقتصاد کشور، ۱۳۸۸.

خصوص پرداخته می‌شود؛ در بخش دیگر ضمن معرفی مدل پایه، به برآورد الگوی تعیین نرخ ارز برای دوره ۴:۱۳۸۰-۱۳۶۸، پرداخته و متعاقب آن مدل پایه با توجه به ضرایب برآوردی و داده‌های واقعی برای دوره ۴:۱۳۹۰-۱۳۸۱ شبیه‌سازی شده و نرخ ارز تعادلی و میزان ناترازی نرخ ارز برآورد می‌شود. بخش پایانی به جمع‌بندی و تحلیل نتایج اختصاص یافته است.

## ۱. مبانی نظری و مروری بر مطالعات انجام شده

### ۱-۱. نظریه‌های تعیین نرخ ارز

در ارتباط با تحلیل و مطالعه مباحث نرخ ارز دیدگاه‌ها و روش‌های مختلفی مطرح شده است. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان این روش‌ها را به دو گروه سنتی و مدرن تفکیک کرد. از روش‌های سنتی که عمدتاً تا پیش از دهه ۱۹۷۰ مطرح شده‌اند می‌توان به روش کشش‌ها،<sup>۱</sup> روش برابری قدرت خرید<sup>۲</sup> و روش جذب<sup>۳</sup> و مدل ماندل - فلمینگ<sup>۴</sup> اشاره کرد. دیدگاه مدرن ارز نیز عمدتاً مربوط به مباحث مطرح شده از دهه ۱۹۷۰ به بعد است. ویرایش‌های جدید مدل پولی ماندل - فلمینگ همچون مدل پول‌گرایان و مدل دورنبوش، همراه با دیدگاه تراز پرتفوی از مهم‌ترین تئوری‌های مدرن نرخ ارز می‌باشند. در ادامه به اختصار به تشریح هر یک از این دیدگاه‌ها در قالب جدول ۱ پرداخته می‌شود.

شایان ذکر است طی دهه‌های اخیر مدل‌های جدیدی مطرح شده‌اند که در ادامه دیدگاه‌های مدرن تعیین نرخ ارز قابل طبقه‌بندی می‌باشند؛ که می‌توان به روش نرخ ارز تعادلی بنیادین،<sup>۵</sup> روش بالاسا - ساموئلسن،<sup>۶</sup> روش نرخ ارز تعادلی رفتاری<sup>۷</sup> و ... اشاره کرد.

- 
1. Elasticity Approach
  2. Purchasing Power Parity (PPP)
  3. Absorption Approach
  4. Mundell- Fleming Model
  5. Fundamental Equilibrium Exchange Rate
  6. Balassa -Samuelsun
  7. The Behavioral Equilibrium Exchange Rate

**جدول ۱. دیدگاه‌های مختلف در ادبیات نرخ ارز**

توضیحات	انواع	دیدگاه‌ها
بر اساس نظریه قدرت برابری خرید در صورت نبودن هزینه حمل و نقل و موانع قانونی برای تجارت (مانند تعرفه‌ها)، قیمت کالاهای مشابه در کشورهای مختلف (در بازارهای رقابتی) برحسب یک پول واحد، برابر است.	الف) روش برابری قدرت خرید	
فلمنینگ <sup>۱</sup> (۱۹۶۲) و ماندل <sup>۲</sup> (۱۹۶۳) در مطالعات خود بدین نتیجه رسیدند که نرخ بهره به عنوان عامل اصلی تعیین کننده هزینه پول و عامل انتخاب و نگهداری دارایی پولی نقش اساسی ایفا می کند. تحلیل فوق اساس این تئوری را تشکیل می دهد. لذا آن را تحلیل پولی تراز پرداخت‌ها یا تحلیل پولی نرخ برابری نامیده اند. در این دیدگاه از یک چارچوب کینزی متشکل از منحنی های IS و LM استفاده می شود. با این تفاوت که کینز در تحلیل های خود دو بازار پول و دارایی ها را در ارتباط با یکدیگر در نظر می گرفت. حال آنکه در این تئوری سه بازار پول، دارایی و کالا به صورت مجزا و مستقل مدنظر قرار می گیرند که می بایست در بلندمدت تحت شرایط انعطاف پذیری کامل قیمت در تعادل باشند. این مدل به تفکیک به بررسی آثار سیاست های پولی و مالی در شرایط ارزی ثابت و شناور بر متغیرهای اقتصادی به ویژه در آمد ملی می پردازد.	ب) دیدگاه پولی نرخ ارز (مدل ماندل فلمنینگ)	<b>۱. دیدگاه ستی نرخ ارز</b>
اساس این مدل بر عدم تعدیل هم زمان بازارهای مختلف مبتنی است. به عبارت دیگر از آنجا که در اثر انبساط پولی غیرمنتظره بازار کالاها به کندی تعدیل می گردد باعث جهش نرخ ارز به بالاتر از سطح تعادلی خود می شود. جهش نرخ ارز (در کوتاه مدت) می تواند جدای از انبساط پولی به دلایل دیگری نیز رخ دهد و آثار واقعی در پی داشته باشد. این پدیده می تواند نرخ واقعی ارز، رابطه مبادله، فرایند ورود و صدور کالا و سرمایه، پرتفوی افراد و ... را متأثر سازد و از آنجا که علت اصلی این پدیده یکسان نبودن سرعت تعدیل در بازارها می باشد آگاهی از این موضوع در بررسی ادوار تجاری نیز بسیار سودمند می باشد (دورنبوش <sup>۳</sup> ، ۱۹۷۶).	الف) مدل جهش (پولی) نرخ ارز	<b>۲. دیدگاه مدرن نرخ ارز</b>

1. Fleming
2. Mundell
3. Dornbusch

دیدگاه‌ها	انواع	توضیحات
	ب) مدل تراز پرتفوی	این مدل با توجه به عدم جانمایی کامل انواع مختلف سرمایه و در نتیجه لزوم در نظر گرفتن هزینه‌های ناشی از ریسک مطرح گردیده است. به عبارت دیگر از آنجا که عوامل اقتصادی جدای از پول ملی خود، دارایی‌های خارجی و از جمله ارز را در ترکیب دارایی خود نگهداری می‌کنند، نرخ ارز در کوتاه‌مدت بیش از آنکه از نوسانات تراز تجاری متأثر شود با توجه به نوسان قیمت نسبی دارایی‌ها و امکان جانمایی آنها در چارچوب بحث انتظارات عقلایی تعیین می‌گردد. لذا در کوتاه‌مدت اثر یک سیاست، بسته به ماهیت انتظارات می‌تواند با اثر بلندمدت آن کاملاً متفاوت باشد. چرا که نرخ‌های ارز در کوتاه‌مدت می‌توانند همچون قیمت سایر دارایی‌ها تحت تأثیر رفتارهای سفته‌بازی قرار گیرند. بنابراین می‌توان این گونه اظهار داشت که در این مدل تعیین نرخ ارز تعادلی عمدتاً با تأکید بر فرایندهای بازار ارز در کوتاه‌مدت صورت می‌گیرد (گیسون <sup>۱</sup> ، ۱۹۹۶).
ج) مدل پول‌گرایان		در این مدل تأکید عمده بر متغیرهایی است که از طریق بازار پول داخلی کشورها بر نرخ ارز تأثیر می‌گذارند. چارچوب این مدل نیز از سه بازار پول، کالا و دارایی (با فرض عدم برابری نرخ‌های بهره <sup>۲</sup> ) تشکیل شده است. در این مدل نرخ ارز شدیداً با سطح عرضه نسبی پول همبستگی دارد. به عبارت دیگر طبق این مدل نرخ ارز منعکس‌کننده تفاوت موجود میان سطوح قیمت‌های تعادلی دو کشور به وسیله بازارهای پول هر یک می‌باشد. از دیگر ویژگی‌های این مدل تأکید بیش از حد آن به بحث انتظارات عقلایی است. به ویژه زمانی که عرضه پول ساختار تصادفی <sup>۳</sup> می‌یابد و تحلیل‌های مدل به شکل پویا دنبال می‌شود. در اقتصادهایی که با تورم شدید <sup>۴</sup> مواجه می‌باشند از آنجا که استفاده از مکانیزم قیمت‌های انعطاف‌پذیر (در مقایسه با قیمت‌های چسبنده) توصیه می‌شود مدل پول‌گرایان کاربرد بیشتری می‌یابد (هونتراکول <sup>۵</sup> ، ۱۹۹۹).

1. Gibson
2. Uncovered Interest Parity
3. Stochastic
4. Hyperinflation
5. Hoontrakul

## ۲-۱. ناترازی نرخ ارز<sup>۱</sup> در اقتصاد

نرخ ارز از مهم‌ترین متغیرهای اقتصاد کلان شناخته می‌شود که تغییرات آن به‌طور گسترده بر وضعیت تراز پرداخت‌ها و قدرت رقابت بین‌المللی یک کشور تأثیر می‌گذارد. در این میان انحراف نرخ ارز از سطح تعادلی بلندمدت و قابل دوام، معمولاً عدم تعادل‌های شدید در اقتصاد کلان به جای می‌گذارد. مسئله تنظیم نرخ ارز یکی از مسائل اساسی و پیچیده در کشورهای در حال توسعه است. اهمیت و پیچیدگی موضوع تنظیم نرخ ارز از این مسئله نشئت می‌گیرد که تعیین ارزش پول ملی یک کشور براساس پول‌های خارجی، باید به شکلی باشد که سبب ارتباط هماهنگ اقتصاد داخلی با اقتصاد بین‌المللی شود (حلافی و همکاران، ۱۳۸۱). از طرفی هرگونه تفاوتی میان نرخ ارز با مقدار تعادلی آن نوعی مالیات یا یارانه روی معاملات خارجی به حساب می‌آید که آثار بازتوزیعی آن بر بخش‌های اقتصادی و گروه‌های درآمدی را نباید از نظر دور داشت. خرید و فروش ارز در نرخی متفاوت از مقدار تعادلی آن نوعی فعالیت شبه‌مالی به حساب می‌آید که سطح و ترکیب هزینه‌های دولتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از شفافیت‌های بودجه‌ای می‌کاهد. ارزشگذاری بیش از حد پول داخلی آثار بازتوزیعی مهمی نیز بر صادرات و واردات بر جای می‌گذارد؛ به‌طوری‌که منجر به پرداخت یارانه به واردات و رانت‌جویان و اخذ مالیات (پنهان) از بخش صادراتی می‌شود (ابریشمی و مهرآرا، ۱۳۸۳).

در نتیجه انحراف نامناسب نرخ ارز یکی از عوامل اصلی تعیین‌کننده عملکرد نامناسب اقتصادی در سطح کلان است. همچنین عدم تعادل‌های حاد در سطح کلان و بحران تراز پرداخت‌ها در کشورهای در حال توسعه اغلب نتیجه مستقیم انحراف از مسیر تعادلی بلندمدت نرخ ارز است (البدوی و ریموندو، ۱۹۹۷<sup>۲</sup>).

اساساً تنظیم نادرست نرخ ارز پدیده‌ای است که به دو صورت ظاهر می‌شود، اگر نرخ واقعی ارز پایین‌تر از نرخ تعادلی واقعی ارز باشد، انحراف به صورت «بیش از حد

---

1. Exchange Rate Misalignment

2. Elbadawi and Raimundo

ارزشگذاری کردن پول ملی<sup>۱</sup> یا گران کردن پول ملی ظاهر خواهد شد و اگر نرخ ارز بالاتر از مقدار تعادلی آن باشد، انحراف به صورت «کمتر از حد ارزشگذاری کردن پول ملی»<sup>۲</sup> یا ارزان کردن پول ملی خواهد بود (حلافی و همکاران، ۱۳۸۱).

### ۳-۱. مروری بر مطالعات انجام شده

#### ۳-۱-۱. مطالعات خارجی

در عرصه بین‌المللی، مطالعات مختلفی در زمینه ناترازی نرخ ارز صورت گرفته است که در جدول ۲ به بیان برخی از مهم‌ترین این مطالعات خواهیم پرداخت.

#### جدول ۲. مروری بر مطالعات انجام شده در عرصه بین‌المللی در زمینه ناترازی نرخ ارز

نویسندگان	سال انتشار	محدوده/ روش / نتایج
ایمی <sup>۳</sup>	۲۰۰۶	در این مطالعه از متغیرهای تفاضل نرخ بهره واقعی، نسبت قیمت کالاهای غیرقابل مبادله به کالاهای قابل مبادله، جریان خالص سرمایه، شاخص ریسک در بوتسوانا برای بیان رفتار واقعی نرخ ارز تعادلی استفاده شده است. نتایج نشان‌دهنده ارزش کمتر پول (واحد پولی بوتسوانا) در اواخر ۱۹۸۰ و ارزش بیش از حد آن، در سال‌های دهه ۲۰۰۰ می‌باشد.
ونگ، هوی و سوفی <sup>۵</sup>	۲۰۰۷	در این مطالعه متغیرهای نرخ مبادله، تولید ناخالص داخلی سرانه، عرضه پول و ذخایر ارزی به‌عنوان متغیرهای تأثیرگذار بر نرخ ارز تعادلی در نظر گرفته شده‌اند. این مطالعه به بررسی نوسانات نرخ ارز در اقتصاد چین پرداخته است. روش به کار رفته در این مطالعه BEER <sup>۶</sup> است. نتایج حکایت از آن دارد که نرخ واقعی ارز ۳ درصد ارزش کمتر از حد تعیین شده یوان را دارد.
سالنو <sup>۷</sup>	۲۰۱۰	ناترازی نرخ ارز در مورد کشورهای در حال توسعه برجسته‌تر است و

1. Over Valuation
2. Under Valuation
3. Iimi
4. Botswana
5. Wang, Hui and Soofi
6. Behavioral Equilibrium Exchange Rate (BEER)
7. Sallenave

نویسندگان	سال انتشار	محدوده/روش/نتایج
		سرعت همگرایی به سمت نرخ ارز تعادلی برآورد شده برای آنها کندتر است. همچنین ناترازی‌های نرخ ارز اثر منفی بر رشد اقتصادی دارد.
ونگ هاگ <sup>۱</sup>	۲۰۱۱	نرخ واقعی ارز و شرایط تجارت را می‌توان به‌طور مشترک مشخص کرد. در این تحقیق دیفرانسیل بهره‌وری، تجارت خارجی، قیمت نفت، عوامل مهم در تعیین نرخ ارز واقعی در بلندمدت می‌باشند. نتایج نشان می‌دهد که میزان تأثیر متغیرهای فوق در نوسانات نرخ ارز به شرایط اقتصادی آن کشور بستگی دارد.
سالواتوره <sup>۲</sup>	۲۰۱۲	این مطالعه با رویکردی تحلیلی - توصیفی به بررسی پدیده ناترازی نرخ ارز پرداخته است. نتایج حکایت از آن دارد که ناترازی نرخ ارز می‌تواند منجر به اختلالات تجاری گردد و اثرات منفی بر تراز تجاری بگذارد. تصحیح ناترازی نرخ ارز و عدم تقارن در سیستم بین‌المللی پول نیاز به حذف عدم تعادل ساختاری عمیق دارد.
باک <sup>۳</sup>	۲۰۱۲	برای برآورد نرخ ارز تعادلی از متغیرهای شرایط تجارت، قیمت نسبی کالاهای غیرقابل مبادله به کالاهای قابل مبادله، خالص دارایی‌های خارجی و تفاوت نرخ بهره واقعی با رویکرد BEER استفاده شده است. البته با توجه به تغییرات شدید الگوی تجارت برای کره جنوبی، محقق از متغیر وزن شریک تجاری برای محاسبه نرخ ارز مؤثر واقعی استفاده کرده است. نتایج برآورد با استفاده از داده‌های فصلی از ۱۹۸۲q <sub>1</sub> تا ۲۰۰۹q <sub>4</sub> نشان می‌دهد که نرخ ارز مؤثر واقعی کره جنوبی برای دوره ۲۰۰۵q <sub>1</sub> تا ۲۰۰۷q <sub>4</sub> بالاتر از حد ارزشگذاری شده است و برای دوره ۲۰۰۸q <sub>2</sub> تا ۲۰۰۹q <sub>3</sub> کمتر از حد ارزشگذاری شده است.
گراسمن و اولاو <sup>۴</sup>	۲۰۱۲	این مطالعه با استفاده از روش طیفی <sup>۵</sup> به مطالعه و بررسی ناترازی‌های نرخ ارز می‌پردازد و در این راستا به بررسی تأثیر امضای پیمان پلازا <sup>۶</sup> و تشکیل اتحادیه اروپا بر ناترازی نرخ ارز پرداخته است. در این مطالعه انحراف دلار کانادا/ دلار آمریکا، ین ژاپن/ دلار آمریکا و دلار آمریکا/

1. Wong Hock
2. Salvatore
3. Baak
4. Grossmann and Olrov
5. Spectral Methodology
6. Plaza

نویسندگان	سال انتشار	محدوده/روش/نتایج
		پوند انگلیس از نرخ ارز و شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی (CPI) مبتنی بر تعادل عمومی نرخ ارز به روش TPI مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که پیمان پلازا و تشکیل اتحادیه اروپا به کاهش نوسانات نرخ ارز و ناترازی نرخ ارز منجر شده است.
داگدویرن <sup>۱</sup> و همکاران	۲۰۱۲	این مقاله به بررسی ناترازی لیره بین سال‌های ۱۹۹۸-۲۰۱۱ برای ترکیه می‌پردازد. در قدم اول به برآورد نرخ ارز تعادلی واقعی برای ترکیه پرداخته‌اند سپس به محاسبه میزان انحراف از نرخ ارز تعادلی پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که لیره به‌طور قابل ملاحظه‌ای در رژیم نرخ ارز ثابت گران‌تر از مقدار تعادلی بوده است. این مورد برای دوره‌ای بود که نرخ ارز شناور نبود. در نتیجه ترکیه به‌دلیل بحران مالی جهانی به نرخ ارز گران‌قیمت روی آورده است که یک نگرانی جدی برای رژیم نرخ ارز ثابت در ترکیه بوده است. از طرفی ترکیه در رژیم‌های شناور دارای نوسانات نرخ ارز بالایی می‌باشد که یک نگرانی برای دوره رژیم نرخ ارز شناور نیز نوسانات بالای نرخ ارز می‌باشد.
هولتمولر و مالیک <sup>۲</sup>	۲۰۱۲	بر اساس ۶۹ کشور نمونه، این مقاله به بررسی اثر متغیرهای اساسی اقتصاد کلان بر نرخ ارز مؤثر واقعی (BEER) می‌پردازد. با استفاده از ناترازی BEER واقعی از سطح تعادلی آن، در توضیح میزان ارز بیش از حد و یا تحت ارزیابی عوامل برآورد شده است. در نتیجه در رژیم نرخ ارز انعطاف‌پذیر، ناترازی پایین‌تر از حد می‌باشد. نتایج برآورد برای کشورهای موجود در نمونه متفاوت است. با بررسی نتایج تحقیق می‌توان این‌طور بیان کرد که با وجود ناترازی نرخ ارز در کشورهای مورد بررسی احتمال وقوع یک بحران بالقوه افزایش می‌یابد، به تعبیری دیگر ناترازی نرخ ارز به‌عنوان یک شاخص پیشرو از یک بحران بالقوه مطرح می‌شود. در پایان این مطالعه بیان می‌کنند که کشورهای منتخب قبل از انتخاب رژیم نرخ ارز بایستی ناترازی نرخ ارز را نیز در انتخاب رژیم نرخ ارز مناسب لحاظ کنند.

1. Dagdeviren, Binatli and Sohrabji
2. Holtemoller and Mallick



### ۲-۳-۱. مطالعات داخلی

مطالعات داخلی را می‌توان به دو گروه به این شرح تقسیم کرد. گروه اول مطالعات در زمینه تأثیر نرخ ارز بر متغیرهای کلان اقتصادی می‌باشند (تا اهمیت نرخ ارز و نوسانات آن بیان شود) و گروه دوم به بررسی اثر عوامل مؤثر بر نوسانات نرخ ارز و ناترازی ایجادشده در آن پرداخته‌اند.

#### ۱-۳-۲-۱. گروه اول

در جدول ۳ مهم‌ترین مطالعات انجام‌شده در زمینه تأثیر نوسانات نرخ ارز بر متغیرهای کلان اقتصادی آورده شده‌اند.

جدول ۳. بررسی مطالعات داخلی گروه اول (تأثیر نوسانات نرخ ارز بر متغیرهای کلان اقتصادی)

نویسندگان	سال انتشار	نوع اثر	نتایج
حلافی و همکاران	۱۳۸۱	اثر نوسانات نرخ ارز بر رشد اقتصادی	انحراف نرخ واقعی ارز تأثیر منفی بر رشد اقتصادی ایران می‌گذارد.
برقندان و نجفی	۱۳۸۹	اثر انحراف نرخ ارز بر شاخص حمایت از تولیدکننده بخش کشاورزی	انحراف نرخ ارز، اندازه حمایت از تولیدکنندگان محصولات کشاورزی را در دوره مورد بررسی کمتر از مقدار واقعی آن نشان می‌دهد. همچنین اثر تعمیم نتایج به دست آمده از شاخص حمایت از تولیدکننده محاسبه شده برای محصولات منتخب به کل تولیدات کشاورزی، به سهم محصولات مورد مطالعه در کل ارزش تولیدات کشاورزی بستگی دارد.
توکلی و سیاح	۱۳۸۹	تأثیر نوسانات نرخ ارز بر فعالیت‌های اقتصادی کشور	نتایج نشان می‌دهند که نوسان‌های غیرقابل پیش‌بینی نرخ ارز بر رشد واقعی کشور تأثیری نداشته ولی اجزای تقاضای کل با نوسانات غیرمنتظره نرخ ارز واکنش نشان داده‌اند. تأثیر حاصل از افزایش نرخ ارز (شوک منفی) بر سطح مخارج خانوارها و سطح صادرات چشمگیر است.

نویسندگان	سال انتشار	نوع اثر	نتایج
			با افزایش نرخ ارز (کاهش ارزش پول کشور) صادرات غیرنفتی، واکنش منفی و مخارج خانوارها واکنش مثبتی را نشان می‌دهند. نوسانات غیرقابل پیش‌بینی نرخ ارز و مخارج دولت بر رشد صادرات غیرنفتی کشور تأثیرگذار بوده و نوسانات غیرمنتظره حاصل از افزایش نرخ ارز (با تأخیر یک سال) به کاهش رشد صادرات غیرنفتی منجر شده است. واردات کشور نسبت به نوسانات نرخ ارز تأثیر قابل توجهی را نشان نمی‌دهد. همچنین شوک‌های غیرمنتظره نوسانات نرخ ارز تأثیر معناداری بر هزینه‌های سرمایه‌گذاری بخش خصوصی ندارد.
حسینی و همکاران	۱۳۸۹	اثر انحراف نرخ ارز بر شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان گندم	نرخ ارز واقعی از نرخ ارز تعادلی طی دوره مورد بررسی انحراف داشته و این انحراف شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان گندم را تحت تأثیر قرار داده است. نتایج همچنین نشان دادند سیاست‌های حمایت بخشی (حمایت محاسبه‌شده بر مبنای نرخ ارز واقعی) طی دوره مورد بررسی (۱۳۸۶-۱۳۶۸) موجب حمایت مثبت از تولیدکنندگان گندم شده و این حمایت تقریباً روند افزایشی داشته است. درحالی که سیاست‌های ارزی به‌طور متوسط در همه برنامه‌های توسعه اثر منفی بر مقدار حمایت از تولیدکنندگان گندم داشته و موجب اخذ مالیات پنهان از آنها شده است.
رستمی و احمدلو	۱۳۸۹	بررسی تکانه‌های نرخ ارز واقعی بر میزان صادرات و واردات ایران	نتایج برآورد، نشان‌دهنده اثرات نامتقارن تکانه‌های نرخ ارز واقعی بر صادرات و واردات است به‌طوری که تکانه‌های پیش‌بینی‌شده و پیش‌بینی‌نشده نرخ ارز به‌صورت متفاوت از هم بر صادرات تأثیر می‌گذارند. بدین‌صورت که تکانه‌های پیش‌بینی‌شده نرخ ارز بیشتر از تکانه‌های

نویسندگان	سال انتشار	نوع اثر	نتایج
			پیش‌بینی نشده آن، صادرات را دچار نوسان می‌کند. همچنین این تکانه‌ها بر واردات نیز به‌طور متفاوت از هم تأثیر گذارند، به‌طوری که تکانه‌های پیش‌بینی نشده نرخ ارز نسبت به تکانه‌های پیش‌بینی شده، اثرات به مراتب بیشتری بر واردات دارد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که تکانه‌های منفی نرخ ارز (افزایش ارزش پول ملی) بیشتر از تکانه‌های مثبت نرخ ارز (کاهش ارزش پول ملی) صادرات را تحت تأثیر قرار می‌دهد.
ایزدی و ایزدی	۱۳۹۰	اثر نوسانات نرخ ارز بر ارزش افزوده بخش صنعت	نتایج تحقیقات این پژوهش نشان می‌دهد که ارزش افزوده بخش صنعت با نوسانات نرخ ارز و انحراف آن از مسیر تعادلی رابطه‌ای منفی دارد. به عبارتی انحراف نرخ واقعی ارز از مسیر تعادلی آن یا همان زیاده ارزش‌گذاری کردن پول داخلی باعث کاهش قدرت رقابت کالاهای ساخت داخل در بازارهای بین‌المللی می‌شود و بنابراین سودآوری تولید را کاهش می‌دهد، همچنین انحراف نرخ واقعی ارز به‌عنوان اختلال در قیمت‌های نسبی جامعه، علاوه‌بر فرار سرمایه از کشور موجب انحراف منابع و سرمایه‌ها از تخصیص بهینه آن می‌شود.
عباسیان و همکاران	۱۳۹۱	بررسی نوسانات نرخ ارز واقعی بر رشد اقتصادی	نتایج حاصل از تخمین الگوی مورد بحث، بیانگر تأثیر منفی و معنادار عدم اطمینان نرخ ارز واقعی بر رشد اقتصادی است.

در بررسی مطالعات گروه اول مشاهده می‌شود که اکثر مطالعات به بررسی تأثیر نرخ ارز واقعی بر متغیرهای کلان اقتصادی مانند رشد اقتصادی، شاخص حمایت از تولیدکننده، سطح مخارج خانوار، صادرات و واردات، صنعت و ... پرداخته‌اند. مطالعات انجام‌شده نشان‌دهنده اهمیت مقوله نرخ ارز است که نوسانات آن موجب تغییرات در فعالیت‌های

اقتصادی و بخش‌های کلان اقتصاد می‌شود. در نتیجه مطالعه ناترازی نرخ ارز (هدف تحقیق حاضر) می‌تواند کمک شایانی به سیاست‌گذاران در زمینه کنترل نوسانات نرخ ارز و یا کاهش نوسانات نرخ ارز نماید.

## ۲-۲-۳-۱. گروه دوم

مطالعات انجام‌شده در جدول ۴ به بررسی عوامل مؤثر بر نوسانات نرخ ارز در اقتصاد ایران می‌پردازد.

جدول ۴. بررسی مطالعات داخلی گروه دوم (بررسی عوامل مؤثر بر نوسانات نرخ ارز در اقتصاد ایران)

نویسندگان	سال انتشار	نتایج
یاوری و مزینی	۱۳۸۲	نتایج حاصل از این تحقیق حکایت از وقوع پدیده جهش پولی نرخ ارز در دوره‌های کوتاه‌مدت (ماهانه) دارد. وقوع پدیده جهش پولی نرخ ارز با داده‌های فصلی تأیید نشده است چون این موضوع حکایت از بالا بودن سرعت تعدیل قیمت در بازار کالاها دارد که باعث می‌شود پس از یک انبساط پولی، قیمت‌ها در بازار کالاها بلافاصله پس از بازار دارایی‌ها تعدیل شوند.
ابریشمی و مهرآرا	۱۳۸۳	شاخص تعرفه، بهره‌وری، تراز منابع، نسبت سرمایه‌گذاری به جذب داخلی و نرخ ارز اسمی اثرات معناداری بر نرخ ارز حقیقی وارداتی و صادراتی دارند. تراز منابع غیرنفتی شامل ورود و درآمدهای نفتی، علت ادواری (کوتاه‌مدت) کلیه متغیرهای دستگاه و علت بلندمدت نرخ ارز حقیقی تعادلی محسوب شده و نقش متغیر پیشرو را در نوسانات سایر متغیرها ایفا می‌کند.
جلائی و همکاران	۱۳۸۴	شاخص سیاست پولی و درجه باز بودن اقتصاد، در کوتاه‌مدت دارای تأثیر منفی بر نرخ ارز واقعی بوده؛ اما در بلندمدت ضریب این سیاست مثبت شده است. متغیر سیاست ارزی نیز که بیانگر نظام ارزی در یک کشور است، در کوتاه‌مدت تأثیر منفی بر نرخ ارز واقعی داشته، اما در بلندمدت، اثر سیستم کنترل نرخ ارز واقعی، مثبت بوده است.
مهرآرا	۱۳۸۴	متغیرهای اساسی تعیین‌کننده نرخ ارز حقیقی تعادلی شامل رشد بهره‌وری

نویسندگان	سال انتشار	نتایج
		(به‌عنوان نماینده عوامل طرف عرضه)، موقعیت سیاست‌های پولی و مالی، شاخص تعرفه (موقعیت رژیم تجاری) و تراز منابع (تفاوت میان واردات و صادرات غیرنفتی نسبت به تولید ناخالص داخلی) است. روابط بلندمدت مربوط به نرخ ارز حقیقی صادراتی و وارداتی مبتنی بر یک دستگاه هم‌انباشته هم‌زمان، شناسایی و برآورد شده و اثرات متقابل پویا میان متغیرهای الگو نیز با استفاده از توابع عکس‌العمل آنی و تجزیه‌های واریانس (تعمیم‌یافته) تجزیه و تحلیل می‌شوند. نتایج حاصل نشان می‌دهند که تراز منابع (تحولات بخش خارجی) به‌عنوان متغیر پیشرو بیش‌ترین سهم را در نوسانات سایر متغیرهای دستگاه از جمله نرخ ارز حقیقی و اسمی داشته است درحالی‌که تکانه‌های وارد بر سایر متغیرها سهم کمی در واریانس تراز منابع ایفا می‌کنند.
کازرونی و همکاران	۱۳۸۹	متغیرهای پولی اختلاف نرخ تورم و حجم نقدینگی تأثیر مثبت و اختلاف متغیر تولید ناخالص داخلی واقعی تأثیر منفی و معناداری بر نرخ ارز اسمی داشته است.
تقوی و خدام	۱۳۹۰	در این تحقیق سعی می‌شود متغیر ملاک (وابسته) در مدل‌های مختلف ارزی که شامل نظریه‌های ارزی «تئوری پولی با قیمت انعطاف‌پذیر»، «تئوری برابری قدرت خرید»، «تئوری ماندل - فلمینگ» و «تئوری بازار دارایی‌ها» است توسط روش‌های اقتصادسنجی تعیین و تصریح شود و پس از مشخص کردن ضرایب تحلیل رگرسیونی در مشاهدات تاریخی پیش‌بینی نرخ ارز پوند به دلار به‌عنوان مورد مطالعه برای دوره خارج از نمونه انجام گیرد. متغیر وابسته در کلیه مدل‌ها پوند به دلار بوده و متغیرهای مستقل در هر یک از مدل‌ها با توجه به مبانی نظری آن متفاوت است. در کلیه معیارهای ارائه‌شده <sup>۱</sup> مدل ماندل - فلمینگ از قدرت پیش‌بینی بالاتری نسبت به سایر مدل‌ها برخوردار بوده است.
محمدزاده و همکاران	۱۳۹۰	در این مطالعه سعی شده است با استفاده از تکنیک هم‌انباشتگی تابلویی، مدل پایه پولی و مدل پولی با قیمت‌های انعطاف‌پذیر، برای ۱۴ کشور منتخب منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA)، در دوره زمانی ۲۰۰۶-۱۹۷۵ مورد آزمون قرار گیرد. نتایج نشان می‌دهد که در هر دو مدل، پایه پولی و مدل پولی

۱. معیارهای مورد استفاده در این تحقیق شامل ریشه میانگین مربعات خطاها، میانگین قدرمطلق خطاها، میانگین درصد مطلق خطاها و ضریب تایل است.

نویسندگان	سال انتشار	نتایج
		با قیمت‌های انعطاف‌پذیر، رابطه هم‌انباشتنی بین متغیرهای مدل وجود دارد و رهیافت پولی به نرخ ارز در کشورهای منطقه منا در دوره زمانی مورد مطالعه صادق است. از این رو می‌توان گفت در کشورهای منطقه منا برابری ارزش پول داخلی در مقابل پول خارجی بیشتر تحت تأثیر حجم پولی داخلی بوده و هرگونه افزایش (کاهش) حجم نقدینگی، متغیرهای نرخ تورم انتظاری، رابطه مثبت و معنادار و تولید ناخالص داخلی، رابطه منفی و معنادار با نرخ ارز داشته و از متغیرهای مهم تعیین‌کننده نرخ ارز تعادلی در این کشورها محسوب می‌شود.

با بررسی مطالعات انجام‌شده، جنبه نوآوری تحقیق حاضر و تفاوت آن با مطالعات انجام‌شده را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. در مطالعه حاضر برخلاف اکثر مطالعات گروه دوم، نرخ ارز اسمی موضوع اصلی مطالعه می‌باشد. با این رویکرد نتایج حاصله می‌تواند در شناسایی نرخ ارز اسمی تعادلی به‌ویژه با توجه به رویکرد بودجه‌ای دولت به نرخ ارز کاربرد یابد.
  ۲. در مطالعه حاضر از نرخ ارز بازار (آزاد) برای تعیین ناترازی نرخ ارز استفاده شده است.
  ۳. رویکرد به‌کاررفته در تحقیق حاضر در مطالعات مشابه داخلی مشاهده نمی‌شود، چون جدای از برآورد مدل برای دوره ۴:۱۳۸۰-۱:۱۳۶۸ اقدام به شبیه‌سازی مدل و حل آن برای دوره ۴:۱۳۹۰-۱:۱۳۸۱ شده است.
  ۴. در بیشتر مطالعات گروه دوم به بررسی رفتار نرخ ارز تعادلی واقعی و عوامل مؤثر بر آن پرداخته‌اند ولی در تحقیق حاضر علاوه بر اثر عوامل تعیین‌کننده نرخ ارز تعادلی اسمی و نیز میزان ناترازی نرخ ارز در اقتصاد ایران به‌طور غیرمستقیم به پدیده جهش نرخ ارز نیز پرداخته شده است.
- در نتیجه به نظر می‌رسد مطالعه حاضر در ادامه مطالعات ایمی (۲۰۰۶)، ونگک، هوی و سوفی (۲۰۰۷)، باک (۲۰۱۲)، کازرونی و همکاران (۱۳۸۹) و محمدزاده و همکاران (۱۳۹۰) قابل طبقه‌بندی بوده و به‌گونه‌ای مکمل آنها محسوب می‌شود.

## ۲. معرفی روش تحقیق و برآورد مدل

در اکثر مطالعات انجام شده بین‌المللی<sup>۱</sup> درخصوص آزمون ناترازی نرخ ارز روش‌های هم‌جمعی یکسان مورد استفاده قرار گرفته است. بدین صورت که با توجه به مبانی نظری موجود متغیرهای مورد نظر در این رابطه همچون نرخ ارز، حجم پول، سطح قیمت‌ها و ... در قالب معادله‌ای (پس از انجام آزمون‌های پایایی) مبنای برآورد قرار گرفته و پس از آگاهی از ضرایب و علائم مربوطه و نیز اطمینان از قابل اعتماد بودن آنها نسبت به وقوع پدیده ناترازی نرخ ارز قضاوت شده است.

در این مطالعه همچون مطالعه بهمنی اسکوتی و کارا<sup>۲</sup> (۲۰۰۰)، یاوری و مزینی (۱۳۸۲) و کازرونی و همکاران (۱۳۸۹) از مبانی نظری تئوری مقداری پول<sup>۳</sup> جهت طراحی مدل مبنا استفاده می‌شود. بدین صورت که چنانچه تئوری مقداری پول را به تفکیک برای ایران و یک کشور فرضی (با نماد ستاره) به عنوان شاخص اقتصاد جهانی برحسب P نوشته (رابطه ۱) و در معادله برابری قدرت خرید<sup>۴</sup> (رابطه ۲) جایگذاری نماییم مدل اولیه برآورد به دست خواهد آمد (رابطه ۳). حال با توجه به نقش دلار در اقتصاد جهانی چنانچه کشور آمریکا به عنوان شاخص اقتصاد جهانی (و نرخ برابری دلار به ریال به عنوان نرخ ارز مبنای مطالعه) انتخاب شود می‌توان مدل به دست آمده را به صورت لگاریتمی جهت برآورد نهایی در قالب رابطه ۴ بازنویسی کرد.

$$M.V = P.Y \rightarrow P = M.V/Y \quad \& \quad P^* = M^*V^*/Y^* \quad (۱)$$

$$E = P/P^* \quad (۲)$$

$$E = (M/M^*) \cdot (Y^*/Y) \cdot (V/V^*) \quad (۳)$$

$$\text{Log}(E) = (\text{Log}M_I - \text{Log}M_U) - (\text{Log}Y_I - \text{Log}Y_U) + (\text{Log}V_I - \text{Log}V_U) \quad (۴)$$

۱. در این باره می‌توان به مطالعات زیر اشاره کرد:

Baak, 2012; Carriero and et al., 2009 and Kim and Roubini, 2013.

2. Bahmani-Oskooee and Kara

3. Quantity Theory of Money

4. Purchasing Power Parity

متغیرهای  $V, Y, M, E, P$  به ترتیب معرف سطح عمومی قیمت‌ها، نرخ ارز اسمی در بازار، حجم پول، درآمد ملی و سرعت گردش پول و اندیس‌های  $U, I$  معرف ایران و آمریکا می‌باشند. لازم به ذکر است در این مطالعه برای سری زمانی متغیر  $Y$  از داده‌های واقعی (Real) تولید ناخالص داخلی استفاده شده است. همچنین به دلیل نبود آمار مربوط به سرعت گردش پول از متغیر شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی (CPI) به عنوان جانشین استفاده شده است. همان‌گونه که در مطالعات مشابه نیز چنین رویکردی مبنای عمل قرار گرفته است (یاوری و مزینی، ۱۳۸۲، پسران، ۲۰۰۰<sup>۱</sup> و بهمنی اسکوئی و کارا، ۲۰۰۰). لذا مدل نهایی که در این مقاله مورد استفاده قرار می‌گیرد، به شرح زیر قابل بازنویسی است:

$$\text{Log}(E) = (\text{Log}M_t - \text{Log}M_U) - (\text{Log}Y_t - \text{Log}Y_U) + (\text{Log}\pi_t - \text{Log}\pi_U) \quad (5)$$

که به اختصار آن را به شکل رابطه (۶) نشان می‌دهیم:

$$S_t = a + bm_t + cy_t + dp_t \quad (6)$$

متغیرهای  $p, y, m, s$  به ترتیب معرف لگاریتم نرخ ارز اسمی (ریال/دلار) و مابه‌التفاوت لگاریتم: حجم پول، درآمد ملی و شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در دو کشور می‌باشند. انتظار می‌رود که ضرایب مدل به صورت  $b > 0$ ،  $c < 0$  و  $d > 0$  برقرار باشد.

همان‌گونه که پیش از این مطرح شد در برآوردها از نرخ ارز اسمی بازار استفاده شده است. حتی زمانی که به دلیل اعمال کنترل‌های شدید در نظام ارزی کشور بازار غیررسمی (سیاه) حاکم بود. چرا که این نرخ از آنجا که فارغ از کنترل‌های دولتی تحت تأثیر عرضه و تقاضا تعیین می‌شود، به خوبی می‌تواند ترجیحات بازار را نشان دهد. لازم به ذکر است اطلاعات مربوط به متغیرهای مورد نیاز از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران<sup>۳</sup> و بانک مرکزی (فدرال رزرو) آمریکا<sup>۴</sup> برای دوره ۱۳۹۰:۴-۱۳۶۸:۱ استخراج شده است.<sup>۵</sup> روند

1. Pesaran

2. Bahmani-Oskooee and Kara

3. www.cbi.ir

4. Federal Reserve of Saint Louis: USA

۵. به منابع آماری در قسمت منابع و مأخذ مراجعه شود.



کار در تحقیق حاضر بدین صورت است که در گام اول مدل برای دوره ۴:۱۳۸۰-۱:۱۳۶۸ به روش خودرگرسیون برداری<sup>۱</sup> برآورد خواهد شد، سپس براساس نتایج مدل برآورد شده، پس از استخراج قانونمندی‌های نسبی حاکم بر اقتصاد ایران در تعیین نرخ ارز اسمی مدل حاصله را برای دوره ۴:۱۳۹۰-۱:۱۳۸۱ (دوره پس از یکسان‌سازی دوم (۱۳۸۱) که فرایند کنترل و ثبات نسبی نرخ ارز در ایران اعمال شد) به صورت ex-post حل کرد و عملاً نرخ ارز اسمی واقعی را به گونه‌ای شبیه‌سازی<sup>۲</sup> می‌کنیم. انتظار می‌رود تفاوت بین نرخ ارز محاسبه‌شده با آنچه در بازار برقرار بوده است تصویری از ناترازی نرخ ارز در اقتصاد ایران طی دوره ۴:۱۳۹۰-۱:۱۳۸۱ ارائه کند.

### ۲-۱. بررسی مانایی متغیرها

به کارگیری روش‌های متداول اقتصادسنجی در برآورد ضرایب الگو با استفاده از داده‌های سری زمانی بر این فرض استوار است که متغیرهای الگو «پایا» هستند. در غیر این صورت ممکن است در صورت عدم وجود رابطه بین متغیرها میزان ضریب تعیین بالا منجر به استنباط‌های اشتباه در مورد ارتباط بین متغیرها محقق شود. در نتیجه در این قسمت به بررسی پایایی متغیرهای مورد بررسی خواهیم پرداخت. برای بررسی ایستایی برای تمامی متغیرهای تحقیق از آزمون ریشه واحد دیککی فولر تعمیم‌یافته<sup>۳</sup> استفاده شده است. لازم به ذکر است که در این روش طول وقفه براساس معیار آکائیک<sup>۴</sup> تعیین خواهد شد. عرض از مبدأ و روند نیز براساس آماره‌های t آنها انتخاب شده است. از طرفی چون در قسمت ۳-۵-۲ از آزمون هم‌انباشتگی یوهانسون - جوسیلیوس استفاده خواهد شد در نتیجه بررسی مانایی متغیرها ضروری است.

با توجه به آماره دیککی - فولر تعمیم‌یافته برای متغیرهای فوق هیچ‌کدام از متغیرها در

---

1. Vector Auto-Regressive (VAR)

2. Simulation

3. Augmented Dickey-Fuller (ADF)

4. Akaike Information Criterion (AIC)

سطح مانا نمی‌باشند در نتیجه از تک‌تک متغیرها تفاضل مرتبه اول می‌گیریم، سپس به بررسی مانایی در حالت تفاضل مرتبه اول متغیرها خواهیم پرداخت. همانند قسمت قبل از آزمون دیکی فولر تعمیم‌یافته استفاده خواهد شد و طول بهینه وقفه‌ها نیز براساس معیار آکائیک تعیین خواهد شد با یک بار تفاضل گرفتن از متغیرها، تمامی متغیرها در تفاضل مرتبه اول،  $I(1)$ ، مانا شدند. در نتیجه می‌توان از آزمون یوهانسون - جوسیلیوس برای تعیین بردارهای هم‌انباشته استفاده کرد. لازم به ذکر است که در این رابطه سیمز<sup>۱</sup> (۱۹۸۰) و بهبودی و همکاران (۱۳۸۸) معتقدند حتی اگر متغیرهای دارای ریشه واحد باشند؛ نباید تفاضل آنها را در سیستم وارد کرد. استدلال آنها این است که هدف از تحلیل خودرگرسیون برداری، تعیین روابط متقابل بین متغیرهاست و نه برآورد پارامترها. در حقیقت استدلال اصلی آنها در مورد ضرورت وارد کردن سطح متغیر؛ آن است که با تفاضل‌گیری، اطلاعاتی که نشان‌دهنده وجود هم‌انباشتگی میان متغیرهاست، از دست خواهد رفت (بهبودی و همکاران، ۱۳۸۸). در نتیجه در برآورد مدل خودرگرسیون برداری متغیرها بدون تفاضل‌گیری وارد خواهند شد. همچنین مانایی متغیرها براساس آماره فیلیپس - پرون بررسی و مشاهده شد که متغیرها دچار شکست ساختاری نمی‌باشند.

## ۲-۲. تشریح الگوی خودرگرسیونی برداری

براساس ایده سیمز (۱۹۸۰)، الگوی خودرگرسیون برداری از این ویژگی مطلوب برخوردار است که تمامی متغیرها را می‌توان به صورت درون‌زا در نظر گرفت؛ لذا این الگو برای بررسی روابط میان مجموعه‌ای از متغیرهای اقتصادی کاملاً مفید است.

### ۲-۲-۱. تعیین وقفه بهینه مدل خودرگرسیون برداری

از آنجا که در برآورد مدل‌های خودرگرسیون برداری متغیرهای وارد شده باید همه از یک درجه هم‌انباشتگی باشند، بنابراین ضروری است که قبل از برآورد مدل، هم‌انباشتگی متغیرها

مورد بررسی قرار گیرد (Noferesti, 2008). براساس آماره شوارتز تعداد وقفه بهینه مدل برابر با ۳ می باشد. در مرحله بعد الگوی خودرگرسیون برداری را با ۳ وقفه برآورد می کنیم.

### ۲-۲-۲. نتایج مدل خودرگرسیون برداری برای دوره ۴: ۱۳۸۰-۱۳۶۸

در برآورد مدل خودرگرسیون برداری برای بررسی ناترازی نرخ ارز ابتدا مدل را برای دوره ۴: ۱۳۸۰-۱۳۶۸ برآورد می کنیم، لازم به ذکر است که در برآورد مدل، متغیر مجازی (dum72) نیز که معرف تأثیر یکسان سازی نرخ ارز در دوره ۱: ۱۳۷۴-۱: ۱۳۷۲ می باشد نیز در مدل وارد شده است. نتایج برآورد مدل خودرگرسیون برداری برای رابطه ۶ در جدول ۵ آورده شده است.

جدول ۵. نتایج الگوی خودرگرسیون برداری

متغیر	S(-1)	S(-2)	S(-3)	M(-1)	M(-2)	M(-3)		
S	۰/۵۵۰۳	۰/۱۸۸۴	-۰/۱۷۲۷	۰/۳۴۰۳	-۰/۳۹۹	۰/۰۷۶۱		
آماره t	(۳/۵۹۸۲)	(۱/۱۵۹۳)	(-۱/۲۲۰۱)	(۱/۴۲۰۹)	(-۲/۴۵۴۹)	(۰/۳۷۸۱)		
متغیر	Y (-1)	Y(-2)	Y(-3)	P(-1)	P(-2)	P(-3)	C	Dum72
S	-۰/۱۷۵۵	-۰/۰۱۶۲	-۰/۲۶۹۲	۱/۸۱۲	-۱/۶۸۱۷	۰/۸۲۸	۲/۶۲۷۷	۰/۰۴۵۴
آماره t	(-۲/۰۸۹)	(-۰/۲۰۱)	(-۲/۵۰۸)	(۳/۸۳۲۳)	(-۲/۳۲۳۵)	(۱/۶۹۹۷)	(۳/۸۹۸۳)	(۲/۵۶۳۹)

مدل برآوردی مشکل ناهمسانی واریانس، خودهمبستگی و تورش تصریح را نداشته و همچنین کلیه ریشه های مشخصه چندجمله ای AR درون دایره واحد قرار گرفته است. همچنین یکسان سازی نرخ ارز در دوره اول تأثیر ناچیز و مثبتی بر روی نرخ ارز بازار آزاد گذشته است که از لحاظ آماری نیز معنادار می باشد.

### ۲-۲-۳. بررسی توابع عکس العمل آنی برای دوره ۴: ۱۳۸۰-۱۳۶۸

برای تفسیر نتایج باید به این نکته توجه داشت که در تخمین به روش خودرگرسیون برداری و به طور اساسی، در برآوردهای دستگاه معادلات، ضرایب و درصد توضیح دهندگی پارامترهای

الگو اهمیت روش‌های تک‌معادله‌ای را ندارند؛ بنابراین، از توابع عکس‌العمل ضربه به پاسخ (واکنش به ضربه)<sup>۱</sup> و تجزیه واریانس<sup>۲</sup> برای تحلیل‌ها استفاده می‌شود.

لو تکپل و رایمرس<sup>۳</sup> (۱۹۹۲) تجزیه و تحلیل واکنش به ضربه (تکانه) یا آنچه آنها ضریب فزاینده پویا می‌نامند را ابزاری متداول برای بررسی و دستیابی به اطلاعات پیرامون تأثیرات متقابل میان متغیرها در الگوهای پویا می‌دانند. براساس نظر آنان، در تخمین‌های انجام گرفته توسط دستگاه معادلات و الگوهای نظیر الگوی خودرگرسیون برداری، ضرایب و درصد توضیح‌دهندگی پارامترهای الگو اهمیت روش‌های تک‌معادله‌ای را ندارند؛ لذا در تجزیه و تحلیل متداول الگوی خودرگرسیون برداری بررسی تکانه‌ها ابزار بسیار متداول و ارزشمندی به شمار می‌رود. نظر به اینکه توابع واکنش به ضربه، مسیر زمانی تأثیر ضربه بر وضعیت‌های آتی یک سیستم پویا را اندازه‌گیری می‌کند، لذا آثار ضربه را می‌توان بر متغیرها (و همچنین روابط هم‌جمع) در الگوهای خودرگرسیون برداری مشاهده کرد.

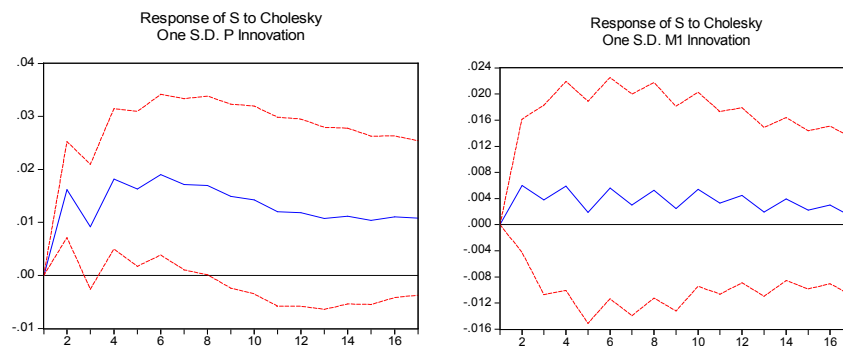
در بحث واکنش به ضربه برای متغیرها فرض می‌شود که سیستم در تعادل بوده و این تعادل در مبدأ مختصات قرار دارد؛ به گونه‌ای که تمامی متغیرها در حالت تعادل برابر صفر هستند. آنگاه اثر تکانه (ضربه) یک‌باره به یک متغیر، موقتی نامیده می‌شود که متغیر پس از گذشت چند دوره زمانی به مقدار تعادلی قبلی خود بازمی‌گردد؛ حال اگر این متغیر به صفر برنگردد و در مقدار تعادلی متفاوتی استقرار یابد، اثر ضربه دائمی نامیده می‌شود (صبغ کرمانی و شقاقی شهری، ۱۳۸۴).

نتایج تابع واکنش به ضربه از طرف متغیر حجم پول و شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی در نمودارهای ۱ نشان داده شده است. با توجه به اینکه داده‌های مورد استفاده در این تحقیق فصلی است، بررسی تأثیر شوک متغیرهای فوق بر نرخ ارز در ۱۶ دوره (۴ سال) بیان شده است.

---

1. Impulse Reaction Function  
 2. Variance Decomposition  
 3. Lutkepohl and Reimers

نمودار ۱. بررسی تکانه وارده بر لگاریتم نرخ ارز از طریق متغیرهای حجم پول و تورم



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

نتایج به دست آمده از نمودار ۱ به شرح ذیل می‌باشند:

- افزایش نسبی حجم پول در اقتصاد ایران در قالب شوک وارده به متغیر  $m$  باعث افزایش آنی نرخ ارز می‌شود که این افزایش پس از دو دوره (شش ماه) به اوج خود می‌رسد و سپس روند تعدیل آن در یک فرایند نوسانی آغاز می‌شود. دوره شش ماهه برای ظهور اثر کامل شوک پولی بر نرخ ارز بدیهی به نظر می‌رسد چرا که افزایش حجم پول بر قدرت می‌بایست پس از ورود به اقتصاد و افزایش آن در قالب ضریب تکاثری پولی و تبدیل آن به نقدینگی بازار ارز را متأثر ساخته و باعث افزایش نرخ ارز اسمی شود. همچنین شوک وارده از طرف حجم پول بر نرخ ارز پس از یک فرایند نوسانی در بلندمدت (۴ سال) به تعادل می‌رسد.

- افزایش نسبی شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی (CPI) در قالب شوک وارده به متغیر  $p$  باعث افزایش آنی نرخ ارز می‌شود. این افزایش به صورت نوسانی تا دوره ششم ادامه دارد و پس از آن کاهش یافته و در بلندمدت به یک مقدار متفاوت از مقدار تعادلی اولیه می‌رسد. در نتیجه می‌توان بیان کرد که اثر شوک وارده از طرف متغیر  $p$  بر نرخ ارز در بلندمدت دائمی است.

#### ۲-۲-۴. تجزیه واریانس

روش تجزیه واریانس، قدرت نسبی زنجیره علیت گرنجر یا درجه برون‌زایی متغیرها را ماورای دوره نمونه اندازه‌گیری می‌کند؛ لذا تجزیه واریانس را می‌توان آزمون علیت خارج از دوره نمونه نام‌گذاری کرد. این روش، سهم تکانه‌های واردشده به متغیرهای مختلف دستگاه، در واریانس خطای پیش‌بینی یک متغیر در کوتاه‌مدت و بلندمدت را مشخص می‌کند. در نتیجه قادر خواهیم بود سهم هر متغیر را بر روی متغیرهای دیگر در طول زمان (کوتاه‌مدت (سال اول)، میان‌مدت (سال دوم تا ششم) و بلندمدت (از سال ششم به بعد)) اندازه‌گیری کنیم. نتایج تجزیه واریانس نشان‌دهنده آن است که در مورد لگاریتم نرخ ارز (s)، در حدود ۸۵ درصد در کوتاه‌مدت، ۵۸/۶ درصد در میان‌مدت و حدود ۳۱/۴۹ درصد در بلندمدت از سوی تکانه‌های مربوط به خود این متغیر توضیح داده می‌شود. همچنین سهم متغیر حجم پول (m) در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت به ترتیب برابر با ۱/۴، ۲/۷ و ۲/۴۸ درصد است. در مورد درآمد ملی (y) این میزان در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت برابر با ۲/۷۶، ۴/۸۶ و ۴/۶۲ درصد است و در مورد شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی (p) این میزان در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت به ترتیب برابر با ۷/۹، ۳۲/۳۲ و ۴۰ درصد می‌باشد. براساس نتایج حاصل از تجزیه واریانس می‌توان بیان کرد که عامل تعیین‌کننده نوسانات نرخ ارز اسمی در اقتصاد ایران شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی (p) است و بعد از آن بیش‌ترین سهم را به ترتیب درآمد ملی (y) و حجم پول (m) دارند. همچنین روند تغییرات متغیرهای فوق در توضیح نوسانات نرخ ارز در دوره میان‌مدت و بلندمدت تقریباً یکسان است. از طرفی با توجه به نتایج تجزیه واریانس اثرات متغیرهای فوق بر نوسانات نرخ ارز از کوتاه‌مدت به بلندمدت از یک روند صعودی و افزایشی پیروی می‌کند.

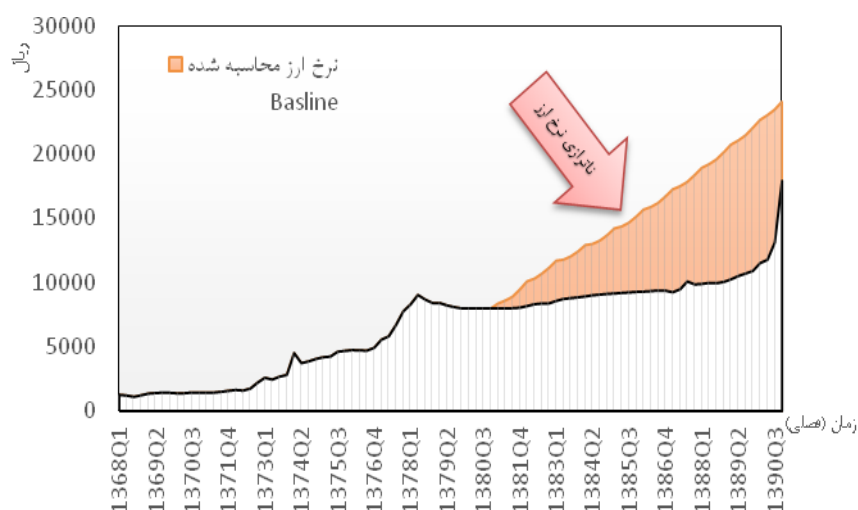
#### ۲-۲-۵. محاسبه ناترازی نرخ ارز

در ادامه کار مدل برآورد شده به روش خودرگرسیون برداری (رابطه ۷) را با استفاده از

الگوریتم برآیدن<sup>۱</sup> برای دوره ۱۳۹۰:۴-۱۳۸۱:۱ حل می‌کنیم. روش کار به گونه‌ای است که تمامی متغیرهای تحقیق برای دوره ۱۳۸۱:۱-۱۳۹۰:۴ تحقیق یافته می‌باشند، فقط متغیر لگاریتم نرخ ارز برای این دوره حل خواهد شد. لازم به ذکر است که روش الگوریتم برآیدن در حالت پویا به حل مدل خواهد پرداخت تا نتایج قابل استناد باشد.

حال برای بررسی بهتر ناترازی نرخ ارز در دوره ۱۳۸۱:۱-۱۳۹۰:۴ مقادیر لگاریتم نرخ ارز را به نرخ ارز تبدیل می‌کنیم. نتایج در نمودار ۲ نشان داده شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود نرخ ارز محاسبه شده<sup>۲</sup> در دوره مورد بررسی (۱۳۸۱:۱-۱۳۹۰:۴) از مقدار تحقیق یافته آن<sup>۳</sup> تفاوت داشته و این وضعیت نشانگر وجود پدیده ناترازی نرخ ارز (به صورت اضافه ارزش پول ملی) در اقتصاد ایران در دوره مورد بررسی است.

نمودار ۲. پدیده ناترازی نرخ ارز در اقتصاد ایران در دوره ۱۳۸۱:۱-۱۳۹۰:۴<sup>۴</sup>



1. Broyden Algorithm
2. Baseline
3. Actual
4. Solve Options: Dynamic-Deterministic Simulation, Solver: Broyden, Max iterations = 5000, Convergence = 1e-08

براساس نمودار ۲ کمترین مقدار ناترازی در دوره ۱۳۸۱:۱ و بیشترین مقدار آن در دوره ۲:۱۳۹۰ اتفاق افتاده است که مقادیر عددی آن به ترتیب برابر با ۴۰۱/۴۱ و ۱۱۲۸۴/۸۶ ریال است که حکایت از انحرافی در حدود (به ترتیب) ۵/۰۲ و ۹۵/۷۵ درصد دارند. ریشه این شرایط را باید در سیاست نرخ ارز شناور که شدیداً مدیریت شده و طی این مدت اجرا شده است، دنبال کرد. توضیح آنکه هرچند پس از اجرای سیاست یکسان سازی، علی‌الظاهر سیاست نرخ ارز شناور در کشور برقرار شد؛ اما مداخلات دولت (بانک مرکزی) طی این مدت در بازار و جلوگیری از افزایش نرخ ارز (کاهش ارزش پول ملی) در سایه تزیق مقادیر قابل توجهی از ذخایر ارزی به بازار در مقاطع مختلف زمانی به گونه‌ای بود که علی‌رغم افزایش شدید و مستمر نقدینگی و متعاقب آن سطح عمومی قیمت‌ها، نرخ ارز اسمی (همراه با نوعی اضافه ارزش فزاینده) در بازار نسبتاً تثبیت شد<sup>۱</sup> (نمودار ۲). این شرایط باعث شد تا قیمت‌های نسبی در اقتصاد ایران شدیداً دچار اختلال شدند.

این وضعیت در نمودارهای ۳ و ۴ به خوبی مشهود است. در نمودار ۳ نوسانات نرخ ارز واقعی<sup>۲</sup> در اقتصاد کشور طی دوره مورد بررسی به تصویر کشیده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود با آغاز دهه ۸۰ نرخ ارز واقعی روندی کاهشی را طی کرده است. این وضعیت بیانگر کاهش قدرت رقابت کالاهای داخلی در عرصه صادرات و متقابلاً افزایش رقابت‌پذیری کالاهای وارداتی در اقتصاد کشور است. مشاهده می‌شود چنانچه از نرخ ارز اسمی شبیه‌سازی شده در محاسبه نرخ ارز واقعی استفاده کنیم؛ نرخ ارز (واقعی) محاسبه شده در سطحی به مراتب بالاتر قرار می‌گیرد. فاصله میان دو روند (نمودار ۳) به گونه‌ای ناترازی نرخ ارز واقعی را به تصویر می‌کشد. نکته قابل تأمل درباره نمودارهای ۲ و ۳ کاهش پدیده ناترازی نرخ ارز (اسمی و واقعی) در دو فصل آخر سال ۱۳۹۰ می‌باشد و

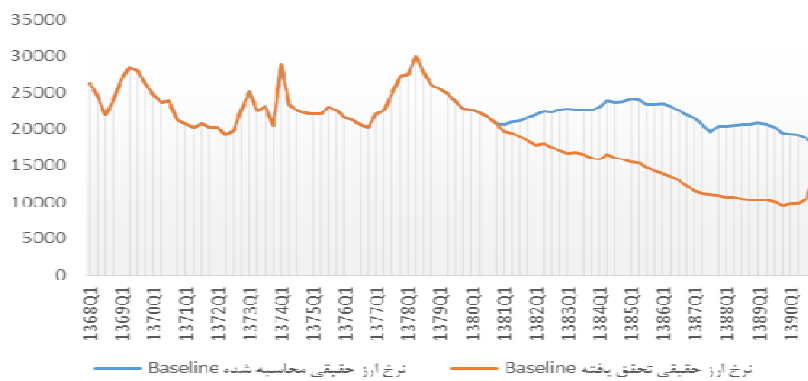
۱. بررسی‌ها حکایت از آن دارند که درجه مداخله مستقیم بانک مرکزی در بازار ارز در دوره پس از یکسان‌سازی نسبت به دوره قبل از آن بیش از دو برابر افزایش یافته و میانگین شاخص آن از ۰/۱۶ به ۰/۳۳ افزایش یافته است (طباطبایی نسب و افشاری، ۱۳۹۱).

۲. برای محاسبه نرخ ارز واقعی از تقسیم حاصل ضرب نرخ ارز اسمی در شاخص قیمت داخلی به شاخص قیمت بین‌المللی (اقتصاد آمریکا) استفاده شده است.

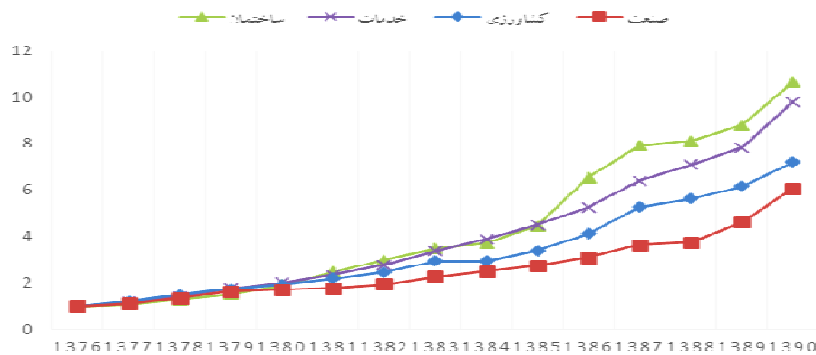


به نظر می‌رسد که در دوره‌های بعدی نیز این ناترازی کمتر شده باشد. علت این امر را می‌بایست در افزایش شدید نرخ ارز اسمی ناشی از تحریم‌های بین‌المللی وضع شده بر اقتصاد کشور دنبال کرد. چرا که از آن مقطع زمانی به بعد دیگر مقامات ارزی کشور قادر به ادامه سیاست تزریق ارز به اقتصاد و تداوم رویکرد تثبیت نرخ ارز اسمی در قالب نوعی اضافه ارزش (تصنعی) پول ملی نبودند.

نمودار ۳. نوسانات نرخ ارز واقعی (تحقق یافته و شبیه‌سازی شده)



نمودار ۴. نوسانات شاخص قیمت در بخش قابل مبادله و غیرقابل مبادله



بیانی دیگر از این شرایط را می‌توان در قالب نمودار ۴ مشاهده کرد. در این نمودار نحوه نوسان قیمت‌ها در دو بخش قابل مبادله (صنعت و کشاورزی) و غیرقابل مبادله (مسکن و خدمات) در اقتصاد کشور به تصویر کشیده شده است.<sup>۱</sup> همان‌گونه که ملاحظه می‌شود تثبیت نسبی نرخ ارز در کنار جریان فزاینده سطح عمومی قیمت‌ها باعث شده تا شاخص قیمت در بخش‌های غیرقابل مبادله (مسکن و خدمات) نسبت به بخش‌های قابل مبادله (صنعت و کشاورزی) به صورت فزاینده‌ای افزایش یابد. بدین صورت که هم‌زمان چهار شاخص فوق در سال ۱۳۷۶ (برحسب قیمت‌های سال پایه ۱۳۷۶) مساوی و در یک سطح بوده‌اند در انتهای دهه ۸۰ تفاوت قابل توجهی با یکدیگر داشته باشند. این وضعیت مصداق بارز پدیده بیماری هلندی است که در مبانی نظری مورد اشاره قرار گرفته است (کوردن و نیری، ۱۹۸۲).<sup>۲</sup>

در ادامه جهت اطمینان از استحکام نتایج<sup>۳</sup> ابتدا مدل را برای دوره ۱۳۹۰:۴-۱۳۶۸:۱ در دو حالت نرخ ارز تحقق‌یافته و نرخ ارز محاسبه‌شده به روش خودرگرسیون برداری، برآورد خواهیم کرد، سپس به مقایسه توابع واکنش در این دو حالت پرداخته و با استفاده از آزمون هم‌انباشتگی یوهانسون - جوسیلیوس<sup>۴</sup> به تعیین رابطه بلندمدت می‌پردازیم تا در پایان روابط بلندمدت در دو حالت را بررسی کنیم. قبل از برآورد مدل خودرگرسیون برداری و تجزیه و تحلیل توابع واکنش در دو حالت مورد بررسی ابتدا به تعیین وقفه بهینه می‌پردازیم. مشاهده می‌شود که براساس آماره شوارتز (SC) بهترین وقفه در حالت نرخ ارز تحقق‌یافته برابر ۲ و در حالت نرخ ارز محاسبه‌شده برابر ۳ است. بعد از تعیین وقفه بهینه به برآورد مدل خودرگرسیون برداری در هر دو حالت مورد بررسی می‌پردازیم و برای مقایسه بین دو حالت از توابع واکنش به ضربه آنی استفاده می‌شود. نتایج در نمودار ۵ نشان داده شده است.

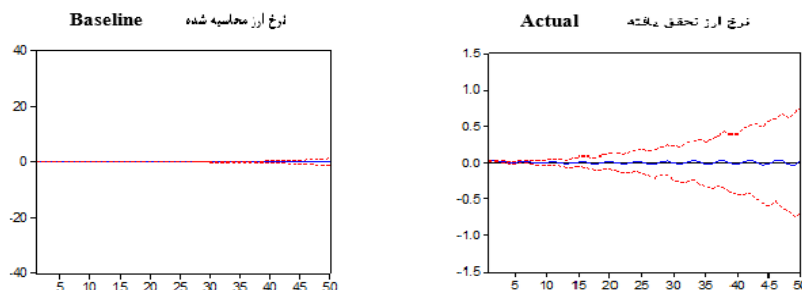
۱. برای محاسبه شاخص قیمت از شاخص GDP Deflator استفاده شده است.

2. Corden and Neary

3. Robustness

4. Johanson-Juselius Cointegration Test

نمودار ۵. مقایسه بین توابع واکنش به ضربه در دو حالت نرخ ارز تحقق یافته و نرخ ارز محاسبه شده



با مقایسه توابع واکنش به ضربه در دو حالت مورد بررسی مشاهده می شود که در حالت نرخ ارز محاسبه شده (تعادلی) واکنش نرخ ارز به شوک وارده از طرف خود نرخ ارز بسیار کم است. در حالی که در حالت نرخ ارز تحقق یافته شوک وارده از طرف خود نرخ ارز، نوسانات به مراتب بیشتری ایجاد می کند.

سه محدودیت مهم در استفاده از روش حداقل مربعات معمولی برای تخمین رابطه تعادلی بلندمدت وجود دارد. این محدودیت ها عبارت اند از: ۱. تخمین ها، کارایی مجانبی ندارند. ۲. آزمون فرضیه را به طور مستقیم نمی توان روی ضرایب انجام داد. ۳. اگر بیش از یک بردار تعادلی وجود داشته باشد، روش OLS<sup>۱</sup> تخمین سازگاری از هیچ یک از بردارهای هم انباشته ارائه نمی کند. یوهانسون و جوسیلیوس با ارائه روشی، محدودیت های ارائه شده را برطرف کردند. اساس کار آنها را یک مدل خودرگرسیون برداری جهت به دست آوردن بردار یا بردارهای هم جمعی تشکیل می دهد (تشکینی، ۲۰۰۵).

با توجه به وجود ۴ متغیر در مدل و نتایج آزمون اثر و حداکثر مقدار ویژه، وجود حداکثر یک رابطه هم انباشتگی در هر دو حالت پذیرفته می شود که از لحاظ آماری و اقتصادی نیز معنادار است. در نتیجه اقدام به برآورد بلندمدت مدل با در نظر گرفتن یک رابطه هم انباشتگی می کنیم.

1. Ordinary Least Square (OLS)  
2. Tashkini

بر اساس آزمون یوهانسون - جوسیلیوس وجود یک بردار هم‌انباشته در هر دو حالت در مدل تأیید می‌شود، لذا در این قسمت به برآورد رابطه بلندمدت، با ۳ بردار هم‌انباشته خواهیم پرداخت که نتایج به شرح زیر است.

$$S(-1) = \frac{5}{7106} + \frac{0}{7318}M(-1) - \frac{1}{9638}Y(-1) + \frac{2}{4442}P(-1) \quad (7)$$

(9/4311)      (3/2024)      (-6/5353)      (6/7452)

$$S(-1) = \frac{4}{632} + \frac{0}{5817}M(-1) - \frac{1}{033}Y(-1) + \frac{1}{5751}P(-1) \quad (8)$$

(10/7638)      (3/7081)      (-4/8101)      (6/0184)

بر اساس نتایج روابط (۷) و (۸) که به ترتیب بیانگر بردار بلندمدت در حالت‌های نرخ ارز تحقق‌یافته و نرخ ارز محاسبه شده می‌باشند، ضرایب به دست آمده از لحاظ اقتصادی و آماری معنادار می‌باشند. نتایج نشان می‌دهد که در حالت نرخ ارز تعادلی<sup>۱</sup> تمامی ضرایب کمتر شده و به عبارتی یک تعدیل در ضرایب به وجود آمده است.

جدول ۶ نیز برآورد ضرایب تعدیل را نشان می‌دهد. این ضرایب سرعت تعدیل متغیرها را نسبت به بی‌تعادلی‌های دستگاه یا جملات تصحیح خطا اندازه‌گیری می‌کنند. در صورت بی‌تعادلی یعنی انحراف از روابط تعادلی بلندمدت، باید برخی متغیرها بار تعدیل برای رسیدن به روابط تعادلی مذکور را به عهده بگیرند. در غیر این صورت، تضمینی برای هم‌انباشته‌گی متغیرهای سیستم وجود نخواهد داشت.

جدول ۶. نتایج حاصل از برآورد ضرایب تعدیل

روابط هم‌انباشته‌گی	D(S)	D(M)	D(Y)	D(P)
حالت نرخ ارز	-۰/۰۰۵	۰/۱۲۲۲	-۱/۲۲۲۸	۰/۰۰۰۶
تحقق‌یافته	(-۰/۰۹۷۲)	(۳/۱۹۱۲)	(-۳/۵۸۲۴)	(۰/۰۳۷۵)
حالت نرخ ارز محاسبه	-۰/۱۷۹۶	۰/۱۱۸۴	-۱/۲۳۲۷	۰/۰۴۲۵
شده (تعادلی)	(-۳/۰۵۸۴)	(۲/۱۳۲۴)	(-۲/۴۲۲)	(۱/۸۰۲)

توضیح: اعداد داخل پرانتز بیانگر آماره‌های  $t$  می‌باشد.

### ۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نرخ ارز از مهم‌ترین متغیرهای اقتصاد کلان شناخته می‌شود که تغییرات آن به‌طور گسترده بر وضعیت تراز پرداخت‌ها و قدرت رقابت بین‌المللی یک کشور تأثیر می‌گذارد. در این میان انحراف نرخ ارز از سطح تعادلی بلندمدت و قابل دوام، معمولاً عدم تعادل‌های شدید در اقتصاد کلان به جای می‌گذارد. مسئله تنظیم نرخ ارز یکی از مسائل اساسی و پیچیده در کشورهای در حال توسعه است. اهمیت و پیچیدگی موضوع تنظیم نرخ ارز از این مسئله نشئت می‌گیرد که تعیین ارزش پول ملی یک کشور براساس پول‌های خارجی، باید به شکلی باشد که سبب ارتباط هماهنگ اقتصاد داخلی با اقتصاد بین‌المللی شود. لذا در تحقیق حاضر به بررسی ناترازی نرخ ارز در اقتصاد ایران پرداخته شد.

نتایج حکایت از وجود ناترازی شدید نرخ ارز طی دوره ۱۳۹۰:۴-۱۳۸۱:۱ در اقتصاد ایران (به‌صورت اضافه ارزش پول ملی) دارد. به‌گونه‌ای که کمترین مقدار ناترازی در دوره ۱۳۸۱:۱ و بیش‌ترین مقدار آن در دوره ۱۳۹۰:۲ اتفاق افتاده است که مقادیر عددی آنها به ترتیب برابر با ۴۰۱/۴۱ ریال (۵/۰۲ درصد) و ۱۱۲۸۴/۸۶ ریال (۹۵/۷۵ درصد) است. این پدیده عمدتاً ریشه در مداخله مستقیم مقامات ارزی کشور در قالب تزریق مقادیر قابل توجهی ارز به بازار طی این مدت دارد. به‌گونه‌ای که باعث انحراف در نرخ ارز واقعی و قیمت نسبی کالاهای قابل مبادله به غیرقابل مبادله در اقتصاد کشور شده است که از بدیهی‌ترین تبعات آن کاهش رقابت‌پذیری کالاهای داخلی در عرصه بین‌المللی و اختلال در تجارت خارجی کشور است. همچنین مقدار قابل توجه ناترازی محاسبه شده در نرخ ارز اسمی، تلویحاً این موضوع را به سیاست‌گذاران خاطر نشان می‌سازد که در شرایط موجود و علی‌رغم فروکش کردن تبعات تحریم‌های بین‌المللی، با عنایت به جریان فزاینده نقدینگی و فضای تورمی موجود در اقتصاد، صحبت از نرخ ارز اسمی تعادلی (حداقل) در سطحی پایین‌تر از محدوده ۲۴۰۰۰-۲۵۰۰۰ ریال (برای هر دلار) چندان قابل دفاع نیست.

در پایان ذکر نکته‌ای ضروری به‌نظر می‌رسد و آن اینکه رویکرد و سیاست اتخاذشده در زمینه حفظ و تداوم اضافه ارزش فزاینده پول ملی در کشور طی دهه ۱۳۸۰ و به‌ویژه سال‌های

پایانی این دهه دقیقاً برخلاف رویکرد غالب اقتصاد جهانی و به ویژه کشورهای بزرگ صنعتی جهان می باشد که از آن به جنگ ارزی تعبیر شده است. توضیح آنکه بحران مالی جهانی که از اواخر سال ۲۰۰۷ میلادی از آمریکا آغاز شد اغلب اقتصادهای جهان را به رکودی شدید، همراه با افزایش نرخ بیکاری مبتلا کرد. گرچه این بحران در همه کشورها با کاهش نرخ رشد اقتصادی همراه بود، اما بارزترین نشانه آن در سقوط تجارت بین المللی تجلی یافت. به گونه ای که در ۱۶ کشور عمده صادرکننده جهان، در جریان این بحران و در دوره ای کمتر از یک سال، ارزش واقعی صادرات به طور متوسط به میزان ۲۰ درصد کاهش یافت. در حالی که تولید ناخالص داخلی همین کشورها در همین مدت فقط ۴ درصد کاهش یافت. این بدان معنا بود که رکود فوق الذکر، فروش در بازارهای خارجی را به مراتب بیش از فروش در بازارهای داخلی دشوار و محدود کرده بود. این امر باعث شد تا کشورهای مختلف، با ترفندهای گوناگون، به یاری صادرکنندگان خود بشتابند تا بازارهای خارجی خود را حفظ کنند یا حتی بازارهای صادراتی دیگران را به تصرف خود در آورند. یکی از رویکردهایی که در این رابطه در دستور کار کشورهای بزرگ صادرکننده جهان قرار گرفت کاهش عمده ارزش پول ملی با هدف افزایش رقابت پذیری<sup>۱</sup> در عرصه بین المللی و تحریک صادرات بود که به جنگ ارزی شهرت یافت. این رویه (از طریق سیاست هایی چون خرید پول خارجی و فروش پول داخلی و پایین نگه داشتن نرخ بهره سپرده های بانکی و اوراق قرضه دولتی) در سال ۲۰۱۰ به گونه ای نگران کننده در سطح اقتصاد جهانی مشاهده گردید. به گونه ای که صندوق بین المللی پول به دولت های جهان هشدار داد که از نرخ های برابری ارزشها به عنوان «سلاح» در سیاست های اقتصادی خود استفاده نکنند. چرا که این رویکرد (جنگ ارزی)، مبارزه با رکود اقتصادی و بازگشت اقتصاد جهانی به شرایط عادی را به مخاطره می اندازد.

نهایتاً اینکه بدون شک سیاست اضافه ارزش پول ملی و تأکید بر تداوم آن، کمتر متکی به پویایی های درونی اقتصاد است؛ لذا نمی تواند در بلندمدت سیاستی مثبت در راستای منافع اقتصاد ملی کشور به حساب آید.

## منابع و مآخذ

۱. ابریشمی، حمید و محسن مهرآرا (۱۳۸۳). «انحراف نرخ ارز حقیقی تعادلی و سیاست‌های تجاری در اقتصاد ایران»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ش ۳۲.
۲. ایزدی، حمیدرضا و مریم ایزدی (۱۳۹۰). «استفاده از معیار شکاف بازار آزاد (BMP) جهت بررسی تغییرات نرخ ارز بر ارزش افزوده بخش صنعت»، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، ش ۳.
۳. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری کشور.
۴. برقدان، ابوالقاسم و بهاء‌الدین نجفی (۱۳۸۹). «اثر انحراف نرخ ارز بر شاخص حمایت از تولیدکننده بخش کشاورزی در ایران»، مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی، ج ۲، ش ۱.
۵. بهبودی، داوود، محمدعلی متفکر آزاد و علی رضازاده (۱۳۸۸). «اثرات بی‌ثباتی قیمت نفت بر تولید ناخالص داخلی در ایران»، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، سال ششم، ش ۲۰.
۶. تقوی، مهدی و محمود خدام (۱۳۹۰). «بررسی تطبیقی کارآمدی نظریه‌های ارزی در پیش‌بینی تغییرات نرخ ارز در بازار تبادلات بین‌المللی ارز»، مجله دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، ش ۹.
۷. توکلی، اکبر و محسن سیاح (۱۳۸۹). «بررسی تأثیر نوسانات نرخ ارز بر فعالیت‌های اقتصادی کشور»، مجله پول و اقتصاد، ش ۴(۲).
۸. تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه، به قیمت‌های جاری، سازمان برنامه و بودجه، بسته آماری Pds و بانک مرکزی ج.ا.ایران، واحد: میلیارد ریال.
۹. جلائی، عبدالمجید، حمیدرضا حری و فاطمه ایرانی کرمانی (۱۳۸۴). «برآورد رفتار نرخ ارز واقعی در ایران»، پژوهشنامه اقتصادی، ش ۲۲.
۱۰. حجم پول بانک مرکزی ج.ا.ایران، واحد: میلیارد ریال.
۱۱. حجم پول و تولید ناخالص داخلی آمریکا: Federal Reserve of Saint Louis: USA، واحد: میلیارد دلار.
۱۲. حسینی، صفدر، امید گیلان پور و سمانه پروانی (۱۳۸۹). «اثر انحراف نرخ ارز بر شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان گندم»، نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی (علوم و صنایع کشاورزی)، ج ۲۴، ش ۳.
۱۳. حلافی، حمیدرضا، علیرضا اقبالی و ریحانه گسگری (۱۳۸۱). «انحراف نرخ ارز واقعی و رشد اقتصادی در اقتصاد ایران»، پژوهشنامه اقتصادی، ش ۱۴.
۱۴. رستمی، نسرین و مجید احمدلو (۱۳۸۹). «بررسی تأثیر تکانه‌های نرخ ارز واقعی بر میزان صادرات و واردات ایران (۱۳۴۰ تا ۱۳۸۷)»، مجله اقتصاد کاربردی، ش ۲ (پیاپی ۲).
۱۵. شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری کشور آمریکا: Federal Reserve of saint Louis: USA

۱۶. صباغ کرمانی، مجید و وحید شقاقی شهری (۱۳۸۴). «عوامل مؤثر بر نرخ ارز واقعی در ایران (رهیافت خود رگرسیون برداری)»، *پژوهشنامه اقتصادی*، ش ۳۷.
۱۷. طباطبایی نسب، زهره و زهرا افشاری (۱۳۹۱). «برآورد میزان مداخله مستقیم بانک مرکزی ایران با رویکرد فشار بازار ارز»، *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ش ۶۴.
۱۸. عباسیان، عزت‌الله، مهدی مرادپور اولادی و نادر مهرگان (۱۳۹۱). «تأثیر عدم اطمینان نرخ ارز واقعی بر رشد اقتصادی»، *تحقیقات اقتصادی*، ۴۷ (۹۸).
۱۹. کازرونی، علیرضا، علی رضازاده و مجید فشاری (۱۳۸۹). «رهیافت پولی نسبت به نرخ ارز اسمی: مطالعه موردی ایران»، *پژوهشنامه علوم اقتصادی (علمی - پژوهشی)*، سال نهم، ش ۱ (پیاپی ۳۷).
۲۰. محمدزاده، پرویز، حسین اصغرپور، محمدباقر بهشتی و علی رضازاده (۱۳۹۰). «بررسی مدل پولی تعیین نرخ ارز در کشورهای منطقه MENA: رویکرد هم‌انباشتگی تابلویی»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، سال شانزدهم، ش ۴۹.
۲۱. معاونت پژوهش ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز (۱۳۸۸). «برآورد حجم قاچاق در اقتصاد کشور».
۲۲. مهرآرا، محسن (۱۳۸۴). «نرخ ارز حقیقی تعادلی و عوامل تعیین‌کننده آن در اقتصاد ایران»، *تحقیقات اقتصادی*، ش ۷۰.
۲۳. نرخ ارز اسمی در بازار آزاد: مرکز اطلاعات فنی ایران، بانک مرکزی ج.ا.ایران، واحد: ریال.
۲۴. یاوری، کاظم و امیرحسین مزینی (۱۳۸۲). «جهش پولی نرخ ارز: مورد ایران»، *مجله علمی - پژوهشی دانشگاه مفید (نامه مفید)*، سال نهم، ش ۳۵.
25. Baak, S. J. (2012). "Measuring Misalignments in the Korean Exchange Rate", *Japon and the World Economy*, Vol. 24, Issue 4.
26. Bahmani-Oskooee, M. and O. Kara (2000). "Exchange Rate Overshooting in Turkey", *Economics Letters*, Vol. 68, Issue 1.
27. Carriero, A., G. Kapetanios and M. Marcellino (2009). "Forecasting exchange rates with a large Bayesian VAR", *International Journal of Forecasting*, Vol. 24, Issue 2.
28. Corden W. M. and J. P. Neary (1982). "Booming Sector and De-Industrialisation in a Small Open Economy", *The Economic Journal*, Vol. 92, Issue 368.
29. Dagdeviren, S., A. O. Binatli, N. Sohrabji (2012). "Misalignment under Different Exchange Rate Regimes: The Case of Turkey", *International Economics*, Vol. 2012, No. 130.
30. Dornbusch, R. (1976). "Expectations and Exchange Rate Dynamics", *Journal of Political Economy*, Vol. 84.
31. Elbadawi, I. A. and S. Raimundo (1997). "Real Exchange Rates and Macroeconomic Adjustment in Sub-Saharan Africa and Other Developing Countries", *Journal of African Economies*, Vol. 6, Issue 3.
32. Fleming, J. (1962). "Domestic Financial Policies Under Fixed and Under Floating



- Exchange Rates", *Staff Papers. International Monetary Fund*, Vol. 9, No. 3.
33. Gibson, H.D. (1996). *International Finance: Exchange Rates and Financial Flows in the International System*, England, Longman.
  34. Grossmann, A. and A. G. Olarv (2012). "Exchange Rate Misalignments in Frequency Domain", *International Review of the Economics and Finance*, Vol. 24.
  35. Holtemoller, O. and S. Mallick (2012). "Exchange Rate Regime, Real Misalignment and Currency Crises", *Economic Modelling*, Vol. 34.
  36. Hoontrakul, P. (1999). "Exchange Rate Theory", A Review Chulalongkorn University Discussion Paper.
  37. Iimi, A. (2006). "Exchange Rate Misalignment: An Application of the Behavioral Equilibrium Exchange Rate (BEER) to Bostwana", *IMF Working Paper*.
  38. Kim, S. and N. Roubini (2013). "Exchange Rate Anomalies in the Industrial Countries: A Solution with a Structural VAR Approach", *Journal of Monetary Economics*, Vol. 45, Issue 3.
  39. Lutkepohl, H. and H. E. Reimers (1992). "Impulse Response Analysis of Cointegrated Systems", *Journal of Economic Dynamics and Control*, Elsevier, Vol. 16(1).
  40. Mundell, E. (1963). "The Law of Value in Relation to Self-Management and Investment in the Economy of the Workers' States", *World Outlook (Paris)*, Vol. 2, No. 14.
  41. Noferești, M. (2008). "Unit Roots and Cointegration in Econometrics", 2th edition, Rasa Cultural Services institute (in Persian).
  42. Pesaran, M. H. (2000). "Economic Trends and Macroeconomic Policies in Post Revolutionary Iran", *Cambridge University Discussion Paper*.
  43. Pikoulakis, E. (1995). *International Macroeconomics*, Great Britain, Macmillan.
  44. Sallenave, A. (2010). "Real Exchange Rate Misalignments and Economic Performance for the G20 Countries", *International Economics*, Vol. 121.
  45. Salvatore, D. (2012). "Exchange Rate Misalignments and the Resent International Monetary System", *Journal of Policy Modeling*.
  46. Sims, CH.A. (1980). "Macroeconomics and Reality", *Econometrica*, Vol. 48, No. 1.
  47. Tashkini, A. (2005). "Applied Econometrics with Microfit, 1<sup>th</sup> edition", Tehran's Dibagaran publisher (in Persian).
  48. Wang, Y., X. Hui and A. Soofi (2007). "Estimating Renminbi Equilibrium Exchange Rate", *Journal of Policy Modeling* 29.
  49. Wong Hoch, T. (2011). "The Real Exchange Rate Determination: An Empirical Investigation", *School of Business and Economics, Universiti Malaysia Sabah*, Locked Bag No. 2073, 88999 Kota Kinabalu, Sabah, Malaysia.



# نقش نظام‌های سیاسی نامتجانس حوزه خلیج فارس

## در بی‌ثبات‌سازی امنیت منطقه

عبدالرضا فرجی‌راد، \* سیدمصطفی هاشمی \*\*

تاریخ دریافت ۱۳۹۲/۱۱/۲۸ تاریخ پذیرش ۱۳۹۴/۱/۱۸

ایجاد بی‌ثباتی در امنیت یک منطقه ژئوپلیتیکی از دو مؤلفه «درون‌زا» و «بیرون‌زا» ناشی می‌شود و هریک از این مؤلفه‌ها متأثر از دیگری است. پیکربندی امنیت منطقه خلیج فارس نیز متأثر از این دو مؤلفه است. ساختار نظام‌های سیاسی منطقه خلیج فارس به‌عنوان عامل درونی، بر امنیت منطقه اثر می‌گذارد و آن را با تهدیداتی مواجه می‌سازند. هویت‌های متضاد هریک از این نظام‌های سیاسی در کنار خاستگاه‌های اجتماعی آن، موجودیت دیگر نظام‌ها را با مخاطره مواجه کرده و در برخی موارد موجودیت آن را تضعیف و یا تهدید می‌کند. در این مقاله ضمن تبیین ویژگی‌ها و تفاوت‌های بنیادین حاکم بر نظام‌های سیاسی منطقه خلیج فارس، ابتدا الگوهایی که امنیت منطقه را تهدید می‌کند مورد اشاره قرار گرفته، سپس به تشریح تأثیرات ژئوپلیتیکی هریک از این نظام‌های سیاسی در ایجاد بی‌ثباتی در منطقه پرداخته شده است.

**کلیدواژه‌ها:** ژئوپلیتیک؛ نظام سیاسی؛ خلیج فارس؛ امنیت ملی؛ امنیت منطقه‌ای

\* استادیار دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران؛

E-mail: a.farajirad@yahoo.com

\*\* دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران

E-mail: m.hashemi2006@gmail.com

(نویسنده مسئول)؛

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست‌ودوم، شماره هشتادودو، تابستان ۱۳۹۴

## مقدمه

وجود منابع عظیم انرژی و قرار گرفتن در مسیر انتقال انرژی، منطقه خلیج فارس را به یک منطقه ژئوپلیتیکی تبدیل کرده و آن را محل اتکای استراتژی غرب قرار داده است. ذخایر اثبات شده نفت و گاز این منطقه بنا بر گزارش بی‌پی<sup>۱</sup> در سال ۲۰۱۱ به ترتیب ۴۹۲ هزار میلیون بشکه و ۸۰ میلیارد متر مکعب می‌رسد که گویای چنین حقیقتی است. منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس، دربرگیرنده هشت کشور ایران، عربستان سعودی، عراق، کویت، امارات متحده عربی، قطر، عمان و بحرین است که هر یک از آنها با در پیش گرفتن سیاست‌های مختلف درصدد کسب قدرت بیشتر، ارتقای وزن ژئوپلیتیکی خود و اثرگذاری بیشتر در این منطقه ژئوپلیتیکی هستند؛ این مسائل عاملی شده است تا در نظام منطقه‌ای خلیج فارس شاهد تعارض و بعضاً تضاد منافع ملی و امنیت ملی هر یک از نظام‌های سیاسی باشیم؛ با وجود این برخی مسائل عینی همچون تأمین امنیت کشورهای عربی، کاهش قلمرو نفوذ ایران یا هنجارهای ارائه شده از سوی ساختار نظام بین‌الملل، باعث شده تا نظام‌های سیاسی مستقر در این منطقه ژئوپلیتیکی برای رسیدن به اهداف خود، تصمیمات مشترک و عملکرد متوازن با یکدیگر بگیرند. با توجه به وابستگی متقابلی که میان کشورها در عصر جهانی شدن<sup>۲</sup> وجود دارد؛ حفظ امنیت این منطقه، به‌عنوان یک منطقه استراتژیک جهانی؛ امری ضروری است و تأمین و حفظ آن نه تنها برعهده نظام‌های سیاسی است که از لحاظ جغرافیایی در همسایگی یکدیگر قرار دارند، بلکه نظام بین‌الملل نیز به‌واسطه بهره‌گیری از منابع عظیم انرژی این منطقه و همچنین به‌دلیل ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی‌ای که این منطقه از آن بهره می‌برد (حیدری، ۱۳۹۱)، حائز اهمیت است. بین امنیت منطقه خلیج فارس و امنیت نظام بین‌الملل ارتباط مستقیم وجود دارد و همین عاملی شده تا ثبات و بی‌ثباتی در منطقه خلیج فارس، اثر مستقیم بر ثبات و یا بی‌ثباتی امنیت نظام بین‌الملل بگذارد (زین‌العابدین، ۱۳۹۰: ۱۴). یکی از مؤلفه‌های اثرگذار بر امنیت منطقه خلیج فارس، ترکیب نظام‌های سیاسی است که در این منطقه حضور دارند. همین مسئله نه

---

1. British Petroleum  
2. Globalization

تنها باعث شده تا هریک از حکومت‌های منطقه، دیدگاه‌های خاص خود را نسبت به تأمین امنیت منطقه خلیج فارس داشته باشند بلکه عملکرد هریک از نظام‌های سیاسی، شرایط بروز بی‌ثباتی و ناامنی را در منطقه به وجود آورده است. تفاوت و در برخی موارد تضاد عملکرد نظام‌های سیاسی حوزه خلیج فارس، موجب ایجاد شکاف امنیتی در منطقه شده است. شکافی که امنیت منطقه‌ای را نشانه رفته و به ناپایداری امنیتی در درون و برون کشورهای حوزه خلیج فارس منجر شده است. بر همین اساس امنیت منطقه‌ای، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های نظام‌های سیاسی منطقه و نیز غیرمنطقه‌ای تلقی می‌شود؛ شکل کلی امنیت که در این منطقه حکم فرماست با توجه به دیدگاه گوناگون هریک از این نظام‌ها متفاوت است، اگرچه همه آنها در یک امر مشترکند و آن؛ تأمین منافع ملی کشور و پیرو آن دست یافتن به امنیت ملی به بهترین شکل ممکن است؛ اما به دلیل وجود سیاست‌های مبتنی بر رقابت‌های منفی و موازنه قدرت تاکنون میسر نشده است. این مقاله می‌کوشد تا با شناخت انواع نظام‌های حاکم در منطقه خلیج فارس و با تأکید بر جغرافیا به بررسی نقش آنها در ایجاد بی‌ثباتی در این منطقه شکندنده بپردازد. فرضیه مطرح در این مقاله اثبات این است که «وجود نظام‌های سیاسی نامتجانس در منطقه خلیج فارس، موجب بی‌ثباتی در این منطقه شده است».

## ۱. روش تحقیق

مقاله حاضر از نوع پژوهش‌های توصیفی - تحلیلی است یعنی به روش توصیفی مورد تحلیل قرار گرفته و یافته‌های مورد نیاز پژوهش به روش کتابخانه‌ای (کتب، نشریات و اینترنت) گردآوری شده است.

### ۱-۱. ادبیات نظری تحقیق

#### ۱-۱-۱. نظام سیاسی

نظام سیاسی دربرگیرنده نهادهای سیاسی رسمی به همراه فعالیت‌های سیاسی در جامعه است و کنش‌ها و واکنش‌ها میان مجموعه عناصر سیستم را شامل می‌شود که بر مبنای اهداف

خاص و از پیش تعیین شده تعریف شده است (عالم، ۱۳۸۳: ۱۴۹). نظام سیاسی جزئی از نظام اجتماعی است که برآمده از نیازهای اجتماعی و زیستی انسان است و می‌تواند پاسخگوی نیازهای مادی و معنوی انسان در ساختار حکومت باشد (فیاضی، ۱۳۸۹: ۱۴۴). ماکس وبر، نظام سیاسی را برآمده از اجتماع انسان‌هایی می‌داند که به‌صورت انحصاری و مشروع، توانایی استفاده از زور جسمانی در داخل یک سرزمین را دارند. وی معتقد است که چنین اجتماعی، سرآغاز شکل‌گیری نظام سیاسی است. این تعریف در حالی است که ایستون نظام سیاسی را مبتنی بر سه شاخص اصلی می‌داند که اولاً ارزش‌ها از طریق ابزار سیاسی توزیع شود؛ ثانیاً از اقتدار برخوردار باشد؛ ثالثاً این اقتدار به‌طور ذاتی در نظام سیاسی توزیع شده باشد. وی معتقد است مجموعه اقدامات افرادی که موجب پیوند اجزای ترکیبی می‌گردد و برآیند عملکرد آن باعث ایجاد یک مجموعه قید و بندهای خاص می‌شود و از این طریق می‌توان یک نظام را از نظام‌های دیگر تفکیک کرد و مورد شناسایی قرار داد، نظام سیاسی تلقی می‌شود (عالم، ۱۳۸۳: ۱۵۲-۱۵۰).

نظام سیاسی تحت عنوان یک سیستم تعبیر می‌شود که از اجزای مختلفی شکل گرفته، که از مهم‌ترین آن می‌توان به دولت یا قوای مجریه، مقننه و قضائیه به‌عنوان سازوکارهای اجرایی (دهشیار، ۱۳۸۹: ۱۶۷) اشاره کرد. نیروی مسلح، بُعد سخت و خشن یک نظام سیاسی تلقی می‌شود که کارکرد آن تأمین امنیت و حفاظت از مرزهای سیاسی هر کشور است. کارکرد تمام نظام‌های سیاسی در دو قالب «برون‌داد» و «درون‌داد» تعریف می‌شود که درون‌دادها، معطوف به خواست‌ها و حمایت‌هایی است که نظام از جامعه دریافت می‌کند، درحالی‌که برون‌دادها شامل تصمیمات و اقداماتی است که مقامات حکومتی انجام می‌دهند. نظام‌های سیاسی از لحاظ کارکردی و ساختاری قابل طبقه‌بندی هستند. در یک تقسیم‌بندی کلی از دید کارکردی نظام سیاسی به انواع مختلفی نظیر نظام سیاسی ایدئولوژیکی، نظام سیاسی اقتصادی و نظام سیاسی امنیتی قابل طبقه‌بندی است. درحالی‌که از لحاظ ساختاری شامل نظام سیاسی استبدادی، نظام سیاسی پارلمانی و نظام سیاسی حزبی می‌شود. نظام سیاسی

چارچوبی است که ساختار کشور را شامل می‌شود و از اجزایی نظیر حکومت، حاکمیت، سرزمین، ملت، ارزش‌ها و باورهای قلبی آنان که در حاکمیت سیاسی آنان منعکس می‌شود، تشکیل شده است. چنین تقسیم‌بندی گویای این حقیقت است که؛ عناصر ساختاری و کارکردی مکان و فضای جغرافیایی؛ زمانی که مورد توجه سیاست قرار گرفته و به نقش‌آفرینی سیاسی می‌پردازند از ارزش و اعتبار ژئوپلیتیکی برخوردار خواهند شد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۹۴). از این حیث، مفهوم نظام سیاسی را می‌توان فی‌الذاته یک موضوع ژئوپلیتیکی قلمداد کرد.

### ۲-۱-۱. فرهنگ سیاسی

فرهنگ یک جامعه، طرز تلقی‌های اجتماعی و جهت‌گیری‌های مثبت و منفی جامعه نسبت به الگوها و پارادایم‌های رایج در یک جامعه است و فرهنگ سیاسی جزئی از آن محسوب می‌شود. لذا فرهنگ سیاسی به مجموعه‌ای از نگرش‌ها، اعتقادات و باورها، ارزش‌ها، آداب و رسوم، هنجارها و ناهنجاری‌هایی اطلاق می‌شود که در سیستم سیاسی یک جامعه نهادینه شده و خط‌مشی سیاسی جامعه در چارچوب آن تعیین می‌شود (Mclean and McMillan, 2003: 414). فرهنگ سیاسی جامعه، شامل زاویه دید و جهت‌گیری آن جامعه نسبت به نظام سیاسی و کارکردهای آن نظیر ایستاره‌هایی همچون اقتدار، مشروعیت، مقبولیت و مسئولیت‌های حکومتی است (Robertson, 1993: 382).

### ۳-۱-۱. همگرایی

همگرایی به لحاظ مفهومی، عبارت است از تقریب و نزدیک شدن افراد به سمت نقطه مشخص که معمولاً به‌عنوان هدف مشترک آنان شناخته می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۷۳). همگرایی فرایندی است که در آن، جوامع از خواست، قدرت و سیاست‌های عمده و اساسی خود چشم می‌پوشند و سعی می‌کنند به تصمیم‌های مشترک و هماهنگ دست یابند و تصمیم‌گیری را به نهادهای مرکزی تازه‌ای واگذار کنند (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۵۰). ارنست هاس

پایه گذار نظریه همگرایی معتقد است: «همگرایی فرایندی است که رهبران سیاسی چند کشور مختلف متقاعد و راغب می شوند که وفاداری، انتظارات و فعالیت های سیاسی شان را به سمت مرکز جدیدی که نهادهایش اختیارات قانونی داشته یا متقاضی اختیارات قانونی و رأی اختیارات ملت و کشورها باشد سوق دهند (سیف زاده، ۱۳۶۸: ۱۹۱). ائتلاف یا اتحاد گروهی از کشورها معمولاً با هدف بعضی مقاصد مشترک اقتصادی، سیاسی و دفاعی شکل می گیرد و برخی از آنها به لحاظ جغرافیایی پیوستگی داشته و برخی نیز ناپیوسته و جهانی اند (هاگت، ۱۳۷۵: ۳۹۴). شکل فرایند همگرایی، نیازمند وجود عوامل و زمینه های مختلفی است که می توان به مواردی همچون: ۱. ویژگی های مشترک دینی، فرهنگی و تاریخی؛ ۲. وحدت طبیعی و جغرافیایی و برخورداری از واحدهای جغرافیایی متمایز و یکپارچه؛ ۳. تهدید مشترک اعم از تهدیدات امنیتی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی؛ ۴. علائق، منافع و نقش مشترک؛ ۵. نیازها و وابستگی های متقابل؛ ۶. قدرت مسلط و نیروهای سیاسی و ژئوپلیتیک برتر که نقش تأسیس و رهبری همگرایی را به عهده می گیرند؛ ۷. روابط عاطفی و سیاسی رهبران کشورها؛ و ۸. وابستگی های تمدنی؛ اشاره کرد (حافظ نیا، ۱۳۸۹: ۵۷).

#### ۴-۱-۱. واگرایی

هنگامی که بازیگران سیاسی یک منطقه از یکدیگر فاصله گرفته و رغبتی به همکاری و اتفاق منطقه ای با هم نداشته باشند، گفته می شود که بازیگران این واحدهای سیاسی واگرا شده اند. یعنی زمینه وحدت و پیوستگی را نادیده گرفته و از دست داده اند. در واگرایی، کشورها برای تأمین بهتر منافع خود و افزایش ضریب امنیتی، تمایلات فرامنطقه ای بیشتری از خود نشان می دهند. همان گونه که عواملی سبب توسعه همکاری و برقراری اتحاد میان واحدهای سیاسی متفاوت می شود، عواملی نیز در واگرایی و ایجاد تعارض میان دولت ها، موجب می شوند که آنها را از یکدیگر دور ساخته و زمینه های بحران را فراهم نماید (قوام، ۱۳۷۱: ۲۵۴). از جمله زمینه های واگرایی می توان به مواردی همچون: ۱. گسیختگی فضایی و جغرافیایی و نبودن یکپارچگی؛ ۲. گسیختگی، تضاد و تعارض فرهنگی؛ ۳. وزن



ژئوپلیتیکی به نسبت برابر در الگوهای متوازن که باعث شکل‌گیری گونه‌ای از رقابت بین اعضای آن می‌شود؛ ۴. شرایط خصمانه و تعارض منافع و احساس تهدید امنیتی به یکدیگر؛ ۵. محو شدن هدف مشترک یا تهدید مشترک؛ ۶. وجود نیروها و تشکل‌های رقیب؛ ۷. گوناگونی انگیزه‌های بروز تحول در سیاست‌ها، ایدئولوژی‌ها و نظام‌های سیاسی اعضای تشکل اشاره کرد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹: ۵۸).

#### ۵-۱-۱. منطقه ژئوپلیتیکی

منطقه ژئوپلیتیکی بر پایه یک منطقه یا فضای جغرافیایی همگن و متجانس از حیث ساختاری یا کارکردی تشکیل می‌شود. پیدایش و شکل‌گیری منطقه ژئوپلیتیکی مستلزم رشد و تقویت ابعاد سیاسی منطقه جغرافیایی و عناصر آن است. به بیان دیگر اگر عناصر ساختاری و کارکردی یک منطقه جغرافیایی به صورت انفرادی یا اجتماعی، یا به صورت ناقص یا کامل از بُعد سیاسی نقش آفرین شود، منطقه جغرافیایی تغییر ماهیت داده به صورت یک منطقه ژئوپلیتیکی در صحنه ظاهر می‌شود. در یک منطقه ژئوپلیتیکی عوامل طبیعی و انسانی کارکرد سیاسی داشته و نظر دولت‌ها و کشورهای درون منطقه یا برون منطقه را به خود جلب می‌کند و کنش و واکنش آنها را برمی‌انگیزاند به گونه‌ای که آنها بخشی از الگوی رفتاری خود را نسبت به آن عناصر شکل می‌دهد. منطقه ژئوپلیتیکی بستر ساز شکل‌گیری الگوی فضایی روابط سیاسی دولت‌های درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای است (همان، ۱۳۸۸: ۷۵).

#### ۶-۱-۱. قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

باز یگران اصلی که قابلیت رقابت در یک منطقه‌ای ژئوپلیتیکی را دارند و بنیان‌های ژئوپلیتیکی آنها از یک سطح و ظرفیت مطلوبی برای حضور در منطقه ژئوپلیتیکی برخوردار است، قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای محسوب می‌شوند. تفاوت میان این دو آن است که قدرت‌های منطقه‌ای خود در منطقه ژئوپلیتیکی حضور دارند و از لحاظ جغرافیایی به منطقه ژئوپلیتیکی نزدیک هستند و به صورت مستقیم بر روند مسائل ژئوپلیتیکی و سیاسی منطقه اثر

می گذارند، اما قدرت‌های فرامنطقه‌ای، قدرت‌هایی هستند که در خارج از محیط ژئوپلیتیکی قرار دارند، اما به دلیل اختلاط منافع آنها با منطقه ژئوپلیتیکی، باعث تقویت منطقه می‌شوند. غالباً در هر دوره‌ای، قدرت‌های جهانی‌ای که در آن دوره ظهور یافته‌اند نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای را بازی می‌کنند (قادری حاجت و نصرتی، ۱۳۹۱: ۷۰).

#### ۷-۱-۱. دیدگاه کشورهای در حال توسعه نسبت به مفهوم امنیت ملی

مفهوم امنیت ملی در کشورهای جهان سوم با توجه به ویژگی‌های خاص آنها، با مفهوم امنیت ملی در دنیای غرب، کم و بیش متفاوت است. در این رهیافت عقیده بر آن است که متغیرهایی که در امنیت ملی کشورها مهم هستند متأثر از شرایط منطقه‌ای است. (Martin, 2002). در این کشورها «امنیت حکومت» جایگزینی برای «امنیت ملی» است. تأکید بر این نکته ضروری است که امنیت حکومت با بحث دولت‌محوری یا حکومت‌محوری متفاوت است. بدان معنا که دولت مظهر اراده ملی، عصاره ملت و تجلی خواست آنان است، درحالی که در جهان سوم دوراها «امنیت رژیم یا حکومت» و «امنیت ملی» یکی از وجوه بارز مسائل امنیتی تلقی می‌شود. در این شرایط، ایدئولوژی خاصی در زمینه امنیت ملی ظاهر می‌شود که مخصوص رژیم حاکم است و در نهایت، منجر به جدایی دغدغه‌های امنیتی نظام سیاسی و آحاد ملت مورد نظر می‌گردد تا جایی که ملت یا گروه‌هایی از آنان خود به موضوع امنیتی تبدیل می‌شوند و تهدید علیه حیات سیاسی حکومت تلقی می‌شوند و همین باعث می‌شود تا حکومت استفاده از ابزار زور و خشونت را مشروع و حق خود بدانند. در این چارچوب، هر اندازه میان امنیت نظام سیاسی و نگرانی‌های امنیتی جامعه فاصله افتد و نوع شکاف ایجاد شده به شکاف متراکم تبدیل گردد، بیشتر موجب تثبیت امنیت نظام سیاسی به جای تثبیت امنیت ملی می‌شود (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۹: ۱۵۰). تأمین امنیت ملی در نظام‌های سیاسی مبتنی بر ملت - دولت به صورت متقابل از شاخص‌های توسعه انسانی تأثیر می‌پذیرد به طوری که رشد کیفی شاخص‌های توسعه باعث افزایش ضریب امنیت ملی کشور می‌شود چنانکه ارتقای سطح

امنیت ملی نیز موجب رشد شاخص‌های توسعه انسانی می‌شود؛ با این وجود کشورهای منطقه، به دلیل تأکید بر رشد کمی شاخص‌های توسعه و یا بی‌توجهی به این شاخص‌ها در صدد تأمین امنیت ملی‌شان در ابعاد بین‌الملل هستند تا آنکه بیشتر بر بعد داخلی تأکید کنند.

#### ۸-۱-۱. مؤلفه‌های امنیتی حاکم بر منطقه ژئوپلیتیکی

مفهوم امنیت به آرامش، قرار و تعادل عناصر ساختاری و کارکردی سیستم تأمین‌کننده نیازهای انسان یا یک سیستم مربوط می‌شود و ناامنی و بی‌ثباتی در امنیت زمانی حاصل می‌شود که در تعادل سیستم خللی پدید آید و روند تأمین نیازها دچار اختلال و چالش گردد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۲۵). امنیت در بُعد کلان شامل سه بخش ملی، منطقه‌ای و بین‌الملل است که شامل وجوه مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی، ارتباطی، روانی و ... می‌شود و بر مبنای ارزش‌های حاکم بر سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی ارزیابی می‌گردد به نوعی که این بخش‌بندی قابلیت تأثیر بر یکدیگر را دارند و از یکدیگر ناشی می‌شوند. ارزش‌های ملی کشورهایایی که در یک نظام منطقه‌ای با همدیگر ارتباط برقرار کرده‌اند، مبین تأمین امنیت حاکم بر آن منطقه است. هرگونه تغییر و یا تحریف در ارزش‌های نظام سیاسی حوزه منطقه جغرافیایی بر امنیت منطقه‌ای تأثیر خواهد گذاشت. امنیتی که در یک منطقه جغرافیایی حاکم است، متأثر از عوامل بیرونی و درونی است. عوامل بیرونی، مجموعه عواملی هستند که منشأ آنها در خارج از منطقه جغرافیایی است در حالی که عوامل درونی، مجموعه عواملی هستند که منشأ آنها درون منطقه جغرافیایی است و سیاست حکومت‌های منطقه و نوع عملکرد آنها متضمن برقراری امنیت و یا ایجاد ناامنی خواهد بود. از جمله عوامل درونی، می‌توان به مواردی نظیر نظام سیاسی، سطح دموکراسی، وزن ژئوپلیتیک، نقش جمعیت‌های قومی - قبیله‌ای، گروه‌های مذهبی، نقش گروه‌های اپوزیسیون، منافع اقتصادی، مناقشات ارضی و مرزی و توان نظامی اشاره کرد. در حالی که از جمله عوامل بیرونی مؤثر بر تأمین امنیت یک منطقه، میزان نفوذ قدرت‌های بین‌المللی، سیاست‌های شورای امنیت و نفوذ، تحرک و سیاست‌های کشورهایایی که دارای منافع در منطقه هستند می‌توان نام برد.

### ۹-۱-۱. محیط‌شناسی تحقیق

خلیج فارس با مساحتی حدود ۲۴۰,۰۰۰ کیلومتر مربع، بین ۲۴ تا ۳۰ درجه عرض شمالی و ۴۸ و ۵۷ درجه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار دارد و از شمال به کرانه‌های ایران و از شرق به خلیج عمان و از جنوب و غرب به شبه‌جزیره عربستان محدود است. طول خلیج فارس از دهانه اروندرود تا کرانه‌های ابوظبی ۸۳۰ کیلومتر و طول کرانه‌های ایران در خلیج فارس (از بندرعباس تا دهانه اروندرود) ۱۲۵۹ کیلومتر است. کمترین پهنای آن از دماغه نایبند (در ایران) تا رأس راکان (در شمال شبه‌جزیره قطر) ۱۸۵ کیلومتر و بیشترین پهنای آن از بندر جزه (ایران) تا کرانه‌های سلیه (امارات متحده عربی) ۳۵۵ کیلومتر است (افشارسیستانی، ۱۳۷۲: ۲۱۳-۲۱۱) (شکل ۱).

شکل ۱. نقشه ماهواره‌ای خلیج فارس



مأخذ: مرکز مطالعات خلیج فارس، [www.persiangulfstudies.com](http://www.persiangulfstudies.com)

عرض متوسط تنگه هرمز ۲۶ مایل دریایی است که کمترین فاصله دو نقطه آن بین جزیره لارک و رأس‌المسندم و نیز بین جزیره هنگام و رأس شیخ‌مسعود حدود ۵۰ کیلومتر است که با عمق متوسط ۵۰ متر در این مقطع، سطح برش مقطعی آن به دو میلیون و پانصد هزار متر مربع می‌رسد. در اطراف تنگه هرمز چهار جزیره قشم، لارک، هرمز و هنگام

نقش نظام‌های سیاسی نامتجانس حوزه خلیج فارس در بی‌ثبات‌سازی امنیت منطقه \_\_\_\_\_ ۲۴۵  
 متعلق به ایران و جزایر کوچک السلامه، المسندام، قوین و النعم متعلق به عمان قرار گرفته  
 است (شاهکار، ۱۳۷۲: ۱۰۵) (شکل ۲).

شکل ۲. نقشه تنگه هرمز و کشور عمان



مأخذ: عمان.

با احتساب منطقه رأس‌المسندم که در دهانه تنگه هرمز و ورودی خلیج فارس قرار دارد و تحت حاکمیت کشور عمان قرار دارد، پهنه خاکی کشورهای که پیرامون این پهنه آبی خلیج فارس قرار دارند در مجموع بالغ بر ۴,۵۵۰,۰۰۰ کیلومتر مربع است (Countrystudies.us, 2015) و جمعیتی در حدود ۱۵۰ میلیون نفر را در خود جای داده است (زین‌العابدین، ۱۳۹۱: ۳۴).

## ۲. ویژگی‌های نظام‌های سیاسی مستقر در منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس

### ۲-۱. نظام‌های حکومتی با الگوی تک‌ساخت

در الگوی تک‌ساخت کلیه مدیریت‌های محلی و تعیین میزان قدرت آنها در اختیار

حکومت مرکزی است (میرحیدر، ۱۳۸۲: ۴۸) و نیز عناصر و نهادهای ساختاری حکومت، تک سطحی و منحصربه سطح ملی است. سیستم مدیریت سیاسی فضای تک ساخت خود به دو گروه زیر تقسیم می شوند:

**الف) تک ساخت متمرکز:** که در آن دارای نظام سیاسی و اداری متمرکز هستند و تمامی تصمیمات در مرکز گرفته می شود و سطوح پایین تر بیشتر در قالب اجرایی ظاهر می شوند.

**ب) تک ساخت غیرمتمرکز:** که از نظر سیاسی و قانونگذاری متمرکز، اما به لحاظ اداری و خدماتی غیرمتمرکزند و برای اداره امور بیشتر به دولت های محلی اصالت می دهند (حافظ نیا، ۱۳۸۸: ۲۷-۲۶). کشورهای حاشیه خلیج فارس به استثنای عراق برخوردار از الگوی حکومتی تک ساخت از نوع اول هستند.

#### ۲-۱-۱. اقتدارگرایی

در منطقه خلیج فارس، اعلام برنامه دمکراتیک سازی مناسبات قدرت، نوعی استراتژی بقا برای نظام هایی است که در قدرت قرار دارند، آنان به وسیله شعار دمکراسی به تحکیم قدرت و بقای خود می اندیشند. اعتقاد بر این است که ضعف دمکراسی در کشورهای منطقه به علت کنترل انحصاری منابع و امکانات دولتی است. هرچند این کنترل در کشورهای هدف متفاوت است اما اغلب رژیم های منطقه در این حوزه مشی مشترکی اتخاذ می کنند. اقتدارگرایی در رابطه با گروه های سیاسی، اتحادیه ها، احزاب و حتی مطبوعات به چشم می خورد. به طوری که نوعی خودسانسوری در این کشورها حاکم است و دولت ها معتقدند در جهت حفظ امنیت ملی کشور خود گام برمی دارند.

#### ۲-۱-۲. تأمین امنیت ملی با نگرش تسلیحاتی

درگیری هایی که در طول تاریخ به ویژه یکصد سال اخیر در این منطقه صورت گرفته باعث شده تا دولت ها امنیت خود را در سایه گسترش تسلیحات نظامی جست و جو کنند. ساختار حاکم بر منطقه باعث شده تا هر یک از دولت های منطقه، فعالیت دیگر دولت ها را

با نگاه سوءظن، ارزیابی کنند. هر مانور نظامی که در این منطقه جغرافیایی انجام می‌شود، هر چقدر هم که سیاست‌مداران کشورهای برگزارکننده، پیام مانور را اتحاد، دوستی و تأمین صلح در منطقه اعلام کنند، با این وجود، کشورهای دیگر با دیده تردید و تهدید به آن می‌نگرند و برگزاری مانور را بهانه‌ای برای تجهیز هرچه بیشتر خود سلاح‌های پیشرفته‌تر می‌دانند. همین نگاه باعث شده تا بسیاری از کشورهای منطقه درصد زیادی از تولید ناخالص ملی و بودجه دولتی را صرف مسائل نظامی کنند. تمرکز دولت‌های این منطقه بر سیاست‌های دفاعی نظامی، از مؤلفه‌های دستیابی به امنیت ملی تلقی می‌شود (Martin, 2002).

### ۳-۱-۲. درگیری‌های قومی - فرقه‌ای

حکام کشورهای منطقه خلیج فارس، گروه‌های قومی - فرقه‌ای را در سیاست‌های داخلی و بین‌المللی، بازیگران تأثیرگذار تصور می‌کنند. گروه‌های قومی - فرقه‌ای به واسطه دنباله‌های جغرافیایی خود در خارج از کشور، می‌توانند مشروعیت دولت‌ها را زیر سؤال ببرند. برای مقابله با چنین وضعیتی دولت‌ها برای حفظ موجودیت خود وارد عمل می‌شوند (Bennett, 1996). شیعیان عرب، اعراب سنی، کردها (واعظی، ۱۳۸۷)، شیعیان فارس، اسماعیلیه، زیدیه، حنبلی‌ها، شافعی‌ها، سلفی‌ها و وهابی‌ها از جمله گروه‌های قومی و فرقه‌ای هستند که در این منطقه جغرافیایی حضور دارند. تحریک سیاسی هر یک از این گروه‌ها بسته به ضریب نفوذشان در منطقه، نه تنها امنیت ملی بلکه امنیت منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از همین رو دولت‌های منطقه درجات متفاوتی از تبعیضات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را اعمال می‌کنند. در حال حاضر ترکیب قبیله‌ای در عربستان سعودی شامل چهار قبیله نجدی‌ها (در مرکز عربستان)، حجازیان (اهالی مکه، مدینه و جدّه که به حکومت به دلیل انتصاب آنان به زوار عتبات عالیات آنان را فاقد شایستگی‌های لازم جهت کسب مناصب دولتی می‌دانند)، شیعیان (که در منطقه شمالی عربستان و منطقه قطیف حضور دارند و بیشتر جنبش‌ها علیه خاندان سعودی در طول تاریخ از سوی این گروه شکل گرفته) و نهایتاً قبیله آسوری‌ها (که اقلیتی بیش نیستند و در مناطق کوهستانی جنوب غربی حضور دارند) است.

که قبیله نجدی‌ها که خود متشکل از چهار خاندان سلطنتی است تلاش کرده‌اند تا با حفظ نقش انحصاری خود و ارتباط با هریک از گروه‌های غیرسلطنتی، نظیر علمای مذهبی عربستان ([www.didban.ir](http://www.didban.ir))، چارچوب قدرت نهادی دولت را به صورت متمرکز در اختیار بگیرند و برای جلوگیری از حضور دیگر قبایل در قدرت، شرایط را جهت ایجاد شکاف و تبعیض اجتماعی شدید در جامعه خود فراهم کرده‌اند. همین امر باعث شده تا این قبایل برای دستیابی به حقوق خود و قرار گرفتن در دایره قدرت دولتی، متوسل به خارج از مرزهای ملی شوند و از جنبش‌های ملی هم عقیده با خود درخواست همکاری داشته باشند. همین امر در بی‌ثباتی منطقه خلیج فارس نقش قابل توجهی داشته چرا که کشورها برای آنکه بتوانند در عرصه بین‌الملل عرض اندام کنند از چنین ابزاری علیه یکدیگر استفاده می‌کنند، تا بدین طریق وزن ژئوپلیتیکی خود را افزایش دهند هرچند به رقابتی منفی دست زده‌اند.

#### ۴-۱-۲. مناقشات ارضی و مرزی

مرز عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی یا یک کشور از واحدهای مجاور آن است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۶۹) و مرزهای ملی بخش پایانی گستره فعالیت یک ملت را مشخص می‌سازد و جنبه سیاسی پیدا می‌کند (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۴۰). درایسدل مرز را پدیده‌ای فضایی اطلاق می‌کند که منعکس‌کننده قلمرو حاکمیت سیاسی یک دولت بوده و مطابق قواعدی خاص در مقابل حرکت انسان، انتقال، کالا و ... مانع ایجاد می‌کند (درایسدل، ۱۳۷۴: ۵۵). هستی کشورها در معرض موقعیت دائم فشار و تنش بین دولت‌ها قرار دارد. تعیین حدود و ثغور مرزهای سیاسی برای اعمال حاکمیت امری ضروری است، با این حال تعقیب علایق جداگانه از سوی هر کشور باعث تغییر و تحول در مرزهای ژئوپلیتیکی شده و گهگاه به نزاع می‌انجامد (هاگت و گودرزی نژاد، ۱۳۷۵: ۳۷۰).

وضعیت‌های متفاوتی می‌تواند به شکل‌گیری اختلافات مرزی بیانجامد از جمله می‌توان به نقاط فشار و تنش درون کشور، کشورهای محصور در خشکی و دالان‌ها، مشاجره بر سر مرزهای طبیعی، مشاجره بر سر گروه‌های اقلیت، وجود منابع استراتژیک،



مکان‌های شکل گرفته بر پایه ایدئولوژی و ... اشاره کرد. حافظه تاریخی منطقه حکایت از این دارد که در قدیم مناطق جنوبی خلیج فارس تحت حاکمیت ایران قرار داشته و به تدریج این مناطق جدا شده به طوری که در سال ۱۳۵۱ بحرین منطقه‌ای بود که از حاکمیت ایران جدا و به صورت یک واحد سیاسی مستقل درآمد (الهی، ۱۳۶۹: ۲۶). به همین ترتیب به واسطه مهاجرت و حرکت جمعیت‌های انسانی و اختلاط قومی و ترکیب نژادی منطقه خلیج فارس، هر یک از حکومت‌های منطقه ادعای حاکمیت بر مناطقی را دارند که از لحاظ مختلف اعم از نژادی، قومی، فرهنگی، زبانی و ... به ملت آنان قرابت بیشتری دارند. کشورهای حاشیه خلیج فارس از جمله کشورهایی هستند که دچار بحران در نواحی مرزی به صورتی مداوم با کشورهای همجوار هستند و این به انتخاب مدل رقابت در فضای این کشورها بازمی‌گردد. ادعای ارضی و مناقشات مرزی در این منطقه، یا برای تسلط بر یک عارضه ژئوپلیتیکی است و یا برای بسط حاکمیت خود بر جمعیتی که در یک منطقه جغرافیایی ساکن هستند. این عوامل باعث بروز نزاع و درگیری میان کشورها شده است.

#### ۵-۱-۲. عدم توجه به انتخاب الگوی مدیریت سیاسی فضا

الگوی مدیریت سیاسی فضا، مبین چگونگی توزیع و پخش قدرت در پهنه سرزمینی است و اینکه نهادها، سازمان‌های مردمی و حکومتی محلی چگونه از اقتدار، تصمیم‌گیری و اجرا در امور مربوطه بهره‌مند شوند به نحوی که این اقتدار متضمن وحدت و انسجام ملی، امنیت ملی و توسعه پایدار همه‌جانبه در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی باشد (حافظ‌نیا و کاویانی‌راد، ۱۳۸۸: ۳۳-۳۲). حکومت‌های منطقه خلیج فارس یا بر پهنه جغرافیایی اعمال حاکمیت می‌کنند که موزاییکی از اقوام هستند نظیر ایران که شامل اقوام ترک، لر، بلوچ، مازنی، عرب، فارس و ... است و یا عراق که به اعتقاد تری دژاردن<sup>۱</sup> روزنامه‌نگار معروف فرانسوی، این کشور ناشی از دیوانگی چرچیل بوده و تنها با هدف دسترسی به دو میدان نفتی بصره و کرکوک؛ ایرانیان، اعراب و کردها را بر گرد پایتخت فراموش شده جمع

---

1. Terry De Jarden

کرده‌اند (زین العابدین، شیرزاد و جوکار، ۱۳۸۹: ۷۴)؛ و یا شامل قبایل و طوایف است که هریک از دیرباز در منطقه جغرافیایی حضور داشته و یک حاکمیت سرزمینی و قدرت برتر، وظیفه اداره پهنه کشور را به عهده گرفت است نظیر آل سعود در عربستان و یا هفت شیخ‌نشین که تحت حاکمیت امارات متحده عربی قرار دارند. یکی از عوامل اصلی در بروز نارضایتی‌های قومی، حضور ناکافی اعضای گروه قومی - قبیله‌ای در ساختار قدرت کشور یا در تشکیلات اداری - سیاسی منطقه سکونت گروه مزبور است. عدم دخالت دادن گروه‌های قومی - قبیله‌ای در ساختار قدرت کشور و عدم توجه به الگوهای مدیریت سیاسی فضا، موجب بروز تنش در ساختار امنیت ملی کشورهای خلیج فارس شده است.

### ۳. یافته‌های تحقیق

ساختار نظام‌های سیاسی از جمله متغیرهایی است که برخی از اندیشمندان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، ارتباط متقابل آن را با دیگر پدیده‌ها از جمله صلح، جنگ، همکاری و منازعه مورد مطالعه قرار داده‌اند. هشت کشور منطقه خلیج فارس، مبتنی بر سه ساختار سیاسی متفاوت قابل شناسایی‌اند:

#### ۳-۱. نظام سیاسی کشورهای جنوبی منطقه خلیج فارس

نظام سیاسی کشورهای جنوبی خلیج فارس هرچند از برخی لحاظ تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند، اما در مجموع شباهت چشمگیری با یکدیگر دارند. از جمله تفاوت‌هایی که کشورهای جنوبی منطقه خلیج فارس با یکدیگر دارند این است که بر هریک از کشورهای عربستان و عمان، پادشاه حاکم است. در کشورهای کویت، بحرین و قطر شیوخ حاکم هستند؛ هرچند به ظاهر کویت دارای نظام مشروطه سلطنتی انتخابی، بحرین مشروطه سلطنتی موروثی، قطر سلطنتی سنتی و امارات متحده عربی دارای یک سیستم فدرال متشکل از هفت امیرنشین (دوبی، ابوظبی، شارجه، رأس الخیمه، فُجیره، عجمان و ام‌القوین) است که هریک از آنها بخشی از اختیارات را به دولت فدرال منتقل نموده‌اند (الهی، ۱۳۶۹: ۷۴)

با این حال کشورهای جنوبی حوزه خلیج فارس یک شباهت نزدیک با یکدیگر دارند و آن اینکه کماکان این کشورها از نظر سیاسی هنوز به صورت سنتی، پادشاهی، موروثی و میراث قبیله‌ای اداره می‌شوند به طوری که اتحاد قبائل و ائتلاف رهبران مذهبی زیربنای شکل‌گیری دولت مدرن در این کشورهاست (دهشیار، ۱۳۸۵: ۲۳). در چنین نظام‌های موروثی، سلطنت و حکومت تفکیک‌ناپذیر هستند. تمام تصمیم‌های اصلی را شخص خاصی می‌گیرد و قوای مجریه، مقننه و قضائیه در وجود او متمرکز است. این نظام‌ها مشروعیت را معطوف به حقوق الهی سلطنت و ریشه‌های مذهبی و قبیله‌ای می‌دانند.

در این کشورها، انتخابات و مشارکت سیاسی بسیار محدود است یا اصولاً معنای چندانی ندارد. در این شش کشور، خانواده‌های قبیله‌ای، صاحب انحصار قدرت سیاسی هستند و خاندان آل سعود (عربستان سعودی)، آل صباح (کویت)، آل خلیفه (بحرین)، آل ثانی (قطر)، آل نهیان (ابوظبی)، آل بوسعید (عمان)، قدرت‌های حاکم در منطقه به‌شمار می‌آیند. ایدئولوژی حاکم در این کشورها توسط حکومت تثوریزه شده و گروه‌های مذهبی به ویژه شیعیان به ندرت در بدنه حکومت حضور دارند و همین عدم حضور، باعث کاهش اثر هرگونه اقدام برای همگرایی میان گروه‌های قومی و مذهبی با یکدیگر شده است، به طوری که در آنها، برخی گروه‌های قومی و مذهبی (نظیر شیعیان) به‌عنوان گروه‌های غریبه و مزاحم شناخته می‌شوند. چنین رویکردی در اکثر کشورهای جنوبی حوزه خلیج فارس باعث شده تا شیعیان در سازمان‌های نظامی نظیر ارتش، نیروهای امنیتی یا مؤسسات خارجی فاقد سمت‌های کلیدی شوند و از ایفای هرگونه نقشی در تدوین سیاست در سطح عالی کشور برکنار باشند. تمامی شش کشور عرب حوزه خلیج فارس (عراق تا قبل از سرنگونی صدام در سال ۲۰۰۳)؛ تحت حاکمیت خاندان‌های سنی‌مذهب بودند و همگی با اتخاذ سیاست‌های تبعیض‌آمیز؛ درصدد کنترل شیعیان بودند.

به دلیل اتکای شدید حکومت‌های این منطقه به اقتصاد نفتی و لزوم تأمین امنیت انرژی در این کشورها، گروه‌های قومی - مذهبی؛ به شدت از سوی دستگاه حکومت تحت کنترل قرار دارند. نمونه چنین وضعیتی را می‌توان درباره جمعیت شیعیان عربستان تصور کرد؛

به دلیل منابع عظیم نفتی در مناطق شرقی عربستان و حضور شیعیان در این مناطق، کنترل وسیعی از سوی حکومت بر شیعیان این مناطق وجود دارد به طوری که اگر این ایالات شرقی به دست خاندان سعودی فتح نمی شد، ثروت سرشار نفتی منطقه، آن را ایالتی ثروتمندتر از هر کشوری در اطراف خلیج فارس می کرد (الغزالی، ۲۰۰۷: ۳۱۵). جمعیت ساکن در اغلب کشورهای مذکور به استثنای طبقه حاکم و قبائل متنفذی که در قدرت شریک هستند؛ نه تنها از حقوق اجتماعی - مدنی محروم هستند بلکه در زمینه حقوق اولیه نیز در معرض تبعیض آشکار و پنهان قرار دارند؛ نگرش مبتنی بر شک و سوءظن حکومت‌های مذکور باعث شده تا مناصب اجرایی حکومت صرفاً میان یک گروه خاصی از افراد مبادله شود و ملت‌های آنها از قدرت سیاسی بهره‌ای نبرده باشند؛ همین مسئله تبدیل به بحران عدم مشارکت در فرایند سیاسی این کشورها شده است. دوگانگی تشیع / تسنن که تاریخی به درازای تاریخ اسلام دارد، اهرمی در اختیار دولت‌های منطقه است تا اقلیت شیعیان همواره از سوی اهل تسنن تحت فشار قرار داشته باشند و از ابراز آزادانه عقاید و اجرای مناسک مذهبی محروم باشند. این اختلافات در طول زمان و با روی کار آمدن حاکمان سنی مذهب و سلطه آنان بر شیعیان، باعث شده تا آنها به مثابه طبقه‌ای فرودست تلقی شوند و نابرابری اجتماعی درون حاکمیت‌ها و همچنین در گستره سیاسی و منطقه‌ای افزایش یابد (نادری، ۱۳۸۷: ۱۳۵).

### ۲-۳. نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران

با وقوع انقلاب ۱۹۷۹ میلادی در ایران، سیستم حکومتی ایران به جمهوری اسلامی تغییر کرد. نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران نیمه‌ریاستی - نیمه‌پارلمانی است و بر پایه اصل ولایت فقیه مدیریت می‌شود که رهبری آن توسط خبرگان مردم از میان فقهای جامع‌الشرایط برگزیده می‌شود. محتوای نظام سیاسی ایران، جمهوری است و همین باعث شده تا رئیس‌جمهور، نمایندگان قوه مقننه و خبرگان با رأی مستقیم مردم انتخاب شوند. نظام نیمه‌ریاستی - نیمه‌پارلمانی، آمیزه‌ای از نظام‌های ریاستی و پارلمانی است. در این

نظام رئیس‌جمهور به‌طور مستقیم از سوی مردم انتخاب می‌شود و دارای اختیارات بسیار گسترده‌تری نسبت به رئیس‌جمهور منصوب از سوی پارلمان می‌باشد. مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تمام اقوام و مذاهب دارای حقوق برابر با یکدیگر هستند و پیروان هر یک از ادیان آسمانی (اعم از کلیسی، مسیحی، آشوری و ...)، دارای نماینده‌ای در مجلس شورای اسلامی می‌باشند و همین عامل باعث شده تا در جمهوری اسلامی ایران، میزان مشارکت در سطح بالایی قرار گیرد.

ترکیب جمعیتی ایران، با قریب ۹۰ درصد جمعیت مسلمان شیعه و ۸ درصد اهل سنت و ۲ درصد مابقی شامل پیروان ادیان دیگر، از منظر دینی؛ یک ترکیب تقریباً یکدست و یکنواخت دارد. اما از لحاظ ترکیب اقوام، به دلیل آنکه موزاییکی از اقوام در ایران قرار گرفته، فاقد الگوی یکپارچه و منسجم است و برای ایجاد تعادل در نظام سیاسی نیاز به توازن میان اقوام جهت مشارکت در فرایند سیاسی می‌باشد، بر همین اساس، هر یک از نواحی سرزمینی در ایران بر مبنای وزنی که دارد، در فرایند سیاسی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت دارد.

### ۳-۳. نظام سیاسی عراق

نظام سیاسی عراق، تا قبل از تهاجم نیروهای آمریکایی در مارس ۲۰۰۳، اصطلاحاً جمهوری بود با این حال صدام حسین زمام امور را به صورت مادام‌العمر در اختیار داشت. بعد از سقوط رژیم صدام، نظام سیاسی عراق همچنان جمهوری ماند اما از حالت اقتدارگرایی به نظام پارلمانی تغییر شکل داد. نکته مهم در سیستم جمهوری اسلامی عراق، نقش محوری احزاب سیاسی در فرایند سیاسی این کشور است؛ مجلس ملی عراق با رأی اعتماد به نخست‌وزیر و وزراء، بر هیئت دولت نظارت می‌کند. در این نظام نظر به اینکه حاکمیت ملی از سوی مردم و از طریق انتخابات به نمایندگان پارلمان سپرده می‌شود و از این طریق و به‌طور غیرمستقیم به دستگاه‌ها و مقامات اجرایی منتقل می‌شود، قوه مجریه به قوه مقننه وابسته است، یعنی در عین تفکیک و تمایز، باید مسئول و پاسخگوی قوه مقننه

باشد. نظام سیاسی عراق، به واسطه موازنه جمعیتی که میان اهل تشیع و تسنن از سویی و اکراد و اعراب از سوی دیگر وجود دارد، از یک ناپایداری سیاسی بهره می برد به نحوی که پس از سقوط صدام حسین در سال ۲۰۰۱ میلادی، هریک از احزاب و گروه‌ها، در صدد کسب قدرت برآمده و برای نیل به اهداف خود، از اقدامات خشونت آمیز اجتناب نکرده‌اند. حضور و فعالیت داعش و تصرف مناطقی از کشور عراق با همکاری حزب بعث و کشتار شیعیان و همچنین هجوم به مناطق کردنشین عراق، به همراه تهدیداتی که علیه کشورهای منطقه انجام می شود نشان از خشونت سازمان یافته گروه‌های قومی - فرقه‌ای در این کشور است.

#### ۳-۴. تفاوت‌ها در نظام‌های سیاسی کشورهای حاشیه خلیج فارس

دو تفاوت مهم و کلیدی در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس مشاهده می شود که به سبب آنکه ریشه تاریخی به خود گرفته از تفاوت به شکاف تبدیل شده است؛ اولین مسئله؛ شکاف و تعارض مذهبی اهل تشیع و اهل سنت و دومین مسئله؛ شکاف هویتی عرب و عجم است. در هر دو موضوع، ایران به دلیل آنکه از سویی خاستگاه تشیع است و از سوی دیگر مهد تمدن تلقی می شود یکی از اضلاع اصلی شکاف قلمداد می شود؛ ضلع دیگر این شکاف کشورهای عرب منطقه خلیج فارس به رهبری عربستان سعودی است. در طول تاریخ سازه هویتی - قومیتی عرب و عجم باعث شکل گیری یک رقابت منفی در منطقه شده بود، با وجود این سازه هویتی شیعی و سنی اختلافات بین کشورهای منطقه را بیش از پیش عمیق تر کرده و عامل مهمی در عدم تجانس نظام‌های سیاسی محسوب می شود. شکل گیری شورای همکاری خلیج فارس و سازمان کشورهای عربی نشان دهنده شکاف موجود میان نظام‌های سیاسی حاکم در منطقه است و به عنوان سازو کاری جهت مهار نظام‌های سیاسی نامتجانس به شمار می رود.

شکل ۳. نقشه جغرافیایی کشورهای حاشیه خلیج فارس



مأخذ: همان.

۴. مؤلفه‌های امنیتی حاکم بر منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس

در تحلیل ساختاری - کارکردی؛ هرگونه تهدیدی که سیستم را به چالش بکشد، موجب سلب آرامش و بی‌ثباتی در سیستم می‌شود. مؤلفه‌هایی که قابلیت برهم‌زدن ثبات منطقه ژئوپلیتیکی را دارند از یک‌طرف به تهدیدات درونی (ملی - منطقه‌ای) و بیرونی (بین‌المللی)؛ و از طرف دیگر به تهدیدهای مجرد و انتزاعی قابل تقسیم است. در مفهوم منطقه‌گرایی، هر اندازه که بر حجم تهدیدات بیرونی افزوده شود، به همان نسبت انسجام و یکپارچگی عناصر سیستم برای حفظ موجودیت‌شان افزایش خواهد یافت، درحالی‌که افزایش تهدیدات درونی به ازهم‌گسیختگی، اضمحلال و نهایتاً فروپاشی سیستم منجر می‌شود. تهدیدات مجرد، شامل مجموعه تهدیدهایی است که فی‌الذاته، موجب سلب

آرامش سیستم می‌شود. در حالی که تهدیدات انتزاعی، حاصل مجموعه تهدیدات مجردی هستند که نمایه شده و شکل بیرونی به خود گرفته است و بعضاً خشونت آمیز است. هر کدام از این دسته‌بندی‌ها شامل یک مجموعه عوامل و ابزارهای تولید تهدید هستند که منجر به سلب آرامش و امنیت سیستم می‌شود. مهم‌ترین عواملی که ظرفیت ایجاد بی‌ثباتی سیاسی و ناامنی در منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس را دارند عبارت‌اند از:

الف) کودتا، ناآرامی‌های داخلی، جریان‌های جدایی طلب، جنگ‌های داخلی، خرابکاری،

ب) تضادهای منطقه‌ای یا محلی بین دولت‌های منطقه،

ج) دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای یا ابرقدرت شرق به منظور دستیابی به نفوذ بیشتر و یا کاهش نفوذ قبل،

د) انقلاب (الهی، ۱۳۶۹: ۲۹۱).

همچنین از جمله ابزارهای برهم‌زننده امنیت نظام‌های سیاسی در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس تهدیدهای چندگانه جغرافیایی - سرزمینی؛ نظامی (شامل دو نمونه جنگ‌های مستقیم و رسمی؛ و جنگ‌های غیرمستقیم، غیررسمی و نامنظم)؛ سیاسی و ایدئولوژیک و در نهایت هویتی اشاره کرد.

با توجه به مجموعه عوامل و ابزارهایی که ارائه شد، مجموعه تمام این ابزار و عوامل تهدیدزا، درون تقسیم‌بندی زیر قرار می‌گیرد:

#### ۱-۴. تهدیدات بیرونی (بین‌المللی) - انتزاعی

در هر دوره تاریخی عامل اصلی تهدیدات بیرونی - انتزاعی، دخالت قدرت‌های اثرگذار بین‌المللی است که منطقه خلیج فارس را از جمله محورهای راهبردی خود می‌دانند. در دو قرن اخیر، امپراتوری بریتانیا و ایالات متحده آمریکا، برای خلیج فارس نقش حیاتی قائل شده و حفظ و حراست از آن را از اقدامات ضروری امنیتی خود می‌دانند (زین‌العابدین، ۱۳۸۸: ۱۳). لذا از هیچ‌گونه تلاشی اعم از اقدام دیپلماتیک، سیاسی، نظامی و اقتصادی



همچون اعزام نیروهای واکنش سریع، تعیین پایگاه‌های نظامی، حضور مستقیم نظامی، انعقاد پیمان‌های صلح، شکل‌گیری معاهده‌های همکاری و ... در این منطقه دریغ نمی‌ورزند. دلیل اصلی شکل‌گیری این نوع تهدید، وضعیت استراتژیک این منطقه و منافی است که قدرت‌های بزرگ در آن تعقیب می‌کنند. تهدیدات نظامی (جنگ مستقیم و رسمی) و سیاسی؛ در این مجموعه قرار می‌گیرند.

#### ۲-۴. تهدیدات بیرونی (بین‌المللی) - مجرد

این نوع تهدیدات ناشی از ساختار ژئوپلیتیکی نظام بین‌الملل در هر بازه زمانی است که نظام قدرت را بر مبنای هنجارها و ناهنجاری‌ها، فراروایت‌ها و انگاره‌های عینی شکل می‌دهد. ساختار ژئوپلیتیکی که در هر بازه زمانی شکل می‌گیرد، یک مجموعه ارزش‌ها، غیرارزش‌ها و ضد ارزش‌ها را با خود دارد که رهیافت نظام بین‌الملل قرار می‌گیرد و کشورها را با خود همراه می‌کند. حرکت در خلاف هنجارهای ثابت شده بین‌المللی، موجب چالش امنیتی برای کشورهایی می‌شود که در صدد حرکت بر مبنای چنین رویه‌ای هستند. ائتلاف‌های بین‌المللی علیه یک کشور، دخالت شورای امنیت سازمان ملل در یک موضوع و تصویب قطعنامه از سوی سازمان‌های بین‌المللی دارای ظرفیت برهم‌زدن امنیت و آرامش درونی سیستم را از بیرون دارند.

#### ۳-۴. تهدیدات درونی (ملی - منطقه‌ای) - انتزاعی

عامل اصلی تهدیدات درونی - انتزاعی، کودتا، ناآرامی‌های داخلی، جریان‌های جدایی‌طلب، جنگ‌های داخلی و تضادهای منطقه‌ای یا محلی بین دولت‌های منطقه است. تاریخ منطقه و گفتمان‌هایی که بر اساس شرایط تاریخی در این منطقه شکل گرفته، باعث شکل‌گیری ریشه‌های فکری متفاوتی شده است که طیفی از افراطی‌گری و تروریسم تا اندیشه‌های مبتنی بر رئالیسم، لیبرالیسم و نئولیبرالیسم و انواع آن را دربرمی‌گیرد که غالباً همه آنها در حوزه اندیشه اسلامی پروراندده شده است. چنین رویدادی باعث بروز

پدیده‌های مختلفی اعم از انقلاب، کودتا، شورش‌های داخلی، بحران‌های سیاسی و مناقشات نظامی داخلی در کشورهای ساحلی و یا جنگ‌های منطقه‌ای شده است. مهم‌تر از همه این است که این منطقه به علت آنکه مجموعه واحدهای جغرافیایی هستند که تشکیل یک واحد ارگانیک و سیستماتیک را می‌دهند نقض امنیت هر یک از واحدهای آن، کل مجموعه این حوزه آبی - سرزمینی را مورد تهدید قرار می‌دهد و این مورد موجب برهم خوردن امنیت کل منطقه می‌شود (خویی، ۱۳۷۲: ۶۰). تهدیدات نظامی (مستقیم و رسمی؛ و غیرمستقیم و غیررسمی)، سیاسی و جغرافیایی - سرزمینی در این محدوده قرار می‌گیرند.

#### ۴-۴. تهدیدات درونی (ملی - منطقه‌ای) - مجرد

عامل اصلی تهدیدات درونی - مجرد، تضادهای منطقه‌ای یا محلی بین دولت‌های منطقه است. حضور موزاییکی گروه‌های قومی - مذهبی و به تبع آن ژئوپلیتیک اقوام و مذاهب از یکسو و شکل‌گیری ایدئولوژی‌های گوناگون، که برخی از آنها در تناقض و تضاد با یکدیگر قرار دارند و طی تاریخ، در صدد نفی یکدیگر بوده و هستند، باعث تنوع هویت در فضای سیاسی منطقه شده، به گونه‌ای که در این منطقه، همواره یک تصویری از هویت و خود متفاوت از دیگری؛ در ظرف مکانی و فضایی جغرافیایی مشاهده می‌شود، به نحوی که این خود متفاوت، حتی در بین گروه‌های قومیتی یکسان نیز مشاهده می‌شود. این دسته از تهدیدات، ذهن‌گرا هستند و ابتدایی‌ترین نوع تهدیدات به‌شمار می‌آیند. تهدیدات هویتی، ایدئولوژیکی و نظامی (جنگ غیرمستقیم و غیررسمی)، در این محدوده جای می‌گیرند.

تأمین امنیت منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس، حاصل مقابله و دفع هر چهار دسته تهدیدات است. با این حال سطح تحلیل در هر قسمت متفاوت از دیگری است. نقش دولت‌ها در برهم خوردن امنیت منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس را می‌توان در هر دو سطح ساختاری و کارکردی مورد ارزیابی قرار داد؛ با این تفاوت که در سطح تحلیل کارکردی، نقش نظام‌های سیاسی به‌صورت مستقیم مورد تحلیل قرار می‌گیرد اما در تحلیل ساختاری، بازتاب عملکرد دولت‌ها در نظام بین‌الملل در ایجاد امنیت و یا بروز ناامنی قابل ارزیابی

است. از دلایل اصلی برهم خوردن امنیت منطقه خلیج فارس توسط نظام‌های سیاسی حضور و دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای و وابستگی است که این دولت‌ها به ابرقدرت‌ها دارند، با این تفاسیر تفاوت هویتی و تضاد در اندیشه سیاسی هریک از نظام‌های سیاسی منطقه به‌عنوان تهدید اصلی برهم خوردن امنیت منطقه توسط دولت‌های منطقه محسوب می‌شود.

اندیشه سیاسی جمهوری اسلامی ایران، مبتنی بر چند نکته کلیدی است: اولاً مشروعیت نظام سیاسی را منفک از مقبولیت آن قلمداد می‌کند؛ از این رو مشروعیت نظام سیاسی را الهی و مقبولیت آن را، مردمی می‌پندارد. ثانیاً مقبولیت مردمی نظام را در گرو مشارکت حداکثری مردم تلقی می‌کند. ثالثاً درصدد تقویت تمدن ایرانی به موازات ترویج اندیشه مذهب شیعه است. مهم‌ترین و اصلی‌ترین منبع درآمد ایران از راه صادرات نفت خام صورت می‌گیرد و هرآنچه علیه امنیت اقتصادی آن باشد به سبب آنکه حیات اقتصادی آن را تهدید می‌کند به شدت با آن مقابله می‌کند. مهم‌ترین اولویت‌های سیاسی جمهوری اسلامی، ترویج اندیشه سیاسی اسلام شیعی و حفظ امنیت اقتصادی است؛ لذا برای نیل به اهداف خود، تاکتیک دفاعی برای سیستم نظامی خود لحاظ کرده است. تقویت سیستم دفاعی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک نیروی بازدارنده، به‌عنوان تهدید علیه امنیت منطقه قلمداد شده و کشورهای منطقه را ترغیب کرده تا وارد یک جنگ خاموش تسلیحاتی شوند. ترویج اندیشه شیعی‌گری، تأکید بر هویت و تمدن ایرانی، تلاش جهت توسعه حوزه نفوذ، مشارکت و نقش‌پذیری مردم در نظام سیاسی و تقویت سیستم دفاعی - نظامی از جمله مؤلفه‌هایی هستند که از سوی کشورهای منطقه به‌عنوان تهدید علیه امنیت منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس قلمداد می‌شود.

نظام سیاسی عراق، بعد از سقوط رژیم صدام حسین در سال ۲۰۰۳، بر پایه جمهوری فدرال شکل گرفت. کشور عراق دارای چندین ویژگی خاص است که به آن نقش ویژه داده است. به طوری که از یک طرف این کشور تلفیقی از حوزه تمدنی ایران و عرب است که در دوره‌ای از تاریخ تحت استعمار امپراتوری عثمانی قرار گرفته است. از طرف دیگر ترکیب مذهبی این کشور است که از اکثریت مسلمان و اقلیت مسیحی تشکیل شده، با

این حال به دلیل وزن نسبتاً بالای اهل تسنن در برابر شیعیان، طرفداران هر یک از مذاهب، جزء مدعیان اصلی در این کشور به حساب می‌آیند. یکی دیگر از ویژگی‌های خاص عراق، ترکیب قومی این کشور است که اعراب و اکراد از وزن بالایی برخوردارند. نقش علمای شیعی نظیر آیت‌الله سیستانی، خاندان حکیم و جریان صدر، به همراه حضور و نفوذ مستتر بعثی‌ها در مناطق عظیمی از عراق که دارای پیوند عمیق با گروه‌های سلفی که تحت تأثیر وهابیت عربستان هستند، باعث بروز گسل اجتماعی در این کشور شده و شرایط را برای شکل‌گیری چندگانگی هویتی به وجود آمده است به طوری که در هر مرحله تاریخی جریان فکری خاصی نقش اصلی را عرصه قدرت این کشور به عهده داشته است. همین اتفاق باعث شده تا هر یک از گروه‌های قومی - مذهبی، برای پیاده‌سازی اهداف ملی خود با گروه‌های فراملیتی پیوند بخورند و تحت تأثیر جریانات خاص که بعضاً در تعارض با یکدیگر هستند قرار گیرند. حافظه تاریخی مردم عراق با استبداد سیاسی پیوند خورده و با وجود شکل‌گیری احزاب گوناگون که در صحنه سیاسی عراق ایفای نقش می‌کنند، حزب بعث عراق به عنوان یک حزب ریشه‌دار که از قدرت و امانده، از طریق کودتا، به کارگیری جریانات داخلی و پیوند با گروه‌های معارض که ریشه در خارج از مرزهای عراق دارند به عنوان تهدیدی علیه امنیت ملی عراق و نظام‌های سیاسی همراه با عراق به شمار می‌رود. جمهوری اسلامی عراق، به عنوان کشوری که سالیان متمادی تحت سیطره حکام قرار داشته، با به اجرا در آوردن الگوی فدرالیسم و توزیع فضایی قدرت، الگویی برای کشورهای چندهویتی منطقه ارائه کرده است.

نظام‌های سیاسی کشورهای جنوبی منطقه خلیج فارس، نظام‌هایی هستند که در همه آنها قدرت در اختیار یک فرد، خاندان و یا قبیله خاص است و دیگر قبایل از دخل و تصرف در قدرت بی‌بهره‌اند. دخالت ندادن دیگر قبایل در قدرت و انحصار قدرت در یک خاندان به همراه تصرفات مالی شاهزادگان از بیت‌المال در کنار ضعف بنیان‌های اقتصادی و تضعیف حقوق اجتماعی مردم و تبعه کشورهای جنوبی حوزه خلیج فارس و سرکوب نیازها و خواست‌های مردمی در کنار الگوپذیری ملت‌های عرب منطقه از نظام سیاسی عراق و

ایران، از جمله مؤلفه‌های کلیدی است که بالقوه تهدیدی برای منطقه خلیج فارس به حساب آمده و قابلیت برهم‌زدن امنیت منطقه را دارد. از آنجا که درآمد اصلی دولت‌های جنوبی حوزه خلیج فارس، از صادرات نفت و گاز است، هرگونه نوسان و بی‌ثباتی در تولید، عرضه، انتقال و یا قیمت انرژی تهدیدی علیه امنیت منطقه تلقی می‌شود. مؤلفه قومی - مذهبی که مبتنی بر محور عرب - اهل سنت بنا شده، مؤلفه اصلی هویت‌دهی به کشورهای جنوبی حوزه خلیج فارس را تشکیل می‌دهد و تضارب فکری - اندیشه‌ای که اعراب با عجمان و اهل سنت با اهل تشیع طی تاریخ داشته‌اند در کنار روحیه متعصبانه و عقده‌گرایی اعراب، همگی باعث شده تا نظام‌های سیاسی کشورهای جنوبی منطقه خلیج فارس، خصوصاً تاریخی با نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران؛ به‌عنوان نظام هویتی ایرانی - شیعی و با نظام سیاسی عراق به‌عنوان الگوی سیاسی مردم‌سالار و شیعی داشته باشد. توجه و تأکید نظام‌های سیاسی عرب منطقه جهت خرید تسلیحات غربی به‌عنوان یک استراتژی نظامی، یکی دیگر از وجوه چندگانه‌ای است که امنیت منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس را با تهدید روبه‌رو می‌کند.

## ۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

امنیت منطقه ژئوپلیتیکی در سه سطح قابل تحلیل است و نقش نظام‌های سیاسی در هر سه سطح قابل ارزیابی است. در نگرش ساختارگرا، نظام‌های سیاسی خلیج فارس، بر مبنای الگوی ژئوپلیتیکی و ساختار نظام بین‌الملل؛ تحلیل می‌شود. در این وضعیت، نظام‌های سیاسی منطقه الگوی راهبردی خود را بر اساس وضعیت نظام بین‌الملل تهیه و تدوین می‌کنند و همین عاملی شده تا بی‌توجه به وضعیت حاکم بر منطقه و منافع منطقه‌ای، موضع‌گیری کنند. در نگرش کارکردی، نظام‌های سیاسی منطقه خلیج فارس الگوی راهبردی خود را بر اساس رقابت بر سر منافع ملی / حکومتی خود ترسیم می‌کنند و همین عاملی است که باعث ایجاد شکاف و نارسایی در امنیت منطقه می‌شود. بهانه قرار دادن انگاره‌های هویتی، قومی و مذهبی؛ بدون بینش صحیح و منطقی؛ و صرفاً بر اساس پیشینه

تاریخی از سوی نظام‌های سیاسی منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس و مناقشات ارزی و مرزی که میان کشورهای منطقه وجود دارد موجب ایجاد ناامنی در منطقه شده است. نظام‌های سیاسی غیرهمجنس که با الگوی صحیح توزیع قدرت در فضا همراه هستند با سهولت بیشتری قادر به تأمین امنیت در سطح ملی هستند. از آنجا که تأمین امنیت منطقه‌ای در راستای تأمین امنیت ملی محقق خواهد شد لذا نامتجانس بودن ساختار سیاسی کشورهایی که در یک منطقه جغرافیایی و در مجاورت یکدیگر قرار گرفته‌اند نمی‌تواند نقش بسزایی در ایجاد یا از میان بردن ناامنی یک منطقه ایفا کند، بلکه بسته به نوع تهدیدی که هر یک از این نظام‌های سیاسی برای دیگر کشورهای منطقه و نظام‌های سیاسی پدید می‌آورند، موجب بی‌ثباتی در امنیت منطقه‌ای می‌شود. جهت برقراری امنیت در یک منطقه جغرافیایی، نیاز است تا دو موضوع مورد توجه قرار گیرد. اولاً، تعریف مفهوم امنیت از دیدگاه دولت‌مردان کشورهای واقع در آن منطقه و چگونگی درک آنها از موقعیت جغرافیایی منطقه؛ ثانیاً، توجه به نظام سیاسی آن کشور و ترکیب و ساخت حکومتی کشورهای منطقه.

انتخاب متغیرهایی که در امنیت ملی کشورها مهم هستند ممکن است متأثر از شرایط منطقه‌ای باشند و این متغیرها هستند که در تبیین دیدگاه امنیت منطقه‌ای کشورها نقش آفرین هستند. کشورهایی که از نظر واحد سیاسی همجنس هستند و در یک گروه و یک قالب قرار می‌گیرند، به دلیل تفاوت در نوع دیدگاه و تعریفی که از امنیت و متغیرهای امنیت ملی دارند، در برخی مواقع روابطشان به مجادله کشیده می‌شود و کشمکش و نزاع میان آنها حکمفرما می‌شود و سیاست‌هایی اعمال می‌کنند که بعضاً علیه امنیت ملی یکدیگر می‌باشد. در اینجا است که ژئوپلیتیک و روابط بین‌الملل با یکدیگر پیوند می‌خورند و در این میان در منطقه خلیج فارس زمانی امنیت منطقه توسط کشورهای همجوار تأمین خواهد شد که حس بی‌اعتمادی در میان کشورهای منطقه نسبت به یکدیگر از میان برداشته شود و منافع مشترک منطقه‌ای در رأس برنامه‌های استراتژیک این کشورها قرار گرفته و به جای آنکه کشورها به صورتی مداوم یکدیگر را در موقعیت چالش ژئوپلیتیکی قرار دهند؛

سعی در برقراری توازن ژئوپلیتیکی میان کشورهای منطقه می‌شوند. درک درست از یک منطقه ژئوپلیتیکی در روابط بین‌الملل می‌تواند در پیشبرد دستیابی به امنیت منطقه‌ای که تأمین‌کننده منافع کشورهاست مؤثر باشد. تا زمانی که کشورهای منطقه دیدگاه خود را از مفهوم امنیت در داخل و بیرون مرزها تغییر ندهند و بر پایه اصول صحیح برنامه‌ریزی نکنند تشکیل اتحادیه‌ها و ائتلاف‌های منطقه هرچند ممکن است بعید به نظر نیاید اما همچنان بسیار مشکل خواهد بود.

بی‌ثباتی که در امنیت منطقه خلیج فارس پدید آمده، ناشی از نوع تهدیداتی است که نظام‌های سیاسی نسبت به یکدیگر ایجاد می‌کنند. از آن جهت که ایدئولوژی حاکم و ریشه‌های ذهنی حکومت‌های منطقه مبتنی بر یک نوع بدبینی ذاتی بنا شده است، باعث شده تا بیشتر تهدیدات کشورهای منطقه از نوع تهدیدات درونی - مجرد باشد که مشروعیت دیگری را نشانه رفته و نظام‌های سیاسی دیگر را با چالش هویتی مواجه کرده است.

## منابع و مأخذ

۱. اسدی، بیژن (۱۳۹۰). *خلیج فارس و مسائل آن*، تهران، نشر سمت.
۲. افشار سیستانی، ایرج (۱۳۷۲). «منابع غیرنفتی در خلیج فارس»، مجموعه مقالات دومین سمینار بررسی مسائل خلیج فارس، مرکز مطالعات خلیج فارس، تهران، وزارت امور خارجه.
۳. الهی، همایون (۱۳۶۹). *خلیج فارس و مسائل آن*، تهران، نشر قومس.
۴. حافظنیا، محمدرضا، ربیاز قربانی نژاد و زهرا احمدی پور (۱۳۸۹). «تحلیل تطبیقی الگوی خودگردانی کردستان عراق با الگوهای خودمختاری و فدرالیسم»، تهران، فصلنامه *مدرس علوم انسانی*، ش ۲.
۵. حافظنیا، محمدرضا (۱۳۷۲). «تنگه هرمز و امنیت جمعی در خلیج فارس»، مجموعه مقالات دومین سمینار بررسی مسائل خلیج فارس، مرکز مطالعات خلیج فارس، تهران، وزارت امور خارجه.
۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰). «تنگه هرمز، کدام استراتژی: بستن یا نبستن»، <http://hafeznia.ir>.
۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵). *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، مشهد، انتشارات پاپلی.
۸. حافظنیا، محمدرضا و سیدعباس احمدی (۱۳۸۹). «موانع و شیوه‌های بازدارنده تجدید حیات شیعه در جهان»، قم، فصلنامه *شیعه‌شناسی*، سال هشتم، ش ۳۰.
۹. حافظنیا، محمدرضا و مراد کاویانی‌راد (۱۳۸۸). *افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی*، تهران، انتشارات سمت.
۱۰. حیدری، غلامحسین (۱۳۹۱). «بحث کلاسی جغرافیای سیاسی ایران»، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۱۱. خویی، احمد (۱۳۷۲). «همگرایی‌های استراتژیک در خلیج فارس»، مجموعه مقالات دومین سمینار بررسی مسائل خلیج فارس، مرکز مطالعات خلیج فارس، تهران، وزارت امور خارجه.
۱۲. درایسدل، جerald اچ بلیک (۱۳۷۴). *جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا*، ترجمه دره میرحیدر، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۱۳. دهشیار، حسین (۱۳۸۹). «دولت در خاورمیانه غربی: رخنه‌ناپذیری نظام سیاسی»، تهران، فصلنامه *مطالعات خاورمیانه*، سال ۱۷، ش ۲.
۱۴. دهشیار، حسین (۱۳۸۴ و ۱۳۸۵). «مثلث بقای دولت در عربستان سعودی: آمریکا، مذهب و نفت»، تهران، فصلنامه *مطالعات خاورمیانه*، سال دوازدهم و سیزدهم، ش ۴ و ۱، زمستان ۱۳۸۴ و بهار ۱۳۸۵.
۱۵. زین‌العابدین، یوسف (۱۳۸۸). «جایگاه خلیج فارس در دکترین‌های ایالات متحده آمریکا»، مجموعه مقالات *همایش بین‌المللی خلیج فارس*.



نقش نظام‌های سیاسی نامتجانس حوزه خلیج فارس در بی‌ثبات‌سازی امنیت منطقه \_\_\_\_\_ ۲۶۵

۱۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰). «جایگاه ژئوپلیتیکی خلیج فارس در خاورمیانه بزرگ»، فصلنامه چشم‌انداز جغرافیایی، سال ششم، ش ۱۴.
۱۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱). «ساختار ژئواکونومی خاورمیانه (براساس اهداف توسعه هزاره سازمان ملل)»، فصلنامه جغرافیا، سال دهم، ش ۳۴.
۱۸. زین‌العابدین، یوسف، زهرا شیرزاد و نسیم جوکار (۱۳۸۹). «عوامل تأثیرگذار بر روابط ژئوپلیتیک ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس»، پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، سال اول، ش دوم.
۱۹. سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۶۸). نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل، تهران، نشر سفیر.
۲۰. شاهکار، عبدالحسین (۱۳۷۲). «اهمیت تنگه هرمز به لحاظ ژئوپلیتیک و منابع آب‌های ساحلی»، مجموعه مقالات دومین سمینار بررسی مسائل خلیج فارس، مرکز مطالعات خلیج فارس، تهران، وزارت امور خارجه.
۲۱. صفوی، سیدیچی (۱۳۸۷). وحدت جهان اسلام، چشم‌انداز آینده، تهران، انتشارات شکیب.
۲۲. عالم، عبدالرحمان (۱۳۸۳). بنیادهای علم سیاست، ج ۲۳، تهران، نشر نی.
۲۳. عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۹). نظریه‌های امنیت، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۲۴. الغزالی، صلاح محمدعیسی (۲۰۰۷). الجماعات السیاسیه الکویتیة فی قرن (۱۹۱۰-۲۰۰۷)، بی‌جا.
۲۵. فولر، کراهام (۱۳۸۴). شیعیان عرب مسلمانان فراموش شده، ترجمه خدیجه تبریزی، قم، مؤسسه شیعه‌شناسی.
۲۶. فیاضی، محمد انور (۱۳۸۹). «نظام سیاسی از منظر فارابی»، فصلنامه پژوهشی کوثر معارف، سال ۶، ش ۱۴.
۲۷. قادری حاجت، مصطفی و حمیدرضا نصرتی (۱۳۹۱). «اهداف ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آسیای مرکزی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هشتم، ش ۲۶.
۲۸. قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۷۱). اصول و سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران، انتشارات سمت.
۲۹. کوهساری، مفید (۱۳۸۶). تأملاتی پیرامون شیعیان کویت، بی‌جا.
۳۰. مرکز مطالعات خلیج فارس؛ مؤسسه مطالعات ژئوپلیتیک، استراتژیک، تاریخ و جغرافیای خلیج فارس به نشانی اینترنتی: [www.persiangulfstudies.com](http://www.persiangulfstudies.com).
۳۱. ملاسو، نومو (۱۳۷۲). «نقش خلیج فارس در اهمیت استراتژیکی اقیانوس هند»، مجموعه مقالات دومین سمینار بررسی مسائل خلیج فارس، مرکز مطالعات خلیج فارس، تهران، وزارت امور خارجه.
۳۲. میرحیدر، دره (۱۳۸۲). مبانی جغرافیا سیاسی، تهران، نشر سمت.

۳۳. نادری، احمد (۱۳۸۷). *گفتمان جنبش شیعی عراق (بررسی انسان‌شناختی)*، چاپ دوم، بی‌جا.
۳۴. نامی، محمدحسن (۱۳۹۰). *تنگه‌ها و نقاط استراتژیک جهان*، تهران، نشر زیتون سبز.
۳۵. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱). *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*، تهران، انتشارات سمت.
۳۶. واعظی، محمود (۱۳۸۷). *رویکرد گروه‌های داخلی عراق به ایران و آمریکا*، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۳۷. هاگت، پیتر (۱۳۷۵). *جغرافیا ترکیبی نو*، ج دوم، ترجمه شاپور گودرزی نژاد، تهران، انتشارات سمت.
38. Bennet, D. Scott (1996). "Security Bargaining and the End of Laterstate Rivalry", *International Studies Quarterly* 40, No.2.
39. British *Petroleum Statistical review of world energy full report 2012*.
40. Kazemi, Farhad (1996). "Civil Society and Iranian Politics", in *Civil Society in the Middle East*, Vol. 2, ed. Augustus Richard Norton, and Newyork: E.J. Brill.
41. Martin, Lenore G. (2002). *New Frontiers in Middle East Security*, New York: st. Martin's Press.
42. Mclean, Lain and Alistair McMillan (2003). *The Concise Oxford Dictionary of Politics*, New York: Oxford University Press.
43. Richard Norton, Augustus and Farhad Kazemi (2005). *The Limits of Shock and Awe: America in the Middle East*, 'Current History', United State of America.
44. Robertson, David (1993). "A Dictionary of Modern Politics". Europa Publications Ltd.
45. <http://countrystudies.us/>; 2015.
46. <http://www.didban.ir>

# طراحی الگویی جهت ارزیابی سیاست‌پژوهی (مطالعه موردی: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)

رحمت‌الله قلی‌پور، \* افشین علی‌پور پیجانی، \*\* محمدحسن معادی رودسری \*\*\*

تاریخ دریافت ۱۳۹۲/۱۲/۱۱	تاریخ پذیرش ۱۳۹۴/۳/۲۰
-------------------------	-----------------------

در این نوشتار به موضوع ارزیابی سیاست‌پژوهی که یکی از موضوعات اساسی در حوزه سیاست‌پژوهی است و کمتر مورد توجه قرار گرفته، پرداخته شده است. این موضوع به شاخص‌ها و عوامل مؤثر در ارتقای سطح کیفیت نتایج سیاست‌پژوهی می‌پردازد. در این مقاله ابتدا مفهوم سیاست‌پژوهی و فرایند سیاست‌پژوهی بیان شده و سپس با استفاده از روش تحقیق اکتشافی-کاربردی و بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا به بررسی و تحلیل متون حوزه سیاست‌پژوهی پرداخته می‌شود تا براساس آن الگویی ارزیابی سیاست‌پژوهی طراحی شود. براساس یافته‌های تحقیق تعداد ۳۴ شاخص نهایی شناسایی شد که این شاخص‌ها در قالب پنج مقوله یا مرحله اساسی سازمان‌دهی و در طراحی الگویی ارزیابی سیاست‌پژوهی به کار گرفته شدند. در ادامه با استفاده از الگویی طراحی شده به بررسی و ارزیابی گزارش‌های سیاست‌پژوهی در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی می‌پردازد که بدین منظور تعداد ۱۰ گزارش سیاست‌پژوهی انتخاب شدند و نتایج حاصل از ارزیابی‌ها در قالب جداولی ارائه می‌شود. در پایان ضعیف‌ترین و بهترین شاخص‌های مربوط به ارزیابی گزارش‌های سیاست‌پژوهی در مرکز پژوهش‌ها و همچنین مراحل یا مؤلفه‌های اصلی سیاست‌پژوهی به ترتیب احراز کیفیت در مرکز پژوهش‌ها، بیان شده است.

**کلیدواژه‌ها: ارزیابی سیاست‌پژوهی؛ سیاست‌پژوهی؛ عوامل کیفیت سیاست‌پژوهی؛ گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی**

E-mail: rgholipor@ut.ac.ir

\* دانشیار دانشکده مدیریت دانشگاه تهران؛

\*\* دانشجوی دکتری مدیریت دولتی خط‌مشی‌گذاری عمومی، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، پردیس فارابی

E-mail: afshin\_alipour@yahoo.com

(نویسنده مسئول)؛

\*\*\* عضو هیئت علمی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛

E-mail: mmoadee@yahoo.com

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست‌ودوم، شماره هشتادودو، تابستان ۱۳۹۴

## مقدمه

سیاست پژوهی و بهره‌گیری از پژوهش‌های سیاستی به‌منظور اتخاذ بهترین و بهینه‌ترین تصمیمات از سوی سیاستگذاران دارای اهمیت بسیاری است که البته این مقولات اساسی در کشور ما کمتر به آن پرداخته شده است.

جایگاه ویژه سیاست پژوهی در ادبیات خط‌مشی‌گذاری امروزی متأثر از موقعیت علم و دانش و میزان نقش و تأثیرگذاری آن در مسائل و موضوعات اجتماعی و اقتصادی است (قلی‌پور، ۱۳۹۱: ۲۷۰).

اما آنچه در مفاهیم سیاست پژوهی باید مورد مذاقه قرار گیرد توجه حداکثری به اثربخش بودن فرایند سیاست پژوهی و نتایج و خروجی‌های آن و بهره‌گیری از بازخوردهای منتج از نتایج این سیاست پژوهی‌هاست. این نکته‌ای اساسی است که شاید کمتر مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. لذا در این مقاله به بررسی و طراحی الگویی به‌منظور ارزیابی و سنجش میزان مؤثر بودن سیاست پژوهی می‌پردازیم.

پارلمان‌ها و مجالسی که در دنیا از ظرفیت‌های لازم برای سیاست پژوهی برخوردارند، موفقیت زیادی در تدوین و اجرای مناسب خط‌مشی‌ها و سیاست‌ها دارند. برای مثال کنگره آمریکا؛ مرکز سیاست پژوهی بسیار مجهزی دارد که با بیش از ۸۰۰ عضو هیئت علمی و پژوهشی دستاوردهای بسیار بزرگی حاصل کرده‌اند. مجلس شورای اسلامی ایران نیز طی سال‌های اخیر با تأسیس مرکز پژوهش‌های مجلس، گام مهمی در این موضوع برداشته و موفقیت‌های خوبی در علمی کردن سیاست‌ها داشته است (همان). اما باید توجه داشت که برای اثربخشی فعالیت چنین مراکز سیاست پژوهی، شاخص‌هایی تأثیرگذارند که تمرکز بر آنها کلید موفقیت خواهد بود. برای مثال در انجام فرایند تحقیق «زمان» شاخص بسیار مهمی است، به‌طوری‌که اگر به مسئله عمومی سریعاً پاسخی علمی داده نشود آثار منفی بر جامعه می‌گذارد. بنابراین مرکز می‌باید در سریع‌ترین زمان ممکن با توجه به فرایند سیاست پژوهی تحقیق لازم را درباره مسئله مورد بحث، انجام و نتایج را به مجلس شورای اسلامی ارائه دهد، تا سیاستگذاران بتوانند به‌صورتی منطقی با مسئله روبه‌رو و راه‌حل‌های

مؤثری در قالب قانون ارائه کنند (قلی پور و غلام پور آهنگر، ۱۳۸۹). بدین منظور آشنایی با چارچوب و عوامل مؤثر در اثربخشی حداکثری سیاست پژوهی می تواند در بهبود فرایند انجام آن بسیار مفید باشد.

لذا در این مقاله دو هدف اصلی مورد نظر است، که یکی طراحی الگوی جامع ارزیابی سیاست پژوهی می باشد، به گونه ای که بتوان براساس آن سطح کیفی و قابلیت کاربردی بودن، اثربخش بودن و جریان ساز بودن یک اثر سیاست پژوهی را مورد بررسی و تحلیل قرار داد. هدف دوم به کارگیری الگوی طراحی شده به منظور ارزیابی و سنجش وضعیت گزارشات سیاست پژوهی در مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی می باشد.

### ۱. سیاست پژوهی و مفهوم آن

دان<sup>۱</sup> ضمن اشاره به تعریف لاسول، سیاست پژوهی را وسیله ای برای خلق دانش در فرایند خط مشی گذاری می داند. به گمان وی در این فرایند محققان بر علت ها، عواقب عملکرد برنامه ها و خط مشی های عمومی تحقیق می کنند (همان، ۱۳۹۱).

سیاست پژوهی فرایند انجام تحقیق درباره مسئله اجتماعی یا تحلیل آن به منظور ارائه توصیه های عملی به سیاستگذاران برای حل مسئله است (ماژرزاک، ۱۳۷۹).

از آنجا که بین تعاریف مختلف سیاست پژوهی، تفاوت های جزئی وجود دارد، در همه آنها فرض بر این است که مطالعه تحلیلی خط مشی ها، آگاهی یافتن از علت ها و پیامدهایی است که به تصمیم گیری بهتر منجر شده و از این رو منفعت عامه ارتقا می یابد (قلی پور و همکاران، ۱۳۹۱).

سیاست پژوهی فرایند انجام پژوهش در خصوص مسئله اجتماعی مهم یا تحلیل آن مسئله به منظور ارائه توصیف های عملی، توصیه های معطوف به عمل به سیاستگذاران برای حل مسئله است (همان، ۱۳۸۹).

سیاست پژوهی را می توان در پاسخ به مسائل اجتماعی جامعه شکل داد که به موجب

آن به بررسی مسائل عمومی می‌پردازد. مسائل عمومی مفاهیمی اجتماعی هستند که باید ادراک شوند و در فضایی علمی مورد بررسی قرار گیرند (همان).

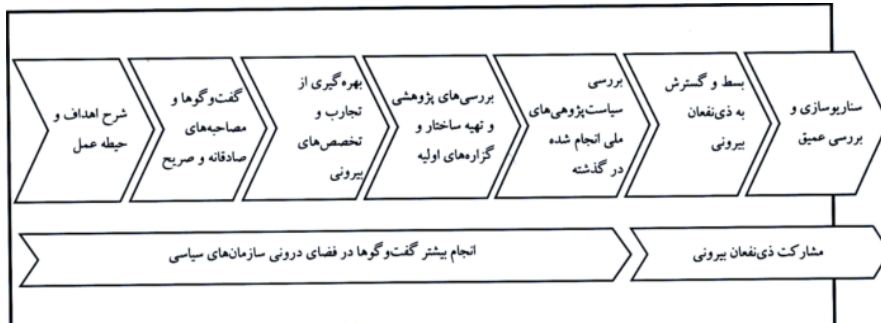
## ۲. فرایند سیاست‌پژوهی

اثربخش بودن خروجی سیاست‌پژوهی، نیازمند بهره‌گیری از یک فرایند هدفمند، جامع و ساختارمند است. بر این اساس شناسایی فرایند مناسب برای سیاست‌پژوهی مرحله‌ای اساسی در مؤثر نمودن سیاست‌پژوهی بوده و مختصات مناسبی را برای ارزیابی میزان اثربخشی سیاست‌پژوهی ایجاد می‌کند. در این قسمت چند فرایند سیاست‌پژوهی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۲-۱. الگوی فراوک لوه‌ر و همکارانش برای سیاست‌پژوهی

فراوک لوه‌ر و همکارانش<sup>۱</sup> در سال ۲۰۱۳ الگویی برای سیاست‌پژوهی پیشنهاد می‌دهند که در هفت مرحله ارائه شده است (Lohr, 2013):

شکل ۱. الگوی سیاست‌پژوهی فراوک لوه‌ر و همکاران



Source: Lohr, 2013.

گام‌های این الگو به شرح ذیل است:

### گام اول: شرح اهداف و حیطه عمل

مهم‌ترین اقدامات این گام عبارت است از:

- تعیین و تبیین اهداف و محتوای عملکرد در بین اعضا و بخش‌های دخیل و مرتبط در سیاست پژوهی،

- برگزاری جلسات گفت‌وگو و تعامل و کارگاه‌های مشترک،

- تعیین نقشه راه و خطوط راهنما،

- تعیین رویکردهای حاکم بر پژوهش.

### گام دوم: گفت‌وگوها و مصاحبه‌های صادقانه و صریح

مهم‌ترین اقدامات این گام عبارت است از:

- دریافت نظرات، دیدگاه‌ها و نیازمندی‌های افراد ذی‌نفع در مسئله،

- تعیین وزن و ارزش چالش‌ها و نیازمندی‌های هر یک از ذی‌نفعان،

- تعیین معیارهای ارزیابی چالش‌ها و نیازمندی‌ها،

- بیان و تعیین انتظارات و نتایج نهایی مورد نظر و طراحی فرایند آن،

- تعیین عوامل کلیدی موفقیت و موانع بالقوه،

- ایجاد صداقت و اطمینان.

### گام سوم: بهره‌گیری از تجارب و تخصص‌های بیرونی

مهم‌ترین اقدامات این گام عبارت است از:

- گسترش حوزه بررسی‌ها و استفاده از تخصص‌های مربوط به موضوع اصلی از خارج سازمان،

- بهره‌گیری از تخصص‌ها و دیدگاه‌های مختلف در ارتباط با موضوع،

- بهره‌گیری از اطلاعات به‌دست آمده در جهت شکل دادن فرضیات.

### گام چهارم: بررسی‌های پژوهشی و تهیه ساختار و گزاره‌های اولیه

مهم‌ترین اقدامات این گام عبارت است از:

- استفاده و به‌کارگیری شیوه‌های پژوهشی به‌منظور تبیین فرضیات،

- سازمان‌دهی گزاره‌ها به منظور پاسخگویی به فرضیات و سؤالات،  
- بهره‌گیری از تجربیات برتر به منظور دستیابی به نتایج مطلوب‌تر.

#### **گام پنجم: بررسی سیاست‌پژوهی‌های ملی انجام شده در گذشته**

مهم‌ترین اقدامات این گام عبارت است از:

- بررسی نتایج و یافته‌های مربوط به پژوهش‌های گذشته،  
- بررسی شکاف‌های موجود تا وضعیت مطلوب.

#### **گام ششم: بسط و گسترش به‌ذی‌نفعان بیرونی**

مهم‌ترین اقدامات این گام عبارت است از:

- بررسی دقیق موضوع براساس اطلاعات به‌دست آمده،  
- ورود ذی‌نفعان بیرونی مبتنی بر نیازمندی‌های موجود،  
- برگزاری جلسات کاربردی به منظور استنتاج نظرات و دیدگاه‌ها،  
- بررسی نیازمندی‌ها، عوامل کلیدی، موانع و چشم‌انداز ذی‌نفعان بیرونی،  
- بررسی پیشنهادات ذی‌نفعان بیرونی.

#### **گام هفتم: سناریوسازی و بررسی عمیق**

مهم‌ترین اقدامات این گام عبارت است از:

- گردآوری مجموعه تخصص‌ها و دانش موجود به منظور ارائه سناریوهای هنجاری و  
بومی به‌عنوان چارچوب سیاست‌پژوهی،  
- تعیین مولدهای مربوط به سناریوها،  
- عملیاتی کردن سناریوها براساس نتایج به‌دست آمده از تعاملات.

#### **۲-۲. فرایند سیاست‌پژوهی از دیدگاه ماژرزاک**

ماژرزاک فرایند سیاست‌پژوهی را در پنج مرحله تعریف می‌کند که هر مرحله شامل زیر  
مراحلی است و رهنمودهایی را در خود دارد. این رهنمودها نقش مهمی در ارائه درک



روشنی از هر مرحله خواهند داشت. این مراحل عبارت‌اند از (ماژرزاک، ۱۳۷۹):

#### الف) زمینه‌سازی

۱. تمرکز بر جست‌وجوی اطلاعات،
۲. مراحل جست‌وجوی اطلاعات،
۳. تصمیم‌گیری در مورد انجام پژوهش.

#### ب) مفهوم‌سازی

۱. ارائه الگو اولیه مسئله اجتماعی،
۲. تدوین پرسش‌های خاص پژوهش،
۳. گزینش محققان پژوهش.

#### ج) تحلیل فنی

۱. عملیاتی کردن متغیرها،
۲. طراحی روش‌شناسی تحقیق،
۳. روش‌هایی برای تحلیل فنی (تلفیق متمرکز - تحلیل ثانوی - تحلیل میدانی - روش‌های کیفی بررسی‌های پیمایشی - مطالعات موردی - تحلیل هزینه - فایده)،
۴. رهنمودهایی برای طرح‌ریزی روش‌شناسی فنی،
۵. نتیجه‌گیری و ارائه توصیه‌های موقتی برای سیاست‌گذاری.

#### د) تحلیل پیشنهادها و توصیه‌ها

۱. تحلیل پارامترهای اجرایی دخیل در توصیه‌های مطالعه (طرف‌های ذی‌نفع - سازمانی)،
۲. ارزیابی و پیش‌بینی نتایج بالقوه توصیه‌ها،
۳. برآورد احتمال انجام شایسته توصیه‌ها،
۴. تهیه توصیه‌های نهایی.

### ه) ارتباطات و انتقال نتایج به سیاستگذاران

۱. ارتباط در تمام مراحل پژوهش،
۲. ارتباط با استفاده کنندگان مختلف پژوهش،
۳. نحوه برقراری ارتباط مؤثر (اسلاید و وسایل سمعی بصری)،
۴. ارتباط شفاهی، معمولاً مؤثرتر از ارتباط کتبی است.

### ۲-۳. مروری بر ملاحظات فرایندی در سیاست‌پژوهی

یکی از چالش‌های اثربخشی سیاست‌پژوهی وجود گسست فرایندی در انجام سیاست‌پژوهی است. ارتباط بین سه حوزه سیاست، پژوهش و اجرا می‌باید در فرایند سیاست‌پژوهی مورد تأکید قرار گیرد. ایجاد انسجام فرایندی بین این سه حوزه می‌تواند موجب انتقال مناسب دانش حاصل از سیاست‌پژوهی شود (Hoeijmakers and et al., 2013). از سوی دیگر ذی‌نفعان و نوع نگرش آنها به اقدامات سیاست‌پژوهی از عوامل تعیین‌کننده در فرایند سیاست‌پژوهی است.

بهره‌گیری از ساختارهای شبکه‌ای یکپارچه می‌تواند موجب تسهیل تعامل و ارتباط پویای کنشگران در سه حوزه سیاست، پژوهش و اجرا شود. در این راستا بهره‌گیری از الگوهای تعاملی فراحوزه‌ای،<sup>۱</sup> انتقال دانش فراحوزه‌ای<sup>۲</sup> و اقدامات مرزگستری<sup>۳</sup> توسط مسئول طرح می‌تواند مؤثر باشد (Ibid.).

لیتلجانز<sup>۴</sup> و همکارانش در تحقیقی، چهار عنصر اصلی در فرایند پژوهش از سیاست تا اجرا را مورد نظر قرار می‌دهند که عبارت‌اند از (Thompson and et al., 2012):  
۱. کارگزاران ارائه سیاست، ۲. بخش آموزشی، پژوهشی و دانشگاهی، ۳. مسئولیت سیاسی و ۴. بخش‌های اجرایی. این عناصر در یک ارتباط متعامل با یکدیگر ساختاری یکپارچه را

---

1. Cross-Domain Interaction  
2. Cross-Domain Knowledge Transfer  
3. Boundry Spanning  
4. Peter Littlejohns

پدید می‌آورند. در چارچوب این فرایندهای ارتباطی می‌باید عواملی مانند قابلیت‌های اثرگذاری سیاست، درک نقش هریک از عناصر، درک نوع وابستگی و ارزش هریک از مشارکت‌کنندگان، درک میزان اثربخشی هریک از عناصر، شفاف‌سازی نقش‌های مشترک، توافق بر اولویت‌ها و دستیابی به درک مشترک نیازها مورد ملاحظه قرار گیرد (Ibid.).

با توجه به تئوری‌ها و الگوهای فوق باید گفت که سیاست‌پژوهی ماهیتی فرایندی دارد و بر این اساس ارزیابی آن و توجه به اثربخش بودن و جریان ساز بودن آن نیز می‌باید در یک قالب فرایندی مورد بررسی قرار گیرد. این ساختار فرایندی، گام به گام اقدامات سیاست‌پژوهی را تکمیل‌تر می‌کند و قابلیت ارائه آن به سطح عمومی جامعه جهت حل مسائل پیش رو را ارتقا می‌دهد. بنابراین می‌توان گفت که قبل از هرچیز داشتن ساختار فرایندی در سیاست‌پژوهی جانمایه اولیه و بنیادی موفقیت یک کار سیاست‌پژوهی است که در صورت عدم رعایت چنین ساختاری نتایج مورد نظر از انسجام، سازمان‌دهی و قابلیت اثرگذاری لازم برخوردار نخواهد بود. در ذیل این ماهیت فرایندی، عوامل مؤثر در موفقیت سیاست‌پژوهی مورد نظر قرار می‌گیرند.

### ۳. روش انجام تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش روش اکتشافی - کاربردی و بهره‌گیری از روش تحلیل محتواست. به عقیده برنارد برلسون روش تحلیل محتوا نوعی تکنیک پژوهشی است که برای توصیف عینی، منظم و تا آنجا که ممکن است، کمی محتوای ارتباطات با هدف نهایی تفسیر داده‌ها به کار می‌رود (رحیم سلمانی، ۱۳۹۱). دانیل رایف، استفن لیزی و فردیک جی. فیکو ای این روش تحقیق را آزمون نظام‌مند و تکرارپذیر نمادهای ارتباطی می‌دانند که در آن ارزش‌های عددی براساس قوانین معتبر اندازه‌گیری و به متن نسبت داده می‌شود و این عمل برای توصیف محتوای ارتباطات، استخراج نتیجه درباره معنی آن و یا پی بردن به بافت و زمینه ارتباطی صورت می‌گیرد. کرلینجر تحلیل محتوا را روش مطالعه و تجزیه و تحلیل ارتباط به شکلی نظام‌مند، عینی و کمی به‌منظور سنجش متغیرها می‌داند

(همان). روش تحلیل محتوا دارای ویژگی‌های عینی بودن (نه ذهنی و قابل تفسیر)، منظم (برای همه بخش‌های تحقیق)، کمی بودن (قابلیت شمارش مقوله‌ها و واحد تحقیق) و آشکار بودن (محتوای آشکار در برابر محتوای نهان و قابل استنباط) می‌باشد (بدیعی، ۱۳۷۶).

ابتدا به گردآوری منابع در دسترس حوزه سیاست‌پژوهی پرداخته می‌شود. سپس با بررسی و تحلیل متون، عوامل و شاخص‌هایی که در مسیر انجام سیاست‌پژوهی به‌منظور دستیابی به کیفیت حداکثری آن باید توجه شوند، مورد بررسی قرار می‌گیرند تا براساس آنها الگویی برای ارزیابی میزان کیفیت سیاست‌پژوهی طراحی شود. در مرحله بعد با مراجعه به خبرگان حوزه سیاست‌پژوهی ضمن بررسی عوامل احصا شده، عوامل و شاخص‌های مورد نظر آنها دریافت می‌شود. سپس به سامان‌دهی عوامل و شاخص‌های کسب شده پرداخته می‌شود، به گونه‌ای که عواملی که ماهیت مشابهی دارند در کنار یکدیگر قرار گیرند، تا بتوان میزان تکرار عوامل و شاخص‌ها و میزان تأکید بر روی آنها را در متون مورد بررسی استخراج کرد. در ادامه به مقوله‌سازی پرداخته می‌شود، به گونه‌ای که بتوان دسته‌بندی مناسب و جامعی را برای عوامل و شاخص‌ها ارائه نمود. پس از آن با منظم کردن عوامل و شاخص‌های شناسایی شده الگوی نهایی برای ارزیابی طراحی می‌شود.

در این تحقیق در استخراج شاخص‌های ارزیابی و سازمان‌دهی آنها از نظرسنجی خبرگان استفاده شده است. جامعه خبرگان مورد استفاده در این تحقیق عبارت از صاحب‌نظران حوزه سیاست‌پژوهی است که دارای سطح تحصیلات دکتری یا دانشجوی دکتری و تجربه کاری مرتبط بوده‌اند. نحوه دسترسی به این خبرگان به دو طریق ارتباط مستقیم و دریافت نظرات و دیدگاه‌های آنها به صورت اطلاعات ثانویه (غیرمستقیم) بوده است.

به‌منظور الگوسازی و اعتبارسنجی الگو در این تحقیق از استدلال قیاسی استفاده شده است. به عبارت دیگر در دسته‌بندی عوامل و نحوه چیدمان و استقرار آنها از شیوه مورد استفاده در مقالات و مراجع دیگر استفاده شده است. نتایج حاصل از بررسی‌های انجام شده جهت اعتبارسنجی الگو در قالب جداولی ارائه می‌گردد.

الگوی طراحی شده در مورد تعدادی از پژوهش‌های انجام شده مبتنی بر

سیاست پژوهی در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به کار گرفته می‌شود و مبتنی بر آن نقاط ضعف و قوت سیاست پژوهی در این مرکز استخراج می‌گردد. تحلیل این نتایج می‌تواند در مسیر ارائه راهبردهای بهبود سیاست پژوهی در مرکز مؤثر باشد.

#### ۴. یافته‌های تحقیق

براساس منابع موجود در زمینه ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مناسب جهت ارزیابی سیاست پژوهی، نتایج به دست آمده در جدول زیر بیان گردیده است.

جدول ۱. شاخص‌های استخراج شده به منظور ارزیابی سیاست پژوهی

منابع	شاخص‌ها
(قلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۱)، (M. K. Trochim, 2009)، (W. Rains and J. Hahn, 1995)	شناخت ابعاد موضوع
(Lohr, 2013), (Scholten, 2011)	شناخت فضای ذی‌نفعانی
(قلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۱)، (Davies, 2008)، (Thompson and et al., 2012)	شناخت سطح اثرگذاری
(Thompson and et al., 2012), (Gholipour and Jandaghi, 2012), (Littlejohns, 2012) (قلی‌پور و همکاران، ۱۳۸۹)	دارای اولویت بودن موضوع
(Gholipour and Jandaghi, 2012), (Lohr, 2013)	شناخت مطالعات پیشین و بهره‌گیری از تجربیات
(Thompson and et al., 2012), (Rowe and et al., 2013)	ایجاد درک مشترک
(Lohr, 2013), (Court and Young, 2003)	سازمان‌دهی ساختار پژوهشی
(Lohr, 2013)	هدفگذاری روشن و دقیق
(W. J. Jansen and et al., 2008), (Scholten, 2011), (Court and Young, 2003) (قلی‌پور و همکاران، ۱۳۸۹)	پیوستگی بین پژوهش، سیاست و اجرا
(Thompson and et al., 2012), (Lohr, 2013) (قلی‌پور، ۱۳۹۱)	ایجاد بستر تعامل هماهنگ و هدفمند بین رشته‌ای
نظر خبرگان	انگیزه پژوهشی
(Gholipour and Jandaghi, 2012), (Lohr, 2013), (de Goede, 2012), (Hewitt, 2009) (قلی‌پور، ۱۳۹۱)	همراهی و تعامل پویای سیاستگذاران در فضای گفتمانی

منابع	شاخص‌ها
(Gholipour and Jandaghi, 2012), (Lohr, 2013), (de Goede, 2012), (Mier and et al., 2013), (Hewitt, 2009)	همراهی و تعامل پویای سطح عمومی در فضای گفتمانی
(Rowe and et al., 2013), (Gholipour and Jandaghi, 2012), (Lohr, 2013), (de Goede, 2012), (Hewitt, 2009)	همراهی و تعامل پویای خبرگان در فضای گفتمانی
(Gholipour and Jandaghi, 2012) (قلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۱)	روش‌شناسی مناسب
نظر خبرگان	تجزیه و تحلیل مناسب
(Gholipour and Jandaghi, 2012) (قلی‌پور و همکاران، ۱۳۸۹)	سازمان‌دهی و هماهنگی مناسب محتوا
نظر خبرگان	عدم سوگیریهای غیرعلمی
(Lohr, 2013)	تحلیل مطالعات پیشین
نظر خبرگان	مبانی جامع اطلاعاتی
(Gholipour and Jandaghi, 2012) (قلی‌پور و همکاران، ۱۳۸۹)	ارائه ملاحظات اجرایی
(Thompson and et al., 2012), (Gholipour and Jandaghi, 2012), (Lohr, 2013), (de Goede, 2012), (قلی‌پور، ۱۳۹۱)	مشارکت فعال ذی‌نفعان
(de Goede, 2012) (قلی‌پور، ۱۳۹۱)	بهره‌گیری از ابزارهای بیانی انتقال
(Thompson and et al., 2012) (Rowe and et al., 2013)	وجود شفافیت در نتایج
نظر خبرگان	وجود قابلیت‌های هنری
(Thompson and et al., 2012) (قلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۳۸۹)	کاربردی بودن و اثربخشی نتایج
نظر خبرگان	قدرت توجیه‌کنندگی پژوهش
(Lohr, 2013)	مدیریت تعارض در پیاده‌سازی نتایج
نظر خبرگان	توان غلبه بر فضای سیاسی
نظر خبرگان	جریان‌سازی پژوهشی و سیاسی
(Rowe and et al., 2013)	حفظ حریم و ارزش‌های دیگران
(Thompson and et al., 2012)	مسئول بودن در برابر نتایج پژوهش
(قلی‌پور و همکاران، ۱۳۸۹)	تعیین سازوکارهای کنترلی
نظر خبرگان	تعیین نقش سیاست‌پژوهان در کل فرایند

## ۵. طراحی الگوی ارزیابی سیاست پژوهی

همان گونه که در بخش ۲ مورد تأکید قرار گرفت، طراحی الگوی ارزیابی سیاست پژوهی، قبل از هر چیز نیازمند تعیین سطوح الگو مبتنی بر یک ساختار فرایندی می باشد. بدین منظور براساس الگوهای فرایندی سیاست پژوهی، مؤلفه‌ها و حوزه‌های محوری مورد تأکید استخراج گردید و سپس با بهره‌گیری از نظر خبرگان به جمع‌بندی، سازمان‌دهی و تکمیل آنها پرداخته شد. در نهایت پس از انجام جرح و تعدیل‌های مورد نیاز، پنج مقوله زیر به‌عنوان ارکان اصلی ارزیابی سیاست پژوهی مورد نظر قرار گرفتند.

### شکل ۲. ارکان اصلی الگوی ارزیابی سیاست پژوهی



پس از تطبیق مقوله‌ها که در قالب مؤلفه‌ها بیان می‌شوند، با عوامل و شاخص‌های استخراج شده می‌توان الگوی مورد نظر جهت ارزیابی سیاست پژوهی را ارائه کرد. حال به منظور تخصیص مناسب شاخص‌های استخراج شده و تأیید اعتبار الگو از استدلال قیاسی استفاده می‌شود. در این شیوه استدلال با مرور مقالات و متون متعدد علمی و شیوه‌چیدمان و تخصیص شاخص‌های مورد نظر در تحقیق به سرفصل‌های موضوعی و مؤلفه‌ها در آن مقالات و متون و تعمیم آنها به شیوه الگوسازی در این تحقیق، به اعتبارسنجی الگو پرداخته شده است. در جداول ذیل به تفکیک ارکان

پنج گانه الگوی ارزیابی سیاست پژوهی نحوه چیدمان و دسته بندی شاخص ها براساس منابع مورد بررسی، مورد تأیید قرار گرفته است.

**جدول ۲. چیدمان شاخص های ارزیابی مربوط به برقراری ارتباط با فضای موضوع براساس استدلال قیاسی**

برقراری ارتباط با فضای موضوع	
منابع تأییدکننده	شاخص های ارزیابی
(Hanberger, 2001: 48)	شناخت ابعاد موضوع
(Hanberger, 2001: 45)	شناخت فضای ذی نفعانی
(Streatfield, 2011: 313)	شناخت سطح اثرگذاری
(N. Soroka and T. Lim, 2003: 576)	دارای اولویت بودن موضوع
(Lohr, 2013: 23)	شناخت مطالعات پیشین و بهره گیری از تجربیات
(Thompson and et al., 2012: 335)	ایجاد درک مشترک

**جدول ۳. چیدمان شاخص های ارزیابی مربوط به یکپارچگی درونی و بیرونی براساس استدلال قیاسی**

یکپارچگی درونی و بیرونی	
منابع تأییدکننده	شاخص های ارزیابی
(W. J. Jansen and et al., 2008: 305)	سازمان دهی ساختار پژوهشی
(Lohr, 2013: 23)	هدفگذاری روشن و دقیق
(W. J. Jansen and et al., 2008: 295)	پیوستگی بین پژوهش، سیاست و اجرا
(Mooney, 2013: 190)	ایجاد بستر تعامل هماهنگ و هدفمند بین رشته ای
(W. J. Jansen and et al., 2008: 305)	انگیزه پژوهشی
(W. J. Jansen and et al., 2008: 305)	همراهی و تعامل پویای سیاستگذاران در فضای گفتمانی
(W. J. Jansen and et al., 2008: 305)	همراهی و تعامل پویای سطح عمومی در فضای گفتمانی
(W. J. Jansen and et al., 2008: 305)	همراهی و تعامل پویای خبرگان در فضای گفتمانی



**جدول ۴. چیدمان شاخص‌های ارزیابی مربوط به انجام علمی و صحیح تحقیق براساس استدلال قیاسی**

انجام علمی و صحیح تحقیق	
منابع تأییدکننده	شاخص‌های ارزیابی
(Kromidha and et al., 2014: 69)	روش‌شناسی مناسب
(Bhattacharjee, 2012: 103-104)	تجزیه و تحلیل مناسب
(Kromidha and et al., 2014: 69)	سازمان‌دهی و هماهنگی مناسب محتوا
(Bhattacharjee, 2012: 103-104)	عدم سوگیری‌های غیرعلمی
(Lohr, 2013: 23)	تحلیل مطالعات پیشین
(Bhattacharjee, 2012: 103-104)	مبانی جامع اطلاعاتی
(Kromidha and et al., 2014: 78)	ارائه ملاحظات اجرایی
(Kromidha and et al., 2014: 78)	مشارکت فعال ذی‌نفعان

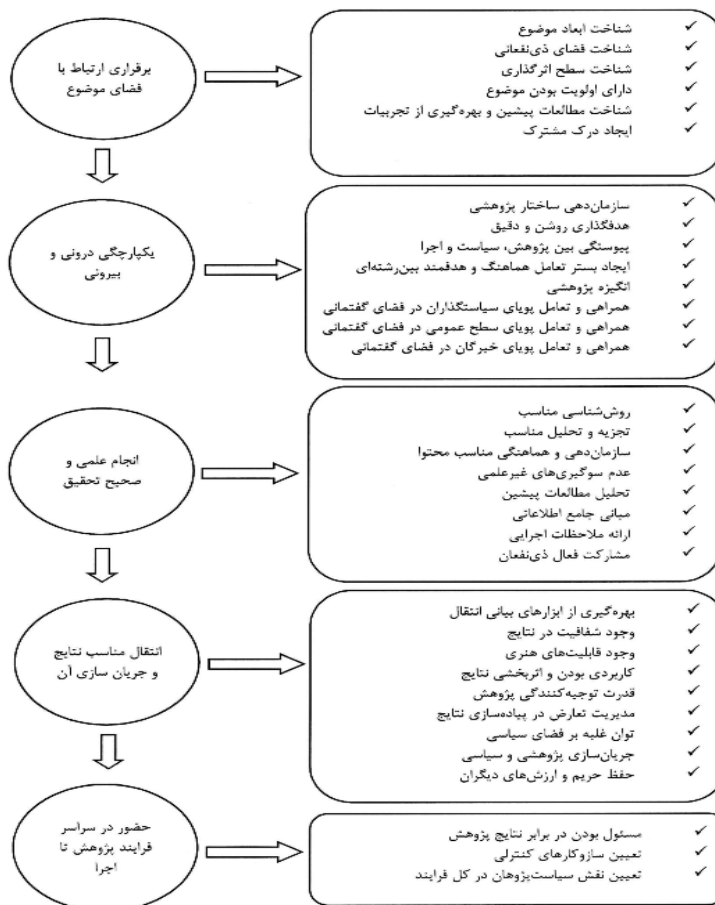
**جدول ۵. چیدمان شاخص‌های ارزیابی مربوط به انتقال مناسب نتایج و جریان‌سازی آن براساس استدلال قیاسی**

انتقال مناسب نتایج و جریان‌سازی آن	
منابع تأییدکننده	شاخص‌های ارزیابی
(Hewitt, 2009: 1-4)	بهره‌گیری از ابزارهای بیانی انتقال
(Littlejohns and et al., 2012: 411)	وجود شفافیت در نتایج
(Lohr, 2013: 19-22)	وجود قابلیت‌های هنری
(Nelda and et al., 2013: 208)	کاربردی بودن و اثربخشی نتایج
(Lohr, 2013: 19-22)	قدرت توجه‌کنندگی پژوهش
(Lohr, 2013: 19-22)	مدیریت تعارض در پیاده‌سازی نتایج
(Paudel, 2009: 37)	توان غلبه بر فضای سیاسی
(Bhattacharjee, 2012: 103-105)	جریان‌سازی پژوهشی و سیاسی
(Littlejohns and et al., 2012: 412)	حفظ حریم و ارزش‌های دیگران

جدول ۶. چیدمان شاخص‌های ارزیابی مربوط به حضور در سراسر فرایند پژوهش تا اجرا براساس استدلال قیاسی

حضور در سراسر فرایند پژوهش تا اجرا	
منابع تأییدکننده	شاخص‌های ارزیابی
(Littlejohns and et al., 2012: 413)	مسئول بودن در برابر نتایج پژوهش
(Kromidha and et al., 2014: 69)	تعیین سازوکارهای کنترلی
(Lohr, 2013: 23)	تعیین نقش سیاست‌پژوهان در کل فرایند

شکل ۳. الگوی ارزیابی سیاست پژوهی



### ۵-۱. شرحی بر الگوی ارزیابی سیاست پژوهی

همان گونه که در شکل ۳ نشان داده شده است این الگو پنج رکن یا مؤلفه اصلی دارد که برای هر یک از آنها شاخص های ارزیابی معین شده است. در این قسمت شرحی بر ابعاد الگو ارائه می شود.

#### ۵-۱-۱. برقراری ارتباط با فضای موضوع

برای انجام سیاست پژوهی موفق می باید در ابتدا موضوع مورد بررسی به دقت مورد کنکاش قرار گرفته و همه ابعاد و پیشینه و تحلیل های مرتبط با آن مورد مذاقه قرار گیرد، به گونه ای که سیاست پژوهان با موضوع ارتباط تنگاتنگی برقرار کرده و آن موضوع به دغدغه و چالش مستمر فکری آنها تبدیل شود. در این راستا سیاست پژوهان می باید با فراز و فرودهای مربوط به موضوع، متغیرها و عوامل مؤثر بر آن و اثرپذیر از آن، ذی نفعان گوناگون مرتبط با موضوع، میزان اولویت موضوع در ابعاد ملی و مواردی از این دست آشنا شوند به گونه ای که درک مشترکی بین سیاست پژوهان حاضر در موضوع سیاست پژوهی برای ورود به کار ایجاد گردد.

#### ۵-۱-۲. یکپارچگی درونی و بیرونی

پس از ایجاد وحدت نظر در مقدمات ورود به سیاست پژوهی، سیاست پژوهان برای پیشبرد اهداف خود در قالب یک تیم پژوهشی نیازمند یکپارچگی درونی و بیرونی هستند. مقصود از یکپارچگی درونی، هماهنگی و همسویی و اتفاق نظر سیاست پژوهان در قالب یک تیم ساختارمند و هدفمند است. تعیین دقیق فرایند پژوهش، سازمان دهی اجرای پژوهش، هدفگذاری دقیق و روشن و ایجاد زمینه تفکر و شفاف سازی برای فهم نحوه ارتباط بین سه جزء نتایج پژوهش، فضای سیاسی و ملاحظات مرتبط و همچنین سازوکار اجرای نتایج سیاست پژوهی، در این راستا مؤثر است. موضوعات مورد بررسی در سیاست پژوهی عموماً ماهیتی چندوجهی دارند، لذا نیازمند ایجاد فضای تعامل و تبادل بین رشته ای هستیم. موتور محرک این اقدامات انگیزه سیاست پژوهان برای کار می باشد. در فضای یکپارچگی بیرونی سیاست پژوهان نیازمند

جلب حمایت و نظر سیاستگذاران و خبرگان و همچنین عرصه عمومی هستند. این جلب حمایت و نظر نیازمند تعامل و اطلاع‌رسانی و ایجاد فضای تبادل نظر و نقد و گفتمان است.

### ۳-۱-۵. انجام علمی و صحیح تحقیق

پس از موفقیت در دو گام بسترساز، حال باید به انجام علمی و صحیح تحقیق اندیشید. سیاست‌پژوهی برای حصول نتایج مفید و راهگشا نیازمند درک و رعایت اصول و قواعد علمی است. بدون شک یک کار پژوهشی نیازمند رعایت حداقل‌های استاندارد می‌باشد که عدم توجه به آنها محتوا و خروجی سیاست‌پژوهی را زیر سؤال خواهد برد. رعایت این اصول علمی نباید صرفاً در ظاهر کار پژوهشی باشد، بلکه باید در عمق محتوا و خروجی پژوهش نمود داشته باشد.

### ۴-۱-۵. انتقال مناسب نتایج و جریان‌سازی آن

یکی از مباحث محوری در سیاست‌پژوهی انتقال مناسب نتایج حاصل از سیاست‌پژوهی به ذی‌نفعان و جامعه است که به نظر در فعالیتهای پژوهشی کشور ما مورد غفلت قرار گرفته است. می‌توان گفت که همراهی و اقدام برای انتقال نتایج سیاست‌پژوهی یکی از وظایف مهم سیاست‌پژوه است که به نظر می‌رسد شرایط آن فراهم نشده است. مرحله انتقال نتایج سیاست‌پژوهی باید آغاز یکی از مسئولیتهای مهم سیاست‌پژوه باشد. در این راستا باید بستر ساختاری و فرایندی لازم برای انتقال نتایج فراهم شود. از ابزارهای بیانی مناسب استفاده شود و نتایج پژوهش به صورت شفاف، کاربردی و اثربخش باشد و دارای توان توجیه‌کنندگی، حل تعارضات و غلبه بر فضای سیاسی را داشته باشد. انتقال مناسب نتایج نیازمند داشتن هنر انتقال، جلب نظر و توجیه‌کنندگی و هنر ارائه و پذیرش نتایج سیاست‌پژوهی است. کار سیاست‌پژوهی می‌باید قابلیت جریان‌سازی فکری و غلبه بر اثرگذاری بر فضای سیاسی را داشته باشد.

### ۵-۱-۵. حضور در سراسر فرایند پژوهش تا اجرا

از دیگر مواردی که در فرایند سیاست‌پژوهی مورد توجه قرار نگرفته است، ایجاد بستر لازم برای مشارکت و حضور سیاست‌پژوه در اجرای نتایج حاصل از سیاست‌پژوهی می‌باشد.

به کارگیری سیاست پژوهان به صورت فعال در مراحل اجرای نتایج سیاست پژوهی باعث کاهش هزینه‌های گوناگون اجرا، بالا رفتن امکان موفقیت آن، افزایش مسئولیت‌پذیری، افزایش سرعت عمل در مراحل اجرا، کاهش ابهامات اجرا و اثربخش‌تر شدن کار سیاست پژوهی می‌شود. در این راستا باید سازوکار فرایندی و ساختاری اندیشیده شود و نقش سیاست پژوه و اختیاراتش به طور دقیق معین شود.

#### ۶. بررسی و تحلیل گزارش‌های سیاست‌پژوهی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی مبتنی بر الگوی ارزیابی سیاست‌پژوهی طراحی شده

شاید بتوان گفت که فلسفه وجودی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ارائه توصیه‌ها و راهکارهای علمی به سیاستگذاران قوه مقننه است که اگر مبتنی بر روش‌ها و مطالعات علمی صورت گیرد همان سیاست‌پژوهی است. زمانی که در کشور یک دغدغه یا نگرانی خود را به صورت مسئله عمومی نشان می‌دهد و به شکل طرح یا لایحه در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار می‌گیرد، فرایند سیاست‌پژوهی در مورد آن با فعالیت سازمان‌هایی چون مرکز پژوهش‌های مجلس به عنوان کانون تریق عقلانیت در فرایند سیاست‌گذاری می‌تواند نمود پیدا کند (قلی‌پور و غلام‌پور آهنگر، ۱۳۸۹).

در این قسمت مبتنی بر الگوی طراحی شده در بالا، به بررسی و ارزیابی گزارش‌های سیاست‌پژوهی در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی پرداخته می‌شود. بدین منظور پس از بررسی گزارش‌های موجود در این مرکز، تعداد ۱۰ گزارش منتخب مورد نظر قرار گرفت. مبنای انتخاب گزارش‌ها، حوزه خاصی نبوده است. بلکه آنهایی که از حیث موضوع، محتوا، ساختار، نتایج و سطح اثرگذاری و به طور کلی در یک برداشت کلی بر مبنای الگوی ارزیابی طراحی شده، کیفیت مناسب‌تری داشته‌اند از بین گزارش‌های متعدد انتخاب شده‌اند. معیارهای مورد نظر برای انتخاب گزارش‌های دهگانه را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

- مسئله‌شناسی مناسب و تبیین مناسب مسئله،

- رعایت ساختار و فرایند پژوهشی و اصول تقدم و تأخر در کار پژوهشی،  
 - کیفیت محتوایی گزارش‌ها و نتایج آن و شیوه ارائه آنها،  
 - جایگاه راهبردی گزارش و اثرگذاری آن در عرصه خط‌مشی‌گذاری عمومی،  
 - میزان توجه به عوامل تعیین شده در الگوی ارزیابی سیاست‌پژوهی طراحی شده (در یک ارزیابی کلان)، شامل:

- توجه به عوامل مربوط به برقراری ارتباط با فضای موضوع،
- توجه به عوامل مربوط به یکپارچگی درونی و بیرونی،
- توجه به عوامل مربوط به انجام علمی و صحیح تحقیق،
- توجه به عوامل مربوط به انتقال مناسب نتایج و جریان‌سازی آن،
- توجه به عوامل مربوط به حضور در سراسر فرایند پژوهش تا اجرا.

به‌منظور ارزیابی سطح کیفی این گزارش براساس الگوی ارائه شده، برای هر یک از شاخص‌ها سه وضعیت احراز تعریف شده است: دارا می‌باشد (گزارش مورد نظر شاخص مورد بررسی را احراز کرده است)، ناقص است (گزارش مورد نظر شاخص مورد بررسی را به‌صورت ناقص و ناکامل احراز کرده است) و دارا نمی‌باشد (گزارش مورد نظر شاخص مورد بررسی را احراز نکرده است). به‌منظور تعیین هر یک از وضعیت‌های سه‌گانه فوق برای گزارش‌های سیاست‌پژوهی از روش استدلال استقرایی استفاده شده است. بدین‌صورت که هر یک از شاخص‌های مورد بررسی متشکل از ویژگی‌های مفهومی مصطلح و مرسوم می‌باشند که اگر گزارش‌های مورد بررسی اکثریت غالب آن ویژگی‌های مفهومی را احراز کرده باشند به آن وضعیت «دارا می‌باشد» تخصیص داده می‌شود. اگر اکثریت غالب ویژگی‌های مفهومی شاخص را احراز نمایند به آن وضعیت «دارا نمی‌باشد» تخصیص داده می‌شود و اگر ویژگی‌ها را به‌صورت ناقص احراز کنند به گونه‌ای که نتوان به آن وجه غالب «دارا می‌باشد» یا «دارا نمی‌باشد» را تخصیص داد، به آن وضعیت «ناقص» تخصیص داده می‌شود. منظور از ویژگی‌های مصطلح و مرسوم، تعاریف معمول و مورد استفاده برای شاخص‌ها در محیط‌های علمی است. به‌عبارت‌دیگر از این واژگان برداشت عمومی مشابهی



۲-۶. ارزیابی گزارش‌های منتخب مرکز پژوهش‌های مجلس براساس شاخص‌های ارزیابی مرحله یکپارچگی درونی و بیرونی در اینجا به ارزیابی گزارش‌های دهگانه مبتنی بر وجود قابلیت یکپارچگی درونی و بیرونی پرداخته می‌شود.

جدول ۸. ارزیابی گزارش‌های منتخب براساس شاخص‌های مرحله یکپارچگی درونی و بیرونی

شاخص‌ها	پژوهش‌های مورد بررسی
حل مسائل اساسی کشور - بوداد ۱۳۹۲	۱. اصلاح مدیریت بخش عمومی: اولویت راهبردی اطلاعات و ارتباطات - ۱۳۹۱/۱۲/۳۶ - بوداد ۱۳۹۲
آذرمه ۱۳۹۲	۲. اظهارنظر کارشناسی درباره طرح جامع فناوری
۳. اظهارنظر کارشناسی درباره طرح اصلاح مواد ۱ از قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی درباره مشکلات سازمان‌های توسعه ای - آذرمه ۱۳۹۲	۳. اظهارنظر کارشناسی درباره طرح اصلاح مواد ۱ از قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی درباره مشکلات سازمان‌های توسعه ای - آذرمه ۱۳۹۲
۴. کارآمدی نظام سیاسی - بوداد ۱۳۹۲	۴. کارآمدی نظام سیاسی - بوداد ۱۳۹۲
۵. بررسی راهبردی پیرامون توسعه صنعت چای کشور (از پهران تا توسعه) - آبان ۱۳۸۴	۵. بررسی راهبردی پیرامون توسعه صنعت چای کشور (از پهران تا توسعه) - آبان ۱۳۸۴
۶. پایش محیط کسب و کار ایران در زمستان ۱۳۹۱ - بوداد ۱۳۹۲	۶. پایش محیط کسب و کار ایران در زمستان ۱۳۹۱ - بوداد ۱۳۹۲
۷. تحلیل وضعیت اقتصادی کشور - چالش‌های بخش بازرگانی در اقتصاد ایران - بوداد ۱۳۹۲	۷. تحلیل وضعیت اقتصادی کشور - چالش‌های بخش بازرگانی در اقتصاد ایران - بوداد ۱۳۹۲
۸. اقتصاد دانایی و الزامات تجاری‌سازی در تحقیقات و فناوری در کشور - مهرماه ۱۳۹۲	۸. اقتصاد دانایی و الزامات تجاری‌سازی در تحقیقات و فناوری در کشور - مهرماه ۱۳۹۲
۹. سازمان‌های مردم‌نهاد، رکن سوم توسعه پایدار - مهرماه ۱۳۹۲	۹. سازمان‌های مردم‌نهاد، رکن سوم توسعه پایدار - مهرماه ۱۳۹۲
۱۰. کتکاشی درباره جایگاه آمارها و معیارها در اقتصاد ایران - مهرماه ۱۳۹۲	۱۰. کتکاشی درباره جایگاه آمارها و معیارها در اقتصاد ایران - مهرماه ۱۳۹۲
سازمان دهی ساختار پژوهشی	ناقص
هدف‌گذاری روشن و دقیق	ناقص
پیوستگی بین پژوهش، سیاست و اجرا	دارا می‌باشد
ایجاد بستر تعامل هماهنگ و هدفمند بین‌رشته‌ای	دارا نمی‌باشد
انگیزه پژوهشی	ناقص
همراهی و تعامل پویای سیاست‌گذاران در فضای گفتگویی	دارا می‌باشد
همراهی و تعامل پویای سطح عمومی در فضای گفتگویی	دارا نمی‌باشد
همراهی و تعامل پویای خبرگان در فضای گفتگویی	ناقص







۵-۶. ارزیابی گزارش‌های منتخب مرکز پژوهش‌های مجلس براساس شاخص‌های ارزیابی مرحله حضور در سراسر فرایند پژوهش تا اجرا در اینجا به ارزیابی گزارش‌های دهگانه مبتنی بر حضور در سراسر فرایند پژوهش تا اجرای آن پرداخته می‌شود.

**جدول ۱۱. ارزیابی گزارش‌های منتخب براساس شاخص‌های مرحله حضور در سراسر فرایند پژوهش تا اجرا**

شاخص‌ها	پژوهش‌های مورد بررسی
مسئول بودن در برابر نتایج پژوهش	۱. تکمیلی درباره جایگاه آثارها و معیارها در اقتصاد ایران - مهرماه ۱۳۹۲ ۲. سازمان‌های مردم‌نهاد، رکن سوم توسعه پایدار - مهرماه ۱۳۹۲ ۳. اقتصاد دانایی و الزامات تجاری‌سازی در تحقیقات و فناوری در کشور - مهرماه ۱۳۹۲ ۴. تحلیل وضعیت اقتصادی کشور - چالش‌های بخش بازرگانی در اقتصاد ایران - مرداد ۱۳۹۲ ۵. پایش محیط کسب‌وکار ایران در زمستان ۱۳۹۱ - مرداد ۱۳۹۲ ۶. بررسی راهبردی پیمان توسعه صنعت جای کشور از تهران تا توسعه - آبان ۱۳۸۴ ۷. کارآمدی نظام سیاسی - مرداد ۱۳۹۲ ۸. اظهارنظر کارشناسی درباره طرح اصلاح مواد ۴ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴) قانون اساسی درباره مشکلات سازمان‌های توسعه ای - آذرماه ۱۳۹۲ ۹. اظهارنظر کارشناسی درباره طرح جامع فناوری اطلاعات و ارتباطات - ۱۳۹۱/۱۲/۳۱ ۱۰. اصلاح مدیریت بخش عمومی: اولویت راهبردی حل مسائل اساسی کشور - مرداد ۱۳۹۲
تعیین سازوکارهای کنترلی	دارا نمی‌باشد
تعیین نقش سیاست‌پژوهان در کل فرایند	دارا نمی‌باشد

براساس بررسی و تحلیل نتایج حاصل از به‌کارگیری الگوی ارزیابی برای گزارش‌های سیاست پژوهی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ضعیف‌ترین شاخص‌ها، عبارت از ۱۰ شاخص زیر است:

۱. تعیین نقش سیاست‌پژوهان در کل فرایند،
۲. تعیین سازوکارهای کنترلی،
۳. مسئول بودن در برابر نتایج پژوهش،
۴. جریان‌سازی پژوهشی و سیاسی،
۵. توان غلبه بر فضای سیاسی،

۶. مشارکت فعال ذی‌نفعان.

۷. همراهی و تعامل پویای سطح عمومی در فضای گفتمانی،

۸. ایجاد بستر تعامل هماهنگ و هدفمند بین رشته‌ای،

۹. وجود شفافیت در نتایج،

۱۰. مدیریت تعارض در پیاده‌سازی نتایج.

همچنین پنج شاخص همراهی و تعامل پویای سیاستگذاران در فضای گفتمانی، شناخت سطح اثرگذاری، هدفگذاری روشن و دقیق، شناخت ابعاد موضوع و شناخت فضای ذی‌نفعانی نسبت به سایر شاخص‌ها از وضعیت مناسب‌تری برخوردار می‌باشد که البته شاخص اول (همراهی و تعامل پویای سیاستگذاران در فضای گفتمانی) به دلیل ماهیت وجودی مرکز پژوهش‌های مجلس و ارتباط تنگاتنگ آن با نهاد مجلس می‌باشد. در چهار شاخص دیگر نیز وضعیت از وضعیت مطلوبی برخوردار نمی‌باشد ولیکن در گزارش‌ها، کم و بیش به آنها پرداخته شده است. همچنین ارزیابی نتایج شاخص‌ها نشان می‌دهد که در مراحل پنج‌گانه الگوی ارزیابی سیاست‌پژوهی، هرچه قدر به طرف مرحله پنج حرکت می‌کنیم، کیفیت شاخص‌های سیاست‌پژوهی کاهش می‌یابد، به عبارت دیگر کیفیت گزارش‌های سیاست‌پژوهی در مرکز به ترتیب اولویت کیفیت در مراحل (مؤلفه‌های اصلی) عبارت‌اند از: ۱. برقراری ارتباط با فضای موضوع، ۲. یکپارچگی درونی و بیرونی، ۳. انجام علمی و صحیح تحقیق، ۴. انتقال مناسب نتایج و جریان‌سازی آن، ۵. حضور در سراسر فرایند پژوهش تا اجرا.

## ۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد تا الگویی جهت ارزیابی سیاست‌پژوهی طراحی شود، به گونه‌ای که براساس آن و با احراز شاخص‌های آن به کیفیت مطلوب در نتایج سیاست‌پژوهی دست یابیم. بدین منظور از منابع و مراجع موجود استفاده شد و مبتنی بر یافته‌های تحقیق الگوی ارزیابی طراحی گردید. در طراحی این الگو تلاش شد تا جامعیت نظر رعایت شود. در ادامه براساس الگوی طراحی شده تعداد ۱۰ گزارش حوزه سیاست‌پژوهی در مرکز پژوهش‌های مجلس

شورای اسلامی مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفت. بررسی نتایج حاکی از آن است که گزارش‌های سیاست پژوهی در مرکز پژوهش‌های مجلس از کیفیت مطلوب از منظر ابعاد سیاست پژوهی برخوردار نیست. به نظر می‌رسد پرداختن به این گزارش‌ها و نحوه تهیه و تدوین آنها نیازمند بررسی‌های بیشتری است. نتایج حاصل از تحلیل ضعیف‌ترین شاخص‌های حوزه سیاست پژوهی (۱۰ شاخص) و همچنین مناسب‌ترین‌های آنها (۵ شاخص) ارائه شده است که پرداختن بیشتر به این عوامل می‌تواند در بهبود روند سیاست پژوهی در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی مؤثر باشد.

کلام پایانی اینکه می‌توان مبتنی بر یک نگاه آسیب شناسانه بر دو نیازمندی جهت موفقیت سیاست پژوهی در مرکز تأکید بیشتری کرد؛ سیاست پژوه جریان ساز و سیاست پژوه دارای مسئولیت. منظور از سیاست پژوه جریان ساز پژوهشگری است که فضا و بستر لازم برای جریان سازی سیاسی و اجتماعی و دانشی برای او فراهم شده باشد. یعنی امکان رشد و توسعه ایده و بینش او در تحقیقات و پژوهش ارائه شده فراهم باشد و پژوهشگر بتواند نتایج پژوهش خود را به جامعه ارائه داده و از آن دفاع کند و از این طریق زمینه ساز رشد فضای سیاست پژوهی شود.

منظور از سیاست پژوه کسی که دارای مسئولیت پژوهشگری است و فضا و بستر به گونه‌ای برای او فراهم شده است تا در سراسر فرایند پژوهش تا اجرا، کنترل و ارزیابی حضور پررنگ و اثرگذار داشته باشد و در برابر تحقیقی که انجام داده است و نتایج آن مسئول باشد و به همان صورت که در فرایند سیاست پژوهی تا اجرا مشارکت فعال دارد، در برابر نتایج پژوهشی کار خود نیز پاسخگو باشد و بر این اساس سیاست پژوهانی مسئول خواهیم داشت.

نتایج حاصل از ارزیابی‌های انجام شده بر اساس الگوی طراحی شده نشان می‌دهد که مرکز پژوهش‌های مجلس می‌باید با نگاهی فرایندی، هماهنگ و ساختارمند به فعالیت‌های سیاست پژوهی در مرکز، ضمن موضوع شناسی مناسب و برقراری ارتباط با فضای موضوعات مورد نظر جهت سیاست پژوهی، به یکپارچگی درونی و بیرونی در فرایند انجام کار و انجام علمی و صحیح تحقیق و همچنین سازوکارهای مؤثر در انتقال نتایج تحقیق توجه خاص مبذول دارد و سیاست پژوهان امکان حضور و مشارکت در مراحل اجرایی شدن نتایج سیاست پژوهی را دارا باشند.

## منابع و مآخذ

۱. احمدیان، مریم و همکاران (۱۳۹۲). «پایش محیط کسب و کار ایران در زمستان ۱۳۹۱»، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گروه مطالعات محیط کسب و کار.
۲. آقاجانی معمار، احسان (۱۳۹۲). اظهار نظر کارشناسی درباره: «طرح اصلاح موادی از قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی درباره مشکلات سازمان‌های توسعه‌ای»، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مطالعات برنامه و بودجه، دوره نهم، سال دوم.
۳. بدیعی، نعیم (۱۳۷۶). «روش تحلیل محتوا»، نمایه پژوهش، ش ۳ و ۴.
۴. تار، فتح‌ا... و همکاران (۱۳۹۲). «تحلیل وضعیت اقتصادی کشور - چالش‌های بخش بازرگانی در اقتصاد ایران»، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات اقتصادی (گروه بازرگانی).
۵. حیدرپور، افشین (۱۳۹۲). «اقتصاد دانایی و الزامات تجاری‌سازی تحقیقات و فناوری در کشور»، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات اقتصادی (گروه اقتصاد کلان).
۶. خلعتبری، فیروزه (۱۳۹۲). «کنکاشی درباره جایگاه آمارها و معیارها در اقتصاد ایران»، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات اقتصادی (گروه اقتصاد کلان).
۷. رحیم سلمانی، آرزو (۱۳۹۱). «مروری بر روش تحلیل محتوا»، نشریه آینه پژوهش، ش ۱۳۷ و ۱۳۸.
۸. زمانی، رضا و همکاران (۱۳۹۲). «اصلاح مدیریت بخش عمومی: اولویت راهبردی حل مسائل اساسی کشور (ویرایش اول)»، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر برنامه و بودجه.
۹. عابدینی، آرش (۱۳۹۲). «کارآمدی نظام سیاسی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی»، دفتر مطالعات بنیادین حکومتی.
۱۰. فقیهی، مهدی و همکاران (۱۳۹۱). اظهار نظر کارشناسی درباره «طرح جامع ارتباطات و فناوری اطلاعات»، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات ارتباطات و فناوری‌های نوین، مطالعات حقوقی، دوره نهم، سال اول.
۱۱. قلی‌پور، رحمت‌ا... (۱۳۹۱). «تصمیم‌گیری سازمانی و خط‌مشی‌گذاری عمومی»، تهران، انتشارات سمت.
۱۲. قلی‌پور، رحمت‌ا... و ابراهیم غلام‌پور آهنگر (۱۳۸۹). «فرایند سیاست‌گذاری عمومی در ایران»، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۳. قلی‌پور، رحمت‌ا... و همکاران (۱۳۸۹). «بررسی تأثیر سیاست‌پژوهی در فضای سیاست‌گذاری (مطالعه موردی در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)»، نشریه مدیریت دولتی، دوره ۲، ش ۴.

۱۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱). «طراحی مدل عوامل مؤثر بر استفاده از سیاست پژوهی در سیاستگذاری؛ با استفاده از نگاهت مفهومی»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال نوزدهم، ش ۷۰.
۱۵. ماژرزاک، آن (۱۳۷۹). *روش های سیاست پژوهی (پژوهش برای سیاستگذاری)*، تهران، انتشارات تبیان.
۱۶. نسیمی، علی (۱۳۸۴). «بررسی راهبردی پیرامون توسعه صنعت چای کشور (از بحران تا توسعه)»، تهران، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات زیربنایی.
۱۷. وحیدیان، امیر (۱۳۹۲). «سازمان های مردم نهاد، رکن سوم توسعه پایدار»، تهران، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات سیاسی (گروه سیاست داخلی).
18. Bhattacharjee, A. (2012). *Social Science Research: Principle, Methods and Practices*, Tampa, Florida: University of South Florida.
19. Court, J. and J. Young (2003). *Bridging Research and Policy: Insights from 50 Case Studies*, Overseas Development Institute.
20. Davies, P. P. (2008). "Using Monitoring and Evaluation to Improve Public Policy", *SRA Workshop, British Library Conference Centre*, London, American Institutes for Research.
21. de Goede, J. (2012). "Utilization of Epidemiological Research for the Development of Local Public Health Policy in the Netherlands: A Case Study Approach", *Social Science and Medicine*, 74.
22. Gholipour, R. and G. Jandaghi (2012). "Studying the Trends of Policy Research in Policymaking Environment", *American Journal of Economics, Special Issue*.
23. Hanberger, A. (2001). *What is the Policy Problem? Methodological Challenges in Policy Evaluation*, Evaluation- SAGE Publications.
24. Hewitt, S. (2009). "Discourse Analysis and Public Policy Research", *Centre for Rural Economy Discussion Paper Series*, No. 24.
25. Hoeijmakers, M. and et al. (2013). "Academic Collaborative Centre Limburg: A Platform for Knowledge Transfer and Exchange in Public Health Policy, Research and Practice?", *Health Policy* 111.
26. Kromidha, E. and et al. (2014). "Bridging the Gaps Between E-government Practice and Research", *International Journal of Public Sector Management*, Vol. 27, No. 1.
27. Little, Johns P. (2012). "Social Values and Health policy: a New International Research Programme", *Journal of Health Organization and Management*, Vol. 26, No. 3.
28. Littlejohns, P. and et al. (2012). "A Proposal for a New social Values Research Program and Policy Network", *Journal of Health Organization and Management*, Vol. 26, No. 3.
29. Lohr, F. (2013). "Strategic Dialogues for Research Policy Making in Germany", *Journal of Foresight*, Vol. 15, No. 1.
30. M. K. Trochim, W. (2009). "Evaluation Policy and Evaluation Practice", *New Direction for Evaluation*.

31. Mier, N. and et.al. (2013). "Bridging Research and Policy to Address Childhood Obesity Among Border Hispanics-A Pilot Study", *American Journal of Preventive Medicine*.
32. Mooney, S. (2013). "Multidisciplinary Research: Implications for Agricultural and Applied Economists", *Journal of Agricultural and Applied Economics*.
33. N.Soroka, S. and T. E. Lim (2003). "Issue Definition and the Opinion-policy Link", *British Journal of Politics and International Relations*, Vol. 5, No. 4.
34. Nelda, M. and et al. (2013). "Bridging Research and Policy to Address Childhood Obesity Among Border Hispanics", *American Journal of Preventive Medicine*.
35. Paudel, N. R. (2009). "A Critical Account of Policy Implementation Theories: Status and Reconsideration", *Nepalese Journal of Public Policy and Governance*, Vol. xxv, No.2.
36. Rowe, S. and et al. (2013). "How Experts are Chosen to Inform Public Policy: Can the Process be Improved?", *Journal of Health Policy*, 112.
37. Scholten, P. (2011). "Constructing Dutch Immigrant Policy: Research-Policy Relations and Immigrant Integration Policy-Making in the Netherlands", *The British Journal of Politics and International Relations*, Vol. 13.
38. Streatfield, D. (2011). "Impact Evaluation, Advocacy and Ethical Research: Some Issues for National Strategy Development?", *Library Review*, Vol. 60, No. 4.
39. Thompson, J. and et al. (2012). "Enterprise Policy, Delivery, Practice and Research", *International Journal of Public Sector Management*, Vol. 25, No. 5.
40. W.J. Jansen, M. and et al. (2008). "Collaboration Between Practice, Policy and Research in local Public Health in the Netherlands", *Health Policy*, 89.
41. W.Rains, J. and E. J. Hahn (1995). "Policy Research: Lessons from the Field", *Public Health Nursing*, Vol. 12, No.2.



# جایگاه محیط زیست در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، از منظر هفت عنوان منتخب مهدی گلدانی، \* علی امامی میبدی \*\*

تاریخ دریافت ۱۳۹۲/۱۱/۲۸ | تاریخ پذیرش ۱۳۹۴/۱/۱۸

پس از تصویب اصل (۵۰) قانون اساسی، قوانین و مقررات زیست محیطی همچون سایر قوانین و موضوعات مهم به تبصره‌ها و مواد قانونی برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور، اضافه شد. رسمیت یافتن این موضوع در قانون اساسی کشور اگرچه نقطه عطفی در تاریخ محیط زیست کشورمان به‌شمار می‌آید، ولی عملکرد مطلوبی را در عرصه اجرا و پیامدهای زیست محیطی به دنبال نداشت. لذا در این مقاله برآن شدیم تا با مروری بر برنامه‌های توسعه کشور، ارزیابی از روند شکل‌گیری و تکامل این قوانین، به‌عنوان اصلی‌ترین سند بالادستی در تدوین راهبردهای پنج‌ساله توسعه کشور داشته باشیم. در این مقاله پس از ذکر مقدمه‌ای کوتاه درخصوص محیط زیست، ابتدا به جایگاه کشورمان از منظر چند شاخص منتخب اشاره می‌کنیم. سپس با استفاده از روش دلفی به انتخاب و معرفی هفت موضوع اصلی که عموماً از چالش‌های هر نظام برنامه‌ریزی درخصوص مسائل زیست محیطی محسوب می‌شود اشاره کرده و سپس با کندوکاو در برنامه‌های توسعه پنج‌ساله، جایگاه این موضوعات را در چهار برنامه اول توسعه، از نظر چگونگی توجه و اعمال در برنامه، دنبال خواهیم کرد. سپس به شکل جداگانه چگونگی پرداخت این عناوین را در برنامه پنجم مورد ارزیابی قرار خواهیم داد. در انتها نیز، ضمن بیان نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای برنامه پنجم، به ارائه راهکارهایی جهت بهبود ضعف‌های موجود، بقای نقاط قوت، استفاده از فرصت‌ها و گریز از تهدیدها خواهیم پرداخت.

**کلیدواژه‌ها:** برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور؛ توسعه پایدار؛ محیط زیست؛ شاخص‌های جهانی عملکرد زیست محیطی؛ چالش‌های زیست محیطی

\* دانشجوی دکتری رشته اقتصاد، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)؛

E-mail: mahdi\_goldani@yahoo.com

E-mail: emami@atu.ac.ir

\*\* دانشیار دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی؛

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و دوم، شماره هشتاد و دو، تابستان ۱۳۹۴

## مقدمه

اصل (۵۰) قانون اساسی به عنوان یکی از اساسی ترین الزامات حقوقی، در امر حفاظت از محیط زیست کشور محسوب می شود که در آن حفاظت محیط زیست، که نسل امروز و نسل های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می شود. از این رو فعالیت های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است. همچنین از مهم ترین موارد مطرح شده در سند چشم انداز کشور در افق ۱۴۰۴ در خصوص حفاظت از محیط زیست، می توان به بند چهارم آن، که به برخورداری آحاد مختلف جامعه از محیط زیست مطلوب تأکید شده اشاره کرد.

در خصوص توجه جدی جهانیان به مسائل بین المللی زیست محیطی نیز می توان به برگزاری بزرگترین کنفرانس بین المللی محیط زیست و توسعه در سال ۱۹۹۲ با عنوان «سران زمین» در برزیل اشاره کرد. یکی از نتایج این کنفرانس، تصویب دو معاهده مهم بین المللی به نام های تغییرات آب و هوا و کنوانسیون تنوع زیستی بود که ایران در سال ۱۹۹۶ (برابر ۱۳۷۵ هجری شمسی) به این دو معاهده ملحق شد (امامی میدی، ۱۳۸۸).

در این کنفرانس بیانیه ای تحت عنوان منشور زمین یا دستور کار ۲۱ انتشار یافت که در واقع استراتژی های آینده بشر در قرن ۲۱ را برای توسعه و محیط زیست (توسعه پایدار) تبیین کرده است. بنابر تعریف، توسعه پایدار توسعه ای است که نیازهای فعلی را بدون به خطر انداختن توانایی نسل آینده در جهت تأمین نیازهای خود، تأمین کند. از مهم ترین موضوعات مطروحه در بحث توسعه پایدار، بحث محیط زیست و منابع طبیعی ملت ها است که حفظ و نگهداری آن، به نوعی دادن اجازه به نسل های بعد و آیندگان، برای استفاده از این منابع خدادادی است (Munasinghe, 1993).

توسعه پایدار متضمن اصلاح الگوی مصرف و الگوی پایدار تولید نیز می باشد. همچنین الگوی توسعه پایدار را می توان در راستای تحقق الگوی توسعه اسلامی - ایرانی در نظر گرفت که در برنامه توسعه پنجم مورد توجه خاص قرار گرفته و دولت را به تدوین «الگوهای توسعه اسلامی - ایرانی» مکلف کرده است. در این الگو ضمن آنکه به پیشرفت

اقتصادی و رفاه اجتماعی توجه شده، به زمینه و بستر ایجاد عدالت در جامعه نیز تأکید شده است. در کشور ما از شهریور ۱۳۷۲، با تصویب شورای عالی محیط زیست، کمیسیون توسعه پایدار با حضور نمایندگان سازمان‌های دولتی و غیردولتی تشکیل شد که یکی از وظایف مهم آن برنامه‌ریزی و تعیین سیاست‌ها و ارائه پیشنهادهای لازم در خصوص اجرای دستور کار ۲۱ است. در برنامه اول توسعه، بخش محیط زیست در قالب اهداف کیفی و یک تبصره مطرح بود. برنامه دوم توسعه با شرایطی متفاوت از برنامه اول توسعه تدوین شد، زیرا مقارن با برگزاری کنفرانس سران زمین در سال ۱۹۹۲ در برزیل بود. برای اولین بار در کشور، در هدف‌های کلان برنامه توسعه کشور موضوع محیط زیست گنجانیده و برای نخستین بار مفهوم توسعه پایدار وارد برنامه توسعه کشور شد.

پس از تصویب اصل (۵۰) قانون اساسی، قوانین زیست‌محیطی همچون سایر قوانین و موضوعات مهم به تبصره‌ها و مواد قانونی برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور، اضافه شد. رسمیت یافتن این موضوع اگرچه نقطه عطفی در تاریخ محیط زیست کشورمان به‌شمار می‌رود، ولی عملکرد مطلوبی را در عرصه اجرا و پیامدهای زیست‌محیطی به دنبال نداشته است؛ در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، قوانین نسبتاً مشابهی به تصویب می‌رسیدند که به علت داشتن ابهام و عدم بیان دقیق، نتایج قابل قبولی را ارائه ندادند.

نهاد متولی محیط زیست در کشور، سازمان حفاظت محیط زیست است که اهداف کلی آن عبارت‌اند از (محرّم‌نژاد، ۱۳۸۵):

- تحقق اصل (۵۰) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌منظور حفاظت از محیط زیست و تضمین بهره‌مندی درست و مستمر از محیط زیست و همسو با توسعه پایدار؛
  - پیشگیری و ممانعت از تخریب و آلودگی محیط زیست؛
  - حفاظت از تنوع زیستی کشور.
- اهداف کلی حفاظت از محیط زیست نیز مشتمل بر موارد زیر است:
- ترمیم اثرات سوء گذشته در محیط زیست؛
  - پیشگیری از آلودگی و تخریب محیط زیست؛

- ممانعت از آلودگی و تخریب محیط زیست؛

- آموزش محیط زیست؛

- بهره‌مندی نسل آینده از منابع محیط زیست؛

- توسعه پایدار (توسعه اقتصادی و اجتماعی موزون با حفظ محیط زیست).

بنابر تکلیفی که قانون اساسی و سند چشم‌انداز کشور ایجاد می‌کند، داشتن یک توسعه پایدار، منوط به پیاده‌سازی کامل اهداف کلی حفاظت از محیط زیست است و چنین پیاده‌سازی، تصویب و اجرای درست قوانین را می‌طلبد که این خود نیازمند یک سیر منطقی و هدفمند در برنامه‌های توسعه کشورمان است. در چنین شرایطی بررسی نواقص و مشکلات برنامه‌های گذشته و اصلاح آنها در هنگام تدوین برنامه جدید توسعه، یک اصل انکارناپذیر است. لذا در این مقاله برآنیم تا با بررسی برنامه‌های قبلی و با تأکید بر برنامه پنجم، راهکارهای لازم در پیاده‌سازی هر چه بهتر برنامه پنجم توسعه برای نیل به اهداف توسعه پایدار را بیان کنیم. در این مقاله، پس از این مقدمه، به سیر تاریخی شاخص‌های اندازه‌گیری توسعه و پیشرفت جوامع اشاره می‌کنیم، آنگاه به معرفی شاخص‌های منتخب در آنالیز وضع موجود و عملکرد محیط زیست کشور در مقایسه با سایر کشورها می‌پردازیم و سپس جایگاه محیط زیست و سیاست‌های مرتبط با آن را در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور مورد ارزیابی قرار می‌دهیم. از این رو با بیان انواع ارزیابی منابع زیست‌محیطی به تبیین متدولوژی ارزیابی پروژه‌های توسعه پایدار خواهیم پرداخت، آنگاه ضمن بیان ضرورت استفاده از ابزارهای اقتصادی، تجارب چند کشور منتخب را مورد بررسی قرار می‌دهیم و در نهایت، با توجه به ارزیابی چالش‌ها و امکانات زیست‌محیطی کشورمان، راهکارها و پیشنهادهای در زمینه محیط زیست و کاهش تصدی دولت ارائه خواهیم داد.

## ۱. وضعیت ایران در زمینه محیط زیست

### ۱-۱. شاخص‌های زیست‌محیطی و سیر تحول آنها

یک کشور می‌تواند جنگل‌های خود را تخریب، خاک خود را فرسوده، منابع آب‌خیز را

جایگاه محیط زیست در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، از منظر هفت عنوان منتخب \_\_\_\_\_ ۳۰۱

آلوده و حیات وحش خود را شکار کند، اما با ناپدید شدن این دارایی‌ها درآمد اندازه‌گیری شده (GNP/GDP) متأثر نخواهد شد (دهقانیان و فرج‌زاده، ۱۳۸۱).

با گذشت زمان و درک نواقص شاخص‌های اندازه‌گیری توسعه و پیشرفت جوامع، شاخص‌های جدیدی معرفی شد. جدول زیر، سیر تاریخی این شاخص‌ها را از سال ۱۹۲۰ به بعد نشان می‌دهد. لازم به ذکر است که شاخص‌های زیست‌محیطی، از سال ۱۹۹۲ و پس از برگزاری کنفرانس سران زمین در برزیل به مجموعه شاخص‌ها و ملاک‌های اندازه‌گیری پیشرفت و توسعه جوامع افزوده شد (www.globescan.com).

جدول ۱. سیر تاریخی شاخص‌های منتخب اندازه‌گیری پیشرفت جوامع

<ul style="list-style-type: none"> <li>• GNP/GDP= Gross National Products / Gross Domestic Products</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• GNH= Gross National Happiness</li> <li>• MEW=Measure of Economic Welfare</li> <li>• PQOL=Physical Quality of Life</li> <li>• ISH=Index of Social Health</li> <li>• HDI=Human Development Index</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• HPI=Human Poverty Index</li> <li>• ILS=Index Of Living Standard</li> <li>• MDG=Millennium Development Goals</li> <li>• ESI=Environmental Sustainability Index</li> <li>• EPI=Environmental Performance Index</li> <li>• EVI=Environmental Vulnerability Index</li> </ul>
شاخص‌های اقتصادی	شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی	شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی

۱۹۲۰

۱۹۶۰

۱۹۹۲

۲۰۱۳

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

## ۲-۱. شاخص‌های برگزیده برای مقایسه وضعیت عملکرد

شاخص‌های زیست‌محیطی متعددی برای ارزیابی و نظارت بر فرایند تخریب محیط زیست از سوی سازمان‌های بین‌المللی و مراکز تحقیقاتی مطرح شده است که در حال حاضر به صورت گسترده ملاک مقایسه عملکرد زیست‌محیطی کشورها بوده و به صورت سالانه

منتشر می‌شود. شاخص‌های منتخب حاکی از آن است که عملکرد زیست‌محیطی کشورمان در مقایسه با سایر کشورها، متأسفانه تاکنون رضایت‌بخش نبوده است.

### ۱-۲-۱. شاخص عملکرد محیط زیست<sup>۱</sup>

تفاوت این شاخص با شاخص پایداری محیط زیست در محدودتر بودن متغیرها و تأکید بیشتر بر عملکرد در زمینه‌های محیط زیست است. این شاخص بر دو هدف اصلی حفاظت از محیط زیست (یعنی کاهش فشارهای زیست‌محیطی بر سلامت انسان و پایداری زیست بوم‌ها) و مدیریت صحیح منابع طبیعی تأکید دارد. با ایرادهایی که به گزارش پایداری محیط زیست از سوی کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه در سال ۲۰۰۵ مطرح شد (این ایرادات به مسائل فناوری و سیاسی مربوط می‌شود که در مورد کشورهای در حال توسعه اعمال شده است)، شاخص‌ها و متغیرها مورد بازنگری قرار گرفت و گزارش مزبور در سال ۲۰۰۶ با عنوان گزارش شاخص عملکرد محیط زیست براساس متغیرها و شاخص‌های جدید منتشر شد.

شاخص عملکرد محیط زیست مشتمل بر شش گروه مؤلفه‌های سیاستگذاری و در چارچوب ۱۶ شاخص عملکرد زیست‌محیطی، براساس گزارش کشورها درخصوص عملکرد زیست‌محیطی و بررسی‌های کارشناسی، ارزیابی و امتیازبندی می‌شود. از مشخصه‌های اصلی برای محاسبه امتیاز و رتبه‌بندی کشورها، براساس شاخص عملکرد محیط زیست می‌توان به مواردی از قبیل مرگ‌ومیر کودکان، آلودگی هوا، آب آشامیدنی سالم، دسترسی به بهداشت، مناطق حفاظت شده، حفاظت از زیست‌بوم‌ها، نرخ برداشت چوب، صید بی‌رویه آبزیان، کارایی انرژی و انتشار دی‌اکسید کربن در هوا اشاره کرد.

براساس شاخص عملکرد محیط زیست در سال ۲۰۰۶، تعداد کشورهایی که مورد ارزیابی قرار گرفتند ۱۳۲ کشور بوده که ایران در رتبه ۵۳ قرار داشته و در سال ۲۰۱۰، رتبه ایران ۷۸ و در سال جاری نیز رتبه ایران ۱۱۴ گزارش شده است. چنانکه مشاهده می‌شود

---

1. Environmental Performance Index (EPI)

جایگاه محیط زیست در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، از منظر هفت عنوان منتخب \_\_\_\_\_ ۳۰۳

رتبه ایران به مرور بدتر از قبل شده است. این افت رتبه را در عوامل زیادی می‌توان خلاصه کرد: مشکلات مدیریتی - از قانونگذاری گرفته تا پیاده‌سازی نادرست قوانین وضع شده - آسیب‌پذیری بالای زیست‌محیطی کشور ایران از منظر منطقه جغرافیایی یا اقلیمی - که در شاخص بعدی قابل مشاهده است - پایین بودن سطح آگاهی جامعه در استفاده درست از محیط زیست، کم‌اهمیت شمردن مسائل زیست‌محیطی و نبود آموزش‌های مناسب در این زمینه، فرهنگ‌سازی‌های ناکارآمد و ...

جدول ۲. شاخص بازده زیست‌محیطی رتبه و امتیاز ایران در بین کشورهای جهان

سال ۲۰۱۲			سال ۲۰۱۰			سال ۲۰۰۶		
امتیاز	رتبه	کشور	امتیاز	رتبه	کشور	امتیاز	رتبه	کشور
۷۶,۶۹	۱	سوئیس	۹۳,۵	۱	ایسلند	۸۸	۱	نیوزیلند
۷۰,۳۷	۲	لتونی	۸۹,۱	۲	سوئیس	۸۷,۸	۲	سوئیس
۶۹,۹۲	۳	نروژ	۸۶,۴	۳	کاستاریکا	۸۷	۳	فنلاند
۶۸,۸۲	۹	سوئد	۶۷,۴	۴۲	الجزایر	۸۳,۳	۹	مالزی
۶۲,۵۱	۲۵	مالزی	۶۵,۶	۵۲	مراکش	۷۶,۷	۳۶	لبنان
۵۸,۴۱	۳۷	کانادا	۶۵	۵۴	مالزی	۷۳,۲	۴۷	امارات
۵۷,۲	۴۳	کره جنوبی	۶۴,۶	۵۶	سوریه	۷۲,۸	۴۹	ترکیه
۵۰,۹۱	۷۷	امارات	۶۲	۶۸	مصر	۷۰	۵۳	<b>ایران</b>
۴۹,۹۷	۸۲	عربستان	۶۰,۴	۷۷	ترکیه	۶۸,۳	۵۹	عربستان
۴۸,۵۶	۸۶	الجزایر	۶۰	۷۸	<b>ایران</b>	۶۶,۲	۶۳	الجزایر
۴۶,۵۹	۱۰۰	قطر	۵۷,۹	۹۰	لبنان	۶۶	۶۴	اردن
۴۵,۴۳	۱۰۶	روسیه	۵۶,۱	۹۷	اردن	۵۷,۹	۸۵	مصر
۴۴,۸	۱۰۹	ترکیه	۵۵,۳	۹۹	عربستان	۵۵,۳	۹۷	سوریه
۴۲,۷۵	۱۱۳	سوریه	۴۹	۱۲۱	چین	۵۶,۲	۹۴	چین
۴۲,۷۳	۱۱۴	<b>ایران</b>	۴۸,۳	۱۲۳	هند	۴۷,۷	۱۱۸	هند
۴۲,۲۴	۱۱۶	چین	۴۸	۱۲۵	پاکستان	۴۱,۱	۱۲۷	پاکستان
۳۹,۵۶	۱۲۰	پاکستان	۳۳,۷	۱۶۱	موریتانی	۳۲	۱۳۱	موریتانی

سال ۲۰۱۲			سال ۲۰۱۰			سال ۲۰۰۶		
امتیاز	رتبه	کشور	امتیاز	رتبه	کشور	امتیاز	رتبه	کشور
۳۴,۵۵	۱۲۸	آفریقای جنوبی	۳۳,۳	۱۶۲	آفریقای مرکزی	۳۰,۵	۱۳۲	چاد
۲۵,۳۲	۱۳۲	عراق	۳۲,۱	۱۶۳	سیرالئون	۲۵,۷	۱۳۳	نیجر

Source: Enternational Performance Index (2010).

## ۲-۱-۲. شاخص آسیب‌پذیری محیط زیست<sup>۱</sup>

شاخص آسیب‌پذیری محیط زیست، یکی دیگر از شاخص‌های اندازه‌گیری زیست‌محیطی است که برای تعیین نسبی انواع مختلف معضلات زیست‌محیطی تدوین شده است. این شاخص نیز با ملحوظ نمودن شاخص‌های آسیب‌پذیری اجتماعی و اقتصادی، امکان ارزیابی توسعه پایدار یک کشور را فراهم می‌سازد. این شاخص از آنجا که برای هر یک از عوامل خود وزنی تعیین شده و این وزن چندان به زمان وابسته نیست، با گذشت مدت زمان کوتاهی تغییر نمی‌کند و تقریباً ثابت می‌ماند.

شاخص آسیب‌پذیری محیط زیست بر مبنای ۵۰ عامل زیست‌محیطی، برای کشورهای مختلف محاسبه شده و آنها را با هم مقایسه می‌کند؛ برخی از این عوامل عبارت‌اند از: خشک‌سالی، زلزله، نرخ نابودی پوشش گیاهی، مخازن زیرزمینی و دریایی که کشورها بر مبنای وزنی که در هر مورد می‌گیرند رتبه‌بندی می‌شوند. این وزن‌دهی بدین صورت است که به هر عامل زیست‌محیطی عددی از ۱ تا ۷ نسبت می‌دهند که عدد بالاتر نشانگر آسیب‌پذیری بیشتر در آن عامل خواهد بود و بعد از چنین وزن‌دهی، شاخص آسیب‌پذیری محیط زیست کل برای هر کشور را محاسبه کرده و بر مبنای درصد اطلاعات موجود برای هر عامل در هر کشور، کشورهای مورد بررسی را رتبه‌بندی می‌کنند. با توجه به مؤلفه‌های خاص این شاخص، این شاخص مربوط به سال خاصی نیست و از ویژگی‌های زیست‌محیطی و اکولوژیک خاص هر کشور ناشی می‌شود. ایران با شاخص آسیب‌پذیری محیط زیست کل برابر ۳۱۳ در بین کشورها رتبه ۱۰۴ را به خود اختصاص داده است ([www.vulnerabilityindex.net/daps/index.html](http://www.vulnerabilityindex.net/daps/index.html)).

1. Environmental Vulnerability Index (EVI)



جایگاه محیط زیست در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، از منظر هفت عنوان منتخب \_\_\_\_\_ ۳۰۵

جدول ۳. شاخص آسیب‌پذیری محیط زیست شاخص‌های برشمرده شده و امتیاز هر یک

نام کشور	درصد اطلاعات موجود از کشور	خشک‌سالی	زلزله	نرخ نابودی پوشش گیاهی	مخازن زمینی	مخازن دریایی	صنایع	تراکم جمعیت	رشد جمعیت	...	EVI کل
کانادا	۹۸	۳	۱	۱	۴	۳	۳	۱	۵	...	۲۵۱
فنلاند	۹۸	۳	۱	۵	۴	۵	۴	۱	۳	...	۲۶۵
آمریکا	۹۴	۵	۱	۱	۳	۱	۴	۱	۴	...	۳۰۰
مالزی	۹۸	۵	۱	۷	۵	۵	۵	۴	۶	...	۳۱۲
ایران	۹۶	۳	۵	۶	۴	۵	۴	۳	۴	...	۳۱۳
ترکیه	۹۴	۴	۳	۴	۵	۴	۳	۴	۵	...	۳۵۱

Source: Ibid.

بر مبنای این شاخص رتبه‌بندی کشورها از نظر میزان آسیب‌پذیری زیست‌محیطی

به صورت زیر است (<http://en.wikipedia.org/wiki/environmental-vulnerability-Index>):

جدول ۴. شاخص آسیب‌پذیری زیست‌محیطی رتبه و امتیاز کشورهای منتخب

رتبه	نام کشور	مقدار EVI	آسیب‌پذیری	رتبه	نام کشور	مقدار EVI	آسیب‌پذیری
۱	فرانسه	۱۷۴	بسیار کم	۱۳۳	مالزی	۳۱۲	متوسط
۹	نیجر	۲۰۸	بسیار کم	۱۳۵	ایران	۳۱۳	متوسط
۱۴	قزاقستان	۲۱۵	کم	۱۵۳	پرتغال	۳۳۵	زیاد
۲۴	قطر	۲۲۹	کم	۱۹۰	آلمان	۳۵۷	زیاد
۴۳	کانادا	۲۵۱	کم	۲۰۷	انگلستان	۳۷۳	بسیار زیاد
۵۷	فنلاند	۲۶۵	متوسط	۲۲۰	هلند	۳۸۸	بسیار زیاد
۱۱۵	آمریکا	۳۰۰	متوسط	۲۳۳	سنگاپور	۴۳۶	بسیار زیاد

Source: Ibid.

## ۲. هفت موضوع پرچالش در نظام برنامه‌ریزی کشور در خصوص مسائل زیست‌محیطی

زمانی که صحبت از مشکلات زیست‌محیطی به میان می‌آید، موارد بسیاری از خشک شدن تالاب‌ها و بالارفتن چگالی ذرات معلق در هوا گرفته تا انواع موانع موجود برای ایجاد بازار مبادلات مربوط به مجوزهای آلودگی در ذهن نقش می‌بندد که پرداختن به تک‌تک آنها خود بحثی مفصل و مجالی فراغ می‌خواهد. اما زمانی که از برنامه‌ریزی برای سیاست‌های اجرایی کشور و یافتن راهی برای مقابله با مشکلات حال و یا آینده محیط زیست سخن به میان می‌آید، می‌توان تنها عناوین و خطوط کلی معدودی را برشمرد که با رعایت و طرح هر یک از آنها در تصمیمات سیاستی و روند قانونگذاری، از دچار شدن به بسیاری از مشکلات اجتناب کرد و بر بعضی مشکلات حال حاضر نیز فائق آمد.

انتخاب این عناوین باید به گونه‌ای باشد که بتوان با تمسک به آنها، کلید بسیاری از مشکلات زیست‌محیطی را ارائه داد. در این مطالعه سعی کردیم تا با استفاده از روش دلفی یا نظرسنجی از خبرگان این عناوین را برگزینیم. این تکنیک به‌عنوان یکی از روش‌های مطرح در آینده‌پژوهی همواره راهگشای بسیاری از دغدغه‌های آینده بوده است. به‌کارگیری روش دلفی عمدتاً با هدف کشف ایده‌های نوآورانه و قابل اطمینان و یا تهیه اطلاعاتی مناسب به‌منظور تصمیم‌گیری در شرایطی است که دسترسی به صاحبان این ایده‌ها و یا نظرات محدود بوده و یا تعداد صاحب‌نظران آنقدر اندک است که نمی‌توان با روش‌های آماری مرسوم به نظرسنجی و اتخاذ تصمیم پرداخت. روش دلفی فرایندی ساختاریافته برای جمع‌آوری طبقه‌بندی دانش موجود در نزد گروهی از کارشناسان و خبرگان است که از طریق توزیع پرسش‌نامه‌هایی در بین این افراد و بازخورد کنترل شده پاسخ‌ها و نظرات دریافتی صورت می‌گیرد (ادلر و زیگلیو، ۱۹۹۶).

در این مقاله هفت عنوان اصلی از طریق جمع‌آوری نظرات کارشناسان و متخصصان برای بررسی وضعیت قوانین زیست‌محیطی انجام گرفته، معرفی می‌شود. پس از انتخاب و طرح این هفت مورد سعی شده ضمن ردگیری آنها در برنامه‌های توسعه، چالش‌هایی که

جایگاه محیط زیست در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، از منظر هفت عنوان منتخب \_\_\_\_\_ ۳۰۷

هنوز در روند قانونگذاری و پیاده‌سازی هر یک وجود دارد عنوان شود. این هفت عنوان عبارت‌اند از: الف) ارزشگذاری منابع زیست‌محیطی، ب) ارزیابی اثرات زیست‌محیطی، ج) بهره‌وری، د) تخصص‌گرایی و بهره‌مندی از مراکز علمی و دانشگاهی، ه) استفاده از ابزارهای اقتصادی در حفاظت از محیط زیست، و) بانک جامع اطلاعاتی و درونی‌سازی هزینه‌های زیست‌محیطی، ز) موضوع توسعه پایدار.

در ادامه با طرح هر عنوان، ابتدا مبانی نظری و ادبیاتی در کتب علمی پیرامون هر کدام را ذکر کرده و سپس میزان توجه هر برنامه توسعه (اول تا چهارم) را به موضوع مذکور بیان می‌کنیم. در ادامه نیز به برنامه پنجم توسعه از دریچه این هفت موضوع به شکل جداگانه پرداخته و آن را مورد تحلیل و ارزیابی قرار خواهیم داد. درخصوص پرداختن به جزئیات، برای جلوگیری از اطاله کلام در مقاله، در چهار برنامه پنج‌ساله اول تنها به صورت تفصیلی به موارد پرداخته شده از هر برنامه، درخصوص موضوع مورد بررسی خواهیم پرداخت و جزئیات آن را در بخش پیوست ارائه خواهیم کرد. اما برای برنامه پنجم به علت تمرکز بیشتر و راهکارهایی که در انتهای مقاله آمده است، به صورت جزئی به مواد و بندهایی که در برنامه درخصوص موضوع مورد بررسی ارائه شده است، می‌پردازیم.

## ۲-۱. ارزشگذاری منابع زیست‌محیطی

### ۲-۱-۱. مبانی نظری

به منظور ارزیابی‌های زیست‌محیطی لازم است که منابع و مناظر زیست‌محیطی را ارزشگذاری کنیم. مبانی نظری این ارزشگذاری‌ها در کتب اقتصاد محیط زیست آورده شده است (Pearce and Turner, 1990; Tienteberg and Lewis, 2008; Tienteberg, 1996). در اینجا متدهای مذکور را به طور مختصر معرفی می‌کنیم:

### الف) تحلیل هزینه سفر

این روش عمدتاً در ارزیابی زیست‌محیطی مناظر طبیعی و پروژه‌های حمل و نقل مورد استفاده قرار می‌گیرد. اگر فردی به یک مکان تفریحی سفر کند که مثلاً قیمت ورودیه آن

صفر است، در این صورت حداقل نرخ‌ی که وی برای آن مکان در نظر می‌گیرد، معادل با هزینه دستیابی او است. اگر پرداخت دیگری وجود داشته باشد باید آن را به این هزینه‌ها اضافه کنیم تا تمایل به پرداخت او به‌دست آید. از آنجا که هزینه سفر از یک فرد به فرد دیگر تغییر می‌کند، لذا می‌توان یک تابع تقاضا برای آن مکان تفریحی به‌دست آورد. با انتگرال‌گیری از مساحت زیر منحنی تقاضا می‌توان مازاد مصرف‌کننده یک فرد را به‌دست آورد. سپس برای به‌دست آوردن منافع کل، این رقم در تعداد بازدیدکنندگان در هر سال ضرب نمود تا براساس آن بتوان منبع زیست‌محیطی را ارزشگذاری کرد.

#### ب) روش ارزیابی مشروط

در این روش ابتدا لازم است یک بازار فرضی برای محیط زیست تصور کنیم. جمع‌آوری اطلاعات، یکی از مباحث اساسی این روش است که عمدتاً باید از مطالعه میدانی استفاده شود. در مطالعه میدانی می‌توان از طرح پرسش‌نامه یا انجام مصاحبه استفاده کرد. به‌هر حال در این روش به دنبال برآورد ارزشی هستیم که مردم برای مناظر طبیعی و خدمات زیست‌محیطی قائل می‌باشند.

#### ج) قیمت‌گذاری به روش هدانیک

این روش، ارزش یک عامل زیست‌محیطی را از طریق قیمت بازاری کالاهای مشابه تعیین می‌کند. به‌عنوان مثال انتظار می‌رود که قیمت یک دارایی (مانند مسکن) در منطقه‌ای با آب و هوای مساعد، بالاتر از قیمت دارایی (مانند مسکن) در یک منطقه آلوده ارزیابی شود. این تفاوت در قیمت، ناشی از اثری است که آن عامل زیست‌محیطی (در اینجا مثلاً آب و هوای مساعدتر) بر دارایی دارد. با اندازه‌گیری این تفاوت قیمت، می‌توان تخمینی از ارزش آن عامل زیست‌محیطی (آب و هوای مساعد) را به‌دست آورد (سوری و ابراهیمی، ۱۳۸۷).

#### ۲-۱-۲. پیگیری این عنوان در برنامه‌های توسعه اول تا چهارم

ارزشگذاری منابع زیست‌محیطی از جدیدترین و درعین حال مهم‌ترین قوانینی بوده است که محیط زیست را از یک کالای رایگان به یک کالای کاملاً کمیاب و بعضاً گران

جایگاه محیط زیست در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، از منظر هفت عنوان منتخب \_\_\_\_\_ ۳۰۹

معرفی می‌کند و لذا نقش تعیین‌کننده‌ای در صیانت از محیط زیست و تضمین توسعه پایدار ایفا می‌کند. در این میان، در برنامه‌های اول، دوم و سوم که تقریباً هیچ اشاره‌ای بدان نگاشته است (تنها در برنامه دوم اشاره مختصری به آن شده است)؛ اما در برنامه چهارم در دو ماده (۵۹ و ۶۳) مستقلاً ذکر شده است.

#### جدول ۵. ارزشگذاری منابع زیست‌محیطی در برنامه‌های اول تا چهارم

برنامه اول	برنامه دوم	برنامه سوم	برنامه چهارم
—	فصل ۱۰، قسمت ۸	—	ماده (۵۹) ماده (۶۳)

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

#### ۳-۱-۲. پیگیری این عنوان در برنامه پنجم

پس از اینکه ارزشگذاری زیست‌محیطی به‌عنوان یک اولویت و یک شروع مهم در ملحوظ نمودن هزینه‌های آلودگی محیط زیست مطرح شد، توجه به برنامه‌های مختلف کم‌کم بالاتر رفته، تا آنجا که در برنامه پنجم، در پنج ماده مختلف (نسبت به برنامه چهارم که در دو ماده ذکر شده است) اهمیت و لزوم پیاده‌سازی آن درج شده است. این مواد عبارت‌اند از:

- ماده (۱۴۰) بند «ج»
- ماده (۱۹۲)
- ماده (۱۸۷)
- ماده (۱۹۳) بند «ج» و «د»
- ماده (۱۹۱) بند «الف»

پرداختن به موضوعات کلی از یک سو و موارد جزئی‌تر و دقت در تعیین مرزهای پرخطر و در حال نابودی زیست‌محیطی (مانند تالاب‌ها، دریاچه‌ها و ...) از سوی دیگر از ویژگی‌های این برنامه است. برنامه چهارم تنها در دو ماده، به کلیاتی راجع به اهمیت گنجاندن محیط زیست در نظام برنامه‌ریزی کشور (ماده (۵۹)) و دیگری به اهمیت دریاها و سواحل و دستوراتی پیرامون آنها (ماده (۶۳)) پرداخته است. در برنامه پنجم علاوه بر

اینکه در بعضی موارد (مانند دریاچه ارومیه) به صورت ویژه و جداگانه به بحث پرداخته ماده (۱۹۱) بند «الف»، در مواردی نیز با تعیین تاریخ دقیق برای دولت و صنایع تحت حاکمیت آن، اجازه ورود و بهره برداری از برخی مناطق را ممنوع کرده است (مواد (۱۹۲) بند «ب» و (۱۹۳)). علاوه بر این در چند جا تکلیف دولت را در خصوص برخورد با صنایع بزرگ و سیاستگذاری برای آنها به منظور حفظ منابع زیست محیطی مشخص شده است (ماده (۱۹۲)).

## ۲-۲. ارزیابی اثرات زیست محیطی

### ۲-۲-۱. مبانی نظری

بررسی سوابق اجرای طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی در کشور نشان می‌دهد که در برنامه‌ریزی‌های گذشته، به مانند اکثر کشورهای در حال توسعه، بسیاری از طرح‌ها و پروژه‌ها بدون توجه به ارزیابی‌های زیست محیطی بهره‌برداری شده‌اند. حاصل و پیامدهای چنین اقداماتی بروز آلودگی‌های مختلف و تخریب شدید منابع و مناظر طبیعی در کشور بوده است.

ارزیابی یکی از ضرورت‌های دستیابی به اهداف توسعه پایدار است و می‌تواند به عنوان یک ابزار برنامه‌ریزی در دسترس برنامه‌ریزان، مدیران و تصمیم‌گیرندگان قرار گیرد تا براساس آن بتوانند اثرات بالقوه زیست محیطی که در نتیجه اجرای پروژه‌های عمرانی پدیدار می‌شوند را شناسایی کرده و گزینه مناسب را انتخاب کنند. در اینجا به معرفی دو روش ارزیابی اثرات زیست محیطی<sup>۱</sup> و ارزیابی راهبردی زیست محیطی<sup>۲</sup> می‌پردازیم:

### الف) ارزیابی اثرات زیست محیطی

ارزیابی اثرات زیست محیطی، رویکردی است که به بررسی اثرات و پیامدهای یک پروژه بر محیط زیست، قبل از اجرای پروژه و در حین انجام آن می‌پردازد (میراب‌زاده، ۱۳۸۵).

---

1. Environmental Impact Assessment (EIA)  
2. Strategic Environmental Assessment (SEA)

### ب) ارزیابی راهبردی زیست‌محیطی

ارزیابی راهبردی زیست محیطی، یک فرایند و رویکرد سیستماتیک و نوین است که شناسایی، پیش‌بینی و ارزیابی اثرات و پیامدهای زیست‌محیطی را در عالی‌ترین سطوح تصمیم‌گیری مدنظر قرار می‌دهد. این متد یکی از روش‌های مقبول برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار است که در آن به‌طور منظم و گسترده خط‌مشی‌ها، سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌ها مورد ارزیابی زیست‌محیطی قرار می‌گیرد. بررسی قوانین و مقررات راهبردی زیست‌محیطی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه نشان داده است که این قوانین عمدتاً در سطوح بخشی و آمایش سرزمین کاربردی‌تر و مؤثر بوده‌اند. در این زمینه انگلستان به‌عنوان یکی از فعال‌ترین کشورها در پایه‌ریزی دستورالعمل‌های روش‌شناسی مناسب به ارزیابی راهبردی زیست‌محیطی شناخته شده است. با توجه به وضعیت قوانین راهبردی زیست‌محیطی در سطح بین‌المللی، قوانین مذکور در واقع شکل پویا و انعطاف‌پذیری از قوانین اثرات زیست‌محیطی در سطح برنامه‌ریزی راهبردی می‌باشد و تنها با اعمال تغییراتی در چارچوب روش اثرات زیست‌محیطی، جایگاه آن در سلسله‌مراتب برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری، به سطوح فوقانی انتقال یافته است. جهت بسترسازی مناسب اجرای قانون راهبردی زیست‌محیطی در کشور ابتدا می‌بایست به حل مشکلاتی که بر سر راه اجرای قوانین راهبردی زیست‌محیطی وجود دارد پرداخته شود (منوری و خوش‌منش‌زاده، ۱۳۸۶).

فرایند ارزیابی‌هایی که برای پذیرش یک پروژه توسعه پایدار مطرح است به شرح ذیل است

(Munasinghe, 1993):

۱. **ارزیابی اطلاعات و داده‌های آماری:** به بررسی اطلاعات و آمارهای گردآوری شده می‌پردازد که بایستی کامل، معتبر و قابل استناد باشد.
۲. **ارزیابی فنی و تکنیکی:** به بررسی شرایط و عوامل فیزیکی در ارتباط با پروژه می‌پردازد، موارد زیادی در این ارزیابی مورد آزمایش و بررسی قرار می‌گیرند که عمده‌ترین آنها اندازه پروژه، موقعیت و مکان اجرایی پروژه، زمان‌بندی و در نهایت تکنولوژی مورد استفاده در پروژه است.

۳. **ارزیابی اجتماعی:** از همان ابتدای تعریف پروژه تا انتهای اجرا شدن آن ادامه می‌یابد. پروژه‌هایی که نتوانند حداقل استانداردهای مرتبط با آداب و رسوم، ارزش‌ها و نرم‌های اجتماعی را برآورده کنند شانس برای پذیرش نخواهند داشت.

۴. **ارزیابی مالی:** از اصلی‌ترین بخش هر پروژه‌ای، داشتن یک برنامه مالی معین و مشخص است که بتواند دسترسی و حصول به اهداف پروژه را تضمین کند؛ ارزیابی مالی پروژه، سیاست‌های اتخاذ شده برای اجرایی شدن برنامه مالی را مورد آنالیز قرار می‌دهد.

۵. **ارزیابی سازمانی:** در این ارزیابی به موضوعاتی چون ابعاد، ساختار سازمانی، ظرفیت اجرایی پروژه، نیازهای پرسنلی و آموزشی پروژه پرداخته می‌شود.

۶. **ارزیابی اقتصادی:** در آنالیز اقتصادی، عمدتاً از دو متد استفاده می‌شود که منطق آنها مبتنی بر روش هزینه - فایده است. این دو متد عبارت‌اند از:

• **ارزش فعلی خالص:**<sup>۱</sup> که با تبدیل سود خالص هر دوره زمانی، به زمان کنونی، ارزش کنونی پروژه را تا یک زمان خاص می‌سنجد.

• **نرخ بازده داخلی:**<sup>۲</sup> معادل نرخ سودی است که سرمایه‌گذار با سرمایه‌گذاری در یک طرح می‌تواند به دست آورد. به عبارت دیگر درآمدهای تنزیل شده در طول دوره بازگشت سرمایه با هزینه‌های تنزیل شده در همین دوره برابر قرار داده می‌شوند و بر این اساس نرخ بازگشت نامعلوم، تعیین می‌شود. اگر این نرخ بازگشت از نرخ بهره واقعی بیشتر باشد، طرح سودآور و قابل اجرا بوده بنابراین توجیه اقتصادی دارد.

۷. **ارزیابی زیست‌محیطی:** این بخش به تازگی وارد ارزیابی‌ها و آنالیزهای مورد بررسی، در پذیرش پروژه‌ها شده است. در این بخش، پروژه باید تحت بررسی اثرات زیست‌محیطی قرار گیرد.

## ۲-۲-۲. پیگیری این عنوان در برنامه‌های محیط زیستی در برنامه‌های توسعه اول تا چهارم

این موضوع به علت قدمت زیاد در متون علمی و اهمیت بالایی آن در سیاست‌گذاری، به

1. Net Present Value (NPV)

2. Internal Rate of Return (IRR)



جایگاه محیط زیست در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، از منظر هفت عنوان منتخب \_\_\_\_\_ ۳۱۳

مرور زمان تقریباً توجهات بیشتری را به خود معطوف کرده است. به گونه‌ای که در برنامه اول اصلاً بروزی نداشته، اما در برنامه دوم در قالب یک تبصره، برنامه سوم در قالب ۴ ماده و در برنامه چهارم، ۶ ماده از این برنامه را به خود اختصاص داده است. به طور مثال در ماده (۷۱) از برنامه چهارم و (۱۰۵) از برنامه سوم به طور مشابه چنین آمده است:

«کلیه طرح‌ها و پروژه‌های بزرگ تولیدی و خدماتی باید پیش از اجرا و در مرحله انجام مطالعات امکان‌سنجی و مکان‌یابی، براساس ضوابط پیشنهادی شورای عالی حفاظت محیط زیست و مصوب هیئت وزیران مورد ارزیابی زیست‌محیطی قرار گیرد. رعایت نتایج ارزیابی توسط مجریان طرح‌ها و پروژه‌های مذکور الزامی است. نظارت بر حسن اجرای این ماده برعهده سازمان برنامه و بودجه می‌باشد.

**تبصره:** سازمان حفاظت محیط زیست موظف است راهکارهای عملی و اجرایی پروژه‌های عمرانی و اشتغالزایی در مناطق حفاظت شده را به طریقی فراهم نماید که ضمن رعایت مسائل زیست‌محیطی، طرح‌های توسعه عمرانی متوقف نگردد».

چنانکه مشخص است، به علت ابهامات وارده در متن این ماده، نمی‌توان انتظار نتایج دقیقی را در عمل شاهد بود.

#### جدول ۶. ارزیابی اثرات زیست‌محیطی در برنامه‌های اول تا چهارم توسعه

برنامه اول	برنامه دوم	برنامه سوم	برنامه چهارم
	تبصره «۸۲»، بند «الف»	ماده (۶۱)، بند «ب»؛ ماده (۸۵)، بند «ج»؛ ماده (۱۰۵)	ماده (۱۳)، بند «ج»؛ ماده (۱۷)، بند «ه» و «و»؛ ماده (۳۱)، بند «د»؛ ماده (۳۲)؛ ماده (۵۹)؛ ماده (۷۱)

مأخذ: همان.

#### ۳-۲-۲. پیگیری این عنوان در برنامه پنجم

«ارزیابی اثرات زیست‌محیطی» از جمله موضوعاتی است که بیشترین مواد و قوانین را در

برنامه‌های توسعه به خود اختصاص داده است. در این خصوص - چنانکه در پیوست به تفصیل اشاره شده است - در برنامه چهارم توسعه شش ماده مجزا آمده است. این تعداد اگر چه در مقایسه با سایر موضوعات رقم بالا و حاکی از اهمیت آن برای مسئولان و سیاستگذاران است، اما در برنامه پنجم به هفت ماده مختلف می‌رسد. این هفت ماده عبارت‌اند از:

- ماده (۸۲) بند «د»
- ماده (۱۸۹)
- ماده (۱۸۱)
- ماده (۱۹۲)
- ماده (۱۸۴)
- ماده (۱۹۳)
- ماده (۱۸۸)

نقطه قوت برنامه پنجم تأکید و اهمیتی است که این برنامه (علاوه بر نکات مطروحه در برنامه چهارم) بر نظام‌نامه و سند راهبردی زیست‌محیطی دارد. چراکه به‌عنوان مثال، علاوه بر اینکه در ماده (۱۸۴) از برنامه پنجم به‌صورت شفاف و دقیق از «نظام ارزیابی راهبردی محیطی» اسم می‌برد و عناصر آن را بیان می‌کند، در سایر مواد مانند (۱۸۸، ۱۸۹ و ۱۹۳) بند «الف» نیز جنبه‌های اجرایی آن را برمی‌شمارد. موضوع ارزیابی اثرات زیست‌محیطی در برنامه چهارم عمدتاً در قالب اثرات زیست‌محیطی آمده‌اند تا راهبرد زیست‌محیطی. به‌عنوان مثال مواد (۵۹ و ۷۱) از برنامه چهارم عمدتاً حول روش‌های اجرایی اعمال ارزیابی اثرات زیست‌محیطی پرداخته‌اند.

### ۲-۳. بهره‌وری

#### ۲-۳-۱. مبانی نظری

بهره‌وری مفهومی است که برای نشان دادن نسبت خروجی بر ورودی یک بنگاه، واحد یا سازمان به کار گرفته می‌شود. در رابطه با محیط زیست، منظور از «ورودی» همان منابع قابل تجدید و پایان‌پذیر است که استفاده نامطلوب از آنها موجبات تخریب محیط زیست و عدم دسترسی نسل آینده به منابع مذکور خواهد شد. منظور از «خروجی» نه تنها کالا و خدمات

جایگاه محیط زیست در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، از منظر هفت عنوان منتخب \_\_\_\_\_ ۳۱۵

تولیدی، بلکه مواد آلاینده محیط زیست و مواد زائد نیز است، به همین علت، روش جدیدی در اندازه‌گیری بهره‌وری پدید آمده که به آن «بهره‌وری سبز» گفته می‌شود.

### ۲-۳-۲. پیگیری این عنوان در برنامه‌های توسعه اول تا چهارم

بهره‌وری به عنوان یک عامل کلیدی در بالا بردن کیفیت تولیدات و کاهش آلاینده‌گی آنها موضوعی است که در عین اهمیت توجهات بسیار اندکی را در برنامه‌های توسعه به خود اختصاص داده است. این موضوع علاوه بر اینکه در برنامه‌های اول، سوم و تقریباً چهارم، هیچ جایی برای بحث و مطرح شدن ندارد، تنها در برنامه دوم در چهار بخش به آن توجهات خوبی شده است که عدم تداوم این توجهات، حاکی از پیاده نشدن قوانین در برنامه دوم و لذا بی‌اثر ماندن در ارائه مجدد در برنامه چهارم است.

### جدول ۷. بهره‌وری سبز در برنامه‌های اول تا چهارم توسعه

برنامه اول	برنامه دوم	برنامه سوم	برنامه چهارم
—	قسمت ۴ از اهداف کیفی کلان بخش ۱۰، قسمت ۷ بخش ۱۰، بند «و»، قسمت ۱، ۲، ۶ بخش ۴، قسمت ۱۱، ۱۲	—	ماده (۶۶)

مأخذ: همان.

### ۲-۳-۳. پیگیری این عنوان در برنامه پنجم

با قوت یافتن موضوع محیط زیست و به تبع آن بحث بهره‌وری سبز، موادی که در برنامه پنجم به آن پرداخته شده‌اند، به صورت چشمگیری افزایش یافت و به شش ماده رسید. این مواد عبارت‌اند از:

- ماده (۱۴۱)
- ماده (۱۹۰)
- ماده (۱۴۶)
- ماده (۱۷۱)
- ماده (۱۴۳) بند «ج»
- ماده (۷۹)

در میان شش ماده یاد شده، چهار ماده آن به ارتقای بهره‌وری در کشاورزی و استفاده از آب مورد استفاده آن اشاره دارند؛ از دو مورد باقیمانده، ماده (۱۹۰) - مانند ماده (۶۶) از برنامه چهارم - به بحث مدیریت سبز و استفاده بهتر از منابع اشاره دارد و ماده (۷۹) به موضوع ارتقای سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی می‌پردازد که از جمله مواردی که در این ارتقا مؤثر دانسته شده است موضوع آب و خاک مورد استفاده است.

#### ۲-۴. تخصص‌گرایی و بهره‌مندی از مراکز علمی و دانشگاهی

چنانکه می‌دانیم، توجه به مراکز علمی و استفاده از خبرگان هر فن در تصمیم‌گیری‌های سیاست‌مداران یکی از نشانه‌های جوامع مترقی و پیشرفته است. چراکه چنین عملی، علاوه بر اینکه از اتلاف هزینه‌های بیهوده (زمان، انرژی، درآمدهای و...) جلوگیری می‌کند، موجب اعتماد سیستم تصمیم‌گیرنده و سیاستگذاران در میان مردم می‌شود. استفاده از متخصصان در هر حوزه، علاوه بر اینکه آنها را به ادامه فعالیت‌های پژوهشی دلگرم می‌کند، تلقی رفتارهای «آزمایش و خطا» گونه سیاست‌مداران را از مردم می‌گیرد و به دوام فعالیت خود سیاست‌مداران کمک می‌کند. در ادامه میزان توجه برنامه‌های توسعه به این مهم را ارزیابی می‌کنیم.

##### ۲-۴-۱. پیگیری این عنوان در برنامه‌های توسعه اول تا چهارم

این موضوع اگرچه اهمیت بالایی - خصوصاً در جوامع با متوسط سطح تحصیلات بالا مانند ایران - دارد، اما نوسان توجه به آن در برنامه‌های توسعه، حاکی از عدم بازخورد مناسب در پیاده‌سازی قوانین مصوبه دارد. چرا که در برنامه اول هیچ اشاره‌ای به این موضوع نشده، در برنامه دوم به ناگاه اهمیت توجه به آن در قالب مطرح ساختن آن در دو قسمت عنوان گشته، اما در برنامه سوم تنها یک ماده به خود اختصاص داده است و در انتها در برنامه چهارم ماده از این برنامه به بحث تخصص‌گرایی و استفاده از ظرفیت‌های علمی و دانشگاهی اشاره شده است.

جدول ۸. تخصیص گرایی در برنامه‌های توسعه اول تا چهارم

برنامه اول	برنامه دوم	برنامه سوم	برنامه چهارم
—	اهداف کیفی کلان، مورد ۱۴ بخش ۱۰، مورد ۶	ماده (۶۱)، بند «ب»	ماده (۴۳)، بند «ج» ماده (۶۰) ماده (۵۴)

مأخذ: همان.

### ۲-۴-۲ پیگیری این عنوان در برنامه پنجم

امروزه تخصیص گرایی و استفاده از خبرگان هر فن برای تصدی امور، موضوعی نیست که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان یک جامعه در ارائه طرق خود نادیده بگیرند. لذا تعداد مواد و قوانینی که در برنامه‌های توسعه به آن پرداخته شده است بسیار زیاد است. اما برای اینکه بتوان میزان اهمیت آن را در خصوص مسائل زیست محیطی بسنجیم؛ تنها به برشمردن آن تعدادی بسنده می‌کنیم که مرتبط با مسائل و دغدغه‌های محیط زیست است. در برنامه چهارم دو ماده و در برنامه پنجم نیز دو ماده در این خصوص آورده شده است که عبارت‌اند از (مواد برنامه چهارم در پیوست موجود است):

- ماده (۱۶) بند «د» و «ه»
- ماده (۱۷) بند «ه»

در این مواد دولت مکلف شده است که با حمایت از پایان‌نامه‌ها و پروژه‌های تحقیقاتی (ماده ۱۷) و راه‌اندازی مراکز تحقیقاتی و حمایت خاص از شرکت‌های دانش‌بنیان - که در خصوص محیط زیست کاملاً مصداق دارد - (ماده ۱۶) در جهت حمایت از متخصصین و تکنسین‌های محیط زیست اقدام کند.

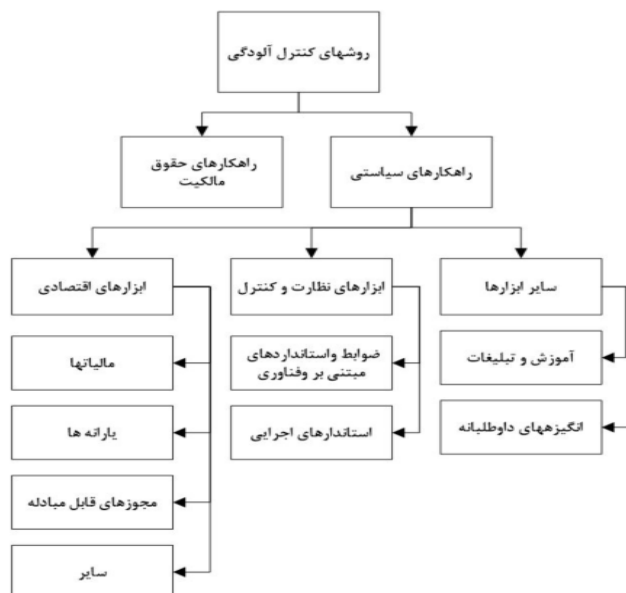
### ۲-۵. استفاده از ابزارهای اقتصادی در حفاظت از محیط زیست

#### ۲-۵-۱. مبانی نظری

برای حفاظت از محیط زیست، به طرق مختلف می‌توان اقدام کرد که در یک تقسیم‌بندی کلی آن را به دو دسته سیاست‌های دولتی و حقوق مالکیت تقسیم می‌کنند. در بحث حقوق

مالکیت، کاس<sup>۱</sup> نظریه پردازی بود که اعتقاد داشت، افراد یک جامعه به واسطه آگاهی کاملی که نسبت به نقش محیط زیست در زندگی روزمره و عملکرد خود دارند، قادرند با آلاینده‌گان و صاحبان صنایع وارد مذاکره شده و از طریق حق مالکیتی که نسبت به محیط زیست پاکشان دارند، به توافق برسند. این متد گرچه در نگاه اول و از باب نظریه جالب و مورد پذیرش است ولی زیرساخت‌ها و ملزوماتی را می‌خواهد که در کمتر جامعه‌ای یافت می‌شوند. اینجاست که نقش دولت و سیاست‌های دولتی مهم و اثرگذار ظاهر می‌شوند.

### شکل ۱. انواع روش‌های کنترل آلودگی



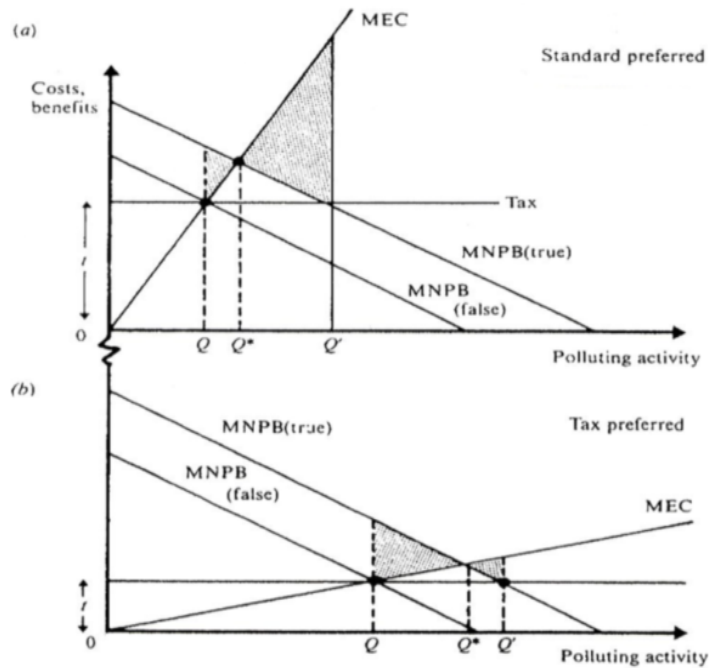
Source: Pearce and Turner, (1990).

چنانکه در فلوچارت (شکل ۱) آمده است، دولت از سه طریق به اعمال سیاست‌های خود می‌پردازد که باز از میان آنها ابزارهای اقتصادی چون مالیات و یارانه‌ها و ابزارهای

کنترلی چون وضع استاندارد و ارزیابی پروژه‌ها، بیشتر مورد توجه دولت‌ها بوده است. البته اعمال هر کدام از این سیاست‌ها از بازاری به بازار دیگر و حتی از بنگاهی تا بنگاه دیگر می‌تواند متفاوت باشد. ما در قسمت بیان نظری مرور کوتاهی بر شرایطی که طی آن وضع استاندارد با اعمال مالیات و سپس شرایطی که اخذ مالیات با اعطای یارانه مقایسه می‌شوند پرداخته‌ایم و مطالعات دقیق‌تر را با ارائه مراجعی بدین منظور به خواننده واگذار می‌کنیم.

**الف) استفاده از مالیات یا وضع استاندارد:** از عمده ابزارهای اقتصادی کنترل آلودگی، وضع مالیات، استاندارد آلودگی و یا اعطای یارانه است که البته اعمال هر کدام از این سیاست‌ها از بازاری به بازار دیگر و از بنگاهی به بنگاه دیگر متفاوت است. در این قسمت به مقایسه دو سیاست مالیات و استاندارد با هم و سپس مالیات و یارانه می‌پردازیم.

شکل ۲. مقایسه وضع استاندارد با مالیات



Source: Ibid.

در اینجا سؤال اساسی این است (شکل ۲) که آیا باید برای بنگاهی که هزینه خارجی نهایی<sup>۱</sup> و منفعت شخصی خالص نهایی<sup>۲</sup> مشخص دارد، مالیات وضع نمود یا آن را مجبور به اجرای استاندارد اعمالی کرد؟

چنانکه در شکل مشاهده می‌شود (با فرض اینکه بنگاه به علت منافع شخصی، منفعت شخصی خالص نهایی را اعلام کند) این مطلب بسته به شیئی که دو منحنی با هم می‌سازند، می‌تواند متغیر باشد. به‌عنوان مثال در حالت (a) میزان زیان اجتماعی کل در حالت مالیات بیشتر از استاندارد است (مساحت قسمت هاشور خورده برای حالتی که مالیات وضع شود بیشتر شده) و بنابراین سیاست وضع استاندارد اتخاذ می‌شود (Pearce and Turner, 1990).

**(ب) مقایسه اعمال یارانه یا مالیات:** در این حالت نیز تصمیم نهایی، مبنی بر وضع مالیات به شرایط بنگاه بستگی دارد (شکل ۳). اگر هزینه نهایی خارجی بنگاه بالا باشد، می‌توان انتظار داشت:  $MR > MC$  یعنی درآمد نهایی بالاتر از سطح هزینه نهایی باشد بنابراین این اختلاف را به‌عنوان مالیات در نظر می‌گیرند به عبارتی در چنین شرایطی باید مالیاتی به اندازه  $t^* = MEC^* = MR^* - MC^*$  وضع کرد که \* سطح بهینگی را نشان می‌دهد.

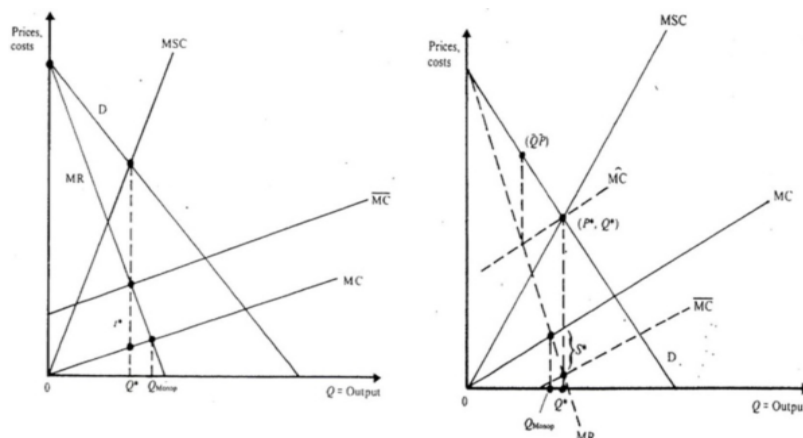
در غیر این صورت اگر  $MR < MC$  باشد یعنی هزینه نهایی بنگاه بیشتر از درآمد نهایی اش باشد، با وضع مالیات به نقطه بهینه نخواهیم رسید (نقطه تقاطع هزینه اجتماعی نهایی<sup>۳</sup> و تقاضای بازار (D))، در چنین شرایطی با وضع یارانه (به‌اندازه  $S^* = MC^* - MR^*$ ) و کم کردن هزینه نهایی به نقطه تعادل خواهیم رسید (Ibid.).

---

1. Marginal External Cost (MEC)  
 2. Marginal Net Private Benefit (MNPB)  
 3. Marginal Social Cost (MSC)



شکل ۳. مقایسه وضعیت مالیات یا ارائه یارانه برای کنترل آلودگی



Source: Ibid.

### ۲-۵-۲. پیگیری این عنوان در برنامه‌های توسعه اول تا چهارم

استفاده از ابزارهای اقتصادی در مسیر کنترل آلودگی و رسیدن به شاخص‌های زیست‌محیطی بالاتر موضوعی است که اخیراً در ادبیات‌های نظری دنیا به شکل جدی مطرح شده است و لذا گرچه کارایی بالایی دارد و می‌تواند از طریق «مزیت‌های دوسویه»<sup>۱</sup> هم محیط زیست و هم فضای کسب‌وکار را به سمت بهینه‌گی پارتو نزدیک‌تر کند، اما به همان اندازه که جدید است، غریب بوده و لذا انعکاس چندانی را نتوانسته‌ایم در برنامه‌های توسعه از آن شاهد باشیم. لذا جز در برنامه سوم که به صورت دو ماده (۱۷ و ۱۰۴) به آن اشاره شده است، تقریباً در هیچ برنامه‌ای از آن یاد نشده است.

### جدول ۹. استفاده از ابزارهای اقتصادی در برنامه‌های اول تا چهارم

برنامه اول	برنامه دوم	برنامه سوم	برنامه چهارم
تبصره «۱۳»	—	ماده (۱۷)، «الف»؛ ماده (۱۰۴)، «ج».	—

مأخذ: همان.

### ۳-۵-۲ پیگیری این عنوان در برنامه پنجم

استفاده از ابزارهای اقتصادی برای کنترل آلودگی، روشی نوین برای این منظور محسوب می‌شود که حتی سابقه زیادی در کتب نظری هم ندارد، لذا طرح آن در برنامه‌های توسعه بسیار کم بوده است به طوری که در برنامه چهارم هیچ ماده‌ای مستقیماً به آن اشاره نشده است. اما در برنامه پنجم سه ماده مستقیماً به استفاده از ابزارهای اقتصادی به منظور کنترل آلودگی و حفظ محیط زیست اشاره کرده‌اند:

- ماده (۱۲۳)
- ماده (۱۹۰)
- ماده (۱۳۴)

ماده (۱۲۳) که به بحث عوارض آلودگی و مالیات‌های آلودگی اشاره دارد؛ ماده (۱۳۴) موضوع مشوق‌های آلودگی و یارانه‌های تخصیصی به بنگاه‌هایی که در جهت رفع آلاینده‌گی محصولات تولیدی خود تلاش کرده‌اند و ماده (۱۹۰) نیز بحث مدیریت سبز را مطرح نموده و نهادها و دستگاه‌های اجرایی را ملزم به پیاده‌سازی مصوبات سازمان حفاظت از محیط زیست می‌کند.

### ۶-۲. بانک جامع اطلاعاتی و درونی‌سازی هزینه‌های زیست‌محیطی

دستیابی به یک برنامه توسعه مناسب، چه در مرحله طراحی و چه در مرحله اجرا، نیازمند دستیابی به اطلاعاتی است که علاوه بر اینکه بازگوکننده آنچه در گذشته اتفاق افتاده است، امکانات موجود برای رسیدن به اهداف مورد نظرمان را نیز بیان می‌کند. چنین اطلاعاتی تنها در سایه داشتن یک بانک جامع اطلاعاتی و در نظر گرفتن محیط زیست به عنوان یکی از ارکان اصلی تعیین هزینه، در نظام برنامه‌ریزی کشورمان امکان‌پذیر است.

#### ۱-۶-۲. پیگیری این عنوان در برنامه‌های توسعه اول تا چهارم

از زمانی که برنامه‌ریزی بلندمدت و توجه به آن در برنامه‌های توسعه مورد توجه قرار گرفته است، نیاز به یک بانک اطلاعاتی و به دنبال آن درونی‌سازی هزینه‌های زیست‌محیطی مطرح شده است. این نگاه بلندمدت اگر چه در برنامه‌های توسعه از ابتدا وجود داشته است (تقریباً

جایگاه محیط زیست در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، از منظر هفت عنوان منتخب \_\_\_\_\_ ۳۲۳

در تمامی برنامه‌ها جز برنامه سوم به آن مشخصاً پرداخته شده است)، اما می‌توان اشارات بسیار کمی که در هر برنامه توسعه به این موضوع شده است را دلیلی برای کماکان محروم ماندن این موضوع دانست. به‌عنوان مثال در ماده (۵۹) از برنامه چهارم توسعه داریم:

«سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مکلف است، با همکاری سازمان حفاظت محیط زیست و سایر دستگاه‌های مرتبط، به‌منظور برآورد ارزش‌های اقتصادی منابع طبیعی و زیست‌محیطی و هزینه‌های ناشی از آلودگی و تخریب محیط زیست در فرایند توسعه و محاسبه آن در حساب‌های ملی، نسبت به تنظیم دستورالعمل‌های محاسبه ارزش‌ها و هزینه‌های موارد دارای اولویت از قبیل: جنگل، آب، خاک، انرژی، تنوع زیستی و آلودگی‌های زیست‌محیطی در سایت‌ها اقدام و در مراجع ذی‌ربط به تصویب برساند. ارزش‌ها و هزینه‌هایی که دستورالعمل آنها به تصویب رسیده، در امکان‌سنجی طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در نظر گرفته خواهد شد.»

جدول ۱۰. ایجاد بانک جامع اطلاعاتی در برنامه‌های اول تا چهارم توسعه

برنامه اول	برنامه دوم	برنامه سوم	برنامه چهارم
تبصره «۱۳»	فصل چهارم، مورد ۹	—	ماده (۴۳)، بند «ج» ماده (۵۹) ماده (۶۰) ماده (۶۴)، بند «الف» و «ب»

مأخذ: همان.

## ۲-۶-۲. پیگیری این عنوان در برنامه پنجم

ایجاد یک بانک اطلاعاتی علاوه بر اینکه فرصت یک نظارت پویا روی وضعیت، تلاش‌ها و بازخورد این تلاش‌ها بر محیط زیست را به خوبی نشان می‌دهد، به سیاستگذاران این امکان را می‌دهد که بتوانند با اطلاعات بیشتر و دقیق‌تری برای آینده برنامه‌ریزی کنند. ایجاد چنین بانکی با وجود مزایای بالا، هزینه‌های زیادی نیز (اعم از مالی، زمانی و حتی

انرژی افراد خبره) به همراه دارد. لذا در برنامه‌های اول بخش زیادی را به خود اختصاص نمی‌دادند. اما به یکباره در برنامه چهارم یک ماده و در برنامه پنجم چهار ماده به شرح زیر درباره لزوم تشکیل چنین بانکی بیان شد که این خود نشان از مکشوف شدن اهمیت وجود بانک اطلاعات و به دنبال آن درونی‌سازی هزینه‌های زیست‌محیطی است.

• ماده (۴۶) بند «ب» • ماده (۱۸۹) بند «ب»

• ماده (۱۸۵) • ماده (۱۹۲) بند «ج» تبصره «۱» و تبصره «۲»

در برنامه چهارم، ماده (۵۹) به درونی‌سازی هزینه‌های زیست‌محیطی و وارد ساختن آنها در حساب‌های ملی اشاره دارد اما در برنامه پنجم که به شکل نسبتاً مفصل‌تری به آن پرداخته شده است. در ماده (۱۸۹) بند «ب» و ماده (۱۹۲) بند «ج» تبصره «۱» و «۲» به ایجاد نظام اطلاعاتی زیست‌محیطی اشاره دارد، در ماده (۴۶) بند «ب» با قید زمان و ماده (۱۸۵) نیز دولت موظف شده است که نسبت به ایجاد بانک اطلاعاتی اقدامات لازمه را انجام دهد.

## ۲-۷. توسعه پایدار

توسعه انواع مختلفی دارد و از جنبه‌های گوناگونی قابل بررسی است. اما در چند دهه اخیر رویکردی از مفهوم توسعه مورد توجه قرار گرفته است که بتواند دوام و بقای آن را تضمین نماید. این رویکرد به «توسعه پایدار» معروف شد. توسعه پایدار بنا به تعریف عبارت است از توسعه‌ای که نیازهای نسل فعلی را بدون به خطر انداختن توانایی نسل آینده در جهت تأمین نیازهای خود، تأمین کند. برای بازتاب این مفهوم در قانون برنامه‌های پنج‌ساله نیز تلاش‌هایی صورت گرفت که در زیر به آنها اشاره می‌شود.

### ۲-۷-۱. پیگیری این عنوان در برنامه‌های توسعه اول تا چهارم

توسعه پایدار یک مفهوم مترقی از توسعه به‌شمار می‌آید، از این رو تنها رشد اقتصادی و گسترش صنایع و افزایش سطح رفاه افراد جامعه معیار توسعه نیست. بلکه تضمین این مطلب که نسل‌های آتی نیز قادر خواهند بود از چنین رفاه و رشدی بهره‌مند باشند، از شروط توسعه و توسعه‌یافتگی به‌شمار می‌رود. لذا میزان اهمیت آن در برنامه‌های توسعه

تقریباً متناسب است با میزانی از رشد و سطح رفاه اقتصادی که کشور در آن دوره تجربه کرده است. چراکه اگر ما در حال حاضر در شرایط مطلوب اقتصادی نباشیم، اصولاً نیازهای نسل آتی و پرداختن به آن چندان موضوعیت پیدا نمی‌کند. لذا در برنامه‌های دوم و چهارم شاهد توجه خوبی به موضوع توسعه پایدار بوده‌ایم (در برنامه دوم سه مورد و چهارم دو مورد مستقیماً به آن اشاره شده است) ولی در برنامه‌های سوم و اول هیچ مطلبی درخصوص آن بیان نشده است. درباره میزان توجه به بحث توسعه پایدار و نوسان آن در برنامه‌های توسعه عوامل مختلفی نهفته است که از عمده آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

**- وضعیت اقتصادی کشور در آن دوره:** به‌طور کلی توسعه پایدار و توجه به آن در برنامه‌های توسعه، به نوعی یک مفهوم لوکس تلقی شده و زمانی اصولاً توجه به محیط زیست و چنین موضوعاتی موضوعیت می‌یابد که کشور در برآورد نیازهای اولیه از قبیل خوراک، مسکن، امنیت و... به یک حداقل قابل توجه رسیده باشد و بعد پی گنجاندن چنین مفاهیمی در برنامه‌های توسعه برود.

**- توجه جهانی به محیط زیست:** در برهه‌هایی از زمان بالا رفته که این توجه خود را در وضع قوانین و برنامه‌های توسعه بیشتر نشان می‌دهد.

**- میزان اهمیت محیط زیست ازمناظر مدیران و سیاستگذاران:** رویکردهای مختلفی که سیاستگذاران در هر دوره ریاست جمهوری در کنار توجهی که جهان و مجامع بین‌المللی به بحث محیط زیست در آن دوره داشتند، در گنجاندن دغدغه‌های زیست‌محیطی در برنامه‌های توسعه خود را نشان می‌دهد.

جدول ۱۱. توسعه پایدار در برنامه‌های توسعه اول تا چهارم

برنامه اول	برنامه دوم	برنامه سوم	برنامه چهارم
—	اهداف کلان کیفی، مورد ۶ بخش ۶ تبصره «۸۲»، بند «۲»	—	ماده (۱۷)، بند «ه» ماده (۶۵)

مأخذ: همان.

### ۲-۷-۲. پیگیری این عنوان در برنامه پنجم

توسعه پایدار، مفهومی است فراگیر که با گذشت زمان و درک ارزش آن، مواد و لوایح بیشتری در برنامه‌های توسعه آن را مدنظر قرار می‌دهند. به گونه‌ای که در برنامه چهارم دو ماده و در برنامه پنجم هفت ماده به آن پرداخته اند:

- ماده (۱۴۰)
- ماده (۱۴۳)
- ماده (۱۷۰)
- ماده (۱۷۳)
- ماده (۱۸۷)
- ماده (۱۸۹)
- ماده (۱۹۸) بند «ج»

کثرت مواد یاد شده خود به تنهایی حاکی از اهمیت این موضوع در برنامه‌های توسعه است. مواد و تبصره‌های اشاره شده، تقریباً همگی بر بحث مدیریت سبز و نقشی که محیط زیست می‌تواند در پایدار شدن توسعه بازی کند متمرکز شده‌اند.

### ۳. برداشتی کلی از مرور قوانین مطروحه

مطلبی که تقریباً در تمامی هفت عنوان نام برده شده در بالا در خور توجه است، اهمیتی است که نظام برنامه‌ریزی و قانونگذاری کشور نسبت به موضوعات زیست‌محیطی در هر برنامه توسعه نسبت به قبلی، بیشتر قائل شده است. چنانکه برنامه چهارم توسعه در مقایسه با برنامه‌های سوم و دوم و اول بسیار دقیق‌تر و پخته‌تر، مسائل و معضلات زیست‌محیطی را مطرح کرده است و برای آنها در قالب قوانین راه‌حل اجرایی داده است. این رشد و توجه، خوشبختانه برای برنامه پنجم توسعه نیز تکرار شده است. چراکه اگر تعداد مواد و تبصره‌هایی که برای هر یک از هفت عنوان انتخاب شده، در برنامه‌های چهارم و پنجم آمده‌اند را مقایسه کنیم، خواهیم دید که برنامه پنجم هم از منظر تعداد و هم میزان دقت و شمول مواد و تبصره‌ها بسیار بالاتر و جامع‌تر از برنامه چهارم عمل کرده است. البته لزوم این مطلب از یک منظر بایستی عقلی است، چراکه تجربیات برنامه چهارم و ملزوماتی که در مدت اجرای آن لازم می‌آمد می‌بایست در برنامه پنجم دیده می‌شد. منتها برای کشور ما که بحث محیط زیست کماکان

یک بحث حاشیه‌ای بوده و پس از مدت‌ها بحث و جدل کماکان وزارتخانه‌ای را به خود اختصاص نداده است، جای بسی خرسندی و امیدواری در حرکت به سوی توسعه‌ای پایدار است.

#### ۴. مروری بر وضعیت محیط زیست کشور با تکیه بر برنامه پنجم توسعه

در این قسمت بنا داریم تا ضمن مرور بر نقاط ضعف و قوت برنامه پنجم توسعه، با بررسی فرصت‌ها و تهدیدهایی که پیش روی محیط زیست کشورمان از دریچه برنامه‌های توسعه و به‌خصوص برنامه پنجم قرار دارد، پیشنهادهایی به مسئولین مربوطه برای پیاده‌سازی هر چه موفق‌تر این برنامه ارائه دهیم. این دسته‌بندی برای تحلیل برنامه پنجم توسعه (یعنی تحلیل آن در چهار عنوان: قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها)، مطلبی است که در روش‌های برنامه‌ریزی بلندمدت، خصوصاً استفاده از روش آنالیز سوات<sup>۱</sup> مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این روش با برشمردن نقاط قوت (S)، نقاط ضعف (W)، فرصت‌ها (O) و تهدیدها (T) برنامه تحت بررسی، سعی می‌شود استراتژی‌های مختلف برای آن برنامه در بلندمدت تحت چهار موقعیت: ضعف - فرصت (WO)، قوت - فرصت (SO)، ضعف - تهدید (WT) و قوت تهدید (ST) ترسیم و تعیین شود. سپس با استفاده از آنها، به تعیین «چشم‌انداز»<sup>۲</sup> «رسالت»<sup>۳</sup> «اهداف»<sup>۴</sup> «راهبردها»<sup>۵</sup> برای برنامه مورد بررسی پرداخته و بعد بر مبنای آنها به تعریف عناوین «برنامه‌ها»<sup>۶</sup> و «فعالیت‌ها»<sup>۷</sup> اقدام می‌شود. اما از آنجا که پرداختن به تمام مراحل روش آنالیز سوات خود مطالعه‌ای مفصل و سیاهه‌ای مبسوط می‌طلبد، آنچه که مربوط به این مطالعه می‌شد را انجام داده و تحلیل برنامه پنجم با روش آنالیز سوات را به‌عنوان یک کار جداگانه - که البته جای خالی آن هم در این زمینه به شدت احساس می‌شود - به سایر خوانندگان و محققان محترم پیشنهاد می‌کنیم.

- 
1. Strengths, Weaknesses, Opportunities and Threats (SWOT)
  2. Vision
  3. Mission
  4. Objectives
  5. Strategies
  6. Projects
  7. Activities

## ۱-۴. نقاط قوت

- چنانکه به تفصیل اشاره شد، این برنامه نسبت به برنامه‌های پیشین، بسیار مفصل‌تر و جامع‌تر به موضوعات زیست‌محیطی پرداخته است. تفکیک قوا و سازمان‌ها در مسئولیت‌سپاری، مشخص کردن نهادهای مسئول برای هر ماده و کاهش استفاده از کلمات غیردقیق (مانند «خیلی»، «انبوه» و ...) از مزایای جدی این برنامه نسبت به برنامه‌های پیشین است.

- آوردن تاریخ اتمام یا سررسید اجرا برای بسیاری از احکام و قوانین معینه از دیگر مزایای این برنامه است. چرا که یک برنامه ولو بسیار منطقی و دقیق طراحی شده باشد، اگر در خصوص زمان پیاده‌سازی کامل آن محدودیتی وجود نداشته باشد، ممکن است یک ماده بدون اجرای کامل و گرفتن نتیجه از تصویب آن، مرتباً در برنامه‌های مختلف تکرار شود. مثلاً ماده (۱۰۵) از برنامه سوم که به علت اجرایی نشدن در ماده (۷۱) از برنامه چهارم تکرار شده و باز به علت عدم پیاده‌سازی درست در ماده (۱۹۲) از برنامه پنجم منتها این بار با قید تاریخ تکرار شده است.

- در نظر گرفتن انرژی‌های پاک و لحاظ کردن اولویت برای وزارت نیرو برای وارد کردن بخش خصوصی به این حوزه (مانند ماده (۱۳۳) بند «ب»).

- این برنامه در خصوص ارزیابی اثرات زیست‌محیطی، برخلاف برنامه‌های گذشته که روی اثرات زیست‌محیطی تأکید زیادی داشتند، روی راهبرد زیست‌محیطی تأکید کرده است و این حاکی از نگاه بلندمدت مسئولان به محیط زیست است.

- در این برنامه به موضوعات «بهره‌وری»، «توسعه پایدار» و «تهیه بانک جامع اطلاعاتی» توجه بسیار بیشتری نسبت به برنامه‌های پیشین شده است، این در حالی است که رشد و گسترش موضوعات عنوان شده از ویژگی‌های جوامع توسعه‌یافته تلقی می‌شود و بسیاری از کشورها از حسن توجه به چنین موضوعاتی محروم‌اند.

- تأکید بر ایجاد، توسعه و استفاده از «صندوق ملی محیط زیست» از دیگر ویژگی‌های ارزشمند این برنامه به شمار می‌رود.

- در برنامه پنجم به جنگل‌ها و مراتع و حفاظت از آنها توجه ویژه‌ای شده، به گونه‌ای که



جایگاه محیط زیست در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، از منظر هفت عنوان منتخب \_\_\_\_\_ ۳۲۹  
علاوه بر اینکه مانند برنامه‌های گذشته در بخش‌های مختلف به آن اشاره شده است، در ماده  
جداگانه‌ای (ماده (۱۴۸)) به ریز وظایف دولت نسبت به آن پرداخته شده است.

#### ۲-۴. نقاط ضعف

- سازمان حفاظت از محیط زیست در کشور ما هنوز شاکله یک وزارتخانه را نیافته و لذا  
بسیاری از تکالیف و مصوبات آن به سایر وزارتخانه‌ها ارجاع داده می‌شود و از آنجا که  
محیط زیست به عنوان یک اولویت حاشیه‌ای در هر وزارتخانه محسوب می‌شود، علاوه بر  
اینکه ملزومات آن چندان در اولویت تصمیم‌سازی مدیران قرار نمی‌گیرد، در بسیاری  
موارد امکان تداخل وظیفه در بین وزارتخانه‌ها وجود دارد.

- در این برنامه (همچون برنامه‌های سابق) سازوکار مناسبی برای نظارت بر سازمان حفاظت  
از محیط زیست اتخاذ نشده است. یک پیشنهاد اولیه و ضروری برای چنین نظارتی، ملزوم  
نمودن سازمان حفاظت از محیط زیست به ارائه آمارنامه‌های مدونی از وضعیت خود در  
زمان‌های مشخصی از سال مانند روز جهانی محیط زیست در هر سال است.

- در سالنامه‌های مرکز آمار و بانک مرکزی هنوز جایگاهی برای داده‌های زیست‌محیطی  
وجود ندارد. این امر علاوه بر اینکه نظارت بر چنین سازمانی را مشکل می‌کند، امکان  
تمرکز محققان در مراکز پژوهشی یا دانشگاهی بر اطلاعات محیط زیست کشورمان را  
سخت می‌نماید.

- در بعضی از قوانین با وجود پیشرفت‌های صورت گرفته نسبت به برنامه‌های قبلی،  
کلی‌گویی و استفاده از کلمات کیفی صورت گرفته است. از جمله این قوانین می‌توان به  
قوانین (۱۹۲، ۱۲۳ یا ۱۸۸) اشاره کرد که گرچه سعی شده از واژگانی مانند «صنایع بزرگ»  
که در آنها آمده است ابهام‌زدایی صورت گیرد اما کماکان برداشت‌های متفاوتی را به  
مشمولین قانون داده و راه‌گریز را برایشان هموار می‌سازد.

- در این برنامه (نسبت به برنامه‌های گذشته)، به رغم توجهات خوبی که به بحث پژوهش و  
تحقیقات زیست‌محیطی شده است، اما مسلماً کافی نبوده و برای طرح‌ریزی یک سازمان

محیط زیست پیشرو در زمینه علم و کم‌اشتباه در زمینه عمل نیاز به صرف اعتبار بیشتری در این خصوص داریم. به‌عنوان مثال با وجود حرف و حدیث‌های بسیاری که در مجامع علمی و دولتی در زمینه محیط زیست و آثار آن در اقتصاد جامعه مطرح می‌شود، هنوز دوره دکتری «اقتصاد محیط زیست» در کشور ما طراحی نشده است. لذا می‌توانست در متن برنامه از تأسیس این رشته یا حمایت از سایر رشته‌های بین‌رشته‌ای که به نوعی با موضوع محیط زیست در ارتباطند، تا یک بازه مشخص سخن به میان آورد.

### ۳-۴. فرصت‌ها

- کشور ما، از ابتدای انقلاب اسلامی ایران در چالش‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی زیست‌محیطی گوناگونی، به شکل فعال حضور داشته است. اما به رغم در اختیار داشتن دیپلماسی خوب و جایگاه ژئوپلیتیک قوی در بین کشورهای منطقه و حتی جهان، در بسیاری از این سال‌ها از این حضور خود استفاده‌های بسیار ناچیزی شده است. به‌عنوان مثال ایران مدت‌هاست که عضو CDM بوده به رغم امکاناتی که سازمان ملل برای کشورهای عضو (اعم از وام‌های بین‌المللی و فرصت‌های پژوهشی معتبر) فراهم دیده است، کشورمان از آن بهره‌ای نبرده است.

- در این برنامه به موضوعات راهبردی و برنامه‌های بلندمدت محیط زیست توجه خاصی شده است، به گونه‌ای که در ۵ ماده مستقیماً به آن اشاره شده است (این مواد در بخش «ارزیابی اثرات زیست‌محیطی» و در قالب ارزیابی راهبردی زیست‌محیطی بخش شده‌اند). این نگاه که در این برنامه به شکل جدی مطرح شده است، می‌تواند شروع یک حرکت روشمند و حساب شده تلقی شود که در صورت سرمایه‌گذاری کافی و ایجاد شرایط برای ورود دانشگاه‌ها و سایر مراکز تحقیقاتی، زمینه‌ای مساعد برای آینده محیط زیست کشورمان فراهم آید.

- ایران به علت اینکه یکی از کشورهای با تنوع زیستی فراوان در منطقه و حتی جهان به‌شمار می‌آید، می‌تواند میزبان کنوانسیون‌ها (مانند رامسر در پیش از انقلاب) و یا حداقل

یک کنفرانس بین‌المللی سالانه در زمینه محیط زیست باشد. این همایش‌ها علاوه بر جنبه‌های علمی و تبادل دانشی که بین ایران و بسیاری کشورهای پیشرو در زمینه محیط زیست در دنیا به همراه دارد (و به تبع موجب رونق دادن فضای تحقیقات و پژوهش‌ها در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی کشور در زمینه محیط زیست می‌گردد)، بسیار به دیپلماسی مؤثر مسئولان با سایر دولت‌ها کمک می‌کند، چرا که حفظ محیط زیست و صیانت از آن، شاید جزء نادر موضوعاتی باشد که میان تمام کشورها مشترک بوده و اراده جدی برای تحقق آن وجود دارد.

- ایران اخیراً توانسته در زمینه دیپلماسی در منطقه و جهان موفقیت‌های چشمگیری به دست آورد، موضوع محیط زیست و تبادل دانشمندان آن بین ایران و سایر کشورها، با توجه به تأکیدات زیادی که در این خصوص در برنامه پنجم صورت پذیرفته است، می‌تواند امکان ثبات و قوام بیشتر چنین دیپلماسی و رابطه‌ای را تحقق بخشد.

#### ۴-۴. تهدیدها

- ایران در منطقه با تعداد زیادی کشور هم‌مرز است که متأسفانه برخی آنها علاوه بر اینکه از تصمیمات و سیاست‌های پایداری بهره نمی‌برند، از لحاظ زیست‌محیطی نیز مناطق مرزی را دچار آسیب‌ها و تحمیل هزینه‌هایی کرده‌اند. برای این منظور در برنامه پنجم اندیشه درخوری اتخاذ نشده و لذا می‌تواند در آینده به عنوان یک تهدید جدی قلمداد شود.

- کشور ما در بسیاری از صنایع بزرگ خود از تکنولوژی‌های فرسوده و دست‌چندم استفاده می‌کند که آلاینده‌گی بالایی برای محیط زیست دارند، اما از آنجا که منبع اشتغال برای بسیاری از هموطنانمان تلقی می‌شود به راحتی قابل حذف و حتی جایگزینی برای مسئولین نمی‌باشند (ایران خودرو به عنوان یک انحصارگر در بسیاری از تولیدات خود در کشور یک نمونه بارز از این دست صنایع‌اند). این مطلب در بلندمدت آثار جبران‌ناپذیری برای محیط زیست کشورمان دارد که در برنامه طرحی برای آن در نظر گرفته نشده است.

- آموزش در مسائل مربوط به محیط زیست علاوه بر آموزش‌های عمومی که برای تمامی

افراد در نظر گرفته می‌شود و البته در متن برنامه هم به آن اشاراتی شده است، برای موضوعات ریزتر و درعین حال بسیار مهم‌تری مانند چگونگی بالا بردن بهره‌وری در استفاده از آب کشاورزی (برای کشور کم‌آبی چون ایران)، کم‌هزینه‌ترین و مطمئن‌ترین (درعین حال ممکن است) طولانی در گرفتن بازخورد) گزینه است. در متن برنامه برای آموزش کشاورزان و دامپروران با همه تأکیدی که بر بالا بردن بهره‌وری توسط دولت و نهادهای ذی‌ربط شده است، جایی در نظر گرفته نشده است.

### ۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله بنا شد، با تکیه بر برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور، ارزیابی داشته باشیم از روند توجهات زیست‌محیطی در این برنامه‌ها و ضمن تحلیل هر کدام، راهکارهایی برای مسئولان و تصمیم‌گیران کشور در خصوص هر چه بی‌نقص‌تر نمودن این برنامه‌های توسعه - چه در مرحله تدوین قانون و چه در مرحله اجرا - ارائه نماییم. برای این منظور برنامه‌های توسعه پنج‌ساله کشور را از منظر هفت عنوان مختلف مورد بررسی قرار دادیم. این هفت عنوان با استفاده از روش دلفی انتخاب شده بودند، که با پاسخ و ردگیری آنها در برنامه‌های توسعه بتوان به جمع‌بندی قابل قبولی از عملکرد این قوانین در سال‌های مختلف رسید. این موضوعات عبارت بودند از: الف) ارزشگذاری منابع زیست‌محیطی، ب) ارزیابی اثرات زیست‌محیطی، ج) بهره‌وری، د) تخصص‌گرایی و بهره‌مندی از مراکز علمی و دانشگاهی، ه) استفاده از ابزارهای اقتصادی در حفاظت از محیط زیست، و) بانک جامع اطلاعاتی و درونی‌سازی هزینه‌های زیست‌محیطی، ز) موضوع توسعه پایدار. در ادامه، تحلیل خود را در دو قسمت ادامه دادیم. ابتدا - ضمن بیان مبانی نظری هر یک از هفت عنوان مطرح شده - این موضوعات را در چهار برنامه اول توسعه ردگیری کردیم و شدت ضعف هر برنامه را در پرداختن به موضوعات مطرحه مورد بررسی قرار دادیم. سپس به‌طور جداگانه برنامه پنجم را از منظر هفت عنوان مطرح شده بررسی کرده و ضمن مقایسه با برنامه‌های گذشته، چگونگی توجه این برنامه را به موضوعات مطرحه و در نهایت نقاط

ضعف، قوت، فرصت‌ها و چالش‌هایی که پیش‌روی این برنامه و به تبع محیط زیست کشورمان است را بررسی کردیم.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان عنوان داشت که موضوع محیط زیست در برنامه‌های توسعه رفته‌رفته و برنامه به برنامه از حالت حاشیه‌ای خارج شده و مواد و قوانین بیشتری را در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه به‌خود اختصاص می‌دهد. این مطلب با مقایسه برنامه پنجم و سایر برنامه‌های توسعه که در مقاله صورت گرفت بسیار مشهود بود. در عین حال نکاتی وجود دارد که در صورت توجه مسئولان به آنها، می‌توان شاهد جهشی جدی در حرکت روبه جلو کشورمان در خصوص مسائل محیط زیستی بود. این مطالب که به تفصیل در قسمت انتهایی مقاله (نقاط ضعف، قوت، فرصت و تهدید) ارائه که به صورت اختصار عبارت‌اند از:

- بحث «نظام راهبردی محیط زیست» در برنامه‌های توسعه (خصوصاً در برنامه پنجم) توجه ویژه‌ای شده است. این مطلب می‌تواند نقطه عطفی در تاریخ محیط زیست کشورمان برای تشکیل یک سازوکار هدفمند و بلندمدت برای نیل به یک توسعه پایدار باشد و باید با تشکیل کارگروه‌های ویژه‌ای و تشکل از نخبگان دانشگاهی و مسئولان مجرب برای آن هرچه زودتر اقدامی جدی کرد.

- ایران مدت‌هاست که در کنوانسیون‌ها و مجامع بین‌المللی زیست‌محیطی (مانند CDM) و یا نهادهای مهم بین‌المللی (مانند موقعیت ریاست مجمع کشورهای غیرمتعهد یا ریاست اوپک) عضو است و می‌تواند از امکانات و موقعیت‌هایی که مجامع بین‌المللی در اختیارش قرار داده (از اعطای وام گرفته تا دوره‌های تخصصی زیست‌محیطی) بهره‌بردار، اما کشور ما در این خصوص بسیار کمتر از انتظار ظاهر شده است. یک علت مهم در این خصوص، حضور کم‌رنگ سازمان محیط زیست و نخبگان ما در محافل زیست‌محیطی جهانی و عدم ارتباطات گسترده با مراکز و سازمان‌های بین‌المللی در خصوص محیط زیست است. برای این منظور، یک راهکار خوب مناسب می‌تواند برگزاری حداقل یک کنفرانس بین‌المللی در سال با حضور اساتید و انجمن‌های مطرح در جهان باشد که علاوه بر

اینکه وجهه زیست محیطی ایران را در دنیا بالا می برد، سطح استانداردهای کشورمان در خصوص محیط زیست، چه از منظر علمی و دانشگاهی و چه اجرایی و قانونگذاری را ارتقا می بخشد.

- یکی از مهم ترین عواملی که محیط زیست کشور ما را با مشکلات جدی روبه رو کرده و مسئولین آگاه و مطلع را هم از انجام عکس العمل مناسب بازداشته است، نگاه ما به فرایند صنعتی شدن است. وجود صنایع بزرگ با تکنولوژی پایین و فرسوده و درعین حال آلاینده بسیار بالا، مانع از به ثمر نشستن تلاش های بسیاری از کارشناسان و فعالان محیط زیست کشورمان می شود. این صنایع که عمدتاً زیان ده هم هستند، به علت حجم بزرگ و اشتغال بالایی که ایجاد کرده اند، از طرف دولت بی مهابا حمایت می شوند. لذا نه ادامه کار آنها و نه حذف یکباره ایشان کار درستی است و بنابراین باید برای حذف و مدیریت تکنولوژی جایگزین آن در بلندمدت چاره جدی اندیشید و بهترین محل آن برنامه های توسعه کشور است.

## منابع و مأخذ

۱. امامی میبدی، علی (۱۳۸۸). «اقتصاد محیط زیست (۱)»، جزوه درسی کارشناسی ارشد اقتصاد محیط زیست دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی.
۲. پوراصغر سنگاچین، فرزاد (۱۳۸۷). «نگاهی به تحولات بخش محیط زیست در برنامه‌های توسعه با تأکید بر برنامه پنجم»، هفته‌نامه برنامه، سال هفتم.
۳. دهقانیان، سیاوش و زکریا فرج‌زاده (۱۳۸۱). «اقتصاد محیط زیست برای غیراقتصاددان»، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
۴. سوری، علی و محسن ابراهیمی (۱۳۸۷). «اقتصاد منابع طبیعی و محیط زیست»، انتشارات نورعلم.
۵. عبیری، مسلم (۱۳۸۸). «مقایسه محتوایی و تفصیلی برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران»، هفته‌نامه برنامه، سال هشتم.
۶. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (۱۳۸۸-۱۳۸۴).
۷. معاونت برنامه‌ریزی و راهبردی ریاست جمهوری، لایحه برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (۱۳۹۴-۱۳۸۹).
۸. متصدی، سعید و صدیقه بیران (۱۳۸۷). «راهبردهای بخش محیط زیست جهت نیل به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور»، فصلنامه راهبرد، سال شانزدهم.
۹. محرم‌نژاد، ناصر (۱۳۸۵). «مدیریت و برنامه‌ریزی محیط زیست»، انتشارات میران.
۱۰. منوری، سیدمسعود و بهنوش خوش‌منش‌زاده (۱۳۸۶). «تجزیه و تحلیل قوانین و مقررات زیست محیطی استراتژیک (SEA) در کشورهای توسعه‌یافته، در حال توسعه و نیازسنجی آن در ایران»، فصلنامه محیط زیست، ش ۴۵.
۱۱. میراب‌زاده، پرستو (۱۳۸۵). «ارزیابی پیامدهای زیست‌محیطی: نیازها»، فصلنامه محیط زیست، ج ۸، ش ۳.
12. International Performance Index (2010). Yale and Colombia University.
13. Environmental Sustainability Index (2002). Yale and Colombia University.
14. Environmental Vulnerability Index (2005). Yale and Colombia University.
15. "Environmental Performance Index (EPI) (2010): Global Overview", Available at: <http://epi.yale.edu>.
16. "Environmental Vulnerability Index (EVI) (2005)", Available at: <http://www.vulnerabilityindex.net/daps/index.html>.

17. GLOBESCAN, Evidence and Ideas, Applied (2014), Available at: <http://www.Globescan.com>.
18. [http://en.wikipedia.org/wiki/Environmental\\_Vulnerability\\_Index](http://en.wikipedia.org/wiki/Environmental_Vulnerability_Index).
19. Morgera, E. (2010). "Environmental Policy and Legal Developments, Environmental Policy and Law", 40/1 IOS Press, UN.
20. Munasinghe, M. (ed.) (1993). "Environmental Economics and Natural Resource Management in Developing Countries", CIDIE, World Bank.
21. OECD, "Better Policies for Better Lives", Available at: <http://www.oecd.org/dataoecd/24/56/41288178.pdf>.
22. Pearce, D. and R. Turner (1990). *Economics of Natural Resources and The Environment*, The Johns Hopkins University Press. UK.
23. SADAC "Socio Economic Data and Application Center", Available at: <http://www.ciesin.columbia.edu/indicators/ESI>.
24. \_\_\_\_\_, Available at: [http://sedac.ciesin.columbia.edu/es/esi/rank\\_01.html](http://sedac.ciesin.columbia.edu/es/esi/rank_01.html).
25. Tienteberg, Tom and L. Lewis (2008). *Environmental and Natural Resource Economics*, Addison Wesley, 8<sup>th</sup> Edition.
26. Tienteberg, Tom (1996). *Environmental Economics*, Harpercollins College Div, 4 Edition.



# آزمون ارتباط بلندمدت و کوتاهمدت میان درآمد و مخارج دولت: با لحاظ شکست ساختاری

عباسعلی رضایی \*

تاریخ دریافت ۱۳۹۲/۱۲/۱۹ تاریخ پذیرش ۱۳۹۳/۹/۱۸

در مباحث اقتصاد بخش عمومی ارتباط میان درآمد و مخارج دولت به ویژه برای کشور ایران که از وجود کسری بودجه رنج می برد، یکی از موضوعات مهم و کلیدی محسوب می شود. به لحاظ نظری در مورد نوع این ارتباط چهار نحله فکری وجود دارد. هدف اصلی این مقاله بررسی ارتباط بلندمدت و کوتاهمدت میان درآمد و مخارج دولت در ایران طی دوره زمانی ۱۳۸۹-۱۳۵۷ با استفاده از تحلیل های شکست ساختاری است. از آنجا که در طول دوره بررسی اقتصاد ایران با چندین شکست ساختاری و تغییر رژیم روبه رو بوده است، بنابراین در ابتدا مانایی متغیرهای الگو با استفاده از آزمون های ریشه واحد زیوت اندریوز و لی استرازیچکی مورد بررسی قرار می گیرد. نتایج حاصل از آزمون های ریشه واحد زیوت اندریوز و لی استرازیچکی نشان می دهد که تمامی متغیرها الگو در سطح نامانا اما تفاضل مرتبه اول درآمد و مخارج دولت مانا می باشند. سپس با استفاده از آزمون های هم انباشتگی ساینکن لوتکیپل و گریگوری هانسن و روش خودرگرسیون برداری با وقفه گسترده ارتباط بلندمدت میان متغیرهای الگو بررسی می شود. نتایج حاصل از این آزمون ها مؤید وجود ارتباط بلندمدت مثبت و علی یک سویه از سمت درآمدهای دولتی به مخارج دولت در ایران است. نتایج حاصل از این پژوهش با نظریه فریدمن (۱۹۷۸) که معتقد به وجود رابطه علی مثبت از سمت درآمدهای دولت به مخارج دولت می باشد، منطبق است.

**کلیدواژه ها:** شکست ساختاری؛ آزمون علیت تودا - یاماموتو؛ تحلیل هم انباشتگی؛ اقتصاد ایران

E-mail: a.rezaei.a@gmail.com

\* کارشناس ارشد اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه مفید قم؛

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و دوم، شماره هشتاد و دو، تابستان ۱۳۹۴

## مقدمه

توسعه اقتصادی اصلی‌ترین هدف اقتصادی کشورهای در حال توسعه است. در این راستا سیاست‌های مالی با تصحیح فعالیت‌ها به تحقق این هدف کمک می‌کنند. در کشورهای در حال توسعه که حیطه فعالیت دولت به علت ضعف عملکرد بخش خصوصی گسترده است، بودجه دولت نقش تعیین‌کننده‌ای در سیاست‌گذاری اقتصادی برعهده دارد. دولت‌ها با استفاده از ابزار بودجه به اتخاذ سیاست‌گذاری‌های مالی می‌پردازند. اما کارایی سیاست‌های مالی در گرو تناسب و ترکیب ابزارهای مالی یعنی درآمدها و مخارج دولتی و نیز انعطاف‌پذیری و تأثیرگذاری آنها بر اهداف اقتصادی است.

در اقتصاد ایران، وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی و انعطاف‌ناپذیری مخارج دولت، باعث ناکارایی سیاست‌های مالی شده که این موضوع به نوبه خود نقش درآمدهای مالیاتی را در کاهش کسری بودجه دولت و نوسانات آن کم‌رنگ کرده است. کسری بودجه مداوم در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و پیشرفته و نتایج نامطلوب آن از جمله نرخ بهره واقعی بالا، کندی سرمایه‌گذاری، نرخ بالای بیکاری و افزایش بدهی دولت، در چند دهه گذشته سبب شد تا این موضوع مورد توجه خاص سیاست‌گذاران و محققان اقتصادی قرار گیرد. برای حل این مشکل راه‌های متفاوتی از جمله کاهش مخارج دولت، افزایش مالیات یا هر دو پیشنهاد شده است، اما تأثیر بهینه هر یک از راهکارهای ارائه شده بر کسری بودجه، مستلزم شناسایی دقیق ارتباط علی بین درآمدها و مخارج دولت است. تعیین جهت علیت بین این دو متغیر به سیاست‌گذاران در زمینه شناسایی دلایل کسری بودجه و همچنین طراحی برنامه‌های اصلاحی مناسب کمک می‌کند. از آنجا که اقتصاد ایران طی سالیان اخیر شاهد وقوع رویدادهای بزرگی همچون وقوع انقلاب، جنگ تحمیلی، تحریم و ... بوده که در نتیجه آنها امکان بروز شکست ساختاری در متغیرهای سری زمانی الگو وجود دارد، در این مقاله تلاش شد از آزمون‌های مختلف شکست‌های ساختاری پیرامون موضوع ریشه واحد همچون آزمون ریشه واحد زیوت - اندریوز و هم‌انباشتگی با لحاظ شکست ساختاری همانند آزمون سایکنن - لوتکیپل استفاده شود.

مقاله حاضر در شش بخش تنظیم شده است که پس از مقدمه، در بخش اول مبانی نظری و در بخش دوم به مرور ادبیات نظری درباره موضوع تحقیق پرداخته می‌شود. سپس در بخش سوم روش‌شناسی تحقیق، رابطه علیت بین متغیرهای درآمد و مخارج و در بخش چهارم رابطه هم‌انباشتگی میان متغیرهای الگو با لحاظ شکست ساختاری در ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد و در بخش پایانی جمع‌بندی و نتایج مقاله حاضر ارائه شده است.

### ۱. مبانی نظری ارتباط میان درآمد و مخارج دولت در ایران

رابطه علی میان درآمد و مخارج دولت مسئله‌ای بوده که از دیرباز مورد بحث و توجه اقتصاددانان بخش عمومی قرار داشته است. در این مورد در ادبیات اقتصادی نظریه‌های متفاوتی وجود دارد که می‌توان در قالب چهار فرضیه رقیب آنها را بررسی کرد.

فرضیه اول، فرضیه مالیات - مخارج<sup>۱</sup> است که به وسیله فریدمن<sup>۲</sup> (۱۹۷۸) مورد حمایت قرار گرفته و مبتنی بر این ایده است که رابطه علی از طرف درآمدهای دولت به سمت مخارج آن است. طبق این نظریه، هزینه‌ها نسبت به سطح درآمدی که به وسیله دولت می‌تواند تأمین شود، انطباق داده شده و افزایش و کاهش نشان می‌دهند. براساس فرضیه فریدمن (۱۹۷۸) کنترل مالیات‌ها، یک راهکار اساسی برای جلوگیری یا محدود کردن رشد اندازه دولت است، زیرا کنترل سطح درآمدها رشد مخارج دولت را نیز محدود خواهد کرد (هوور و شفرین،<sup>۳</sup> ۱۹۹۲). همچنین، در راستای کسری بودجه نباید به افزایش مالیات‌ها به عنوان یک ابزار کارا اعتماد کرد، به این دلیل که درآمدهای بالا مخارج بالاتر را به دنبال دارد. با این وجود، فریدمن معتقد به رابطه علی مثبت بین درآمدها و مخارج دولت است. همانند فریدمن، بوکانن و واگنر<sup>۴</sup> (۱۹۷۸ و ۱۹۷۷) نیز از فرضیه مالیات و مخارج دفاع می‌کنند، اما خاطر نشان می‌کنند که پیش‌بینی مالیات و مخارج ممکن است

---

1. Tax and Spend Hypothesis

2. Friedman

3. Hoover and Sheffrin

4. Buchanan and Wagner

مورد تحریف قرار گیرد، زیرا احتمال زیادی دارد که تبعات سیاسی تغییر در نرخ‌های مالیاتی از آثار اقتصادی و توزیع درآمدی بیشتر باشد.

براساس نظریه بوکانن و واگنر، محدود کردن مالیات‌ها به افزایش کسری بودجه منجر خواهد شد. آنها چنین تحلیل می‌کنند که کاهش مالیات‌ها، مخارج دولت را افزایش خواهد داد. بنابراین یک رابطه علی منفی از سمت درآمدها به مخارج برقرار خواهد بود، زیرا مردم به دلیل وجود پدیده توهم مالی<sup>۱</sup>، تأثیر این کاهش مالیات‌ها را بر هزینه‌هایشان به طور صحیح متوجه نمی‌شوند. در واقع، اگر چه دولت مالیات‌ها را کاهش داده است، اما از روش‌های دیگری مانند قرض کردن از بازارهای مالی یا بانک مرکزی، برای تأمین مالی مخارج خود استفاده خواهد کرد. نتیجه چنین سیاستی، نرخ‌های بهره بالاتر، جانشین کردن بخش دولتی به جای بخش خصوصی و افزایش تورم خواهد بود. مردم بدون توجه به این مسئله به دلیل توهم مالی و تنها با در نظر گرفتن این مطلب که مالیات قیمت کالاهای عمومی است، با کاهش مالیات‌ها مقدار تقاضایشان را برای کالاهای عمومی افزایش می‌دهند و در نتیجه، مخارج دولت افزایش خواهد یافت. هرگاه دولت مالیات‌ها را افزایش دهد، مردم درمی‌یابند که قیمت کالاهای عمومی افزایش یافته است، در نتیجه تقاضا برای کالاهای عمومی کاهش و مخارج دولت نیز کاهش می‌یابد (یانگ و هال، ۲۰۰۸).

فرضیه دوم، فرضیه مخارج و مالیات<sup>۳</sup> است که فرض می‌کند رابطه علیت از طرف مخارج به سمت درآمدهای مالیاتی می‌باشد. براساس این فرضیه دولت در ابتدا هزینه می‌کند و سپس تصمیم می‌گیرد که چگونه این هزینه‌ها در صورت لزوم از طریق افزایش مالیات‌ها تأمین مالی شود. اگر افزایش دائمی یا موقتی مخارج دولت دیر یا زود به افزایش مالیات‌ها منجر شود، در این صورت رابطه علی از سمت مخارج به درآمدهای دولت برقرار خواهد شد. همانند نظریه برابری ریکاردویی، بارو (۱۹۷۴) اذعان می‌کنند که دولت بدهی مالیاتی آتی خود را براساس قرض گرفتن‌های دولت فعلی پیش‌بینی و بودجه‌ریزی می‌کند. بنابراین،

---

1. Fiscal Illusion  
2. Young and Hall  
3. Spend and Tax Hypothesis

در غیاب توهم مالی، افزایش در مخارج دولت به افزایش در مالیات‌ها منجر می‌شود. پیکاک و وایزمن<sup>۱</sup> (۱۹۷۹) این نظریه را تأیید و چنین تحلیل می‌کنند که موقعیت‌های خاص مانند بحران‌های طبیعی، اقتصادی و سیاسی توجیهی برای افزایش مخارج دولتی می‌باشند که متعاقباً به وسیله افزایش مالیات‌ها تسویه می‌شود. براساس این فرضیه، کاهش در مخارج دولت مطلوب‌ترین راه‌حل برای کاهش کسری بودجه به‌ویژه در غیاب انواع بحران‌هاست.

فرضیه سوم بر جداسازی ساختاری<sup>۲</sup> توابع تخصیصی و مالیات‌بندی دولت تأکید می‌کند و تعیین درآمدها و مخارج به‌صورت مستقل و توسط دو نهاد جداگانه را مبنا قرار می‌دهد. براساس این فرضیه، هیچ رابطه علی بین درآمدها و مخارج دولت وجود نخواهد داشت. این فرضیه در قالب الگوی سهم - ثابت توسط هوور و شفرین (۱۹۹۲)، مورد بررسی قرار گرفته است. براساس فرضیات این الگو، دولت میزان مخارج و مالیات‌ها را با یک حساب تخمینی به‌صورت سهم ثابتی از تولید ناخالص ملی در نظر می‌گیرد و نیازی به هماهنگی سهم در نظر گرفته شده وجود ندارد. از دید آنها با توجه به چارچوب اقتصادی آمریکا، این فرضیه به غیاب هماهنگی مابین تصمیمات درآمدی و هزینه‌ای دولت به‌دلیل نبود توافق مابین بدنه اجرایی و قانونگذاری دولت که در فرایند بودجه‌ریزی مشارکت دارند، تأکید می‌کند. سازگار با این دیدگاه یافته‌های باغستانی و مک‌ناون<sup>۳</sup> (۱۹۹۴)، نشان می‌دهد که هیچ‌کدام از نظریه‌های مالیات - مخارج و یا مخارج - مالیات در بودجه‌ریزی اقتصاد آمریکا پس از جنگ جهانی دوم صادق نیستند؛ در مقابل، آنها اثبات کردند که انبساط مالی در درآمدها و هزینه‌های دولت، به‌وسیله رشد اقتصادی بلندمدت تعیین می‌شود.

فرضیه چهارم به یک رابطه علی دوسویه میان درآمدها و مخارج دولت تأکید دارد. نظریه هم‌زمانی مالی<sup>۴</sup> توسط ماسگریو،<sup>۵</sup> ملتزر و ریچارد<sup>۶</sup> ارائه و فرض می‌شود که

- 
1. Peacock and Wiseman
  2. Institutional Separation Hypothesis
  3. Baghestani and McNown
  4. Synchronization Hypothesis
  5. Musgrave
  6. Meltzer and Richard

تصمیمات در مورد درآمدها و مخارج دولت به وسیله تحلیل هزینه - فایده برنامه‌های جایگزین، به صورت هم‌زمان اخذ می‌شوند و یک رابطه علی دوسویه بین درآمدها و مخارج دولت وجود دارد. لذا این دیدگاه علیت یک‌سویه مابین درآمدها و مخارج دولت را نقض می‌کند. در این حالت میزان مطلوب درآمدها و مخارج دولت از برابری منافع و هزینه‌های نهایی برنامه‌های دولت مشخص می‌شود (اسلان و تاسدمیر، ۲۰۰۹).

## ۲. مروری بر ادبیات تجربی

ساه و بافز<sup>۱</sup> (۱۹۹۴) در مطالعه‌ای برای کشورهای آمریکای لاتین به این نتیجه رسیدند که در کشور آرژانتین طی دوره ۱۹۸۴-۱۹۱۳ و برای کشور مکزیک طی دوره ۱۹۸۴-۱۸۹۵ میان درآمد و مخارج دولت رابطه علیت دوطرفه وجود دارد. اما طی دوره مذکور برای برزیل رابطه علی یک‌طرفه از درآمد به مخارج دولت وجود دارد. اویی<sup>۲</sup> (۱۹۹۵) در بررسی ارتباط میان درآمد و مخارج دولت در بین کشورهای G7 نشان می‌دهد که برای پنج کشور از هفت کشور عضو G7 ارتباط علی دوسویه میان درآمد و مخارج دولت وجود دارد و تنها برای دو کشور ژاپن و ایتالیا ارتباط علی یک‌طرفه از درآمد به مخارج دولت وجود دارد. اوینگ و پاینی<sup>۳</sup> (۱۹۹۸) کشورهای آمریکای لاتین را مورد بررسی قرار داده و نتایج متفاوتی به دست آوردند. به عنوان مثال در مطالعه آنها برای شیلی و پاراگوئه وجود ارتباط علی دوطرفه میان درآمد و مخارج دولت به اثبات می‌رسد، اما برای کشورهای نظیر کلمبیا، اکوادور و گواتمالا ارتباط علی یک‌طرفه از درآمد دولت به مخارج دولت تأیید می‌شود. عبدال عزیز و شاه حبیب اله<sup>۴</sup> (۲۰۰۰) به بررسی ارتباط میان درآمدهای مالیاتی و مخارج دولت مالزی با استفاده از رابطه علیت تودا - یاماموتو طی دوره ۱۹۹۷-۱۹۶۰ می‌پردازد. نتایج حاصل از مطالعه وی نشان می‌دهد که طی دوره ذکر شده بین درآمدهای

1. Shah and Baffes

2. Owoye

3. Ewing and Payne

4. Abdul Aziz and Shah Habibullah

مالیاتی و مخارج دولت ارتباط علی دوسویه وجود دارد. حسین و هایدر<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) به بررسی ارتباط میان درآمد و مخارج دولت پاکستان طی دوره ۲۰۰۳-۱۹۷۳ می‌پردازد. نتایج حاصل از پژوهش وی ارتباط علی دوسویه میان درآمد و مخارج دولت پاکستان طی دوره مطالعه را تأیید می‌کند. مغیره و سویدان<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) به بررسی فرضیات مالیات - مخارج، مخارج - مالیات و هم‌زمانی مالی برای کشور اردن طی دوره زمانی ۲۰۰۲-۱۹۶۹ می‌پردازند. آنها از متغیر تولید ناخالص داخلی واقعی به‌عنوان متغیر کنترل و از متغیرهای مخارج حقیقی و درآمد واقعی دولت به‌منظور بررسی رابطه علیت متغیرها با استفاده از روش مدل تصحیح خطا (ECM) استفاده می‌کنند. نتایج حاصل از پژوهش آنها وجود رابطه علی دوطرفه میان درآمد و مخارج دولت را در کشور اردن تأیید می‌نماید.

میوآرا و فلورینا<sup>۳</sup> (۲۰۰۶) در مطالعه‌ای با عنوان «رابطه علی و معلولی بین درآمدها و مخارج دولت در رومانی» به آزمون رابطه علیت بین درآمدها و مخارج عمومی پرداختند. آنها به‌منظور بررسی پویایی‌های کوتاه‌مدت از توابع واکنش آنی به‌دست آمده از برآورد یک مدل خودرگرسیون برداری غیرمقید استفاده کردند که نتایج آن فرضیه هم‌زمانی مالی بین درآمد و مخارج را مورد حمایت قرار می‌دهد، یعنی درآمدهای دولت علیت گرنجر مخارج آن است و برعکس. همچنین، نتایج آزمون خودرگرسیون برداری نشان می‌دهد که با توجه به اینکه کسری بودجه به‌طور پایدار بین ۲ تا ۳ درصد از GDP است، تصمیمات عمومی تنها به‌وسیله کاهش هزینه‌ها قابل اجرا نخواهد شد و کاهش مخارج دولت کاهش درآمدهای دولتی را به بار خواهد آورد. نیامنگو<sup>۴</sup> (۲۰۰۷) با به‌کارگیری داده‌های ماهیانه و روش مدل تصحیح خطای برداری به بررسی ارتباط میان درآمد و مخارج دولت در کشور آفریقای جنوبی می‌پردازد. نتایج حاصل از مطالعه وی نشان می‌دهد که دو متغیر درآمد و مخارج دولت هم انباشته و بنابراین ارتباط بلندمدت بین آنها وجود دارد همچنین آزمون

---

1. Hussain and Haider  
2. Maghyreh and Sweidan  
3. Mioara and Florina  
4. Nyamongo et al.

علیت گرنجری مؤید وجود ارتباط دوسویه بین درآمد و مخارج دولت می‌باشد و بنابراین فرضیه هم‌زمانی مالی بین دو متغیر مذکور در کشور آفریقای جنوبی تأیید می‌گردد. اما در کوتاه‌مدت هیچگونه ارتباط علی میان دو متغیر وجود ندارد، بنابراین فرضیه جداسازی ساختاری این دو متغیر در کوتاه‌مدت تأیید می‌شود.

آموا و لولو<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) به بررسی ارتباط علی میان درآمد و مخارج دولت در کشور غنا با استفاده از داده‌های سالیانه دو متغیر مذکور، در دو حالت اسمی و واقعی (که تبدیل به داده‌های فصلی شده بودند) طی دوره زمانی ۲۰۰۷-۱۹۸۳ می‌پردازند. نتایج حاصل از روش تصحیح خطا و آزمون علیت گرنجری در کوتاه‌مدت و بلندمدت با یکدیگر متفاوت است به گونه‌ای که نتایج آزمون علیت در بلندمدت نشان می‌دهد که جهت علیت از سمت مخارج به درآمدهای دولتی است (فرضیه مخارج - مالیات تأیید می‌شود) در حالی که در کوتاه‌مدت جهت علیت از سمت درآمدهای دولتی به سمت مخارج دولت است (فرضیه مالیات - مخارج تأیید می‌شود). ایتا و امبازیمبا<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) به بررسی ارتباط علی میان درآمد و مخارج دولت در نامیبیا در قالب یک الگوی خودرگرسیون برداری با استفاده از سری زمانی سالیانه متغیرهای درآمد و مخارج دولت طی دوره ۲۰۰۷-۱۹۷۷ می‌پردازند. نتایج حاصل از این مطالعه از فرضیه درآمد - مخارج حمایت می‌کند به این معنا که جهت علیت از سمت درآمدهای دولتی به سمت مخارج دولت در نامیبیا تأیید می‌شود. طاهها و لوگاناتا<sup>۳</sup> (۲۰۰۸) به بررسی ارتباط میان درآمد و مخارج دولت طی دوره ۲۰۰۶-۱۹۷۰ در کشور مالزی می‌پردازد. آنها با تفکیک درآمدهای دولتی به سه بخش، درآمدهای حاصل از مالیات مستقیم، درآمدهای مالیاتی غیرمستقیم و درآمدهای غیرمالیاتی دولت و با استفاده از آزمون علیت گرنجری به این نتیجه می‌رسند که بین درآمدهای مالیاتی مستقیم، درآمدهای مالیاتی غیرمستقیم و مخارج دولت طی دوره مطالعه ارتباط علی دوسویه وجود دارد اما بین درآمدهای غیرمالیاتی و مخارج دولت هیچگونه ارتباط علی وجود ندارد.

1. Amoah and Loloh

2. Eita and Mbazima

3. Yuan-Hong Ho and Chiung-Ju Hunag



یوان هنگ هو و چی یونگ هانگ<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای با عنوان «مالیات به هزینه، هزینه به مالیات یا هم‌زمانی مالی: یک تحلیل تابلویی از داده‌های واقعی چین» به آزمون فرضیه در مورد رابطه علیت بین مخارج و درآمدهای دولت در ۳۱ استان چین در دوره ۲۰۰۵-۱۹۹۹ پرداختند. نتایج، مدل‌های تصحیح خطای پانل چندمتغیره نشان می‌دهد که هیچ رابطه علیت معناداری بین درآمدها و هزینه‌های دولت در کوتاهمدت وجود ندارد. اما در بلندمدت یک رابطه بلندمدت دوطرفه بین درآمدها و هزینه‌های دولت وجود دارد که فرضیه هم‌زمانی مالی را برای ۳۱ استان چین در دوره یاد شده مورد حمایت قرار می‌دهد.

مرات اسلان و مرات تاش دمیر<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان «آیا فرضیه هم‌زمانی مالی برای ترکیه مصداق دارد؟ شواهدی از هم‌انباشتگی و آزمون علیت گرنجر با شکست‌های ساختاری درون‌زا» تلاش کردند تا با استفاده از آزمون‌های هم‌انباشتگی و علیت گرنجر با لحاظ شکست ساختاری الگوی رابطه علیت و پویایی‌های بین درآمد و مخارج دولت در ترکیه در دوره ۲۰۰۷-۱۹۵۰ استخراج کنند. نتایج نشان می‌دهد که رابطه بلندمدت بین درآمدها و مخارج دولت از یک روند تصادفی پیروی می‌کند و نتایج بسیار پایدار است. یعنی هیچ نوع شکست ساختاری و یا تغییر در وقفه نتایج مدل را تغییر نمی‌دهد. در نهایت، نتایج حاکی از تأیید برقراری وقفه هم‌زمانی مالی بین درآمدها و هزینه‌های دولت در ۵۰ سال گذشته است.

آفونسو و رالت<sup>۳</sup> (۲۰۰۹) به بررسی ارتباط میان درآمد و مخارج دولت در بین کشورهای اتحادیه اروپا طی دوره ۲۰۰۶-۱۹۶۰ و با روش اقتصادسنجی پانل دیتا به بررسی پرداختند. نتایج حاصل از مطالعه آنها نشان می‌دهد که برای کشورهای ایتالیا، فرانسه، اسپانیا، یونان و پرتغال ارتباط علی از سمت مخارج به درآمدهای مالیاتی است در حالی که برای کشورهای آلمان، بلژیک، اتریش، فنلاند و انگلیس رابطه علیت از سمت درآمدهای مالیاتی به سمت مخارج

---

1. R. Taha and N. Loganathan  
2. Murat Aslan and Murat Taşdemir  
3. Afonso and Rault

دولت است. راوینسیراکوماران<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) به بررسی ارتباط میان درآمد و مخارج دولت در کشور سریلانکا طی دوره ۲۰۰۹-۱۹۷۷ با استفاده از روش هم‌انباشتگی انگل گرنجری می‌پردازد. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که بین دو متغیر درآمد و مخارج دولت در کشور سریلانکا طی دوره زمانی مذکور ارتباط علی دوسویه وجود دارد.

الیاسی و رحیمی<sup>۲</sup> (۲۰۱۱) به بررسی ارتباط میان درآمد و مخارج دولت در ایران طی سال ۲۰۰۷-۱۹۶۳ می‌پردازند. متغیرهای موجود در این مطالعه شامل درآمد، مخارج دولت و تولید ناخالص داخلی حقیقی سرانه به شکل لگاریتمی مورد استفاده قرار می‌گیرند. آنها با استفاده از روش خودتوضیح برداری با وقفه‌های گسترده و آزمون باند به بررسی ارتباط بلندمدت میان متغیرهای ذکر شده می‌پردازند. نتایج حاصل از مطالعات آنها نشان می‌دهد که بین درآمد و مخارج دولت در ایران در کوتاه‌مدت و بلندمدت ارتباط علی دوسویه وجود دارد و فرضیه هم‌زمانی مالی طی دوره مطالعه تأیید می‌شود. بنابراین دولت به‌منظور کاهش کسری بودجه باید تلاش کند که هم‌زمان با افزایش درآمدها، هزینه‌های دولتی را کاهش دهد.

الخلیفی<sup>۳</sup> (۲۰۱۲) به بررسی ارتباط میان درآمد و مخارج دولت در کشور قطر طی دوره ۲۰۱۱-۱۹۸۰ با استفاده از آزمون هم‌انباشتگی انگل گرنجر و آزمون علیت گرنجری می‌پردازد. نتایج حاصل از آزمون‌های دیکی فولر تعمیم یافته و فیلپس پرون نشان می‌دهد که هر دو متغیر هم‌انباشته از درجه یک می‌باشند و آزمون هم‌انباشتگی انگل گرنجر نشان‌دهنده وجود ارتباط بلندمدت میان درآمد و مخارج دولت در کشور قطر است. نتایج آزمون علیت گرنجری نشان‌دهنده وجود ارتباط یک‌طرفه از درآمدهای دولت به سمت مخارج دولت می‌باشد.

پتانلا و صادقی<sup>۴</sup> (۲۰۱۲) به بررسی ارتباط میان درآمد و مخارج دولت در بین ۱۵ کشور صادرکننده نفت در چارچوب یک مدل پانل VAR برای دوره زمانی ۲۰۰۹-۲۰۰۰

1. Ravinthirakumaran

2. Elyasi and Rahimi

3. Al-khulaifi

4. Petanla and Sadeghi

با استفاده از داده‌های سالیانه کشورها می‌پردازند. در این مطالعه از درآمدهای نفتی به‌عنوان یک متغیر جایگزین درآمدهای دولت (زیرا درآمدهای نفتی بیشترین حجم درآمدهای دولتی را در اغلب کشورهای صادرکننده نفتی به‌خود اختصاص می‌دهد) استفاده می‌شود. نتایج حاصل از مطالعه آنها نشان‌دهنده وجود ارتباط علی یک‌سویه از درآمدهای نفتی به سمت مخارج دولت در کشورهای منتخب در بلندمدت است. گرکز و همکاران (۲۰۱۲) به بررسی ارتباط میان درآمدهای نفتی و مخارج دولت در ایران طی دوره زمانی ۲۰۰۷-۱۹۹۶ می‌پردازند. نتایج آنها نشان می‌دهد که درآمدهای نفتی طی دوره زمانی مطالعه بر مخارج دولت تأثیرگذار بوده و این تأثیر در دوره زمانی بلندمدت مثبت و معنادار است.

### ۳. روش‌شناسی تحقیق

از آنجا که در مورد نوع ارتباط و جهت علیت میان متغیر درآمد و مخارج دولت چهار نحله فکری وجود دارد، بنابراین در این مطالعه ابتدا به بررسی رابطه علی میان متغیرهای مذکور می‌پردازیم. در اکثر مطالعات انجام شده برای تعیین علیت، از آزمون علیت گرنجر به‌عنوان راه‌حل کلیدی استفاده شده است. اما روش‌های دیگری نیز برای آزمون علیت به کار برده شده است که بخشی از آنها به‌وسیله تکنیک‌های جدید اقتصادسنجی توسعه داده شده است. با این مقدمه، روش‌شناسی مطالعات انجام شده را می‌توان در چهار گروه اصلی دسته‌بندی کرد:

اولین گروه روش‌شناسی مطالعاتی است که توسط گرنجر<sup>۱</sup> (۱۹۶۹) و سیمز<sup>۲</sup> (۱۹۷۲) برای کشورهای توسعه‌یافته‌ای همچون ایالات متحده آمریکا در دوره ۱۹۸۸-۱۹۴۷ به کار برده شده است. گروه دوم مطالعات، تکنیک هشیائو<sup>۳</sup> (۱۹۸۱) را به کار برده‌اند که آزمون علیت گرنجر را به‌وسیله ترکیب کردن معیار آکائیک (۱۹۶۹) و معیار خطای پیش‌بینی نهایی گسترش داد. این مطالعات کشورهایی همچون ایالات متحده، آمریکای لاتین و

---

1. Granjer  
2. Sims  
3. Hsiao

چند کشور آسیایی را دربرمی گیرند. گروه سوم مطالعات متدلوزیکی مربوط به هم‌انباشتگی و مدل تصحیح خطا (گرنجر، ۱۹۸۸) است که در چندین مطالعه جداگانه برای تعدادی از کشورهای توسعه یافته و برخی از کشورهای در حال توسعه به کار برده شده‌اند. گروه چهارم، مربوط به آزمون علیت تودا و یاماموتو<sup>۱</sup> (۱۹۹۵) است که با ارائه این آزمون، مشکلاتی نظیر قدرت پایین آزمون‌های ریشه واحد و عدم قابلیت اطمینان آزمون‌های هم‌انباشتگی در نمونه‌های کوچک برطرف می‌شود.

روش تودا یاماموتو نسبت به سایر آزمون‌های علیت مزایایی دارد که به اختصار

اشاره می‌کنیم:

۱. روش‌های متعددی جهت بررسی روابط علی بین متغیرها وجود دارد (مانند روش‌های گرنجر، سیمز و ...) اما روش‌های موصوف نسبت به درجه هم‌انباشتگی متغیرها حساس است. در صورتی که در روش آزمون علیت تودا و یاماموتو نیازی به یکسان بودن درجه انباشتگی متغیرها نیست. به عبارت دیگر این روش به وجود رابطه هم‌انباشتگی میان متغیرها حساس نیست.

۲. روش آزمون بسیار ساده بوده و بسیاری از ضعف‌های سایر روش‌های اقتصادسنجی

را ندارد.

از این رو در این مقاله، برای دوری از مشکلاتی که در کاربرد روش‌های گروه اول تا

سوم وجود دارد، از روش تودا - یاماموتو به عنوان روشی مطلوب جهت بررسی رابطه علی

بین متغیرهای درآمد و مخارج دولت در ایران استفاده شده است.

### ۱-۳. آزمون علیت تودا و یاماموتو

تودا و یاماموتو در سال ۱۹۹۵، یک روش ساده به صورت تخمین یک مدل VAR

تعدیل یافته، برای بررسی رابطه علیت گرنجر پیشنهاد دادند. آنها استدلال کردند که این

روش حتی در شرایط وجود یک رابطه هم‌جمعی بین متغیرها نیز معتبر است در این روش

---

1. Toda and Yamamoto (TY)

ابتدا باید تعداد وقفه‌ها (k) ی بهینه مدل VAR و سپس درجه همگرایی ماکزیمم (dmax) را تعیین کرد و یک مدل VAR را با تعداد وقفه‌های (k + dmax) تشکیل داد. البته فرایند انتخاب وقفه زمانی معتبر خواهد بود که  $k \geq dmax$  باشد. پس اگر مدل دو متغیره زیر را در نظر بگیریم آزمون علیت تودا یا ماموتو را می‌توان به صورت ذیل مشخص کرد:

$$Y_t = \alpha_0 + \beta_{1i} \sum_{i=1}^k Y_{t-i} + \beta_{1j} \sum_{j=k+1}^{dmax} Y_{t-j} + \gamma_{1i} \sum_{i=1}^k X_{t-i} + \gamma_{1j} \sum_{j=k+1}^{dmax} X_{t-j} + \varepsilon_{1t} \quad (1)$$

$$X_t = \alpha_1 + \lambda_{1i} \sum_{i=1}^k X_{t-i} + \lambda_{1j} \sum_{j=k+1}^{dmax} X_{t-j} + \delta_{1i} \sum_{i=1}^k Y_{t-i} + \delta_{1j} \sum_{j=k+1}^{dmax} Y_{t-j} + \varepsilon_{2t} \quad (2)$$

آماره آزمون مورد استفاده، آماره والد<sup>۱</sup> است، که توزیع  $X^2$  مجانبی با درجه آزادی برابر با تعداد محدودیت‌ها دارد. زاپاتا و رامبالدی<sup>۲</sup> (۱۹۹۷) بیان می‌کنند که مزیت این روش این است که ما را از لزوم اطلاع داشتن از ویژگی‌های هم‌جمعی سیستم بی‌نیاز می‌کند و فقط اطلاع از رتبه مدل خودرگرسیون برداری و درجه همگرایی ماکزیمم متغیرها برای انجام این آزمون کفایت می‌کند. با عنایت به رابطه (۱) و (۲) می‌توان رابطه علیت میان درآمد و مخارج دولت در ایران را به صورت زیر بازنویسی کنیم:

$$LTR_t = C_1 + \sum_{i=1}^2 \alpha_{1i} LTR_{t-i} + \sum_{i=1}^2 \beta_{1i} LGE_{t-i} + \varepsilon_{1t} \quad (3)$$

$$LGE_t = C_1 + \sum_{i=1}^2 \alpha_{2i} LTR_{t-i} + \sum_{i=1}^2 \beta_{2i} LGE_{t-i} + \varepsilon_{2t} \quad (4)$$

که در آن:

$LTR_t$ : بیانگر لگاریتم درآمدهای دولتی،

$LGE_t$ : بیانگر لگاریتم مخارج دولتی است.

## ۲-۳. ایستایی<sup>۳</sup> و آزمون ریشه واحد<sup>۴</sup>

در مدل‌سازی اقتصادی و اقتصادسنجی سری‌های زمانی بایستی ایستایی متغیرهای سری

۱. باید توجه داشت که آزمون محدودیت والد تنها روی وقفه‌های اصلی (k) صورت می‌پذیرد.

2. H. O. Zapata and A. N. Rambaldi

3. Stationarity

4. Unit Root Test

زمانی مورد بررسی قرار گیرد. یکی از انواع مهم داده‌های آماری مورد استفاده در تجزیه و تحلیل‌های تجربی، داده‌های سری زمانی می‌باشد. بررسی‌هایی که از سال‌های ۱۹۹۰ به بعد انجام شده، نشان داده است که فرض ایستایی (میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان ثابت بوده و مستقل از زمان باشد) در مورد بسیاری از متغیرهای سری‌های زمانی اقتصاد کلان نادرست بوده و اکثر این متغیرها وابسته به زمان بوده و نایستا می‌باشند. مطالعات نشان داده است که در صورت عدم تحقق فرض ایستایی یعنی نایستا بودن متغیرها در سری‌های زمانی، استفاده از آمارهای  $F, t$  گمراه‌کننده بوده و احتمال اینکه نتایج به دست آمده تنها یک رگرسیون جعلی بوده و هیچگونه رابطه اقتصادی واقعی تعادلی نداشته باشد، افزایش می‌یابد. بنابراین لازم است ایستایی و نایستایی متغیرها بررسی شود.

### ۱-۲-۳. آزمون ریشه واحد با لحاظ شکست ساختاری<sup>۱</sup>

برای بررسی ایستایی متغیرها آزمون‌های مختلفی همچون همبستگی نگار<sup>۲</sup> و تابع خود همبستگی<sup>۳</sup>، آزمون دیکی-فولر<sup>۴</sup> و دیکی-فولر تعمیم یافته<sup>۵</sup> وجود دارد. با توجه به اینکه در روش تودا و یاماموتو به اطلاعاتی در مورد درجه پایایی متغیرها و وقفه بهینه نیازمندیم از این رو ابتدا پایایی متغیرها آزمون شده است. آزمون‌های ریشه واحد مرسوم از قبیل آزمون‌های دیکی-فولر تعمیم یافته<sup>۶</sup> (۱۹۷۹) و فیلیس-پرون<sup>۷</sup> (۱۹۸۸) هنگام وجود شکست شکست ساختاری در متغیرهای اقتصادی نتایج گمراه‌کننده‌ای را گزارش می‌دهند (تورش به سمت عدم رد فرضیه صفر هنگامی که داده‌های سری زمانی دچار شکست ساختاری

1. Structural Breaks

2. Correlogram

3. Auto Correlation Functions (ACF)

4. Dickey-Fuller Test (DF)

5. Augmented Dickey-Fuller Test (ADF)

۶. البته نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد دیکی-فولر نشان می‌دهد که تمامی متغیرها ناپایا هستند و همگی با یک

بار تفاضل‌گیری پایا می‌شوند بنابراین هر دو متغیر الگو هم انباشته از درجه یک  $I(1)$  می‌باشند (نتایج به منظور رعایت

اختصار گزارش نشده است).

7. Philips and Perron

شده باشند) (پرون، ۱۹۸۹) از آنجا که در طول دوره تحقیق شاهد ظهور و بروز حوادث و وقایع عدیده‌ای مانند بروز انقلاب، جنگ تحمیلی، تحریم و ... در اقتصاد ایران می‌باشیم، امکان شکست ساختاری در سری‌های زمانی الگو بسیار قوت می‌یابد. بدین منظور و جهت جلوگیری از نتایج گمراه‌کننده، از دو آزمون ریشه واحد با لحاظ شکست ساختاری جهت بررسی مانایی متغیرهای الگو به شرح زیر استفاده می‌شود.

#### ۱-۲-۳. آزمون زیوت - اندریوز<sup>۱</sup> با لحاظ یک شکست ساختاری

موضوع تغییرات ساختاری اهمیت قابل توجهی در تحلیل سری‌های زمانی اقتصاد کلان دارد. تحولات ساختاری در بسیاری از سری‌های زمانی، می‌تواند دلایل متعددی از قبیل بحران‌های اقتصادی، تغییر در چارچوب و ترتیبات نهادی - سازمانی، تغییرات سیاسی و حتی تغییر رژیم حکومتی داشته باشد. اگر چنین تحولات ساختاری در روند داده‌های سری زمانی مورد توجه قرار نگیرد، ممکن است نتایج تخمین به سمت عدم رد فرض نامانایی داده‌ها تورش داشته باشد. لازم به ذکر است، تعیین درون‌زای یک شکست ساختاری بالقوه، لزوماً به معنی وجود شکست ساختاری واقعی نمی‌باشد و این مسئله درحقیقت بیان‌کننده این است که اگر واقعاً شکستی رخ داده باشد، بیشترین احتمال وقوع آن در زمان تعیین شده به صورت درون‌زا خواهد بود (صمدی و پهلوانی، ۱۳۸۸: ۲۴۵).

به منظور یافتن درون‌زای زمان تغییر جهت ساختاری در متغیرهای الگو از آزمون زیوت - اندریوز که در واقع تعمیم یافته آزمون پرون<sup>۲</sup> (۱۹۸۹) است، استفاده می‌کنیم. در این آزمون فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد است، به طوری که هیچ شکست ساختاری وارد الگو نشود؛ درحالی که فرض مقابل بیان می‌کند که سری زمانی دارای روندی مانا با یک شکست ساختاری است که در زمانی نامعلوم رخ داده است.<sup>۳</sup>

1. Zivot and Andrews

2. Perron

۳. آزمون زیوت - اندریوز در حضور شکست ساختاری درون‌زا مانایی متغیرها را نیز نشان می‌دهد (هاروی و پهلوانی، ۲۰۰۶).

در این آزمون فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد عبارت است از:

$$H_0: y_t = \mu + y_{t-1} + \varepsilon_t \quad (5)$$

و فرضیه مقابل آن از سه الگو (A)، (B) و (C) - بسته به فرضیه - رقیب تبعیت می کند:

$H_1:$

$$\text{Model (A): } y_t = \mu^A + \hat{\theta}^A DU_t(\bar{T}_b) + \hat{\beta}^A t + \hat{\alpha}^A y_{t-1} + \sum_{j=1}^k \hat{C}^A_j \Delta y_{t-j} + \varepsilon_t$$

$$\text{Model (B): } y_t = \mu^B + \hat{\beta}^B t + \hat{\gamma}^B DT_t(\bar{T}_b) + \hat{\alpha}^B y_{t-1} + \sum_{j=1}^k \hat{C}^B_j \Delta y_{t-j} + \varepsilon_t$$

$$\text{Model (C): } y_t = \mu^C + \hat{\theta}^C DU_t(\bar{T}_b) + \hat{\beta}^C t + \hat{\gamma}^C DT_t(\bar{T}_b) + \hat{\alpha}^C y_{t-1} + \sum_{j=1}^k \hat{C}^C_j \Delta y_{t-j} + \varepsilon_t$$

همان طور که مشاهده می شود، الگوی A بیانگر تغییر در عرض از مبدأ، الگوی B

بیانگر تغییر در شیب و الگوی C بیانگر تغییر در عرض از مبدأ و تغییر در شیب توأم با

یکدیگر می باشد.  $DU$  یک متغیر مجازی است که کمیت آن برای سال های  $t > T_b$  برابر با

یک و برای بقیه سال ها صفر است و  $DT_t$  یک متغیر مجازی روند است که کمیت آن برای

سال های  $t > T_b$  برابر با  $t - T_b$  و برای بقیه سال ها صفر است که در آن  $T_b$  زمان شکست

ساختاری است. زیوت و اندریوز پیشنهاد می کنند که نقاط شکستگی (تاریخ تغییر جهت

ساختاری) مابین ۷۰ درصد حجم نمونه قرار می گیرد؛ یعنی  $0.157 \leq T_b \leq 0.857$  برای

هر یک از سال ها، الگوهای (A)، (B) و (C) بسته به فرضیه رقیب به روش حداقل مربعات

معمولی تخمین زده می شود و پایین ترین آماره  $t$  مربوط به ضریب  $y_{t-1}$  هر یک از

رگرسیون ها با توجه به مقدار بهینه، به عنوان سال شکست ساختاری یا تغییر جهت ساختاری

انتخاب می شود. تحت صحت فرضیه صفر، آماره  $t$  مربوط به ضریب  $y_{t-1}$  (یعنی  $t_{\alpha}$ )

دارای توزیع حدی است. کمیت های بحرانی مورد نیاز برای انجام آزمون - با توجه به

کمیت  $\lambda$  که نسبت زمان بروز شکست ساختاری به حجم نمونه ( $\lambda = \frac{T_b}{n}$ ) را نشان می دهد -

توسط پرون استخراج و جدول بندی شده است. آماره آزمون مربوط به سایر ضرایب



برآورد شده، وقتی فرضیه صفر رد می‌شود، دارای توزیع حدی نرمال استاندارد است. بنابراین می‌توان از مقادیر بحرانی توزیع نرمال استاندارد برای آزمون معنادار بودن ضرایب استفاده کرد. آنچه که در برآورد رگرسیون الگوهای (A)، (B) و (C) برای ما مهم است، کمیت ضریب مربوط به  $y_{t-1}$  یعنی  $\alpha$  و کمیت آماره  $t$  آن است. به منظور انجام ریشه واحد (ناپایایی)، فرضیه صفر و مقابل زیر مورد توجه قرار می‌گیرد:

$$\begin{cases} H_0: \alpha = 1 \\ H_1: \alpha < 1 \end{cases}$$

کمیت آماره آزمون براساس صحت فرضیه  $H_0$  با استفاده از رابطه محاسبه  $t = \frac{\hat{\alpha} - \alpha}{\alpha}$

می‌شود و این آماره با مقادیر بحرانی توزیع حدی آماره آزمون  $t_{\hat{\alpha}}$  که تغییر ساختاری را نشان می‌دهد مقایسه می‌شود، در صورتی که مقدار این آماره (از لحاظ جبری) از مقادیر تمامی کمیت‌های بحرانی ارائه شده در سطوح مختلف معناداری کوچک تر باشد، فرضیه  $H_0$  رد نمی‌شود.<sup>۱</sup>

نتایج حاصل از آزمون زیوت - اندریوز در جدول ۱ نشان می‌دهد که متغیرهای درآمد و مخارج دولت بر اساس الگوی A در سطح ناماننا بوده اما تفاضل مرتبه اول درآمدهای دولتی در سطح یک درصد مانا می‌باشد. همچنین بر اساس الگوی B هر دو متغیر در سطح ناماننا می‌باشند اما تفاضل مرتبه اول مخارج دولت در سطح یک درصد مانا می‌شود. بر اساس الگوی C هر دو سری زمانی در سطح نامانناست اما تفاضل مرتبه اول آنها در سطح ۱۰ درصد مانا می‌باشند. از آنجا که الگوی C نسبت به دو الگوی A و B کامل تر است، بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که متغیرهای الگو با لحاظ یک شکست ساختاری پس از یک بار تفاضل گیری مانا شده‌اند، بدین معنی که این متغیرها جمعی از درجه  $I(1)$  می‌باشند. این نتیجه گواهی بر اهمیت اعمال شکست ساختاری در محاسبات اقتصادسنجی

۱. از آنجا که سال‌های شکست ساختاری به صورت دینامیک استخراج می‌شود و تحلیل دقیق این شکست‌های ساختاری مشکل است، با وجود این می‌توان سال‌های شکست متغیر سری زمانی را بر اساس الگوی C به دلیل کامل بودن و در بر گرفتن مدل‌های A و B تحلیل کرد.

است. لذا اگر بخواهیم از آزمون‌های هم‌جمعی برای تعیین رابطه بلندمدت بین متغیرهای مدل استفاده نماییم، بایستی شکست ساختاری را در مدل به صورت درون‌زا اعمال کنیم تا نتایج ما تورش‌دار نباشند (نوفروستی، ۱۳۷۸).

جدول ۱. آزمون ریشه واحد زیوت - اندریوز

	Series	T	T <sub>b</sub>	Lag				$\hat{\alpha}$		$\hat{c}$
MODEL (A)	LTR	۳۱	۱۹۹۳	۱	۲/۲۴ (۳/۷۱)	۰/۰۶ (۳/۱۷)	۰/۴۳ (۲/۵۲)	-۰/۳۵ (-۳/۵۳)	---	۰/۱۰ (۰/۶۲)
	LGE	۳۱	۱۹۹۳	۱	۱/۶۴ (۳/۷۹)	۰/۰۴ (۲/۸۰)	۰/۳۳ (۳/۰۵)	-۰/۲۳ (-۳/۴۶)	---	۰/۰۴ (۰/۲۵)
	$\Delta$ LTR	۳۰	۱۹۸۹	۱	۰/۲۲ (۲/۵۰)	-۰/۰۱ (-۲/۸۳)	۰/۵۹ (۳/۷۷)	** -۱/۳۸ (-۵/۴)	---	۰/۲۰ (۱/۱۹)
	$\Delta$ LGE	۳۰	۱۹۹۰	۱	۰/۱۸ (۲/۷۱)	-۰/۰۱ (-۲/۴۷)	۰/۳۸ (۳/۴۴)	-۱/۰۹ (-۴/۲۶)	---	۰/۰۳ (۰/۲۰)
MODEL (B)	LTR	۳۱	۱۹۸۷	۱	۲/۵۳ (۲/۴۸)	۰/۰۲ (۰/۹۲)	---	-۰/۳۵ (-۲/۶۵)	۰/۰۶ (۱/۳۴)	۰/۲۶ (۱/۴۵)
	LGE	۳۰	۱۹۸۶	۱	۲/۴۳ (۲/۷۶)	۰/۰۰۳ (۰/۳۷)	---	-۰/۳۰ (-۲/۸۴)	۰/۰۷ (۱/۸۱)	۰/۳۰ (۱/۸۲)
	$\Delta$ LTR	۳۰	۱۹۹۴	۱	-۰/۰۹ (-۰/۴)	۰/۰۲ (۱/۵۶)	---	-۱/۰۲ (-۳/۶۶)	-۰/۰۳ (-۱/۵۹)	۰/۰۰۵ (۰/۰۳)
	$\Delta$ LGE	۲۷	۱۹۹۴	۴	-۰/۶۷ (-۴/۶۰)	۰/۰۷ (۵/۶۲)	---	** -۱/۷۴ (-۶/۳۲)	-۰/۰۸ (-۵/۴۳)	۰/۴۲ (۱/۹۵)
MODEL (C)	LTR	۳۱	۱۹۹۲	۱	۳/۵۱ (۲/۸۰)	۰/۰۵ (۲/۸۲)	۰/۵۹ (۲/۷۴)	-۰/۵۱ (-۲/۹۴)	۰/۰۵ (۱/۴۱)	۰/۲۶ (۱/۳۱)
	LGE	۳۱	۱۹۸۴	۱	۲/۲۱ (۲/۷۴)	۰/۰۵ (۰/۸۱)	-۰/۲۶ (-۱/۶۷)	-۰/۳ (-۳/۰۹)	۰/۰۲ (۰/۳۳)	۰/۲۹ (۱/۷۶)
	$\Delta$ LTR	۳۰	۱۹۸۹	۱	۰/۶۴ (۲/۴۴)	-۰/۰۶ (-۲/۲۷)	۰/۷۷ (۴/۱۸)	** -۱/۴۶ (-۵/۸۵)	۰/۰۵ (۱/۶۷)	۰/۲۶ (۱/۵۵)
	$\Delta$ LGE	۲۷	۱۹۹۳	۴	-۰/۵۵ (-۳/۴۱)	۰/۰۶ (۴/۵۸)	۰/۲۵ (۲/۳۰)	** -۲/۰۸ (-۶/۰۲)	-۰/۰۸ (-۵/۲۳)	۰/۶۹ (۲/۷۸)

**توضیح:** مقادیر بحرانی برای متغیرهای LTR و LGE در سطح ۱ درصد و ۵ درصد به ترتیب برای عرض از مبدأ  $-۵/۳۴$  و  $-۴/۸$  و برای روند  $-۴/۹۳$  و  $-۴/۴۲$  و برای عرض از مبدأ و روند توأم با یکدیگر برابر با  $-۵/۵۷$  و  $-۵/۰۸$  است.

۲-۱-۳. آزمون لی - استرازیکیچ با لحاظ دو شکست ساختاری

آزمون ریشه واحد لی - استرازیکیچ به بررسی مانایی متغیرها با وجود دو شکست ساختاری با استفاده از ضریب لاگرانژ می‌پردازد.<sup>۱</sup> اگر فرایند تولید داده را به شرح زیر در نظر بگیریم:

$$y = \delta Z_t + \varepsilon_t, \varepsilon_t = \beta \varepsilon_{t-1} + \varepsilon_t \quad (۶)$$

که در آن  $Z_t$  بردار متغیرهای برونزا،  $\delta$  بردار پارامترهای الگو و  $\varepsilon_t$  نوفه سفید با میانگین صفر و واریانس ثابت  $\varepsilon_t \sim NIID(0, \sigma^2)$  می‌باشند. در ابتدا ما به بررسی حالتی می‌پردازیم که در آن حالت متغیرهای الگو دارای یک شکست ساختاری باشند در این حالت تغییرات در متغیرهای الگو به دودسته تغییر تقسیم‌بندی می‌شوند، تغییر در سطح و تغییر در سطح و روند توأم با یکدیگر. در حالت تغییر در سطح  $Z_t = [1, t, D_t]$  و در حالت تغییر در سطح و روند  $Z_t = [1, t, D_t, DT_t]'$  خواهد بود که در آن  $D_t$  و  $DT_t$  دو متغیر دامی هستند که به صورت زیر تعریف می‌شوند:

$$D_t = 1, \text{ if } t \geq T_B + 1 \\ = 0, \text{ otherwise}$$

و

$$DT_t = t - T_B, \text{ if } t \geq T_B + 1 \\ = 0, \text{ otherwise}$$

که در آن  $T_B$  زمان شکست در سری زمانی است.

چنانچه تعداد شکست‌های ساختاری در متغیرهای الگو را ۲ شکست در نظر بگیریم، مدل شکست ساختاری با دو تغییر در سطح (مدل A) به صورت  $Z_t = [1, t, D_{1t}, D_{2t}]$  و مدل شکست ساختاری با دو تغییر در سطح و روند توأم با یکدیگر (مدل C) به این صورت خواهد بود.  $Z_t = [1, t, D_{1t}, DT_{1t}, D_{2t}, DT_{2t}]'$  که  $D_{jt}$  و  $DT_{jt}$  برای  $j = 1, 2$  دو متغیر دامی می‌باشند، که به صورت زیر تعریف می‌شوند:

۱. وجود بیش از دو شکست در داده‌های سری زمانی ایران ممکن است، اما جدیدترین آزمون‌های ریشه واحدی که در این مقاله نیز از آنها استفاده شده است تنها قادر به در نظر گرفتن دو شکست در آزمون ریشه واحد می‌باشند.

$$D_{jt} = 1, \text{ if } t \geq T_{Bj} + 1 \\ = 0, \text{ otherwise}$$

و

$$DT_{jt} = t - T_{Bj}, \text{ if } t \geq T_{Bj} + 1 \\ = 0, \text{ otherwise}$$

که در آنها  $T_{Bj}$  مین زمان زامین شکست ساختاری می باشد.

در این روش از معادله رگرسیون به شرح زیر برای به دست آوردن آماره آزمون ریشه واحد ضریب لاگرانژ استفاده می شود:

$$\Delta y_t = \delta' \Delta Z_t + \phi \delta_{t-1} + \sum_{i=1}^k \gamma_i \Delta \delta_{t-i} + u_t \quad (7)$$

که در آن  $\delta_t = y_t - \tilde{\psi}_t - Z_t \delta, t = 2, \dots, T$  و  $\tilde{\delta}$  بیانگر ضریب رگرسیون

$$\tilde{\psi}_t = y_t - Z_1 \delta \text{ می باشد و } \Delta Z_t \text{ بر } \Delta y_t$$

که در آن  $y_1$  و  $Z_1$  به ترتیب بیانگر نخستین مشاهده از متغیرهای  $y_t$  و  $Z_t$  می باشند. از معادله فوق به منظور بررسی فرضیه صفر ریشه واحد ( $\phi=0$ ) با استفاده از آماره  $t$  ضریب لاگرانژ استفاده می شود. محل شکست ساختاری با در نظر گرفتن تمامی شکست های ممکن، زمانی انتخاب می شود که در آن زمان آماره  $t$  ضریب لاگرانژ کمترین مقدار را به خود اختصاص دهد، مقادیر بحرانی در مقاله لی - استرازیچیک (۲۰۰۳ و ۲۰۰۴) بررسی و محاسبه شده است. نتایج حاصل از آزمون فوق در جدول ۲ آمده است.

نتایج به دست آمده از جدول ۲ نشان می دهد که متغیرهای لگاریتم در آمد و مخارج دولت براساس الگوی A انباشته از مرتبه یک بوده و هر دو متغیر الگو با لحاظ دو شکست ساختاری پس از یکبار تفاضل گیری به صورت درونزا پایا می شوند. بر این اساس می توان نتیجه گرفت که مرتبه انباشته هر دو متغیر مذکور، براساس آزمون ریشه واحد لی - استرازیچیک نیز همانند آزمون زیوت - اندریوزیک می باشد.

جدول ۲. آزمون ریشه واحد لی - استرازیچیک

	Series	$TB_1$	$TB_2$	$S_{t-1}$	$DT_{1t}$	$B_{1t}$	$B_{2t}$	$DT_{2t}$	k
MODEL (A)	LGE	۱۹۹۰	۲۰۰۷	-۰/۰۹ (-۱/۵۹)	----	-۰/۰۴ (-۰/۲۶)	۰/۳۰ (۱/۸۲)	----	۱
	LTR	۱۹۸۷	۱۹۹۸	-۰/۱۶ (-۱/۹۶)	----	-۰/۴۴ (-۱/۸۴)	۰/۵۴ (۲/۳۵)	----	۱
	$\Delta$ LGE	۱۹۸۹	۱۹۹۷	$\approx$ -۱/۳۶ (-۴/۵۶)	----	۰/۳۱ (۲/۳۲)	-۰/۲۶ (-۱/۹۳)	----	۱
	$\Delta$ LTR	۱۹۸۸	۱۹۹۷	$\approx$ -۱/۴۰ (-۴/۹۹)	----	۰/۴۶ (۲/۲۹)	-۰/۷۰ (-۳/۳۴)	----	۱
MODEL (C)	LGE	۱۹۸۷	۱۹۹۳	-۰/۷۷ (-۳/۷۶)	۰/۰۵ (۰/۵۷)	-۰/۰۲ (-۰/۱۵)	-۰/۱۳ (-۰/۸۶)	۰/۲۰ (۱/۹۶)	۱
	LTR	۱۹۸۵	۱۹۹۳	-۱/۰۸ (-۴/۷۴)	-۰/۰۰۱ (-۰/۰۱)	-۰/۴۷ (-۲/۷)	-۰/۰۵ (-۰/۳)	۰/۲۲ (۲/۲۴)	۱
	$\Delta$ LGE	۱۹۸۴	۱۹۹۱	-۱/۴۲ (-۴/۴۲)	-۰/۱۶ (-۱/۶۳)	۰/۰۹ (۰/۵۸)	-۰/۰۶ (-۰/۴۳)	۰/۰۴ (۰/۶۸)	۱
	$\Delta$ LTR	۱۹۸۶	۱۹۹۳	$\approx$ -۱/۵۸ (-۶/۸۵)	-۰/۵۰ (-۴/۰۵)	۰/۹۴ (۴/۹۹)	-۰/۲۷ (-۱/۶۲)	-۰/۰۳ (-۰/۴۶)	۱

توضیح: مقادیر بحرانی در سطوح ۱، ۵ و ۱۰ درصد برای مدل A به ترتیب برابر ۴/۵۴، ۳/۸۴ و ۳/۵۰- و برای مدل C به ترتیب برابر با ۵/۸۲، ۵/۲۸ و ۴/۹۸- می‌باشند (لی و استرازیچیک، ۲۰۰۳).  
\* مبین معناداری در سطح ۱ درصد می‌باشد.

### ۳-۳. نتایج آزمون علیت تودا - یاماموتو

اکنون که نتایج آزمون‌های شکست ساختاری، ریشه واحد و تعیین وقفه بهینه<sup>۱</sup> مشخص

۱. برای تعیین وقفه بهینه مدل در این مطالعه از معیارهایی همچون معیار اطلاعاتی آکائیک، معیار شوارتز و معیار خطای نهایی پیش‌بینی تا ۲ وقفه استفاده کرده‌ایم که همه آنها بیانگر این هستند که وقفه یک، وقفه بهینه برای مدل است (نتایج به‌منظور رعایت اختصار گزارش نشده است).

شد، به منظور بررسی رابطه علیت گرنجری از آزمون علیت تودا یا ماموتو جهت بررسی رابطه علی بین درآمدها و مخارج دولت استفاده می‌شود. با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون‌های ریشه واحد و معیارهای آکائیک، شوارتز و خطای پیش‌بینی نهایی درجه پایایی ماکزیمم و وقفه بهینه، هر دو برابر یک است. در نتیجه برای بررسی رابطه علیت تودا - یاماموتو میان دو متغیر از رابطه‌های ۱ و ۲ با تعداد ۲ وقفه استفاده می‌کنیم  $(dmax+k=I+I=2)$ . و آزمون والد برای آزمون ضرایب به دست آمده از مدل خود بازگشت برداری به کار برده می‌شود. جدول ۳، نتایج آزمون والد در مورد معناداری ضرایب با وقفه متغیرهای به کار رفته در مطالعه را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، یک رابطه علیت گرنجری یک طرفه از درآمدهای دولتی به سوی مخارج دولت در ایران وجود دارد. نتایج حاصل از این مطالعه با فرضیه مالیات - مخارج که به وسیله فریدمن (۱۹۷۸) مورد حمایت قرار گرفته و مبتنی بر این ایده است که رابطه علی از طرف درآمدهای دولت به سمت مخارج آن است، منطبق و سازگار می‌باشد.

جدول ۳. نتایج آزمون والد

نتیجه‌گیری	P-Value	آماره والد ( $\chi^2$ )	فرض $H_0$	متغیر وابسته تأثیرگذار	متغیر وابسته
LGE $\rightarrow$ LTR	۰/۲۳۲	۱/۴۲	$\beta_{1i} = 0$	LGE	LTR
LTR $\rightarrow$ LGE	۰/۰۹*	۲/۷۳۶	$\alpha_{2i} = 0$	LTR	LGE

توضیح: \* مبنی بر فرضیه صفر در سطح ۱۰ درصد است.

#### ۴. بررسی ارتباط بلندمدت میان درآمد و مخارج دولت در ایران با لحاظ شکست ساختاری

##### ۴-۱. آزمون هم‌انباشتگی گریگوری - هانسن<sup>۱</sup>

کانیتاما (۱۹۹۶) شرح می‌دهد که در حضور تغییرات ساختاری در متغیرهای الگو

1. Gregory and Hansen

آزمون‌های مرسوم هم‌انباشتگی، ممکن است منجر به ایجاد هم‌انباشتگی کاذب شود. بنابراین در این تحقیق با توجه به دوره زمانی مطالعه که در آن دوره زمانی اقتصاد ایران با شکست‌های ساختاری بالقوه‌ای همچون انقلاب، جنگ به همراه تغییرات متعدد سیاسی همراه بوده است، باید اثرات تغییرات بالقوه ساختاری به منظور اجتناب از ایجاد هم‌انباشتگی کاذب مدنظر قرار گیرد.

در این آزمون فرض بر این است که یک تاریخ تغییر جهت ساختاری در بردار هم‌جمعی بین متغیرهای سری زمانی وجود دارد. فرضیه صفر این آزمون، دلالت بر عدم وجود رابطه هم‌جمعی داشته و از این رو با سایر آزمون‌ها متفاوت است. مهم‌ترین مزیت این آزمون، تعیین نقطه تغییر جهت در رابطه بین دو متغیر به صورت درون‌زاست. گریگوری - هانسن به منظور استخراج آماره آزمون خود، از رگرسیون هم‌جمعی متعارف زیر استفاده کرده‌اند:

$$y_{1t} = \mu + \alpha^T y_{2t} + \varepsilon_t \quad t = 1, 2, \dots, T \quad (8)$$

که در آن  $y_{2t}$  یک بردار  $m$  متغیره و  $\varepsilon_t$  یک متغیر  $I(0)$  فرض می‌شود. در الگوهای تغییر جهت ساختاری برای این آزمون حالت‌های متفاوتی به شرح روابط زیر وجود دارد:

$$(C): y_{1t} = \mu_1 + \mu_2 \varphi_{tt} + \alpha^T y_{2t} + \varepsilon_t \quad t = 1, 2, \dots, T$$

$$(C/T): y_{1t} = \mu_1 + \mu_2 \varphi_{tt} + \beta t + \alpha^T y_{2t} + \varepsilon_t \quad t = 1, 2, \dots, T$$

$$(C/S): y_{1t} = \mu_1 + \mu_2 \varphi_{tt} + \alpha_1^T y_{2t} + \alpha_2^T y_{2t} \varphi_{1t} + \varepsilon_t \quad t = 1, 2, \dots, T$$

رابطه (C) به الگوی تغییر سطح، رابطه (C/T) به الگوی تغییر در سطح به همراه روند و رابطه (C/S) به الگوی تغییر رژیم (تغییر جهت ساختاری) نام گذاری شده است.  $\varphi_{tt}$  نشانگر متغیر مجازی بوده و مقدار آن برای  $t \leq [AT]$  برابر صفر بوده و برای سایر موارد مقدار یک به خود می‌گیرد (T حجم نمونه).

گریگوری - هانسن برای ردیابی روابط هم‌جمعی با وجود احتمال تغییر جهت

ساختاری و همچنین تخمین نقطه شکستگی، آماره‌های فیلپس (۱۹۸۷) و دیکی - فولر تعمیم یافته را تغییر داده و آماره جدیدی را پیشنهاد کرده‌اند.

بنابراین با عنایت به مبانی نظری گفته شده درباره آزمون هم‌انباشتگی گریگوری - هانسن می‌توان ارتباط میان درآمد و مخارج ایران در بلندمدت را به صورت زیر ارائه کنیم:

$$(C): LGE = \alpha + \beta LTR + \delta Dummy + u \quad (9)$$

$$(C/T): LGE = \alpha + \beta LTR + \gamma t + \delta Dummy + u \quad (10)$$

$$(C/S): LGE = \alpha + \beta LTR + \delta Dummy + \lambda LTR * Dummy + u \quad (11)$$

برای تعیین نقطه شکستگی، همچون آزمون ریشه واحد زیوت - اندریوز، ۷۰ درصد مشاهدات میانی سری زمانی را انتخاب و برای آن سال‌ها متغیر مجازی تعریف می‌کنیم. برای هر نقطه شکستگی ( $\tau$ ) یکی از الگوهای مورد اشاره در روابط (۹) تا (۱۱) را با روش حداقل مربعات معمولی تخمین زده و جملات پسماند آنها ( $\hat{\epsilon}_{it}$ ) را محاسبه و سپس از آزمون دیکی - فولر تعمیم یافته استفاده کرده و سالی را که دارای کمترین آماره دیکی فولر تعمیم یافته باشد، به عنوان سال شکست ساختاری انتخاب می‌کنیم. این امر برای هر سه الگوی (C)، (C/T) و (C/S) انجام شده و نتایج آن در جدول ۴ ارائه شده است.

فرضیه صفر آزمون همجمعی گریگوری - هانسن دلالت بر نبود همجمعی یا نبود رابطه بلندمدت بین متغیرهاست. با توجه به نتایج به دست آمده، می‌توان استدلال کرد که آماره  $Z_{\tau}$  به دلیل رد فرضیه صفر در سطوح اطمینان ۱۰ درصد در هر سه الگو بیان می‌کند که با در نظر گرفتن شکست ساختاری و تغییرات رژیم، رابطه تعادلی بلندمدت بین درآمد و مخارج دولت وجود دارد. آماره  $ADF$  نیز در الگوی (C) و (C/S) برای درآمد و مخارج دولت، نشانگر وجود رابطه تعادلی بلندمدت با در نظر گرفتن شکست ساختاری و تغییرات رژیم در سطح ۵ و ۱۰ درصد است ولی در الگوی (C/T) برای هر جفت از متغیرها در سطوح مختلف تعادلی نشانگر عدم وجود رابطه تعادلی بلندمدت با در نظر گرفتن شکست ساختاری و تغییرات رژیم است. آماره  $Z_{\tau}$  به دلیل عدم رد فرضیه صفر در



آزمون ارتباط بلندمدت و کوتاهمدت میان درآمد و مخارج دولت: ... ۳۶۱

سطوح اطمینان ۱ درصد و ۵ درصد بیان می‌کند که با در نظر گرفتن شکست ساختاری و تغییرات رژیم، رابطه تعادلی بلندمدت بین درآمد و مخارج دولت وجود ندارد. با عنایت به نتایج ارائه شده در جدول ۴ می‌توان نتیجه گرفت که بین درآمد و مخارج دولت در ایران با لحاظ شکست ساختاری ارتباط وجود دارد و متغیرهای مذکور در بلندمدت با یکدیگر حرکت می‌کنند.

جدول ۴. نتایج آزمون هم‌انباشتگی گریگوری - هانسن

مدل	(C)			(C/T)			(C/S)			
	ADF	$Z_{\alpha}$	$Z_t$	ADF	$Z_{\alpha}$	$Z_t$	ADF	$Z_{\alpha}$	$Z_t$	
t آماره	-۴/۸۴	-۴/۹۶	-۲۹/۱	-۳/۱۳	-۴/۷۸	-۲۸/۰	-۵/۸۳	-۵/۹۲	-۳۵/۷۲	
سال	۱۹۹۱	۱۹۹۰	۱۹۹۰	۱۹۹۷	۱۹۸۹	۱۹۸۹	۱۹۸۹	۱۹۸۹	۱۹۸۹	
مقادیر بحرانی		%۱	%۵	%۱۰	%۱	%۵	%۱۰	%۱	%۵	%۱۰
	ADF	-۵/۱۳	-۴/۶۱	-۴/۳۴	-۵/۴۷	-۴/۹۵	-۴/۶۸	-۶/۰۲	-۵/۵۰	-۵/۲۴
	Zt	-۵/۱۳	-۴/۶۱	-۴/۳۴	-۵/۴۷	-۴/۹۵	-۴/۶۸	-۶/۰۲	-۵/۵۰	-۵/۲۴
	Za	-۵۰/۰۷	-۴۰/۴	-۳۶/۱	-۵۷/۱۷	-۴۷/۰۴	-۴۱/۸	-۶۹/۳۷	-۵۸/۵	-۵۳/۳۱

مأخذ: محاسبات محقق.

#### ۲-۴. آزمون هم‌انباشتگی سایکنن - لوتکیپل<sup>۱</sup>

سایکنن و لوتکیپل (۲۰۰۰a, b, c) اظهار کردند که بسیاری از متغیرهای سری زمانی به دلیل وقوع حوادث برون‌زا که ممکن است در طول فرایند تولید آن متغیرها ایجاد گردد، در معرض شکست ساختاری قرار می‌گیرند. بنابراین آنها پیشنهاد کردند که محاسبه و تخمین تغییرات در سطح سری‌های زمانی برای استنباط مناسب و درست از مرتبه هم‌انباشتگی یک سیستم معادلات لازم و ضروری می‌باشد.

1. Saikkonen and Luetkephol

برای بررسی رابطه هم‌انباشتگی بین متغیرهای مقاله از آزمون هم‌انباشتگی سایکن و لوتکیپ (۲۰۰۳) استفاده می‌شود. این آزمون نتیجه شکست ساختاری در سیستم را براساس چارچوب معادلات چند گانه جوهانسن - جوسیلیوس بررسی می‌کند، درحالی‌که روش‌های قبلی مانند گریگوری - هانسن (۱۹۹۶) شکست ساختاری را در چارچوب تک معادله بررسی می‌کنند. سایر روش‌های هم‌انباشتگی سنتی هم توانایی بررسی شکست ساختاری را در سیستم معادلات به هیچ وجه ندارند (صمدی و پهلوانی، ۱۳۸۸). طبق مطالعات سایکن و لوتکیپ (۲۰۰۰b) و لوتکیپ و والترز (۲۰۰۳) یک سری  $n$  بعدی  $y_t = (y_{1t}, \dots, y_{nt})$  برداری از متغیرهای مشاهده شده در زمان  $(t = 1, \dots, T)$  که با فرایندی به شرح زیر تولید شده باشد:

$$y_t = \mu_0 + \mu_1 t + \gamma_1 d_{1t} + \gamma_2 d_{2t} + \gamma_3 d_{3t} + \delta Dt_{0t} + \delta_2 Du_{1t} + x_t \quad (12)$$

که در آن  $Du_{1t}$  و  $Dt_{0t}$ ، به ترتیب نشان‌دهنده متغیر مجازی واکنش و متغیر مجازی انتقال هستند که جهت بررسی شکست ساختاری وارد الگو می‌شوند، به گونه‌ای که  $Dt_{0t}$  هنگامی که  $t = T_0$  باشد برابر با یک می‌باشد و در غیر این صورت برابر با صفر است و متغیر دامی  $Du_{1t}$  برابر با یک می‌باشد هنگامی که  $t > T_1$  و در غیر این صورت برابر با صفر است. پارامترهای  $\gamma_i, \mu_0, \mu_1, \delta$  جملات غیر تصادفی و قطعی الگو هستند. متغیرهای دامی  $d_{1t}, d_{2t}, d_{3t}$  می‌باشند اما از آنجا که متغیرهای این تحقیق سالیانه است بنابراین این سه متغیر از الگو حذف می‌شود.

براساس مطالعه سایکن و لوتکیپ جمله  $x_t$  یک عملگر خطا غیرقابل مشاهده است که فرض می‌شود دارای فرایند VAR(q) به صورت زیر است:

$$x_t = A_1 x_{t-1} + \dots + A_p x_{t-p} + \varepsilon_t, \quad t = 1, 2$$

با کسر  $x_{t-1}$  از هر دو طرف رابطه بالا و پس از ساده‌سازی جملات، شکل مناسب تصحیح خطای معادله به صورت زیر به دست می‌آید:

$$\Delta x_t = \prod x_{t-1} + \sum_{j=1}^{p-1} \Gamma_j \Delta x_{t-j} + u_t$$

این معادله خواص هم‌انباشتگی سیستم را مشخص می‌کند که در آن بردار نوفه سفید بوده و  $X_t = y_t - D_t X_t = y_t$  و  $D_t$  روند تعیین شده تخمین را مشخص می‌کند. همچنین رتبه  $\prod$  نشان‌دهنده رتبه هم‌انباشتگی  $X_t$  و بنابراین  $\gamma_t$  است. در این روش از رویکرد حداکثر درست‌نمایی برای تعیین ارتباط بلندمدت میان درآمد و مخارج دولت استفاده می‌شود.

به منظور اطمینان بیشتر به نتایج حاصل از آزمون گریگوری - هانسن بررسی ارتباط بلندمدت میان درآمد و مخارج دولت در ایران طبق روش سایکنن لوتکیپل را در سه حالت مورد بررسی قرار می‌دهیم. در حالت اول یک متغیر دامی برای عرض از مبدأ (جمله ثابت)، در حالت دوم یک متغیر دامی برای جمله روند خطی و در نهایت یک متغیر دامی برای جمله روند خطی مستقل از روابط هم‌انباشتگی مورد بررسی قرار می‌دهیم. مقدار بحرانی در این روش بستگی به انتخاب یکی از سه حالت فوق دارد. علاوه بر این، نکته جالب این روش در این است که مقادیر بحرانی حتی با لحاظ متغیرهای مجازی در الگو نیز از اعتبار لازم برخوردار می‌باشد در حالی که مقادیر بحرانی آزمون جوهانسون تنها زمانی اعتبار دارد که در الگو متغیر مجازی نداشته باشد.

آزمون سایکنن و لوتکیپل برای هر تعداد متغیر مجازی موجود در الگو به کار گرفته می‌شود و همچنین در این روش امکان حذف جمله روند در الگو وجود دارد که در این صورت  $\mu=0$  خواهد شد. در این روش نیز همانند روش جوهانسون معیار اطلاعاتی SBC، AIC و HQ در مورد انتخاب مرتبه بهینه مدل خودرگرسیون برداری قابل کاربرد است.

فرضیه صفر در هر سه حالت فوق نبود ارتباط بلندمدت میان درآمد و مخارج دولت است که نتایج حاصل از آزمون هم‌انباشتگی سایکنن لوتکیپل در جدول ۵ آورده شده است. نتایج مؤید این مطلب است که فرضیه صفر عدم هم‌انباشتگی در سطح ۱۰

درصد رد می‌شود. بنابراین در بلندمدت این دو متغیر توأم با یکدیگر حرکت می‌کند. اگرچه آزمون علیت تودا - یاماموتو و آزمون‌های هم‌انباشتگی می‌تواند وجود یا فقدان رابطه علیت، جهت رابطه علیت و وجود ارتباط بلندمدت بین متغیرها را معین کند، اما نمی‌تواند نوع رابطه (مثبت یا منفی) را مشخص کند. در ادامه این مقاله به منظور بررسی ارتباط بلندمدت و کوتاه‌مدت میان متغیرهای الگو و نوع ارتباط میان آنها از روش مدل خودتوضیح برداری با وقفه‌های گسترده<sup>۱</sup> جهت برآورد ضرایب بلندمدت متغیرهای الگو و مدل تصحیح خطا برای برآورد ضرایب کوتاه‌مدت، ارائه شده توسط پسران و همکاران استفاده می‌کنیم.

### جدول ۵. نتایج آزمون هم‌انباشتگی سایکنن - لوتکیل

فرضیه $H_0$	مقدار آماره آزمون LR	مقادیر بحرانی در سطوح مختلف			
		۱۰ درصد	۵ درصد	۱ درصد	
جمله ثابت	$r=0$	۱۲/۰۷	*۱۰/۴۷	۱۲/۲۶	۱۶/۱۰
	$r=1$	۱/۳۶	۲/۹۸	۴/۱۳	۶/۹۳
جمله روند	$r=0$	۱۱/۵۸	۱۳/۸۸	۱۵/۷۶	۱۹/۷۱
	$r=1$	۱/۴۴	۵/۴۷	۶/۷۹	۹/۷۳
روند خطی مستقل از روابط هم‌انباشتگی	$r=0$	۱۰/۸۶	۸/۱۸*	۹/۸۴**	۱۳/۴۸

توضیح: \* و \*\* به ترتیب بیانگر رد فرضیه صفر در مقادیر ۱۰ درصد و ۵ درصد است.

روش هم‌انباشتگی ARDL حتی در نمونه‌های کوچک معتبر بوده و مثل بقیه روش‌های هم‌انباشتگی به حجم نمونه حساس نیست. در ضمن، در این روش، نیازی به  $I(1)$  بودن تمام متغیرها وجود ندارد. اما باید توجه داشته باشیم که هیچ متغیری نباید  $I(2)$  باشد. زیرا در این روش، مقادیر بحرانی ارائه شده توسط پسران و همکاران، با فرض  $I(0)$  یا  $I(1)$

بودن متغیرها، ارائه شده است و در صورتی که در بین متغیرها  $I(2)$  باشد، این مقادیر بحرانی صادق نبوده و آزمون اعتبار نخواهد داشت (پسران و شین، ۱۹۹۹).

### ۳-۴. الگوی خودتوضیح با وقفه‌های گسترده

همان‌طور که ملاحظه شد، متغیرهای درآمد و مخارج دولت در سطح نامانا و در تفاضل مرتبه اول پایا می‌باشند و لذا به منظور ارائه استنباط‌های پیرامون آنها، مدل انتخابی با استفاده از الگوی خودتوضیح با وقفه‌های گسترده برای دوره زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۹ با استفاده از نرم افزار Microfit4 تخمین زده خواهد شد.

روش خودتوضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL) توانایی تخمین اجزای کوتاه‌مدت و بلندمدت را به‌طور هم‌زمان دارد. این روش همچنین می‌تواند مشکلات مربوط به حذف متغیر و خودهمبستگی را رفع کند و در ضمن، به دلیل اینکه بیشتر این مدل‌ها بدون مشکلاتی چون خودهمبستگی سریالی<sup>۱</sup> و درون‌زایی هستند تخمین‌های به‌دست آمده از آنها نارایب و کارا خواهد بود (ترکمانی و پرین، ۱۳۸۴: ۳۳) مدل خودتوضیح با وقفه‌های گسترده تعمیم‌یافته را می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$a(L, P)y_t = \sum_{i=1}^k b_i(L, P_i)x_{it} + CW_t + u_t \quad (13)$$

که در آن  $L$  عملگر وقفه،  $W$  برداری از متغیرهای ثابت (قطعی یا غیر تصادفی) مثل عرض از مبدأ، متغیرهای مجازی، روند زمانی یا متغیرهای برون‌زایی با وقفه ثابت است و  $y$  متغیر وابسته و  $x_{it}$ ،  $i$  امین متغیر مستقل است  $L$  به‌عنوان عامل وقفه به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$L^j y_t = y_t - j \quad (14)$$

بنابراین:

$$a(L, P) = 1 - a_1 L^1 - a_2 L^2 - \dots - a_P L^P \quad (15)$$

$$b_i(L, P_i) = b_i + b_{i1}L + \dots + b_{ig}L^g \quad (16)$$

که در آن  $k$  و  $1$  و  $2$  می‌باشد.

Microfit معادله را برای تمام حالات و برای کلیه ترتیبات ممکن مقادیر، یعنی به تعداد  $(m+1)^{k+1}$  بار برآورد می‌کند.  $M$  حداکثر وقفه است که توسط محقق تعیین می‌شود و  $k$  نیز تعداد متغیرهای توضیحی است.

در مرحله بعد با استفاده از معیارهای آکاییک<sup>۱</sup> (AIC) شوارتز-بنزین<sup>۲</sup> (SBC)، حنان کوین<sup>۳</sup> (HQC) یا ضریب تعیین تعدیل شده<sup>۴</sup> یکی از معیارها انتخاب می‌شود معمولاً در نمونه‌های کمتر از ۱۰۰، از معیار شوارتز-بنزین استفاده می‌شود چون در تعداد وقفه‌ها صرفه‌جویی می‌کند و به همین دلیل درجه آزادی کمتری در برآوردها از دست می‌دهیم لذا در این تحقیق از این ضابطه برای تعیین تعداد وقفه بهینه در مدل‌های برآورد شده استفاده می‌شود.

حال برای بررسی این که رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرهای الگو وجود دارد یا خیر؛ آزمون زیر انجام می‌شود.

$$H_0 : \sum_{i=1}^P a_i - 1 \geq 0 \quad (17)$$

$$H_1 : \sum_{i=1}^P a_i - 1 < 0 \quad (18)$$

فرضیه صفر بیانگر عدم وجود هم‌انباشتگی یا رابطه بلندمدت است، چون شرط آن که رابطه پویای کوتاه‌مدت به سمت تعادل بلندمدت گرایش یابد، آن است که مجموع ضرایب کمتر از یک باشد. برای انجام این آزمون، باید عدد یک از مجموع ضرایب با وقفه متغیر وابسته کسر و بر مجموع انحراف معیار ضرایب مذکور تقسیم شود.

---

1. Akaike Criterid  
 2. Schwarz Criteria  
 3. Hannan - Auin Criterion  
 4. R - Bar squyred

$$t = \frac{\sum_{i=1}^P a_i - 1}{\sum_{i=1}^P Sa_i} \quad (19)$$

اگر قدرمطلق آماره  $t$ ، حاصل از قدرمطلق مقادیر بحرانی ارائه شده توسط بنرجی<sup>۱</sup>، دولادو<sup>۲</sup> و مستر<sup>۳</sup> در سطح اطمینان مورد نظر بزرگتر باشد، فرضیه  $H_0$  رد شده و وجود رابطه بلندمدت پذیرفته می‌شود. در نهایت اگر فرضیه صفر رد شود و فرضیه یک یا وجود رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرها پذیرفته شود مرحله دوم یا تخمین ضرایب رابطه بلندمدت صورت می‌گیرد (تشکینی، ۱۳۸۴: ۱۴۹-۱۴۸).

#### ۴-۴. الگوی تصحیح خطا<sup>۴</sup>

وجود هم‌انباشتگی بین مجموعه‌ای از متغیرهای اقتصادی، مبنای آماری استفاده از الگوی تصحیح خطا را فراهم می‌کند. عمده‌ترین دلیل شهرت این الگوها آن است که نوسانات کوتاه‌مدت متغیرها را به مقادیر تعادلی بلندمدت ارتباط می‌دهد. این مدل‌ها در واقع نوعی از مدل‌های تعدیل جزئی‌اند که در آنها با وارد کردن پسماند پایا از یک رابطه بلندمدت، نیروهای مؤثر در کوتاه‌مدت و سرعت نزدیک شدن به مقدار تعادلی بلندمدت، اندازه‌گیری می‌شوند، چون در کوتاه‌مدت ممکن است عدم تعادل‌هایی وجود داشته باشند. برآورد این مدل شامل دو مرحله است:

مرحله اول: این مرحله شامل برآورد یک رابطه بلندمدت و حصول اطمینان از کاذب نبودن آن است.

مرحله دوم: در این مرحله، وقفه پسماند رابطه بلندمدت را به‌عنوان ضریب تصحیح خطا استفاده کرده و رابطه زیر برآورد می‌شود.

$$\Delta y_t = a + b\Delta X_t + Cu_{t-1} \quad (20)$$

- 
1. Banerje
  2. Dolado
  3. Mastre
  4. Error Correction Model (ECM)

ضریب تصحیح خطا یعنی برآورد ضریب C در صورتی که با علامت منفی ظاهر شود - که انتظار می رود چنین باشد - نشانگر سرعت تصحیح خطا و میل به تعادل بلندمدت خواهد بود. این ضریب نشان می دهد در هر دوره چند درصد از عدم تعادل متغیر وابسته تعدیل شده و به سمت رابطه بلندمدت نزدیک می شود و  $u_{t-1}$  جمله خطای برآورد رگرسیون با یک وقفه زمانی است و این جمله خطا در رابطه فوق را می توان به عنوان «خطای تعادل» تلقی کرد چون این خطا برای پیوند دادن رفتار کوتاه مدت  $y_t$  با مقدار تعادلی بلندمدت آن مورد استفاده قرار می گیرد (همان).

#### ۴-۵. برآورد الگوی پویایی خودتوضیح با وقفه های گسترده

نتایج حاصل از برآورد الگوی ARDL برای بررسی پویایی عوامل تأثیرگذار بر مخارج دولت و تعیین وجود یا عدم وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶. نتایج حاصل از برآورد مدل پویایی (۱۰) ARDL

متغیر وابسته: لگاریتم مخارج دولت			
متغیر	ضریب	آماره t	سطح معناداری
LGE(-1)	۰/۵۰۴	۷/۷۷	۰/۰۰
LTR	۰/۴۸۴	۷/۹۰	۰/۰۰
C	۰/۳۰۲	۳/۲۷	۰/۰۰۳
$R^2 = ۰/۹۹$			

مأخذ: محاسبات محقق.

در مدل پویایی ARDL فوق برای مخارج دولت آماره t را محاسبه می کنیم.

$$t = \frac{\sum \hat{a}_j - 1}{\sum S \hat{a}_j} = \frac{۰/۵۰۴۹۴ - ۱}{۰/۰۶۴۹۸۳} = -۷/۶۱ \quad (۲۱)$$

از آنجا که آماره t محاسباتی از نظر قدر مطلق از کمیت بحرانی ارائه شده از سوی بنرجی، دولادو و مستر (۱۹۹۲) که برابر با  $۳/۲۸$  - می باشد، بزرگتر می باشد لذا فرض  $H_0$  رد



می‌شود. یعنی، رابطه تعادلی درازمدت بین متغیرهای مدل وجود دارد (همان: ۱۴۶-۱۴۵).

**جدول ۷. آزمون‌های تشخیصی (مدل تأثیر درآمدهای دولت بر مخارج آن در ایران)**

Test Statistic	LM Version	F Version
خود همبستگی	CHSQ(1) = ۰/۱۰۹ (۰/۷۴)	F(1,28)=۰/۰۹ (۰/۷۵)
شکل تابعی	CHSQ(1) = ۰/۸۵۱ (۰/۳۵۶)	F(1,28)=۰/۷۶ (۰/۳۸)
نرمال بودن جزء اخلاص	CHSQ(2)=۱/۶۸۰ (۰/۴۳۲)	Not applicable
واریانس ناهمسانی	CHSQ(1)۰۰/۰۰۱ (۰/۹۶۵)	F(1,30)=۰/۰۰۱ (۰/۹۶)

مأخذ: همان.

نتایج آزمون‌های تشخیص در جدول ۷ به‌طور خلاصه ارائه شده که مؤید برقراری فروض کلاسیک رگرسیون است. یعنی نتایج حکایت از نبود خودهمبستگی جملات خطا، عدم واریانس ناهمسانی، تصریح صحیح فرم تابعی و نرمال بودن جملات خطا می‌باشد. نتایج برآورد ضرایب بلندمدت در مدل بلندمدت ARDL که براساس فرم حل شده معادلات ساختاری طراحی شده؛ به شرح زیر است:

**جدول ۸. نتایج برآورد ضرایب بلندمدت**

متغیر وابسته: لگاریتم مخارج دولت		
متغیر	ضریب	آماره t و سطح معناداری
C	۰/۶۱۱۸	۵۸/۲۵ (۰۰/۰)
LTR	۰/۹۷۹۵	۳/۲۱ (۰/۰۰۱)

نمایش تابع بلندمدت مخارج دولت در ایران طی دوره زمانی ۱۳۸۹-۱۳۵۷ به این صورت است:

$$LGE = 0/61184 + 0/9795LTR$$

همان‌طور که از تابع برآورد شده فوق مشخص است؛ متغیر درآمدهای دولتی بر مخارج دولت در ایران تأثیر مثبت و معنادار دارد. نتایج حاصل از این پژوهش با نظریه

فریدمن (۱۹۷۸) منطبق است که معتقد به وجود رابطه علی مثبت از سمت درآمدهای دولت به مخارج دولت است، و این نظریه طی دوره زمانی تحقیق برای ایران تأیید می‌شود. ضرایب معادله بلندمدت برآوردشده، کشش‌های مخارج دولت را نسبت به متغیرهای توضیحی بلندمدت نشان می‌دهد. براساس نتایج، کشش مخارج دولت نسبت به درآمدهای دولت تقریباً معادل (۰/۹۸) است و این بیان می‌کند که ۱ درصد تغییر در درآمدهای دولتی در ایران موجب تغییر ۰/۹۸ درصد در مخارج دولت می‌گردد.

پس از دستیابی به تابع بلندمدت، پویایی (کوتاه‌مدت) مدل را می‌توان با استفاده از الگوی تصحیح خطا بیان کرد. این الگوها به دلیل اینکه نوسان‌های کوتاه‌مدت متغیرها را به مقادیر تعادلی درازمدت ارتباط می‌دهند، کاربرد زیادی دارند نتایج این الگو به شرح جدول ۹ است.

جدول ۹. برآورد مدل Ecm با مدل (۱ و ۰) ARDL

متغیر	ضریب	آماره t و سطح معناداری
dLTR	۰/۴۸۴	۷/۹ (۰/۰۰)
dC	۰/۳۰۲	۳/۲۷ (۰/۰۰)
Ecm <sub>-1</sub>	-۰/۴۹	-۰/۴۹ (۰/۰۰)
$\bar{R}^2 = ۰/۶۷۲۸$		$R^2 = ۰/۶۹$

مأخذ: همان.

با توجه به نتایج گزارش شده در جدول فوق، کلیه ضرایب علائم مورد انتظار خود را داشته و همگی معنادار می‌باشند. ضریب مربوط به جمله تصحیح خطا (-1) Ecm معنادار و علامت آن مطابق انتظار منفی است. ضریب مذکور بیانگر سرعت تعدیل مدل است، مقدار این ضریب نسبتاً بالا و برابر -۰/۴۹ و نشان می‌دهد که تعدیل انحرافات از رابطه تعادلی بلندمدت در مدت دو دوره انجام می‌پذیرد.

## ۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

رابطه علی میان درآمد و مخارج دولت مسئله‌ای بوده که از دیرباز مورد بحث و توجه اقتصاددانان بخش عمومی قرار داشته است. در این مورد در ادبیات اقتصادی نظریه‌های متفاوتی وجود دارد که می‌توان در قالب چهار فرضیه مالیات - مخارج، مخارج و مالیات، جداسازی ساختاری و هم‌زمانی مالی آنها را مورد بررسی قرار داد. از آنجا که اقتصاددانان نظریات متفاوتی در زمینه نوع ارتباط میان دو متغیر درآمد و مخارج دولت بیان داشته‌اند. لذا در ابتدا در این مقاله به بررسی ارتباط علی میان متغیرهای مذکور در ایران با استفاده از مدل‌های اقتصادسنجی و آنالیزهای شکست ساختاری می‌پردازیم. بدین منظور در این مطالعه از داده‌های سری زمانی مربوط به درآمد و مخارج دولت طی سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۹ استفاده شده است. در این راستا با به‌کارگیری تکنیک‌ها و آزمون‌های ریشه واحد و شکست ساختاری همچون زیوت اندریوز و لی استرازیچکی به بررسی مانایی متغیرها الگو پرداخته و نتایج این آزمون‌ها مؤید  $I(1)$  بودن درآمد و مخارج دولت در حضور شکست ساختاری است. سپس با استفاده از آزمون‌های گریگوری - هانسن و سایکن لوتکیپل به بررسی ارتباط بلندمدت میان متغیرها پرداخته و آزمون علیت تودا - یاماموتو جهت بررسی رابطه علی میان درآمد و مخارج دولت استفاده شده است. نتایج مؤید آن است که در اقتصاد ایران جهت علیت از طرف درآمدهای دولت به سمت مخارج دولت می‌باشد ضمن آنکه نتایج حاصل از آزمون‌های هم‌انباشتگی نشان‌دهنده وجود ارتباط بلندمدت میان این دو متغیر است به این معنی که در اقتصاد ایران این دو متغیر توأم با یکدیگر حرکت می‌کند. اگرچه آزمون علیت تودا - یاماموتو و آزمون‌های هم‌انباشتگی می‌تواند وجود یا فقدان رابطه علیت، جهت رابطه علیت و وجود ارتباط بلندمدت بین متغیرها را معین کند، اما نمی‌تواند نوع رابطه (مثبت یا منفی) را مشخص کند. لذا در ادامه به منظور بررسی ارتباط بلندمدت و کوتاه‌مدت میان متغیرهای الگو و تعیین نوع ارتباط میان آنها از روش مدل خودتوضیح برداری با وقفه‌های گسترده جهت برآورد ضرایب بلندمدت متغیرهای الگو و مدل تصحیح خطا برای برآورد ضرایب کوتاه‌مدت، ارائه شده

توسط پسران و همکاران استفاده کردیم که نتایج حاصل از این آزمون‌ها نشان می‌دهد که متغیر درآمدهای دولتی بر مخارج دولت در ایران تأثیر مثبت و معنادار دارد. نتایج حاصل از این پژوهش با نظریه فریدمن (۱۹۷۸) که معتقد به وجود رابطه علی مثبت از سمت درآمدهای دولت به مخارج دولت منطبق است و نظریه فوق طی دوره زمانی تحقیق برای ایران تأیید می‌شود.

## منابع و مأخذ

۱. ترکمانی، جواد و وحید پریزن (۱۳۸۴). «اثرات سیاست‌های پولی و نرخ ارز بر تغییرات در قیمت‌های نسبی کشاورزی»، پنجمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران.
۲. تشکینی، احمد (۱۳۸۴). *اقتصاد سنجی کاربردی به کمک Microfit*، دیباگران تهران.
۳. چهار محالی، علی اکبر و محمد خدایی (۱۳۸۳). «رابطه علیت بین هزینه‌های جاری دولت و درآمدهای مالیاتی در اقتصاد ایران برای سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۵۰»، *پژوهشنامه اقتصادی*، ش ۱۴.
۴. صمدی، علی حسین و مصیب پهلوانی (۱۳۸۸). *همجمعی و شکست ساختاری در اقتصاد*، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۵. صمدی، علی حسین و نغمه زارع حقیقی (۱۳۹۱). «آزمون مجدد رابطه بین درآمد و مخارج دولت در ایران: متقارن یا نامتقارن؟»، *فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی (رویکرد اسلامی - ایرانی)*، سال دوازدهم، ش ۴۷.
۶. کارگر حاجی آبادی، محمدحسین (۱۳۸۲). «رابطه تحلیلی بین مخارج دولتی و درآمدهای مالیاتی در ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع).
۷. نوفرستی، محمد (۱۳۷۸). *ریشه واحد و همجمعی در اقتصاد سنجی*، تهران، انتشارات رسا.
8. Abdul Aziz, Mariam and Shah Muzafar Habibullah (2000). "Testing For Causality Between Taxation and Government Spending: An Application of Toda-Yamamoto Approach", *Pertanika Journal of Social Science and Humanities*, 8(1).
9. Afonso, A. and C. Rault (2009). "Bootstrap Panel Granger-causality Between Government Spending and Revenue in the EU", William Davidson Institute Working Paper Number 944.
10. Al-Khulaifi, A. (2012). "The Relationship between Government Revenue and Spending in Qatar: A Cointegration and Causality Investigation", *International Journal of Economics and Finance*, Vol. 4, No. 9.
11. Al-Yousif Y. (2000). "Does Government Expenditure Inhibit or Promote Economic Growth: Some Empirical Evidence from Saudi Arabia", *Indian Economic Journal* 48(2).
12. Amoah, B. and F. W. Loloh (2008). "Causal Linkages between Government Revenue and Spending: Evidence from Ghana", Working Paper, WP/BOG-2008/08. Bank of Ghana.
13. Anderson, W., M. S. Wallace and J. T. Warner (1986). "Government Spending and Taxation: What Causes What?", *Southern Economic Journal*, Vol. 52.
14. Aregbeyen, O. and B. Insah (2013). "A Dynamic Analysis of the Link between Public Expenditure and Public Revenue in Nigeria and Ghana", *Journal of*

*Economics and Sustainable Development*, Vol. 4, No. 4.

15. Aslan. M. and M. Tasdemir (2009). "Is Fiscal Synchronization Hypothesis Relevant for Turkey? Evidence from Cointegration and Causality Tests with Endogenous Structural Breaks", *Journal of Money, Investment and Banking*, Issue: 12.
16. Baghestani, H. and R. McNown (1994). "Do Revenue or Expenditures Respond to Budgetary Disequilibria?", *Southern Economic Journal* 60.
17. Barro, R. J. (1974). "Are Government Bonds Net Wealth?", *Journal of Political Economy*, Vol. 82.
18. Buchana, J. and R. Wagner (1977). *Democracy in Deficit*, Academic Press, New York.
19. Chang, Tsangyao and Yuan-Hong Ho (2002a). "Tax or Spend, What Causes What: Taiwan's Experience", *International Journal of Business and Economics*, 1(2).
20. Cheng, Benjamin S. (1999). "Causality between Taxes and Expenditures: Evidence from Latin American Countries", Vol. 23, No. 2.
21. Dickey, D. and W. Fuller (1979). "Distribution of the Estimators for Autoregressive Time Series with a Unit Root", *Journal of the American Statistical Association*, 74.
22. Eita, Joel Hinaunye and Daisy Mbazima (2008). "The Causal Relationship Between Government Revenue and Expenditure in Namibia", *MPRA Paper*, No. 9154.
23. Elyasi, Y. and M. Rahim (2012). "The Causality Between Government Revenue and Government Expenditure in Iran", *International Journal of Economic Sciences and Applied Research*, 5(1).
24. Ewing, Bradley T. and James E. Payne (1998). "Government Revenue-Expenditure Nexus: Evidence from Latin America", *Journal of Economic Development*, 23(2).
25. Fasano .U and Q. Wang (2002). "Testing the Relationship Between Government Spending and Revenue: Evidence from GCC Countries", IMF Working paper, WP/02/201.
26. Friedman, M. (1978). "The Limitations of Tax Limitation", *Policy Review*, 5(78).
27. Furstenberg George M., Von, R. Jaffery Green and Jin Ho Jeong (1986). "Tax and Spend, or Spend and Tax", *The Review of Economics and Statistics*, No. 2.
28. Granger, C. W. J. (1969). "Investigating Causal Relations by Econometric Models and Cross-spectral Methods", *Econometrica*, Vol. 37, No. 3.
29. Hansen, B. E. (1998). "Sample Splitting and Threshold Estimation", Economics Department: <http://escholarship.bc.edu/econ-papers/31>.

30. Harvie, Charles and Mosayeb Pahlavani (2006). "Testing for Structural Breaks in the Korean Economy 1980-2005: An Application of the Innovational Outlier and Additive Outlier Models", Economics Working Papers wp06-09, School of Economics, University of Wollongong, NSW, Australia.
31. Ho, Yuan-Hong and Chiung-Ju Huang (2009). "Tax- Spend, Spend- Tax, or Synchronization: A Panel Analysis of the Chinese Provincial Real Data", *Journal of Economics and Management*, 5(2).
32. Hong, Tan Juat (2009). "Tax-And-Spend or Spend-And-Tax? Empirical Evidence from Malaysia", *Asian Academy of Management Journal of Accounting and Finance*, 5(1).
33. Hoover, K. D. and S. M. Sheffrin (1992). "Causation, Spending, and Taxes: Sand in the Box or Tax Collector for the Welfare State?", *American Economic Review* 82.
34. Hsiao, C. (1981). "Autoregressive Modeling of Canadian Money and Income Data", *Journal of America Statistical Association*, 74.
35. Hussain, M. Haider (2004). "On the Causal Relationship between Government Expenditure and Tax Revenue in Pakistan", *The Lahore Journal of Economics*, 9(2).
36. Johansen, S. (1988). "Statistical Analysis of Cointegration Vectors", *Journal of Economic Dynamics and Control*, 12(1).
37. Johansen, S. and K. Juselius (1990). "Maximum Likelihood Estimation and Inference on Cointegration-with Application to the Demand for Money", *Oxford Bulletin of Economics and Statistics*, 52(2).
38. Joulfaian, D. and R. Mookerjee (1990). "The Intertemporal Relationship Between State and Local Government Revenues and Expenditures: Evidence from OECD Countries", *Public Finance*, Vol. 45.
39. Kunitomo, N. (1996). "Tests of Unit Roots and Cointegration Hypotheses in Econometric Models", *Japanese Economic Review*, 47(1).
40. Lee, J. and M. C. Strazicich (2004). "Minimum LM Unit Root Test with One Structural Break", *Appalachian State University Working Papers*, No.04-17. Retrieved from: <http://econ.appstate.edu/RePEc/pdf/wp0417.pdf> (Accessed 13.09.2009).
41. Lee, Junsoo and Mark C. Strazicich (2003). "Minimum LM Unit Root Test with Two Structural Breaks", *Review of Economics and Statistics* 85(4).
42. Leybourne, S. J. and P. Newbold (2003). "Spurious Rejections by Cointegration Tests Induced by Structural Breaks", *Applied Economics*, 35(9).
43. Lutkepohl H. (2004). "Vector Autoregressive and Vector Error Correction Model", in Lutkepohl, H. and M. Kratzig (ed.), *Applied Time Series Econometrics*, Cambridge University Press.
44. Lütkepohl, H. and J. Wolters (2003). "Transmission of German Monetary Policy

- in the Pre-Euro Period", *Macroeconomic Dynamics*, 7.
45. Maghyereh, Aktham Issa and Osama Daifalla Sweidan (2004). "Government Expenditure and Revenues in Jordan, What Cause What? Multivariate Cointegration Analysis", Social Science Research Network Electronic Paper Collection.
  46. Maghyereh. A and O. Sweidan (2002). "Government Expenditures and Revenues in Jordan, What Cause What?", *Multivariate Cointegration Analysis*, <http://ssrn.com/abstract=523882>.
  47. Meltzer, A. H. and S. F. Richard (1981). "A Rational Theory of Size of Government", *The Journal of Political Economy*, Vol. 89, Issue 5.
  48. Mioara and Florina (2009). "Causality Between Government Revenues And Expenditures In Romania", Finance Chair, Academy of Economic Studies, 29. PiaŃa Romană, No. 6, Room 1124, Bucharest, Romania, Zip Code 212374.
  49. Murat, Aslan and Murat Taşdemir (2009). "Is Fiscal Synchronization Hypothesis Relevant for Turkey? Evidence from Cointegration and Causality Tests with Endogenous Structural Breaks", Anadolu International Conference in Economics June 17-19 (2009), Eskişehir, Turkey.
  50. Musgrave, R. (1966). "Principles of Budget Determination", H. Cameron and W. Henderson (eds.), Public Finance Selected Reading, New York, Random House.
  51. Nwosu, D. and H. Okafor (2014). "Government Revenue and Expenditure in Nigeria: A Disaggregated Analysis", *Asian Economic and Financial Review*, 4(7).
  52. Nyamongo, Morekwa Esman, Moses M. Sichei and Niek J. Schoeman (2007). "Government Revenue and Expenditure Nexus in South Africa", *South African Journal of Economic and Management Sciences*, 10(2).
  53. Owoye, Oluwole (1995). "The Causal Relationship between Taxes and Expenditures in the G7 countries: Cointegration and Error Correction Models", *Applied Economics Letters*, 2(1).
  54. Pahlavani, M. (2005). "Cointegration and Structural Change in the Exports-GDP Nexus: The Case of Iran", *International Journal of Applied Econometrics and Quantitative Studies*, 2-3, forthcoming.
  55. Peacock, S. M. and J. Wiseman (1979). "Approaches to the Analysis of Government Expenditures Growth", *Public Finance Quarterly*, Vol. 7.
  56. Perron, P. (1989). "The Great Crash, the Oil Price Shock and the Unit Root Hypothesis", *Econometrica*, 57.
  57. Perron, P. (1997). "Further Evidence on Breaking Trend Functions in Macroeconomic Variables", *Journal of Econometrics* 80(2).
  58. Pesaran, M. H. and Y. Shin (1999). "An Autoregressive Distributed Lag Modelling Approach to Cointegration Analysis", Centennial Volume of Ragnar



- Frisch (eds.), A.Holly and P. Diamond, Cambridge University Press, Cambridge.
59. Petanla, S. K. and S. Sadeghi (2012). "Relationship between Government Spending and Revenue: Evidence from Oil Exporting Countries", *International Journal of Economics and Management Engineering*, 2(2).
  60. Phillips, P .C.B. and P. Perron (1988). "Testing for Unit Roots in Time Series Regression", *Biometrika*, 75.
  61. Ram, R. (1988). "Additional Evidence on Causality between Government Revenue and Government Expenditure", *Southern Economic Journal*, 54(3).
  62. Ravinthirakumaran, K. (2011). "The Relationship between Government Revenue and Expenditure in Sri Lanka", Proceedings of Second International Research Conference on Business and Information, Faculty of Commerce and Management Studies, University of Kelaniya, Sri Lanka.
  63. Saikkonen, P. and H. Lütkepohl (2000a). "Testing for the cointegrating rank of a VAR process with an intercept", *Econometric Theory* 16(3).
  64. Saikkonen, P. and H. Lütkepohl (2000b). "Testing for the Cointegrating Rank of a VAR Process with Structural Shifts", *Journal of Business and Economic Statistics* 18(4).
  65. Saikkonen, P. and H. Lütkepohl (2000c). "Trend Adjustment Prior to Testing for the Cointegrating Rank of a Vector Autoregressive Process", *Journal of Time Series Analysis* 21, Zivot, E. and Rews, D., *Journal of Business and Economic Statistics* 10 (1992).
  66. Saikkonen, P. and H. Lütkepohl (2003). "Comparison of Tests for the Cointegrating Rank of a VAR Process with a Structural Shift", *Journal of Econometrics*, 113.
  67. Sameni Keivani, Farshad, Mohammad Reza Almasi, Abdolrahim Kamranzadeh Ezmareh and Morteza Bayat (2014). "The Evaluation of the Impact of the Government Revenues on the Government Current Expenditures A Case Study of Iran", *J. Appl. Environ. Biol. Sci.*, 4(2).
  68. Saunoris. J. W. and J. E. Payne (2010). "Tax More or Spend Less? Asymmetries in the UK Revenue–expenditure Nexus", *Journal of Policy Modeling*, Vol. 32.
  69. Schwarz, G. (1978). "Estimating the Dimensions of a Model", *Annals of Statistics*, 6.
  70. Shah, Anwar and John Baffes (1994). "Causality and Comovement between Taxes and Expenditure: Historical Evidence from Argentina, Brazil and Mexico", *Journal of Development Economics*, 44(2).
  71. Sims, Christopher A. (1972). "Money, Income and Causality", *AER*, 62.
  72. Sohaili, Kiomars and Mahnaz Sorkhvandi (2014). "The Causal Relationship between Tax Revenues and Current Expenditures of Government in Iran's Economy", *Reef Resources Assessment and Management Technical Paper*, Vol. 40, 1.

73. Taha, R. and N. Loganathan (2008). "Causal ity between Tax Revenues and Current Spending in Malaysia", *The International Journal of Business and Finance Research*, Vol. 2, No. 2 .
74. Toda, H. Y. and T. Yamamoto (1995). "Statistical Inference in Vector Autoregressions with Possibly Integrated Processes", *Journal of Econometrics*, Vol. 66.
75. Yuan-Hong Ho and Chiung–Ju Hunag (2009). "Tax-Spend, Spend-Tax, or Fiscal Synchronization: A Panel Analysis of the Chinese Provincial Real Data", *Journal of economics and management*, Vol. 5, No. 2.
76. Yung and Hall and E. Robert (2008). "By How Much Does GDP Rise If the Government Buys More Output?", *Brookings Papers on Economic Activity* Fall.
77. Zapata, H. O. and A. N. Rambaldi (1997). "Monte Carlo Evidence on Cointegration and Causation", *Oxford Bulletin of Economics and Statistics*, Vol. 59, Forthcoming.
78. Zivot, E. and D. W. K. Andrews (1992). "Further Evidence on the Great Crash, the Oil-Price Shock and the Unit-Root Hypothesis", *Journal of Business and Economic Statistics*, 10(3).

## فرم اشتراک

خوانندگان محترمی که مایل به اشتراک هستند می‌توانند حق اشتراک خود را به شماره حساب سیبا ۲۰۰۸۰۰۲۹۰۴۱۷۰۲، به نام تمرکز وجوه درآمد عمومی مرکز پژوهش‌ها نزد بانک ملی شعبه بلوار کشاورز کد ۱۹۰ واریز و اصل سند بانکی را به همراه برگ تکمیل شده اشتراک به نشانی دفتر فصلنامه ارسال فرمایند.

**بهای اشتراک:** ۶ شماره ۴۸۰,۰۰۰ ریال + هزینه پستی هر شماره ۳۰۰۰ ریال.  
ضمناً برای مشترکین قبلی تا اتمام حق اشتراک آنها فصلنامه به نرخ سابق ارسال خواهد شد.

**نشانی:** تهران، خیابان شهید سپهبد قرنی، بعد از چهارراه شاداب، پلاک ۱۳۱، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر امور مشترکین.

### فرم درخواست اشتراک

به پیوست حواله بانکی به مبلغ ..... ریال ارسال می‌شود، خواهشمند است

به تعداد ۶ یا ۱۲ شماره فصلنامه مجلس و راهبرد را به نام ..... به نشانی

زیر ارسال فرمایید:

نام و نام خانوادگی: ..... شغل: ..... تحصیلات: .....

نشانی: .....

کد پستی: ..... تلفن: ..... دورنگار: .....

E-mail: .....

## ویژگی‌های یک مقاله راهبردی علمی - پژوهشی

از منظر هیئت تحریریه فصلنامه مجلس و راهبرد، مقاله راهبردی علمی - پژوهشی حداقل یکی از ویژگی‌های ذیل را دارد:

۱. حاوی یافته‌های جدید علمی حاصل از طرح‌های پژوهشی، رساله‌های تحقیقاتی و سایر تولیدات پژوهشی اعم از پژوهش‌های بنیادی، کاربردی، توسعه‌ای، تحلیلی، انتقادی، نقد و بررسی علمی کتاب، همراه با ارائه نظریه یا روش جدید در راستای حل مسائل کشور با دو ویژگی اصالت و ابداع.

۲. دربردارنده تحلیل علمی از موضوع مورد تحقیق و ارائه راهکارهایی برای فائق آمدن بر مشکلات و کاهش آسیب‌ها و تهدیدهای ناشی از معضلات جامعه.

۳. دارای توصیه سیاستی روشن و دقیق درباره خال‌ها، ابهامات و تعارضات در حوزه‌های سیاستگذاری عمومی کشور و چالش‌های کلان فراروی آن و همچنین آینده‌نگاری برای تصمیم‌سازان ذی‌ربط.

۴. دارای مضامین و محتوای عمدتاً بین‌رشته‌ای با عنایت به مرتبط بودن وجوه متعدد مسائل و مشکلات با عرصه‌های مختلف داخلی و بین‌المللی حیات سیاسی کشور.

# خلاصہ انجلیسی مقالات

## **The Long and Short Run Relationship between Government Revenue and Expenditure in Iran: Considering Structural Breaks**

*Abbasali Rezaei*

The relationship between government revenue and expenditure is an important subject in public economics especially for Iran, which is suffering from persistent budget deficits. Regarding theoretical studies, there are essentially four schools of thought on the direction of causation between government expenditure and revenue. The main purpose of this study is to investigate the Long and short Run relationship between government revenue and government expenditure in Iran that covers data from 1987- 2011 by use of Toda-Yamamoto approach. Since the Iranian economy has been subjected to a multitude of structural changes and regime shifts during the sample period, time series' properties of the data are first analysed by Zivot-Andrews (1992) and Lee – Strazicich (2003,2004) model. The results of the Zivot and Andrews and Lee – Strazicich models indicate that all series under investigation are non-stationary at level. However, it is evident from the results of Zivot and Andrews and Lee – Strazicich tests that government revenue and expenditure are stationary at first difference because null hypotheses of unit roots for all the variables are rejected at 1 percent significance level. Taking into account the resulting endogenously determined structural breaks, the Saikkonen and Luetkephol (2000), Gregory and Hansen, cointegration approach and Auto regressive distributed lag are then employed to determine the long-run Relationship between Government Expenditure (GE) and Government Revenue (TR). This cointegration technique accommodates potential structural breaks that could undermine the existence of a long-run relationship between Government Expenditure and Government Revenue. The results of this paper support the Freidman (1978) hypothesis that government revenues cause expenditure and revenues have a positive causal impact on government expenditure.

**Keywords:** *Structural Break; Toda-Yamamoto Approach; Cointegration Analysis, Iranian Economy*

## **Environment's Status in Five-year Development Plans, Regarding Seven Selected Topics**

*Mahdi Goldani, Ali Emami Meibodi*

After the approval of (50) principle of the Constitution, environmental laws and regulations like other laws and legal important topics were added to provisions and five-year development plans. Although recognition of this issue in the Constitution was seen as a turning point in the history of our environment, good performance in terms of performance and environmental consequences was not followed. In this essay, following the brief introduction on the environment, we will firstly refer to our county's position based on some selected measures. Then by the use of Delphi Method, seven main topics, which are generally challenges of each programmatic systems about environmental issues, will be referred to. Afterwards, by investigating the five-year programs, the position of these topics in the first four Development Plans will be followed with respect to attention and use in program. Then, the way that these topics were met in the fifth program, will be analyzed separately. At last by analyzing the 5th plan, we introduce some ways to sustaining Sarongs, repairing Weaknesses, using Opportunities and escaping Treats.

**Keywords:** *Five-year Development Plans; Sustainable Development; International Index for Environmental Activities; Environment; Environmental Challenges*

## **Designing a Model for Policy Research Evaluation (Case-Study: Islamic Consultative Assembly Research Center)**

*Rahmatullah Gholipour, Afshin Alipour Pijani, Mohammad Hassan Moadee Rudsari*

The subject of Policy research evaluation has been explored in this essay, which is one of the critical subjects in policy research area and has not been considered important enough so far. This subject explores the indicators and factors that are influential in improvement of the quality level of consequences of policy research. In this essay, the concept of policy research and the policy research process have been explained firstly. Then by the use of exploratory-applied method and context analysis method, the references of policy research have been explored to design policy research evaluation model. Based on research findings, 34 final indicators have been identified that they have been organized in 5 dimensions or stages that have been used in designing the policy research evaluation model. Afterwards, with application of the designed model, the policy research reports have been evaluated in Islamic consultative assembly research center. For this purpose, 10 policy research reports were selected and the evaluation results have been presented in form of tables. In closing, the worst and best indicators related to the evaluation of policy research reports and also, the dimensions or stages that have gained better status in Islamic consultative assembly research center have been indicated.

**Keywords:** *Policy Research Evaluation; Policy Research; Policy Research Indicators; Islamic Consultative Assembly Research Center Reports*



## **The Role of Persian Gulf's Non-Homogeneous Political Systems in Destabilizing the Security of the Region**

*Abdorrezza Faraji Rad, Seyed Mostafa Hashemi*

Destabilizing the security in a geographical region originates from two indigenous and exogenous factors that affect each other mutually. Besides, the configuration of the security of the Persian Gulf National region is affected by them. As an internal factor, the construction of Persian Gulf's political systems affects the security of the region and threatens them. The antithetical identity of each of these political systems along with their social origins threatens the existence of other systems and in some cases, weakens it. This essay explains the fundamental specifications and differences between the political systems of the Persian Gulf region. As well as this, it refers to patterns that threaten the security of the region. Afterwards, the geographical effects of each of these political systems in instability of the region are discussed.

**Keywords:** *Geopolitical; Political System; Persian Gulf; National Security; Regional Security*

## **Nominal Exchange Rate Misalignment in Iran's Economy**

*Amir Hossein Mozayani, Saeed Ghorbani*

Exchange rate, by influencing areas like: balance of payments, competitiveness, general level of prices, informal economic activities and etc. is considered as one of the most important macroeconomic variables. In this context, assessing the direct and indirect impacts of exchange rate on economic variables and its proper management at equilibrium level, has changed it to one of the challenging points for policy makers. Because a deviation from equilibrium level of exchange rate (known as misalignment) could lead to great macroeconomic fluctuations. This article is to assess this phenomenon (exchange rate misalignment) during 2001-11 in which Iranian authorities implemented the second exchange rate unification policy followed by a hardly managed floating exchange rate approach.

For this reason, a basic monetary exchange rate determination model during 1989-2001 was estimated and then it was simulated through real data to estimate equilibrium exchange rate in an ex-post approach. The results imply a great exchange rate misalignment which has been overvalued more than 95% in some periods. These results emphasize moving towards an equilibrium exchange rate. The results also suggest that the price level has had much more impact on exchange rate than national Income and volume of money.

**Keywords:** *Exchange Rate; Misalignment; Simulation; Unification; Iran*

## **The Study of the New Islamic Penal Code Regarding Principles of Legal Writing (Criticism of Law)**

*Rouhollah Akrami*

As one of the most important criminal Acts in Islamic Republic of Iran during three decades after the Islamic Revolution, the Islamic penal code has changed severely and was performed many years as an Experimental Act. Finally, in 2013 the first four books of this Act were completely revised. Although this Act has several advantages compared to the Penal Code Act of 1991, it has notable Criticisms regarding Principles of Legal Writing. In this article, we have studied the status of this Act according to the principles Such as The Content coherence, Utility, Acquisition, principle-Oriented Approach, abbreviation, Structural discipline, attention in use of terms, perspicuity, Commitment to Framework of the Act.

**Keywords:** *Islamic New Penal Code; Principles of Legal Writing; Legal Critique*

## **Comparative Assessment of Economic Risk in Islamic Republic of Iran for 1380-1390 Period**

*Mahdi Abdi, Hossein Dorri Nogurani*

In the present world, on the one side the society industrialization and extension of international trade and financial transactions and on the other side, the importance of risk in the world out of theory and doctrine forces us to take steps to make these analyses of economic risk practical. Respecting the significance of these analyses for before and after exchanges, the present paper tries to assess the economic risk of Islamic Republic of Iran for 1380-1390 period by using the International Country Risk Guide (ICRG) method, which contains coherence theoretical and practical bases. Since the size of these indexes and presented ratings can be a benchmark of attraction or repulse of international resources, especially it is a good criterion for attraction or divestment of international agent's confidence, so these indexes' verification can determine whether this institute has deviation in its analysis or not, due to lack of access to precise data or intentional bias. Results suggest that the composite economic risk (mixture of pure economic risk and financial risk) by using the internal organizations' data in Iran is less than the forecasted one by ICRG. It can be the result of: 1- relative closeness of financial markets and not getting affected by these markets from international financial markets 2- the expectations of this institute compared to the size of financial and economical interactions of Iran. But the forecast of ICRG for pure economic risk in research period are bigger than calculated one.

**Keywords:** *Composite Economic Risk Rating' Anking; Financial Risk; Pure Economic Risk; International Country Risk Guide Method*

## **Optimal decision-making Model Based on the Social Model of Decision-making in Government Agencies**

*Fatemeh Taheri Yakhforouzani, Nader Bohlooli Zaynab, Bahram Sarmast*

In the twenty-first century man is stepping into the growing transformations' century and will face more complex and difficult issues. To meet the new century, there is need for new and complex policy decisions and if the policy-making system fails to coordinate with the complex issues and changes of the time, the loss will be inevitable. Accordingly, the overall goal of this research is to provide an optimal decision-making model based on the social decision-making model in governmental agencies. This research wants to indicate the impacts of the participation of stakeholders in decision-making, governing value framework, considering the effects and causes of the problem creation, passing the entire decision-making process based on the social model on decision-making of governmental managers.

**Keywords:** *Decision-making; Social Model; Decision-making Process; Decision-makers*

## **Regional Security in the Scope of Eurasia and Iran's Position**

*Masoud Rezaei, Shahab Jahanian*

After the collapse of the Soviet Union, the New Eurasia, as the sleeping area and away from the center of the world politics, has become the focus of attention for the regional and trans-regional powers. After Russia, Iran also is a central player in this region due to its geostrategic and unique position. In this context, the development of cooperation and regional security concerns are all the main subject and priority for the I.R. of Iran. This means what is the Iran's position in the region? To what extent are the problems facing the country comprehensive in terms of security? How can the most important strategic elements of future security relations with the countries of the region be analyzed and at what level can the country play its rightful role within it? These questions and more are issues, all of which will be addressed in this essay. Therefore, according to many variables with different impacts, realities and complexities of the region and by considering the possibility of role advancement of Iran in the territory of Eurasia, this paper tries to explain Iran's regional approach according to rational behavior and the relative desirability in the area of regional security. In this context, the concept of security and its regional approaches will be investigated theoretically in a descriptive-analytical method firstly. Additionally, on the one hand a series of changes that instigate the insecurity and instability of Eurasia, and on the other hand, those issues specifically in the central East sub-systems, South Caucasus and the Caspian region that are identified as Iran's immediate security environment in the framework of Eurasia, are analyzed.

**Keywords** :Iran; Eurasia; Central Asia; Regional Security; South Caucasus; Caspian Sea; America

## **Energy Productivity, Pollution and Environmental Taxes at the Economic Justice Perspective, the Case of Non-Metallic Minerals Industries in Iran**

*Mohammad Ali Feizpour, Abolfazl Shahmohamadi, Mohammad Khayat Sarkar*

The environmental taxes can be considered as taxes levied on pollution which are imposed on environment. In other words, environmental pollution indicates a lack of energy productivity in every sector of the economy. So, there is a significant correlation between energy productivity and environmental tax. Accordingly, this paper attempts to evaluate the presence or absence of a relationship between these variables by examining energy productivity and pollution measurement. This survey is performed for non-metallic minerals industry as one of the most energy intensive and polluting industries in Iran. To do this, partial productivity index is used to calculate the energy productivity. The amounts of pollution are calculated by emission coefficients of six pollutants included Carbon Dioxide (CO<sub>2</sub>), Carbon Monoxide (CO), Sulfur Oxides (SO<sub>x</sub>), Nitrogen Oxides (NO<sub>x</sub>), Unburned Hydrocarbons (HC) and Suspended Particulate Materials (SPM) caused by combustion of Natural Gas, Fuel Oil and Gas Oil. The relationship between air pollution and energy productivity is indicated using panel data method. The results suggest that there is a negative and significant relationship between energy productivity and air pollution. Hence, according to the findings of this study, economic justice requires firms with lower energy productivity rates pay higher environmental taxes. In terms of policy, these findings indicate the need for changes in tax rates according to energy productivity in manufacturing firms in Iran.

**Keywords:** *Economic Justice; Environmental Taxes; Industrial Emission; Non-Metallic Minerals Industries*

## **The Roots, Instances and Consequences of Electoral Corruption**

*Mahdi Amiri*

Electoral corruption has a history as old as elections. However, to study and identify this phenomenon efforts have been undertaken by research and study centers mainly during the last two decades. This is more important in terms of consequences and devastating effects for a country and its political system. This essay examines various aspects of electoral corruption and gives an explanation of the roots of the incidence and prevalence of this phenomenon and explains its effects and consequences. It argues that this type of corruption has a significant effect especially in reducing the legitimacy of the political system and strengthening the possibility of internal conflict.

**Keywords:** *Political Corruption; Electoral Corruption; Legitimacy; Democratic Elections; Voting; Parties*



## **Islamic Republic of Iran's Constitution's Economic Development Model**

*Meisam Pileforoush*

As the manifestor of cultural, social, political and economic institutions of the people of Iran based on Islamic principles and rules, the Constitution of the Islamic Republic of Iran can be the clear guide to present an Iranian-Islamic development model. This Constitution has a model for all aspects of social life like: political, economic, cultural aspects. These models in cooperation with each other, shape the Constitution system in order to reach to ideal society. The final goal of this system is to contrive the growth and promotion and development of human being that finally becomes "perfect man".

The Constitution has determined economic duties for the government in such a way that we can call the economic model of Constitution: "Satisfying Basic Needs". In this model, the Government is bound to harness all the facilities of the country to satisfy basic needs (including housing, food, clothing, hygiene, medical treatment, free education and physical training for everyone at all levels, the necessary facilities for establishment of a family for all citizens and ensuring conditions and opportunities of employment for everyone) of members of the society. This model is flexible, phased, targeted and measurable and is completely related to the political and cultural model of the Constitution. Whenever this model, which is the satisfaction of basic needs of each person, is performed, the required condition for improvement is provided. In Constitutional logic, improvement is nothing but the realization of "the perfect man".

***Keywords:** The Islamic Republic Constitution; Development Model; Iranian-Islamic; Government's duties; Basic Needs*

# **English Abstracts**



**Publisher: Majlis Research Center**

**Director in Charge: Jalali, K.**

**Editor-in-Chief: Sobhani, H.**

**Managing Editor: Sadrinia, H.**

## **Editorial Board:**

**Beygzade, E.** (Professor, Faculty of Law, Shahid Beheshti University)

**Ghasemi, M.** (Assistant Professor, Majlis Research Center)

**Masoudi Asl, I.** (Assistant Professor, Majlis Research Center)

**Naderan, E.** (Associate Professor, Faculty of Economics, Tehran University)

**Pourseyed, B.** (Assistant Professor, Majlis Research Center)

**Seyednourani, S. M. R.** (Associate Professor, Faculty of Economics, Allameh Tabatabaee University)

**Sobhani, H.** (Professor, Faculty of Economics, Tehran University)

**Sohrabbpour, S.** (Professor, Faculty of Mechanical Engineering, Sharif University of Technology)

**Tari, F.** (Associate Professor, Faculty of Economics, Allameh Tabatabaee University)

**Yousefi, M. Gh.** (Professor, Faculty of Economics, Allameh Tabatabaee University)

## **Editorial Advisory Board:**

Abrishami, H.; Agha Ebrahimi Samani, F.; Aghaei, S. D.; Arabmazar, A. A.; Asefi, H. R.; Azar, A.; Bahremand, H.; Eftekhari, A.; Emami Meybodi, A.; Entezari, A. R.; Eslamloueian, K.; Farzinvasht, A.; Kavakebian, M.; Koolaei, E.; Manteghi, M.; Mehrabi, A. A.; Mohamadi, M.; Monjazebe, M. R.; Mortazavi, M.; Motaki, M.; Omidi, J.; Rahbar, F.; Saleh, I.; Seyyed Nourani, S. M. R.; Sobhani, H.; Sour, A.; Zangeneh, S.

According to Letter No 3/27-958, Dated 14 March 2012 of the Ministry of Science, Research and Technology the Quarterly has been Accredited as a Scientific - Research Journal.

## **Majlis Research Center,**

No. 131, After Shadab Crossroad, Sepahbod  
Gharani Ave., Tehran, Iran

**Publication:** +9821-83357158

**Fax:** +9821-83357157

**Subscription:** +9821-83357731

[www.nashr.majles.ir](http://www.nashr.majles.ir)

[mrcmag@majlis.ir](mailto:mrcmag@majlis.ir)

[rc.majlis.ir](http://rc.majlis.ir)

**Editor:** Amin Eskandari, Sh.

**English Abstracts:** Mirzababaei, E.

**Lay Out:** Sanavi, N.

**Designer:** Ashourzade, A.

**Site Issues:** Sanavi, N., Atarodi, A.

• The Views Expresse in Majlis & Rahbord are those of the Authors and not Necessarily those of the Editors or MRC.

• All or Parts of the Articles in this Quarterly maybe Freely Quoted our Reprinted, but Acknowledgment is Requested.